

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۵

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام
درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

زمستان ۱۴۰۱

فهرست کامل

۰۱ مقدمه

۰۲ مصاحبه‌ها

- «بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،
- «- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟
آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،
- «از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،
- «من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،
- «هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،
- «کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،
- «گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،
- «همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،
- «اینستاگرام جذاب تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،
- «همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترام» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،
- «از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،
- «اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکو بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاشق پیکو بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایشش دیگه، مگه دست خودش» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،

«دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینیچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستن، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،

«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانید اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانید اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،

«مهرداد و آيسان هم همیشه دورین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان‌لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، و گرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«می‌لاد این جوری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سکتشهون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،

«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،

«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش

می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،

«من وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با

دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست

کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط

محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

۰۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مصاحبه‌های انجام شده

فصل اول: برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان قبل از ورود به اینستا (ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش فعال، پررنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران، ارضای هیجان‌جویی کاربران، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام - با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب -، نقد دینی نظام - به تبع نقد سیاسی -).

فصل دوم: ورود به اینستا و اثرپذیری از آن (امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی‌های مفید، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی - به عنوان منابع ارزشی جدید -، پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران، تحول - آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور

مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء‌مصرف مواد، سایه‌گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیرموثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتک‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی).

فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان: تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار.

فهرست کتاب حاضر

۱۵.....	مقدمه جلد پنجم کتاب
۲۵.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۵.....	فصل اول:
۲۵.....	ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب
۳۹.....	کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید
۵۱.....	سواد رسانه‌ای اندک کاربران
۵۶.....	تحقق یادگیری و آموزش فعال
۶۳.....	پر رنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم
۶۶.....	جذابیت‌های کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید
۶۸.....	اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران
۷۲.....	ارضای هیجان‌جویی کاربران
۷۷.....	تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی
۸۳.....	تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری
۸۹.....	افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان
۹۴.....	ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی
۱۰۳.....	نسل تجربه‌گرا
۱۰۵.....	تحول‌های هویتی
۱۱۴.....	گسست نسلی
۱۲۱.....	تحول‌های فرهنگی - اجتماعی - سیاسی - عقیدتی برخی از خانواده‌ها
۱۲۵.....	ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی
۱۲۷.....	تحقق جهانی شدن و جهانی اندیشیدن
۱۳۶.....	نقد سیاسی نظام (با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب)
۱۴۰.....	نقد دینی نظام (به تبع نقد سیاسی)
۱۴۹.....	فصل دوم: ورود به اینستا و کاربری از آن
۱۵۰.....	امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک
۱۶۵.....	اطلاع‌رسانی
۱۷۰.....	ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی
۱۷۹.....	ارتقای فرهنگ کتابخوانی
۱۸۹.....	تبدیل قسمت‌هایی از اینستاگرام به یک گالری هنری
۱۹۱.....	پذیرش دیگر اقوام بشری
۱۹۴.....	پذیرش تولید محتوای کاربران

- ۲۰۲..... اثرپذیری از سلبریتی‌ها
- ۲۱۱..... اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی (به عنوان منابع ارزشی جدید)
- ۲۲۴..... پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی
- ۲۳۱..... اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل
- ۲۴۰..... استقبال از فرهنگ فمینیستی (جنبش برابری زن و مرد)
- ۲۵۲..... گسترش نگاه ابزاری و تحقیرآمیز نسبت به زنان
- ۲۵۷..... کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی
- ۲۷۳..... کاربری از زیورآلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب
- ۲۷۶..... اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی
- ۲۸۱..... استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی
- ۲۸۵..... جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران
- ۲۹۳..... آزادی عمل در انتخاب افراد و منابع فرهنگی مورد استفاده
- ۲۹۵..... اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران
- ۲۹۹..... تحول‌آفرینی‌های نامناسب در زبان
- ۳۱۱..... جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب
- ۳۱۹..... سرگرمی و گذران فراغت
- ۳۲۹..... مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام
- ۳۳۷..... رقابت در جهت به دست آوردن هر چه بیش‌تر کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر
- ۳۴۹..... کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی
- ۳۵۳..... انجام چالش‌های نامتعارف
- ۳۶۰..... دامن زدن به هرزه‌نگاری
- ۳۶۹..... استقبال از صور مختلف حیات جنسی
- ۳۸۲..... استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید (مدنی)
- ۳۸۸..... تحولیابی مقوله عشق
- ۳۹۶..... کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران
- ۴۰۲..... پررنگ شدن مقوله شرطبندی و قمار در ذهن کاربران
- ۴۱۰..... کاهش حساسیت در برخورد با سوءمصرف مواد
- ۴۱۴..... سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی
- ۴۲۹..... نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران
- ۴۳۵..... مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام
- ۴۳۹..... ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته
- ۴۴۴..... بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن
- ۴۵۰..... جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی
- ۴۵۲..... تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز
- ۴۵۵..... اتکاء به منابع غیرموثق

۴۶۲.....	سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتگ‌ها.....
۴۶۳.....	محوریت یافتن مقوله فضای مجازی و اینستا در مدارس پنهان.....
۴۶۸.....	ضروری ندانستن تحصیل و طی دوره آموزش عمومی.....
۴۷۰.....	تنزل دید زیست محیطی کاربران.....
۴۷۴.....	تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان.....
۴۸۰.....	تغییر مرجع فرهنگی کاربران از خانواده، مدرسه و جامعه به اینستاگرام (و فضای مجازی).....
۴۹۰.....	دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم.....
۵۰۲.....	گسست ارزشی و فرهنگی.....
۵۲۶.....	فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان.....
۵۳۹.....	برخی از مآخذ.....

مقدمه جلد پنجم کتاب

در مقدمه جلد نخست این مجموعه از سایه گستر شدن فضای مجازی و ضرورت بسترسازی‌های فرهنگی لازم برای کاربری بهینه از آن یاد شد تا به این ترتیب با کاهش تهدیدهای آن، امکان بهره‌وری هر چه بیش‌تر از فرصت‌های آن فراهم آید. در ادامه، از تجربه تاریخی غرب یاد شد که در مواجهه با آمیزه فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، کوشیده است تا با بسترسازی فرهنگی لازم و انجام اقدام‌هایی مانند: تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود (نظیر تهیه پویانمایی‌های جنسی برای کاربران متقاضی این دست از اطلاعات)، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، انجام اطلاع‌رسانی‌های لازم به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل‌کننده (تبلت، تلفن همراه، اینترنت و ماهواره) برای اولیا، اعمال نظارت (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، تدوین قوانین منع آسیب و ایزدای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسوولان برای ایجاد محیطی امن‌تر (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارائه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت کاربران فضای مجازی و مانند آن، کوشیده است تا با بسیج امکانات لازم از پزشک و کتابدار گرفته تا وزارتخانه‌های مختلف (نظیر وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی، ارتباطات) و حتی کلیسا، روشنگری‌های لازم در جهت کاربری بهینه از فضای مجازی را در غرب پدید آورند.

اما برخلاف تجربه بشری اخیر که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای

فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، و تأکید گردید، برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌های جدید، انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری کاربران از آن زد.

به بیان دیگر، نفی فناوری‌های ارتباطی که از سوی برخی از مسوولان کشور ارایه شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، راهکار مؤثری نیست، همان‌گونه که به سبب کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی، دل بستن به جایگزین کردن «کامل» شبکه‌های اطلاع رسانی داخلی، برنامه موفق نخواهد بود، اما در این میان می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی لازم، ضمن اطلاع رسانی به کاربران (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، اولیا و اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه)، در باب خطرهای بالقوه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، آنان را از سویی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های فناوری‌های ارتباطی جدید و از سوی دیگر به حداکثر رساندن منافع آن‌ها یاری رساند.

در ادامه مقدمه، پس از بررسی اجمالی ادبیات پژوهش درباره اثرات اینستا بر روی کاربران، از مواردی نظیر: کاربری‌های آموزشی اینستا، استفاده از اینستا در زمینه‌های پژوهشی، گسترش ارتباطات، کاربری از اینستا در جهت ایجاد موج‌های اجتماعی، اثرات هویتی اینستا برای نوجوانان و جوانان، استفاده از اینستا در جهت گذران فراغت، سلامت، مسایل حقوقی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی، اثرات منفی آموزشی، اعتیاد به اینستاگرام، اثر منفی بر عزت نفس، کاهش سازگاری، کاهش رضایت از زندگی، احساس طرد اجتماعی، نوسان‌های عاطفی، تنیدگی، اثرات منفی هویتی، اثرات عقیدتی، اثرات منفی بر سلامت روان، افسردگی، اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن، اختلال خواب، ترس از دست دادن، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف الکل، تحریک جنسی و دامن زدن به مسایل جنسی، افکار خودکشی، آزارگری و قلدری سایبری، کودک آزاری، بزه کاری، خودشیفتگی و بی‌توجهی به ارتقای سواد رسانه و امنیت اندک اینستا، یاد شد.

در فراز بعدی مقدمه، ضمن تأکید فضای اجتماعی متفاوت ایران و غرب، از خط‌مشی اینترنت پاک و به زبان امروزی‌تر، صیانت از فضای مجازی که در دستور کار مسوولان فرهنگی کشور است، سخن به میان آمد.

در توصیف فضای اجتماعی متفاوت ایران، باید خاطر نشان کرد، مواردی مانند: «کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، «تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار»، «تحقق جهانی اندیشیدن»، «بصری شدن فرهنگ مکتوب»، «خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان در بمباران اطلاعاتی آنان در فضای مجازی»، «ایجاد نوسان‌های روانی در کاربران» و «اتخاذ برخوردها و خط-مشی‌های مبتنی بر صفر و یک»، در نسل جوان ایران قابل مشاهده است که این موارد در اتخاذ هر نوع تصمیم آنان ذی نقش و مؤثر ظاهر می‌گردند.

در ترسیم خط‌مشی مسوولان فرهنگی کشور در مواجهه با فضای مجازی هم بیان شد، توهم‌زدگی برخی از مسوولان فرهنگی، مانع از فهم درست مسایل برای آنان شده است و آنان تصور می‌کنند، با توسل به مواردی مانند فیلترینگ، توقیف و ممنوعیت در مقوله فضای مجازی و مانند آن، می‌توانند حرف آخر را بزنند، حال آن که چنین نیست و نمی‌توان علم را متوقف نگاه داشت و هیچ فیلتری در برابر پیشرفت علم امکان موفقیت نخواهد داشت. به تعبیر دیگر، اگر زمانی در سال ۱۳۷۴ با طرح ماهواره در ایران، برای گرفتن کانال‌های ماهواره، دیش‌های ۴-۵ متری لازم بود، در حال حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی، دیش‌هایی با یک صدم طول دیش‌های پیشین، عملکردی بهتر از دیش‌های بزرگ سابق را به معرض دید نهاده و در آینده‌ای نزدیک، با زیر پوشش قرار گرفتن تمامی کره زمین با ماهواره‌های ایلان ماسک، در عمل هر نوع فیلترینگی به حافظه تاریخ سپرده خواهند شد.

نوجوانان و جوانان کاربری که با پیش زمینه‌های اجتماعی و روانی پیش گفته، با فضای مجازی و خاصه شبکه اجتماعی تصویر محور اینستاگرام مواجه می‌گردند، رفته رفته جذب جذابیت‌های ظاهری محتواهای اخیر شده، و به تدریج قانع می‌شوند که در جست‌وجوی جایگزین مورد نظر خویش، به لحاظ فیزیکی باید مهاجرت به کشورهای خارجی را در دستور کار خود قرار دهند و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم باید هنجارها و ارزش‌های تبلیغ شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون اینستا را مدنظر خود قرار دهند.

در مورد ارزش‌های القایی شبکه‌های اجتماعی که جوانان خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، لازم به توضیح است که فضای مجازی در عمل عرصه گسترده‌ای را برای هویت‌های حاشیه‌ای، شاخ‌های مجازی، اینفلوئنسرها و بلاگرها گشوده و پدید آورده است که پیش‌تر در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف مطرح نبودند.

گذشته از موج آفرینی جدیدی که با سایه گستر شدن فضای مجازی، چهره‌های جدید برای کاربران پدید آورده اند و غالباً آنان را به سمت و سوی یک زندگی تجملاتی، مصرف‌زده، لذت‌مدار و مبتنی بر هوس سوق می‌دهند، عناصر مرسوم فرهنگ غرب نیز در دسترس کاربران فضای مجازی؛ از جمله شبکه اجتماعی اینستاگرام قرار می‌گیرند.

کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها، سرگرمی‌ها، مدها، عرضه وسایل تزئینی (برگرفته از فیلم‌ها و سریال‌های غربی) و در کنار همه آن‌ها، طرح سلبریتی‌های غربی، عرضه گسترده-ای را برای القائات فرهنگی-اجتماعی-عقیدتی-زیباشناختی کاربران رقم می‌زنند. آثار اخیر غالباً واجد ارزش‌هایی نظیر علم‌گرایی، مدنیت، دموکراسی و اقتصاد قوی که در غرب وجود دارند، نبوده، بیش‌تر واجد ارزش‌هایی مانند مصرف‌زدگی، هیجان‌طلبی، روابط نامتعارف جنسی، اعتیاد، الکلیسم، شیطان‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند که ذهن جوان ایرانی را در جریان کاربری از محتواهای اخیر، مخدوش می‌سازند.

بنابراین در فضایی که تولیدهای فرهنگی داخل (که عمدتاً با بودجه‌های دولتی و بدون پشتوانه علمی لازم تهیه شده اند و غالباً جنبه شعاری دارند)، در برابر انبوه تولیدهای فرهنگی غرب که با مطالعات علمی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اولیه و صرف بودجه‌های گزاف و پردازش‌های هنری و جذاب، خلع‌السلاح می‌گردند، کاربران نوجوان و جوان ایرانی عمدتاً تحت تأثیر انبوه کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها و خاصه سلبریتی‌های غربی که بعضاً مبلغ موضوع‌هایی مانند لذت‌مداری و هوس‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند، قرار می‌گیرند.

اثرپذیری نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی و خاصه شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام سبب می‌شود، اقشار قابل‌تأملی از آنان، پس از مایوس شدن از تحول آفرینی در داخل کشور، به طور کامل متوجه خارج از مرزهای کشور شده، در این میان به لحاظ فیزیکی گریز از کشور و مهاجرت به کشورهای دیگر و به لحاظ روانی و ارزشی، به پذیرش ارزش‌های مادون فرهنگ غرب دست بزنند، به این معنا که آنان یا به حمایت از نهضت فمینیسم (در اشکال افراطی آن که مثلاً با شعار ضرورت له کردن مردان، در عمل مروج هم‌جنس‌گرایی زنان بوده یا ازدواج با مرد ایرانی را نفی می‌کنند) یا حمایت از جامعه اقلیت جنسی (ال‌جی‌بی‌تی)، شیطان‌پرستی، خرافه‌پرستی (نظیر پناه جستن به فلسفه فنگ‌شویی) پرداخته، به فضای ارزشی جدیدی گام نهند که در کنار تبلیغ مدام زندگی‌های لاکچری، در مجموع نوجوانان و جوانان را به سمت سبک زندگی جدیدی سوق می‌دهد که در تعارض عمیقی با سبک زندگی تکلیف‌مدار در جامعه و فرهنگ خودشان هست.

به تعبیر دیگر، هجمه فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، زیباشناختی اینستاگرام از سوئی و توهم زدگی مسوولان فرهنگی جامعه و ضعف‌های مفرط نهادهای فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی آن از سوی دیگر، در عمل ضمن ایجاد تحولاتی نظیر از خودیگانه کردن کاربران نوجوان و جوان، القای فرهنگ لاکچری به آنان، رقم زدن تحولاتی هویتی شدید در جوانان (نظیر تحقق یافتن هویت‌های کاذب، پنهان، دوپاره شده و معارض)، سبک زندگی کاربران را تغییر می‌دهد و البته تغییر اخیر به نوبه خود، تحولات عمیقی را در نوع نگاه زیباشناختی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربران پدید آورده و رقم می‌زند، به این معنا که برخلاف غرب که از فلسفه‌ای انسان‌مدار (و بالطبع لذت‌مدار) تبعیت می‌کند، در این مرز و بوم در طول تاریخ، اندیشه خدامدار (و بالطبع تکلیف‌مداری انسان)، مطرح بوده است، اما در تحولات پدید آمده، اقتضای قابل تأملی از نوجوانان و جوانان ایرانی با جابه‌جا کردن دید اولیه تکلیف‌مدار خویش با دیدی لذت‌مداری، در عمل تحولی اساسی را در زندگی فردی و اجتماعی خویش رقم زده و پدید می‌آورند. با توجه به آن چه از آن یاد شد، نگارنده با ملاحظه رویکرد نادرست مسوولان امر در فضای مجازی از سوئی و آسیب دیدگی سرمایه‌های انسانی کشور از سوی دیگر، برای کمک به اولیا و اولیای آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان در صدد روشنگری در این امر برآمد که در قسمتی از این اقدام‌ها، تهیه مجموعه قریب ۴۰ جلدی «اینستا از درون»، در جهت ترسیم فراز و فرودهای آثار زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی و زیباشناختی کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در سطح کاربران ایرانی در دستور کار نگارنده قرار گرفت که اکنون جلد پنجم «چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام»، فاروی شما است.

در جلد اول تا چهارم این مجموعه، پس از مقدمه، مصاحبه‌های زیر آمدند:

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرام بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟»

آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارابه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشماش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترامه» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکو بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاااشق پیکو بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایش‌ها دیگه، مگه دست خودشه» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،

«دیدن سریال سکس اجو کیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستند، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،

«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانید اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانید اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،

«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربين مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، و گرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«می‌لاد این جوری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سخته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،

«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،

«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالمم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش

می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،

«من وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با

دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست

کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط

محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

در این جلد با توجه به مباحث مطرح شده در مصاحبه‌هایی که گزارش آن‌ها ارایه شد، جمع‌بندی

آن‌ها ارایه شده، دورنمایی کلی از اثرات فرهنگی کاربری از اینستا در سطح کاربران نوجوان و جوان

ارایه خواهد شد. عناوین مورد بحث در کتاب حاضر به قرار زیرند:

فصل اول: برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان

قبل از ورود به اینستا (ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش سن

کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش

فعال، پررنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته،

اثرات فرهنگ جمع‌گرایی ایران، ارضای هیجان‌جویی کاربران، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای

مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه

برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های

فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی

به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام -با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب-، نقد دینی نظام -به تبع نقد سیاسی-.

فصل دوم: ورود به اینستا و اثرپذیری از آن (امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی -به عنوان منابع ارزشی جدید-، پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذایقه و عادات غذایی کاربران، تحول‌آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء مصرف مواد، سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیر موثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتگ‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش

عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی).
فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان: تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل اول: مقدمه‌ای در باب ترسیم شرایط روانی- اجتماعی کاربران نوجوان و جوان قبل از ورود به اینستا

در بررسی برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان فضای مجازی (قبل از ورود به اینستا)، عناوین زیر به اجمال مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش فعال، پررنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت‌های کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، اثرات فرهنگ جمع- گرای ایران، ارضای هیجان‌جویی جوانان، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی‌اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام (با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب)، نقد دینی نظام (به تبع نقد سیاسی).

ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب

تأخیر دو، سه دهه قبل، تنها رسانه ملی به عرضه کارتونها و پویانمایی‌ها و فیلم‌های کودکان و نوجوانان اقدام می‌کرد، اما به تدریج با باز شدن پای لوح‌های فشرده حاوی کارتونها و یا فیلم‌های مختلف یا وارد عرصه شدن تبلت و کاربری کودکان و نوجوانان از بازی‌های دیجیتالی و همین‌طور تسهیل دسترسی به فیلم‌ها و سریال‌های خارجی، گزینه‌های اخیر هر یک قسمتی از وقت کودکان و نوجوانان را معطوف به خود کردند و در ادامه، به صورت جایگزین‌های جدی رسانه ملی مطرح شدند.

کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید سبب می‌شود کودکان، نوجوانان و جوانان با استفاده از کارتونها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های داخلی و خارجی در عمل امکان مقایسه محصولات فرهنگی داخلی و خارجی را حداقل به لحاظ عینی (یعنی ابعاد ملموسی مانند گرافیک، صحنه‌های ویژه آن‌ها، تنوع موضوعی و موارد مشابه) به دست آورده، آن‌ها را با هم مورد مقایسه قرار دهند. در بررسی تطبیقی تولیدهای رسانه‌های داخلی و خارجی می‌توان بیان داشت، تولیدهای داخلی در مقایسه با تولیدهای خارج دارای برخی از نقاط قوت و ضعف هست.

از نظر محتوایی، تولیدهای داخلی با توجه نسبی به ارزش‌های انسانی تهیه و تولید می‌شوند، این تولیدها، عموماً ارزش‌گرا، غیرشهووی، غیرمصرف‌گرا و با بار خشونت اندک هستند. مضاف بر این، فرهنگ جمع‌گرای ایران در این محصول لحاظ شده، تلاش می‌شود کودکان و نوجوانان کاربر با روحیه جمع‌گرا بار بیابند. اما تولیدهای خارج از نظر محتوایی، توجه جدی به ارزش‌ها و مسایل انسانی ندارند، ابعاد شهوی، مصرف‌گرا، تجمل‌گرا، رفاه‌طلبی و خشونت در آن‌ها قابل توجه است و در مجموع فرهنگی فردگرا را (که همان فرهنگ غرب باشد) را دامن می‌زنند. تفاوت اخیر یک امتیاز تردیدناپذیر برای تولید رسانه‌های داخلی به شمار می‌رود که در برابر ارزش‌های غالباً خنثای محصول‌های رسانه‌های غربی، محصولات رسانه‌های داخلی حاوی ابعاد ارزشی و ارزش‌گرا هستند.

اما از سویی به سبب سیطره تفکر عینی بر کودکان و نوجوانان (یعنی تا سن ۱۱، ۱۲ سالگی) که سبب می‌شود، آنان قادر به فهم مفاهیم انتزاعی نباشند و تنها مفاهیم ملموس و عینی را فهم کنند، و از سوی دیگر به دلیل بی‌توجهی در به کارگیری متخصصان امر برای ارایه مفاهیم انتزاعی به صورت عینی برای کودکان و نوجوانان دارای تفکر عینی، نقطه درخشش طرح مسایل ارزشی و انسان‌گرا در کارتونها، پویانمایی‌ها و فیلم‌های داخلی چندان دیده نشده، در برابر کارتونها، پویانمایی‌ها و فیلم‌های خارجی به سبب توجه به نکات روان‌شناختی لازم در تهیه محصول برای کودکان، گوی سبقت را از محصولات تهیه شده در داخل می‌ربایند و شبکه‌های داخلی در مجموع در مقایسه با شبکه‌های خارجی، از آن‌ها عقب می‌افتند.

یکی از دلایل بارز عقب افتادن محصولات رسانه‌ای ایران در قیاس با محصولات رسانه‌ای خارجی، تنوع موضوعی اندک کارتونها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتال و فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی در مقایسه با محصولات خارجی است.

اشباع برنامه‌های ایرانی از موضوع‌های دینی، ضعف دیگری است که برخی از کودکان و نوجوانان کاربر، متذکر آن شده‌اند.

ضعف پردازش محصول‌های رسانه‌های ایرانی به لحاظ گرافیکی، جلوه‌های ویژه و آب و رنگ تولیدها، در مقایسه با قدرت گرافیکی، جلوه‌های ویژه و آب و رنگ کارتونها، پویانمایی، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های خارجی، امر مشهودی است که محصول‌های تولید شده در داخل را از منظر مخاطبان، در سطحی پایین‌تر قرار می‌دهد.



موسیقی متن تولیدهای ایرانی نیز عموماً یک موسیقی ملایم است، در حالی که موسیقی متن برخی از تولیدهای خارجی به شدت هیجان‌انگیز، تحرک‌بخش و تحریک‌کننده است. به همین ترتیب در برابر حجم تولیدهای اندک ایران، تولید رسانه‌های خارجی بسیار بیش‌تر و به لحاظ میزان سرمایه‌گذاری، گاهی برای تهیه یک برنامه خارجی (نظیر پویانمایی ظهور نگهبانان)، به اندازه یک سال هزینه ایران در تولید محصول‌های رسانه‌ای کودکان، هزینه صرف می‌شود. تبلیغات طولانی و غیرمرتبط شبکه‌های پویا و نهال و همین‌طور سیما، عامل دیگری در جهت فاصله گرفتن کودکان و نوجوانان از کاربری از شبکه‌های ایرانی هست که در مصاحبه کودکان و نوجوانان دبستانی زیادی مورد اشاره قرار گرفته است.

تصویر زیر نیز برداشتی از فهرست برنامه‌های یک روز شبکه پویا است. همان‌گونه که در تصویر ملاحظه می‌گردد، طی ساعت ۱۱ تا ۱۲ صبح کودکان نزدیک به ۱۵٪ از وقت خود را باید صرف

دیدن تبلیغاتی کنند که بعضاً هم نامرتبط به آنان (و مثلاً حاوی تبلیغ قابلمه‌ای برای مادران آنها) است.

ضعف‌هایی که درباره الگوهای کارتونی، پویانمایی، فیلم‌ها و سریال‌ها در ایران از آن یاد شد، منحصر به تولید اخیر نبوده، عیناً در الگوپردازی سایر نهادهای فرهنگی و یا با صبغه فرهنگی نیز مشاهده می‌گردد. به این معنا که عمده الگوهای پردازش شده برای کودکان، نوجوانان و جوانان، الگوهای مذهبی (ائمه، بزرگان دینی و افراد مذهبی-متعلق به یک جناح خاص-) هستند و پردازش الگوهای اخلاقی، علمی، حرفه‌ای و مانند آنها به محاق سپرده شده‌اند. مضاف بر این الگوهای مذهبی طرح شده برای نوجوانان و جوانان نیز غالباً الگوهای هستند که هیچ نقص و کاستی در آنها مشاهده نمی‌شود و از این رو مخاطبان که واجد ترکیبی از خوبی‌ها و بدی‌ها هستند، در برخورد با این الگوها احساس نزدیکی نکرده، به راحتی حاضر به الگوپردازی از آنها نمی‌شوند.

منطقی (۱۳۹۸) در زمینه چگونگی طرح الگوهای جنگ که به تعبیری اوج الگوپردازی‌های نهادهای تبلیغاتی کشور به شمار می‌روند، از ویژگی‌های زیر در روند طرح الگوهای جنگ ۸ ساله یاد کرده است:

«- طرح محدود و ضعیف الگوها،

- نادیده گرفتن برخی از الگوها،

- نگاه یک بعدی در پردازش الگوها،

- نگاه یک بعدی در پردازش شخصیتی الگوها،

- نگاه تک جنسیتی و مردسالارانه در طرح الگوهای جنگ،

- طرح الگوها بدون توجه به نیاز مخاطبان،

- پردازش اغراق‌آمیز الگوها،

- طرح الگوهای فردی و غفلت از طرح الگوهای سازمانی.

عنوان طرح محدود و ضعیف الگوها، به این مسأله اشاره دارد که اکثریت قریب به اتفاق الگوهای جنگ، به صورت محدود و غالباً با تبلیغات غیرهم‌پوش مطرح می‌گردند. به عنوان مثال، تهیه فیلمی از یک سردار جنگ، پخش یک بار مصاحبه با همسر وی در رسانه ملی و در نهایت نامیدن یک اتوبان یا خیابان به نام وی، نهایت اقدامی است که در حال حاضر در سطح جامعه در ارتباط با چگونگی طرح الگوهای بزرگ و پر تلوئیوی جنگ ملاحظه می‌گردد. در حالی که الگوهای اخیر می‌توانند از رسانه‌های مختلف (رادیو، تلویزیون، نشریات، سایت‌های اینترنتی)، نشر کتاب‌ها و

مجلات، برگزاری همایش در مورد آنان، طرح خانواده آن‌ها، رونمایی از تندیس آنان، آوردن تصاویر آن‌ها روی البسه و نظایر آن، مطرح گردند.

عنوان نادیده گرفته شدن برخی از الگوها ناظر بر این معنا است که از مجموعه عظیم الگوهای درخشانی که در جریان دفاع از کیان کشور درخشش گرفتند، تعداد اندکی از آنان مورد توجه قرار گرفته و به شکل محدودی مطرح گردیده‌اند، عدم توجه به افراد پیش گفته، گاهی سیاسی و گاهی از سر غفلت و بی برنامه‌گی بوده است. به عنوان مثال، ممکن است بخشی‌نگری سبب شود، سرداران جهاد سازندگی عرصه‌ای برای مطرح شدن در جامعه پیدا نکنند، در حالی که شناخت سردارانی مانند طرحچی، رضوی، ساجدی و نظایر آنان، به میزان قابل توجهی در جوانان تأثیرگذار واقع می‌گردند.



نگاه یک بعدی در پردازش الگوها، به این نکته اشاره دارد که اگر چه افراد و سازمان‌های مختلفی در جنگ ذی سهم بودند، اما از بین مجموعه افراد و سازمان‌های مزبور، تنها یک یا دو سازمان و افراد آنان و آن هم افرادی که عمدتاً صبغه نظامی داشته‌اند، به عنوان الگوها و سمبل‌های جنگ مطرح می‌گردند، در حالی که در دوران جنگ اولاً هم زنان و هم مردان در جنگ ذی نقش بودند و ثانیاً افراد مؤثر در جنگ از پزشک و مهندس و دیگر متخصصان گرفته تا افراد نظامی و از همسران و مادران رزمندگان گرفته تا اقشار عادی جامعه که گاهی به اندازه سه تخم مرغ به جبهه یاری می‌رساندند، گسترده بودند و خلاصه کردن آن‌ها تنها در فرماندهان نظامی جنگ یا یک ارگان، درست نیست.

عنوان نگاه یک بعدی در پردازش شخصیتی الگوها به این مسأله اشاره دارد که اگر چه الگوهای مطرح شده برای جامعه و جوانان، حاوی ابعاد مختلف نظامی، فرماندهی، روابط اجتماعی، روابط عاطفی و خانوادگی و نظایر آن بودند، در جریان طرح الگوها تنها به بعد دینی و نظامی آنان توجه

شده است و از سایر ابعاد زیبای وجودی آنان مانند رابطه آن‌ها با همسرشان و یا نگاه زیست محیطی آنان، به شدت غفلت شده است.

عنوان نگاه تک جنسیتی به الگوها، حکایت از سایه انداختن مردسالاری در پردازش الگوها برای جامعه دارد. به این معنا که با نادیده گرفتن الگوهای ارزشمند زنان در دوران جنگ، تنها الگوهایی که در عرصه جنگ برای جامعه مطرح می‌شوند، فرماندهان نظامی جنگ هستند. حال آن که با بررسی دوران جنگ مشخص می‌شود که زنان همپای مردان در تحقق اهداف جنگ می‌کوشیدند و در صحنه‌های مختلف جنگ حضور داشتند.

ملاحظه حماسه‌سازی دختران و زنان ایرانی در آغاز جنگ و تلاش‌های وافر آنان در امداد و کمک رسانی پشت جبهه‌ها از سویی و ملاحظه حماسه‌سازی مادران رزمندگان در جنگ و زنانی که تکیه گاه اصلی شوهرانشان در تحمل فشارهای کمرشکن داخلی و خارجی جنگ بودند، گواه روشنی بر نقش برجسته زنان در جنگ است که در پردازش الگوهای جنگ، این مسأله برای زنان که نیمی از اقشار جامعه را تشکیل می‌دهند، نادیده گرفته شده است.

عنوان طرح الگوها بدون عطف توجه به نیازهای مخاطبان، به این نکته کلیدی اشاره دارد که در جریان طرح پیام، باید ویژگی‌های پیام‌گیرنده نیز مدنظر قرار گیرد و پیامی که برای اثرگذاری در پیام‌گیرنده تهیه می‌شود، باید به گونه‌ای طراحی و تدوین شود که حاوی بیشترین تأثیر ممکن بر روی مخاطب فرا روی خود باشد.

طرح الگوهایی که بعد مهم آن‌ها نظامی‌گری آنان است، نیاز اساسی یک جوان را تشکیل نمی‌دهد، نیاز اساسی یک جوان را مسایلی مانند مسایل عاطفی و بین فردی، روابط اجتماعی، اخلاق فردی و اجتماعی، مسایل زیست محیطی و نظایر آن‌ها، تشکیل می‌دهند.

پردازش اغراق‌آمیز الگوها، نقد جدی دیگری است که به نظام پردازش الگوهای جنگ ۸ ساله وارد است.

برخی از جوانان تأکید می‌کنند که مسوولان و اولیای تربیتی جوانان، در جریان الگوسازی‌هایشان، تنها دست به معرفی کسانی می‌زند که به قتل رفیع مکتبی دست یافته‌اند و در جریان این کار نیز الگوهای موجود به شکل آسمانی پردازش شده، ویژگی‌های زمینی خود را از دست می‌دهند.

نگارنده، خود در مصاحبه تلویزیونی همسر شهید همت، شاهد آن بود که وی از سیگاری بودن حاج ابراهیم همت یاد کرده، در ضمن بیان می‌داشت، شهید همت به خاطر وی سیگار کشیدن را کنار

گذاشته بود، اما وقتی نگارنده به مطالعه کتابی که انتشارات و تبلیغات سپاه پاسداران، از همین مصاحبه تهیه کرده بود، پرداخت، ملاحظه کرد که مسأله اخیر در این کتاب، سانسور شده است. آنچه در پردازش الگوها باید بدان توجه داشت، عدم طرح ایده آل و دست نیافتنی الگوها است. به این معنا که وقتی الگوی ارایه شده به جوانان، الگویی تام و تمام و بری از هر نوع ضعف و کاستی باشد، در این حالت به سبب فاصله زیادی که جوان بین خود و الگوی مطرح شده احساس می‌کند، با استدلال در این که او نمی‌تواند نظیر آن الگوی آرمانی رفتار کند، به سادگی از وی می‌گذرد، حال آن که اگر الگوهای مورد نظر، بدون اغراق مطرح شوند، در این حالت به سبب نزدیک بودن الگوی مطرح شده با مخاطب، امکان کمی‌برداری مخاطب از الگوی مطرح شده، فراهم می‌آید. طرح الگوهای فردی و غفلت از الگوهای سازمانی، اشکال دیگری است که در نظام پردازش الگوهای برگرفته از جنگ برای جامعه و اقشار جوان آن ملاحظه می‌گردد.

با توجه به این که کودکان (و تاحدودی نوجوانان) از تفکر عینی برخوردارند، به سادگی می‌توان نتیجه گرفت، وقتی کودکان ایرانی در برابر گرافیک کم نظیر و صداگذاری خوب محصولات غربی قرار می‌گیرند، یا وقتی آنان در محصولات اخیر دایم با ساختمان‌های آسمان‌خراش و ماشین‌های پیشرفته مواجه می‌گردند و یا با تنوع موضوعی کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های دیجیتالی و فیلم‌های خارجی روبرو می‌شوند، یا با شنیدن موسیقی متن کارتون، پویانمایی یا فیلم و سریالی که مشغول کاربری از آن است، به شدت به هیجان می‌آید، ترجیح محصولات غربی بر محصولات داخلی خیلی دور از ذهن نمی‌نماید، ضمن آن که الگوهای غربی مطرح شده در بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها، با انجام کارهای محیرالعقولی که به انجام آن مبادرت می‌ورزند، به سادگی کودکان و نوجوانان را جذب خویش می‌سازند.

ساخت سریال‌هایی که گاه به چند صد قسمت می‌رسند (نظیر سریال فرندز که ۳۲۶ قسمت است)، مخاطبان خود را وارد عرصه‌ای می‌سازد که مخاطب برای ارضای کنجکاوی خویش هم که شده است، نمی‌تواند از پیگیری سریال‌های اخیر به سادگی دست بردارد.



مضاف بر این که تولیدهای رسانه‌های خارجی به دلیل آن که خیلی ارزش گرا نیستند، ممکن است خود را مجاز بدانند که از مسایل نفسانی در کارتون‌ها و پویانمایی‌های خویش سود ببرند. در بررسی تولیدهای نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، می‌توان اظهار داشت، جریان اخیر اولاً با شناخت دقیق روان‌شناسی کودکان، نوجوانان و جوانان و ثانیاً با در دست داشتن اهداف مشخصی که در صدد تحقق آن‌ها است، کار تولید بازی‌های دیجیتالی، پویانمایی‌ها، کارتون‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های خود را با سرمایه‌گذاری‌های گسترده دنبال می‌کند.

درباره شناخت دقیق روان‌شناسی کودکان دبستانی باید گفت، کودکان اخیر تا حدود ۱۱، ۱۲ سالگی از ویژگی‌هایی نظیر «تفکر عینی»، «دیگری‌روی اخلاقی»، «خودمیان‌بینی»، «ظرفیت‌های شناختی و عاطفی محدود» و «نوع‌دوستی فطری» برخوردارند.

نهادهای تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری با توجه به روان‌شناسی خاص کودکان و نوجوانان، با طرح الگوهای مختلفی که در عمل جریانی همسو را تشکیل می‌دهند، می‌کوشند تا از طریق اثرگذاری

۱- با بررسی الگوپردازی‌های انجام شده در جریان بازی‌های دیجیتالی، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، مشخصاً دو جریان متمایز ملاحظه می‌گردد. جریان نخست جریان الگوپردازی‌های جهان سرمایه‌داری غرب است که در جریان طرح الگوهای خویش، مشخصاً اهداف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاصی را تعقیب می‌کند که به تحکیم، تعمیق و گسترش بیش از پیش اهداف جهان سرمایه‌داری که همان کسب سود است، بینجامد.

جریان بعد، نهادهای مردمی و انسان‌گرایی هستند که در صدد خدمت به جامعه خود و جامعه جهانی برآمده‌اند، اما مقایسه تولیدهای جریان زیر پوشش نهادهای سرمایه‌داری با جریان‌های مستقل و خدمت‌گذار دلالت بر آن دارد که تولیدهای جریان اخیر در برابر انبوه تولیدهای نهادهای زیر پوشش نهادهای سرمایه‌داری و سیاسی غرب، جریانی ضعیف بوده، قابل رقابت با جریان پیش‌گفته نیست.

الگوهای اخیر بر مخاطبانشان، به تحقق اهداف نهایی خویش پردازند. به این معنا که بازی‌های دیجیتال، پویانمایی، کارتونها، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای، با طرح الگوهای مختلف دخترانه و پسرانه در اشکالی بسیار جذاب، پر آب و رنگ و شگفت آور، در عمل الگوهای فرینده‌ای را فراروی کودکان و نوجوانان مطرح می‌سازند که آنان از سویی به دلیل حاکمیت دیدعینی خویش و از سوی دیگر به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی خاصی که از آن برخوردارند (و مثلاً پسران شیفته قهرمانیگری و برتر واقع شدن و دختران شیفته الگوهای جذاب، زیبا و خوش اندام هستند)، بلافاصله جذب الگوهای اخیر می‌گردند.



استفاده بهینه از دستاوردهای روان‌شناختی، بهره‌گیری از ظرایف روان‌شناسانه و استفاده از ظرایف هنری از دیگر تمهیداتی هستند که در جریان طرح الگوهای مورد نظر جهان سرمایه‌داری مد نظر نهادهای تبلیغاتی سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند.

فضای بازی‌ها، پویانمایی‌ها و کارتونها تهیه شده توسط نهادهای تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، در غالب موارد فضایی پرهیجان است. به عنوان مثال، در تولیدهای خاص پسران، موجودهای فرازمینی با آمدن به زمین، حیات مردم زمین را تهدید می‌کنند و یا جنگ و گریز بین انسان‌ها و زامبی‌ها در بازی‌ها در جریان است و یا آن که در سطحی دیگر، تعقیب و گریزها از موجودهای فرازمینی و هیولاها، به جنگ و گریز انسان‌ها با یکدیگر بدل می‌شود.

الگوهای مطرح شده در تولیدهای خاص دختران نیز با به نمایش نهادن انبوهی از جذابیت‌ها در آرایش، پوشش، مصرف‌گرایی، تنوع‌طلبی و زیبایی‌های غیرمتعارف الگوها (نظیر اندام باری،

چشم‌های برتر و بدن‌های جراحی و پروتز شده بسیاری از زنان هنرپیشه و خواننده غربی)، دختران کاربر را در تب و تاب تعقیب الگوها، مقایسه هیجانی خود با الگوها و تحولات پی‌درپی آرایشی و پوششی الگوها قرار می‌دهند و دختران کاربر در شرایط اخیر دیگر فرصتی برای اندیشه و اندیشه روزی و تأمل درونی در خود نمی‌یابند.



یکی از ویژگی‌های مهم مورد توجه ارایه کنندگان الگوهای اخیر، سوءاستفاده از روح نועدوست و خیرخواهی درونی کودکان و نوجوانان است، به این معنا که الگوهای پردازش شده اخیر، غالباً به این صورت در بازی‌ها، کارتونها و پویانمایی‌ها ارایه می‌گردند که در صدد نجات انسان‌ها و بشریت برآمده‌اند و با افراد و نیروهایی که در تلاش برای هدم و نابودی انسان‌ها و بشریت هستند، می‌جنگند. کودکان خردسال از سویی با تداوم کاربری از الگوهای دخترانه و پسرانه‌ای که نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری برای آنان تدارک می‌بینند و از سوی دیگر با ملاحظه مکرر برخوردهای هیجان‌مدار موجود در بازی‌ها، کارتونها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها، کارشان به آنجا می‌انجامد که حل هیجان‌مدار مسایل را عادی پنداشته، رویه و روش حل هیجان‌مدار مسایل مختلف را پیشه خود می‌کنند.

پیشی گرفتن الگوهای پر آب و رنگ تهیه شده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری، از معدود الگوهای طراحی شده داخل، سبب می‌گردد کودکان و نوجوانان با استقبال از الگوهای اخیر، در گروه‌های خویش به کسانی که نسبت به پذیرش الگوهای غربی از خود پذیرش نشان نمی‌دهند و یا کاربر وسایل منتسب به آنان نیستند، با دیده نفی و انکار بنگرند و به آن‌ها فشار وارد آورند تا آنان نسبت به پذیرش الگوهای مزبور و یا کاربری از وسایل منتسب به آنان اقدام کنند.

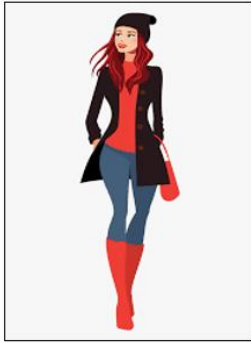
در ادامه کاربری کودکان و نوجوانان از الگوهای مطرح شده برای آنان، کودکان و نوجوانان شاهد تغییر و تحولات متعددی در بازی‌ها، کارتونها، پویانمایی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های خاص خویش هستند که مانع از تکراری شدن الگوها و افتادن آن‌ها از چشم کاربران می‌گردند.

با تکرار الگوهای طراحی شده در اشکالی متنوع و متفاوت برای کودکان و نوجوانان، دلبستگی آنان به این الگوها که غالباً از صدای زیبا یا فیزیک بدنی قدرتمند و توانایی‌های شگفت‌آور و خارق‌العاده-ای برخوردارند و یا از جذابیت زنانه بیش از اندازه‌ای برخوردار هستند، گاهی به آنجا می‌رسد که به این الگوها همپای اولیایشان و یا حتی بیش‌تر از آنان علاقه‌مند گشته و آنان را دوست می‌دارند.

الگوهای دخترانه و پسرانه در حالت اخیر، ضمن ارایه سبک زندگی غربی به کودکان و نوجوانان کاربر، به تدریج با طرح ارزش‌های خاصی، نظام ارزشی کودکان را به گونه‌ای شکل می‌دهند که منطبق با نظام ارزشی الگوهای مورد علاقه‌شان بوده، فردگرایی، دنیاگرایی، مصرف‌زدگی و لذت-جویی را در صدر نیازهای خویش احساس کنند.

از سوی دیگر تداوم فضای هیجان‌مدار الگوهای دخترانه و پسرانه به آنجا می‌انجامد که در پسران و دختران کاربر الگوهای پردازش شده نهادهای تبلیغاتی دنیای سرمایه‌داری، برخی از حساسیت‌زدایی‌ها پدید می‌آید. به این معنا که پسران در ارتباط با محتوای پرخشونت و شهوی، حساسیت‌زدایی شده و دختران نیز در برخورد با محتوای مصرفی و شهوی، حساسیت خود را به تدریج از دست می‌دهند و به این ترتیب، کودکان و نوجوانان عاطفی، رقیق‌القلب و نودوست، به تدریج با مشاهده مضامین پرخاشگرانه و فوق‌پرخاشگرانه (الگوهای پسرانه) یا مصرف‌زدگی و رفتار شهوانی (الگوهای دخترانه)، از توجه به دیگران غفلت ورزیده، با سبک زندگی جدید و نظام ارزشی خاصی که یافته‌اند، معطوف به نیازها و هوا و هوس خود گردند.

بررسی تاریخچه الگوهای امریکایی مطرح شده در سطح جهان بیانگر آن است که الگوهای مطرح شده، پس از گذشت مدتی، با الگوهای جدیدی عوض می‌شوند و مثلاً بعد از سوپرمن، سوپر و من و سوپربوی، الگوهایی مانند کاپیتان امریکایی، بت‌من، واندر و من، بلک کت جای آن‌ها را گرفتند و در حال حاضر الگوهایی نظیر بن‌تن، اسپایدرمن، باب اسفنجی، هالک، باری، برتز و السا، دوران‌دار الگوهای مطرح شده برای کودکان خردسال هستند، اما با وجود جابه‌جایی الگوها با یکدیگر، خط-مشی ثابت مصرف‌گرایی، برخوردهای هیجانی، شهوی و پرخاشگرانه و پذیرش زور و زورمداری، در تمامی الگوهای مطرح شده اخیر، ملاحظه می‌گردد.



منطقی (۱۴۰۰ الف) از گستره و عمق چگونگی طرح الگوها در رسانه‌های تبلیغاتی دنیای سرمایه‌داری، به شرح زیر یاد کرده است:

«پس از زیربنا قرار گرفتن روان‌شناسی کودکان و نوجوانان در پردازش هر چه جذاب‌تر الگوهای غربی، در روند طرح الگوهای غربی در کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌های غربی، نکات زیر مورد توجه نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند:

سرمایه‌گذاری گسترده در طرح الگوها، طرح الگوهای مختلف (با تأکید بر ابعاد عینی آنان)، استفاده بهینه از دستاوردهای علمی، بهره‌گیری از ظرایف روان‌شناسانه، استفاده از ظرایف هنری در طرح الگوها، ارایه جذاب و پرهیجان الگوها، سوءاستفاده از روحیه خیرخواه و نودوست کودکان و نوجوانان، معرفی ضمنی آدم‌های بد، هم‌سویی الگوهای مطرح شده برای کودکان و نوجوانان کاربر (ستایش ابزار و قدرت)، تلاش کودکان و نوجوانان جهت تشبیه‌جویی به الگوهای مطرح شده (با کاربری از وسایل منتسب به الگوها)، تکرار الگوها در اشکالی زیبا، جذاب و تحیرانگیز؛ استفاده از ترندهای روانی برای جذابیت بخشیدن به الگوها، بنیان نهادن فرهنگ بصری در کودکان و نوجوانان (کاهش کتاب‌خوانی کودکان و نوجوانان)، شکل‌گیری فشار هنجاری گروه از سوی همسالان برای پذیرش الگوها، شکل‌گیری فشار هنجاری گروه همسالان جهت کاربری از وسایل منتسب به الگوها، القای برخوردهای هیجان‌مدار، مصرفی و شهوی از سوی الگوها؛ تعمیق وابستگی کودکان و نوجوانان به الگوها (سوق یافتن تشبیه‌جویی‌های ظاهری به الگو به تشبیه‌جویی‌های درونی عمیق‌تر)، ارایه سبک زندگی به کودکان و نوجوانان کاربر توسط الگوها، شکل‌گیری تدریجی نظام ارزشی منطبق با الگوها در کودکان کاربر، حساسیت‌زدایی تدریجی از پسران در برخورد با محتواهای پرخشونت و شهوی (موجودهای فرازمینی، هیولاها، زامبی‌ها، حیوان‌ها، انسان‌ها و به نمایش نهادن فرارخاشگری در انسان‌ها)، حساسیت‌زدایی تدریجی از دختران در برخورد با محتواهای مصرفی و شهوی، فشار گروه

همسالان در جهت کاربری از بازی‌های ترسناک‌تر و شهوی‌تر، کنار نهادن تدریجی نوع دوستی فطری کودکان و نوجوانان (و اعمال خشونت در زندگی روزمره آنان)، افزایش گرایش‌های معطوف به خود کودک و نوجوان (هم‌زمان با کاهش گرایش‌های معطوف به دیگران)، جابه‌جایی الگوهای مطرح شده (با حفظ خط مشی‌های پیشین) با یکدیگر (ستایش ابزار و قدرت)، شکل‌گیری نوعی از ابتذال ارزشی (با پررنگ شدن فرهنگ بصری، حل هیجان‌مدار مسایل، زندگی در دنیای تخیلات و ایدئولوژی شدن مصرف) در کاربران، پذیرش تعمیم الگوها به امریکا، تدقیق آدم‌های (کشورهای) بد معرفی شده در جریان بازی‌ها، کارتون‌ها، پویانمایی‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها، سرخوردگی روانی، سرخوردگی اقتصادی - اجتماعی کودکان و نوجوانان اقشار اقتصادی متوسط و ضعیف جامعه، نفی خویش پس از اثبات الگوها، تحول ارزشی کاربران در سن تفکر انتزاعی و تبدیل شدن کاربر به یک انسان رباتی (که مطلوب طبع جهان سرمایه‌داری است).

کودکان و نوجوانان کاربر که از الگوهای طراحی شده نهادهای تبلیغاتی سرمایه‌داری تغذیه کرده و به تدریج بزرگ می‌شوند، با رسیدن به دوران خودپیروی اخلاقی و تفکر انتزاعی، اگر چه یادگیری‌های پیشین در مورد برخوردهای پرخاشگرانه یا پر از عشوه و ناز خود را کنار می‌گذارند، اما بازی‌ها و فیلم‌های پرخاشگرانه پسرانه یا بازی‌ها و فیلم‌های مبتنی بر ستایش جذابیت و زیبایی زنانه، در ذهن آن‌ها ترس از جهان واقع و یا تحقیرشدگی در برابر عرضه جذابیت‌های غیرمتعارف الگوهای زنانه را نهادینه ساخته‌اند. بنابراین کاربران خردسال پیشین و بزرگ‌سال بعدی، با کنار نهادن پرخاشگری و یا داعیه‌های برتری‌جویی خویش، با این نگاه که آن‌ها در جهانی پررعب زندگی می‌کنند و در نهایت می‌توانند در خدمت قدرت و یا چهره‌های فوق‌جذاب باشند که در بازی‌ها و کارتون‌ها شاهد آن‌ها بوده‌اند، سعی می‌کنند تنها به بیرون کشیدن گلیم خودشان از آب پردازند و در نهایت با مصرف‌زدگی و زندگی شهوی که در آن‌ها نهادینه شده است، سر خودشان را گرم سازند و به این ترتیب در عمل بسان رباتی عمل کنند که ایده‌آل جهان سرمایه‌داری است، زیرا جهان سرمایه‌داری با به فراموشی سپردن ابعاد انسانی و اخلاقی، تنها به افزایش سود خود می‌اندیشد و سود اخیر تنها در شرایطی به دست آمده و حاصل می‌گردد که انسان‌ها دنبال آزادی، استقلال و روحیه انقلابی نباشند که تصمیم به زیر سوال بردن نظام سرمایه‌داری یا شورش علیه آن را بگیرند، بنابراین

بازی‌های دیجیتالی، پویانمایی‌ها، کارتون‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای با نهادینه کردن خط-مشی‌هایی که به مرعوب شدن کاربران انجامیده، آنان را تشویق به مصرف بی‌حد و حصر می‌سازد، تحقق حداکثر سود مورد علاقه جهان سرمایه‌داری را برای این نظام میسر می‌سازد. از سوی دیگر، نظام سرمایه‌داری از طریق تولیدهای فرهنگی خویش ضمن تحقق اهداف اقتصادی خویش، در صدد پیش‌برد اهداف سیاسی خودش نیز برمی‌آید. به عنوان مثال، الگویی نظیر کاپیتان امریکایی در کارتون‌ها، همواره با لباس و سپری ظاهر می‌شود که هر دو تداعی‌گر پرچم امریکا هستند و در عمل کودک و نوجوان احساس می‌کند، با نماینده امریکا مواجه است.



کاپیتان امریکایی در برخورد با مسایل و مشکلاتی که فراروی وی پیش می‌آید، با نهایت قدرت با سپر ضد گلوله خویش با مخالفان می‌جنگد و در نهایت پیروزی از آن وی می‌شود. الگوی کاپیتان امریکایی (و موارد مشابهی نظیر سوپرمن، سوپربوی، سوپر وومن، سوپر گرل، واندر وومن) که همگی لباسشان تداعی‌گر پرچم امریکا است، در عمل عظمت بی‌چون و چرای امریکا را به اذهان مخاطبان القا می‌کنند.

در فراز دیگری دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری با تهیه و ساخت مجموعه‌هایی نظیر بت‌من و یا دلتا فورس، در صدد تطهیر سیاسی امریکا برمی‌آیند. به عنوان مثال، در فیلم‌های اولیه بت‌من، وی با رابین همکاری می‌کند، اما مخالف مجازات مجرمان توسط رابین بوده، اصرار می‌ورزد که مجرمان به دست قانون سپرده شوند، اما در ادامه فیلم‌های بت‌من، ملاحظه می‌شود که وی با ملاحظه مواردی مانند فساد پلیس و رها کردن متهمان توسط مجریان فاسد، شخصاً به این نتیجه می‌رسد که مجرمان ممکن است از دست قانون بگریزند، بنابراین خودش باید به مجازات و کشتن آن‌ها اقدام کند و این چیزی است که در عمل مداخله و تهاجم سر خود امریکا به خیلی از کشورهای جهان (نظیر عراق) را تطهیر می‌کند.

دستگاه تبلیغاتی امریکا پس از القای عظمت امریکا و تطهیر وحشی‌گری‌های این کشور در تهاجم به اقصاء نقاط جهان، در فراز دیگری از تولیدهای خویش می‌کوشد تا مخالفان نظام سلطه را زشت، بد

و تروریست نشان دهد. به عنوان مثال، در پویانمایی بتلفیلد ۳، فرماندهی که شباهت زیادی به سردار سلیمانی دارد و دست به قتل امریکایی‌ها می‌زند، تروریست خطاب می‌شود. پس از القای عظمت و قدرت بی‌همانند امریکا و تطهیر سیاسی وی و ترسیم مخالفان این کشور به صورت انسان‌هایی وحشی و تروریست، نوبت به حمایت از غاصبان صهیونیست رسیده و برخی از تولیدهای دستگاه‌های تبلیغاتی غرب با تولید کارتون‌ها و فیلم‌هایی نظیر مینیون‌ها و یا جوکر، ضمن اذعان به وجود ضد قهرمان، دست به ستایش ضد قهرمان و آبر شرم می‌زنند و به این ترتیب اذهان کودکان و نوجوانان مخاطب خود را آماده می‌سازند که آنان نیز واقعیت وجودی کشور غاصبی مانند اسرائیل را بپذیرند. آن چه از آن یاد شد، به وضوح از قدرت رسانه در غرب و ضعف همین مورد در داخل حکایت می‌کند.

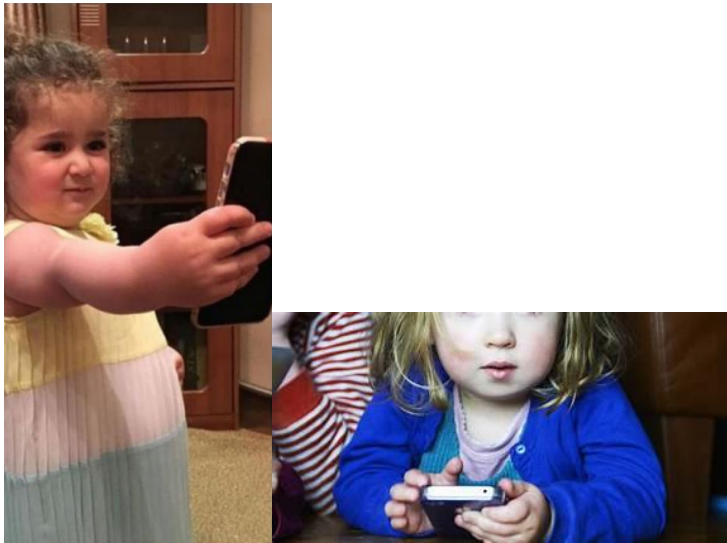
کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید

«- علیرضا خیلی به گوشی وارده! می‌تونم پرسم که از کی با گوشی و امثال این‌ها کار کرده که این قدر مهارت داره؟ (مادر در حالی که لبخند خاصی بر صورت دارد) معلومه که وارده پسر! والا از بچگی، یادم نمیداد! اما اون قدر باهوش بود، زود یاد گرفت. فکر کنم دو سالش بود که قشنگ برای خودش آهنگ می‌داشت یا بازی دانلود می‌کرد!» (مصاحبه با مادر علیرضای ۶ ساله).



جذابیت‌های فناوری‌ها و تنوع سرگرمی‌هایی که در فناوری‌ها برای اقشار مختلف تدارک دیده شده است، سبب می‌شود، حتی کودکان از آغاز زندگی متوجه جذابیت‌های فناوری‌ها شده، تمایل به کاربری از آن‌ها داشته باشند.

اولیا تا حدود ۲ سالگی کودک، با پخش آهنگ، کارتون یا پویانمایی برای کودکان، نقش اصلی در کاربری فرزندشان از فناوری‌های ارتباطی جدید را ایفا می‌کنند، اما کودکان به تدریج از سن ۲ سالگی به شکل معنادارتری با تبلت یا تلفن همراه رابطه برقرار کرده، بازی‌های ساده را شخصاً انجام می‌دهند. در اواخر ۲ سالگی کودکانی که با تلفن همراه اولیای خود بازی می‌کنند، ممکن است بتوانند با گوشی عکس بگیرند. به گالری عکس‌ها بروند، به تلفن پاسخ داده و تماس نسبتاً معنادار با دیگران برقرار کنند و کاربری‌های مشابه را از تلفن همراه و تبلت داشته باشند.



از سن سه سالگی ارتباط کودکان با فناوری‌ها عمق بیشتری می‌یابد و آنان با دانلود بازی آشنا شده، برای خود بازی دانلود می‌کنند. به همین ترتیب در سال‌های بعد کودکان از کارآیی ارسال اطلاعات (از طریق برنامه‌هایی نظیر شیر ایت)، رمزگذاری، ورود به شبکه‌های اجتماعی و برقراری ارتباط معنادار با دوستان در شبکه‌های اجتماعی (با ارسال استیکر یا صوت) برخوردار می‌گردند.



مصاحبه انجام شده زیر، با هلمما، ۲ سال و ۱۰ ماهه و مادرش؛ تصویر روشنی از تحول یادگیری و کاربری از فناوری‌های ارتباطی در سطح کودکان خردسال را نشان می‌دهد:

«- هلمما خانم بلدی بری توی عکس‌ها؟ (گوشی خودم را دست هلمما دادم و گفتم به قسمت عکس‌ها برود که درست به گالری عکس‌ها رفت).

- بلدی عکس بفرستی؟

(هلمما نگاهم می‌کند).

(مادر هلمما: آره، هلمما با تلگرام عکس می‌فرسته، البته اول به من می‌گه و بعد عکس می‌فرسته.

- گوشی زنگ بخوره، هلمما جواب می‌ده؟

آره، واسه خودش حرف می‌زنه تا من پیام.

- هلمما دیگه چه چیزهایی بلده؟

کلاً همه چی رو بلده و اگر هم بلد نباشه، خودش اون قدر پیگیری می‌کنه تا یاد بگیره و خیلی سوال نمی‌پرسه.

- اینستاگرام چه طور، بلده با اون کار کنه؟

۱- به دلیل کم بودن سن هلمما، جاهایی از مادرش کمک گرفته شده است که این اطلاعات در پرانتز نقل شده‌اند. لازم به ذکر است که خانواده هلمما به لحاظ اقتصادی- اجتماعی جزو اقشار پایین‌تر از حد متوسط جامعه هستند.

در حدی که بره توش و بره صفحه‌های مختلف رو نگاه کنه، بلده یا این که چیزی رو لایک کنه).

- هلم، خاله بلدی بازی بریزی تو تبلت؟

اوهوم.

- چه جوری؟ (گوشی خودم را دستش دادم و گفتم از کجا؟)

از تو این و این (آیکون بازار و اینترنت را نشان می‌دهد).

(- خودش بلده بره توی اینترنت و بازی سرچ کنه؟)

نه، دیده ما از اونجا می‌گیریم، واسه همین می‌گه، خودش فقط بلده بره تو بازار و بازی بریزه».

«- آسانجون، جز بازی با تبلت چه کار می‌کنی؟

عکسم می‌گیرم.

- از چه چیزهایی عکس می‌گیری؟

از گلا.

- بلدی بفرستی؟

آره با زاپیا» (آسنا، ۳ ساله).

مادر هانا ۲/۵ ساله هم که به دلیل تأخیر تکلم فرزندش به کلینیک روان‌شناسی مراجعه کرده بود،

در مصاحبه خود بیان می‌داشت، اولین کلماتی را که دخترش یاد گرفته و بر زبان می‌آورد، اسامی

کارتون‌ها و قهرمانان آنها است:

«- هانا چه کارتونهایی رو بیش‌تر می‌بینه و چه بازی‌هایی رو دوست داره؟

اوایل کارتونای آهن‌گین رو بیش‌تر دوست داشت، الآن کارتونای داستانی. البته نه این که الآن آهن‌گی

دوست نداشته باشه، الآن داستانی هم اضافه شده به اونا.

- خوب!

مثلاً الآن کارتون مورد علاقه‌ش پاپیگ هست که سی‌دی‌اش رو براش خریدم. عاشق پاپیگ هست،

اسم همه عروسکاش هم سوزی و جرج هست، خیلی موزیک داره، تو آپاراتم هست، دانلودشون رو

دارم تو گوشیم که از رو اونم بتونه ببینه.

- خیلی جالبه با این که بچه‌ی شما مشکل تکلم داره، ولی گویا اسم‌های انگلیسی رو تلفظ می‌کنه و

به کار می‌بره.

آره خب، هانا نمی‌تونه هنوز جمله بگه، مامان و بابا و عزوز (به مادر بزرگش به جای عزیز، عزوز

می‌گه) و هاپو و پیشی و اینارو می‌گه یا مثلاً به مگس می‌گه جوجو، کلمه می‌گه، ولی حرف نمی‌زنه.

- آره منظور من هم این هست که این مسأله نشونه این هست که بچه شما احتمالاً توانایی گفتار داره. خوب ادامه بدید!

هر چیزی که باشه معمولاً استقبال می‌کنه، جم جونیور و جم کیدز کارتونای خوبی می‌ذارن، حتی به برنامه‌های کاردستی و رنگ‌آمیزی اینا هم توجه می‌کنه که آموزشیه و به رشد خلاقیت و استعداد بچه‌ها کمک می‌کنه. به نظرم عاشق کارتون فوکس فامیلی، پوکویو و پلنگ صورتی هست، گاهی وقتا از گوشی فوتبالیست‌ها رو هم می‌بینه، حتی اسم کارتون رو هم بلد شده این اواخر و بعضی وقتا با گفتن اسم کارتون به من می‌فهمونه که فلان کارتون رو می‌خواد ببینه».

نهادهای تبلیغاتی غرب در روند تولید محتوا برای تبلت، تلفن همراه، پی‌اس‌فور، رایانه و ماهواره کودکان، تولید محتوای مورد نظر را با اهداف از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی دقیق پیش می‌برند، بنابراین محتواهای تولید شده در غالب موارد مورد توجه کودکان کاربر واقع شده، معطوف به فناوری‌های ارتباطی جدید شده، کاربری از آن‌ها را در صدر برنامه‌های خویش قرار می‌دهند. مصاحبه زیر که با مادر یاسین ۴ ساله، انجام پذیرفته است، نشان می‌دهد یاسین با وجود نداشتن تبلت یا گوشی و در عین بی‌بهره بودن از سواد خواندن و نوشتن، چگونه از برخی از کاربری‌های تلفن همراه استفاده می‌کند:

«- یاسین هر دفعه که از گوشی پدرش استفاده می‌کنه، استفاده‌اش چه مدت زمانی طول می‌کشه؟ اگر اجازه بدهیم که ۵ ساعت، ۶ ساعت استفاده می‌کنه، ولی معمولاً بیش‌تر از یک یا دو ساعت اجازه استفاده به یاسین نمی‌دیم، اگر چه معمولاً یاسین گریه می‌کنه و گوشی رو می‌خواد، ولی ما توجه نمی‌کنیم و در روز بیش‌تر از این اجازه نمی‌دیم استفاده کنه.

- وقتی یاسین گوشی شما را می‌گیرد، چه استفاده‌هایی از گوشی می‌کند؟

از گوشی بیش‌تر برای کارتون دیدن استفاده می‌کنه، اگر بازی در گوشی باشه، بازی می‌کنه. البته بابای یاسین بازی توی گوشیش نداره و اون‌ها رو پاک کرده، قبلاً یک بازی زامبی برای خودش داشت، یاسین به طور اتفاقی بازی رو انجام داده بود و بعد از اون دیگه تنهایی در اتاقش نمی‌خوابید و از تنها بودن می‌ترسید و اصلاً به اتاقش نمی‌رفت و پدرش هم به همین خاطر بازی رو پاک کرد و دیگه بازی توی گوشی خودش نداره. چون گوشی بازی نداره، یاسین با برنامه روییکا کارتون نگاه می‌کنه.

- یاسین چه طور کارتون‌ها را پیدا می‌کند؟ آیا شما برای او کارتون می‌ریزید؟

یاسین خودش وارد برنامه روییکا می‌شه و از اون جا کارتون می‌بینه، جدیداً هم یاد گرفته که وارد برنامه دیوار می‌شه و به ما می‌گه اسباب بازی بیارید تا من اسباب بازی‌ها رو نگاه کنم و بیش تر مثلاً دنبال این طور چیزهاست، ماشین بیینه و کارتون‌های ماشینی بیینه، خودش وارد این برنامه‌ها می‌شه و خودش این چیزها رو پیدا می‌کنه و ما هم می‌مونیم که چه طور این کار رو انجام می‌ده و خودش می‌ره سراغ کارتونها و خودش انتخاب می‌کنه.

- شما گفتید که یاسین وارد روییکا می‌شود و کارتون خاصی را پیدا می‌کند، پسران چه طور این کار را انجام می‌دهد؟ چون سن خیلی کمی داره؟

یاسین در اوایل گوشی را به خودمون می‌داد و می‌گفت برام کارتون بگذارید، یکی دو بار خودمان براش کارتون گذاشتیم، بعد دیدیم که تایم کارتون دیدن اون زیاد می‌شه، گفتیم که دیگه کارتون نمی‌گذاریم، فقط عکس‌های گوشی رو نگاه کنه.

- عکس‌هایی که خودتان گرفته بودید؟

بله، بعد دیدیم وارد روییکا شده، خودش گشته و برنامه کارتونی رو از روی شکل اون پیدا کرده و داره می‌بیند.

- یاسین چه طور کارتون را پیدا کرده بود؟

توی برنامه روییکا، اولش که خودمون سرچ می‌کنیم و بعد آیکون اون کارتون روی لیست برنامه می‌مونه و حتی اگر آن‌لاین نباشیم، یک سری از کارتونها را می‌شه دید، ولی آن قدرها هم شکل آن کارتون مشخص نیست و یاسین خودش می‌ره و این کارتونها را پیدا می‌کنه، اول می‌ره و به صورت شانسی اون‌ها رو پیدا می‌کنه، بعد نشونه‌گذاری می‌کنه و دفعات بعد راحت تر اون‌ها رو پیدا می‌کنه.

- یاسین چه طور کارتون‌هایی رو نگاه می‌کند؟

بیش تر کارتون‌های رزمی و پسرانه.

- اسم کارتون‌هایی رو که یاسین بیش تر دوست داره، کدام‌ها هستند؟

مثلاً مرد عنکبوتی و پاندای کنگ‌فو کار که خیلی هم بازی‌های خشنی هستند. لاک‌پشت‌های نینجا و ماشین مک کوئین و این‌ها رو هم دوست داره. بعد بیش تر سراغ این طور چیزها می‌ره که در اون‌ها پرخاشگری هست که روی خودش هم خیلی تأثیر می‌گذاره، مثلاً یک مدت که این کارتونها را تماشا می‌کنه، می‌بینیم که توی خونه پرخاشگر و عصبی می‌شه، ولی یه مدتی که کارتون‌های معمولی و آرام تر می‌گذاریم، آرام تر می‌شه.

- یاسین دیگه از چه برنامه‌هایی استفاده می‌کند؟

یاسین تازگی‌ها وارد سایت دیوار می‌شه، البته بیش‌تر به خاطر اسباب بازی‌ها، چون به اسباب بازی علاقه داره.

- اگر اشتباه نکنم سایت دیوار برای خرید و فروش هست؟

بله، مثلاً یک سری از مغازه‌ها هستند که اسباب بازی‌هایشان را برای فروش اون جا می‌گذارند و پسر من هم چون خیلی به ماشین علاقه داره، به ما نشون می‌ده و می‌گه این رو برایم بگیرید یا اون رو برایم بگیرید.

- یاسین این برنامه را چه طور یاد گرفته؟

یاسین بیش‌تر داخل برنامه که می‌ره، خواندن و نوشتن که بلد نیست، عکس یک اسباب بازی رو می‌بینه و داخل اون بخش می‌روه و به این ترتیب اسباب بازی‌های دیگه‌ای رو که در همان بخش هست رو پیدا می‌کنه و این طور وارد بخش اسباب بازی‌های دیوار می‌شه و یا گاهی اوقات از ما می‌خواد که بزیم اسباب بازی تا اسباب بازی‌ها بیایند. یاسین به این کار رغبت زیادی نشان می‌ده، ولی من خودم رغبت چندانی برای دادن گوشی به یاسین ندارم، ولی گاهی اوقات مجبوریم که گوشی را به او بدهیم، مثلاً می‌بینیم که اطرافمان اکثر بچه‌ها گوشی یا تبلت دارند، بعد مثلاً یک جا که در جمع وارد می‌شویم و یاسین گوشی نداره، به مشکل برمی‌خوریم، برای همین مجبوریم که گوشی خودمون رو در اختیارش بگذاریم که گوشی اون‌ها رو نبینه تا بخواد براش گریه کنه، به خاطر همین گاهی اوقات مجبوریم که گوشی به او بدهیم، ولی در کل زیاد گوشی به اون نمی‌دیم.

- یاسین با سایت دیوار چه طور آشنا شده؟

یاسین این رو یکی دو بار دست بابایش دیده، البته قبلش اصلاً نمی‌دونست، یکی دو بار که دست بابایش دید و دید توش اسباب بازی و ماشین هم هست، بهش علاقه‌مند شد و اون رو یاد گرفت.

- گفتید وقتی می‌روید مهمانی، گوشی خودتان را به او می‌دهید که سمت گوشی دیگران نرود، چرا این کار را انجام می‌دهید؟

من بیش‌تر به خاطر این که می‌بینم دیگران یک سری بازی‌ها در گوشیشان هست که من مثلاً دوست ندارم پسر من اون‌ها رو انجام بده، تفنگ و این طور چیزها خیلی روی یاسین تأثیر می‌گذاره.

- آیا شده که این اتفاق برای یاسین افتاده باشد و اون با گوشی کسی بازی انجام داده باشد؟

بله، مثلاً بازی زامبی را دیده بود، برای همین می‌گفت من تنها به اتاق نمی‌روم چون می‌ترسم. الآن هم هر چه قدر من به اون می‌گم اون بازی بود، الکی بود، به هیچ عنوان قبول نمی‌کنه و استرس داره. برای همین وقتی می‌بینم یک سری این طور بازی‌ها را انجام می‌دهند یا مثلاً همین بازی پرنده‌های خشمگین بود فکر کنم و یا این طور بازی‌ها که خیلی خشن هستند، مثلاً یکی از فامیل‌ها که این بازی را در گوشیش داشت من تأثیر آن را روی بچه‌اش می‌دیدم که چه طور رفتار می‌کنه، به خاطر همان می‌گم اگر یاسین یک کارتون در گوشیم نگاه کنه، بهتر از اون هست که بره سراغ گوشی و بازی دیگران».

بررسی‌های انجام شده در سطح کودکان نسل دهه ۹۰ دلالت بر آن دارد، کودکانی که فاقد وسایلی نظیر تبلت، ایکس باکس و یا تلفن همراه هستند، یکی از بحث‌های دایمی‌شان با یکدیگر، وسایل اخیر است و ضمن شناخت بسیاری از برندهای موجود در زمینه وسایل مزبور، آرزوی دستیابی به رسانه‌های دیجیتال را دارند.

مصاحبه صورت گرفته با برخی از کودکان پیش دبستانی، بیانگر آن است که در حال حاضر اقبال قابل تأملی از کودکان پیش از ورود به دبستان، با فناوری‌های ارتباطی جدید آشنا شده و از آن‌ها کاربری دارند (و البته به همین دلیل، اولیا، اولیای آموزشی و مسوولان فرهنگی جامعه باید قبل از ارایه سواد خواندن و نوشتن به کودکان پیش دبستانی، در اندیشه ارایه سواد رسانه‌ای به آنان بر آیند). با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت مورد بررسی در زمینه کاربری از اینستا، افراد قابل توجهی از این جمعیت، کاربری خویش را از سنی کم‌تر از آن چه خود کمپانی متا (فیسبوک سابق و مالک اینستا) برای نوجوانان غربی اعلان داشته است، شروع کرده اند.

مهسای ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد که وی از ۸ سالگی در غفلت اولیا، اینستا را برای خودش نصب کرده است. آلالی ۱۵ ساله و رؤیای ۱۶ ساله هم در ۱۰ سالگی اینستا را برای خودشان نصب کرده اند:

«- در ابتدا چی شد که شما اینستاگرام رو نصب کردی؟»

اولین بار من کلاس دوم دبستان بودم که ما تازه تبلت خریده بودیم، یعنی اون موقع گوشی هوشمندی نبود، اون موقع فقط گوشی نوکیا بود که نمی‌شد اینستاگرام و تلگرام و اینا رو روش نصب کرد، بعد که تبلت خریدیم، دیگه با ذوق و شوق، هر چی برنامه بود، مثل وایبر و اینستا و هر چی بود، نصب کردیم.

- گفتی نصب کردیم، یعنی تبلت فقط مال شما نبود؟

نه، مال همه بود، ولی باز بیش تر من و داداشام بازی می کردیم، پدر و مادرم خیلی کاری به تبلت نداشتن.

- از برنامه های توی گوشی هم به طور مشترک استفاده می کردید؟

نه، نه، اونا اینستاگرام نداشتن، اینستاگرام فقط برای من بود.

- همه راحت به تبلت دسترسی داشتن؟

تبلت رو آره، همه بهش دسترسی داشتن.

- خوب گفتمی که اون موقع هشت سانت بود، درسته؟

بله.»

«- می شه بگی که از چه سنی پیج شخصی داری؟

از ۱۰ سالگیم پیج داشتم.

- از همون سن هم موبایل داشتی؟

از کلاس سوم تبلت داشتم، سه سال قبل هم بابام برای کادوی تولدم موبایل خرید.

- الان کلاس چندم هستی؟

کلاس هشتم.

- مادر و پدرت هر دو موافق بودن که شما موبایل شخصی داشته باشی؟

توافقی نکردن، چون مامان و بابام از هم جدا شدن و من پیش بابام زندگی می کنم، بابام هم چون دید

من دوست دارم موبایل داشته باشم، مثل بقیه ی بچه ها برام خرید، مامانم هم حرفی نزد.

- با پدرت زندگی می کنی یا مادرت؟

من با بابام می مونم، ولی مامانم رو هم می بینم.

- خوب پدرت زمان خرید موبایل، نظر مادرت رو در این باره نپرسید؟

نه، نظر خودم رو پرسید، مگه مامانم می خواد استفاده کنه از موبایل من که نظر اون رو بخواد، وسیله ی

شخصی منه (می خندد).»

«- شما از اینستاگرام استفاده می کنی؟

بله.

- از چه زمانی اینستاگرام رو نصب کردی؟

خیلی ساله، فکر کنم ۶ ساله.»

نسترن و درسای ۱۷ ساله هم در اظهارات خودشان خاطرنشان ساخته اند که در ۱۱ سالگی و ۱۲ سالگی اینستا را برای خودشان نصب کرده اند:

«- گفتمی ۷۰۰۰ تا فالور داری، فعالیت رو از کی شروع کردی؟

خب من از ۱۱ سالگی که گوشی گرفتم دیگه اینستا نصب کردم.

- ۱۱ سالگی یک کم زود نبوده؟

دوست‌هام هم نصب کرده بودند و اوکی بود برامون.

- خانواده‌ات چی؟

کلاً مامان و بابای من توی خط اینستا و اینستا نیستند، به خاطر همین نه می‌دونستند و نه فکر کنم مهم بوده براشون و من هم نگفتم».

«- درسا جان شما اینستاگرام داری؟

بله.

- چند وقت هست؟

پنج سال.

- یعنی از دوازده سالگی؟

بله».

روژان و نسترن ۱۷ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خود، با یادآوری تحول‌های نسلی شدیدی که در جامعه وجود دارد، با ارایه شواهدی خاطرنشان ساخته اند که نسل دهه ۹۰، بسیار فراتر از آنان که نسل دهه ۸۰ محسوب می‌شوند، عمل کرده، از فضای مجازی و اینستا در سطوح سنی پایین‌تری (یعنی ۵-۶ سالگی) مشغول کاربری شده اند:

«- به نظرت داداشت چه چیزی از اینستاگرام یاد گرفته؟

والا اینستا که همه چی رو می‌دونن و بلدن. می‌گم من یازده سالگیم که سن الان داداشم رو داشتم، حتی کم‌تر می‌رفتم از گوشی مامانم استفاده می‌کردم، فقط هم توی گوگل می‌رفتم، چون نمی‌دونستم بقیه برنامه‌ها چیه. این الان سه، چهار سال زودتر از زمانی که من گوشی خریدم، گوشی خریدم. البته این برای من و خواهر بزرگم هست، ولی نه این قدر فاصله. مثلاً اختلاف سنی که ما گوشی خریدیم شاید کم‌تر از یک سال بود، اما این رو می‌گم ۳، ۴ سال زودتر خرید و از همون اولم طرف گفت می‌خواهد براتون برنامه و بازی بریزم؟ اینم گفت آره و اینستاگرامم براش نصب کرد و اینم هی از من می‌پرسید، این چیه من می‌خوام برم توش، همه‌اش نمی‌شه. من برای این که از سرش

بیفته گفتم دورینه، علامتش رو ببین شکل دورینه، دیگه نهایتاً قبول نکرد و رفته بود از دوستاش پرسیده بود، اونا گفته بودن توش پر عکس و فیلمه، اونجا می تونن عکسای هم رو ببینن و برای هم نظر بذارن و قلب بذارن و اینا... بچه های ۷ ساله تقریباً و واقعاً برام عجیب بود، من ۷ سالم بود اصلاً بابام اجازه نمی داد سمت گوشیش برم، همه مون التماس می کردیم و زار می زدیم تا مامان مون یا بابامون بذاره ما یک ساعت با گوشیش بازی کنیم. بعد اینا نشستن ویژگی های اینستاگرام رو برای هم شرح دادن، بعدشم ریختم براش.

- وقتی رفت توی برنامه نظرت چی بود؟

اولش خیلی بامزه بود، من همه اش دستش می انداختم. چون کلی عکس آدمای غریبه می اومد توی اکسپلوررش دیگه، بعد کلی هم زن با قیافه های عجیب و غریب اون موقع بود. بعد چون بابام بهش تأکید کرده بود عکس غریبه ها رو نبینه و باهاشون یه موقع حرف نزنه، این با بغض و استرس می اومد توی اتاق من و می گفت روزان من به خدا نمی دونم این زنا از کجا اومده، من به خدا به چیزیش دست نزدم! منم می گفتم، نه عزیزم خودش میاد تقصیر تو نیست و یه موقع هایی هم که اذیتم می کرد، بهش می گفتم من می رم به بابا می گم رفتی کلی عکس زن و دختر بی حجاب ریختی توی گوشیت، این بچه واقعاً می ترسید که بابام چه فکری راجع بهش می کنه.

- الان چه طور؟

الآن که چند سال گذشته و دستش اومده، اصلاً براش مهم نیست و از هر کی خوشش میاد فالوش می کنه، از هر کسی خوشش میاد باهاش چت می کنه، تازه اینا بچه های قدیمی ترن نسبت به الآن! یعنی می گم این اون اولاش یه کم حس ناراحتی و عذاب وجدان رو داشت که داره عکسای غریبه ها رو می بینه و بابام بهش گفته نبین و دنبال نکن، حتی اگه بدون خواست خودش هم می اومدن، نگران می شد، الآن بچه ها رو که اصن نگم. من چند روز پیش یه مغازه رفته بودم و بند ساعت هوشمند رو عوض کنم، گفت چند دقیقه بشینید تا از انبار بیارم، بعد یه خانواده اومد تو و توی همون شاید ۱۰ دقیقه گفت، من از فلان مدل تبلت سامسونگ دوتا می خوام، دوتا دوقلو داشت که شاید ۵، ۶ سال- شون بود، همونجا دوتا براشون خرید، جفتشم دونه ای ۱۰ میلیون بود. همونجا ۲۰ میلیون کارت کشید و گفت وایسید برنامه ها رو براتون نصب کنم، یهو این بچه ها داد زدن تلگرام و اینستاگرام

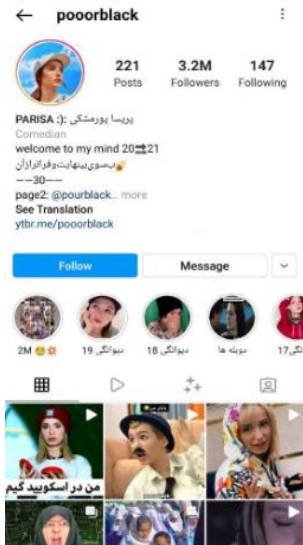
بریز!

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری / ۵۰

بعد طرف گفت به من که من بند رو پیدا نکردم، برو یه چرخ توی پاساژ بزن چند دقیقه دیگه برگرد، بعد چند دقیقه که برگشتم دیدم کارشون تموم شده، اون فروشنده که داشت فاکتور می‌نوشت، اینا نشستن روی صندلی کنار من، یکی شون می‌گفت برو برو تلگرام من بهت پی‌ام دادم ببین! اون یکی هم گفت بعداً سین می‌کنم، بیا یه سلفی بذاریم اینستا. همون جا با هم سلفی گرفتن بعد پست کرد و گفت بذار اینا باشه که به دوستانمون آیدی‌مون رو دادیم بدونن ماییم و فالومون کنن!

من دهنم وا مونده بود یعنی! این همه اصطلاحات و لفظای خارجیش توی یه دقیقه از دهن اینا بیرون اومده بود. یاد داداش بیچاره‌ام افتادم که می‌اومد توی اتاقم و دست و پاش می‌لرزید که این همه عکس غریبه چیه توی گوشی من یهو اومده... و خود بیچاره‌ترم که دو ساعت التماس می‌کردم تا بابام گوشیش رو بده باهاش بازی کنم، هیچ جای دیگه گوشی رو بلد نبودم، خواهرمم که دیگه هیچ».

«بیش‌تر مخاطب‌های پریسا هم رنج سنی خودمون و دهه نودی‌ها هستن، البته دهه هفتادی‌ها هم دنبالش می‌کنند.



- دهه نودی‌ها؟

آره دیگه.

- مگه گوشی دارن، حالا گوشی به کنار، مگه اینستاگرام دارند؟

اوهوم، نمونه‌اش خود خواهر من کلاس دومه و دهه نودی، اصلاً پریسا رو مهتاب به من معرفی کرد، این قدر دوستش داره که نگم برات، بعضی وقت‌ها برمی‌گرده بهم می‌گه، کاش پریسا آجی من بود، نه تو!».

سواد رسانه‌ای اندک کاربران

دانشنامه ویکی‌پدیا در توصیف سواد رسانه یا سواد رسانه‌ای می‌نویسد:

«سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. به زبان ساده‌تر سواد رسانه‌ای علمی است که فرد برای استفاده از محتوا و پیام‌های رسانه‌ای به کار می‌گیرد. این مفهوم با ایجاد و گسترش رسانه‌های سمعی و بصری، به وجود آمد و با گسترش شبکه‌های اجتماعی، روز به روز دارای ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری شده است. سواد رسانه‌ای یک موضوع چند وجهی است که قدرت درک مخاطبان از نحوه کارکرد رسانه‌ها و شیوه‌های معنی‌سازی در آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌کوشد این واکاوی را برای مخاطبان به یک عادت و وظیفه تبدیل کند. سواد رسانه‌ای را می‌توان بستر منطقی دسترسی، تجزیه و تحلیل و تولید ارتباط در شکل‌های گوناگون رسانه‌ای و در همین حال تأمین شرایط مصرف محتوای رسانه‌ای از منظر انتقادی دانست.

سه وجه سواد رسانه‌ای عبارتند از:

الف: ارتقای آگاهی نسبت به رژیم مصرف رسانه‌ای و یا به عبارت بهتر تعیین میزان و نحوه مصرف غذای رسانه‌ای از منابع رسانه‌ای گوناگون که در یک کلام، همان محتوای رسانه‌هاست؛

ب: آموزش مهارت‌های مطالعه است یا تماشای انتقادی؛

ج: تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها که در نگاه اول قابل مشاهده نیست.

نداشتن سواد رسانه باعث می‌گردد تا عامه مردم بدون تحقیق و با خواندن مطالب دروغ و فاقد ارزش علمی تحت تأثیر قرار گرفته و عملاً مورد سوءاستفاده افکار و رفتار صاحبان سیاست و کلاه‌برداران حرفه‌ای قرار گیرند.

در آموزش سواد رسانه‌ای، غالباً از یک الگوی آموزشی مبتنی بر پرس و جو استفاده می‌شود که افراد را ترغیب می‌کند، در مورد آنچه تماشا می‌کنند، می‌شنوند و می‌خوانند، سؤال کنند. تحلیل‌های

انتقادی می‌تواند شامل شناسایی نویسنده، هدف و نقطه نظر، بررسی تکنیک‌های ساختمانی و گونه‌ها، بررسی الگوهای نمایندگی رسانه‌ها و کشف تبلیغات، سانسور و تعصب در برنامه‌های خبری و روابط عمومی (و دلایل این موارد) باشد. آموزش سواد رسانه‌ای ممکن است، چگونگی تأثیرگذاری ویژگی‌های ساختاری - مانند مالکیت رسانه‌ها یا مدل تأمین اعتبار آن - بر اطلاعات ارایه شده را کشف کند.

با تبدیل فرایند مصرف رسانه‌ها به یک فرایند فعال و حساس، مردم آگاهی بیش‌تری از امکان دستکاری اطلاعات کسب می‌کنند و نقش رسانه‌های جمعی و رسانه‌های مشارکتی را در ساختن دیدگاه‌های مختلف درک می‌کنند. آموزش سواد رسانه‌ای گاهی به عنوان روشی برای پرداختن به ابعاد منفی رسانه‌ها، از جمله دستکاری رسانه‌ها، اطلاعات غلط، کلیشه‌های جنسیتی و نژادی، جنسی کردن کودکان و نگرانی در مورد از بین رفتن حریم شخصی، حمله سایبری و شکارچیان اینترنت مفهوم سازی می‌شود. با ایجاد دانش و شایستگی در استفاده از رسانه و فناوری، آموزش سواد رسانه - ای می‌تواند با کمک به آن‌ها در انتخاب مناسب در عادات مصرف رسانه و الگوهای استفاده، نوعی محافظت از کودکان و جوانان را فراهم کند. طرفداران آموزش سواد رسانه ای معتقدند که ورود سواد رسانه ای به برنامه درسی مدارس موجب تعامل مدنی، افزایش آگاهی از ساختارهای قدرت ذاتی در رسانه‌های عمومی می‌شود و دانش آموزان را در به دست آوردن مهارت‌های لازم و انتقادی را ضروری می‌داند.

منطقی (۱۴۰۰ الف) در همین رابطه در نقد مسوولان فرهنگی ایران می‌نویسد:

«بررسی تاریخچه ارایه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به جامعه دلالت بر آن دارد که با ارایه هر فناوری ارتباطی جدیدی به جامعه موجی از بیم‌ها و امیدها در پی آن پدید آمده است و در حالی که برخی از مسوولان از تهدید بودن آن یاد کرده‌اند، افراد دیگری از فرصت‌های فناوری مورد نظر سخن گفته‌اند. گفتمان ایده‌های مخالف و موافق فناوری‌ها در غرب، سرانجام به این راهبرد انجامیده است که با افزایش و ارتقای بهره‌وری شهروندان از فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، خود به خود عرصه کاربری نامناسب از این فناوری‌ها تحدید شده، در مجموع شهروندان قادر به استفاده مثبت از این فناوری‌ها گردند.

اما برخلاف تجربه بشری پیش‌گفته که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای

مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمد با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، حال آن که برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌ها انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی برای کاربر کاربران از آن زد.

رویکرد اخیر خود به خود امکان بسترسازی فرهنگی جهت فضای مجازی را به میزان زیادی محدود کرده است. مضاف بر این، خلاء قانون‌های لازم برای کاربری مناسب از فضای مجازی و برخورد با کاربری‌های نامناسب از این فضا، امر مهم دیگری است که در جامعه به وضوح ملاحظه می‌گردد و با وجود برخی از اقدام‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در دهه هشتاد و تشکیل شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۰ و گذشت قریب به ۸ ساله از عمر این شورا، ماحصل چندانی در جهت تولید ادبیات فاخر، مدیریت فضای مجازی و تدوین قوانین لازم جهت کاربری بهینه از این فضا، به جامعه ارائه نگردیده است و شورای مزبور در همایش‌های سالانه خود، با طرح موضوع دست نیافتنی «دست-یابی به اینترنت پاک»، هنوز از مرحله شعار دادن به عمل نرسیده است.

علاوه بر آنچه از آن یاد شد، گره خوردن برخی از خلاءهای اجتماعی با فضای مجازی در ایران از سویی و عدم توجه به برخی از فرآیندهای اجتماعی موجود در جامعه، نظیر شکل‌گیری نوعی از مقاومت منفی در برابر مسوولان و اولیای فرهنگی از سوی مردم، کار را به آنجا کشانده است که سردرگمی مواجهه مسوولان با فضای مجازی در کشور نزدیک به ربع قرن (از آغاز بحث ماهواره در سال ۱۳۷۳ در مجلس تا حال حاضر) برسد.

انعکاس مستقیم سردرگمی اولیای فرهنگی نظام در مواجهه با فضای مجازی را می‌توان مستقیماً در نظام آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی کشور و خانواده‌ها، ملاحظه کرد. به این معنا که به سبب علایق گسترده کودکان، نوجوانان و جوانان به پدیده نو، جذاب و متنوع فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، آنان به شدت متوجه فضای مجازی گردیده‌اند، اما اولیای آموزش پیش دبستان و آموزش و پرورش عمومی کشور با مخالفت با کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در محیط پیش دبستان و دبستان و

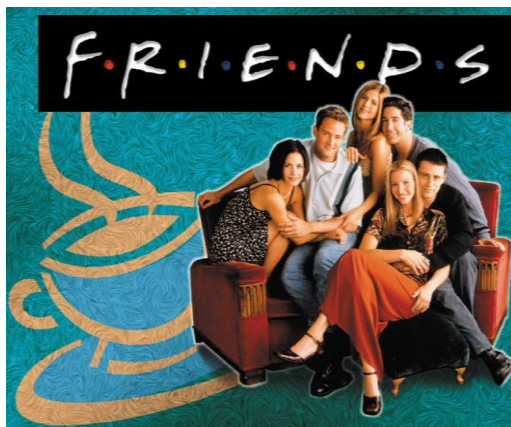
دبیرستان، در عمل در برابر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته موضع گرفته، همین تخالف‌ورزی، امکان بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در آموزش پیش دبستان و آموزش عمومی را به میزان بسیار زیادی از مسوولان ذیربط سلب کرده، به جای فرصت‌سازی در این جهت، کار را به فرصت‌سوزی رسانده است.

سردرگمی که از آن در ارتباط با مسوولان فرهنگی و آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان از آن یاد شد، به سهم خود در خانواده‌ها نیز مؤثر واقع آمده، به سردرگمی نسبی آنان انجامیده است. به این معنا که در مرتبه نخست اهمیت، به دلیل مشغله زیاد اولیا و در مرتبه بعد، به سبب آشنایی اندک آنان با فضای مجازی و سرانجام به سبب عدم بسترسازی فرهنگی لازم در سطح جامعه درباره فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اولیای کودکان، نوجوانان و جوانان تصویر مناسب و درستی از فضای مجازی و فراز و فرودهای آن ندارند، از این رو اولیا، در غالب موارد چندین گام عقب‌تر از فرزندان خود در زمینه فضای مجازی قرار دارند».

سواد رسانه‌اندک کاربران ایرانی سبب شده است که مسموم‌ترین بازی‌های دیجیتالی (مانند جی‌تی-ای، پابجی، فورتنایت، سیمز و نظایر آن‌ها) و سمی‌ترین فیلم‌ها و سریال‌های غربی (مانند فرنرز، لوسیفر، گیم آف ترونز، سیصد و شصت و پنج روز و نظایر آن‌ها) در صدر کاربری نوجوانان و جوانان ایرانی قرار داشته باشند.

بازی‌ها یا فیلم‌ها و سریال‌های اخیر یا در صدد ترویج خشونت در حد اعلای خودش هستند (نظیر بازی دزد بزرگ اتوموبیل یا جی‌تی‌ای) یا شهوت‌رانی را در اوج خودش تشویق می‌کنند (مانند فیلم ۳۶۵ روز که شاید بیش از نیمی از آن به نمایش هرزه‌نگاری اختصاص یافته است و یا گیم آف ترونز که با وجود داعیه تاریخی بودن، از سوی برخی از ناقدان، بیش‌تر فیلمی هرزه‌نگار معرفی شده است) و یا جهان‌بینی الهی را زیر سوال برده و مخدوش می‌سازند (مانند فیلم لوسیفر).

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خود از گذران اوقات فراغت خویش به شکل زیر یاد کرده است:
«... وقتایی که بی‌کار می‌شم یا کار ندارم، فرنرز یا لوسیفر می‌بینم یا توی توئیتر و اینستا می‌گردم، هفته‌ای یه بار هم با دوستانم می‌روم بیرون».



اشکان ۲۱ ساله هم در بیانات خود از مشکل نداشتن سواد رسانه که دوستانش را اسیر شایعات مختلف ساخته، به قرار زیر یاد کرده است:

«- بیش تر شایعات مربوط به کدوم پیج‌ها هستن؟»

پیج‌های زیادی دست به پخش شایعات می‌زنند، ولی غالب‌شون پیج‌های غیررسمی و بی‌نام و نشان با تعداد فالور بسیار بالا و ناآگاه هستند.

- کسی از دوستان هست که چنین پیج‌هایی رو دنبال کنه؟
بله، خیلی کم. فقط دو نفر رو می‌شناسم.
- چرا همچین پیج‌هایی رو فالو می‌کنند؟
به نظرم دلیل اصلیش سواد پایین رسانه‌ای و سواد کم تو استفاده از اینستاگرامه».

تحقق یادگیری و آموزش فعال

یکی از ابعاد جدید آموزشی کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، ایجاد بستری جهت تحقق آموزش فعال کاربران است.

پیاژه در نظریه‌پردازی که در باب تحول روانی آدمی دارد، تمام فرایندهای روانی را در نظامی منسجم، مد نظر قرار داده، در مورد آن‌ها بحث می‌کند. اگر از مجموعه مباحث اخیر، توجه خود را بیش‌تر معطوف به تحول جنبه شناختی کنیم، ملاحظه می‌شود که پیاژه، سه دوره را در تحول شناختی فرد مطرح می‌سازد.

اولین دوره تحول روانی کودک، در طول دو سال اول زندگی وی مشاهده می‌شود. پیاژه با توجه به کنش متقابل و نزدیکی که بین فعالیت‌های حرکتی و ادراکی کودکان در این دوره وجود دارد، از آن با عنوان دوره حسی- حرکتی یاد می‌کند. در این مقطع زمانی «کودک برای شناخت اشیاء باید روی آن‌ها عمل کند، و در نتیجه آن‌ها را دگرگون سازد» (منصور و دادستان، ۱۳۷۴). از این رو در این دوره «تماس کودک با دنیای خارج به صورت عملی خواهد بود. کودک محیط را از این راه درک کرده، از این طریق با آن مبادله می‌کند یا با آن روبرو می‌شود» (منصور، ۱۳۷۸).

دومین دوره تحول روانی کودک از ۲ تا ۱۲-۱۱ سالگی به طول می‌انجامد. پیاژه از این دوره با عنوان دوره تهیه و استقرار عملیات منطقی عینی یاد می‌کند. در این دوره هوش تجسمی یا تصویری در کودک آغاز شده، شکل می‌گیرد. دوره اخیر خود به دو نیم‌دوره تقسیم می‌گردد. نیم‌دوره نخست از ۲ تا ۷ سالگی و نیم‌دوره دوم از ۷ تا ۱۲-۱۱ سالگی به طول می‌انجامد.

کودک در مقطع سنی ۷ تا ۱۲-۱۱ سال به صورت عینی و در حد محدودی بر اساس عملیات منطقی عمل می‌کند. به تعبیر دیگر «کودک پس از طی مراحل، در حدود ۸-۷ سالگی به تشکیل یک منطق و ساخت‌های عملیاتی که پیاژه آن‌ها را «عینی» می‌نامد، نایل می‌گردد. این صفت «عینی» در مقابل «صوری» (که به عملیات دوره بعد اطلاق می‌شود)، به ویژه برای روان‌شناسی عملیات منطقی، به طور کلی به گونه‌ای خاص آموزنده است، چه دارای این معنا است که در این تراز که تراز آغاز منطق به

معنای دقیق کلمه است، عملیات هنوز در مورد قضایا یا جمله‌های لفظی به کار نمی‌افتد، بلکه در مورد خود اشیاء عمل می‌کنند و به طبقه‌بندی کردن آن‌ها، ردیف کردن آن‌ها، مطابقت دادن آن‌ها و غیره محدود می‌گردند. به عبارت دیگر، عمل ذهنی تازه استقرار یافته، هنوز به عمل درباره اشیاء و دست‌کاری واقعی یا تقریباً ذهنی آن‌ها وابسته است» (منصور و دادستان، ۱۳۷۴).

پیاژه از سومین دوره تحول روانی با عنوان دوره هوش انتزاعی یا عملیات منطقی صوری یاد می‌کند. این دوره از ۱۲ - ۱۱ سالگی شروع شده، در ۱۵ سالگی به مرحله تعادل خود می‌رسد. در این دوره که دوره استقرار هوش انتزاعی است، نه تنها واقعیات به صورت بارز و آسان‌تری در معرض عملیات ذهنی قرار می‌گیرند، بلکه نوجوان در آستانه تفکر انتزاعی خود تنها بر واقعیات محدود تکیه نکرده، به آنچه در سطح ممکن وجود دارد، فکر می‌کند و به این ترتیب حوزه عملیات ذهنی وی، وسعت بسیاری می‌یابد.

در این دوره، منطق عینی که منطق محدودی بود، به عنوان جزئی از منطق صوری یا انتزاعی که در شبکه وسیع‌تری عمل می‌کند، در می‌آید. این حد، آخرین حد تکمیل ساختمان‌های ذهنی است و از این پس هیچ نوع ساختمان جدیدی در مجموعه شناختی فرد بنا نمی‌شود. بنابراین نوجوان ۱۴-۱۵ ساله از لحاظ ابزار ذهنی به حداکثر تحول عقلی خود رسیده است و می‌تواند تمامی اعمال ذهنی را انجام دهد، منتها چیزی که یک بزرگ‌سال را از یک نوجوان متمایز می‌کند، مسأله بیش‌تر بودن تجربه بزرگ‌سال در قیاس با نوجوان است (منصور، ۱۳۷۸).

پیاژه در بحثی که در مورد عوامل مؤثر در تحول روانی دارد، روی نقش تجربه تأکید می‌ورزد. او با طرح دو تجربه فیزیکی یا جسمانی و تجربه منطقی-ریاضی، از تأثیر این تجربیات در تحول روانی فرد یاد می‌کند. وی می‌نویسد:

«در تجربه جسمانی، شناخت اشیاء از طریق انتزاع ساده آن‌ها حاصل می‌آید، به این معنی که از مجموعه خاصیت‌های یک شیء، ویژگی خاصی منفک شده، بدون توجه به سایر خاصیت‌های شیء، در نظر گرفته می‌شود. به این ترتیب تجربه جسمانی به کودک امکان آن را می‌دهد که وزن اشیاء را کشف کند، رنگ آن‌ها و مانند آن را نادیده انگارد یا به این کشف نایل آید که وزن اشیایی که دارای ماهیتی یک‌سان هستند، به حجم آن‌ها بستگی دارد.

تجربه دیگری که حایز اهمیتی اساسی است، اما همواره فراموش شده است، تجربه منطقی-ریاضی است. این تجربه نیز مشتمل بر عمل کردن در مورد اشیاء است. اما شناختی که بدان منتهی می‌شود،

به خودی خود از اشیاء منتج نشده است، بلکه حاصل اعمالی است که در مورد اشیاء به کار بسته شده‌اند و این به هیچ‌وجه مشابه شناختی که مستقیماً از اشیاء ناشی می‌شود، نیست. به عنوان نمونه، کودکی که ریگ‌ها را می‌شمرد و برای انجام این کار، آن‌ها را در یک ردیف خطی قرار می‌دهد و با شمردن آن‌ها از چپ به راست، به این کشف نایل می‌آید که تعداد آن‌ها ده عدد است و با شمردن آن‌ها از راست به چپ باز در می‌یابد که تعدادشان ده تا است، سپس آن‌ها را دایره وار می‌چیند و باز آن‌ها را ده عدد می‌یابد و غیره، به این ترتیب از راه تجربه کشف می‌کند که مجموع، مستقل از ترتیب است. چنین تجربه‌ای یک تجربه منطقی-ریاضی است، نه یک تجربه جسمانی. آنچه کودک کشف کرده، رابطه‌ای است که برای او جدید است. رابطه‌ای بین دو عمل مرتب کردن و جمع کردن (در نتیجه بین دو عمل ذهنی) و نه دست یافتن به خاصیتی از ریگ‌ها» (منصور و دادستان، ۱۳۷۴).



بنابراین در نظریه تعاملی پیازه، نقش محیط به طور عمده در تجربیات جسمانی و منطقی-ریاضی کودک خلاصه می‌شود و محیط با در دسترس قرار دادن امکان عمل‌های لازم به کودک، اسباب تحول شناختی کودک را به شکل بهینه فراهم می‌آورد.

پیاژه بر مبنای نظریه‌اش در مورد تحول روانی و خاصه تحول شناختی، دست به نقد نظام آموزشی موجود می‌زند. وی در کتاب «آینده تربیت» پس از بیان اشکال‌های عدیده‌ای که به نظام آموزشی موجود وارد است، با توجه به مراحل روانی که بدان‌ها دست یافته است، دست به ارایه طریق زده، از «آموزش فعال» به عنوان شایسته‌ترین نظام ممکن در آموزش کودکان یاد می‌کند. وی در کتاب مزبور، در نقد کتاب‌های آموزش ریاضی و تجربی می‌نویسد:

«یاددهی یا آموزش عدد تا زمانی که کودک هنوز به سطح سازمان روانی لازم برای درک آن نرسیده است، چه دستاورد مثبتی به همراه دارد؟ همچنین می‌توان از خود پرسید، وقتی کودک فقط از راه

پرداختن به عمل در مورد اشیای عینی می‌تواند یاد بگیرد و به شناختی نایل آید، یک آموزش صوری و منحصرأ کلامی چیست؟

... آزمایش معلم در برابر شاگردان یا حتی انجام آن‌ها به دست خود شاگردان، اما بر اساس طرز عملی از پیش تعیین شده که به آنان تقریر می‌گردد، نخواهد توانست قواعد عمومی هر آزمایش عملی، مانند تغییر یک عامل یا خنثی ساختن عوامل دیگر را بدان‌ها بیاموزد. وقتی انسان آزمایشی را با آزادی لازم از نظر ابتکار انجام ندهد، دیگر آزمایش نیست، بلکه یک آموخته‌سازی است که بر اثر فقدان درک کافی اقدامات پی در پی، ارزش سازندگی را ندارد» (پیازه، ؟، ترجمه منصور و دادستان، ۱۳۷۱).

پیازه بر مبنای نظریه تحول ذهنی خودش دست به طرح «آموزش فعال» می‌زند. وی در این باره خاطرنشان می‌سازد که تحقق آموزش مزبور، منوط به برخورد فعال کودک در جریان تجربیات روزمره و آموزشش است.

از نظر پیازه، از آنجاکه تفکر کودک پیش دبستانی و دبستانی، تفکری عینی است، بنابراین ضرورت دارد با در دسترس قراردادن اشیای مختلف در اختیار وی و همین طور تماس دادن او با روابط اجتماعی ملموسی که در اطراف و اکناف خویش آن‌ها را در می‌یابد، او را به سمت آموزش فعالی سوق داد تا در جریان کشف و اختراع موارد متنوع، آمادگی سوق یافتن به سمت تفکر صوری و انتزاعی را به دست آورد. بر این مبنای از پیش پیداست که آرایه مفاهیم غیرعینی و ملموسی مانند جرم، وزن، کشش ملکولی و مانند آن یا طرح مسایلی که قرن‌ها پیش رخ داده‌اند، برای بچه‌ها، نه تنها ممکن است در تحول ذهنی آنان نقش مثبتی بر جای نگذارند، بلکه ممکن است تحول ذهنی آنان را با تأخیر نیز مواجه سازند.

الکایند، در تجربه‌ای در این زمینه می‌نویسد:

«مدتی پیش، من از یک مدرسه ابتدایی، در یکی از شهرهای دانشگاهی انگلیس دیدار کردم. بیش‌تر کودکان این مدرسه، فرزندان اساتید دانشگاه بودند و همان‌طور که انتظار می‌رفت، کودکانی نسبتاً تیزهوش و با قدرت بیان خوب بودند. در کلاس دوم ابتدایی، کاری که این کودکان درباره حادثه تاریخی «آتش سوزی لندن در سال ۱۶۶۶» انجام داده بودند، به من نشان داده شد. بدین معنی که داستانی درباره آتش سوزی مزبور برای کودکان خوانده می‌شد و تصاویری را در این خصوص به آن‌ها نشان می‌دادند. تکلیف دانش‌آموزان این بود که مقاله کوتاهی پیرامون حادثه اخیر بنویسند.

مقالات کودکان از نظر روشنی بیان، سازمان‌دهی، و واژه‌های به کار برده شده، فوق‌العاده بود، اما تمامی آن‌ها کیفیتی یک‌نواخت داشتند، یعنی کودکان آنچه را که از داستان شنیده بودند، دوباره بیان داشتند. با وجود این که مقالات مزبور تبحر فوق‌العاده این کودکان را نشان می‌داد، اما به کلی عاری از خلاقیت و خودانگیزگی بود. علاوه بر این، از آن جا که این مطالب، فراتر از سطح فهم کودک بود، بعید به نظر می‌رسید که چیزی از آن در ذهن آن‌ها باقی بماند.

چند روز بعد، فرصتی دست داد تا از مدرسه‌ای ابتدایی، واقع در یک دهکده کوچک انگلیسی نیز دیدن کنم. بیشتر کودکان این مدرسه از طبقه کارگر یا کسبه ساکن همان دهکده بودند. کودکان دوم ابتدایی این مدرسه نیز مقاله می‌نوشتند، ولی مقالاتی به گونه‌ای کاملاً متفاوت. آن‌ها روز قبل از مقاله نویسی، از کلیسایی کوچک دیدن کرده بودند و سنگ‌های قبر واقع در قبرستان آن کلیسا را مورد بررسی قرار داده و از برخی از آن‌ها با نهادن کاغذ روی سنگ قبرها و کشیدن مداد روی آن‌ها، نقشه‌برداری کرده بودند. مقالاتی که این کودکان نوشته بودند، اگر چه از حیث رعایت دستور زبان و ظرافت‌های فن بیان (چیزی که به خوبی در مقالات فرزندان اساتید اخیر مشهود بود)، چندان بهره‌ای نداشت، ولی سرشار از خودانگیزگی و خلاقیت بود. از آن جا که این مطالب با تجارب شخصی کودکان ارتباط نزدیک پیدا کرده بود، به احتمال زیاد در ذهن آن‌ها باقی خواهد ماند، زیرا که قابلیت جذب به درون مجموعه دانش ایشان را داشت» (الکاینده، ۹، ترجمه نائلی، ۱۳۷۴).



گذشته از گرایش‌های پیازه‌ای که آموزش فعال را سنگ بنای آموزش و خلاقیت می‌دانند، ملاحظه نتایج پژوهشی بسیاری از محققانی که از گرایش‌های غیرپیازه‌ای برخوردارند، حکایت از آن دارند که نظام مبتنی بر آموزش فعال، بیش‌ترین تأثیر را در تربیت خلاق فراگیران ایفا می‌کند (منطقی، ۱۳۹۰).

راد ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش از یادگیری فعال خویش یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، وی برنامه‌های ادیت و برش ویدیو و فیلتر گذاشتن روی عکس و فیلم را شخصاً با استفاده از امکانات آموزشی فضای مجازی فراگرفته است:

«الآن بیش‌ترین استفاده‌ات از گوشت چی هست و چه برنامه‌هایی روی گوشت داری؟
من همه چی دارم.

- می‌توننی چندتا از این همه چیز رو به من بگی.

از اینستا گرفته تا واتساپ، به علاوه یه سری برنامه‌های کاربردی مثل ورد و پاورپوینت که به درسم مربوط ان و برنامه‌های دیگه که به درس مربوط نیست.



- برنامه‌هایی که به درس مربوط نیستن چی هستند؟

برنامه‌های ادیت و برش ویدیو، برای اینستا مورد نیاز.





- عکس و ویدیو ادیت می‌کنی و در اینستاگرام می‌گذاری؟
آره، هم برای ادیت، هم حجم‌شون رو کم و زیاد می‌کنم.

- چه طوری ادیت می‌کنی؟

اون عکس و فیلم رو بخوام کات می‌کنم یا روشن‌تر می‌ذارم، برای این که رنگ‌شون بهتر بشه، جذاب‌تر بشه».

نرگس ۲۰ ساله و اشکان ۲۱ ساله هم در مصاحبه‌های جداگانه خود بیان داشته‌اند، با جست‌وجو در هشتک‌های اینستا یا استفاده از برنامه‌های آموزشی موجود در آن، اطلاعات لازم خود را به دست آورده یا برنامه‌نویسی و طراحی سایت را فرا گرفته‌اند:

«- تأثیر اینستا رو روی درس و تحصیل خودت چه طور ارزیابی می‌کنی؟

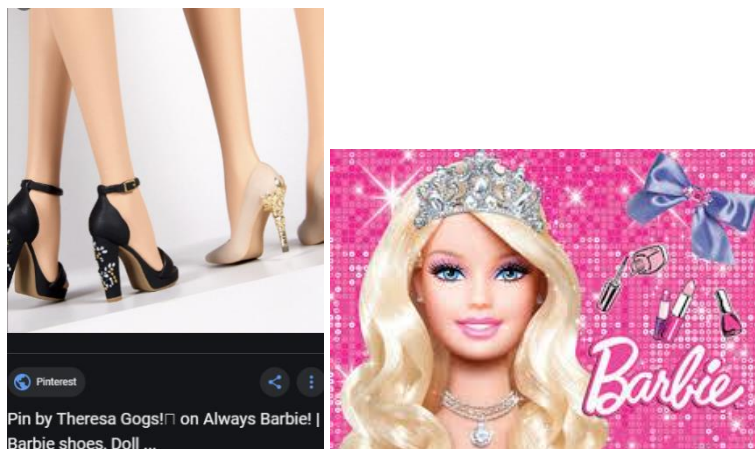
هم خوب، هم بد.

- چه طور؟

خب خوبش اینه که من خیلی وقتا که دارم یک مطلبی رو می‌خونم، توی اینستا توی هشتک‌ها رو سرچ می‌کنم، کلی مطلب، فیلم و آزمایش ازش میاره که خیلی توی یادگیری مطلب کمک می‌کنه».

«- درباره برنامه‌نویسی چه مطالبی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟
من شغل اصلیم برنامه‌نویسیه. من از راهنمایی دنبال کارای گرافیکی و برنامه‌نویسی بودم، اما دلیل اصلی که این قدر خوب تونستم برنامه‌نویسی رو پیش ببرم یه دوره آموزشی طراحی سایت بود که ۴ سال پیش خریدمش. خیلی مفید بود و باعث شد بعد کنکور کار کنم». بنابراین با توجه به آن چه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، اگر نظام آموزش عمومی و عالی کشور، متوجه مقوله آموزش فعال شده و آموزش فعالی را که نوجوانان و جوانان در ارتباط با کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید به تجربه آن‌ها می‌پردازند، مورد توجه قرار داده، آن را به کل نظام آموزشی خود تعمیم دهند، تحول شگرفی در نظام آموزش عمومی و عالی کشور پدید خواهد آمد.

پر رنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم



(کفش‌های باربی)

برتوزی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «کشتن برای زنان: بازی شکار و توانمندسازی زنان»، خاطرنشان می‌سازد، «برخی از بازی‌های پرترفدار، دارای مضمون شکار و کشتن برای زنده ماندن هستند. وی در ادامه می‌نویسد، هرچند به لحاظ تاریخی انجام بازی‌های پرخشونت و مبتنی بر کشتار مطلوب طبع مردان است، اما زنان هم به تدریج وارد دنیای بازی‌های دیجیتال می‌شوند و به بازی‌هایی مانند شکار و کشتن می‌پردازند. انجام این بازی‌ها در عمل به زنان می‌آموزد که آنان در شرایط پرتنش، رقابتی

و تهاجمی، چگونه زنده بمانند و موفق شوند. انجام بازی‌هایی از این دست، سبب می‌شود که زنان بر تناقضات جنسیتی که در جهان بیرون برای آنان وجود دارد، غلبه کنند».

آن چه بر تیزی از آن یاد می‌کند، اتخاذ مواضع صریح فمینیستی است که بر هر فردی عیان بوده، ممکن است به سادگی افراد را به جبهه‌گیری در برابر آن وادارد.

اما روش‌های دیگری هم وجود دارد که می‌توان با اتکا به آن‌ها، القانات مورد نظر را به گونه‌ای به جمعیت هدف انتقال داد که جبهه‌گیری‌های مشابه آن چه از آن یاد شد، در برابر آن شکل نگیرد. یکی از این روش‌ها، آموزش غیررسمی یا پنهان است.

کومیز به عنوان یکی از اولین نظریه‌پردازان آموزش غیررسمی، این آموزش را به شرح زیر، تعریف می‌کند:

«آموزش غیررسمی، عبارت از هرگونه آموزش منظم و سازمان یافته، خارج از چارچوب نظام آموزش رسمی است که فرصت یادگیری را برای فرد فراهم می‌آورد.

یونیسف، در تعریفی که در سال ۲۰۰۵ از آموزش غیررسمی ارائه کرده است، این آموزش را آموزشی برای تمامی سنین، و رفع نیازهای پدید آمده افراد می‌داند.

برخی از پژوهش‌گران یادگیری غیررسمی را یادگیری خاصی می‌دانند که «خارج از یک برنامه درسی مستقیم» و «خارج از دیوارهای مدرسه»، رخ می‌دهد.

محققان دیگری تأکید می‌ورزند، در آموزش غیررسمی که معمولاً در بیرون از مدرسه صورت می‌پذیرد، به سبب آن که محتوای آموزشی با توجه به نیاز فراگیران تهیه و تدوین شده و از ساخت-مندی کم‌تری برخوردار است، انگیزه درونی فراگیران را معطوف به خود کرده، آنان با علاقه بیش-تری به این آموزش می‌پردازند.

مزایا و جذابیت‌هایی که در آموزش غیررسمی وجود دارد، سبب شده است که برخی از نظریه-پردازان، ادغام دو آموزش رسمی و غیررسمی را در دستور کار خود قرار دهند. ریموند، خاطرنشان می‌سازد، رویکرد برنامه‌های شخصی، مشارکت دادن دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی، خودیادگیری، اجازه انتخاب موضوع به دانش‌آموزان و موارد مشابه، در نظام آموزش رسمی، تحت تأثیر آموزش‌های غیررسمی، صورت پذیرفته است» (منطقی، ۱۳۹۰ ب).

آموزش غیررسمی می‌تواند از طریق یک گردش علمی، بازدید، داستان، کلیپ، انیمیشن، فیلم، آهنگ، پوستر، عروسک و اسباب بازی و مانند آن، اطلاعاتی را به کسانی که مخاطب وی هستند، انتقال دهد.

آموزش اخیر بسته به جهت گیری ارزشی کاربران آموزش غیررسمی می تواند از جهات مثبت گرفته تا منفی گسترده باشد. به عنوان مثال، ودر- ویزا^۱ و فورتوس^۲ (۲۰۱۱)، گزارش می دهند که انگیزه فراگیری علوم در دوران بلوغ دانش آموزان کاهش می یابد، این پژوهش گران در چاره یابی واقعیت تلخ کاهش تمایل دانش آموزان به مباحث علوم، روی آموزش غیررسمی تأکید کرده، خاطرنشان می سازند، با عمده کردن یادگیری غیررسمی که از طریق فناوری های ارتباطی پیشرفته صورت پذیرد، می توان بر مشکل اخیر فایق آمد.

اما آموزش غیررسمی در موارد دیگری می تواند متضمن القائاتی نامناسب و تخریبی باشد. به عنوان نمونه، بازی های دیجیتالی، کارتونها و پویانمایی های الگوهایی مانند باربی، برتز، السا و آنا و نظایر آنها در سطوح سنی پایین و فیلم ها و سریال هایی نظیر گیم آف ترونز، ۳۶۵ روز، فرندز و مانند آنها در سطوح سنی بالاتر، با ارایه افرادی با اندامی جذاب (و بعضاً غیر واقعی) و در اوج رفاه، تجملات، مدگرایی، خوش گذرانی، مصرف گرایی و ارضای تمایلات نفسانی، به سادگی احساس بدشکلی بدنی، اضطراب و افسردگی (ناشی از نداشتن امکاناتی مشابه الگوهای اخیر) را در کاربران خود دامن می زنند. در سطحی فراتر، یادگیری های غیررسمی می توانند به القای ارزش های مختلف در کاربران دست بزنند، طیف این ارزش ها از ارزش های اقتصادی و سیاسی گرفته تا ارزش های فرهنگی و اعتقادی گسترده اند.

ملاحظه محصولات فرهنگی که کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی کاربر آن هستند، دلالت بر آن دارد که این محتویات در غالب موارد حاوی القائات پنهان زیاد و گسترده ای هستند و در مجموع به دنبال ارایه و القای یک نظام ارزشی دنیامدار، لذت گرا و پرهوس به مخاطبان خود هستند.

کوثر ۲۴ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به آموزش های غیررسمی که دختر دایی وی از محتواهای مورد استفاده اش داشته و اثراتی که این آموزش ها در او داشته اند، گزارش می دهد:

«چند ماه پیش با دختر دایم که کلاس چهارم دبستانه صحبت می کردم، اون هم پست هایی که اینستا ذخیره کرده بود رو نشونم می داد، رسید به یه پستی از یه سریال خارجی. همین که رسید به اون سریع زد بعدی و گفت: «این مناسب نیست، راستی به مامانم نگو». من خودمم قبلاً اون سریال رو دیده بودم و بهش گفتم نازنین تو کل سریال رو دیدی؟ اون گفت: «نه، فصل اولش رو که دیدم، داداشم

1- Vedder-Weiss, D

2- Fortus, D.

گفت مناسب سنت نیست، حالا نبین و به مامانم گفت که این رو می‌بینم و مامانم هم گفت، نباید بینمش، منم کنجکاو بودم درباره بقیه‌اش بدونم، برای همین من اون رو تیکه تیکه توی اینستا می‌بینم». من بهش گفتم وقتی مامان گفته نبین یه علتی داشته، پس دیگه تیکه‌هاش رو هم دنبال نکن، اون در کمال تعجب من گفت: اووووووووه من کوچیک‌تر بودم بدتر از اینا رو هم دیدم، اما مامان نمی‌دونست گیر نمی‌داد. بعد یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد، درسته تنها دلیلش استفاده از اینستا نیست، اما به هر حال به اندازه خودش اثر گذار بوده».

جذابیت‌های کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید

فناوری‌های ارتباطی جدید واجد جذابیت‌های گسترده‌ای برای اقشار مختلف اجتماعی است. به عنوان مثال، این فناوری‌های با ارایه کارتونها، کلیپ‌ها و پویانمایی‌هایی که از گرافیک جذابی برخوردار بوده، پر آب و رنگ و دارای تنوع موضوعی گسترده‌ای هستند و غالباً هم به صورت آهنگین و توام با موسیقی‌های جذاب ارایه می‌شوند، خیلی زود مورد توجه کودکان واقع می‌گردند و علاقه کودکان معطوف به آن‌ها می‌شود. کوئن (؟)، ترجمه توسلی و فاضل، (۱۳۸۷)، خاطر نشان می‌سازد، میانگین وقتی که کودکان صرف دیدن رسانه تصویری تلوزیون می‌کنند، بیش‌تر از وقتی است که سر کلاس درس حضور دارند.

جذابیت‌های فناوری‌ها و تنوع بازی‌های دیجیتال، فیلم‌ها، سریال‌ها و سرگرمی‌هایی که در فناوری‌ها برای اقشار مختلف تدارک دیده شده است، سبب می‌شود کودکان از آغاز زندگی، متوجه جذابیت‌های فناوری‌ها شده، تمایل به کاربری از آن‌ها داشته باشند.

بررسی‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که با وجود عدم توانایی نگارش کودکان پیش دبستان، کودکان ممکن است برای حل مشکلات فنی که برای آن‌ها در جریان کاربری از تبلت یا گوشی همراه پیش می‌آید، با تهیه اسکرین‌شات از مراحل رفع اشکال پیش آمده و ارسال آن برای یکدیگر، اطلاعات لازم را در اختیار دوستانشان قرار داده، به این ترتیب مشکل فنی آنان را حل کنند.

بررسی‌های میدانی انجام شده حکایت از گسترش کاربری کودکان پیش دبستانی از فناوری‌های ارتباطی جدید، خاصه تبلت دارد. مصاحبه زیر که با یکی از مربیان مهد کودک صورت پذیرفته است، نمونه‌ای در همین جهت به شمار می‌آید:

«من یک روز تصمیم گرفتم با اجازه‌ی مدیر، یک روز تمام را با بچه‌های کلاس در مورد فناوری‌ها صحبت کنم که متأسفانه نتیجه‌ی صحبت‌ها من و ابستگی خیلی از بچه‌ها را به فناوری‌ها نشان می‌داد. - خیلی ممنون می‌شم اگر در مورد حرف‌های اون روزتون با بچه‌ها توضیح بدید. بله، حتماً. من اون روز تا وارد کلاس شدم، گفتم بچه‌ها به نظر شما تبلت خوبه یا بد، دونه دونه به من جواب بدین. از ۲۵ نفر از بچه‌های کلاس، ۲۲ نفر بیان داشتند که خیلییی عالییه و حتی الفاظی مثل خیلی توپه خاله و این‌ها را هم به کار بردند. در سه نفر باقی‌مانده هم مشخص شد که یکی از بچه‌ها، اصلاً تبلت نداشت و دو نفر دیگر هم از تبلت مادر یا پدرشان استفاده می‌کردند. بعد از بچه‌ها خواستم که بگند با تبلت‌های خودشون چه کارهایی انجام می‌دهند؟ همشون گفتن بازی و البته یه چند نفری به آهنگ گوش کردن، کارتون نگاه کردن و مهم‌تر از همه، استفاده از شبکه اجتماعی تلگرام هم اشاره کردند.

- تعداد کسانی که از شبکه اجتماعی تلگرام استفاده می‌کردند، چند نفر بودند؟ تقریباً ۴ نفری اشاره کردن که به اسم خودشون تلگرام دارن. اصلاً باور می‌کنید بچه‌های ۵ و ۶ ساله خودشون تلگرام داشته باشن؟ اونم به اسم خودشون و ۴، ۵ تای دیگه هم گفتن به تلگرام مامان و باباشون دسترسی دارن».

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش که در آن به اثرات مختلف اینستا در کاربرانیش پرداخته است، از پررنگ شدن فضای مجازی در زندگی روزمره افراد و همین‌طور جذابیت‌های کاربری از فناوری‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی به قرار زیر یاد کرده است:

«- ریحانه جان اینستاگرام هم داری؟

بله.

- از کی؟

یه چند وقت بعد از این که مامان و بابام واسم گوشی خریدن.

- مشکلی نداشتن؟

چرا خوب، خیلی مشکل داشتن اون اوایل، برای همین تا فهمیدن اینستا دارم ازم خواستن پاک کنم، ولی من پاک نکردم، فقط الکی برای چند لحظه جلوشون آپش رو پاک کردم، بعد که خیالشون راحت شد، دوباره نصب کردم و ازشون پنهون کردم که اینستاگرام دارم، چون می‌دونن اون موقع به اندازه الآن خیلی باب نشده بود و خانواده‌ها دید نسبتاً بدی داشتن به اینستاگرام، الآن انگار دارن

فرهنگ سازی می‌کنن اینستاگرام رو بین همه، حتی مادر و پدرها، به نظرم تازگیا حساسیت شون کم تر شده.

من باشگاه می‌رم روزای زوج، توی باشگاه مون چندتا خانوم ۳۰ سال به بالا هم هستن، چند روز پیشا مربی مون برگشت و بهمون گفت، آیدی می‌دم پیج ورزشی من رو توی اینستا فالو کنید، یکی از هم باشگاهیم که تقریباً ۲۴ سالشه، گفت ببخشید، من اینستا ندارم فالوتون کنم، بعد یکی از همون خانومایی که سنش تقریباً ۳۵ بود و ناظم دبستان پسر و نه هم هست، برگشت رو به این دختره با تعجب زیاد گفت، واقعاً دختره گفت به خدا ندارم، از اینستا خوشم نمیاد، بعد اون ناظمه می‌گفت، وا مگه می‌شه، چه جوری می‌تونی بدون اینستا باشی، اصلاً اوقات بی‌کارتیت رو چه جوری می‌گذرونی و این حرفا، می‌خوام بهت بگم در این حد عادی و لازم شده که ناظم یه مدرسه هم داره و تشویقت می‌کنه داشته باشی».

اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران

از یک منظر فرهنگ‌های بشری به دو دسته فرهنگ‌های فردگرا و فرهنگ‌های جمع‌گرا تقسیم شده‌اند.

در فرهنگ‌های فردگرا، همان‌گونه که از نامش پیدا است، فرد در برابر جمع از اصالت برخوردار است و در تقابل نیازهای فرد و گروه، نیازهای فرد در اولویت قرار می‌گیرد و تصور می‌شود در حالت اخیر، جامعه به سمت شکوفایی هر چه بیش‌تر خویش حرکت می‌کند. اما در فرهنگ‌های جمع‌گرا، در مواجهه نیازهای فردی و جمعی، نیازهای جمعی مورد توجه قرار گرفته، تصور می‌شود جامعه به این شکل به تعالی و تکامل خویش خواهد رسید.

بالتبع در جوامع جمع‌گرا، ارزش‌های جمعی بر ارزش‌های فردی ترجیح داده می‌شود و افراد جامعه جمع‌گرا، پیوستگی بیش‌تری بین خودشان تا افراد جامعه فردگرا احساس می‌کنند.

هر یک از فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا، برای خود واجد امتیازاتی هستند. در فرهنگ جمع‌گرا که هویت فرد در ارتباط با گروهش تعریف می‌شود، بالطبع مفاهیمی مانند آبرو و کنترل اجتماعی، از جدیت بیش‌تری برخوردار است تا فرهنگ‌های فردگرا که فرد بر گروه و نیازهای آن ارجح دانسته می‌شود. از آن‌جا که فرهنگ ایران، فرهنگی نسبتاً جمع‌گرا شمرده می‌شود، می‌توان انتظار داشت که خانواده و حتی اطرافیان فرد نسبت به عملکرد وی در جامعه حساس باشند. مسأله اخیر در ارتباط با کاربری فرد در فضای مجازی خود را به وضوح نشان داده، خانواده و فامیل عملکرد افراد خود در

فضای مجازی را رصد می‌کنند و در صورت تخطی وی از ارزش‌های خانوادگی، گروهی و جمعی، به وی تذکر می‌دهند.

مسئله اخیر سبب می‌شود، برخی از کاربران که مایل نیستند نزدیکان آن‌ها را رصد کرده و مورد نقد و قضاوت قرار دهند، در اندیشه یافتن راه‌هایی برای دور زدن خانواده و فامیل باشند که این خود بسترساز یافتن هویت دوپاره شده افراد اخیر است که در جمع خانواده و نزدیکان، به شکلی متفاوت از آنچه واقعیت وجودی آنان است، ظاهر شوند.

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از پسری در فامیل‌شان یاد می‌کند که به دلیل عرضه آزادانه عقایدش در فضای مجازی، مورد نقد فامیل قرار گرفته است، از این رو تجربه اخیر سبب شده است، خود وی با تهیه دو صفحه مخصوص خانواده و مخصوص دوستان، در صفحه خانوادگی اطلاعاتی سانسور شده را فراخور حال آنان قرار دهد، در حالی که در صفحه دوستانش، از آنجا که مورد قضاوت و نقد قرار نمی‌گیرد، واقعیت وجودی خودش را مطرح سازد:

«... چه طور مورد قضاوت قرار گرفته؟»

خانواده قضاوت خوبی ندارند ازش، یک فردی که همه چیزشون رو در اینترنت می‌ذاره، خانواده خوشش نیما از این چیزا، از نظر خانواده‌ی ما کار جالبی نیست هی با ماشین دیگران استوری بذاری، چون عزت نفس اون خیلی پایین میاد.

- در مورد اشخاص دیگه فامیل هم می‌گی؟

پسر عمه‌ام هم یک پیج داره، البته ایشون خیلی کم فعالیت می‌کنه، ولی خود واقعیته، اما خیلی کم استوری می‌ذاره، خیلی محتاطانه عمل می‌کنه که مورد قضاوت خانواده قرار نگیره.

یک نفر دیگه‌ام هست از فامیلای دورمون که قبل از این که صفحه اینستاگرام داشته باشه، ما فکر می‌کردیم خیلی پسر آقا و متین و خانواده دوسته، اما وقتی پیج زد، تازه عمومی و پابلیک هم گذاشت، کم‌کم نظر خانواده روی اون فرد عوض شد، یه جورابی زبان‌زد فامیل شد، چون همه‌اش عکس با سیگار و دختر می‌داشت، اظهار نظرهایی که فضای مجازی بهش اجازه داده بود، آزادانه نظر بده، می‌داشت و این یک مقدار از نظر شخصیتی جایگاهش اومد پایین در خانواده، خانواده فهمیده این آدم دیگه با خانواده‌اش همسو نیست و نظر خوبی راجع بهش نداره.

- شما این طوری می‌پسندی؟

نه، به نظرم رفتار محتاطانه عاقلانه‌تره، چون نباید همه چیزمون رو در اینترنت قرار بدیم، نباید همه چیزمون رو همه بدونن و این فضای مجازی متأسفانه چیزی که زیاد کرده، قضاوت در مورد دیگرانه...

- مثلاً در پیج خانواده چی می‌گذاری؟

مثلاً چیزی که می‌دونم به آگاهی بیش‌تر براشون نیاز داره، مثل مشکلات جامعه، سیاسی، دینی، چون می‌دونم بیش‌تر فراخور حال‌شونه.

- در پیج دوستان خودت چه طور؟

اون‌جا دقیقاً خود خودم هستم، مثلاً عکس‌هایی که با دوستای دخترم هستم، توی جمع و مهمونی هستم و اینا یا مثلاً سیگار دستمه، چون می‌دونم مورد قضاوت قرار نمی‌گیرم.

- آگه این جور عکس‌ها رو توی پیج فامیلیت بگذاری، چه اتفاقی می‌افته؟

خب متأسفانه قبول نمی‌کنن خانواده، خانواده مذهبی و سنتی دارم و اینا باعث می‌شه که ناراحت بشن و همین که زبان‌زد دیگران بشم و خب به خاطر خواهشی هم که کردن، دیگه نمی‌ذارم این چیزا رو». مه‌لقای ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش یادآور شده است که خاله‌اش، شکایت او را به مادر کرده است که چرا وی متنی عاشقانه در صفحه‌اش نهاده است. در گامی فراتر مریم ۱۹ ساله اظهار می‌دارد، حتی دایی وی به خودش اجازه می‌دهد که گوشی وی را گرفته و آن را کنترل کند:

«- فامیل‌هاتون پیج اینستاگرامت رو دارند؟

آره، بعضیاشون رو فالوشون کردم.

- خوب آگه نمی‌خواستی استوری و پستت رو ببینند، چرا فالوشون کردی؟

همه استوریام رو که ازشون هاید نمی‌کنم، فقط بعضی چیزا.

- می‌تونم پیرسم بعضی چیزها یعنی چی؟

خب یه تکست می‌ذارم که حالا عاشقانه باشه، بعداً ببینن حرف می‌زنن پشت سرم.

- تا حالا همچین اتفاقی برایت افتاده؟

آره.

- می‌شه راجع بهش بیش‌تر بگی؟

یه بار او‌مدم یه تیکه از متنی گذاشتم که عاشقانه بود، از سجاد ابطحی، بعداً مامانم گفت آره خاله‌ات استوریت رو دیده، می‌گه استوری مه‌لقا رو دیدم و از این چیزا...».

«- خوب اون موقع والدینت بر روی استفاده‌ات از اینستا نظارت هم داشتن؟

پدر و مادرم همین الانم حتی زیاد سر درنمیارن از فضای مجازی، من روی گوشی مامانم اینستا داشتم یه سال، ولی اصلاً نمی‌دونست اون برنامه چیه که واردش بشه، همین الان هم که اینستا دارن، هیچ کاری بلد نیستن بکنن، باهاش فقط پست لایک می‌کنن، ولی اواخر فامیلا از پست و استوری‌هام حرف می‌زدن، هی پیش مامانم، چون از خودمم دیگه پست می‌داشتم، یه کم بهم گیر دادن که از خودت عکس نذار و این چیزا، یه مدت کوتاهی بحث داشتیم، ولی حرف من چربید، دیگه چیزی نگفتن، به نظرم پدر و مادرم یه کم ذهن بین هستن، به حرف فامیلا اهمیت می‌دن، برای همین با اونا بحث نکردم، به جاش فامیل رو هاید می‌کنم از همه‌ی استوریام.

- مگه از خودت چه جور عکس‌هایی می‌گذاشتی که فامیل تون به شما گیر داده بودن؟
من واقعاً چیز بدی نمی‌داشتم، خب یه عکس از خودم بود دیگه، اونا عقب مونده اند، به من چه، می‌گفتن چرا بدون روسریه عکسای پروفایلم، اصلاً درک‌شون نمی‌کنم، یه مو هست دیگه، همه مو دارن، چرا باید توی عکس بیوشونمش؟ همیشه سر این با بابا بزرگم بحث دارم که جلوی پسر داییم روسری سرم نمی‌کنم، اونم به مامانم می‌گه، مامانم دعوام می‌کنه، اون موقع هم سر همین چیزای الکی بود.

- تا حالا شده بود سر پست‌ها یا استوری‌ها با فامیل حرفت بشه؟
اوایل که گوشی خریدم، داییم گوشیم رو چک می‌کرد، خیلی بدم می‌اومد، پدر و مادرم چیزی بهش نمی‌گفتن، می‌گفتن بزرگ‌ترته، بهت شک نداره که با تو شوخی می‌کنه، یه بار سر این با مامان و بابام بحثم شد که می‌ذارن فامیلا دخالت کنن».

زینب ۲۰ ساله هم در بیانات خودش خاطر نشان می‌سازد، زندگی در اینستا، یک زندگی رؤیایی است، زیرا با امکان پنهان (هاید) کردن، آدمی به راحتی می‌تواند اطرافیان خودش را از دسترسی به اطلاعات شخصی خویش محروم سازد و دیگر شاهد مداخله‌جویی و نقدهای آنان در مورد عملکرد خویش در صفحه‌اش نباشد:

«- به نظرت داخل اینستاگرام چه قدر آزادی وجود داره؟

خیلییی زیاد.

- توی چه ابعادی آزادی داره؟

تقریباً توی همه چی، کلاً از زندگی واقعی آدم دستش بازتره.

- خوب این که آدم آزادی زیاد داشته باشه، به نظرت خوبه یا بد؟

به نظرم این خوبه که آزادی فقط توی اینستاگرام نباشه، باید توی دنیای واقعی هم آدم‌ها بتونن خودشون باشن. یکی از فامیلای ما، قبل از عمل تغییر جنسیتش به زور خانواده شوهر کرده بود، بعد نتونست ادامه بده، طلاق گرفت و عمل کرد، اما هنوزم توی خانواده همه نگاه‌شون به جوریه بهش، اما همین آدم هر جور دلش می‌خواد پست و استوری می‌ذاره، اکثر فامیل رو هم هاید کرده. توی اینستا مثل زندگی واقعی هی یکی نیست که مراقبت باشه و بهت بگه این کار رو کن، اون کار رو کن».

ارضای هیجان‌جویی کاربران

هیجان‌خواهی^۱ خصوصیتی است که با نیاز فرد به احساس‌های متفاوت، تازه و پیچیده و نیز تجارب متفاوت، تازه و پیچیده و اشتیاق فرد برای پذیرش خطر جسمی و اجتماعی مربوط به این تجارب تعریف می‌گردد (فرانکن، ۱۹۹۸، ترجمه شمس اسفندآباد و همکاران، ۱۳۸۴). آرنت^۲ و آرنت^۳ (۱۹۹۶) نیز به شکل مشابهی، افراد هیجان‌خواه را کسانی تعریف می‌کند که تمایل به تازگی و تجارب زیاد دارند.

طبق نظر اخیر، هیجان‌خواهی صفتی است که بر اساس نیاز به هیجانان و تجارب گوناگون جدید پیچیده و تمایل به مخاطرات فیزیکی و اجتماعی به منظور دست‌یابی به چنین تجاربی تعریف شده است.

منطقی (۱۳۹۵) در همین رابطه می‌نویسد:

«هیجان‌خواهی بر اساس توانایی برانگیختن قرار دارد. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزتگی خود را بیش‌تر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

هیجان‌خواهی با توانایی برانگیختن فرد مرتبط است. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از

1 -Sensation seeking

2 -Arnett, J.

3 -Arnett, J.

طریق تجربه‌های مهیج، انگیزختگی خود را بیش‌تر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند. هیجان و هیجان‌خواهی واقعیتی غیرقابل انکار در وجود هر انسانی محسوب می‌شود و مربوط به دوره خاصی از زندگی نیست، اما در دوره نوجوانی و جوانی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. استینبرگ و همکاران، خاطر نشان می‌سازند، هیجان‌خواهی بین ۱۵-۱۰ سالگی افراد افزایش می‌یابد و سپس با بالا رفتن سن آنان، بعد از ۲۴ سالگی کاستی می‌یابد.

زاکرمن دریافت، در حالی که برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه از فعالیت‌هایی چون کوهنوردی، پرواز با هواپیمای بی‌موتور، مسابقات اتومبیل‌رانی، اسکی و غواصی لذت می‌برند، افراد کم هیجان‌خواه عموماً از آن لذت نمی‌برند. برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه تجربه‌های متنوع را به تجربه‌های خطرناک ترجیح می‌دهند. همچنین معلوم شده است که افراد زیاد هیجان‌خواه بیش‌تر از افراد کم هیجان‌خواه از داروهای غیرمجاز استفاده می‌کنند. افراد هیجان‌خواه از تجارب جدید استقبال می‌کنند و آداب و رسوم مرسوم در جامعه، آنان را چندان محدود نمی‌کند. اگر این افراد پی ببرند که برنامه‌ی جالبی وجود دارد، چندان ابایی از شکستن قرار قبلی ندارند.

زاکرمن اظهار می‌دارد، در گروه دوستان بزه‌کار، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون مصرف موادمخدر و قانون‌شکنی بروز کند، در مقابل در گروه رسمی‌تر، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون ورزش‌های خطرناک یا حتی هنر ابراز شود. افراد هیجان‌خواه به دنبال موسیقی می‌گردند که جدید و متفاوت باشد و از شعر و شوخی و لطیفه لذت می‌برند.

هس، بین ویژگی‌های هیجان‌خواهی و رفتارهای خطرآفرین از جمله سوءاستفاده از مواد، الکل و سکس بدون ایمنی، رابطه مثبتی یافت و یس کریچ و مورفی نیز در پژوهش‌های خویش همبستگی بین هیجان‌خواهی با کاربری بالا از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای و موسیقی پاپ را نتیجه گرفته‌اند.

افراد هیجان‌خواه زیاد تمایل به خطر دارند. شوارز و همکاران، از وجود یک رابطه مثبت قوی بین هیجان‌جویی و استفاده از الکل یاد می‌کنند. همچنین بال و همکاران، خاطر نشان می‌سازند، بین هیجان‌جویی و سوء مصرف مواد و اختلال‌های روان‌پزشکی ارتباط وجود دارد و افراد با هیجان‌جویی بالا، علایم شدید سوء مصرف مواد و اختلال شدید روانی را نشان داده، در سنین زودتری به سمت مصرف مواد کشیده می‌شوند. اسپیتالنیک و همکاران، در بررسی هیجان‌خواهی جنسی و ارتباط آن با رفتار پرخطر جنسی در میان دختران نوجوان آمریکایی-آفریقایی تبار، از همبستگی سطوح بالای

هیجان‌خواهی و رفتارهای ریسک‌پذیر جنسی آنان (مثل تعداد شرکای جنسی) یاد می‌کنند. این افراد همچنین تمایل به استفاده از انواع مواد مخدر و تنوع‌طلبی در مسایل جنسی دارند و به دنبال موقعیت‌هایی می‌گردند که بتوانند در آن بی‌قیدوبند باشند.

بروهی و همکاران نیز در سال ۱۹۸۵، در پژوهشی همبستگی مثبتی بین هیجان‌خواهی و لذت بردن از رسانه‌های جمعی را نشان دادند.

وجود افرادی که خواهان پاسخ به هیجان‌جویی معمول‌شان هستند، جوامع مختلف را بر آن می‌دارد که دست به برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت ارضای هیجان‌جویی شهروندان‌شان بزنند.

«در کشورهای غربی عرصه‌هایی چون جشن آرد، جشن رنگ‌پاشی به دیگران، جشن (پرتاب) گوجه فرنگی (به یکدیگر)، مسابقات رالی در بیابان و حتی روی دریاچه‌های یخ زده، مسابقات گاو‌بازی، صخره‌نوردی، مسابقات موتور و دوچرخه سواری در کوه، مسابقات هنری در شرایط خاص (مثلاً نقاشی در شرایط دشوار) و مانند آن، فراهم است تا افراد هیجان‌جو، عرصه‌های مورد قبولی برای تحقق هیجان‌جویی خویش داشته باشند. اما در ایران غالباً به این مسأله پر اهمیت با دیده منفی نگریسته شده است و مسابقه‌ها و برنامه‌های هیجان‌جویانه موجود در سطح جامعه نیز از محدودیت برخوردارند. از این رو به نظر می‌رسد، در سطح کلان کشور، برای پاسخ‌گویی به نیاز طبیعی برخی از افراد و خاصه برای افراد هیجان‌خواه، عرصه‌های طبیعی هیجان‌خواهی تنگ بوده، توجه لازم به آن معطوف نشده است. بنابراین در شرایط اخیر انتظار می‌رود، افراد هیجان‌طلب به مسیرهای انحرافی مانند: اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اعتیاد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مختلف، ماهواره و روابط عاشقانه (به مثابه ارزان‌ترین عرصه‌هایی که برای جوانان فراهم است)، روی آورند» (منطقی، ۱۳۷۷).

بالتبع با توجه به آنچه از آن یاد شد، در صورت عدم پرداختن به مسأله هیجان‌خواهی افراد، بسیاری از آنان ممکن است، با توسل به اشکال انحرافی، درصدد ترضیه خاطر خویش برآیند.

زینب ۲۰ ساله در مصاحبه خود اظهار می‌دارد هرچه کاری پرخطرتر باشد، هیجان آن کار برای وی بیش‌تر است:

«- منظورت از به فنا رفتن چی هست؟

کارایی که خطر داشته باشه و همه‌اش نگران و اکنش دیگران باشم.

- چرا سراغ هیجان‌های مثبت نمی‌رفتی؟

اگه مثبت باشه که دیگه هیجان نداره.

- تعریف از هیجان چی هست؟

یه کاری که عجیب باشه، تا حالا انجامش نداده باشی، فان باشه، اصولاً هر چه قدر دوز خطر یه کار بالاتر بره، هیجانش هم بیش تر می شه.»

بهر روز ۱۸ ساله هم از لذت و افری که از بازی های دیجیتالی جمعی و بازی با افراد خارجی دارد یاد کرده، لذت آن را بی پایان توصیف می کند:

«- اسم چندتا از گیم هایی که می زنی رو می تونی بگی؟»

آره، مثلاً کال آف موبایل هست، پابجی هست، قبلاً فورتنایت هم می زدم، نینجا ارشی هم یکی دیگه شونه.





- چرا فورتنایت دیگه نمی‌زنی؟

دوستام می‌گفتن بچه‌گونه است، منم نزدم.

- یعنی تمامی این بازی‌ها رو با دوستان خودت می‌زنی؟

به جز نینجا که آفلاین هست، بقیه‌شون رو با دوستام می‌زنم.

- بازی‌های آنلاین رو دوست داری؟

آره.

- چرا؟

چون با دوستامون با هم می‌زنیم و می‌خندیم و چون با بازیکنای دیگه از کل دنیا بازی می‌کنیم، هیجانش بیش‌ترم می‌شه، اصلاً همون هیجان اصل جنسه، اون قدر کیف می‌ده که نگم برات».

راد ۱۶ ساله و علی ۱۹ ساله هم از لذت سرکار نهادن یکی از طرفداران گروه بی‌تی‌اس و یک دوست، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس رو گوش دادی؟

قبلاً به کم گوش دادم، از نظر من بی‌معنی و بدون مفهوم بود، تازه یکی از اقوام مال طرف‌دارشونه، یه دختر ۱۵ ساله است، فالو داشتمش، استوری می‌داشت یکی از یکی داغون‌تر، منم پوکر بودم کلاً.

- از گروه بی‌تی‌اس می‌گذاشت؟

آره.

- چی بود که از دیدنش تعجب می کردی؟

یکی از اعضاء رو گذاشته بود، نمی دونم کدوم شون بود، نوشته بود همسر آینده من، یه ساعت کامل داشتم می خندیدم، منم یه چند بار حالش رو گرفتم.

- چه کار کردی؟

من بیش از حد تنفر دارم از گروه بی تی اس، به خواسته همه احترام می ذارم، ولی اینا رو نمی تونم، دیدم نمی شه با پیج خودم چیزی بگم، خوب فامیله، پیج فیک زدیم، با دوستم مهبد رفتم بهش پیام دادم.

- چی بهش گفتی؟

شوهرش رو مسخره کردم (می خنده)، گفتم از این برای تو شوهر درنمیداد، خودش زن زندگیه.

- اون چی گفت؟

کل کل کردیم، بعد بلاک کرد.»

«- خوب خودت تا حالا از طریق فضای مجازی با جنس مخالف ارتباط داشتی؟

یه بار از یه دختره خوشم اومد توی اینستا و چند وقت چت می کردیم، علایقش خیلی شبیه من بود اون موقع و بعد چند وقت نزدیک تر شدیم، حتی یکی، دو بار برام عکس فرستاد از خودش، منم با خودم فک کردم خوشگله، اما خب کاشف به عمل اومد که یکی از هم مدرسه ای هام بود و داشت ایسگا می کرد.»

تربیت هیجان مدار کاربران فضای مجازی

افراد در برخورد با مسایل فرارویشان، به شیوه های متفاوتی با مسایل برخورد می کنند. به این معنا که برخی از افراد در مواجهه با مسأله و مشکل، به شکلی عقلانی و مستدل در پی یافتن راه حلی مناسب برای حل مشکل برمی آیند، اما برخی دیگر یا با گریز از مسأله فرارو و یا با توسل به برخوردهای هیجان مدار، با مسایل روبرو مواجه می گردند.

سوابق تاریخی موجود در فرهنگ ایران، حکایت از آن دارد که گذشته از برخی از شاهان کج فهم و خونریز، برخی از حاکمان و حکمای این مرزوبوم در برخورد با مشکلات، به جای اندیشه هدم و نابودی طرف مقابل، با نگاهی مشفقانه و توأم با خیرخواهی و خیراندیشی با دیگران و حتی دشمنان برخورد کرده، تعامل سازنده با آنان را در دستور کار خود قرار می دادند.

در ادبیات روان‌شناسی از شیوه‌های حل مسأله، با عناوین روش‌های مقابله‌ای مبتنی بر حل منطقی مسأله و روش‌های مقابله‌ای مبتنی بر حل هیجانی مسأله یاد شده است. افراد در حل مسأله‌مدار مشکلات فرارو، به شکل عقلانی و مستدل در پی یافتن راه حلی مناسب برای رفع مشکل برمی‌آیند، اما در حل هیجان‌مدار مسایل، افراد با توسل به برخوردهای هیجان‌زده، با مسایل روبرو مواجه می‌گردند.

بررسی محتواهای مورد استفاده کاربران نوجوان و جوان در اینستاگرام، دلالت بر آن دارد که این کاربران بعضاً از برنامه‌هایی کاربری دارند که در عمل روش‌های هیجان‌مدار در حل مسایل را به آنان آموزش می‌دهند. مه‌لقای ۱۷ ساله، در مصاحبه خود از نمونه‌ای از این موارد به قرار زیر یاد کرده است:

«توی اینستاگرام شده پیج‌هایی رو دنبال کنی اما ازش خوشت نیاد؟

آره، همین پیج، علی شکارچی که دوتا زن داره، بعد میاد می‌گه اسلام گفته ۴ بگیرید، همه‌اش میاد می‌گه دوتا زنای من راحت هستن، خیلی خوبیم، شما آگه می‌خوانین بباین زن سومم بشید، خیلی مسخره و حال بهم زنه، دین ما این جوریه دیگه، می‌گه مرد هر چندتا زن می‌خواد بگیره، ولی زن نمی‌تونه، همین زن دومش متولد ۷۹ هست، بعد می‌گه، عشق حرف حالیش نیست، رفته زندگی یه نفر رو خراب کرده، همه براش توی کامنت‌ها فحش می‌نویسن، ولی این قدر پرو هست و هیچ عین خیالش نیست.

- این رو قبول نداری؟

معلومه ندارم، خیلی مسخره هست، اصلاً توی ایران نباید ازدواج کرد.

- چرا؟

خوب نیست دیگه، مرد به راحتی می‌تونه چند بار ازدواج کنه، یه پیجایی از اینستاگرام هست که تویت‌های افرادی که توی تویتتر می‌ذارن، توی پیجش می‌ذاره، بعداً یه نفر یه سوال به انگلیسی کرده بود که چه چیزی توی ایران عجیبه، یه خارجی نوشته بود این که یه مرد می‌تونه چندتا همسر داشته باشه یا توی اینستاگرام خیلیا میان چند همسری رو تبلیغ می‌کنن و می‌گن خوبه، من توی اینستاگرام دیدم حتی شبکه من و تو اوامده بود برعکس این درست کرده بود که یه زنه چندتا شوهر داشت، بعد اینا رو مسخره می‌کرد.»

همان گونه که از متن مه‌لقا برمی‌آید، شبکه من و تو، به جای پیش گرفتن نقدی علمی، در برخوردی هیجان‌مدار موضوع چند همسری را به سخره گرفته و در عمل مروج همین عمل در سطح کاربران خویش است.

بهروز ۱۸ ساله، در توصیف دعوای شاخ‌های مجازی به توصیف حکایتی مشابه مه‌لقا پرداخته است:

«به سپهر خلسه علاقه داری که مدام استیکرهاش رو می‌فرستی؟

آره، خیلی خوبه این بشر.

- چرا؟

مگه فیلم‌های اینستاگرامیش رو ندیدی؟

- کدوم فیلم‌ها؟

بین سپهر خلسه میاد توی یه فیلمی به یه نفر دیگه به اسم پارسالیپ کلی فحش ناموسی می‌ده. حالا بیجای اینستاگرامی او مدن، کلی میکس‌های مختلف از این فحشا درست کردن، من هر کدوم این‌ها رو می‌بینم از خنده پاره می‌شم، یعنی بهتر ازینا پیدا نمی‌کنی توی اینستا.

- خوب توی این میکس‌ها فقط فحش می‌ده که می‌خندی؟

آره دیگه، ولی مثلاً روی فحشا آهنگ می‌ذارن، تصویر می‌ذارن و خیلی چیزای دیگه، برا همین این قدر خنده‌دار هستن.

- خوب این‌ها فقط برای شما خنده‌دار هستن یا برای دوستان خودت هم هستن؟

نه، فقط من و دوستانم، کلاً هر کسی می‌بینه، از خنده پاره می‌شه، اگر کامنتای این نوع پستا رو بری ببینی، می‌فهمی چی می‌گم، تازه حالا قسمت خنده‌دارترش می‌دونی چیه؟

- نه، چی هست؟

مجریای صدا و سیما یا بازیگرا، میان دقیقاً عین همین تیکه‌های سپهر خلسه یا میکسای دیگه اینستاگرام رو استفاده می‌کنن (می‌خندد).

- می‌توننی توضیح بدی چه کسانی استفاده کردن؟

مثلاً رضا جاودانی، مجری برنامه گزارش ورزشی هست که از شبکه ۳ پخش می‌شه، چند شب پیش داشت روی آنتن زنده کامنتای مردم رو می‌خوند که به یکی شون گفت: «بیا پایین سرمون درد گرفت».

- خوب این از تیکه‌های سپهر خلسه هست؟

نه دیگه، یه فیلم معروفی یه دفعه توی اینستا و ایرال^۱ شد که توش یه پسر جوون بالای سطل آشغال نشسته، داره شعر می‌گه، بعد یه پیرمرد میاد بهش می‌گه، بیا پایین بچه، بیا پایین سرمون درد گرفت، یه فحشم بهش می‌ده (می‌خندد).

اتفاقاً از این هم میکسای خیلی خفنی ساختن توی اینستا، الان زیر هر پستی بری توی اینستا، خیلیا کامنت گذاشتن بچه بیا پایین، بیا پایین سرمون درد گرفت.

- خوب از حرف‌های سپهر خلسه هم توی صدا و سیما استفاده شده؟
آره (می‌خندد).

بازم توی برنامه گزارش ورزشی، گزارش گربازی رئال مادرید گفت، وینسیوس جونیور یه پیام داره برا تپته.

- خوب بیش‌تر توضیح می‌دی، نفهمیدم.

وینسیوس بازیکن رئال هست که به تیم ملی برزیل دعوت نشده، تپته هم سرمربی رئال هست، وینسیوس گل می‌زنه و گزارش‌گر هم اون جمله رو می‌گه. اون جمله از بهترین تیکه‌های سپهر خلسه هست، وقتی توی همون فیلم داشت به پارسالیپ فحش می‌داد، یه جاش می‌گه: «یه پیام دارم برا پارسالیپ عزیز»، بعد دوباره کلی فحش ناموسی می‌ده بهش (می‌خندد).

- گفتمی بازیگرها هم از حرف‌های سپهر خلسه استفاده می‌کنند؟

آره، این رو من نمی‌دونستم، رفیقم فیلمش رو توی اینستا برام فرستاد، توی سریال سیاوش، مجید صالحی یه تیکه کلام داره که هی می‌گه: «این بدهههه»، این دقیقاً تیکه کلام سپهر خلسه بود که توی سریال سیاوش ازش اسکی می‌رن.

- راستی چرا این فحش‌های ناموسی که داده می‌شه توی این فیلم‌ها، برای شما خنده داره؟

آخه خیلی بامزه هست، مخصوصاً وقتی روش تصویر می‌ذارن یا آهنگ خاصی روش می‌ذارن و می‌شه همون ویدیوی میکس، خیلی بامزه‌تر و خنده‌دارتر می‌شه.

- خوب فحش‌ها ناموسی این فیلم‌ها برای شما این قدر خنده دارن یا به نظرت برای بقیه هم همین هست؟

آره دیگه، گفتم برا بقیه هم همینه، اگر بری کامنتای مردم زیر این پستا رو نگاه کنی متوجه می‌شی».

۱- از کلمه وایرال برای اشاره به محتوا یا ویدیویی که بسیار معروف شده است استفاده می‌کنند.

۲- این کلمه برای اشاره به تقلید کردن از کسی به کار می‌رود.

مهسای ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش با روایت کاربری خودش از شبکه‌های اجتماعی در سن ۸ سالگی، از دعوای گروهی که بین خود و دخترخاله‌اش و دیگران می‌شد، به قرار زیر یاد کرده است:

«- کسی تا حالا توی پیج نیامده بود که حرف نامناسبی زده باشه یا توهین کرده باشه؟ امممم... آره، مثلاً یه وقتایی... چون دختر خاله‌ام خیلی دنبال دعوا بود، مثلاً می‌رفت با یه پیج دعوا می‌کرد، اونا هم می‌اومدن توی دایرکت به ما فحش می‌داد، ما جوابشون رو می‌دادیم، اونا هم می‌رفتن دوستاشون رو می‌آوردن، یه وقتایی هم پسر می‌اومدن و این چیزا...»

- می‌تونن یک مثالش رو بگی؟

از دخترا یا پسر؟

- از هر دو.

یادم نمیاد جزئیاتش چی بود، ولی یادمه که با دخترا دعوا می‌کردیم، پسر هم قاطی دعوا می‌شدن، بعد من نمی‌دونم دختر خاله‌ام از کجا این همه دعوایا رو پیدا می‌کرد، بعد دختر خاله‌ام بهم زنگ می‌زد که بیا مهسا دعوا شده.

- موقع دعوا چه چیزهایی می‌گفتین؟

(با خنده و تن صدای آرام‌تر) فحش می‌دادیم.

- مثلاً چه فحش‌هایی؟

آخه اصلاً نمی‌تونم کلمه‌اش رو بگم، پسر خیلی فحشای بد می‌دادن، حالا باز دخترا مثلاً می‌گفتن احمق، ولی پسر فحش رکیک می‌دادن.

- گفتی پسر قاطی دعوا می‌شدن، می‌شه بیشتر توضیح بدی؟

من که نمی‌شناختم، ولی دختر خاله‌ام توی وایبر باهاشون توی یه گروه بوده، نمی‌دونم واقعاً... می‌رفت باهاشون دعوا می‌کرده، نمی‌دونم واقعاً...

- منظورت این دعوایی هست که آدم‌ها فقط کل کل می‌کنن؟

آره، آره.

- حالا توی دعوا از چه کلمه‌ها و فحش‌هایی استفاده می‌کردن؟

مثلاً یکیش خنگ و یه چیزی که الان توی ذهن من هست، این بود که یه پسر گفتش که چیزت اگه چشم داشت، روی صورتت بود (خنده)، معصومیت من برای این فحشا آماده نبود (کلمات جمله

آخر بسیار ناواضح تلفظ شد) یا مثلاً از این فحشای ناموسی می‌دادن، مادرت رو، خواهرت رو، این - جور چیزا...».

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد که در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن، بحث وی با فرد دیگری در فضای مجازی به سادگی به فحاشی طرف مقابل به وی رسیده است:

«- تا به حال در اینستاگرام با کسی دعوات شده و اگر شده سر چه موضوعاتی بوده؟

راستش یه بار توی کامنت یه پیجی داشتم، درباره‌ی یه فیلمی و کارگردانش و اینا بحث می‌کردم، یه مرده بود که نظرش مخالف من بود، تا یه جایی داشتیم نظرات مون رو می‌گفتیم و با هم مخالفت می‌کردیم و همه چی اوکی بود، اما از یه جایی به بعد شروع کرد به فحش دادن و مسخره کردن و اینا، منم اول جوابش رو دادم و گفتم بسه و ادب رو رعایت کن و...، اما خب اون هی ادامه می‌داد و بعد حتی اومد توی دایرکت هم فحش داد. من که بلاکش کردم، اما این شد تجربه برام که توی این فضاها کم‌تر بحث کنم با هر کسی، چون یه سری‌ها واقعاً شعور و ادب استفاده از این فضای مجازی و اینستا رو ندارن».

رومینای ۲۰ ساله، در توصیف تعامل کاربران اینستا در زیر برخی از پست‌ها، تعبیر جنگ جهانی سوم را به کار برده، مرجان ۲۱ ساله هم از پر شدن فحش در ذیل پست دیگران یاد کرده است:

«- گفتم اینستاگرام محیطی برای خالی کردن عقده‌ها شده؟

آره. فقط کافیه یه سر بری زیر این پستا کامنتا رو بخونی. جنگ جهانیه.

- چرا باهم دعوا می‌کنن؟

نمی‌دونم واقعاً. خیلی وقتا بی‌کارم، می‌رم می‌شینم این کامنتا رو می‌خونم، خنده‌ام می‌گیره. مثلاً یکی اوامده گفته فلان بازیگر فلانه، کامنت پر می‌شه از دعوای طرفداراش با اونیه که این حرف رو زده یا می‌ری می‌بینی فلان بازیگر فلان پست رو گذاشته، تو کامنتا پر می‌شه از فحش و بد و بیراه به اون خواننده و سلبریتی.

هر کی یه کم معروف می‌شه، مردم صبح تا شب پیگیرش می‌شن، بعد شروع می‌کنن هیت دادن. لباس فلانه، قیافه‌ات اینه، نت کیه، بابات کیه، دوست دختر داری، شوهرت فلانه. بی‌شعور، بی‌شخصیت، دشمن ملت.

هی می‌گن، می‌گن، می‌گن. حالا من کاری ندارم از این سلبا (سلبریتی‌ها) دفاع نمی‌کنم. فقط هم منظورم ایرانیان نیستن. همه جای دنیا همینه، به مراتب اروپا بدتره. در کل منظورم به اینه که عقده‌هاشون

رو جمع می‌کنن، میان توی فضای مجازی خالی می‌کنن».

«- نکات منفی اینستاگرام چی هست؟»

چیزی که زیاد شده توی اینستا، کامنتای فحشه، الآن برو کامنت‌های یه پست رو ببین، همه دارن بهم فحاشی می‌کنن».

امیرمهدی ۲۱ ساله هم از تکه کلام شدن فحش در اکیپ گروهیشان در اینستا یاد می‌کند:

«- امیرمهدی می‌خوام بیرسم اینستاگرام توی بُعد اخلاقی چه تأثیری بعد نصب اینستا روی تو داشته؟ خوب قبل از اینستا رفتار پرحاشیه‌ای و چالش‌هایی که تو اینستا انجام می‌شه رو باهاش برخورد نداشتم و ندیده بودم، ولی الآن برام عادی شده دیگه اینا رو می‌بینم، به خصوص قسمت‌های طنزش رو، قبل از اینستا من این جور فحش نمی‌دادم ولی بعدش که وارد این فضا شدم، حالا توی اون اکیپ گروهی که بچه‌های مدرسه بودیم، خب بیش‌ترشون تو حرف‌شون فحش بود و تیکه کلام‌شون شده بود دیگه یا کسانی پیدا می‌شه که یه وقتی حالا پستی می‌ذاری تو کامنت فحش می‌دن، اصلاً نمی‌دونم برای چی انگار عقده‌ای دارن و منم از خجالت‌شون در میام و اگر از فالورام باشه که کلاً بلاکش می‌کنم، ولی اکثراً نیستن بیش‌تر کسانی این کامنت رو می‌گذارن که همین طوری وارد پیج می‌شن و می‌گردن... یه بارم که داشتم فحش می‌دادم تو اکیپ، چون من رو اُسکل کرده بودن و مامانم همون لحظه صدام می‌زد که همین طور که کلمه زر نزن رو با فحش‌های دیگه که نمی‌شه گفت رو تایپ می‌کردم، این کلمه زر نزن از دهنم پرید بیرون و مامانم برگشت گفت کی رو داری می‌گی و منم گفتم یه مزاحم بود که بهش گفتم و حالا خوب شد فقط این کلمه رو شنید (می‌خندد)».

نوجوانان و جوانان کاربری که در اثر مصرف محتوای هیجان‌مدار، در عمل برخوردهای هیجان‌مدار را فرامی‌گیرند، ضمن پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با اطرافیان‌شان، در تحلیل مسایل مختلف، به جای استفاده از منطق و استدلال، برخوردی هیجانی را پیشه خود کرده، مبتنی بر منطق ساده‌نگر صفر و یک، به تحلیل رخداد‌های مختلف می‌پردازند که رفتاری نامناسب و غلط هست.

تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری

در گذشته‌های دور، فرهنگ جامعه به صورت شفاهی بوده و به شکل نقل سینه به سینه به نسل‌های بعدی انتقال داده می‌شد.

با پا به صحنه نهادن دستگاه چاپ، فرهنگ بشری، از شفاهی بودن به مکتوب شدن روی آورد و سرانجام با گسترش فناوری‌های ارتباطی، از آنجا که این امکانات عمدتاً مبتنی بر عکس و فیلم هستند، در عمل فرهنگ جهانی رو به بصری شدن نهاده است.

با مقایسه فرهنگ مکتوب و فرهنگ بصری، می‌توان به نتایج مهمی دست یافت، به این معنا که در فرهنگ مکتوب وقتی فردی کتابی را می‌خواند، می‌توانست دوباره و چندباره قسمت مورد نظرش را در کتاب بخواند، روی آن فکر کند و در این میان احیاناً به زاویه دید جدید و متفاوتی دست یابد. ویژگی اخیر سبب می‌شد، تفکر انسان‌ها در دوران حاکمیت فرهنگ مکتوب، تفکری عمیق و انتقادی باشد. اما در دوران حاکمیت یافتن فرهنگ بصری، کاربران فناوری‌های ارتباطی داریم خود را با تصویر و فیلم‌هایی مواجه می‌بینند که خیلی سریع از برابر دیدگان آن‌ها رد شده و عبور می‌کنند و اگر فرد بخواهد روی یکی از صحنه‌هایی که دیده است، توقف کند، ده‌ها و صدها تصویر دیگر را از دست خواهد داد. به تعبیر دیگر، در دوران غالب شدن فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب، برعکس دوران فرهنگ مکتوب که تفکر فرد نقادانه تربیت شده و بار می‌آمد، در دوران سیطره‌یابی فرهنگ بصری بر فرهنگ مکتوب، به سبب بمباران تصویری ذهن کاربران، آن‌ها از یافتن تفکر نقاد بی‌بهره مانده، در برابر انبوه تصاویر خلع سلاح شده و منفعل باقی می‌مانند که این امر به ابتذال فکری آنان خواهد انجامید.

علی ۲۰ ساله که در مصاحبه‌اش به گزارش خاطرات دوران کودکی خویش پرداخته است، پس از بیان این که بازی‌های دیجیتالی دوران کودکی وی، به دلیل پیشرفته نبودن فناوری‌ها، تاحدودی ذهنی و مبتنی بر متن‌های مکتوب پیش می‌رفتند، بیان می‌دارد، در حال حاضر بازی‌های دیجیتالی به سبب پیشرفت فناوری‌ها به طور کامل بصری شده‌اند. علی در ادامه مصاحبه‌اش خاطر نشان می‌سازد، سیطره فرهنگ بصری در ذهن و اندیشه وی سبب شده است، وی در بزرگسالی در کاربری از متن‌های مکتوب احساس ضعف و ناتوانی مفرط داشته باشد:

«... بازی‌هایی که ما در دوران دبستان داشتیم، چندتا بودن، یکیش همین بازی یوگیو بود، فوتبال بود، جی‌تی‌ای بود که همه دوستانم داشتند، ولی من نداشتم و ازش خوشم نمی‌اومد. خلاصه‌اش اینه که بازی‌های اون زمان اکثراً خیلی ذهنی‌تر بودند، یعنی مثلاً الآن بازی‌هایی که توی قرن بیست و یک می‌بینیم، کاملاً بصری‌اند، یعنی همه چی یه لحظه بهت نفس نمی‌ده که فکر بکنی، هی تند تند داره محرک‌های مختلف جلوت میندازه، ولی خب پی‌اس‌پی چنین قدرتی رو نداشت، توانایی این همه چیز پرت کردن توی صورتت رو نداشت، به خاطر همین، خیلی روی خلاقیت فرد برمی‌گشت، مثلاً

یه سری بازی‌هایی بودن که کلاً شاید اکثر داستان به متن برمی‌گشت یعنی مکالمه رو باید به صورت متن خودت هم می‌خوندی، حتی صدای گوینده هم نداشت، در این حد ساده بود و هر اتفاقی می‌افتاد، تعریف می‌شد، دیده نمی‌شد و این خب خیلی بحث مهمی بود دیگه، اصلاً پی‌اس‌پی باعث شده بود که بازی‌های این جور شکل بگیرن. خلاصه اکثر چیزها ذهنی بود و اون لذت، لذتی که حداقل من می‌بردم، هیچ‌گونه ربطی به قضیه مسایل بصری نداشت، بازی متن زیاد داشت و چون هیچ کدومون هم واقعاً نمی‌تونستیم متن انگلیسی بازی رو ترجمه کنیم، هر کسی یک تصور غلط از بازی داشت و اتفاقاً سر همین بازی یوگیو هم ما خیلی توی مدرسه بحث‌مون می‌شد که من می‌گفتم، فلان بازی راجع به فلانه، رفیقم می‌گفت نه، راجع به فلانه و البته حرف هیچ‌کدام ما هم درست نبود و همین جوری فقط با هم دعوا می‌کردیم.

- پس در واقع ساده‌تر بودن بازی‌ها منجر به این می‌شد که خلاقانه‌تر باشند؟

آره. بازی سخت‌تر و خلاقانه‌تر می‌شد، دقیقاً مثل همون انیمیشن‌هایی که با یه زبان دیگه می‌دیدیم، حدس می‌زدیم دیگه... .

- پیش‌تر گفتم هشتاد درصد سرگرمیت فیلم دیدن بوده، اگر بخوای یه بازه‌ی زمانی متوسطی در این رابطه بگی، این زمان چند ساعت بوده؟

یه لحظه باید یه کم فکر بکنم راجع به این قضیه، چون خاطرات متفاوتی داره به ذهنم می‌رسه. ببین من واقعاً بچه‌ی بی‌کار و کم‌هیجانی نبودم اصلاً. اما از اون طرف خیلی دوست داشتم یه محتوایی رو ببینم یا یه محتوایی رو خودم درست بکنم. به خاطر همین مسأله من کاری مثل نقاشی کردن را خیلی دوست داشتم یا مثلاً یکی از کارهایی که با اسباب بازی‌هایم زیاد می‌کردم، این بود که یه ماشین می‌گرفتم، باهاش غان‌غان می‌کردم، داستان راجع بهش تعریف می‌کردم، بزرگ‌تر هم که شدم، بازم اسباب بازی‌های بزرگ‌تر به دستم می‌رسید. یادمه آخر دبستان بودم یه کیت مربوط به سیستم برق خونه که سیستم را با اون کیت شبیه‌سازی می‌کردی، بعد مناسب سن دبستان و حتی راهنمایی هم بود داشتم که داداشم برام گرفته بود. کل زمانم با این بود که ور برم حالا الان این جور سیم‌کشی بکنم، اینجا این کار را بکنم، یعنی من اسباب بازی اینا کم نداشتم، ولی این که چه قدرش به کدوم می‌رسید رو حقیقتاً هیچ ایده‌ای ندارم، چون چیزی که در ذهنم خیلی متفاوت، بهترین حالتش شاید بگم که ترکیبی از جفتشون باشه که چون من هم خیلی نقاشی کردن رو دوست داشتم یا این که

بشینم درگیر به کاری بشم، و از اون طرف این که بشینم به گوشه به کاری رو بینم هم خیلی دوست داشتم و تمام زمانم همین دو تا بود. همین، هیچ کار دیگه‌ای نمی‌کردم.

- پس از دیدن بصری بیش‌تر از حتی کتاب خوندن لذت می‌بری؟
دقیقاً. کتاب هم که می‌خوندم، مسأله بصری قضیه بود که مهم بود، تصویرش مهم بود نه بقیه‌اش. هنوز هم تا به حد زیادی همین طوری هستم.

- آهان، پس یعنی هنوز هم همین جور هستی؟

دقیقاً، تا به حد خیلی زیادی و نکته‌اش هم اینجاست که هم اون موقع، هم الآن، من اصل تأثیری که می‌گرفتم از تصویر مطلب بود، حالا من کتاب خوندن برام واقعاً سخته... ولی در چیزی که دارم می‌بینم، این طوری نیست. مثلاً من چند وقته دارم آدیوبوک گوش می‌دم، سعی می‌کنم برای این که این جور کتاب بخونم، باز هم وقتی تصویر نیست، تأثیری که دارم می‌برم یک هزارمه، چون من به گُمیک بوک (داستان مصور) هست به اسم سَند من و آدیوبوک‌اش را شروع به گوش کردن کردم، سَند من اصطلاح کسیه که خواب‌ها رو کنترل می‌کنه. حالا، گُمیک بوک‌اش رو خوندم، حالا دارم آدیوبوک‌اش رو گوش می‌دم، درسته که آدیوبوک‌اش خیلی بهتر کار شده، به سری بازیگرای معروف و خیلی خفنی دارن این کار رو انجام می‌دن، کلی براش پول رفته، ولی اون استفاده و هیجانی که گُمیک بوک‌اش برای من داشت خیلی بیش‌تر بود. چرا؟ چون مسأله بصری قضیه خیلی برای من مهم بود و این که مفهوم هنر بصری‌اش، الآن که به ذره مغز پیچیده‌تره، اون مفهوم هنری‌اش هم خیلی جذاب بود، زیرا در اون، این همه طراحی و نقاشی مختلف شده.

- پس به نوعی اون جور که از بچگی بودی و الآن هستی، کلاً فهم و پردازش بصری تو بهتر از حالت کتابی و خوندنیه.

دقیقاً، آره درسته و الآن اصلاً برام مطالعه کردن خیلی سخت شده، یعنی من قبلاً که بچه بودم خیلی کتاب می‌خوندم، خیلی به معنای بیش از حد، سوم راهنمایی ساعت زدم، ماهی ۱۵۰۰ صفحه رسیدم، ولی الآن در حد شاید سالی مثلاً چهارتا دونه کتاب باشه، در این حد».

زهرای ۲۰ ساله در مصاحبه خودش به گزارش مورد مشابهی اقدام کرده، خاطرنشان ساخته است، وی قبلاً خوره کتاب بوده است، اما الآن اینستا نمی‌گذارد که او حتی یک کتاب هم بخواند:

«- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث افزایش هنجارشکنی‌ها بشه؟

بله، قطعاً، بین من کاری به درست و غلط بودن هنجارها ندارم، اما توی جامعه می‌بینم که دیگه خیلی از کارها انگار انجام دادنش اشکالی نداره، مثلاً آرایش کردن یا مو بلند کردن پسرها یا لباس پسرانه

پوشیدن دخترها، جزو ارزش‌ها و هنجارهاییه که اینستا در قبولوندن اون‌ها به مردم، واقعاً خوب عمل کرده و موفق بوده و خیلی‌ها و حتی من، از طریق این‌ها هنجارها رو شکستیم و این موارد رو قبول کردیم. البته نه این که صد در صد اثر داشته باشه‌ها، اما باز همین یه مقدار تفاوت ایجاد کردن خودش خیلی خوبه، در کل یه جوریه که انگار آدم‌ها دارن با ارزش‌های اینستاگرام همراه می‌شند که ممکنه یک‌سری از این ارزش‌ها درست باشه، یک‌سری نباشه. اینستاگرام شده منبع دریافت ارزش‌ها و هنجارها، قبلاً کتاب می‌خوندی دوتا چیز یاد می‌گرفتی، حالا سه دقیقه می‌ری اینستا، ده تا چیز یاد می‌گیری، ۳ تا ارزش جدید در تو شکل گرفته، ۴ تا از هنجارهایی که توی جامعه بوده، زیر سوال می‌ره.

من قبلاً خوره کتاب بودم، کتابی نبود که نخونده بذارم و خلاصه که هر هفته یه کتاب تموم می‌کردم، اما حالا اینستا نمی‌ذاره یه کتاب رو تموم کنم، چه برسه به چندتا، البته کاری به اینستا نداره، خودم وقتم رو اون‌جا صرف می‌کنم و باید بگم، سرگرمیم عوض شده، اما این عوض شدن خوب نیست». نسترن ۱۷ ساله در مصاحبه‌اش اعتراف می‌کند که مغزش برای خواندن کتاب‌های علمی نمی‌کشد و صبای ۲۲ ساله هم در بیان‌اتش یادآور می‌گردد، خواندن کپشن‌های کوتاه اینستا، عادت تمرکز برای خواندن کتاب را برای وی سخت‌تر کرده است:

«-اگه وقتت برات مهمه، پس چرا این همه ساعت رو به اینستاگرام اختصاص می‌دی؟

بیش‌ترش به صورت غیرارادیه، باور کن، من زمانی که میام اینستا با خودم نمی‌گم که وای الآن ۶ ساعت قراره سرش باشم، اصلاً این جوریه نیست، حالا شاید کسل باشم یا حوصله‌ام سر رفته باشه، پا می‌شم میام سراغ اینستا و یهو مامانم صدام می‌کنه که بیا نهار یا شام و اون وقت می‌بینم، چند ساعته پشت سر هم یک گوشه نشستم و سرگرم اینستا هستم.

- چرا یک فعالیت دیگه انجام نمی‌دی مثل کتاب خواندن یا هر چیزی که خودت دوست داری؟
آخه وقتی حوصله ندارم، یعنی حوصله اونا رو هم ندارم، دوست دارم سراغ چیزی برم که یه کم سر حالم بیاره و هیجان داشته باشه، نه این که خسته کننده‌تر باشه و کلافه‌ترم کنه و ذهنم رو مشغول‌تر کنه.

- خواندن کتاب ذهن‌ت رو مشغول می‌کنه؟

بستگی داره چی باشه، مثلاً کتاب‌های تاریخی، روان‌شناسی، علمی، خوب باید فکر کنم که حوصله ندارم و مخم نمی‌کشه، رمان‌ها باز قابل تحمل‌تر هستند که گاهی اوقات می‌خونم».

«این بلاگرایی که حالا فمینیست هم هستن، باعث شدن من آگاهیم بره بالاتر یا مثلاً کتابایی که در مورد این مسأله معرفی می‌کنن، دید من رو ارتقاء داده‌اند.

- آیا این کتاب‌هایی که معرفی کردن، خودت رفتی بخونی؟

راستش احساس می‌کنم کلاً فضای مجازی، مخصوصاً اینستا که همه‌اش کپشنا کوتاهه، باعث می‌شه که من یه کم توی خوندن فعال نباشم! برای همین شده که من برم کتابا رو بخرم، اما هنوز نخونده باشم شون.

- یعنی حس می‌کنی از وقتی وارد اینستاگرام شدی، نسبت به قبل، کم‌تر می‌تونی متن‌های بلند رو بخونی؟

آره، تمرکز من انگار خیلی کوتاه‌تر شده، یعنی به سختی می‌تونم حالا نیم ساعت بشینم بخونم، حالا نهایت اینه که ده تا استوری بخونم توی اینستا که اونم ده دقیقه وقت می‌بره یا حتی پنج دقیقه! دیدن برام راحت‌تر شده».

آرشام ۲۳ ساله در اظهاراتی که دارد، به صراحت بیان می‌کند جذابیت‌های صوتی و بصری اینستا مانع کتاب خواندن وی می‌شود و سرانجام اشکان ۲۱ ساله علت غرق شدن خودش در فیلم دیدن را اینستا معرفی می‌کند:

«- اگر اینستاگرام نداشتی باز هم این قدر به فیلم و سینما علاقه‌مند بودی؟ نه، قطعاً نه.

- اینستاگرام چه نقشی توی علاقه تو به فیلم و سینما داشت؟

من با داشتن اینستاگرام دائماً غرق اخبار فیلم و سینما بودم و باعث شد بیش‌تر بدونم، برام جذاب‌تر بشه، و بیش‌تر برم سمتش».

«- برای مطالعه، بیش‌تر وقت می‌گذاری یا برای اینستاگرام؟

قطعاً اینستا.

- دلیلش چی هست؟

دلیلش اینه که چون سر کار می‌رم و خسته می‌شم، دیگه کم‌تر توان برای مطالعه دارم، از طرفی هم اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاش، صدا، جذابیت.

- این وضعیت رو دوست داری؟

خب قطعاً دوست دارم بیش‌تر مطالعه کنم، اما عرض کردم خسته می‌شم».

افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان

منابع و متون روان شناختی از افسردگی همواره در بعد فردی آن یاد کرده، از مفهوم افسردگی اجتماعی آذکری به میان نیاورده اند.

در بررسی ملی سازمان ملی جوانان که بر روی ۷۵ هزار جوان ۲۹-۱۵ ساله ساکن در مراکز استان‌های سراسر کشور انجام گرفت، مشخص شد که ۳۶٪ جوانان از نظر قدرت و امید به زندگی دچار مشکل هستند، ۴۲٪ آنان اعتماد و عزت نفس کافی ندارند، ۵۱٪ دچار معضل روانی اضطراب و ۵۴٪ آنان دچار سطوحی از افسردگی هستند». (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱).

رئیس وقت سازمان ملی جوانان در مصاحبه ای اعلان داشت: «۵۰٪ از جوانان افسرده اند» (یاس نو، ۱۳۸۲/۶/۱۵).

طبق تحقیق دانشجویان دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۸۰، «۲۸٪ از جمعیت تحقیق، نشانه‌های افسردگی را از خود نشان داده، چنان چه افسردگی‌های خفیف را هم به این میزان بیفزاییم، میزان دانشجویان افسرده به ۴۹٪ می‌رسند» (عباسعلی پور و همکاران، ۱۳۸۰) و در پژوهشی که «در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام گرفت، ۵۹/۸٪ دانشجویان علایم افسردگی را در خود نشان دادند» (همان).

طبق تحقیق منتشره مشابهی «۶٪ دانشجویان از افسردگی شدید، ۱۴٪ از افسردگی متوسط و ۴۷٪ از افسردگی خفیف رنج می‌برده اند» (نوروز، ۱۳۸۰/۱۰/۱).

آمارهای ارایه شده در بعد فردی افسردگی، از مقادیر بسیار بالایی حکایت می‌کنند.

منطقی در کتاب «رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب» با طرح مفهوم «افسردگی اجتماعی»، به طرح نوعی از افسردگی دست می‌زند که برخلاف افسردگی در بُعد فردیش که می‌تواند متأثر از ابعاد ژنتیک یا محیطی باشد، صرفاً متأثر از ابعاد محیطی است و در نتیجه برخورد جوان با مشکلات، تضادها، تعارض‌ها و بن‌بست‌های حل نشده فرهنگی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی جامعه، عارض وی می‌گردد و به دلیل عمق تأثیر عوامل اجتماعی در این افسردگی، شایسته نام‌گذاری «افسردگی اجتماعی» به نظر می‌رسد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد پسران بیش‌تر از دختران در معرض

1 - Depression

2 - Social depression

افسردگی اجتماعی قرار دارند، زیرا هنجارهای اجتماعی، انتظاراتی را در ارتباط با پسران (تا دختران) مطرح می‌سازند.

منطقی در توصیف علایم افسردگی اجتماعی می‌نویسد:

«در مورد ناامیدی و افسردگی در شکل فردی و بریده از مسایل اجتماعی، تاکنون بحث‌های بسیاری شده است و کتاب‌های مرجع مختلف روان‌شناسی و روان‌پزشکی در مورد علایم آن بحث‌های دقیقی را ارائه کرده‌اند. اما درباره افسردگی اجتماعی به عنوان واکنش یک قشر از جامعه، تا به حال بحثی به میان نیامده است. از ملاحظه شواهدی مانند: عدم تمایل جوان به ایفای نقش اجتماعی و سیاسی خودش، از دست دادن تحرک، نشاط و سرزندگی؛ عدم استقبال از مشارکت و فعالیت‌های سازنده اجتماعی، خودداری از ابراز انتقاد در تمامی حوزه‌های اجتماعی ذی‌نفع، رخوت و سستی در انجام کلیه امور حتی در تحصیل و کسب معاش، بی‌برنامگی و گذران اوقات به بطالت، بدبینی به آینده، نداشتن شور و انگیزه پیشرفت، ابداع و ابتکار، کنار نهادن خلاقیت‌ها، با دیده تردید نگرستن به نوآوری‌ها، احساس در جبر قرار داشتن، تیره و تار دیدن آینده، پناه بردن به فضاهای مجازی، احساس ناتوانی در برخورد با آینده مبهم، احساس ندامت و پشیمانی از به دنیا آمدن، احساس ناکامی از محدود شدن آزادی‌های سیاسی- اجتماعی، احساس تلخ‌کامی از تضاد طبقاتی شدید در جامعه، احساس ناتوانی مفرط از تأثیرگذاری در جریان‌های سیاسی- اجتماعی موجود، احساس به بازی گرفته نشدن، احساس خسران، از دست دادن نسبی اعتماد به نفس، سپردن خود به دست تقدیر، تقلیل گرایش‌های جمع‌گرا و فزونی گرفتن گرایش‌های فردگرایانه، عدم رغبت به انجام تفریحات سالم اجتماعی، عدم استقبال از شادی و نشاط، تمایل به خودسانسوری، دست زدن به اعتراض‌های منفعل (در لباس پوشیدن، ادبیات و مانند آن‌ها)، پوچ‌گرایی، غرب‌گرایی افراطی، تحقیر ملیت خویش، احساس بدبینی به تاریخ گذشته کشور و تحقیر دیگران، می‌توان به فرض افسردگی نسبی قشر جوان دست یافت. علاوه بر این، نارضایتی شدید استادان دانشگاه و اولیای مدارس از فعالیت‌های علمی اندک جوانان، هشدار آنان نسبت به رخوت، سکون و سستی نسل جوان و بی‌تحرکی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی وی، نگرانی اولیا از عصیان و سرکشی فرزندان، بی‌انگیزه بودن آن‌ها، اندیشه‌های خودکشی، تمایل به مرگ جوانان، بی‌توجهی به ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی و همین‌طور ابراز شگفتی اولیای تربیتی جوانان در جامعه از فقدان شور، شوق و خودجوشی در جوانان، گرایش آنان به سمت الگوهای نامناسب، پیشی گرفتن آن‌ها از یکدیگر در پیروی از مسأله‌دارترین الگوهای

ممکن، تجربه راه‌های غیرمشروع و بزه کارانه و پناه بردن به انحرافات، دلایل دیگری در جهت شکل-گیری نسلی افسرده در سطح جوانان به شمار می‌آیند» (منطقی، ۱۳۸۴).

مهناز ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش مصداق بارزی از افسردگی اجتماعی را درباره خودش مطرح می‌سازد. مهناز در مصاحبه خود، بیان می‌دارد که ۶، ۷ سال است کاربر اینستاگرام شده است و در طی مدت اخیر، با وجود آن که خانواده‌ای مذهبی داشته، پدرش نیز فارغ التحصیل مسایل دینی بوده و معلم دینی است، تحولات زیادی را تحت تأثیر اینستا پشت سر نهاده است.

مهناز پذیرش هم جنس گرایی و دفاع از آن‌ها را یکی از ثمرات تغذیه از اینستا برمی‌شمرد و گزارش می‌دهد، وی از ۱۶، ۱۷ سالگی از سایت‌های هرزه‌نگار اطلاعات جنسی اخذ می‌کرده است. در ادامه مهناز بیان می‌دارد، با ملاحظه فضای اجتماعی و سیاسی کشور، در عمل از نقد اجتماعی به نقد دینی رسیده است و اعتقادات دینی خود را تقریباً کنار نهاده است.

مهناز باله، رقص ایرانی و یوگا کار می‌کند و رقص باله خودش را که طبعاً با لباس اندکی همراه است، برای هواداران در صفحه شخصی‌اش به نمایش می‌گذارد. وی در هنگام صحبت از مصرف سیگار و الکل هم بیان می‌دارد که خودش نیز اهل این موارد هست و گاه گاهی از آن‌ها استفاده دارد.

پذیرش ارزش‌های گناه آلود یا به بیان خود مهناز «گیلتی پرژر» (گناهان لذت‌بخش)، قسمت دیگری از اوقات فراغت وی را تشکیل می‌دهد.

مهناز گزارش می‌دهد گاهی دست به خریدهایی می‌زند که واقعاً نیازی به آن‌ها ندارد به همین ترتیب دنبال تتو و پیرسینگ بدنش است.

مهناز در صحبت‌هایش خاطر نشان می‌سازد که به کاربری از اینستا معتاد شده است و اگر گوشی وی خاموش باشد، وی تمرکزش را از دست می‌دهد که مبادا رخدادی به وقوع بپیوندد و وی از آن بی‌خبر بماند، برای همین برای حفظ تمرکز خودش، گوشی وی باید همواره روشن و در دسترس او باشد.

نکته مهمی که مهناز در مصاحبه خودش بدان اشاره می‌کند، افسردگی اجتماعی است. به این معنا که مهناز پس از ترسیم محیط پر رعب داخل، از افسردگی خاصی صحبت به میان می‌آورد که به سبب آن که دلیل شکل‌گیری آن عمدتاً منفی دیدن دورنمای آینده و زندگی اقتصادی و اجتماعی فرد است، شایسته نام افسردگی اجتماعی است.

مهناز در توصیف فضای داخل از منظر خودش چنین بیان می‌دارد:

«- خودت از اینستاگرام به عنوان فضایی برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی استفاده می‌کنی؟
بین تقریباً هر کاری که من توی اینستاگرام انجام می‌دم، توی جامعه و توی کشور ما انجام دادنش ممنوعه. رقصیدن، گذاشتن عکس بدون حجاب، شاد بودن، انتقاد از حکومت یا مسوولان، صحبت از حقوق زنان و فمینیسم، دنبال کردن صفحات خانم‌های خواننده، لایک کردن ویدیوهای رقص و همه اینا ممنوعه و جرمه. بنابراین تماماً من و همه آدم‌های ایرانی، داخل اینستاگرام در حال دور زدن محدودیت‌های اجتماعی هستیم».

مهناز در ادامه بیاناتش از افسردگی اجتماعی خویش به قرار زیر یاد کرده است:

«... زندگی کردن توی ایران به عنوان یک آدم در آستانه بیست سالگی و در این شرایط، واقعاً توانایی روحی بالایی می‌خواد.

- منظورت چه جور شرایطی هست؟

همین که نمی‌دونی آینده‌ات چی می‌شه، هر روز همه چیز داره به سمت بدتر شدن پیش می‌ره، نه بهتر شدن، قیمت خونه و ماشین و این جور چیزها، جوریه که من جوون نوزده ساله تا هشتاد سال دیگه هم پول خریدنش رو به دست نخواهم آورد، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و آزادی بیان هم که ماشالا هیچی نیست و کسی هم جرأت اعتراض کردن نداره. واقعاً دیدن این شرایط برای آدم انگیزه‌ای رو نمی‌ذاره که حالا بخواد درس بخونه، کار کنه و به آینده امیدوار باشه. هر چند که همه‌مون الآن داریم به زور هم که شده، با امیدواری ادامه می‌دیم، اما خب واقعاً وقتی بهش فکر کنی، آینده بهتر نمی‌شه، بدتر می‌شه».

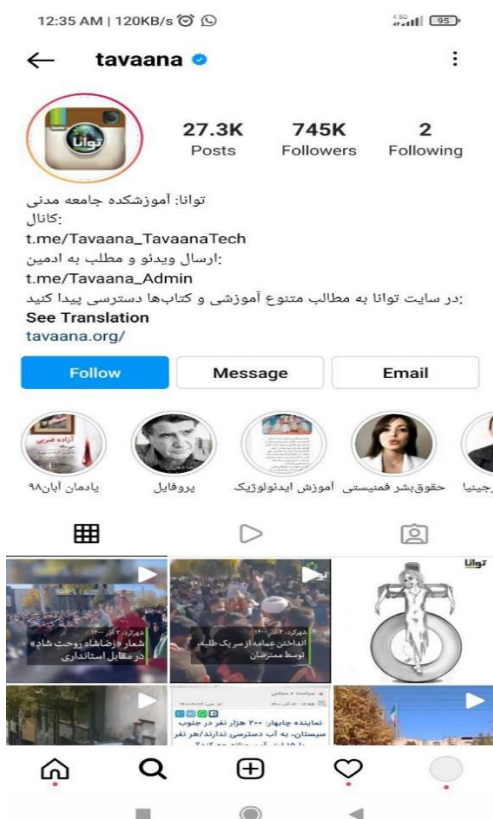
بهر روز ۱۸ ساله هم در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، حتی یادآوری رسانه‌های خارجی از مشکلات متعددی که در جامعه ایران وجود دارد، وی را از تحریک انداخته، به بستر می‌کشاند:

«- وقتی ناامید می‌شی چه کار می‌کنی؟

خب علاقه‌ام رو به همه کارا از دست می‌دم، بی‌حوصله و کسل می‌شم و بعضی موقع‌ها که شدید باشه، سر درد هم می‌گیرم، یه جورایی کل اون چند روزی که ناامید هستم رو روی تخت خوابم می‌گذرونم.

- چه صفحه‌هایی اخبار منفی زیاد تولید می‌کنند؟

مثلاً پیج من و تو یا توانا بودن که هر روز یه اخبار منفی از ایران منتشر می‌کردن، واقعاً روی مود (خلق) من تأثیر داشت.



- و شما هم آنفالو کردی شون؟

آره، چون دیگه اون حجم از خیر منفی زندگی من رو مختل می‌کرد.

- یعنی اخبار دروغ منتشر می‌کردن؟

نه، لزوماً دروغ نبودن، من تحمل اون همه خبر منفی رو نداشتم، و گرنه همه می‌دونیم وضعیت ایران جالب نیست».

به نظر می‌رسد، مقوله افسردگی اجتماعی (که در ادبیات جهانی روان‌شناختی گزارش نشده است)، در ایران در اقشاری قابل تأملی از نوجوانان و جوانان ایرانی قابل مشاهده باشد.

ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی

فضای مجازی موجد فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری است و بسته به بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فضای مجازی و میزان خودکنترلی کاربران، این فضا می‌تواند به شکل مثبت یا منفی مورد استفاده قرار گیرد.

در صورتی که فضای مجازی به شکل مناسب مورد استفاده قرار نگیرد، یکی از تبعات آن ایجاد زمینه‌ای برای بروز برخی از اختلال‌های روانی در کاربران آن است.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که بعضی از کاربران به دلیل استفاده نامناسب از فضای مجازی اختلال‌هایی مانند: کاهش اعتماد به نفس، احساس بدشکلی بدنی، افسردگی، اضطراب‌های نوپدید، ترس از عقب ماندن، اعتیاد، خودشیفتگی و نظیر آن را تجربه کرده و در خود گزارش کرده‌اند. مواردی مانند: کاهش اعتماد به نفس (در اثر مقایسه ویژگی‌های خود با انبوه جمعیت حاضر در فضای مجازی)، به دست آوردن تصویر از خود منفی (در نتیجه ملاحظه انبوه بلاگرها، سلبریتی‌ها و مانند آن‌ها در فضای مجازی که ممکن است با پیش گرفتن رژیم‌های سخت و انجام عمل‌های جراحی زیبایی، از چهره و اندامی متفاوت برخوردار شده باشند)، افسردگی (در نتیجه مشاهده دایمی ویرین زندگی دیگران)، بروز ترس‌ها و اضطراب‌های نوپدید (با فزونی گرفتن فرصت‌ها و تهدیدهایی که فضای مجازی موجد آن است)، ترس از عقب ماندن (در اثر ترس از عقب ماندن خویش در اطلاع‌یابی از رخدادهای فضای جهانی شده)، اعتیاد (در اثر کژکاربری و کاربری مفرط از فناوری)، خودشیفتگی (در نتیجه امکانات جدید ایجاد شده توسط شبکه‌های اجتماعی) را در خود نشان می‌دهند.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده دلالت بر آن دارد که بعضی از کاربران به دلیل استفاده نامناسب از فضای مجازی اختلال‌هایی مانند: کاهش اعتماد به نفس، احساس بدشکلی بدنی، افسردگی،

اضطراب‌های نوپدید، ترس از عقب ماندن، اعتیاد، خودشیفتگی و نظیر آن را تجربه کرده و در خود گزارش داده اند که در ادامه، نمونه‌هایی از این موارد خواهد آمد.

کاهش اعتماد به نفس

افراد در گذشته اگر به صرافت مقایسه خود با دیگران می‌افتادند، ممکن بود در نهایت خود را با افرادی که در مدرسه، محله یا شهرشان می‌دیدند، مقایسه کنند، در حالی که فضای مجازی این امکان عمل را برای آحاد مردم فراهم آورده است که برای مقایسه خود، به جای مقایسه خویش با جمعیت‌های صد یا هزار یا چند ده هزار نفره اطراف و اکناف خودشان، در عمل خود را با جمعیتی میلیاردری در اینستا مقایسه کنند که بالطبع در حالت اخیر به سبب وجود افراد استثنایی بیش‌تری در جمعیت کثیرتر، افراد در مقایسه خود با آنان، فاصله بیش‌تری را احساس خواهند کرد. از این رو کاهش اعتماد به نفس در کاربران فضای مجازی، امری بدیهی است که باید آن را در کاربران فضای مجازی، خاصه افراد نوجوان و جوان که به مسایل ظاهری توجه بیش‌تری داشته و افرادی که بدون هدف خیلی مشخصی وارد فضای مجازی شده اند، انتظار داشت.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با کاربران نوجوان و جوان اینستا، دلالت بر آن دارد که برخی از مصاحبه شوندگان با مقایسه زیبایی خویش با زیبایی افرادی که در فضای اینستا آنان را می‌بینند، به سبب فاصله زیادی که بین خود و آن افراد می‌بینند، دچار کاهش اعتماد به نفس می‌شوند. مصاحبه شوندگان دیگری خاطرنشان می‌ساختند که آنان با دیدن وسایل و زندگی لاکچری دیگران، به سبب بی‌بهره بودن از وسایل یا زندگی مشابه، دچار کاهش اعتماد به نفس شده اند و سرانجام افراد دیگری با ملاحظه هر دو وجه اخیر و مقایسه خود با افرادی که در فضای مجازی مطرح شده اند، احساس کرده اند که اعتماد به نفسشان نسبت به سابق، تقلیل یافته است. تعداد دیگری از مصاحبه شوندگان هم از حساسیت‌های خود در ارتباط با اظهار نظرهای منفی دیگران یاد کرده اند.

فریبای ۲۰ ساله و ضحی ۲۷ ساله، مصادیقی از موارد بالا را در مصاحبه‌های خویش مطرح ساخته اند: «از جنبه‌های منفی یه سری پیج‌ها گفتم، در مورد جنبه‌های منفی ای که از پیج‌های سرگرمی دریافت

کردی هم چیزی هست که بخوای توضیح بدی؟

(فکر می‌کند) آره اتفاقاً. بذار برات تعریف کنم. اینی که ازش حس بدی گرفتم، اسمش رو نمی‌گم‌ها، ولی در همین حد می‌تونم بگم که یه بلاگره. خوب می‌دونیه دیگه زیبایی یه معیاریه که خانوما خیلی براشون مهمه، یه سری از مواقع آدم ممکنه این حس بهش دست بده، من زیبا نیستم. من

یه مدت پیچ این بلاگر رو فالو می‌کردم شاید سه، چهار ماه بعد. از یه مدتی که فالو کردم یه سری احساسات به من دست می‌داد، مثلاً این که چرا من این رو ندارم؟ چرا فلان چیز رو ندارم؟ چرا فلان سفر رو نمی‌تونم برم؟ و یه چیزی، البته بگم‌ها اینا همه حس‌هایی بود، که به من دست می‌داد. قطعاً مشخص بود که اون طرف وجه‌هایی از زندگیش رو می‌داشت که خوب هستن. حتماً اونم تو خونه خودشون دعوا می‌کرد و شرایط سخت رو تجربه می‌کرد. اما اون پیچ به من حس بدی داد. با این که می‌دونستم، اونم احتمال مشکلاتی داره، ولی اون موقعی که می‌رفتم تو پیچش، همه‌اش می‌گفتم، طرف زندگی عالی‌ای داره و واقعاً این حس بهم دست می‌داد که شاید من خیلی بدم».

«- این مسأله از نظر روحی و روانی روی شما تأثیر منفی گذاشته؟

آره، خیلی، خیلی، خیلی زیاد.

- چه آسیبی؟

خیلی وقتا از نظر روانی بهم ریخته‌ام. خیلی وقتا هم افسردگی گرفتم. خیلی وقتا اعتماد به نفسم به شدت اومده پایین. خیلی وقتا هم دلم گرفته.

- در مورد مواردی که گفتی، بیش‌تر توضیح می‌دی؟

بین فقط کافیه یه سر بری پیجای این اینفلوئنسرا رو ببینی. از زندگی ناامید می‌شی. جوری که زندگیاشون لاکچریه. جوری که تو رفاه و تجملات دارن زندگی می‌کنن و اونا رو می‌کنن تو چشم مردم. من الآن خیلی کم‌تر، ولی واقعاً تا یکی، دو سال پیش خیلی حسرت می‌خوردم. زندگیاشون رو با زندگی خودم مقایسه می‌کردم، حالم بد می‌شد. خیلی بد بود. الآن کم‌تر این حسا رو تجربه می‌کنم، ولی تا چند وقت پیش، خیلی اذیت شدم به خاطرش.

- به چه چیزی شون حسودی می‌کنی؟

به زندگیاشون. نوع زندگی کردن شون. این همه رفاه و تجملات و تفریح و عشق و حال، آدم نمی‌تونه حسودی نکنه.

- دوست داری جای اون‌ها باشی؟

آره.

- چرا؟

تو فکر کن پست و استوریایی که می‌گذارن آرزوی خلیا هس. ماشینا آن چنانی، سفرای ماه به ماه، مهمونیای آن چنانی، حیوون خونگی‌هایی که دارن، خونه‌های بالای شهر، لباسای شیک و مد روز. شِت (لعتی). خب معلومه دلم می‌خواد جاشون باشم. کی از رفاه و پولدار بودن بدش میاد».

کاهش اعتماد به نفسی که از آن یاد شد، در صورت تداوم می‌تواند به حالات روانی وخیمی منجر شود.

به دست آوردن تصویر از خود منفی

کاربران مصاحبه شده اینستا در جریان مصاحبه‌های خودشان، بعضاً از به دست آوردن تصویر منفی از خویش یاد کرده بودند.

در برخی از مواقع دلیل به دست آوردن تصویر منفی از خود، برخورد با بلاگرها، سلبریتی‌ها و مانند آن‌ها در فضای مجازی است که ممکن است این افراد با پیش گرفتن رژیم‌های سخت و انجام چندین عمل جراحی زیبایی، از چهره و اندامی متفاوت و احیاناً دست نیافتنی برخوردار شده باشند.

در حالت دیگری تعدادی از مصاحبه شونده‌گان اظهار داشته‌اند که در مواجهه با افراد کثیری که با آن‌ها روبرو هستند، با سناریوهای متفاوت و جدیدی از سوی این افراد مواجه شده‌اند که به دلیل فاصله داشتن خودشان با آن سناریوها، احساس بی‌کفایتی روانی کرده و در ادامه تصویری منفی از خود را به دست آورده‌اند.

سرانجام برخی از کاربران از سویی به سبب کنجکاوی و هیجان‌جویی‌های خویش و از سوی دیگر به دلیل سهولت دسترسی به محتواهای هرزه‌نگار در سطح فضای مجازی، کاربری مقطعی یا دائمی از این محتواها را پیشه خود کرده‌اند که غالباً به سبب تربیت اولیه دینی‌ای که داشته‌اند، احساس گناه گریبان آنان را گرفته است و به این دلیل دید منفی نسبت به خود یافته‌اند. سولماز ۱۷ ساله و ساجده ۱۹ ساله، در مواجهه با افرادی با چهره و اندام زیباتر، احساس منفی نسبت به خویش یافته‌اند:

«- پیج نیلی رو هم داری؟»

آره.

- چرا فالوش کردی؟

چون خیلی خوشگل و نازه واقعاً، هر چند عمل کرده.

- سولماز، دوست داشتی تو هم مثل نیلی، عمل زیبایی انجام می‌دادی؟

آره، چون من از فرم بینیم متنفرم و هر وقت می‌رم جلو آینه تا دو ساعت افسردگی می‌گیرم که چرا من این شکلی هستم.

- فقط فرم بینی خودت رو دوست نداری؟

والا دروغ چرا، کلاً خیلی چیزا رو دوست ندارم، مثلاً از کوچیک بودن لب‌هام هم بدم میاد و دوست دارم ژل تزریق کنم».

«- آیا اینستاگرام در کاهش اعتماد به نفس تأثیرگذار بوده؟

بین‌یه دورانی بود که توی اوایل نوجوانی قرار داشتم و همون جور که گفتم اون موقع فقط خواننده‌ها و مدل‌های خارجی رو دنبال می‌کردم و هنوز پیج‌های روان‌شناسی و یا فمینیستی رو نمی‌شناختم تا آگاه باشم به این وضعیت که نباید خودم و بدن و ظاهرم رو با این خواننده‌ها و مدل‌های هالیوودی مقایسه کنم و این مقایسه کردن و کاهش اعتماد به نفس، یه مدت خیلی توی من ایجاد شده بود و همه‌اش فکر می‌کردم، بدن و ظاهرم پر از نقصه.

- آیا این موضوع باعث شده بود نسبت به خودت تصویر منفی در ذهنت ایجاد بشه؟

بین، این موضوع طوری نبود که از خودم متنفر بشم و نتونم برم جلوی آینه یا این جور واکنش‌های شدید، ولی تصویر ذهنی منفی رو آره، می‌تونم بگم برای یه مدتی توی من ایجاد کرده بود، مخصوصاً که ابتدای نوجوونی آدم همین جوریش با ظاهرش نمی‌تونه کنار بیاد».

افسردگی

فضای مجازی به دلایل متعددی در افزایش یأس، اندوه و افسردگی افراد کاربر مؤثر واقع می‌آید. مشاهده چهره‌های موفق و استثنایی، ملاحظه ویتترین زندگی دیگران، ایجاد نیازهایی که امکان برآوردن و تحقق آن‌ها در عمل وجود ندارد، حضور آزارگرهای اینترنتی و انسان‌های دیو صفتی که در صدد ترغیب افراد شکست خورده و ناکام به خودکشی برمی‌آیند، مشاهده انبوه فجایعی که در اطراف و اکناف جهان در حق انسان‌ها، حیوانات و زیست محیط صورت می‌پذیرد، شکست عاطفی در ارتباط با افراد با هویت‌های دروغین، بنیان‌های متزلزل روابط و دوستی‌های مجازی، سوءاستفاده‌های مختلف عاطفی و اقتصادی از افراد در فضای مجازی و مانند آن‌ها، برخی از عوامل مؤثر در افسرده شدن کاربران فضای مجازی به شمار می‌روند.

البته باید توجه داشت، برخی از افرادی که از ظرفیت زیستی شکننده‌ای برخوردارند، در فضای مجازی در مواجهه با یک یا چند مشکل به سمت افسردگی سوق پیدا می‌کنند، اما بررسی‌های میدانی دلالت بر آن دارند که الزاماً همه کاربران که در مواجهه با فضای مجازی (و خاصه شبکه تصویر محور اینستاگرام) دچار افسردگی می‌گردند، از زمینه‌های اولیه ژنتیکی یا محیطی (نظیر آسیب‌های تربیتی)، برخوردار نبوده‌اند.

امیرعلی ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش از افسردگی ناشی از کمبود امکانات خویش یاد کرده است:

«- بیش تر راجع به مد و انتخاب لباس هات از توی اینستاگرام بگو.

خب من اون قدر پیج لباس دیدم که اکسپلورم پره از پیج های فروش آنلاین، اما متأسفانه پول خریدش رو ندارم، دیگه اگه قرار بود هر چی می خوام رو بخرم که پول نداشتم باهاش یه دونه خودکار برای درس و مدرسه ام بخرم. ولی واقعاً خیلی دلم می خواد همه شون رو بخرم، واسه این که نمی تونم همه اش رو یا حداقل همه اونایی که خیلی دوس شون دارم رو بخرم، واقعاً افسرده می شم. در صورتی که دوستم مثلاً خیلی راحت هر سری از یه پیج یه چیز جدید می خره، چون باباش ماهی چند میلیون بهش پول توی جیبی می ده و اونم خرج می کنه. ولی من خیلی می رم توی این پیجا می گردم، با این که می دونم پول خریدش رو ندارم و همون طور که گفتم ناراحت می شم. مثلاً توی حالت عادی بی پول باشی، حال و حوصله هم نداری بری فروشگاه های شیک و گرون بچرخ یا شاید اصن رومم نمی شد این کار رو بکنم با حساب خالی، مثلاً برم کلی لباس قیمت کنم. اما الان ناخود آگاه و ناخواسته بگم درست تره، کلی پست می بینم و بعد می رم توی پیج شون می چرخم و از کلی شون خوشم میاد و نمی تونم بخرم و افسرده می شم. چون شاید خیلی بیش تر از یه فروشگاه عادی می تونی توی فروشگاه های مجازی بچرخ، بعد طرف نمی دونه تو اصن پول داری یا نداری».

بروز ترس ها و اضطراب های نوپدید

با تحقق فضای مجازی در جوامع بشری، این جوامع با فرصت ها و تهدیدهای جدیدی مواجه شده اند که البته بسته به میزان سرمایه گذاری آن ها در بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فضای مجازی، جوامع مختلف می توانند بیش تر از تهدیدها، از فرصت های فضای مجازی بهره مند شوند.

در ایران به دلیل دید غیر علمی غالب مسوولان فرهنگی، مسأله بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فناوری ها به فراموشی سپرده شده و بیش تر تلاش مسوولان مبتنی بر فیلترینگ شبکه های اجتماعی و سایت های مختلف موجود در فضای وب هست که با پیشرفت فناوری ها، این اندیشه محکوم به فنا است.

بی توجهی به بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فناوری های ارتباطی جدید، در کنار دامن زدن به مشکلات روانی نوپدید، موجب شکل گیری برخی از ترس ها و اضطراب های نوپدید نیز شده است. برخی از افراد مصاحبه شده، در بیانات خودشان به ترس ها و اضطراب های جدیدی به شرح زیر اشاره داشتند:

ترس از آزارگرهای سایبری، ترس از هک شدن، ترس از دست دادن فالورها، ترس از دریافت اظهارنظرهای (کامنت‌های) منفی، ترس از کاربری از منابع نامعتبر (فیک)، ترس از کلاه‌برداری‌های اینترنتی، ترس در خریدهای اینترنتی، تنیدگی ناشی از چالش‌های پیشنهادی، ترس از مواجهه با انبوه اطلاعات، اضطراب ناتوانی در ارضای نیازها (ی کاذب)، اضطراب فرسودگی وسایل الکترونیکی. ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود از ترس از دست دادن صفحه اینستاگرامی خودش یاد کرده است. یوسف ۲۱ ساله هم در مواجهه با حجم عظیمی از اطلاعاتی که به وی می‌رسد، اظهار نگرانی کرده است:

«- قبل تر اشاره کردی که تعدادی از دوستان ارتقای صفحه‌ای که دارند، براشون مهم هست، تا به حال دیدی که از این که صفحه‌شون رو از دست بدن ترس داشته باشن؟ آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً یه وقت پیج‌شون نپره و فالوراشون بره، عکسایی که مثلاً توی اون جا بوده بره، مثلاً یه بار یکی از دوستانم یه یکی، دو روز نمی‌تونست بره توی پیجش، همه‌اش به من پی‌ام می‌داد، می‌گفت خیلی حالم بده و گریه می‌کرد، دیگه بعد از دو روز این امنیتی‌ها تونستن پیجش رو براش برگردونن».

«- کاربری از اینستا روی جنبه‌های زیستی شما تأثیری داشته؟

من هر روز صبح اینستاگرام رو چک می‌کنم و این تبدیل به عادت رفتاری شده برام و این قدر داده یهو وارد مغزم می‌شه که اضطرابم رو خیلی بالا می‌بره و کلاً به نظرم اعتیاد آسب زیسته».

ترس از عقب ماندن

با ورود افراد در فضای مجازی، برخلاف گذشته که آدمیان با اطلاعات محدودی سروکار داشتند، به ناگاه کاربران خود را با حجم عظیمی از اطلاعات مواجه می‌بینند که این اطلاعات (که ممکن است با اغراق نیز آمیخته شده باشند)، شرایط روانی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای آنان فراهم آورده و رقم می‌زند.

احساس عقب‌ماندگی که از پیامدهای گسترش یافتن بی‌حد و اندازه امکان مقایسه خود با دیگران در فضای مجازی است، در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به سادگی محقق می‌شود.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش از ترس از عقب ماندن خویش در اطلاع از رخداد‌های اطراف و اکناف به قرار زیر یاد کرده است:

«دوست داری ساعت استفاده‌ات از اینستاگرام رو کم کنی یا خودت هم با این روند موافق هستی؟ واقعاً دوست دارم، ولی نمی‌شه، هر روز می‌گم امروز دیگه الکی وقتم رو تلف نمی‌کنم، به درسام می‌رسم، ولی نمی‌شه.

- به نظرت علت نشدنش چی می‌تونه باشه؟

نمی‌دونم، شاید نمی‌خوام از اتفاقی که می‌افته، عقب بمونم.

- مثلاً چه اتفاقاتی؟

کلی گفتم، هر خبر و هر چیزی که ترند بشه توی اینستا، سریع میاد.»

اعتیاد

در گذشته اعتیاد تنها به وابستگی دارویی، مانند وابستگی به الکل و داروهای روان‌گردان، اطلاق می‌شد، اما بررسی‌های بعدی نشان داد که برخی از رفتارها، به دلیل تکرار شونده‌گی و سواس گونه‌ای که می‌یابند، از الگوی مشابه وابستگی دارویی، تبعیت می‌کنند. از این رو، به تدریج اعتیاد رفتاری به معنای اعتیاد به رفتارهایی مانند: قمار، خرید کردن، تماشای تلویزیون، ورزش کردن، کار کردن و برخی از موارد مشابه، به شکلی هم عرض اعتیاد به مواد، مطرح گردید.

بررسی‌های انجام شده، دلالت بر آن دارد که زیربنای فیزیولوژیک یک‌سانی، بین اعتیادهای دارویی و اعتیادهای رفتاری وجود دارد. به این معنا که در اعتیاد به مواد، با مصرف ماده الکلی یا روان‌گردان، میزان ترشحات دوپامین^۳ و نوراپی‌نفرین^۴ در مغز فزونی می‌گیرد. افزایش ترشح هورمون‌های پیش-گفته، به احساس لذت در موجود می‌انجامد. به شکل مشابهی تکرار رفتارهایی همچون قماربازی، ورزش، اعمال جنسی، خرید، غرق شدن در فناوری‌ها، اسباب ترشح دوپامین و نوراپی‌نفرین را در مغز فراهم می‌آورد. بنابراین لذت‌طلبی انسان‌ها، سبب می‌شود، آن‌ها بیش از پیش، به سوی رفتارهای اخیر رو بیاورند. نکته مهمی که یادآوری آن ضرورت دارد، آن است که اگر چه در آغاز، انتخاب فرد در زمینه انجام رفتاری مانند سروکار داشتن با فناوری‌های ارتباطی جدید، کاملاً ملحوظ است،

۱- در ادبیات روان‌شناسی و روان‌پزشکی اصطلاح اعتیاد مورد استفاده نیست و به جای آن از اصطلاحاتی مانند سوء مصرف، سوء استفاده، وابستگی، مشکل تکانه و سواس برای توضیح انواع اعتیادها، استفاده می‌شود. در متن حاضر، به دلیل تعهد به متن‌های ترجمه شده، واژه Addiction، اعتیاد ترجمه شده است.

2- Behavior-oriented addiction

3- Dopamine

4- Norepinephrine

اما به دلیل تشریح‌های هورمونی اخیر، احساس مطلوبی در مغز پدید می‌آید که فرد آن را به عنوان یک احساس خوب و لذت بخش تجربه می‌کند، بنابراین لذت حاصل، وی را وامی‌دارد که به تکرار آن رفتار، دست بزند و بدین ترتیب رفته رفته، فرد به جای دست زدن به انتخاب‌های آزادانه پیشین خود، به چرخه استفاده از الگوهای تکانشی وارد شده، از عکس‌العمل‌های ارادی خویش دور می‌گردد. به این ترتیب می‌توان بیان داشت، مغز فرد معتاد، وی را مجبور می‌سازد تا به تکرار رفتار مورد نظر دست بزند (منطقی، ۱۳۸۶).

امیرحسین ۱۸ ساله در مصاحبه خودش از وابستگی‌ای که به اینستا یافته است، به شرح زیر یاد کرده است:

«... این موارد باعث نشده که استفاده کردن از اینستاگرام رو کم‌تر کنی؟»

چرا، تصمیم گرفتم کم کنم، یه دو، سه روزی هم عمل کردم بهش، ولی به صورت ناخودآگاه بعد از چند روز دوباره به خودم اومدم، دیدم که همون تایم قبلی رو دارم واسش می‌ذارم. دیگه یه چیزی شده که واقعاً نیاز بدنه و یه چیز طبیعی شده، مثل غذا و آب آدم بهش احتیاج داره، من خودم به شخصه نمی‌تونم تایمش رو کم‌تر کنم».

خودشیفتگی

خودشیفتگی، خوددوستی افراطی یا نارسیسیسم، در معنای عام عشق‌ورزی به خویش تعریف شده است. عشق‌ورزی اخیر شامل تمایل غیرعادی فرد به تحسین و پرداختن به دیدن خویش است. در عرف روان‌تحلیل‌گری، خوددوستی افراطی، عشق جنسی فرد به خودش شمرده شده است. خودشیفتگی می‌تواند در مراحل پیشرفته‌تر خود به از خودبیگانگی فرد بینجامد. ترانه ۱۵ ساله و کوثر ۲۴ ساله در مصاحبه‌های خود از مصادیقی از خودشیفتگی برخی از دوستان‌شان به شرح زیر یاد کرده اند:

«از بین دوستانت کسی هست که مدام از لحظه‌های زندگی‌ش عکس و استوری بگذاره؟ آره».

- بیش‌تر توضیح می‌دی عزیزم؟

مثلاً از صبحونه‌اش عکس می‌ذاره، بعد مثلاً می‌زنه صبح‌تون بخیر، بعد مثلاً ناهار می‌خواد بخوره استوری می‌ذاره، می‌ره یه جا لوکیشن رو (موقعیت) می‌زنه، مثلاً یه پارکی رفته یه رستورانی جایی ازش فیلم یا عکس می‌گیره و لوکیشن می‌زنه، بعد مثلاً یه بچه‌ای توی فامیلش به دنیا میاد استوری می‌گیره، وای بچه‌ی فلانی به دنیا اومد، یه همچین چیزایی دیگه».

«- آیا تا به حال پیش آمده که تحت تأثیر پستی در اینستاگرام، رفتارهای عجیب یا چالشی انجام بدی؟

چالش‌های مختلف رو زیاد انجام دادم. مثلاً زمانی که چالش مانکن ترند بود، توی دانشگاه زیاد انجامش می‌دادیم، به این شکل بود که یهو همه بی حرکت می‌ایستادیم و از این جور کارها. گاهی هم بازی‌هایی که انجام می‌شه یا آزمایشات جالب رو با بچه‌ها دور هم جمع می‌شیم، انجام می‌دیم، اما همه‌اش تحت تأثیر اینستا نیست، بیش‌تر چون سرگرم کننده هست، انجام می‌دیم. البته یک نوع خاص رفتار هست که رواجش مربوط به اینستاگرامه، توی اطرافیانم زیاد می‌بینم که آدم‌ها فقط دنبال عکس گرفتن و سلفی و استوری گذاشتن هستن و اصلاً از لحظه لذت نمی‌برن».

نسل تجربه‌گرا

برخی از نوجوانان و جوانان با مشاهده فروریزی آرمان‌های انقلاب و مشاهده آینده‌ای که افق‌های روشنی برای آن نمی‌یابند، نسبت به شعارهای اولیه انقلاب تردید یافته، از آن چه مسوولان و نسل بزرگ‌سال بیان می‌داشتند، روی گردانده و فاصله گرفته‌اند و به جای تداوم روحیه تبعیدی پیشین خود به دین و دیانت و خط‌مشی‌های القایی سردمداران جامعه، روحیه‌ای تجربه‌گرا را پیشه خود کرده‌اند تا با تجربه هر آن چه فراروی خویش می‌بینند، شخصاً دست به ترسیم و تدقیق خط‌مشی‌های ارزشی خویش بزنند که بالطبع این رویکرد برخلاف رویکرد دینی که با ارایه یک چارچوب ارزشی معین آرامش ذهنی افراد را تأمین می‌کند، اختلاف داشته، فرد را با فراز و نشیب‌های عدیده‌ای مواجه می‌سازد.

زینب ۲۰ ساله در قسمتی از مصاحبه خودش با یادآوری تجربه مصرف سیگار و علاقه به مصرف الکل نمونه‌ای از این موارد را به معرض دید نهاده است:

«- دوستان هم تحت تأثیر اینستاگرام سیگار رو امتحان کردن؟

دوستامم اکثراً می‌کشن یا حداقل یه بار امتحانش کردن، ولی از حرفاشون حس می‌کنم، به خاطر فیلم‌های تینیجری‌ای بود که بیش‌تر می‌دیدن، اینستا فکر نکنم تأثیر خاصی گذاشته باشه.

- فیلم تینیجری یعنی چی؟

مثلاً همین فیلم‌هایی که درباره‌ی چندتا بچه دبیرستانی و دختر و پسر اکیپ می‌شن، رابطه برقرار می‌کنن، سیگار می‌کشن، درینک می‌زنن و پارتی می‌گیرن، چون ایرانیا همچین چیزایی رو ندارن و براشون خیلی خاص و بزرگ جلوه می‌کنه، فیلماشون رو زیاد می‌بینن.

- به نظرت اینستاگرام هم تونسته روی مصرف مشروبات الکلی تأثیر بگذاره؟

حتماً، اونم مثل سیگار این قدر عکس و فیلم ازش توی اینستا پست و استوری می‌کنن که اونمی که تا حالا نخورده، این حس بهش منتقل می‌شه که یه چیزی کم داره، البته مشروبم یه کم اینستا تأثیر داشته، یه کم همین فیلم‌های تینیجری.

- خودت هم الکل رو امتحان کردی؟

هنوز نه، ولی خیلی دوست دارم امتحان کنم بینم مزه‌اش چه جوریه، شنیدم تلخ و خنک باید باشه». زهرای ۲۰ ساله هم در اظهاراتش، با طرح تجربه هم‌جنس‌گرایی خویش، از مصداق دیگری از تجربه-گرایی نسل خود به شرح زیر یاد کرده است:

«- چه طوری متوجه گرایش خودت شدی؟

من همون اول‌ها که اینستا رو نصب کردم، با یه پسری دوست شدم و بعد به دلایل خاصی دیگه با هم کات کردیم، بماند که چه قدر اذیت شدم سر این و چه مسایلی برام پیش اومد، اما بعدش دیگه رابطه‌ی ما با هم دیگه به صورت صمیمی شد، یعنی رابطه عاشقانه نبود، اما این جور می‌شد که هیچ رابطه نباشه، به صورت دوتا دوست با هم دیگه چت می‌کردیم، از اون طرف من تازه با یه دختری توی اینستا آشنا شده بودم و به من پیشنهاد داد که با هم دیگه وارد رابطه جدی بشیم، من اصلاً باورم نمی‌شد که یک روز چنین اتفاق عجیبی برای من بیفته و اصلاً نمی‌دونستم که گرایشم چیه یا شاید من هم چنین گرایشی داشته باشم و برای همین کاملاً دچار پنیک شدم و رفتم با همین پسر صحت کردم و مشورت کردم، چون اون موقع کسی رو نمی‌شناختم که در این باره نظر بدی نداشته باشه و گفتم که باید چه کار کنم، چه کار نکنم، نظر تو چیه، اون بهم گفت اگه می‌بینی ازش خوشت میاد، با اون وارد رابطه شو، اتفاق خاصی نمی‌افته، نهایتش می‌فهمی که درست نبوده، از رابطه خارج می‌شی و همین برات تجربه می‌شه، منم گفتم باشه و رفتم جواب مثبت دادم و الآن یک سال و ۲ ماه از اون روز می‌گذره و ما هنوز با هم در رابطه‌ایم و در همین جریان بود که من متوجه شدم که این گرایشات در من هم بوده».

تحول‌های هویتی



تحول هویتی نوجوانان و جوانان، مقوله قابل توجهی است که در روند تحولات اجتماعی آنان باید مورد توجه قرار بگیرد.

مقوله هویت، موضوع مهمی در روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به شمار می‌رود.

هویت در معنای فردی خودش به معنای این است که من چه کسی هستم و دارای چه ابعاد و وجوهی هستم. هویت در معنای جمعی خودش هم به این معنا است که ما چه کسانی هستیم و دارای چه ویژگی‌ها و فراز و فرودهای وجودی هستیم.



بحث هویت در روان‌شناسی معاصر با مباحث اریک اریکسون^۱ در نظریه تحولی‌اش مطرح شد و افرادی مانند ماریسا^۲ و برزونسکی^۳ مبحث اخیر را گسترش داده، به شکل نسبی بر عمق آن افزودند.

1- Erickson, E.

2- Marcia, J.

3- Berzonsky, M. D.

اریک اریکسون در نظریه خودش از حدود ۱۲ سالگی تا ۱۸ سالگی را دوران شکل‌گیری هویت فردی افراد برشمرده است و بر این باور است که فردی که در جست‌وجوی ابعاد وجودی خویش و ارزش‌هایی که باید از آن‌ها تبعیت کند، درآمده است، در مقطع سنی اخیر یا به سوال‌های مختلفی که به لحاظ هستی‌شناسی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و عقیدتی برای وی پدید آمده است، می‌تواند پاسخ مناسبی بدهد یا خیر. در صورتی که جوان برای سوال‌های مختلف خویش پاسخ لازم را بیابد، هویت وی به سوی تعین و تشخیص پیش می‌رود، اما اگر او نتواند برای سوال‌های مختلف خویش پاسخ مناسب و مطلوب را پیدا کند، آنگاه وی دچار پراکندگی هویت می‌گردد.

اریکسون در نظریه شخصیتی خود با طرح دو مؤلفه اکتشاف و تعهد، از هویت یاد کرده بود. به این معنا که از نظر اریکسون نوجوان در جست‌وجوی سوال‌های ذهنی خویش یا به اکتشاف لازم در مورد آن‌ها می‌رسد و یا نمی‌رسد. به همین ترتیب مؤلفه تعهد از منظر اریکسون به این معنا است که فرد پس از اکتشاف یا عدم اکتشاف خویش، به استلزام‌های اکتشاف خود مقید هست یا خیر.

مارسیا، با تلاقی دادن مؤلفه اکتشاف و تعهد، در عمل به توصیف و معرفی چهار هویت «محقق»، «در راه تحقق»، «زود بسته شده» و «مغشوش» رسید. از منظر مارسیا نوجوانانی که در روند پاسخ به سوال‌های خویش، به پاسخ‌های مورد نظر خویش دست یابند یا به اکتشاف خویش مقید خواهند بود و یا خیر، کسانی که نسبت به یافته‌های خویش مقید و ملزم باشند (مانند پذیرش جهان‌بینی الهی تقید عملی به آن در روند زندگی)، از «هویت محقق» و کسانی که پس از دریافت سوال‌های درونی خویش به دریافت‌های خویش مقید نباشند (مانند پذیرش نوع‌دوستی به عنوان اصل اساسی زندگی و عدم تحقق عملی آن در جریان زندگی)، از «هویت در راه تحقق» (که ممکن است بعدها به هویت محقق بدل شود)، برخوردار خواهند شد.

افرادی که نه اکتشاف لازم را داشته باشند و نه در خود به چیزی و کسی تقید و الزامی را احساس کنند، از «هویت مغشوش» برخوردار خواهند شد. اما در این میان برخی از افراد هستند که پاسخ به سوال‌های خویش را در جریان جست‌وجوی فعال خود به دست نیاورده‌اند و پاسخ‌های مزبور از سوی اولیا، سردمداران سیاسی و فرهنگی و حتی رسانه به آنان دیکته و القا می‌گردد، این دست از افراد دارای «هویت زود بسته شده» خواهند شد. به این معنا که آنان بدون آن که خود به پاسخ سوال‌های اساسی خویش رسیده باشند، به آنچه برای آنان تعریف شده است، مقید شده، به انجام آن مبادرت می‌ورزند (نظیر اولیایی که از بدو کودکی فرزندشان، به او خانم دکتر گفته‌اند و وی بدون اکتشاف لازم، با سرسپردن به آنچه اولیا از وی خواسته‌اند، در نهایت یک پزشک شده است).

بالبطبع کسانی که در روند هویت‌یابی خویش با تأمل و تدبر، در جست‌وجوی پاسخ به سوال‌های خویش بوده‌اند، از رویکردی باز و پذیرا نسبت به مسایل مختلف و چالش برانگیز (و حتی مخالف‌اندیشه خودشان) برخوردار خواهند شد و همواره در روند زندگی‌شان، پس از مواجه شدن با یک چالش، ضمن بررسی ابعاد و وجوه مختلف آن، با تأمل و تأنی دست به ارزیابی آن زده، در صورت صحیح یافتن آن، نسبت به پذیرش مسأله مورد نظر اقدام می‌کنند، هر چند این نتیجه با پیش فرض‌های اولیه ذهنی آنان مغایر باشد.

افراد زود بسته شده به دلیل آن که در روند زندگی‌شان، تجربه برخورد فعال با مسایل چالش برانگیز را نداشته‌اند و فاقد تجربه سبک و سنگین کردن مسایل مختلف هستند، از مواجهه با هر مسأله جدیدی که در تنافر با پیش فرض‌های اولیه خودشان باشد، به شدت گریزان هستند، زیرا ظرفیت پذیرش هیچ نوع اصلاحی را در خود نمی‌یابند و بنابراین با حالتی دفاعی و با تمسک به برچسب زدن به اندیشه‌های مخالف، در صدد برمی‌آیند تا خود را از مواجهه با اندیشه‌های مغایر با افکار خودشان برهانند و بالطبع روند نادرست اخیر، در سراسر عمر بر زندگی آنان سایه افکنده، رفتار جزم‌اندیشانه آنان را در پی خواهد داشت.

برزونسکی با نقد مارسیا مینی بر این که وی با ارایه یک برش، تنها به طرح چهار نوع هویت محقق، در راه تحقق، زود بسته شده و مغشوش پرداخته است، کوشید تا به صورت فرایندی به مسأله هویت توجه کند و با پژوهش‌های خویش در این ارتباط، در عمل نشان دهد، چه فرایند تربیتی، به چه هویتی منجر می‌شود.

برزونسکی در گزارش پژوهشی خویش با طرح سه هویت «اطلاعاتی»، «هنجاری» و «سردرگم-اجتنابی»، خاطر نشان ساخت، افرادی که در روند تربیت خویش، با اطلاعات مختلف مواجه شده، اما می‌آموزند که این اطلاعات را سنگین سبک کرده، پس از بررسی لازم است به انتخاب خویش بزنند، به تدریج باز بودن در برابر تجربیات مختلف و تأمل و تأنی در برخورد با اطلاعات معارض را فراگرفته، با همین رویه با سایر یافته‌های فرارویشان برخورد می‌کنند که این هویت شایسته نام‌گذاری هویت اطلاعاتی است!

اما کسانی که تنها در معرض القای اطلاعاتی یک‌سویه قرار گرفته‌اند و حق انتخاب چندانی در این میان برای آنان وجود نداشته است، از هویت هنجاری برخوردار می‌شوند. افراد اخیر در مواجهه با

افکار مغایر با اندیشه خودشان، بدون تأمل و تأنی لازم و با روحیه‌ای تدافعی و جزم‌گرا، دست به نفی اندیشه‌های مخالف خود می‌زنند، هر چند که ممکن است اندیشه‌های اخیر، صحیح و صواب باشند. از نظر برزونسکی این افراد بیش‌تر دارای یک تعریف از خود جمعی هستند و در برخورد با ناهماهنگی‌های شناختی فرارویشان، تحمل اندکی از خود نشان می‌دهند و برای حل ناهماهنگی‌های مزبور، غالباً از سازوکارهای دفاعی سود می‌برند و دست به نفی اطلاعاتی می‌زنند که ارزش‌ها و باورهای آنان را با چالش مواجه می‌سازند!

سبک هویت سردرگم - اجتنابی برزونسکی نیز معادل و مترادف سبک هویتی مغشوش مارسیا است که در آن فرد بدون هر گونه تقید به چیزی و کسی، تنها و تنها به دنبال منافع شخصی و لذات خویش است.

در کنار اطلاعات نظری موجود در باب هویت، می‌توان از تحولات صورت گرفته طی دهه‌های اخیر به عنوان تحولاتی اثرگذار در مقوله هویت فردی (و جمعی) یاد کرد. تحولات دهه‌های اخیر را می‌توان در دو سطح تحول‌های جهانی و تحول‌های فرهنگی - اجتماعی داخل کشور مورد بررسی قرار داد.



منطقی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تحولات هویتی جوانان بعد از انقلاب اسلامی»^۱ می‌نویسد: «جوانان ایرانی با وقوع انقلاب اسلامی، از سویی تحت تأثیر رهبری کاریزماتیک امام و فضای پرشور انقلاب که با نفی ارزش‌های جامعه پیشین، از جامعه‌ای با ارزش‌های متفاوت سخن می‌گفت، و از سوی دیگر تحت تأثیر آرمان‌گرایی ذاتی خود و گشوده شدن عرصه‌های جدید برای تحقق عینی

۱- از نظر برزونسکی، سبک هویت هنجاری وی معادل هویت زود بسته شده مارسیا است.

۲- مقاله ارایه شده در همایش نکوداشت دکتر علی شریعتمداری. دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۴.

نوع دوستی و خیرخواهی درونی خویش در عرصه‌های دانشگاه (انقلاب فرهنگی)، جهادسازی و جنگ، تحقق هویت مورد علاقه خویش را با آنچه رهبران انقلاب از آن یاد می‌کردند، یکی می‌دیدند، و از این رو، از هویتی که رهبران انقلاب برای وی تعریف می‌کردند، استقبال به عمل آوردند. هویتی که در لسان جیمز مارسیا (نظریه پرداز هویت)، از آن با عنوان «هویت زود بسته شده» یاد می‌شود.

پس از گذشت قریب یک دهه از پیروزی انقلاب، جوانان با مشاهده مخالفت‌هایی که برخی از روحانیون و سیاست‌مداران با رهبری کاریزماتیک امام داشتند، مشاهده اختلاف‌های عمیق و زیاد روحانیون حوزه‌های علمیه با یکدیگر و تعطیل شدن نهاد جهادسازی (با ادغام آن در وزارت کشاورزی)، خاتمه جنگ و بسته شدن عرصه حضور جوانان در پست‌های کلیدی نظام، در عمل وارد دومین عرصه تحول هویتی خویش شدند که از آن می‌توان با عنوان «هویت سردرگم» یاد کرد.

جوانان در این برهه زمانی از سویی در جامعه خویش شاهد تحدید جریان‌های چپ در جامعه، جمع شدن فله‌ای روزنامه‌ها، تبدیل دانشگاه‌ها به محیطی خاموش و توقف تحقق کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها (که از سوی رهبری در سال ۱۳۸۲ مطرح شد) بودند و از سوی دیگر با گسترش فضای مجازی و تحقق جریان آزاد اطلاعاتی، خود را با سناریوهای رقیب مواجه می‌دیدند.

هویت سردرگمی که ماحصل تعارض‌های داخلی و خارجی جامعه ایران بود، جوانان را بر آن داشت که به تدریج به قرائتی متفاوت از نسل پیشین خویش در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی برسند. منطقی در پژوهش از «هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض» گزارش می‌دهد، وی با ارایه بیانات رهبران انقلاب به جوانان از آن‌ها خواسته است تا میزان پذیرش نظری و عملی خود با این موارد را مشخص سازند که آنان ارقامی در حد ۶ و ۷ (در مقیاس ۲۰) را به عنوان پذیرش عملی خویش نسبت به بیانات مزبور نشان می‌دادند.

در همین دوره منطقی (۱۳۸۴) در کتاب «رفتارشناسی جوان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب» که در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی منتشر شد، خاطر نشان ساخته بود، با ادامه تحولات فرهنگی- اجتماعی- سیاسی- عقیدتی با وضع موجود، جوانان به نوعی در تقابل با مسوولان قرار خواهند گرفت. سومین تحولی که در جریان تحولات هویتی جوانان ایرانی پس از انقلاب مشاهده می‌شود، شکل-گیری «هویت پنهان» در آنان است.

جوانان در این مرحله از سویی خود را با تضعیف روابط خانوادگی، ضعف مفرد نهادهای فرهنگی جامعه، نهادهای فرهنگی آموزش و پرورش و نهادهای فرهنگی دانشگاه‌های کشور مواجه می‌دیدند و از سوی دیگر جذابیت‌های عرصه فضای مجازی (که در آن برخلاف روابط عمودی بزرگ‌سالان با جوانان در جامعه، روابطی افقی است و مضاف بر آن بزرگ‌سالان در کاربری از آن در سطح نازل‌تری از جوانان قرار می‌گیرند)، روبرو می‌بینند.

علاوه بر آنچه از آن یاد شد، از منظر جوانان هزینه اقدام‌های سیاسی (نظیر سخنرانی دکتر آقاجری که به همین دلیل از سوی برخی از روحانیون برای وی تقاضای اعدام شد) در جامعه بسیار سنگین می‌نماید، از این رو جوانان با بسته دیدن نسبی عرصه سیاسی جامعه به روی خود، در صدد برمی‌آیند تا نظرات سیاسی خویش را در شکل فرهنگی که بسیار کم هزینه‌تر است، بیان کنند.

منطقی (منتشر نشده) در کتاب «از هویت ایدئولوژیک تا هویت متعارض» که در سال ۱۳۸۳ به تهیه آن مبادرت ورزید، از شکل‌گیری پدیده مقاومت فرهنگی در جامعه یاد کرده، تغییر بیان سیاسی جوانان به بیان فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

منطقی و دین پرور (۱۳۹۱) در مقاله «شکل‌گیری هویت پنهان در کاربران فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، گزارش می‌کنند که جوانان با استفاده از امکانات فضای مجازی، در عمل از هویت دومی استقبال کرده‌اند و هویت آنان در جهان واقع و فضای مجازی غالباً متفاوت از هم است. منطقی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تحولی چگونگی کاربری کودکان دبستانی از تلفن همراه» از کاهش سریع سن پیشه کردن هویت پنهان در سطح کاربران فضای مجازی که به سطح دانش‌آموزان دختر و پسر ایرانی دبستانی رسیده است، خبر می‌دهند.

منطقی (۱۳۹۳ الف) در کتاب «بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تلفن همراه در سطح نوجوانان و جوانان ایرانی»، خاطرنشان می‌سازد، هم‌زمان با تضعیف اثرگذاری خانواده و نهادهای آموزشی در جریان جامعه‌پذیری جوانان، آنان با اثرپذیری از فضای مجازی، هویت‌های جدیدی مانند «هویت شبکه‌ای»، «هویت اشتراکی» و «هویت کاذب» را از خود به معرض دید نهاده‌اند.

از چهارمین مرحله تحولی در تحولات هویتی جوانان می‌توان با عنوان تحقق هویت «دو پاره»، «دو زیست» یا «دو وجهی» یاد کرد. به این معنا که جوانان با ملاحظه فروکش کردن جو انقلابی جامعه، افزایش نرخ بی‌کاری افراد (خاصه جوانان دانشگاهی)، افزایش فشارهای اقتصادی به خودشان و پاسخ نیافتن هیجان‌جویی آنان در جامعه، در عمل هویتی دو پاره و دو زیست را از خود به معرض دید می‌گذارند، به این معنا که آنان ضمن رفتار به صورت معمول در جامعه، در فضای مجازی به نوعی

با به نمایش نهادن عصیان‌گری خویش، خود متفاوتی را از خویش به معرض دید می‌گذارند (و مثلاً همان دختر دانشجوی محجبه، در فضای فیس‌بوک یا دیگر شبکه‌های اجتماعی به صورت بی‌حجاب ظاهر می‌گردد).

منطقی (۱۳۹۳ ب) در مقاله «بررسی نگرش دانشجویان به کاربری از فناوری‌های ارتباطی فیس‌بوک، شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه و ماهواره» به گزارش استنفکاف و مقابله دانشجویان با مواضع یک طرفه مسوولان فرهنگی در قبال فیلتر کردن فناوری‌های ارتباطی پیشرفته پرداخته است.

جوانان در هویت دو پاره، دو زیست یا دو وجهی از سویی بر لذت‌گرایی خویش صحه نهاده و از سوی دیگر رعایت اخلاق اجتماعی را سرلوحه امور خود قرار می‌دهند که این هویت دو وجهی با هویت ایدئولوژیک مطلوب طبع رهبران انقلاب که از جوانان انتظار عملکردی یک‌دست و کاملاً اخلاقی و انقلابی را دارند، متفاوت است.

از آخرین مرحله تحولی از تحولات هویتی جوانان می‌توان با عنوان «هویت معارض فرهنگی» یاد کرد.

بررسی شواهد گردآمده از سطح نوجوانان و جوانان حکایت از آن دارد که هویت دو پاره یا دو زیست، در اواخر دهه چهارم انقلاب، در حال تبدیل به هویت دیگری است که می‌توان از آن با عنوان «هویت معارض فرهنگی» یاد کرد. نوجوانان و جوانانی که به سمت هویت اخیر سوق یافته‌اند، در عمل سبک زندگی پیشنهادی مسوولان فرهنگی جامعه را به چالش می‌گیرند. به این معنا که نوجوانان و جوانان با ملاحظه مواردی مانند: نگاه منفی اولیای امور فرهنگی جامعه به فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، رو به کاستی نهادن اخلاق اجتماعی، اعتماد اجتماعی و کلاً سرمایه اجتماعی، فزونی گرفتن اختلاس‌ها و رانت‌خواری‌ها و موارد دیگری از این دست، به تدریج هویت دوپاره خویش را به کنار نهاده، به سمت هویت وحدت یافته‌ای سوق یافته و می‌یابند که وجه تعارض‌آمیز فرهنگی آن در قیاس با وجه سیاسی آن (که در جامعه متضمن هزینه‌های بسیار سنگینی است)، از شکل بارزتری برخوردار هست، زیرا فاقد هزینه‌های سنگین موضع‌گیری‌های سیاسی است.

بنابراین با توجه به مباحث نظری اریکسون، مارسیا و برزونسکی از سویی و با عنایت به تحولات داخلی و جهانی معاصر که به سهم خود در تحولات هویتی نوجوانان و جوانان مؤثر واقع آمده‌اند، از سوی دیگر، می‌توان از شکل‌گیری هویت‌های جدیدی با عناوین هویت شبکه‌ای، هویت کاذب،

هویت زودبسته شده، هویت سردرگم، هویت پنهان، هویت دو پاره شده و هویت فرهنگی معارض، یاد کرد.

کوثر ۲۴ ساله، در مصاحبه خویش نمونه‌ای از هویت کاذب را به دست می‌دهد:

«- نظرت درباره این هویت‌های کاذب و فیک که افراد برای خودشون توی اینستاگرام می‌سازند، چی هست؟»

به نظرم توی اینستا نسبت به پیام‌رسان‌های دیگه راحت‌تر می‌شه هویت فیک ساخت، به نظرم اکثراً برای سوءاستفاده افراد این کار رو می‌کنند، مثلاً می‌رن با پیج فیک بقیه رو فالو می‌کنند که از زندگی طرف سر دربیارن یا این نوجوونا با پیج فیک دوست دختر و دوست پسرانشون رو فالو می‌کنند که اون فرد رو امتحان کنند، گاهی هم پیج فیک می‌زنند که دور از اقوام و آشنایان هویت واقعی خودشون رو نشون بدن، من این جور آدم‌ها رو زیاد دیدم و به نظرم نمی‌شه گفت اثر منفی داشته باشه».

راد ۱۶ ساله، در بیاناتی که دارد، از مخفی کردن منویات ذهنی خویش توسط خود و دوستانش یاد کرده است که مصداق بارزی از هویت پنهان به شمار می‌رود:

«- می‌تونم برای من یک مثال بزنی؟»

مثلاً آهنگ یا کوزای خلسه، یه تیکه‌اش می‌گه می‌خوام موهای رؤیام رو ببافم، همه چی زیادی واقعی شده، الان این خدایش دوتا معنی داره، خوب وقتی آهنگ رو با متن گوش کنی متوجه می‌شی قشنگ.

- الان دوتا معنی این جمله چی هست؟

وارد جزئیات نشو (می‌خنده)، نمی‌شه گفت، در کل خواستم بهتر متوجه بشی که این مثال رو زدم.

- نمی‌خواهی واضح‌تر توضیح بدی؟

نه.

- چرا؟

هر چیزی رو نباید گفت، معنی خوبی نداره (می‌خنده)، نه حالا جدی اون تشبیه بود و دهه‌ی ما توی مخفی کاری استاده‌ها، چیزی رو نخوایم کسی بفهمه، نمی‌فهمه.

- چرا مخفی کاری؟

چون هر چیزی رو همیشه نمی‌شه گفت.

- دیگه چی رو مخفی می‌کنید؟

بعضی چیزا رو که نشه گفت (می‌خنده).

- معلومه وقتی چیزی رو نخواهی بگی اصلاً نمی‌گی.

آره، دقیقاً می‌گم که استادیم توی این چیزا».

زهرای ۲۰ ساله و راد ۱۶ ساله در مصاحبه‌هایی که دارند، مصادیق و شواهدی از هویت دوباره شده را به دست داده‌اند:

«- به نظرت میزان اضطرابت از زمانی که از اینستاگرام استفاده می‌کنی، نسبت به قبل تغییر داشته؟ نه خیلی زیاد و وحشتناک، اما به برهه‌هایی از زمان بود که این اتفاق برای من افتاد، استرس این رو داشتم که الآن نکنه اگه این عکس رو پست کنم یا برای فلانی بفرستم یا این رو استوری بقیه مسخره کنند، چون اون‌ها بهتر از این رو دارند. بعد مثلاً چون من خانواده‌ام اینستا نداشتند، از یه زمانی به بعد شروع کردم، خیلی آزادانه توی اینستا درباره‌ی عقاید حرف بزنم و گرایش رو توی اینستا به فالورایی که داشتم و البته خیلی زیاد نبودن گفتم، چون همه‌شون از قبل می‌دونستند، اما استرس و اضطراب رو داشتم که نکنه الآن به شکلی این چیزی که من گفتم، به دست خانواده‌ام برسه و مثلاً متوجه بشن، چون اگه چنین چیزی رو می‌فهمیدند، دیگه خیلی بد می‌شد، مامانم هنوز با نماز نخوندن من کنار نیومده، اگه بفهمه با یه دختر توی رابطه‌ام که واقعاً نمی‌دونم چی می‌شه».

«- پس پیج‌های دیگه‌ای هم داری؟

۲ تا دارم، با دوستم شریکی استفاده می‌کنیم.

- چه استفاده‌ای داره؟

واسه وقتی که می‌خوایم از کسی اطلاعاتی درآریم، با پیج فیک می‌ریم جلو.

- اطلاعاتشون به چه دردت می‌خورد؟

مثلاً درباره چیزی کنجکاوی می‌شدم، این کار رو می‌کردم، مثلاً دختر پسرای که تازه باهاشون آشنا می‌شدیم، با پیج فیک پیگیرشون می‌شدیم، ببینیم کیا رو فالو کرده، چه جور آدمیه، یا با همون پیج پیام می‌دادیم، فاز دوستی برمی‌داشتیم باهاش که شخصیتش بیش‌تر بیاد دست‌مون.

- چرا با پیج خودت فالوشون نمی‌کردی و سعی نمی‌کردی باهاشون آشنا بشی؟

نمی‌شد، مثلاً مهربان با یه دختره آشنا شده بود، خوشش می‌اومد ازش، نمی‌تونست با پیج خودش بره دختره رو زیر نظر بگیره، امتحانش کنه، با پیج فیک راحت می‌تونن امتحانشون کنن».

گسست نسلی

«- ستاره جون، تو توی گوشت، فقط بازی‌های دخترونه داری؟
آره.

- به مامانت هم نشون نشون می‌دی؟
نه!

- چرا؟

مامان دعوام می‌کنه!

- برای چی دعوات می‌کنه؟

آخه می‌گه عکسای زشت نگاه نکن. من می‌ترسم ببینه، دعوام بکنه.

- پس به مامان تبلت رو نشون نمی‌دی؟

یواشکی بازیامو قایم می‌کنم که نبینه. اونوخ نمی‌بینه.

- یعنی بازی‌هات رو توی یه پوشه قایم می‌کنی؟

آره، اونوخ دیگه بازیامو نمی‌بینه.

- همه بازی‌هات رو قایم کردی؟

نه، اون بازی که عکسش لخته رو قایم کردم.

- چه طوری قایم می‌کنی، به منم یاد می‌دی؟

آره، نگاه کن باید بری توی گزینه‌هاش، اینو انتخاب کنی، بری توش.

- ستاره جون، این‌ها رو از کی یاد گرفتی؟

از دوستانم.

- دوست‌هات هم بازی‌هاشون رو قایم می‌کنن؟

آره، همه‌مون بازی‌هامون رو از مامانمون قایم می‌کنیم» (ستاره، ۵ ساله).

مفهوم نسل، از جمله مفاهیم جدیدی است که در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی توجه زیادی را به خود معطوف کرده است.

افرادی که در یک مقطع زمانی به دنیا آمده‌اند، یک نسل نامیده می‌شوند. اهمیت مفهوم نسل به این دلیل است که افراد یک نسل، تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی خاصی قرار گرفته‌اند، به همین سبب شباهتی نسبی به یکدیگر می‌یابند و از نگرش‌های نسبتاً یک‌سانی

برخوردار می گردند، بنابراین با تغییر شرایط اخیر در نسل بعد، می توان انتظار برخی از تفاوت های نسلی را داشت.



کتاب «فرهنگ جامعه شناسی» در تعریف نسل می نویسد:

«مفهوم نسل، نقش مهمی در جامعه شناسی، به ویژه جامعه شناسی سیاسی که رفتار سیاسی را با نسل مرتبط می بیند، ایفا می کند. گاه ادعا شده است که نسل در توضیح اختلافات فردی و گروهی، در فرهنگ و منافع و رفتار، به همان اندازه اهمیت دارد که طبقه اجتماعی دارای اهمیت است» (آبرکرامبی، برایان، ترنر، ۱۹۸۴، ترجمه پویان، ۱۳۶۷).

اگر چه یک نسل غالباً معادل ۳۰ سال در نظر گرفته شده است، اما بسته به سرعت تحولات اجتماعی، مدت زمان مزبور از دید متون نظری موجود در ادبیات مناسبات نسلی، می تواند به ۱۵ یا ۱۰ سال نیز تقلیل پیدا کند.

بررسی های میدانی انجام شده در محیط ایران، حکایت از آن دارد که سرعت تحولات نسلی می تواند سریع تر از چیزی باشد که در متون نظری مطرح شده اند، به عنوان مثال، نگارنده وقتی حدود ۵ سال پیش از دانشجویان کارشناسی خود می خواست تا آنان با دانش آموزان دبستانی مصاحبه داشته باشند، برخی از دانشجویان ۱۸ ساله اخیر، پس از گفت و گو با دانش آموزان دبستانی ۱۳-۱۲ ساله، به صراحت به وی گزارش می دادند که قادر به فهم افرادی که فقط ۵ ساله فاصله سنی با آن ها دارند، نیستند.

قریب به ۳ سال پیش، برخی از دانشجویان نگارنده گزارش می دادند که وقتی مثلاً آن ها در اتوبوس با نوجوانان ۱۴ و ۱۶ ساله همراه بوده اند، در عمل مشاهده می کردند که نوجوانان ۱۴ ساله حرف هایی بر زبان می آورند که نوجوانان ۱۶ ساله با شنیدن مضامین مزبور، اظهار عدم فهم آنان را می کردند!

یک سال پیش هم نگارنده شاهد بود که وقتی کودکان ۸ ساله در محله‌ای، کودک ۶ ساله‌ای را زده بودند، در پاسخ به مادر وی که به حق خواهی از فرزندش برآمده بود، اظهار می‌داشتند که ما در محله مشغول دیدن عکس‌های «خفن» بودیم، اما بچه شما هم می‌خواست آن‌ها را ببیند که ما برای جلوگیری از دیدن این تصاویر، او را زدیم تا پیش ما نیاید، چون او هنوز بچه است!

با بررسی نظریات موجود در مناسبات نسلی، مشاهده می‌شود که دو سری نظریه در تبیین تفاوت نسل‌ها، ارایه شده‌اند.

نظریه نخست دلالت بر آن دارد که تفاوت نسل‌ها، روان‌شناختی است، به این معنا که اقتضای جوانی که با مواجهه جوان با توانمندی‌های جدید وی توأم است، با تحول‌گرایی و انقلابی‌گری مناسبت داشته و اقتضای سن پیری که با بیماری و فتور و سستی توأم است، با محافظه‌کاری مناسبت دارد. شاید از همین روست که یک ضرب‌المثل مشهور فرانسوی بیان می‌دارد، محافظه‌کار بودن یک جوان (که در سن انقلابی‌گری خودش است)، شگفت‌آفرین است و به همین ترتیب انقلابی‌گری یک پیر (که در سن محافظه‌کاری خویش به سر می‌برد)، جای شگفتی دارد.

نظریه دوم، تفاوت نسل‌ها را در ارتباط با تحولات اقتصادی-اجتماعی جامعه تبیین می‌کند. این نظریه بیان می‌دارد، اگر تحولات عظیمی در جامعه به وقوع بپیوندد، این تحولات عظیم (که می‌توانند مواردی مانند جنگ، رکود، تورم شدید و نظیر آن باشند)، سبب می‌شوند که ارزش‌های نسل قبل و بعد از یکدیگر متفاوت شود.



به هر صورت هر یک از نظریات اخیر مقرون به صحت باشند، نقش فناوری‌های ارتباطی جدید در آن‌ها، کتمان‌ناپذیر است. به این معنا که فناوری‌ها که غالباً مورد توجه شدید نسل‌های کم‌سن‌تر جامعه است، سبب می‌شود شکاف نسلی موجود بین کودکان، نوجوانان و جوانان با بزرگسالان نشان که علایق مشابهی به فناوری‌ها نشان نمی‌دهند، از عمق بیش‌تری برخوردار شود.

بررسی تحولات نسلی در غرب، نقش پراهمیت فناوری‌ها را نشان می‌دهد. به این معنا که وقتی جین دورستون جهت پژوهش خویش با تین‌ایجرهای متولد دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مصاحبه کرد، با شگفتی دریافت که این افراد به خدا کم‌تر اعتقاد دارند، به ملکه کم‌تر احترام می‌گذارند، بی‌احترامی آنان به والدین‌شان فزونی یافته است و قبل از ازدواج با یکدیگر روابط جسمانی برقرار می‌کنند. دورستون که از نتایج پژوهش خویش شگفت‌زده شده بود، از این نسل با عنوان نسل ایکس (X) یا نسل سیزدهم یاد کرد.

پس از نسل ایکس، در غرب نسل وای (Y) مطرح شد. این نسل که به تعبیری متعلق به محدوده سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۴ شمرده می‌شدند، در زمانی به دنیا آمدند که فناوری‌های اینترنت و تلفن همراه ظهور یافته بودند. از این رو مقوله فناوری‌ها در زندگی آن‌ها بسیار پررنگ‌تر از نسل ایکس بود، تا جایی که از پژوهش‌گران در کنار این که با عناوینی مانند «نسل چرا» و «نسل خاموش» از آنان یاد می‌کردند، با عناوینی نظیر نسل شبکه (نت)، نسل اینترنت، نسل گوگل، نسل یوتیوب، نسل فیس بوک نیز یاد می‌کردند که این مسأله بیانگر اهمیت فناوری‌ها در زندگی آنان بود.

سرانجام نسل ضد (Z) که در محدوده سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ متولد شده‌اند، در عمل در زمانی به دنیا آمدند که فناوری‌های ارتباطی پیشرفته فراگیر شده بودند، از این رو از نسل ضد، با عنوان نسل دیجیتال‌زاده نیز یاد شده است. نسل اخیر به دلیل آن که بعضاً کاربری بیش از اندازه از فناوری‌ها داشته‌اند، به فناوری‌ها اعتیاد و وابستگی پیدا کرده‌اند، خوابشان با مشکلاتی توأم است و مضاف بر این، نسل اخیر کاربری گسترده از شبکه جهانی وب داشته، بعضاً دارای وب نوشت و مانند آن هستند.





بررسی تطبیقی نسل‌های پس از انقلاب، حکایت از آن دارد که تفاوت‌های گسترده‌ای بین نسل‌های دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ وجود دارد و نقش فناوری‌های ارتباطی جدید، با گذشت زمان در این میان پررنگ‌تر و واضح‌تر شده است (منطقی، ۱۴۰۰ ب).



با توجه به آنچه از آن یاد شد، در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان نتیجه گرفت، اگر چه عوامل متعددی در گسست نسلی پدید آمده بین نسل‌های جوان‌تر و بزرگ‌سال جامعه وجود دارد، اما کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، از جمله مهم‌ترین علل ایجاد و تعمیق گسست نسلی بین نسل‌های جوان و نسل بزرگ‌سال جامعه به شمار آمده، به نظر می‌رسد با سایه گستر شدن بیش از پیش فناوری‌های ارتباطی جدید در جامعه، اثرات آن‌ها به شکل مشهودتری در روابط خانوادگی و اجتماعی منعکس گردد.



مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از علاقه خود به زدن رنگ موی نقره‌ای به موهایش، عمل پلاسمای بینی و مانند آن یاد کرده است که به دلیل مخالفت خانواده، دوست دارد از خانواده جدا شده و مستقل زندگی کند:

«توی اینستاگرام دیدی کسانی رو که با این عمل‌ها زیبا شدن؟»

پیج یه کلینیک زیبایی رو فالو می‌کنم، مثلاً با پلاسمای بینی رو کوچیک می‌کنن، از این چیزا پست می‌ذاره، کلاً قیافه طرف عوض می‌شه، خیلی بهتر می‌شه.

- دوستان شما چه طور، خبر داری که دوستان شما هم از این چیزها فالو می‌کنن یا نه و آیا اون‌ها هم علاقه‌ای به این عمل‌ها دارند؟

با دوستانم درباره این چیزا حرف می‌زنیم، دیگه یکی شون همه‌اش برام مدل رنگ مو می‌فرسته، می‌گه موهاش رو این رنگی کن، بهت میاد، منم وسوسه می‌شم، خودشونم دوس دارن.

- خوب تا حالا شده در اثر پیج‌هایی که دنبال می‌کنی، به این فکر کنی که مستقل از خانواده‌ات زندگی کنی؟

مامان و بابام رو دیوونه کردم، اون قدر هی بهشون گفتم می‌خوام مستقل زندگی کنم، اونام من رو دیوونه کردن، اون قدر الکی مخالفت کردن، همین‌الآن که نمی‌خوام برم خونه مستقل بگیرم، اصلاً پولش رو ندارم، ولی بعد از لیسانسم خیلی دوس دارم خونه مستقل بگیرم، مخالفت می‌کنن، می‌گن جامعه خرابه.

- چی شد که به این فکر افتادی که مستقل زندگی کنی؟

هر چی بزرگ‌تر می‌شم زندگی با خانواده سخت‌تر می‌شه، من از زندگی سنتی متنفرم، از این‌که اصلاً درباره‌ی من نظر بدن، بدم میاد، مثلاً می‌گم می‌خوام برم موهام رو رنگ کنم، فقط دارم بهش خبر می‌دم که می‌خوام برم موهام رو رنگ کنم، بعد دخالت می‌کنه می‌گه اجازه نمی‌دم، خوشم

نمیاد، اصلاً رنگ موی من عوض بشه، چی می‌شه مثلاً که حساس هستن روش، رنگ موی من چه ربطی به اونا داره.

- اون وقت چی شد که فکر کردی باید از زندگی با اونها که سنتیه، فاصله بگیری و چی شد که فکر کردی اگر موها رو رنگ کنی، زیباتر هستی؟

خب تفاوت نسلیه دیگه، دو دهه فاصله داریم، این که روی یه چیزایی تعصب دارن خیلی توی مخمه، با یه کاری مخالفت می‌کنن، از شون پرسسی چرا مخالفی، خودشون هم نمی‌دونن چراها، فقط می‌دونن زشته، نباید اجازه بدن، برم توی خونه خودم، دیگه مجبور نیستم اجازه بگیرم، در مورد رنگ مو هم، خب قشنگه دیگه، من رنگ موهای فانتری رو خیلی دوس دارم، مخصوصاً نقره‌ای».

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، فاصله گرفتن رفتارهای دوستانش از خانواده‌های‌شان به شرح زیر یاد کرده است:

«- اینستاگرام روی نگاه دوستانت به مقوله‌ی اعتقادات هم تأثیر داشته؟

آره، روی اونا حتی بیش‌تر هم تأثیر داشته، مخصوصاً اونایی که خانواده‌های مذهبی‌ای دارن، انگار تا هجده، نوزده سالگی به یه آدم کلی مسایل دینی بخورونن، بعد یهو کلاً اون طرف رو برون توی یه دنیای دیگه‌ای که هیچ حد و مرزی نداره، ولش کنن، کلاً من می‌گم خانواده توی هر چی سخت بگیره، بچه از اون چیز زده می‌شه.

- مثلاً چه کارهایی می‌کنن که به نظر شما تغییر زیادی محسوب می‌شه؟

مثلاً یکی از دوستانم خودش کلاً هیچ اعتقادی به حجاب و خدا پیغمبر نداره، اون یه ذره اعتقادی که چند سال پیش به دین داشت هم پر، مثلاً توی خونه که مامانش اینا ازش می‌پرسن، نماز خونده یا نه، الکی چادر سرش می‌کنه، دو بار خم و راست می‌شه، بدون این که ذکری بگه، تهشم می‌گه خوندم، یا توی ماه رمضان کلی خوراکی نگه می‌داره توی کمدش، به هوای این که می‌خواد درس بخونه، در اتاقش رو قفل می‌کنه و شروع می‌کنه به خوردن یا وقتی می‌خوایم بریم بیرون، می‌رم دنبالش می‌بینم با یه تیپ معمولی اومده، ولی تا دوتا کوچه دور می‌شیم، پاچه‌های شلوارش رو تا می‌زنه تا مثل شلوار قد نود بشه یا دکمه‌های مانتوش رو باز می‌کنه، بشه ماتو جلو باز، شالش رو می‌بره عقب‌تر، این قضیه هم فقط مربوط به این دوستم نیست، الان همه هم سن و سال‌هام یکی دوتا کار مخفی دور از چشم خانواده‌شون انجام می‌دن، فقط هر چه قدر خانواده سخت‌گیرتر باشه، تعداد این کارا بیش‌تر می‌شه».

کوثر ۲۴ ساله هم در بیانات خودش تأکید می‌کند کاربری از فضای مجازی در وی و همسالانش سبب شده است که آنان در عمل حرف مشترکی با خانواده نداشته باشند:

«الآن گفתי نسل جدید با این مسایل کنار آمده و به هر حال این یک نوع تغییرات در طی نسل‌ها هست، به نظرت تغییرات و گسست نسلی تا چه میزان از اینستاگرام اثر گرفته؟»

خیلی زیاد، چون ما از طریق اینستا اطلاعات و موارد جدید رو خیلی سریع دریافت می‌کنیم و از چیزای مختلف خیلی راحت مطلع می‌شیم، همین اطلاعات زیاد باعث می‌شه ما تا حد زیادی نسبت به مسایل مختلف دور و برمون بازتر و پذیراتر باشیم. اما خانواده‌هامون تقریباً زیاد با فضای مجازی و اینستا کاری ندارن و خب همین باعث تفاوت‌ها می‌شه، این عقب بودن زیاد بین خودمون و خانواده‌هامون حس می‌شه، این گسست هر روز زیادتر می‌شه، چون هی چیزای جدید میاد که ما سریع خبردار می‌شیم ازش، اما اون‌ها نه.

– آیا این مسایل مشکلی در ارتباطات با اون‌ها به وجود میاره؟

میل به ارتباط با اون‌ها در من کم شده، چون می‌بینم واقعاً چیز مشترکی با هم نداریم که راجع بهش صحبت کنیم».

سرانجام پگاه ۱۷ ساله، در اظهاراتش با کنار نهادن مخفی کاری از خانواده که زینب از آن یاد می‌کرد، به صراحت بیان می‌دارد دوستانش اجازه دسترسی اولیا به صفحه اینستاگرامی خودشان را نمی‌دهند:

«یعنی پدر و مادر شما و دوست‌ها اصلاً از اینستاگرام بچه خودتون خبر ندارن؟»

تقریباً می‌شه گفت اصلاً خبر ندارن. چون دوستانم یا پدر و مادرشون رو اکسپت نمی‌کنن و یا استوریاشون رو پنهان می‌کنن ازشون، اما من خودم پیجم پابلیک و همه چی رو می‌بینن، اما نمی‌ذارم گوشیم رو ببینن».

تحول‌های فرهنگی – اجتماعی – سیاسی – عقیدتی برخی از خانواده‌ها

اولیایی که امکان تجربه نسل اول و دوم انقلاب (نسلی که انقلاب کردند و نسلی که جنگ ۸ ساله را به سامان رساندند) را در گذشته داشتند، با آرمان‌های انقلاب آشنا شده و در انتظار تحقق وعده‌های انقلاب، همچون رفاه اجتماعی، معنویت، جامعه‌ای پر نشاط و نظایر آن بودند، اما در گذر زمان، اتخاذ خط‌مشی‌های سیاسی متفاوت، کشور را به رودرویی با امریکا و غرب کشاند و به سبب بی‌تدبیری

افرادی همچون احمدی نژاد (که می‌گفت شورای امنیت آن قدر قطعنامه بدهد که قطعنامه‌دان‌ش پاره شود)، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت کشانده شد و به دنبال این امر تحریم‌های متعددی متوجه کشور شد که برای دور زدن تحریم‌ها، کالاهای مورد نیاز مردم با ۳۰-۲۰٪ افزایش (که از جیب مردم پرداخت می‌شد)، به کشور وارد شد. به همین ترتیب مواردی مانند: کاهش ۳۷٪ سفره مردم طی یک دهه (از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰)، نقش مؤثری در دل‌سرد شدن مردم از دولت و نظام اسلامی داشت.

گذشته از تنگناها و دشواری‌های اقتصادی عدیده‌ای که متوجه مردم شده است، برخی از مشکلات فرهنگی - اجتماعی حل نشده نظام (مانند جنس دوم دیدن زنان در کلان جامعه - که با نظریه پردازی افرادی همچون احمد خاتمی و علم‌الهدی ائمه جمعه تهران و مشهد تبیین می‌شدند - یا تلاش مسوولان که با ضرب و زور گشت ارشاد، طرح صیانت از فضای مجازی، طرح صیانت از جوان جمعیت و انبوهی از موارد مشابه در صدد کشاندن مردم به سمت بهشت بودند، تردید اولیا را نسبت به سردمداران نظام در پی داشت.

تردید اخیر سبب شد، برخی از خانواده‌ها دست از آرمان‌های اولیه خویش دال بر ماندن در وطن و آباد کردن آن دست کشیده، فرزندان‌شان را تشویق به مهاجرت کنند، خانواده‌های دیگری با فراموش کردن شعارهای انقلابی خویش، استقبال از دنیا طلبی را در دستور کار خود قرار دادند و به رقابت در مسابقه تجملات با یکدیگر پرداختند و خانواده‌هایی هم برای ممانعت از معتاد شدن فرزندان‌شان، شخصاً گرفتن دوست جنس مخالف را به آنان توصیه کرده و چشم از تخطی‌های آنان در این دست موارد بستند.

با توجه به آنچه به اجمال از آن یاد شد، خانواده‌هایی که در میهمانی‌های خود اجازه صرف مشروب را هم به فرزندشان داده یا از رفتن دخترشان به خانه دوست پسر و ماندن در آن ممانعت به عمل نیاورده و یا آوردن دوست دختر به خانه توسط پسرشان را با دیده تأیید می‌نگرند، در عمل مروج ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی می‌گردند که توجه به آن‌ها در تحلیل تحول‌های فرهنگی جوانان ضرورت دارد!

۱ - لازم به ذکر است که هم‌زمان با تحولات خانواده، تحول‌های شدیدتری در نسل‌های جوان‌تر انقلاب رخ داده است که این مسأله با کاربری نسل جوان از فضای مجازی عمق بیش‌تری یافته است و برخی از جوانان، در جایگاهی قرار گرفته‌اند که حتی با وجود تحولات ارزشی خانواده‌هایشان، باز هم آن‌ها را عقب مانده و مانند آن می‌پندارند.

ریحانه ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، خانواده ایده‌آل خویش را خانواده یاسین و آیدا معرفی می‌کند، زیرا آیدا قبل از عقدش، سه سال در خانه یاسین به سر برده بود:

«- شما هم دوست داری مثل دنیا مستقل باشی؟

خب آگه پول داشته باشم، قطعاً مستقل می‌شم، ولی خب فعلاً که ندارم (می‌خندد).

- یعنی بدون پول نمی‌شه مستقل شد؟

خب هزارتا بدبختی و دنگ فنگ داره، مثلاً من مطمئن شم که می‌تونم خرج خودم رو دربیارم، می‌تونم یه خونه برای خودم بگیرم، بدون شک استقلال رو انتخاب می‌کردم.

- چرا مستقل بودن رو دوست داری؟

چون کسی نیست بهت بگه چه کار کن یا چه کار نکن، مدام بهت گیر نمی‌دن و هر کاری که خودت دوس داری، می‌تونی انجام بدی، کسی هم نیست سرزنش کنه.

- به نظرت استقلال، اعتماد به نفس یک دختر رو بالا می‌بره؟

به خدا توی ایران اشتباه می‌کنن دخترا رو این قدر توی خفقان نگه می‌دارن، من توی اینستا می‌بینم، توی خارج وقتی دختر ۱۸ سالش می‌شه، دیگه کامل مستقل می‌شه و از خانواده‌اش جدا می‌شه، سفر می‌ره، سر کار می‌ره، تفریح می‌کنه با دوستاش، ولی توی ایران تا وقتی شوهر نکردی، نمی‌ذارن مستقل بشی، شوهرم که می‌کنی بازم مستقل نیستی و یکی دیگه واست تصمیم می‌گیره، نه خونگی پدر آزادی داری، نه خونگی شوهر، این جور آدم سر خورده می‌شه.

- منظورت از آزادی چی هست؟

یعنی بدون اجازه‌ی کسی بری سر کار، بری با دوستات سفر، حتی یه وقتا تنهایی بری سفر، خرید، اون جورایی که خودت دوس داری، زندگی کنی و خودت برای خودت تصمیم بگیری، آدم وقتی خونگی باباشه، از اکثر این کارا محرومه و وقتی هم خونگی شوهر می‌ره، اختیارش می‌افته دست شوهر که یه قانون مسخره‌ایه.

- چرا؟

این که توی ایران هیچ وقت از خودت اختیار نداری چیز چندشیه، قبلش که اختیارت دست خانواده‌ات هست، بعدش هم باید غلام حلقه به گوش شوهر باشی، پس ما دخترا توی ایران کی می‌تونیم خودمون باشیم؟ واقعاً ظلمه که هر چی مرد گفت باید همون باشه، هی هم توی گوش مون فرو می‌کنن، وقتی شوهرت راضی نباشه و تو از خونگی بیای بیرون حرامه و کار بدی کردی! خب من،

دوستام و مسلماً خیلی از دخترای دیگه، دوس داریم آزاد باشیم، ولی این حق که حق مسلم ما هستش، از ما گرفته شده.

- یعنی دخترها نباید ازدواج کنن؟

نه، نمی‌گم ازدواج نکنن، ولی جوری باشه که استقلال‌شون رو از دست ندن، همه چی شون نیفته دست شوهرشون، الآن من یه پیچی دارم اسم دختره و پسره آیدا و یاسینه، آیدا ۱۹ سالشه، یاسین ۲۱ سالشه، فوق‌العاده هم پول‌داره، تازه عقد کردن، قبلش ۳ سال با هم دوس بودن، دوستی شون رو آورده بودن توی اینستا، عکس و فیلمای عاشقانه می‌داشتن، دابسمش و کلیپ می‌ساختن، آیدا کلاً خونوی یاسین بود و از اون‌جا هی فیلم و عکس می‌داشت. بعد توی دایرکت ازش پرسیده بودن، چرا می‌ری خونوی یاسین و این حرفا، جواب داده بود ما قصدمون جدیه، برای شناخت هم‌دیگه این چیزا لازمه و من نمی‌خوام وقتی ازدواج کردم، یاسین رو خوب نشناخته باشم، حالا نمی‌دونم خانواده‌شون می‌دونستن یا نه که اینا با هم زندگی هم می‌کنن، بعد حالا که عقد کردن، آیدا هم چنان آزادی خودش رو هم داره، یعنی یه پیج کاری داره توی اینستا، با دوستاش مسافرت می‌ره، کلی تیپای خفن و خوشگل می‌زنه، یاسین بهش گیر نمی‌ده، کلاً یه دختر آزاد و مستقلیه که در کنارش، شوهرم داره و شوهرداری هم می‌کنه. منم می‌گم، دخترامون اول بشناسن طرف مقابل‌شون رو، بینن می‌ذاره اصلاً زنش مستقل باشه، کار کنه، بیرون بره، اون‌جور که دوس داره لباس بپوشه، بعد ازدواج کنن».



غزاله ۲۰ ساله در مصاحبه خودش از مورد مشابهی به شرح زیر یاد کرده است:

«من چند وقت پیش با دختر عموی ۱۱ ساله‌ام حرف می‌زدم و درباره‌ی دوستاش برام می‌گفت که رابطه دارند با پسرها و حتی به شکل غیرقابل باوری می‌گفت، دوستم گفته، مامانم گفته باید تا ۱۴

سالگی صبر کنم که بتونم رابطه جنسی داشته باشم و الآن فقط در حد بوسه پیش می‌ریم و منتظرم بزرگ بشم تا رابطه جنسی داشته باشم. وقتی من این رو شنیدم، داشتم شاخ در می‌آوردم». امیرحسین ۱۸ ساله هم از تعدیل استانداردهای پوششی خانواده‌ها و یا روابط فرزندشان با جنس مخالف به قرار زیر یاد کرده است:

«- امیرحسین جان آیا اینستاگرام تأثیری روی اعتقادات گذاشته؟

آره واقعاً، تأثیر داشته، نه تنها روی من بلکه حس می‌کنم رو کل جامعه این تأثیر رو گذاشته. شما اگر نگاه کنید، از لحاظ پوشش، واقعاً قدیم خیلی سخت‌گیرتر بودن خانواده‌ها، چه برای دختر، چه برای پسر. ولی الآن می‌بینیم که خیلی راحت دختر و پسر دارن با تیپ‌هایی می‌گردن که شاید توی گذشته خانواده‌ها خیلی راضی نبودن به این سبک از پوشش و می‌شه این رو از آثار اینستاگرام به حساب آورد یا از طرفی رابطه بین دختر و پسر که قدیم خیلی هضمش سخت بود برای خانواده‌ها، ولی الآن خیلی راحت‌تر شدن و حتی یه سری‌ها می‌رن و با خانواده‌هاشون در میون می‌ذارن این قضیه رو و خیلی راحت می‌پذیرن این جور مسایل رو».

ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی

نوجوانان و جوانان از ابتدای کودکی در برخورد با گرافیک، پردازش هنری، تنوع موضوعی، موسیقی متن و مانند آن‌ها که در کارتونها و پویانمایی‌های خارجی هست، این کارتونها و پویانمایی‌ها را برتر از محصولات مشابه داخلی می‌بینند که به لحاظ صرف بودجه و امکانات انسانی و پردازش هنری، در سطح بسیار پایین‌تری تا موارد مشابه غربی‌شان قرار دارند، در ادامه نوجوانان و جوانان با جابه‌جاسازی کاربری از کارتونها و پویانمایی‌ها با فیلم‌ها و سریال‌های آن سوی آب، در عمل محصولات آن سوی آب را به دلایل پیش گفته و همین‌طور جذابیت‌های نفسانی که در آن‌ها لحاظ شده است، غالباً برتر از تولیدهای فیلم و سریال داخلی می‌بینند.

مضاف بر پردازش هنری و بودجه‌های قابل توجه صرف شده برای تولیدهای مختلف آن سوی آب، رسانه‌های داخلی به سبب تبعیت از خط‌مشی غیرعلمی حمایت یک‌جانبه از مسوولان ایرانی و تمامی اقدام‌های آنان و نفی مستقیم و غیرمستقیم غرب، نقد کاربران را نسبت به خود رقم زده و پدید می‌آورند، زیرا برخلاف تبلیغات دولتی رسانه‌های داخلی که کشور را در وضعیت گل و بلبل نشان

می‌دهد، نوجوانان و جوانان کاربر اولاً بر مبنای مشاهدات میدانی که خودشان دارند و شاهد بسیاری از اختلاس‌ها، دزدی‌ها، رانت‌خواری‌ها و مانند آن‌ها در جامعه‌شان هستند و ثانیاً بر مبنای اطلاعاتی که از تحقق جهانی شدن در سایه گسترش فضای مجازی از دیگر کشورهای جهان دارند، غالباً ارزیابی منفی از رسانه‌های داخلی به دست آورده، با توجه به تلاش رسانه‌های خارجی دال بر مستند نشان دادن و بی‌طرفی خویش (که البته همواره چنین نیست)، توجه نوجوانان و جوانان را معطوف به خود می‌کنند.

البته عملکرد مسوولان داخلی هم که بعضاً ممکن است با دید سیاسی نوجوانان و جوانان (نظیر معارضه‌جویی مدام با غرب، تلاش برای هدم و نابودی اسرائیل، تلاش در جهت ایجاد هلال شععی و مانند آن‌ها) همخوانی نداشته باشد، کاربران را بر آن می‌دارد که به جای عطف توجه به رسانه‌های داخلی و کاربری از محصولات آن‌ها، بیش‌تر متوجه رسانه‌های آن سوی آب شده، از محصولات آن‌ها (که بعضاً در تعارض با فرهنگ بومی و اعتقادی آنان هست)، کاربری داشته باشند.

غزاله ۲۰ ساله و مهدی ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود در همین ارتباط اشاراتی به قرار زیر داشته، از ترجیح رسانه‌های خارجی به جای رسانه‌های داخلی یاد کرده اند:

«- غزاله آیا اینستاگرام اثری بر این نوع نگاه شما به شرایط داشته؟»

کلاً اینستا دلیل علاقه من به سیاسته، توی دوره دبیرستان به پیجی رو فالو کردم که درباره تحلیل سیاسی مسایل بود و خیلی برام جذاب بود اون مطالب و اصلاً اون‌جا با سیاست آشنا شدم و بهش علاقه‌مند شدم و تقریباً آگاهی‌هایی که به دست آوردم، به خاطر اون نگاه انتقادی بود که از اون پیج به دست آوردم. الان هم که اخبار رو می‌بینم و می‌خونم، بعد می‌رم سراغ پیج‌های انتقادی که دارم و در کل منبع آگاهی من از سیاست فقط و فقط اینستاست، چون نمی‌تونم به صدا و سیما اعتماد کنم...»

- آیا از طریق اینستاگرام فیلم و سریال هم دنبال می‌کنی؟

نه، چون تم یاری نمی‌کنه و خیلی زود به زود تموم می‌شه اون‌جوری، اما گاهی بعضی فیلم‌ها رو اون‌جا تیزر و تبلیغش رو می‌بینم و می‌رم دانلودش می‌کنم.

- بیش‌تر چه فیلم‌هایی؟

علمی - تخیلی یا درام.

- فیلم و سریال ایرانی چه طور؟

قبلاً فقط از تلویزیون فیلم و سریال می‌دیدم، اما الآن که توی اینستا، تبلیغات فیلم‌های خارجی رو می‌بینم، کلاً اون فیلم‌های ایرانی هیچ جایگاهی ندارند برام، چون من علاقه‌ای به سبک‌های عاشقانه مسخره ندارم و علمی-تخیلی می‌پسندم و فیلم و سریال‌های ایرانی ژانر و سبک علمی-تخیلی ندارند و حقیقتاً سریال‌های تلویزیون خیلی مسخره هست و اون پخش خانگی‌ها هم پولیه و من نمی‌تونم پرداخت اینترنتی کنم».

«- آقا مهدی شما بین پیج‌های اینستاگرام و اخباری که از شبکه‌های مختلف پخش می‌شه، کدوم رو ترجیح می‌دید، منابع خبری داخلی یا خارجی؟

خوب من طرف دار هیچ رسانه‌ای نیستم، چون معتقدم رسانه‌ها بی‌طرف نیستند، اما اخبار ایران رو خیلی نگاه نمی‌کنم، چون معتقدم سانسور زیاد داره.

- بهم گفتید که رسانه‌ها بی‌طرف نیستند، یه کم درباره این جمله توضیح می‌دید؟

به نظرم هر کدوم هدف خاص خودشون رو دارن مثلاً اینترنشنال به دنبال اینه که احساسات مردم ایران رو تحریک کنه، مثلاً خبری که یه روزی اتفاق افتاد رو تا مدت‌های زیاد تکرار می‌کنه یا مثلاً برعکس رسانه‌های ایران سعی می‌کنند، یک چیز نمایشی و غیرواقعی از واقعیت‌های جامعه رو نشون بدن، به نظر من هیچ رسانه‌ای بی‌طرف نیست و هر کدوم حداقل طرف دار یک گرایش نظام و یا هر چیز دیگه‌ای هستن».

تحقق جهانی شدن و جهانی اندیشیدن

«- اشکان تو چند ساله اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

من تقریباً از سال ۲۰۱۳ اینستاگرام دارم. حدوداً ۸ ساله استفاده می‌کنم».

«- بعد از چه سالی کاربر اینستاگرام هستی؟

من از سال ۲۰۱۳ کاربر اینستاگرامم، یعنی یه چیزی حدود تقریباً ۷ سال».

از عصر حاضر با عنوان عصر جهانی شدن و انفجار اطلاعات یاد می‌شود.

اگر چه جهانی شدن در درجه نخست معطوف به فرآیندهای اقتصادی بود، اما در ادامه، با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی جدید، افزایش کنش‌های متقابل جهانی، تسهیل جابه‌جایی و مانند آن‌ها، سایر ابعاد علمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نیز پوشش داد و به مفهومی جامع‌تر بدل شد.

ابعاد مهم جهانی شدن را می‌توان در تحول‌های اقتصادی (نظیر جهانی شدن اقتصاد و تجارت آزاد، جهانی شدن بازارهای مالی، جابه‌جایی گسترده کالاها در مرزها)؛ علمی (مانند انقلاب علمی، افزایش دانش فنی، مبادله نسبتاً آزاد اطلاعات، خدمات اطلاع‌رسانی سریع)؛ اجتماعی (نظیر اثرگذاری افراد و گروه‌ها بر حکمرانان در فضای ارتباطی جدید، تضعیف سانسور توسط حکومت‌ها، طرح گزینه‌های جایگزین به جای گزینه‌های مورد نظر و پیشنهادی دولت‌ها) و فرهنگی (مانند رشد فزاینده وسایل ارتباط جمعی که فشرده‌گی زمان و مکان را در برداشته است، رخ نمودن فرهنگ مسلط جهانی، توفیق نسبی بعد فرهنگی بر ابعاد اقتصادی و سیاسی در عصر حاضر، پیش‌برد اهداف اقتصادی - سیاسی - اجتماعی سلطه‌گران جهان)، ردگیری کرد، اما اگر مرکز ثقل بحث، روی تحول‌های فرهنگی جهانی شدن قرار گیرد، مشاهده خواهد شد که غرب به عنوان صاحب فناوری‌های ارتباطی جدید، با گسترش فضای مجازی و سایه گستر کردن آن در جوامع مختلف بشری، از این شاخصه مهم جهانی شدن در عرصه فرهنگی سود برده، در عمل دست به تسری، گسترش و تحکیم ارزش‌های فرهنگی خویش زده و این در حالی است که دیگر مناطق جهان به دلیل عدم برخورداری از امکانات مشابه، در عمل با متزلزل شدن و تضعیف فرهنگ بومی خویش مواجه شده‌اند.

در شرایط اخیر با تحقق اهداف صاحبان فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، در عرصه‌های فرهنگی، خود به خود دیگر اهداف اقتصادی، سیاسی، عقیدتی آنان نیز به میزان زیادی قابل حصول و دسترسی می‌گردد. از سوی دیگر با فراگیر شدن فضای مجازی، کاربرانی که تا پیش‌تر در محدوده سرزمین خویش محدود شده و غالباً در همان محدوده آگاهی داشتند، می‌اندیشیدند و به دنبال تحقق آرزوها و منویات درونی خودشان برمی‌آمدند، در عمل با فضای گسترده‌ای خود را مواجه می‌بینند که در آن کم و بیش از دیگر کشورهای جهان و اوضاع و احوال آن‌ها اطلاعاتی به دست می‌آورند و می‌توانند اطلاعات به دست آمده را با اطلاعات فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - عقیدتی جامعه خودشان مقایسه کرده، به تفاوت‌های بعضاً قابل توجهی در موارد پیش گفته، دست یابند.

ماحصل فعل و انفعال‌های اخیر در عمل تفکری جهانی به کاربران فضای مجازی بخشیده به نوعی جهانی شدن و جهانی اندیشیدن را برای آنان به ارمغان می‌آورد. بالطبع در شرایط اخیر افرادی که در جریان کاربری از فضای مجازی با اهداف، آمال، آرزوها و علقه‌های متفاوتی مواجه شده‌اند، اهداف، افکار و عواطف پیشین خویش را مورد بازنگری قرار داده، با استانداردها و معیارهای جدیدی به قضاوت و ارزیابی اطراف و اکناف خویش پرداخته و بر همان مبنای دست به برداشت‌ها و قضاوت‌هایی متفاوت از برداشت‌ها و قضاوت‌های پیشین خود خواهند زد.

مه‌لقای ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، فضای مجازی امکان آشنایی وی با دیگر نقاط جهان از جمله کره جنوبی را فراهم آورده است و وی که به لحاظ فرهنگی، شیفته گروه بی‌تی‌اس کره است، نه تنها به گردآوری اطلاعات گسترده در مورد این کشور دست زده است (تا جایی که حتی می‌داند، المپیک‌های کره‌ای در طول مسابقات المپیک هم از غذاهای بومی خودشان استفاده می‌کنند)، بلکه به تهیه غذاهای کره‌ای اقدام کرده است یا آن قدر فیلم کره‌ای دیده است که با همه مسیرهای رفتن به کره آشنا شده است و در مجموع اظهار می‌دارد، اطلاعات وی از کره بیش‌تر از اطلاعات وی در مورد کشور خودش است:

«... قبلاً توی اینستاگرام یه کلیپ دیده بودم، توی اکسپلور که او مدن بیست سال پیش ایران و کره مقایسه می‌کردن، بعد توی این بیست سال کره چه قدر پیشرفت کرد، حالا ایران چی همون جور می‌مونده و هنوز از پراید استفاده می‌کنیم، تازه ایران باعث می‌شه آمریکا تحریم مون کنه، کره با آمریکا اوکیه، اون همه پیشرفت کرده.»

- پس به نظرت ایران باید با آمریکا روابط خوبی داشته باشه؟

آره، کره الآن با این که با ژاپن زیاد خوب نیست، ولی باز رابطه‌اش رو قطع نکرده، مثل ما با آمریکا، هر چند ما الکی می‌گیم قطع کردیم.

- از کجا می‌دونی کره با ژاپن خوب نیست؟

از قدیم، چون ژاپن کره رو استعمار کرده بود، کره با ژاپن خوب نبود، همین المپیک که بود، کره نداشت بازیکنای المپیکش غذای اونا رو بخورن، ولی باز با هم در ارتباط هستن.

- این‌هایی که می‌دونی هم از پیج‌های اینستاگرام کره‌ای می‌دونستی؟

آره....

- پیش‌تر گفتمی کره‌ای‌ها برات جذاب‌ترن، می‌تونم علتش رو بدونم و خوب چه قدر اینستاگرام در این علاقه‌ات نقش داشته؟

به نظرم زیاد، چون الآن بیش‌تر پیجای فارسی یا دارن در مورد شخصیت کره‌ای‌ها می‌گن که افراد آرومی هستن یا دارن راجع به اعتقاداتشون می‌گن که بیش‌ترشون دین ندارن یا تاریخ و فرهنگ کره می‌گن و خیلی چیزای دیگه... همه اینا باعث شده ازشون خوشم بیاد، تازه من سبک زندگی‌شون، فیس و زبان، و خلاصه همه چی‌شون رو دوست دارم. هم کشور پیشرفته‌ای هست، هم مردم کره

فرهنگ‌شون رو حفظ کردن، کلاً وقتی باهاشون صحبت می‌کنی خیلی مؤدب هستن، من الآن حتی دارم یاد می‌گیرم، غذاهاشون رو درست کنم.

- چه جوری؟

بعضی از پیجای اینستاگرام آموزش درست کردن غذای کره‌ای می‌ذارن، ولی بعضی موادش پیدا نمی‌شه، یه کم سخت می‌شه سفارش داد، ولی می‌شه پیدا کرد. من خودم از یه پیجی نودل‌های کره‌ای سفارش دادم، ولی برای درست کردن کیمچی، خیار و سس ماهی پیدا نکردم یا برای درس کردن سوشی، جلبک دریایی حتماً باید اینترنتی سفارش داد، و گرنه نمی‌شه حضوری خرید.

- پس غذاهای کره‌ای بلدی درست کنی؟

آره یه کم، الآن یه کافه‌ای هست، تازه پیجش رو توی اینستاگرام پیدا کردم. اسمش کافه سئوله، همه دیزاینش مثل کافه‌های کره هست، نوشیدنی و غذاهای کره‌ای داره، حتماً می‌خوام اون‌جام برم....

- گفتم پیج سفارت کره رو دنبال می‌کنی، می‌تونم بیرسم علتش چی هست؟

خب اخبار مهم می‌ذاره یا مسابقه می‌ذاره، برای این که اطلاع پیدا کنم از خبرای جدید فالوش کردم.

- چه مسابقه‌ای می‌گذاره؟

همین تابستون یه مسابقه بود راجب فرهنگ کره که اسمش Quiz about Korea بود.

- خوب شما هم شرکت کردی؟

آره.

- به چه صورت بود؟

اول باید مشخصات خودمون رو ایمیل می‌کردیم براشون و این که تا سن ۲۳ می‌تونستن شرکت کنند، بعد برام زمان مسابقه و لینک اومد، کلاً مسابقه سه مرحله بود.

- خوب شما شرکت کردی چه طور بود؟

خوب بود، مرحله اول ۳۰ تا سوال بود، در مورد فرهنگ کره، هم تستی بود هم تشریحی، من ۱۶ تا سوال درست جواب دادم، ولی خب نتونستم مرحله اول قبول بشم، اگه مرحله سوم جز نفر اول تا سوم بودم بهم جایزه می‌دادن، حیف شد، جایزه‌هاش خیلی خوب بود.

- مگه جایزه‌هاش چی بود؟

نفر اول می‌تونست سفر چند روزه به کره داشته باشه، کاملاً رایگان، نفر دوم و سوم گوشه سامسونگ، حتماً سال بعد اگه خودم نرفته بودم کره، باز هم شرکت می‌کنم.

- پس می‌خوای کره بری؟

آره، برای ادامه تحصیل.

- راجع به فرهنگ کره اطلاعات زیاد داری؟

آره، خیلی.

- خوب می‌تونم چندتا از سوالاتی که بود رو به من بگی؟

راجع به بازی‌های سنتی کره بود یا اسم رود هان معروف به چیه که بهش می‌گن معجزه هان و جینسینگ قرمز بهترین نوعه گیاه دارویی و خیلی مفیده... این مدل سوالات.

- خوب این اطلاعات رو از کجا می‌دونستی؟

خوندم راجع به اون، پیجای اینستاگرام که راجع به فرهنگ و تاریخ کره هست رو دنبال می‌کنم یا توی گوگل سرچ می‌کنم. با فیلم و سریال دیدن هم می‌شه اطلاعات به دست آورد.

- گفتمی اگه سال دیگه کره نبودی، دوباره توی این مسابقه شرکت می‌کنی، قصد داری کره بری؟
آره.

- برای زندگی؟

اولش می‌خوام بورس بگیرم، بعد آره، اونجا زندگی کنم...

- خوب گفتمی می‌شه یک زندگی معمولی با کاره پاره وقت اونجا داشت، مگه راجع به هزینه‌هاش می‌دونی؟

آره، اگه بخوام بدون بورس برم کره ۶۰۰۰ دلار کلاً برای زندگی و هزینه کالج کره و... برای ۶ ماه تا ۸ ماه کافیه، ولی همه این پول رو باید با خودم ببرم.

- چرا این همه باید با خودت ببری؟

چون سخت می‌شه اونجا حساب بانکی باز کرد.

- از کجا می‌دونی؟

کسایی که کره هستند، این رو می‌گن.

- خوب دیگه چه چیزهایی می‌گن این افرادی که کره زندگی می‌کنند؟

همین راجع به رفتار مردم کره می‌گن یا وقتی میان ایران، می‌خوان برگردن کره، فیلم می‌گیرن، من اون قدر فیلم فرودگاه اینچئون رو دیدم که همه‌ی مسیرهای رفتن به کره رو بلد شدم».

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد که او با ملاحظه آزادی‌های فردی موجود در غرب، شیفته این دیار شده است. مهشید ۱۶ ساله و مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خودشان با بیان جذابیت‌های

موجود در روابط اجتماعی کشورهای غربی از دلدادگی خویش به کشورهای آن سوی آب یاد کرده اند.

صبای ۲۲ ساله، با یاد کردن از پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی کشورهای غربی، از علاقه خویش به این دیار یاد می‌کند و مه‌لقای ۱۸ ساله، از در حسرت ماندن خویش در تهیه برندهای ترکیه‌ای سخن گفته است:

«- تا به حال پستی رو در اینستاگرام دیدی و ترغیب شدی که مهاجرت کنی؟

آره، مثلاً همونایی که گفتم، همون فضا و مدرسه‌هاشون و تفریحاتی که دارن توی کشورشون، بعد مثلاً هوای تمیز دارن، این‌جا همه‌اش هوا آلوده هست، کلاً ایران انگار خاکستریه، اما مثلاً کشوری دیگه عکساشون یا فیلماشون رو توی اینستا می‌بینم، مثلاً آمریکا خیلی همه چی شفافه و تمیزه، خیابوناش و پارکاشون خیلی تمیزه، بعد خب مثلاً خوشم میاد که برم از این‌جا. یکی از دوستانم رفته آلمان، همه‌اش توی اینستا پست و استوری می‌ذاره، توی مدرسه ناخنش رو کاشته و راحت، هیچ کس بهش گیر می‌ده، منم دوست دارم برم یه کشور دیگه».

«- پس خودت دوست داری بری، حتی تنها و بدون خانواده‌ات؟

آره، معلومه، با کله می‌رم، من این‌جا نمی‌مونم، این‌جا هیچ خبری نیست تهش، آره که تنها می‌رم، من ۱۶ سالمه، دو سال دیگه به سن قانونی می‌رسم، کسی نمی‌تونه برای من تعیین تکلیف کنه، خودم می‌گم باید با آینده‌ام چی کار کنم، زندگی و سرنوشت خودمه، خودم باید تصمیم بگیرم، مگه من می‌رم بگم که هر کسی باید چه جور زندگی کنه؟! این‌جا این جوریه که همه تا... توی زندگی بقیه اند، و گرنه اون‌جا از این خبرا نیست، هر کی بخواد... بخوره می‌زنن توی دهنش».

«- توی اینستاگرام، بیش‌تر زندگی مردم دنیا چه جوریه هست؟

هم‌سن‌هام توی کشوری دیگه رو می‌بینم که چه قدر آزادترن، هر کاری دوس دارن می‌کنن، نمی‌ترسن مامان و باباشون ناراحت بشن، دعواشون کنن، مجبور نیستن به خاطر حرف آشناها خودشون رو سانسور کنن، توی فیلم و سریالاً مخصوصاً می‌بینم، حسودیم می‌شه».

«- آیا تا حالا شده که خودت هم دوست داشته باشی در زندگی واقعی خودت بیش‌تر شبیه اون‌ها باشی و نظیر اون‌ها رفتار کنی؟

دوست داشتم عین اون‌ا این قدر آزاد بودم و هر کاری که دلم می‌خواست، می‌تونستم بکنم.

- مثلاً اگر مثل اون‌ها آزاد بودی، چه کارهایی می‌خواستی بکنی که الان نمی‌تونی بکنی؟

مثلاً بعضی وقتا فکر می‌کنم که اگر من توی کره به دنیا می‌اومدم، صد در صد رقص می‌شدم و به این گروه‌های کره‌ای می‌پیوستم و کلاً حس می‌کنم زندگی من اینی نمی‌شد که الان هست، حیف.

- پس اگر این جا هم می‌تونستی، دوست داشتی که رقص می‌شدی؟
آره یا خواننده.

- خوب به نظرت این که حالا به دلیل یک سری قوانین و مسایل شرعی و عرفی، این جا نمی‌تونن این کارها رو بکنن، با این قوانین مخالف هستی؟

آره، مخالف که هستم، ولی چیزی دست من نیست و الان مجبورم تحمل کنم.

- این سلبریتی‌ها و حالا ستاره‌ها و بازیگرهایی رو که دنبال می‌کنی، بیش‌تر ایرانی هستن یا خارجی؟
بیش‌تر خارجی، ایرانی کم دنبال می‌کنم، ایرانی فقط یک دونه پیچ دارم.

- چرا ایرانی‌ها رو کم‌تر دنبال می‌کنی؟

نمی‌دونم، کلاً عادتمه که بیش‌تر فیلم خارجی ببینم، حالا چه کره‌ای، چه هندی، چه مثلاً آمریکایی و اینا، آخه فیلم ایرانی خوب کم پیدا می‌شه به نظرم.

- این که فیلم ایرانی خوب کم‌تر پیدا می‌شه، به نظرت دلیلش چی هست و مثلاً چه چیزی شون مثل اون فیلم‌های خارجی خوب نیست؟

آخه این قدر محدودیت دارن ایرانی توی فیلم‌سازی که جز غم و بدبختی نمی‌تونن چیزی رو نشون بدن، طرف نه می‌تونه یک دونه رقص نشون بده، نه می‌تونه خوانندگی نشون بده، نمی‌تونه فضا رو اصلاً شاد کنه، مثلاً یک سری موضوعاتی نمی‌تونن بیان توی صحنه، در مورد چه می‌دونم دوست دختری، دوست پسری باشه، اصلاً نمی‌تونن حرف بززن توی فیلماشون که برای همین موضوعات شون اجتماعی و این چیزا بشه.

- پس به نظرت این محدودیت‌هایی که فیلم‌سازهای ایرانی دارن که باعث می‌شه فیلم‌هاشون رو کم‌تر دوست داشته باشی، این هم به خاطر همون قوانین و مسایل سیاسی و حکومتی هست؟
فقط سیاسی هم نیست، بحث دینی هم هست دیگه.

- شما با این مسایل دینی و قوانین حالا دینی و حکومتی که باعث می‌شن دست و پای فیلم‌سازها به قول شما بسته بشن، مخالف هستی؟

کاملاً، چون به نظرم یک سری چیزایی که بدیهیات زندگی اند رو دارن هم از ما و هم از فیلم‌سازا می‌گیرن.

- می‌شه یک کم در مورد این بدیهیاتی که می‌گی دارن از مون می‌گیرن توضیح بدی، مثلاً چه چیزهایی؟

می‌گم در مورد این که آدم می‌تونه شاد باشه با رقصیدن و شاد بودن چیز بدی نیست یا این که آدم می‌تونه راحت باشه بدون حجاب، اما این که چهارتا تار موی یه زن بیرونه، واقعاً چیز حساسی نیست که اینا این قدر بزرگش می‌کنن و به نظرم صرفاً می‌خوان ماها رو توی یک نمی‌دونم، مثلاً حماقتی نگه دارن، همین و این بدیهیات زندگی رو که توی کلی از کشور دنیا عادیه، یک جور عجیب جلوه بدن.

- به نظرت خود دین می‌خواهد افراد رو، مثلاً غمگین نگه داره یا به قول شما، توی یک حماقتی نگه داره یا نظام سیاسی و حکومتی؟

فکر کنم ترکیب شون این قدر فاجعه شده! چون دین و این حکومت ما همچین اجازه‌ای به خودشون دادن که هر کاری دلش خواست، بکنن.

- پس در واقع یک نوع نگاه منفی به دین پیدا کردی؟

آره، روز به روزم بیش‌تر می‌شه، به خاطر این که می‌رم توی اینستا می‌بینم اون‌ها که... من یک دوستی داشتم، دوستم نبود، هم‌مدرسه‌ایم بود و نمی‌دونم چی شد، پارسال مهاجرت کرد کانادا، نمی‌دونم دقیقاً از چه راهی مهاجرت کرد، ولی الان مثلاً زندگی اون رو می‌بینم، بعضی وقتا که استوری می‌گذاره و هر لباسی دلش می‌خواد، می‌تونه بپوشه، هر جایی دلش می‌خواد، می‌تونه بره، احساس می‌کنم کلی شادی داره یا مثلاً وقتی که هالووین شده بود، استوری کرده بود، با دوستاش بودن، کریسمس همین‌طور، اصلاً نمی‌دونم ایران با این که نوروز و این جور چیزا هست، ولی آدم اصلاً نمی‌تونه توش شاد باشه، چون بهش اجازه نمی‌دن!

- پس در واقع تا حالا شده که حسرت زندگی مردم خارج از ایران رو بخوری؟

هر روز و هر دقیقه، آره!

- تا حالا شده به خاطر این حسرت و حالا غمی که زندگی توی ایران داره، میل به مهاجرت هم پیدا کنی؟

من اصلاً مدت‌هاست که میل مهاجرت دارم، من یکی از آرزو اینه که بتونم از ایران برم و خیلی دلم می‌خواد که بتونم برم کره، ولی خب فرقی برام نمی‌کنه، جای دیگه هم بتونم برم، می‌رم.

- این نگاهی که به وضع حاکم بر کشور داری و این که باور داری در کشور اصلاً غم حاکم هست و این که دوست داری مهاجرت کنی، آیا از قبل این که اینستاگرام بریزی هم بود یا از بعد این که اینستاگرام ریختی تقویت شد و به وجود اومد؟

خب قبل اینستا که من بچه تر بودم، فکر نمی کردم اوضاع این قدر بد بشه توی کشور ما! همه اش فکر می کردم اینایی که می خوان از کشور برن، مثلاً دارن یه ذره سخت می گیرن، ولی همین طور که بزرگ تر شدم، دیدم که نه، واقعاً این جا افتضاحه و همه حق دارن اگر فکر رفتن توی سرشون باشه! مثلاً وقتی یک کنسرت نمی تونه بره، مثلاً من اگه بخوام برم بی تی اس، کنسرتش، اونا هیچ وقت نمیان توی ایران کنسرت بذارن تا صد سال دیگه! منم اگه بخوام برم یک کشور دیگه، کلی هزینه اش می شه، چون کشور ما اقتصادش داغونه! یعنی ببین بدیهی ترین چیزها که آدم می تونن داشته باشن، ما نمی تونیم داشته باشیم و این کاملاً باعث شده که من دلم بخواد مهاجرت کنم، ولی خب ورود به اینستا باعث شد که این واقعیت هی توی سرم بخوره! یعنی هی استوری اینا که توی ایران نیستن رو ببینم یا خارجیا رو ببینم، کلاً خیلی آزار دهنده هست.

- به نظرت این میل به مهاجرت در هم سن و سال هات و دوستانت هم بیش تر شده؟
آره، حتی توی سن بالاترها هم یک جور شده که می گن، دلشون می خواد برن».

«- فقط به خاطر حجابش می گی خوب هست؟

نه، خب توی ترکیه کل فروشگاه هاش برندهای خوب داره، مثل Mbersh&ka, H, zara و لی ایران اینا رو بخوایم بخریم و برامون بیارن خیلی گرونه، پولای ما بی ارزش هستن، یه بوت برند M&H بخوایم بگیریم ۵ میلیون می شه به پول ما.

- این ها رو از کجا می دونی؟

به وسایل برند علاقه دارم، دنبال می کنم بعضی پیچاشون رو.

- خوب نظرت راجع به وسایل و لباس ایرانی چی هست؟

به درد نمی خورن که، من یه بارونی از اینستاگرام سفارش دادم، توی عکس این قدر قشنگ بود، ولی وقتی به دستم رسید افتضاح بود، هم جنسش و هم مدلش. مجبوریم وگرنه همه دوست داریم لباس های خوب بپوشیم، ولی حالا به خاطر گرون بودن نمی خریم، یه کلیپ دیدم توی اینستا که یه مسابقه بود توی افغانستان، بعد مجری از شرکت کننده می پرسید، بی ارزش ترین پول دنیا کجاست، گفتن ایران. بعد می خندیدن، دیگه همه جا ما رو مسخره می کنن».

نقد سیاسی نظام (با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب)

نظام سیاسی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون تحول‌های قابل توجهی را پشت سر نهاده است و با فراموش شدن شعارهایی که از آزادی مارکسیست‌ها برای حرف زدن در جمهوری اسلامی سخن می‌گفتند، کار به جایی رسیده است که حتی گاهی پژوهشگران و اندیشمندان مسلمان اذعان می‌دارند که بعضاً اظهارات و بیانات آنان جرم امنیتی تلقی شده، به همین دلیل گاهی سر و کار آن‌ها با نیروهای حراستی و امنیتی می‌افتد.

منطقی (۱۳۷۴) در تحول‌های سیاسی که جوان ایرانی به گزارش آن می‌پردازد، به موارد زیر اشاره کرده است: اعتقاد جوانان به فروریزی آرمان‌شهر نسل‌های اول و دوم انقلاب، نفی آرمان‌گرایی‌های غیرواقع‌نگر، کاهش تبعیت از رهبران، یافتن دید نقادانه نسبت به عملکرد رهبران، استقبال جوانان از جدایی دین از سیاست، تردید در حکومت دینی، تردید نسبت به دیدگاه‌های رهبران سیاسی، دید انتقادی نسبت به جنگ ۸ ساله، تمایل به حکومت دموکراتیک و دید تقریباً مثبت نسبت به غرب. در مقدمه همین مجموعه هم از موارد دیگری مانند: افزایش جمعیت ۲۰٪ زیر خط فقر جامعه ایران در ابتدای انقلاب به ۶۰٪ جمعیت، سیستماتیک شدن فساد در جامعه، اختلاس‌ها، رانت‌خواری‌ها و رتبه بالای فساد اقتصادی ایران در سطح جهان یاد شد.

فارغ از اطلاعات اخیر، منطقی (۱۳۸۲) در بررسی تحولی که در هویت دختران داشت، از عدم تمایل جمعیت مورد تحقیق از تبعیت از هویت القایی رهبران به خودشان یاد کرده است. پژوهشگر در این تحقیق، با تهیه پرسشنامه‌ای از بیانات رهبران انقلاب، ضمن ارایه این پرسشنامه به جوانان (بدون آن که بیان کند عبارات پرسشنامه بیانات رهبران انقلاب خطاب به جوانان هست)، از آن‌ها خواست تا اولاً میزان پذیرش خط‌مشی‌های ارایه شده در پرسشنامه خطاب به جوانان و ثانیاً میزان تحقق عملی این خط‌مشی‌ها را در زندگی شخصی خودشان مشخص سازند.

نتایج به دست آمده دلالت بر آن داشت که ایدئولوژیک‌ترین خط‌مشی‌های ارایه شده از سوی رهبران انقلاب، از سوی جوانان، از نمراتی در حد ۶، ۷ و ۸ (در سیستم صفر تا بیست)، برخوردارند. به تعبیر دیگر، خط‌مشی‌های ارایه شده از سوی رهبران انقلاب که تحقق هویتی برتر و آرمانی را در جوان مدنظر قرار داده‌اند، از سوی جوان پذیرفته نشده‌اند و جوان با هویت القایی، کلیشه‌ای و یا دولتی پیش‌گفته، از در توافق در نیامده است و تمایلی به گره زدن تمامی زندگی خودش با دین را ندارد. جمع اطلاعات اخیر، یعنی پذیرش عملکرد پر مسأله مسوولان سیاسی نظام و عدم تمایل جوانان به گره زدن تمامی ابعاد زندگی‌شان به دین، کار را به جایی رسانده است که اقشار قابل تأملی از جوانان

یا ایران را بسان زندانی بزرگ تشبیه کرده و یا با نقدهای نظری خویش عملکرد سیاسی نظام را به چالش کشیده اند و یا از آمادگی خود برای اقدام علیه نظام یاد کرده اند. همیشه ۱۶ ساله کشور را یک زندان بزرگ و فراتر از آن یک جهنم برای خودش ترسیم کرده است: «- احساس خوشبختی و آرامش داری؟

احساس خوشبختی زیادی نمی‌کنم فعلاً این‌جا، چون این‌جا نمی‌شه به هدفی که می‌خوام برسم. آرامش هم، یه روزایی دارم، یه روزایی ندارم، اصلاً مگه می‌شه این‌جا با این چیزایی که می‌شنوی و می‌بینی هر روز آرامش داشته باشی، جهنمی که همه می‌گن، همین جاست که ما داریم توش دست و پا می‌زنیم، هر کی این‌جا می‌مونه مجبوره، هیچ کس نمی‌خواد همچین جای آشفالی زندگی کنه که عین زندانه و تو هم زندانیشی.

- فکر می‌کنی روزی که از ایران بری حسست بهتر می‌شه؟

آره، حتماً، معلومه که بهتر می‌شه، من تا حالا با خانواده‌ام زیاد رفتیم مسافرت و کشورهای مختلف رو دیدم از بچگی، توی کوچیک‌ترین کشورها هم که امکانات خیلی زیادی نداشتن هم، مثل این‌جا بدبخت و بیچاره نمی‌بینی، این‌جا آدم پول‌دارش هم داره با اعصاب خراب زندگی می‌کنه، چه برسه به اون بیچاره‌ای که نداره، هیچ کشوری به داغونی این‌جا ندیدم من. این‌جا پر از استعداد و هوشه، ولی کسی اهمیت نمی‌ده، الان فقط سود خودشون و زندگی خودشونه که مهمه، نه مردم».

ترانه ۲۱ ساله و بهروز ۱۸ ساله با نقد مواردی مانند هیأت مذاکره کننده برجام یا طرح صیانت از فضای مجازی، نقد نظری نظام را پیشه خود کرده اند و صبای ۲۲ ساله از آمادگی عملی خود جهت تخالف ورزی با نظام یاد کرده است:

«- دیگه چه پیچ‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

پیجای لباس زیاد فالو می‌کنم، پیجای خبری رو جدیداً کم‌تر فالو می‌کنم، چون اخبار رو می‌خونم، اعصابم خورد می‌شه.

- چه اخباری اعصابت رو خورد می‌کنن؟

اخبار سیاسی، اقتصادی، این‌که هر روز داریم بدبخت‌تر می‌شیم.

- برای این اخباری که می‌گی مثال می‌زنی؟

بگم چه اخباری اعصابم رو خورد می‌کنه؟

- آره، بگو مثل چه خبری؟

مثل خبر این مذاکرات شون که یه مشت بی سواد و اُس**، رفتن مذاکره که ما رو بدبخت تر کنن، بالا و پایین شدن قیمت دلار که اون رو مجبورم دنبال کنم. یه سری سر شاپم به یه کلاه بردار کره‌ای خوردم، ۵۰ دلار پول بی زبونم رو خورد، این قدر حرص خوردم، آه.

- دیگه چه اخباری؟

اون سری که زنه توی تبریز بود، اردبیل بود، کجا بود، دوتا دختر رو زیر گرفته بود، چون حجاب نداشتن، همه‌ی اینا با اعصابم بازی می کردن، دیدم کم تر دنبال شون کنم، واقعاً روانم راحت تره، کم تر حرص می خورم.

- از چه پیج‌هایی توی اینستاگرام اخبار رو دنبال می کردی؟

بی بی سی پرسن، ایران اینترنشنال، آنفالوشون کردم ولی.

- قبل از این که دنبال شون کنی، چه دیدی به اوضاع اقتصادی و سیاسی داشتی؟

هر چی اخبار کم تر ببینی، کم تر می دونی چه خبره و کم تر حرص می خوری. اون موقع هم اندازه چند وقت پیش پیگیر اخبار نبودم، با این که اتفاقای مهم و داغون رو می دونستم، ولی زیاد دقیق اخبار رو پیگیر نبودم، کم تر حرص می خوردم.

- پس از قبل هم دید مثبتی نسبت به اتفاق‌های سیاسی نداشتی؟

نه، نداشتم.

- ولی بعد از دنبال کردن اخبار از طریق پیج‌ها، دیدت منفی تر شد؟

نمی شد که نشه».

«- چه محتواهایی رو دوست نداری که اعصابت رو بهم می ریزه؟

اخبار منفی.

- مثلاً چه اخباری؟

اخبار که توی کشورامون خیلی زیاد شده، همه‌اش گرونی، گرونی، گرونی و... .

یا همه‌اش اخبار دزدی و چه می دونم این طرح صیانت.

- طرح صیانت چی هست؟

طرح صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی.

- با طرح صیانت مخالف هستی؟

مگه کسی هم هست که موافق باشه؟ البته به جز نماینده‌های اح** مجلس.

- چرا با این طرح مخالف هستی؟

چون با عملی شدن این طرح ایران دقیقاً فلج می‌شه، ارتباطمون با کل دنیا قطع می‌شه و می‌شیم یه کشور بدتر از کره شمالی.

- چرا؟

چون هدف ملی کردن اینترنت، یعنی استفاده از شبکه‌های مجازی ایرانی، این یعنی هر چی سیاست گذارا تعیین کنن می‌تونیم بدونیم، هر چی رو منع کنن، هیچ اخباری نمی‌تونیم از شون داشته باشیم. دقیقاً مثل چین.

- چرا مثل چین؟

چون اونا هم همین طوری هستن، شبکه‌های مجازی چینی دارن و اینترنت ملی هم دارن، چند وقت پیش توی اینستاگرام خوندم یکی از بازیگرای چینی سر یک مسأله‌ای با دولت چین دعواش می‌شه، اونا هم تمامی حساب‌های کاربری اون بازیگر رو توی شبکه‌های اجتماعی چینی می‌بندن و عکساش رو از همه جا پاک می‌کنن.

یه کاری می‌کنن که انگار همچین فردی وجود خارجی نداشته. این اتفاقی هست که در آینده می‌تونه برا همه‌ی ما داخل ایران بیفته، با این طرح مسخره.

- نظر دوستان خودت درباره‌ی این طرح چی هست؟

اونا هم خیلی ناراحت ان، کلاً مردم واقعاً سر این طرح عصبی هستن، تمام کامنتایی که دیدم سر این قضیه، فحش به مسوولین کشور بود».

«- آیا این فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که توی اینستاگرام انجام می‌شه رو اصلاً مفید می‌دونی، یعنی به نظرت یک اصلاح و تغییر واقعی می‌شه به دنبال این‌ها رخ بده؟

والا من فکر می‌کنم با یک انقلاب درست و حسابی می‌تونه تغییر بکنه! و خیلی‌ها هم توی اینستا دنبال این هستن.

- یعنی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی که در اینستاگرام انجام می‌شه رو به چشم مقدمه‌ای یا زمینه‌چینی برای اون انقلابی که در موردش صحبت می‌کنی، نگاه می‌کنی و دوست داری انجام بدی و دنبال کنی؟

بین به نظرم بعیده به این زودیا اتفاق بیفته، به خاطر نوع خلق کلاً مردم ایران، انگار خیلی اهل اعتراض و اینا نیستن، اما همین اخیراً که اعتراضات شده بود، سر آب توی خوزستان، خب دیدی که چه قدر

مردم رو آزار دادن و واقعاً حق مسلم شون رو زیر پا گذاشتن، برای همین فکر می‌کنم با این حالا نیروی نظامی که برخلاف مردم ایران داره قدم برمی‌داره، خب مردم می‌ترسن این کار رو بکنن. اما فعالیت‌های اینستاگرامی، فکر کنم یک تعدادشون در همین جهت هست و منم حمایت شون می‌کنم».

نقد دینی نظام (به تبع نقد سیاسی)

مسأله افزایش، کاهش یا بدون تغییر ماندن دینداری جوانان، مقوله مهمی است که پژوهش مدونی در این ارتباط وجود نداشته، سایر پژوهش‌ها نیز به شکل مستقیم این مسأله را در ابعاد و وجوه مختلفش مورد بحث و بررسی قرار نداده‌اند. هر چند از برخی از پژوهش‌های اجرا شده، داده‌هایی مانند کاهش میزان نمازگزاران در گذر زمان، قابل احصا است.

«طالبی در سال ۱۳۷۴، در بررسی که در سطح ۱۸۴۵ دانشجوی انجام داده است، یادآور می‌گردد که ۷۲/۷٪ از جمعیت مورد بررسی وی بیان داشته‌اند که همیشه نماز می‌خوانند. ایسپا در سال ۱۳۸۰ در بررسی که در سطح ۲۵۰ نفر از دانشجویان تهرانی داشته است، رقم ۷۶٪ موافق و خیلی موافق با ادای نماز یومیه را گزارش می‌کند. خراطیان خامنه در سال ۱۳۸۲ گزارش می‌دهد، ۷۵/۶٪ از دانشجویان دانشگاه تبریز، در بررسی وی موافقت خود را با نماز خواندن، اعلان داشته‌اند. مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی در سال ۱۳۸۳ در بررسی که در جمعیتی بالغ بر ۸۷۵ نفر دانشجوی داشته است، رقم ۶۵/۴٪ موافق با پایبندی به دین را به دست آورده است. غیاثوند در سال ۱۳۸۴ در بررسی یک جمعیت ۱۲۴۵ نفری از دانشجویان، نتیجه گرفته است که ۶۶/۶٪ از آنان، خواندن نماز به شکل فرادا را مورد تأیید قرار داده‌اند. سرانجام خدایاری فرد و همکاران در سال ۱۳۸۸، در بررسی ملی که در سطح ۲۱۷۹ نفر دانشجوی انجام داده است، نتیجه گرفته‌اند که ۵۸/۵٪ از جوانان همیشه یا اکثر اوقات نماز می‌خوانند.

بعضی از پژوهش‌های دیگر، نتیجه گرفته‌اند که با افزایش سن، از میزان انجام رفتارهای دینی جمعیت مورد بررسی، کاسته شده است. منطقی در سال ۱۳۸۱، در بررسی تحولی که در زمینه شناسایی راهکارهای درونی سازی کردن ارزش‌های دینی در سطح دانش‌آموزان دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی داشته است، گزارش می‌دهد که میزان علائق دینی دانش‌آموزان از راهنمایی در قیاس با دبستان و از دبیرستان در قیاس با راهنمایی، در سطح هر دو گروه دختران و پسران کاهش یافته است. رحیمی‌نژاد و منصور در سال ۱۳۸۰ کاهش هویت دینی در بین دانشجویان کارشناسی طی سال اول تا چهارم را در پژوهش خویش مورد تأیید قرار داده‌اند. سفیری و غفوری در سال ۱۳۸۸ نیز در بررسی

میدانی که در سطح جوانان ۱۸-۲۵ ساله داشته‌اند، گزارش می‌دهند که با افزایش سن و تحصیلات، هویت دینی افراد کاهش می‌یابد.

گذشته از کاهش میزان دینداری جوانان، برخی از یافته‌های پژوهشی از تحولات کیفی دینداری جوانان یاد می‌کنند.

ربانی خوراسگانی و صفایی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ در بررسی وضعیت دینداری جامعه تحقیق، به بررسی صحت و سقم نظریه فرامادی گری رونالد اینگلهارت، پژوهشگر تحولات ارزشی و فرهنگی پرداخته‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که نتایج حاصل از پژوهش در جهت تأیید نظریه اینگلهارت است که بیان می‌دارد، در جوامع (صنعتی)، تحولی از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی به وقوع پیوسته است که روند این تحول در جهت کاهش نگرش‌های دینی جوانان و گرایش بیش‌تر آن‌ها به ارزش‌های فرامادی (در مقایسه با بزرگ‌ترها) است.

توسلی و مرشدی در سال ۱۳۸۵، در بررسی دینداری دانشجویان، گزارش می‌کنند: باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پایداری آنان به انجام دادن مناسک فردی دینی در حد متوسط به بالایی است، اما پایداری آنان به انجام دادن اعمال جمعی دینی در حد کم ارزیابی می‌شود. همچنین گرایش به دین خصوصی، برخورد گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی رواج زیادی بین دانشجویان دارد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد داده‌های تجربی تا حدودی مؤید دیدگاه نظری پیتز برگر است که از منظر سازه‌گرایی اجتماعی بیان می‌دارد، با توسعه نهادهای مدرن در جوامع در حال توسعه، نه تنها نسبت نهاد دین با دیگر نهادهای اجتماعی دستخوش تحول می‌شود، بلکه مجموعه آگاهی‌های همراه با نهادهای مدرن، سطح و شیوه دینداری افراد را نیز تغییر می‌دهد. ذوالفقاری در سال ۱۳۸۹ نیز از وجود قرائت‌های دینی مختلف در سطح دانشجویان یاد می‌کند «(به نقل از منطقی، ۱۳۹۰ الف).

منطقی (۱۳۸۹)، در گزارش تحولات قرائت دینی جوانان می‌نویسد: اگر در یک طبقه‌بندی کلی، جوانان را از نظر دینداریشان به سه طبقه منطبق با دینداری رسمی (دینداری تبلیغ شده از سوی نهادهای تبلیغاتی نظام)، معترض به قرائت رسمی دینی و دین ستیز تقسیم کنیم، گروه دوم همزمان با نقد قرائت دینی رایج در جامعه، به ارایه مختصات دینداری مورد پذیرش خود دست می‌زنند. این جوانان در نقد قرائت دینی رسمی، از مواردی مانند: نقد القای تحمیلی دین، بسته‌نگری و جزم اندیشی، نقد رفتار حافظان هنجارهای نظام دینی، عملکرد آسیب‌زای مدعیان دین‌داری، نقد برخورد ابزاری با دین، ناتوان جلوه‌گر شدن روحانیت در عرصه اجتهاد پویا، برخوردهای ریاکارانه با دین، تخدیری واقع

شدن دین، آمیختگی گسترده دین با حزن و اندوه، نقد طرح چهرهای خشن برای دین، نقد پذیرش موروثی دین، نقد صوری و شعاری شدن دین، نقد مراسم دینی، ابهام‌های آمیخته با دین، نقد درخواست تبعیت محض از پیروان، دید غیراستدلالی دین، عدم توانایی دین در پاسخ به شبهات عصری، طرح دین به عنوان عامل عقب افتادگی جامعه، اعتقاد به تحریف شده بودن دین، نقد افراط و تفریط‌های دینی، ضعف‌های مفرط تبلیغاتی و سرانجام نقد کوتاهی مسوولان در بسترسازی مناسب برای تحقق دین؛ یاد می‌کنند. جوانان اخیر در توصیف قرائت جدید دینی خودشان، از مواردی مانند: استقبال از برخورد تحقیقی - تجربی با دین، به چالش کشیدن برخی از آموزه‌های دینی، استقبال از جدایی دین از سیاست در جامعه - سکولاریسم -، فاصله گرفتن از دید آرمان‌گرایانه، نگاه دوستانه‌تر به خدا، توجه به باطن دین، منعطف‌تر دیدن دین، کاهش ابعاد پیامدی و مناسکی در سطح جوانان، تفسیرهای جدید و نگاه جدید به دین، یاد می‌کنند.

فارغ از آن چه در تحول‌های کمی و کیفی دینداری جوانان از آن یاد شد، به نظر می‌رسد، گره خوردن دین با سیاست در کشور، به وجهه دین آسیب بسیاری وارد آورده است. ریحانه ۱۸ ساله و علی ۱۹ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خودشان، در نقد سیاسی نظام تأکید داشته‌اند که سیاست به اسم دین، دنبال حکومت کردن بر مردم بوده و با نام دین، آزادی‌های مردم را سلب کرده است:

«- دین رو قبول داری؟»

من معتقدم یه چارچوبی باید باشه توی رفتار آدم که از خط قرمز رد نشیم، ولی خب این چارچوبی که اینا برای ما ساختن رو قبول ندارم.

- چرا؟

خب چون به نظرم الکیه و برای نفع خودشونه، من ترجیح می‌دم خودم با چارچوب خودم پیش برم.

- چارچوبت چی هست؟

خب این که به کسی آزار نرسونم، کسی رو نرنجونم، آدم درست کاری باشم.

- شما از طریق اینستاگرام این‌ها رو متوجه شدی؟

نمی‌شه بگی اینستا تأثیر نداره، چون توی اینستا با یه عالمه افکار روبه‌رویی و خب وقتی می‌بینی، ترجیح می‌دی اونی که درست‌ترین هست رو برای خودت انتخاب کنی، من خودم می‌بینم دیگه، این همه آدم توی خارج با دینای متفاوت هیچ‌کدوم اندازه‌ی کشور ما اجبار و دروغ توش نیست، خب اگه کشور ما خیلی کشور مذهبی و دینی هست، پس چرا این قدر توش فساد و دروغ زیاده، اگر

خارجیا کافر هستن، چرا این قدر فساد مالی و دروغ توشون کمه و آدمای موفقى اند؟ می دونی آدم می شینه یه سری چیزا رو می ذاره کنار هم، متوجه می شه همه ی اینا الکیه، هدف اصلی خدا هم اینه که ماها آدمای مهربون باشیم و به هم ظلم نکنیم، سعی کنیم، درست زندگی کنیم، نه این که واسش نماز و روزه و حجاب مهم باشه، آخه یعنی چی مثلاً کسی که نماز و روزه اش پا برجاست، حجابشم رعایت می کنه، ولی آزار می رسونه به بقیه و دروغ می گه، می شه مسلمون درجه یک، بعد کسی که بی حجاب، ولی درست کاره، می شه کافر و خدا هم می برتش جهنم؟ آخه این با عقل جور درمیاد؟ جور درنمیاد دیگه...، اینا الکی این جورى می گن ما رو زیر سلطه ی خودشون ببرن و هر بلایی خواستن سرمون بیارن به اسم دین و خدا، بعدم ما لال بشیم».

«- این پیجی که گفتی دقیقاً محتواش چی هست؟

خیلی از مسایل اجتماعی ایران، سیاست های... نظام و سوءاستفاده هایی که با دین از مردم می کنن رو درباره شون صحبت می کنه، همچنین عقاید اشتباه و عهد بوقی خیلی از دین داران رو نقد می کنه.

- مثلاً چه سوءاستفاده هایی؟

نظام دیگه، مثلاً به اسم دین همه آزادی ها و حقوق بشر رو از مردم گرفتن و می خوان اون حرف های مزخرف خودشون رو توی کله مون کنن، البته یه بخشیش هم از خود دینه که خب این پیج، اون رو هم نقد می کنه».

نسترن ۱۷ ساله به صراحت از این یاد می کند که عملکرد برخی از مدعیان دینداری، در حال بی دین کردن وی است:

«این جا رو هم دوست دارم و هم دوست ندارم، دوستش دارم چون دوستانم این جان و دوستش ندارم، چون همون قدر که بهم چیزهای ارزشمند داد، چیزهای ارزشمندتری مثل علایقم، استعدادم، عمرم و شادی و خوشیم رو ازم گرفت، باور کن منم خدام رو دوست دارم، ولی اینا با کاراشون خدای من رو هم دارن ازم می گیرن، به قول یه فیلمی (وطن یعنی هیچ یک از اینها نباید اتفاق می افتاد)، دلم برای ایرانم می سوزه که یک عده لا... افتادن به جونش و ازش تغذیه می کنن».

در بررسی تحولات دینی نوجوانان و جوانان می توان بیان داشت، به جز گروه اندکی که عیناً در صدد تحقق دین تبلیغ شده توسط مسوولان نظام برآمده اند، اقبال زیادی از جوانان در قرائت دینی خود تحولات قابل توجهی را گزارش کرده و عده دیگری کلاً از دین کناره گرفته اند.

اگر در این قسمت توجه خود را صرفاً معطوف به گروه دوم کنیم، برخی از جوانان گزارش داده اند که از دین از سویی به دلیل عملکرد نامناسب مدعیان دینداری و از سوی دیگر به سبب القائات ضد دین موجود در فضای مجازی فاصله گرفته اند:

«- ترانه قبل از این که وارد اینستاگرام بشی از نظر اعتقادی چه طور بودی؟

مثلاً به خدا اعتقاد داشتیم، ولی به دین اینا نه، چون به نظرم دین یه چیزیه که توی کشور که به دنیا می‌ای، خودشون دین رو برات انتخاب می‌کنن، مثلاً آدم رو مجبور می‌کنن که مسلمون باشه، ولی شاید اصن یکی نمی‌خواد کلاً دین داشته باشه، این جور آدم رو از دین زده می‌کنن.

- بعد از این که وارد اینستاگرام شدی، در اعتقادات تغییری ایجاد شد؟
آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً همون که چیزی گفتم، مث همون مسایل حجاب و اینا، مثلاً اینقد می‌گن فلانی موش بیرون باشه، می‌ره جهنم، بعد می‌رن بهش تذکر می‌دن و گند می‌زنن به اعصابش، مثلاً من ویدیو دیدم توی اینستا که پلیسه زنه روز زده که چرا مثلاً موهاش بیرونه، همینا آدم رو از دین متفر می‌کنه دیگه» (ترانه، ۱۵ ساله).

مهسای ۱۶ ساله و الناز ۲۴ ساله، در بیانات خود از تحول قرائت دینی خویش به شرح زیر یاد کرده اند:

«- گفتمی که خیلی به خدا اعتقاد داری، یک کم بیش تر توضیح می‌دی که منظورت از اعتقاد چی هست؟

من بیش تر به خدا اعتقاد دارم، البته دین اسلام رو هم قبول دارم، ولی خب باز می‌گم که این دین‌ها باعث شده خیلی دعوا بشه و این جور چیزا، یعنی اگه بخوام خودم رو بگم، من نماز نمی‌خونم، روزه نمی‌گیرم، ولی اصلش اینه که به خدا اعتقاد دارم و سعی می‌کنم انسان خوبی باشم. مثلاً به حیوونا آسیب نرسونم، آدم‌ها رو اذیت نکنم و فحش ندم».

«... زمانی که نمی‌دونستم، مذهبی تر بودم، مثلاً اون موقع‌ها همه نمازهام رو به موقع می‌خوندم، روزه می‌گرفتم، حتی یک زمانی، نماز شب هم می‌خوندم من، ولی بعد از این که یه سری شک برام به وجود اومد و رفتم دنبالش، دیگه خیلی دوست نداشتم که ادامه بدم، یعنی همه‌اش احساس می‌کردم که همه‌اش دروغ بوده و بعد فکر کردم که خیلی خالصانه نیست، این کاری که من دارم انجام می‌دم، صرفاً دارم نماز بخونم، صرفاً دارم دولا و راست می‌شم، ولی هیچی ازش نمی‌دونم، خب هیچ چه

ارزشی داشت که بخوام این کار رو انجام بدم و اصلاً چون خیلی به این مسایل فکر می کردم، هم‌ااش این توی ذهن من بود که من دارم یک کاری را فقط از روی عادت و ترس و اجبار انجام می دهم، به خاطر همین کلاً این‌ها را گذاشتم کنار و تصمیم گرفتم تا زمانی که به یقین نرسیدم ادامه‌اش ندم.

- الان شما به یقین رسیدید؟

نه، الان هم به یقین نرسیده‌ام، ولی دیگه دغدغه‌ی ذهنی من نیست که بخوام دنبالش باشم، نمی دونم چه اتفاقی افتاد، شاید درگیر مسایل دیگه‌ای شدم و کلاً جهت زندگی من شاید، یه جورای دیگه‌ای عوض شد، با آدم‌هایی آشنا شدم که خیلی در فکر این مسایل نبوده‌اند و این اصلاً کلاً باعث شد من فراموش کنم، یک موقع‌هایی بهش فکر می کنم قرار بود که مثلاً دیگه نماز نخونم تا زمانی که خودم به یقین برسم و ولی خب وسط راه انگار که دیگه زده شدم و حوصله نداشتم که ادامه‌اش بدم و انگار بی خیالش شدم.

- الان هم قصد ندارید که دنبالش برید، می‌خواهم بدونم که توی پیج‌هایی که الان دنبال می کنید، باز هم پیج‌هایی هست که تم مذهبی داشته باشه یا حتی همون پیج‌هایی که بخواید شبهه برای تون ایجاد کنه؟

الآن دغدغه من دیگه نیست، ولی نه پیج‌هایی که بخواد مذهبی باشه یا حتی بخواد خلاف اون هم باشه که بخواد در من شبهه ایجاد کنه، دیگه هیچ کدوم رو دنبال نمی کنم، چون به این نتیجه رسیدم که چه کار بیهوده‌ای هست، یعنی هر چیزی که بوده، مهم اینه که من آدم درستی باشم، درست زندگی کنم، انسانیت داشته باشم، حالا هر اعتقادی می‌خوام داشته باشم».

رؤیای ۱۵ ساله و درسای ۱۶ ساله هم در مصاحبه‌های خود به ارایه مصادیقی از تحول قرائت دینی خویش پرداخته اند که تحولاتی به مراتب شدیدتر از آن چه مهسا و الناز از آن یاد کرده اند، محسوب می شوند:

«- به نظرت این کار از لحاظ اخلاقی درست هست؟

اخلاق کیلویی چنده؟ مگه ماها خیلی انسانیت رو رعایت می کنیم که حالا نشون دادن بدن جز اخلاقیات محسوب بشه.

- از لحاظ اعتقادات دینیت چه طور، با اون‌ها مغایرت نداره؟

من به دین به اون معنا اعتقاد ندارم، دینی که من قبول دارم به این مسایل کاری نداره.

- اسم دینت چی هست و از کجا اومده؟

اسم خاصی نداره، از آگاهی و دانش به دست اومده.

- اینستاگرام هم در به دست آوردنش کمکت کرد؟

آره خوب، اطلاعات مفید خوبی توش داره که چشمت رو به جهان باز می‌کنه.

- مثل چی؟

خیلی زیادن، الآن خیلی یادم نمیداد، اما کلاً توی اینستا خوندم که این زمین و ما از کجا اومدیم و خدا به اون معنی ترسناک وجود نداره، یه انرژیه که می‌خواد به ما کمک کنه.

- آگه قبل از این که با اینستاگرام آشنا بشی از شما درخواست می‌شد عکس بدنت رو بگذاری توی فضای مجازی، چی می‌گفتی؟

خب اون زمان شاید به راحتی قبول نمی‌کردم.

- چرا؟

چون خیلی بیش‌تر خجالت می‌کشیدم، اما الآن که می‌بینم همه انجام می‌دن و یه اتفاق عادیه».

«- حالا می‌خوام نظرت رو در مورد ایران بدونم، به نظرت ایران چه جور جایی هست؟

ایران کشور خوبی، ظرفیت این رو داره که خیلی جای بهتری بشه، حیف که آزادی نداریم.

- آزادی چی؟

هیچی نداریم، فقط مجبوریم بریم رستوران، تنها تفریح ما شده خوردن.

- دلت می‌خواست چی داشته باشی؟

اول از همه این که روسری نمی‌داشتیم، چارقد به سر و لچک به سر نبودیم، هر لباسی که می‌خواستیم می‌پوشیدیم، این‌جا توی این هوای گرم جنوب، باید مانتو و روسری بپوشیم، خب ظلمه دیگه.

- دیگه چی؟

مثلاً دریای به این خوبی داریم، اما زنونه، مردونه جداست، می‌خوای بری پلاژ، صدفبار می‌گردنت که موبایل نبری یه وقتی عکس‌نگیری.

- چه عکسی؟

از آدما توی قسمت زنونه که با مایو هستن عکس‌نگیری.

- خوب به نظرت اشکالی نداره که آدم عکس بگیره؟

نمی‌گم عکس بگیریم، ولی این قدر محدود کردن، همه منتظرن یه عکس از استخر و دریا یا باشگاه زنونه لو بره، توی کشورهای دیگه عادیه، هیشکی نگاهم نمی‌کنه

- این رو از کجا می‌دونی؟

واقعیت‌ها اینه.

- توی اینستاگرام همین چیزها رو دیدی؟

دقیقاً، همون جا دیدم مردم راحت می‌رن دریا، با هر کی دل شون می‌خواد یا با عشق شون می‌رن دریا، با خواهر و برادر با هم میان استخر خانوادگی، با بچه‌هاشون میان استخر.

- این رو مثلاً کجا دیدی؟

پیج آدم‌هایی که فالو دارم، بلاگرهایی که ایران نیستند و ترکیه، کانادا یا جاهای دیگه جهان.

- نظر خانواده‌ات هم در این مورد مثل شما هست؟

نه، این یکی رو دیگه خوش شون نمیاد.

- شما خودت همیشه موافق بودی که استخر و دریا زنانه و مردانه قاطی باشه؟

یادم نمیاد از کی این جور بودم.

- یعنی تأثیر اینستاگرام و دیدن دریا رفتن همین بلاگرها و مردم کشورهای دیگه بوده یا نه؟

بوده، ولی فقط به خاطر اینستا نبوده، ببینید، درسته که من می‌بینم اونا می‌رن، می‌بینم که آزاد هستن،

ولی فقط دیدن هم نبوده، چه جور بگم، فقط به این دلیل که می‌دونم بقیه اون جور می‌رن،

نمی‌گم ما چرا نمی‌ریم، به نظر من این موضوع یک چیزی فراتره.

- خوب این نظر فراتر رو می‌تونم بدونم؟

بله، ببینید من می‌گم فرقی بین زن و مرد نیست که زن‌ها مجبور هستن برن یک قسمت کوچیک از

دریا که دور تا دورش حفاظ و پرده زدن، ولی مردها آزاد باشن، بدن بدنه، مرد و زن نداره.

- نظرت در مورد جذابیت‌های جسمانی بدن چی هست؟

دقیقاً، دارم می‌گم اگر جذابیت وجود داره، برای بدن هر دو نفر وجود دارد، چه فرقی داره، یه جنس

خودش رو بپوشونه یه جنس آزاد باشه، اگر از اول این قدر بین شون فرق نمی‌داشتن، همه‌ی مردها

حریرص و هیز نمی‌شدند.

- پس می‌گی زن و مرد باید عین هم باشن؟

من خیلی به برابری حقوق زن و مرد اعتقاد دارم.

- یعنی به نظرت عیبی نداره لباس شنا پوشی و در کنار مردهای غریبه باشی؟

نه، چه اشکالی داره، باید عادی‌سازی بشه، اگر هم مردی براش عادی نبود، تقصیر خودشه، بدن منه،

حالا با دیدن اون چیزی از من کم نمی‌شه.

- این حرف‌هایی که شما الآن داری به من می‌زنی از کجا توی ذهنت پیدا شدند؟
با مطالعه و تفکر.

- اینستاگرام هم سهمی داشته؟
بله، داشته.»

شواهدی که به اجمال از آن‌ها یاد شد، دلالت بر آن دارند که با آمیخته شدن دین با سیاست، دینداری افراد که در جهان معاصر، با برخی از تحولات کیفی مواجه بود، با کاستی‌ها و اشتباهات سیاسی مسوولان آسیب خورده و عامه مردم تاوان اقدام‌ها و خسران‌های سیاسی مسوولان را به حساب دین گذاشته، از آن فاصله می‌گیرند.

فصل دوم: ورود به اینستا و کاربری از آن

در بررسی اثرهای کاربری نوجوانان و جوانان از شبکه اجتماعی اینستاگرام، عناوین زیر به اجمال مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی - به عنوان منابع ارزشی جدید-، پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذایقه و عادات غذایی کاربران، تحول آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء مصرف مواد، سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیرموثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به

هشتگ‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی.

امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک

یکی از آثار شاخص کاربری از اینستا، اثرات آموزشی اینستا است که بسیاری از کاربران بر روی آن تأکید و اذعان داشته‌اند.

اثرهای آموزشی اینستا را می‌توان در فراهم آوردن بستری مساعد جهت تحقق آموزش و یادگیری فعال، ارایه مباحث کمک‌درسی، ارایه برخی از آموزش‌های غیردرسی و مانند آن‌ها دید.

آموزش فعال که از سوی پیازه مطرح شده است، به معنای فعال بودن فرد در محیط آموزشی و تحقق یادگیری توسط خود فرد در محیط هست. از منظر پیازه آموزش‌های دیگر (حتی اگر به فرض معلم، اسید و باز را روبروی دانش‌آموز ترکیب کرده، نمک حاصل از آن را به آن‌ها نشان دهد)، آموزش متمرکزی نیستند و تنها آموزشی که فرد در جریان یادگیری شخصاً دست به کوشش و تلاش زده و با رفع موانع احتمالی، خودش اطلاعات مورد نظر را به دست آورده است، آموزشی است که در ذهن فراگیر، اثرگذار واقع خواهد شد.

برخی از افراد مصاحبه شده در مصاحبه‌های خودشان از تحقق آموزش فعال یاد کرده، گزارش داده‌اند که مواردی مانند: برنامه‌نویسی، یادگیری عملی بازاریابی و فروش، ادیت کردن، نقاشی و نظایر آن‌ها را با استفاده از منابع آموزشی موجود در اینستا فراگرفته‌اند.

اشکان ۲۱ ساله از یادگیری برنامه‌نویسی در جریان کاربری از اینستا یاد کرده است:

«- درباره برنامه‌نویسی چه مطالبی رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟»

من شغل اصلیم برنامه‌نویسیه. من از راهنمایی دنبال کارای گرافیکی و برنامه‌نویسی بودم، اما دلیل اصلی که این قدر خوب تونستم برنامه‌نویسی رو پیش ببرم یه دوره آموزشی طراحی سایت بود که ۴ سال پیش خریدمش. خیلی مفید بود و باعث شد بعد کنکور کار کنم».

پگاه ۱۷ ساله در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که وی تجربه بازاریابی و فروش خود را از اینستا فراگرفته است:

«- پیج کاری مامانت راجع به چه کاریه؟»

مامانم کار با چوب انجام می‌ده. چیزای مختلف ریز و هنری می‌سازه. معرق کاری می‌کنه. گردنبند و گوشواره و مجسمه و تابلو و میز و خیلی چیزای دیگه می‌سازه من اونا رو تو این پیج می‌فروشم.

- موفق بودی توی این پیج؟

آره خیلی خوب بوده توی یک سالی که مدیریتش کردم. هم تونستم کلی چیز بفروشم و هم خودم خیلی چیزا یاد گرفتم.

- چه چیزهایی یاد گرفتی؟

راجع به بازاریابی و فروش و حرف زدن با آدم‌ها و این جور چیزا».

بهر روز ۱۸ ساله و راد ۱۶ ساله، در بیانات خودشان از فراگیری ادیت عکس و فیلم در اینستا سخن گفته اند:

«- مثلاً برای چه آموزش‌هایی اینستاگرام می‌ری؟»

خب برای کارای مختلفی می‌رم، مثلاً پیج‌های گیمینگ بعضی موقع‌ها نکاتی رو می‌گن که باعث می‌شه نوع بازی تو بازای مختلف قوی‌تر بشه.

یا حتی شیوه‌های استریم کردن یا این که چه طوری می‌شه به یه یوتیوبر تبدیل شد رو یاد می‌گیرم که شاید یه روزی به دردم خورد.

- خوب بهروز جان چندتا نمونه از پیج‌های آموزشیت به جز گیمینگ رو می‌گی؟

Englishhints

English_code

آموزش‌های ادیت و این‌ها رو توی اکسپلور می‌بینم بیشتر، اگه چیز خاصی بخوام سرچ می‌زنم».

«- الان بیشترین استفاده‌ات از گوشت چی هست و چه برنامه‌هایی روی گوشت داری؟»

من همه چی دارم.

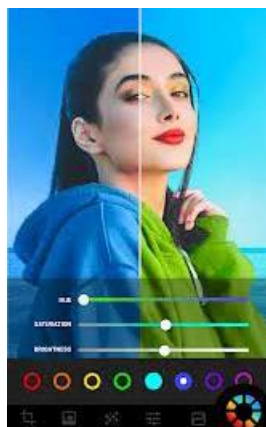
- می‌تونی چندتا از این همه چیز رو به من بگی.

از اینستا گرفته تا واتساپ، به علاوه یه سری برنامه‌های کاربردی مثل ورد و پاورپوینت که به درسم

مربوط ان و برنامه‌های دیگه که به درس مربوط نیست.



- برنامه‌هایی که به درس مربوط نیستن چی هستند؟
برنامه‌های ادیت و برش ویدیو، برای اینستا مورد نیازه.



- عکس و ویدیو ادیت می کنی و در اینستاگرام می گذاری؟

آره، هم برای ادیت، هم حجم شون رو کم و زیاد می کنم.

- چه طوری ادیت می کنی؟

اون عکس و فیلم رو بخوام کات می کنم یا روشن فیلتر می ذارم، برای این که رنگ شون بهتر بشه، جذاب تر بشه».

دُر سَای ۱۷ ساله هم از یادگیری نقاشی در اینستا یاد کرده است:

«- همین یک بار بود؟

آره، حالا نقاشی های بیش تری توی پیج گذاشتم که زیاد بشه، دارم تبلیغ هم می کنم تا معروف تر بشم.

- چه جور تبلیغ می کنی؟

این جوریه که پیج های معروف اینستاگرام به پولی می گیرن، پیج من رو استوری می کنن و تبلیغ می شه برام.

- عکس پیجت رو نشون می دن؟

آره، بستگی به نوع تبلیغ و پیجش داره، بعضی ها عکس پیج و عکس کارهام رو می ذارن، بعضی وقت ها هم صاحب پیج که آدم معروفیه، یک ویدیوی چند ثانیه ای درست می کنه و در مورد پیج من توضیح می ده و حرف می زنه، تعدادیه.

- یعنی چی تعدادی؟

مثلاً چند بار بخوای تبلیغ و معرفی شه، قیمتش متفاوته، یه هفته سه بار، چند هفته ای و این مدلی.

- الان این تبلیغی که کردی تأثیری هم داشته؟

آره، تعداد ویو و فالورام رفت بالا، چندتا هم دایرکت برای آموزش آنلاین گرفتم، چند نفر برای بچه هاشون خواستن، قراره هماهنگ کنیم.

- آموزش نقاشی به صورت آنلاین هم می دی؟

تازه شروع کردم، یعنی قراره به دوتا بچه با ویدیو کال یاد بدم.

- پس درآمد کسب می کنی؟

آره، زیاد نیست، ولی همین هم خدا رو شکر برای سن من خوبه».

مرجان ۲۱ ساله و نسترن ۱۷ ساله هم از فنی شدن کاربران در جریان کاربری از فناوری‌های ارتباطی یاد کرده اند:

«- چه طوری می‌تونی ذات آدم‌ها رو بدون رودرویی بشناسی؟

تو می‌تونی پیج طرف رو هک کنی یا پیج فیک درست کنی، کسایی که بهشون شک داری رو فالو کنی، دوستم به دوست پسرش شک کرد، بهش رسیده بود که یه دختره با دوست پسرش عکس گذاشته، پیج فیک زد، هم دختره رو فالو کرد، هم دوست پسرش رو، بعد فهمید دوست پسرش با این دختره عکس می‌داشته، ولی هایدش می‌کرده».

«- محتوای ویدیوهای فاطمه تیموری چی هست؟

خب اونم مثل پریسا از مسایل روزمره درست می‌کنه، ولی پریسا کلیپ‌هاش متنوع‌تره به نظرم، چون هم نقش مرد رو خوب بازی می‌کنه و هم زن رو! گرم‌های پریسا بهتر از فاطمه است و هم این که پریسا صدایش خیلی بامزه و بچه‌گونه‌تر از فاطمه می‌زنه و هم این که با نرم افزار اینا که خب حالا من زیاد نمی‌دونم از چی استفاده می‌کنه، صدایش رو ادیت می‌کنه که فان‌تر می‌شه».



گذشته از نقش ارزشمند اینستا در ایجاد بستری جهت تحقق آموزش فعال، برخی از صفحات موجود در اینستا اهداف آموزشی را مورد نظر قرار داده اند و به ارایه اطلاعات تکمیلی و کمک درسی به کاربران اقدام ورزیده اند.

«- استفاده‌های مستقیم درسی هم داشتی از اینستاگرام؟

آره، با بعضی صفحات مثل فرادرس و مکتبخانه آشنا شدم از طریق اینستاگرام که نتیجه‌اش خرید برخی دوره‌های آموزشی ازشون بود که به درسام خیلی کمک کردند» (اشکان، ۲۱ ساله).



مکتب‌خونه

«... خب خویش اینه که من خیلی وقتا که دارم یک مطلبی رو می خونم، توی اینستا توی هشتک‌ها رو سرچ می کنم، کلی مطلب، فیلم و آزمایش ازش میاره که خیلی توی یادگیری مطلب کمک می کنه» (نرگس، ۲۰ ساله).

آرشام ۲۳ ساله که در رشته معماری تحصیل می کند، در مصاحبه خود از یادگیری اطلاعاتی که مکمل آموزش های دانشگاهی وی هست و امیرعلی ۱۸ ساله، در گزارش خویش از کسب اطلاعات در زمینه مسایل مالی در بستر اینستاگرام، سخن گفته است:

«- بیش تر مسایلی که از معماری یاد گرفتی، دانشگاه و کتاب مؤثر بوده یا اینستاگرام؟ قطعاً! اینستاگرام».



«- پیچ دیگه‌ای هم در زمینه انگیزشی داری که به من معرفی کنی؟
یه پیچ خیلی خوب هست از زمانی که تلاش کردم و تصمیم گرفتم که درست از اینستا استفاده کنم، برای کسب درآمد و یاد بگیرم که درست این کار رو انجام بدم، نه با پیچ فیک و کلی پول خرج کردن. از پیجای خیلی خوبی که چندتا از دوستانم بهم معرفی کردن استفاده کردم، اسمش بیلونری^۱ بود. کلی اطلاعات خوب راجع به سرمایه‌گذاری و نحوه استقلال مالی و اینا رو می‌گه، من بعد از اون و یه پیچ دیگه که اسمش پله به پله است، یاد گرفتم که از اینستا چه قدر می‌شه چیزای خوب یاد گرفت و من الآن تقریباً نصف گالری گوشیم پر شده از عکسایی که اسکرین شات گرفتم از این پیچ. اینا رو یادم بود، چون واقعاً ازشون خوشم می‌اومد، به طور کلی به دید من رو درباره فواید استقلال مالی و نحوه درست کار کردن در این فضا و حتی پول درآوردن ازش جهت داد. برعکس اون پیجایی که باعث می‌شد من همه‌اش پول و وقتم رو از دست بدم. البته مثلاً هنوز پیچ پویان رو دارم، البته دیگه به اون تبلیغات فیکش توجه نمی‌کنم و به هر کسی هم که می‌بینم، تجربه‌ام رو می‌گم».

مهدی ۲۱ ساله و ترانه ۱۵ ساله از کاربری‌های زیست محیطی خود در جریان مصاحبه‌های جداگانه خویش یاد کرده‌اند:

«- بهم گفتید رهبر محیط زیست رو دنبال می‌کنید، می‌شه بهم بگید دلیل این که ایشون رو دنبال می‌کنید، چیه؟

رهبر محیط زیست رو اولاً به دلیل اعتماد به نفس و فن بیانش نسبت به سن‌هاش و ثانیاً به دلیل این که بیش‌تر سخنرانی‌هاش به زبان انگلیسیه، باعث تقویت زبان می‌شه.
- من گرتا تنبرگه رو نمی‌شناسم، می‌شه یه توضیح کوچیک بدید درباره‌ی این که دقیقاً فعالیت ایشون چیه؟

سال ۲۰۱۳ بود یا این که ایشون سیزده‌سال‌شون بود، دقیق خاطر من نیست که توی اروپا به اعتراضاتی به خاطر گرمایش کره زمین و این که طبیعت و محیط‌زیست داره از بین می‌ره، شکل گرفت و ایشون هم اون جا چندتا سخنرانی داشتند و فکر می‌کنم از اون به بعد لقب رهبر محیط‌زیست رو بهش دادن اون زمان یک دانش‌آموز بود».



«- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی، نظرت راجع به محیط زیست چی بود؟

اون قدر برام مهم نبود، ولی بهش سعی می کردم، مثلاً اهمیت بدم.

- منظورت از اهمیت دادن چی هست؟

مثلاً آشغال نمی ریختم.

- از زمانی که وارد اینستاگرام شدی توجهات نسبت به محیط زیست تغییری کرده؟

آره، مثلاً هم پیش تر شده و هم به بقیه می گم که فلان کار رو نکن، مثلاً یه پست راجع بهش می بینم،

مثلاً می گه آره، فلان جا نباید آشغال ریخت و باید آشغال رو جمع کرد و برای بقیه هم می فرستم.

مثلاً توی دریا آشغال بریزیم، ماهی ها فلان می شن و اینا، مثلاً پلاستیک جذب نمی شه، یه همچین

چیزایی.

- پس منظورت این هست، از زمانی که وارد اینستاگرام شدی آگاهی ات نسبت به محیط زیست

بیش تر شده، درسته؟

آره، آره.»

فرشته و زینب ۲۰ ساله و اشکان ۲۱ ساله از افزایش اطلاعات عمومی خودشان در جریان کاربری از

اینستا یاد کرده اند:

«- درباره ی بهاره کیان افشار صحبت کردی و گفتی که پیجش دغدغه مند هست، می شه پیش تر

توضیح بدی؟

به نظرم آدم خیلی خوبیه، خودش همیشه کمک مؤسسه خیریه می کنه، اصلاً در کل خیلی سعی داره

مردم رو آگاه کنه. گاهی هم از درد مردم توی شرایط این جامعه حرف می زنه، اینا باعث می شن من

فالوش کنم، شخصیت دوست داشتنی ای داره.

- گفتی که پیج سروش صحت هم به شما حس دانایی می ده، منظور چی هست، می شه مثال بزنی؟

خنده داره، ولی خیلی این حس رو بهم می‌ده، نمی‌دونم چه جور بی‌گم، ولی مثل اینه که یکی وقتی می‌گه من سروش صحت رو فالو دارم، یعنی آدم معمولی‌ای نیست، چون خود سروش صحت به نظرم خاص و متفاوت هست. برنامه‌ی کتاب باز که توی تلویزیون هم پخش شد، اونم کلی به نظرم باعث شد من جذبش بشم.

- مطالب داخل پیجش هم آیا این حس دانایی رو به شما می‌ده؟

(می‌خندد) باورت می‌شه زیاد توی پیجش فعال نیست؟ خیلی کم. البته منکر این نمی‌شم که هر وقت پست می‌ذاره، پستش عالیه. در واقع گاهی یه متن کوتاهی توی اینستا می‌نویسه و پست می‌کنه. واقعاً مطالب خیلی زیاد یا فلسفی و این مدلی نمی‌ذاره، ولی متن‌های خیلی کوتاه و فوق‌العاده‌ای می‌نویسه، اما خوب فعالیت‌هاش داخل این جامعه، نه لزوماً اینستاگرام، اصولاً خیلی تأثیر گذارن و این خودش باعث شد، من پیجش رو فالو کنم.

- آیا سروش صحت تداعی کننده کسی هم هست که داخل اینستاگرام هم فالوش می‌کنی؟ نه دقیقاً، خود سروش صحت (می‌خندد). واقعاً به خاطر کارهایی که می‌کنه و برنامه‌های خیلی مفیدی که می‌ذاره من طرف دارشم.

- آیا فالو کردن این پیج به جز این که حس دانایی به شما می‌ده، تأثیرات دیگه‌ای هم داشته؟ باید بی‌گم فالو کردن پیجش نه زیاد، ولی خودش چرا مؤثر بوده، من برنامه کتاب باز رو از تلویزیون گاهی وقتا می‌بینم، خیلی خوبه».

«- اینستاگرام چه قدر روی شناخت نسبت به این جور گرایش‌ها تأثیر گذار بود؟

قطعاً تأثیر زیادی داشت، من قبل از این که برم توی این فضا، حتی نگاهم به اون دوستم این قدر عادی نبود، ولی بعد که شناختم و حرفای آدم‌های دگرباش رو توی اینستا خوندم، واقعاً دلم سوخت، چون به خاطر چیزی که دست خودشون نیست، این قدر بدرفتاری می‌شه باهاشون، البته باز الآن بهتر شده، ترنس‌ها راحت‌تر توی خیابون راه می‌رن، هنوزم هستن کسانی که مزاحم‌شون می‌شن، ولی کم شده.

- می‌شه میزان تأثیر اینستاگرام روی شناختت رو بیان کنی؟

می‌تونم بی‌گم تأثیر ۷۰ درصدی داشت، اون ۳۰ درصد رو هم خودم از قبل می‌دونستم که مثلاً همچین آدم‌هایی با گرایش‌های مختلف جنسی وجود دارن، از طریق دوست و مدرسه و اینا».

«- تا حالا تجربه مثبت هم از اکسپلور داشتی؟

آره، خیلی پیش اومده. مطالبی درباره برنامه نویسی، طراحی سایت و طراحی یا مطالبی درباره فیلم و موسیقی در اکسپلور دیدم که به کارم اومده».

رضای ۱۸ ساله از یادگیری‌های تاریخی خویش و الناز ۲۴ ساله از یادگیری آشپزی در طبیعت در اینستا سخن گفته اند:

«- توی اینستاگرام شده پیج‌هایی دنبال کنی که اطلاعات عمومیت زیاد بشه؟ آره، یه پیجی بود در مورد افراد نابینا گفته بود که اینایی عصاشون علاوه بر رنگ سفید، قرمز هست معلولیت شناویم دارن یا بعضی پیجای تاریخی رو دنبال می‌کنم.

- پیج‌های تاریخی چه جوری هستند؟

میان راجب تاریخ ایران می‌گن، بعد استوری‌هایی می‌ذارن ۴ گزینه‌ای در اون مورد می‌پرسن یا حتی من پیج‌های علمی زیادی می‌شناسم.



- خوب مطمئنی همه‌ی مطالبی که می‌گذارن، درست هست؟

این رو نمی‌دونم، ولی یه بار راجب آشوری‌ها بود، من بلد بودم گزینه صحیح رو زدم، اگه گزینه غلط بزنی باز یاد می‌گیری، وقتی بعداً بذاره یادت مونده».

«- اگر بخوایید به عنوان سرگرمی بهش نگاه کنید، بیش‌تر چه پیج‌هایی رو می‌پسندید؟

معرفی فیلم‌های روز، یک پیج آشنایی در طبیعت هم دارم که از جم پخش می‌شد که دنبال می‌کنم». اشکان ۲۱ ساله، از ارتقای زبان خود در جریان یادگیری از اینستا یاد کرده، نرگس ۲۰ ساله و مرجان ۲۱ ساله هم از آشنایی خود با دیگر فرهنگ‌ها در فضای مجازی یاد کرده اند:

«- تو زبانت در حدی هست که کامل محتوای پیج‌های انگلیسی رو بفهمی؟
آره، اصلاً من این طوری زبان یاد گرفتم. بیش تر چیزایی که از اول استفاده از اینستاگرام فالو کردم پیج‌های انگلیسی بودن مخصوصاً اون اوایل که پیج‌های فارسی خیلی کم بودن. به مرور بهتر و بهتر فهمیدم مطالب انگلیسی اینستاگرام رو و الان تقریباً ۱۰۰ درصد می‌فهمم».

«- توی ابعاد فرهنگی چه طور؟

خب یکیش همون که اشاره کردم، این که دیگه دید کلیشه‌ای نسبت به جنسیت‌ها کم تر شده و افراد می‌تونن خودشون باشن، خب قبلاً این آگاهی خیلی خیلی کم تر بود.
و دیگه این که خب من خیلی از دوستانم هستن، دوستایی از فرهنگ‌های متفاوت دارن با فرهنگ‌های مختلف آشنا شدن، با دیدگاه‌های مختلف آشنا که این خب عالیه.

- می‌توننی مثال هم بزنی؟

آره، مثلاً همین آیین چایی چینی‌ها که خب خیلی برای من جالب بود که با چایی احترام به والدین شون رو بروز می‌دن و یا حتی ادیان مختلف مثل غسل تعمید اونا، بعد خب دوستانم با اینا انگلیسی حرف می‌زنن و خب باعث تقویت زبان شون هم می‌شه، ولی متأسفانه برای خودم تا به حال این اتفاق نیفتاده، ولی خودم خیلی دوست دارم این شکلی باشه که یک دوست دیگه از یک کشور دیگه باشم که ببینم دنیا از دید اونا چه طوریه».

«- توی اینستاگرام چه کارهایی رو انجام می‌دی و بیش تر چه چیزهایی رو دنبال می‌کنی؟
یکی از چیزایی که دنبالش می‌کنم، پیج‌های میم هست.

- میم چی هست؟

میم یه سری پیج‌هاییه که مطالب طنز می‌ذاره به زبان انگلیسی.

- زبانت خوبه که این مطالب رو دنبال می‌کنی؟

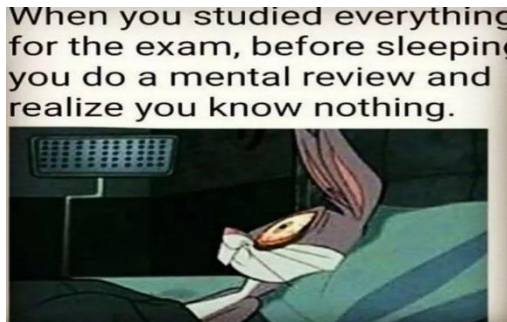
زبانم با همین دنبال کردن میما خوب شده، البته به جز زبان، میم دانش می‌خواد و الکی نیست.

- چه دانشی می‌خواهد؟

دانش از قبل می‌خواد، از اتفاقیایی که می‌افته، جوک می‌سازن.

- درباره‌اش می‌توننی بیش تر توضیح بدی یا مثال بزنی؟

منظورم از دانش اطلاعات عمومی، مثلاً چند وقت پیش یه کشتی گیر کرده بود توی کانال سوئز، کلی واسش جوک ساختن که الآن دقیق نمی‌دونم چی بود یا عکس کارتونا و فیلما رو می‌ذارن روش نوشته می‌ذارن، الآن یه دونه برات می‌فرستم، مثلاً این خیلی راحت، داره درباره این که کلی خر می‌زنی، وقتی می‌ری می‌خوابی خیره می‌شی به سقف دوره می‌کنی و می‌بینی هیچی بلد نیستی، خیلی جالبه، چون واسه همه پیش اومده یا این طوری اخبار روز رو مسخره می‌کنن و جوک می‌سازن واسش.



- این که گفتی علاوه بر زبان، دانش خاص و اطلاعات عمومی هم می‌خواهد، دانشش رو داری یا اطلاعات عمومیت قوی هست؟
آره.

- چه طوری دانشش رو به دست آوردی؟
دانشش مثل همون زبان که گفتم، با این طور پست دیدنا به دست میاد دیگه، کم کم می‌فهمی منظورش رو واسه اطلاعات عمومی، هم اخبار خارجی زیاد دنبال می‌کنم، چون میم می‌تونه درباره هر چیزی باشه، گفتم حتی اخبار یا درباره نژاد و سیاه پوستا که به اینا می‌گن میم ریسیستی». سرانجام نرگس ۲۰ ساله از یادگیری خود از انواع رقص‌های ارایه شده در اینستا خبر می‌دهد:
«- می‌تونن یک کم از مزیت‌های اینستاگرام صحبت کنی؟

او ممم، یکی از چیزایی که خب من توی اینستا خیلی دنبال می‌کنم و استفاده می‌کنم، رقصشه، مثلاً آموزش‌هایی که وجود داره خب خیلی خوبه، من همیشه سعی می‌کنم حرکاتش رو تمرین کنم و توی رقص خودم اضافه کنم».

الناز ۲۴ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد که او در صفحه شخصی‌اش به شکل رایگان دست به مواردی مانند معرفی کتاب یا گذاشتن کلیپ‌های فلسفی می‌زند:

«- فعالیت اصلی تون چی هست؟»

من در پیجم کتاب معرفی می‌کنم.

- چه طور شد که این ایده را پیدا کردید که کتاب معرفی کنید؟

من تقریباً از نوجوانی کتاب‌های زیادی می‌خواندم و به کتاب علاقه دارم، فکر کردم با دیگران هم به اشتراک بگذارم.

- شما چه طور کتاب‌هایی رو معرفی می‌کنید؟

بیش‌تر کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی و فقط محدود به کتاب نیست، گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم».

مهدی ۲۱ ساله در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وی اطلاعات مورد علاقه خود در مورد ژیتک را از اینستا به دست می‌آورد، زیرا منابع اطلاعاتی موجود درباره این فیلسوف در جامعه اندک هست: «- بهم بگید علاوه بر پیج‌های آموزش زبان پیج‌های راجع به اطلاعات عمومی و موارد آموزشی هم دارید؟»

درباره اطلاعات عمومی ندارم، اما یکی، دوتا پیج هست که درباره ژیتک هست که یه فیلسوف اروپایی بزرگه، سخنرانی‌هاش رو گوش می‌دم و پست‌هاش رو دنبال می‌کنم.

- می‌شه یه کم درباره محتوای پیج ژیتک توضیح بدید؟

در مورد اصل فلسفه است درباره مطالب فلسفی و سیاسی، مثل کاپیتالیسم و سوسیالیسم صحبت می‌کنه.

- پس اینستاگرام بستریه که شما مطالب مورد علاقه خودتون مثل همین فلسفه رو اون جا دنبال می‌کنید، درسته؟

بله، درسته».

رضای ۱۸ ساله، ورزش ممنوعه پارکور را در اینستا یاد می‌گیرد و غزاله ۲۰ ساله خاطرنشان می‌سازد، وی برخی از مهارت‌های خودش را در جریان کاربری از منابع آموزشی اینستا ارتقاء داده است:

«- توی اینستاگرام چه پیج‌هایی علاوه بر پیج‌های فان که گفتی دنبال می‌کنی؟»

ورزشی، پیج مستر بد عکس، پیج منشن‌های وایرال و... .

- چه ورزشی؟

پارکور، خوشم میاد یاد بگیرم.

- تا حالا انجام دادی؟

نه، ولی بیش تر می رن توی پارکا این کارا رو می کنن، منم چند باری با دوستانم می رفتیم پارک همین جوری الکی یه کارایی می کردیم، ولی اون طوری بلد نیستم، ولی یه بار با دوست دخترم رفته بودیم این باغ فاتح، پسرا داشتن تمرین می کردن و روی طناب راه می رفتن، یکی شون داشت ازش فیلم می گرفت، فکر کنم لایو بود، بعضیا میان توی پارکا آموزش می دن و پول درمیارن بدون حالا این که نیاز باشه باشگاهی چیزی باشه».

«- الان بیش تر چه چیزهایی رو توی اینستاگرام دنبال می کنی؟

مطالب مربوط به رشته ام، آموزش رقص به صورت حرفه ای، چون کلاس می رم و گیتار که اونم به صورت حرفه ای کار می کنم.

- مواردی رو که گفتی کاربردی هستند؟

به شدت، من رقص رو از طریق اینستا اول شروع کردم، بعد که خوشم اومد رفتم کلاس، گیتار هم برام جنبه ی یادآوری داره، چون دیگه به خاطر کرونا کلاس نمی رم، با کلیپ ها کار می کنم، به خصوص آهنگ های جدید رو، مطالب علمی هم بیش تر به شکل آموزش کاربردی و این جوری مهارتم بالاتر می ره. راستی مطالب فن بیانم کار می کنم، من کلاً آدم زیاد پر حرفی نبودم، برای همین با مطالب فن بیان، دارم روی صدام و لحنم کار می کنم».

نازنین زهرای ۲۴ ساله در مصاحبه ای که دارد، خاطرنشان می سازد، اینستا از ظرفیت آموزش اولیا برای کاهش فاصله با فرزندان خودشان برخوردار است:

«- به نظرت استفاده از اینستاگرام، امروزه از یک سنی به بعد ضروری هست؟

می شه گفت ضروری نیست، حتی نبودش مفید هم هست. اما خب بازم گاهی اوقات عدم استفاده ازش یک جورایی تو رو پشت کوهی معرفی می کنه، البته خیلی این مشکل اساسی نیست، اما خب به هر حال برای ارتباط با اجتماع یک مدیای قدرتمنده، به نظرم استفاده ازش برای والدین خیلی مفیده، چون با دیدن مطالب متوجه جو غالب بر جامعه می شن، در نتیجه رابطه هاشون با بچه ها صمیمی تر و هم دلانه تر می شه».

یوسف ۲۱ ساله در اظهارات خودش یادآور شده است که وی در جریان کاربری از اینستا، علایق هنری مورد نظرش را یافته است و درسای ۱۷ ساله خاطرنشان می سازد، وی آموزش های هنری مورد علاقه اش را با هزینه ای اندک در اینستا دیده است:

«- مثلاً موزیسین هایی که دنبال می کنید، تأثیر گذاری شون روی شما زیاد هست؟

حرف خاصی نمی‌زنم، ولی خب من به واسطه همین دیدن پیچ‌های گیتار و این‌ها علاقه‌مند شدم که برم کلاً یاد بگیرم گیتار زدن رو و خب توی این مورد به من کمک کرد که من بینم با دیدن کدوم ساز از همه بیش‌تر حال می‌کنم و لذت می‌برم، دیدم مثلاً حتی بین پیانو و گیتار با گیتار بیش‌تر حال می‌کنم و رفتم سمت این ساز».

«- از اینستاگرام چیزی هم یاد گرفتی؟»

پیچ‌های نقاشی که مربوط به استاد‌های نقاشی معروف هست رو نگاه می‌کنم، مثلاً من از بچگی کلاس رنگ‌روغن رفتم و تکنیک رنگ‌روغن کار می‌کردم، پاستل گچی هم دوست داشتم، اما کلاس نرفتم، بابام هم گفت، بسه دیگه، همین خوبه، واقعاً حق داره، کلاس‌ها گرون شدن. خودم از سوی اینستاگرام پیچ استاد پناه‌زاده و چندتا پیچ پاستل گچی دیگه هم فالو کردم و خیلی ازشون یاد گرفتم، باید حتماً به دوره کلاس برم، حالا بابام دیده خیلی استعداد دارم و خودم خیلی خوب یاد گرفتم، گفته می‌فرستم تکنیک پاستل گچی رو هم یاد بگیرم».



سرانجام زینب ۲۰ ساله یادآور شده است که وی به لحاظ انگیزشی تحت تأثیر برخی از چالش‌های اینستاگرامی قرار گرفته است:

«- اون اوایل کاربری آموزشی هم از اینستاگرام داشتی؟»

اون موقع نه واقعاً، چون دنبال یاد گرفتن چیزی از اینستاگرام نبودم، ولی الان هر چی بخوام یاد بگیرم، سرچ می‌کنم توی اینستا حتماً آموزشش هست.

- مثلاً چه چیزهایی رو جست و جو می کنی؟
- مثلاً وقتایی که می خوام پاور درست کنم، توی اینستا سرچ می کنم، از اون جا عکس برمی دارم.
- اون اوایل کاربری درسی هم از اینستاگرام داشتی؟
- من وقتی می اومدم خونه تا مجبور نمی شدم، درس نمی خوندم، چه برسه به این که توی اینستا موقع اوقات فراغتم دنبالش باشم، سال کنکور فقط چندتا پیج فالو کردم.
- سال کنکور اینستاگرام چه طور به شما کمک کرد؟
- گفتم که خیلی آدم تأثیرپذیری ام، توی سال کنکور، این پیجای انگیزشی رسماً جو گیرم می کردن که درس بخونم، بعد یه پیج هم بود چالش سحرخیزی می داشت و شبا هم توی استوری تست لغت و کلاً روتین شبانه می داشت و استوریاش رو می خوندم».

ردیف	نام	سمت	ساعت خواب	ساعت بیداری
۱	تیم کوک	مدیر عامل اپل	۹:۳۰ شب	۴:۳۰ صبح
۲	ریچارد برانسون	موسس گروه برجین	۱۲ شب	۵-۶ صبح
۳	بیل گیتس	موسس مایکروسافت	۱۲ شب	۷ صبح
۴	ایندار نوئی	مدیر عامل پپسی	۱۱ شب	۴ صبح
۵	آریانا هافینگتون	موسس هافینگتون پست	۱۰ شب	۵ صبح
۶	جک دورسی	موسس توییتر	۱۰:۳۰ شب	۵:۳۰ صبح
۷	تیم آرمسترانگ	مدیر عامل AOL	۱۱ شب	۵ صبح
۸	ماریسا میر	مدیر عامل یاهو	۱۲ شب	۴-۶ صبح
۹	هلنا موریسی	مدیر عامل گروه سرمایه گذاری نیوتن	۱۱ شب	۵ صبح
۱۰	جف بزوس	مدیر عامل آمازون	۱۰ شب	۵ صبح
۱۱	الون ماسک	مدیر عامل تسلا موتور	۱ نیمه شب	۷ صبح

با ما سحرخیز شوید!

گروه رایگان چالش سحرخیزی

www.angizeshplus.com

اطلاع رسانی

اطلاع رسانی یکی از مهم ترین کارکردهای انقلاب ارتباطی است که طی دهه های اخیر به وقوع پیوسته است.

پیشرفت فناوری‌ها این امکان را ایجاد کرده اند که رخدادهای مختلفی که در اقصاء نقاط کره زمین صورت می‌پذیرند، در اسرع وقت اطلاع‌رسانی شوند.

ویژگی مهم دیگری که اطلاع‌رسانی در فضای مجازی از آن برخوردار است، تحقق دموکراسی رسانه‌ای است. به این معنا که اگر تا قبل از سایه‌گستر شدن فناوری‌های ارتباطی جدید، غالب اطلاع‌رسانی‌ها در سطح جهان توسط رسانه‌های نظام سرمایه‌داری و حکومتی صورت پذیرفته و اطلاعات جهت‌دار منطبق بر منافع جهان سرمایه‌داری یا نظام‌های سیاسی فاسد و مانند آن به مخاطبان ارائه می‌شد، امکانات ارتباطی جدید همچون تلفن همراه و تبلت، با ثبت و ضبط تصاویر و اطلاعات مختلف، در عمل امکان اطلاع‌رسانی تک تک افراد و شهروندان را در سطح فضای مجازی فراهم آورده اند و رسانه‌های جهان سرمایه‌داری و نظام‌های حاکم، با رقیب جدید اطلاع‌رسانی توسط شهروندان نیز مواجه گردیده اند که این خود موجد نوعی از دموکراسی رسانه‌ای است.

بررسی اظهارات شرکت کنندگان در پژوهش حکایت از آن دارد که آنان از فضای اینستا به عنوان عرصه‌ای جهت اطلاع‌رسانی و اطلاع‌یابی از مسایل فرهنگی جامعه خود یا جامعه جهانی سود برده اند.

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه‌اش از کاربری از صفحاتی که در اینستا به معرفی کتاب می‌پرداختند، یاد کرده است:

«- پس تاحالا دوست داشتی شبیه شاهین نجفی باشی؟»

صدددد در صددد.

- توی چه چیزهایی دوست داشتی شبیهش باشی؟

از جمله، علم و آگاهی و مطالعه‌ای که داشته، خود سبک زندگی ایشون رو می‌پسندم که با نوهی آقای بازرگان آشنا شده بود و عاشق هم بودن، یا کنسرت‌هایی که می‌ذاره رو یا تیپ ظاهری و اینا رو همه رو می‌پسندم.

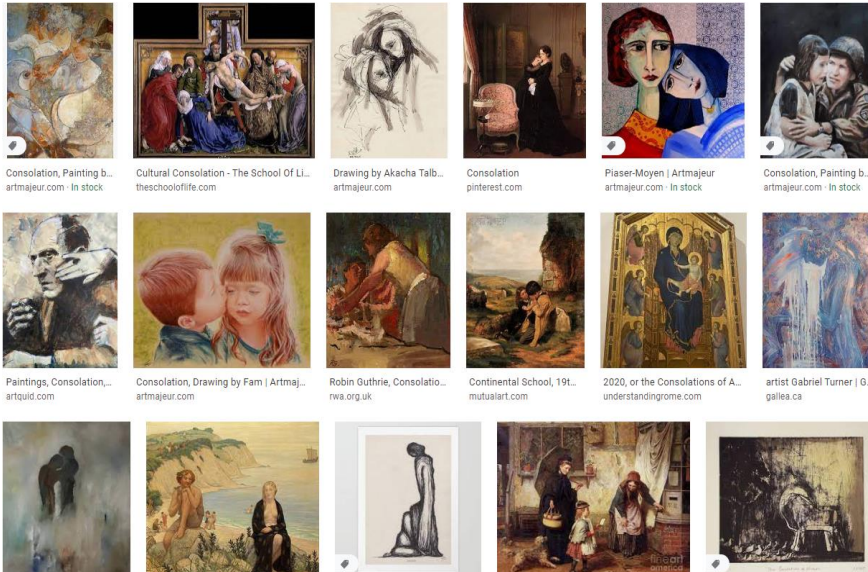
- آشنایی با این فرد باعث شده کار خاصی انجام بدی؟

بله، مثلاً کتاب خوندن، مثلاً هر چند وقت یک‌بار کتاب معرفی می‌کنه یا مثلاً فیلم معرفی می‌کنن و منم پیگیری می‌کنم».

علی ۱۹ ساله از کاربری از صفحه‌ای یاد کرده است که به شکلی نوآورانه، روی نقاشی‌ها، موسیقی بدون کلام می‌گذارد.

«- پیج‌های هنری رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟»

یه پیج مثلاً اخیراً فالو کردم، به اسم کانسولیشنز آف آرت که رو نقاشی‌ها موزیک می‌ذاره و کلیپ‌های آرامش بخشی می‌سازه این جور، توی اکسپلور دیدم یکی از پستاش رو و خوشم اومد و بعد رفتم پیجش رو فالو کردم.



یه پیج هم دارم که درباره موسیقی بی کلامه و در این باره پست می‌ذاره، این موسیقی بی کلام رو از قبل هم دوست داشتم، اما از وقتی این پیج رو و یکی، دوتا دیگه رو دیدم بیش تر هم ازش خوشم اومد و گوش می‌دم بهش، پیج‌های سینمایی هم دارم که مثلاً فیلم‌های خوب و مختلفی رو پیشنهاد می‌دن و مثلاً یه سری اخبار سینمایی هم می‌گن، البته سینما رو از قبل اینستا هم دوست داشتم، مثلاً یه فیلمی که توی یکی از این پیج‌ها چند وقت پیش معرفی کرده بود که دیدم و خیلی لذت بردم، فیلم این د مود فور لاو بود که یه فیلم عاشقانه چینه، خیلی قشنگ و هنری بود واقعاً فیلمش».



اشکان ۲۱ ساله، از اطلاع‌رسانی صفحات دیگری در اینستا یاد کرده است که در آن‌ها، اخبار ساخت فیلم‌های جدید، نقد و بررسی و اکران آن‌ها یاد می‌کنند:

«- چه پیج‌هایی درباره فیلم و سینما فالو می‌کنی؟»

بیش‌تر فیلم‌هایی که من می‌بینم ایرانی نیستن و به زبان انگلیسی هستن. به همین دلیل پیج‌هایی که در مورد فیلم و سینما فالو می‌کنم هم ایرانی نیستن. دو تا پیج اصلی که در مورد فیلم و سینما فالو می‌کنم filmthusiast و filmfilemedia هستن.



- چه محتوایی دارن؟

پست و استوری‌اشون در مورد چیزای مختلف سینما هست. در مورد فیلم‌های جدید و اخبار ساخت و اکرانشون. درباره فیلم‌های قدیمی و یادآوریشون. حواشی فیلم‌ها و بازیگرانشون. فیلم‌های خوب و کم‌تر شناخته شده رو معرفی می‌کنن.

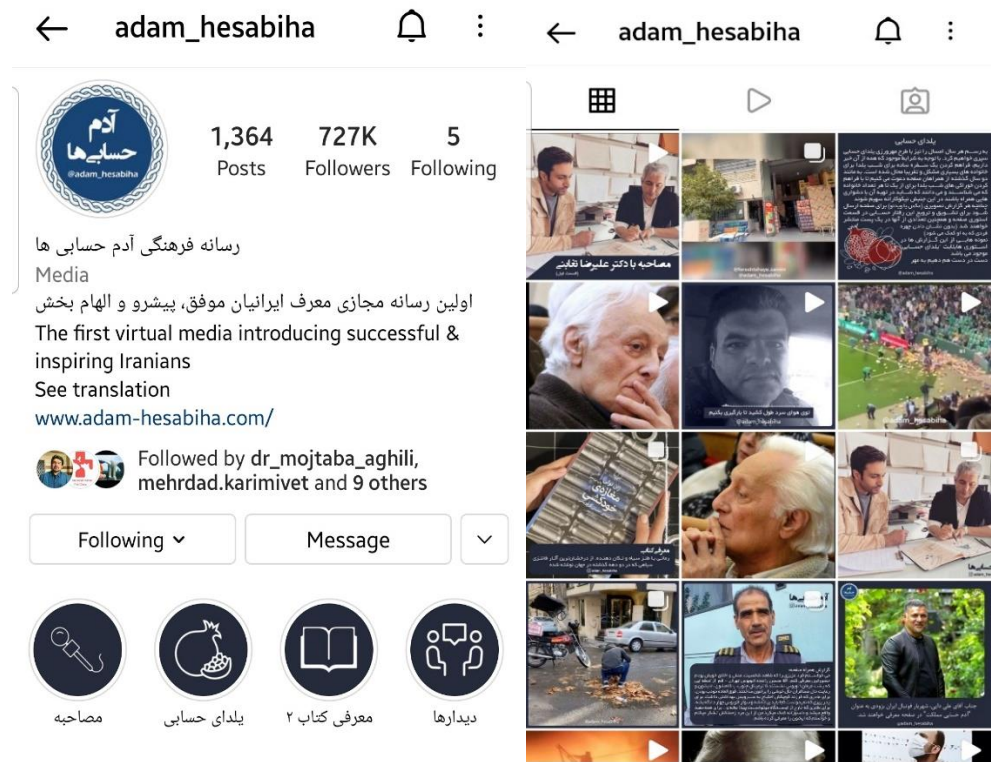
سکانس‌های فیلم‌های مختلف رو پست می‌کنن.

- تا حالا شده که براساس سکانس‌هایی که توی پیج‌های اینستاگرامی پست شده یا معرفی پیج‌های سینمایی، یک فیلم رو تماشا کنی؟

اکثر فیلم‌های معرفی شده رو تماشا می‌کنم. درباره سکانس‌های فیلم‌ها هم اگر برام جذابیت داشته باشن، حتماً نگاه‌شون می‌کنم».

الناز ۲۴ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد کاربر صفحه‌ای گردیده است که به معرفی چهره‌های ارزشمند، اما ناشناخته اجتماعی دست می‌زند:

«الآن مثلاً مدتی هست که با پیج آدم حسابی‌ها آشنا شدم و خیلی فکر خوبی و اصلاً فکر می‌کنم که آگه آدم‌ها بیان به جای دنبال کردن یه همچین پیج‌های فیک و به درد نخوری که خیلی هم به درد زندگی نمی‌خوره، یه همچین پیج خوبی رو معرفی و دنبال کنند توی جامعه، هم خیلی می‌تونه تأثیر بذاره و الگوی خیلی‌ها بشه».



- محتوای پیج آدم حسابی‌ها چی هست؟

پیج آدم حسابی‌ها در واقع یک پیج هست که میاد یک‌سری آدم‌هایی را که خیلی گمنام هستند و ما نمی‌شناسیم‌شون رو معرفی می‌کنه و در واقع انگار مقابل همون پیج‌هایی هست که فیک هستن و یعنی واقعاً شاخ‌های مجازی، مقابل اونا هست و افرادی که حالا توی زمینه‌های دیگه‌ای، مثلاً علمی،

زمینه‌های اجتماعی، آدم‌هایی هستند که یک کاری را واقعاً انجام داده‌اند و یا حرکتی را انجام داده‌اند که آدمای دیگه می‌تونند، از شون الگو بگیرند و حتماً هم لازم نیست از آدمای علمی باشند، حتی پاکبان باشه که یک کاری را کرده که الان سزاوار این هست که دیده بشه و اصلاً معرفی بشه به افراد، نه فقط به خاطر این که اون فرد شناخته بشه، هر چند که یکی از اهداف این پیج هست، ولی بیش تر فکر می‌کنم که فرهنگ‌سازی می‌کنند و هر کدام از این آدم‌حسابی‌ها، افرادی را که معرفی می‌کنند، براشون یک نهال می‌کارند، حالا نمی‌دونم کجا این کار انجام می‌شه، ولی خیلی کار قشنگیه، یعنی به تعداد هر کدام از این افرادی که معرفی شده، نهال هم براشون کاشته شده به اسم خودشون، ببینید چه کار قشنگیه، من واقعاً از این پیج خیلی خوشم میاد، دنبالش می‌کنم».

ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی

برخی از صفحات موجود در اینستاگرام به ارایه اطلاعات زیست محیطی و ارتقای دید زیست محیطی کاربران شبکه اجتماعی اینستا می‌پردازند. این صفحات در زمینه مواردی مانند: هشتمک گذاری در زمینه ضرورت حفظ محیط زیست، طرح کارزارهای حمایت از محیط زیست، معرفی صفحات زیست محیطی، معرفی افراد صاحب نظر در مسایل زیست محیطی، اعتراض به رفتارهای ضدزیست محیطی، اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌های پاک‌سازی محیطی، گردآوری کمک‌های مالی برای درمان حیوان‌های بیمار و آسیب دیده و تبلیغ اصلاح تغذیه افراد جهت حفظ بیشتر زیست محیط، فعالیت کرده، اسباب ارتقای دید زیست محیطی مخاطبان خویش را فراهم می‌آورند.

الناز ۲۴ ساله، در مصاحبه خودش از شرکت در هشتمک گذاری‌های زیست محیطی به قرار زیر یاد کرده است:

«- تا حالا شده از هشتمک خاصی حمایت کنید یا در این پویش‌هایی که راه می‌افته شرکت کنید؟ فقط کارزار بوده که چند دفعه حمایت کردم.

- حمایت تون در چه رابطه‌هایی بوده؟

یکیش لغو کنکور بود، یکیش هم طرح صیانت از فضای مجازی بود، با این آخریه برای ممنوعیت حیوانات».

نازنین زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان ساخته است که وی از کارزارهایی که حفظ محیط زیست را مدنظر خود قرار داده‌اند، حمایت می‌کند:

«- آیا از طریق اینستاگرام از کمپین‌های مختلف حمایت می‌کنی؟

بله، از کمپین‌های حمایت از حیوانات و محیط زیست زیاد حمایت می‌کنم. پست‌هاشون که برای آگاهی‌رسانی هست رو استوری می‌کنم، تا جایی که بشه سعی دارم در اطرافم آگاهی‌رسانی انجام بدم.

- به نظرت این کمپین‌ها تا چه حد اثر بخش بودن؟

به نظرم فقط در حد آگاهی عمل می‌کنند، در همین حد که مردم بفهمند چنین مسایلی وجود داره و باید بهش اهمیت داده بشه، اما خیلی اثری بر رفتار مردم نداشته که بگیم انقلابی شروع شده. البته یک‌سری کمپین‌های جدی هم که فیزیکی عمل می‌کنند راه افتادن، مثلاً جمع‌آوری زباله و... البته ممکنه حتی برعکسش هم اتفاق بیفته، مثلاً این ویدیوها و چالش‌هایی که ساخته می‌شه و غذا و آب و این جور چیزها هدر می‌ره داخلش، می‌تونه اثرات بدی روی جامعه داشته باشه».

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌کند که وی از طریق اینستا با برخی از انجمن‌های حمایت از حیوانات آشنا شده و به دنبال این امر به کمک به آن‌ها می‌پردازد:

«- اینستا در ارتباط با ابعاد زیست محیطی چه تغییراتی رو رقم زده؟»

خب من از طریق اینستا با چندتا انجمن حمایت از حیوانات آشنا شدم و هرازگاهی برای حمایت از اون‌ها و کمک کردن به بهتر شدن وضعیت حیوان‌هایی که حالا خیلی وقتا مریضن، یک پاشون رو از دست دادن و دولت هم هیچ کاری برای اینا نمی‌کنه، یک پولی که در حد توانمه واریز می‌کنم، البته خیلی زیاد نیست، ولی مسوولیت شهروندیمه در حد توانم، یکی هم همون کارزارهایی بود که برای حمایت از حیوانات شرکت می‌کردم».

معرفی افراد صاحب نظر در مسایل زیست محیطی، از دیگر فعالیت‌هایی است که در شبکه اجتماعی اینستاگرام ملاحظه می‌گردد، صبای ۲۲ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد:

«- این نگاهت به آزادی و دموکراسی و این جور چیزها هم از بعد اینستاگرام توی شما به وجود اومد؟ بله. خیلی تأثیر زیادی داشت روم، چون با متفکرای زیادی آشنا شدم.

- می‌شه چندتا از این متفکرها رو مثال بزنی؟

می‌گم دیگه، مثلاً همین علی‌نژاد تأثیر زیادی داشت روم یا همین آقای رستم‌پور، اونم یک خبرنگاره، یا حتی دیدن کاوه مدنی که قبلاً توی ایران، توی محیط زیست سمت داشته، اینم برام مهم بود. درسته که اون از لحاظ محیط زیستی خیلی آدم رو آگاه می‌کنه، ولی اون آدم اومده بود که توی ایران کارای خوبی بکنه برای محیط زیست، اما بعضی از آدم‌ها بهش انگ زدند و می‌دونن حتی اون قدر

آزادی بیان نداشته که از محیط زیست ما دفاع کنه، چه برسه آگه آدم عقیده متفاوت داشته باشه، همه این چیزا باعث می‌شه که من یک جورایی مصمم تر بشم و اینستا به نظرم توی این جهت خیلی کم کم کرده.



صادق زیباکلام
sadeghZibakalam@



جناب آقای روحانی، مارادونا پیشکشتان، غضنفرودر میاقتید. رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی پیشکشتان. وجود میداشتید و لاقل کاوه مدنی را برای مملکت نگه میداشتید. افراد نادارست، بیسواد، نالایق و نوکر کم نداریم. لاقل یکنفر راکه عالم، مستقل و بدنبال مفاسد اقتصادی نبودنگهش میداشتید. شما ۲۴ میلیون رای دارید.

۱۰:۰۴ بعد از ظهر · ۱۶ آوریل ۲۰۱۸

- آیا مسایل و جنبش‌های محیط‌زیستی رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟
همین پیج آقای مدنی رو دنبال می‌کنم که در مورد چیزای مختلف حرف می‌زنه، اما راستش بعضی وقتا حوصله نمی‌کنم کامل ویدیوها رو ببینم، اما خیلی ویدیوهای جالبی می‌گذاره.
- می‌شه مثلاً از حرف‌هایی که می‌زنه و ویدیوهایی که می‌گذاره مثال بزنی، مثلاً چی می‌گه و آیا حرف‌هایی که می‌زنه تغییری توی نگاه و افکار شما هم به وجود آورده؟
هم از چیزای دم دستی صحبت می‌کنه مثل آزار دادن حیوونا، مثل این که زیاله نریزیم، از این گرفته تا اخیراً یک استوری ازش دیده بودم، داشت در مورد کمبود آبی که امکان داره توی شهرها ایجاد بشه، می‌گفت، داشت در مورد اونوا هشدار می‌داد در واقع، می‌گفت اینا بعد به سرنوشت خوزستان دچار می‌شن، گفتم و گوهایی هم می‌کنن با افراد سرشناس حوزه محیط‌زیست.

- شده که تحت تأثیر این حرف‌هایی که می‌زنن و چیزهایی که می‌گن، خودت هم رفتار خاصی درونت به وجود بیاد و سبک زندگی تو در این جنبه تغییر بدی؟

بین یکی از چیزایی که یادمه همین آقای مدنی بود که پست گذاشته بود توی اینستا، مقایسه‌ی سبک زندگی و جترین و وگن و آدم‌های همه چیز خوار بود و نشون می‌داد اینا، هر سبک زندگی، یعنی غذاهاشون، چه قدر آب مصرف می‌کنه و از همه کم‌تر و گنا بودن، این یعنی خب خیلی به محیط زیست کمک می‌شه اگر یک نفر وگن بشه، خیلی زیاده‌خوب، منم نمی‌گم می‌خواستم وگن بشم‌ها، چون خیلی کار سختیه واقعاً، مخصوصاً توی ایران، اما گوشت قرمز رو الان چند وقته از سبد غذایی حذف کردم، تقریباً ۳، ۴ ماهه، به خاطر این که اون تولیدش آب خیلی زیادی مصرف می‌کنه».

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور می‌شود که وی اخبار تحول‌های زیست محیطی جهان را در شبکه‌های اجتماعی پیگیری می‌کند:

«- پیج‌های حمایت از محیط زیست رو هم فالو می‌کنی؟»

امم در حال حاضر زیست محیط خیلییی از دغدغه‌هام نیست، فقط گاهی یه سری اخبار درباره‌اش رو می‌خونم و می‌بینم، چون به نظرم چه برامون دغدغه باشه یا نه، بالاخره مسأله مهمیه، مثلاً این اجلاس گلاسکو که چند وقت پیش در این باره بود، چندتا خبر درباره‌اش توی پیج‌های خبری خوندم.

- چه خبری بود دقیقاً؟

اگه درست یادم باشه، در این باره بود که چین و آمریکا توی زمینه کاهش تولید این گازهای مضر، به یه توافقی رسیدن که می‌گفت باز خوبه».

سهیم شدن در باز نشر اطلاعات زیست محیطی، امر دیگری است که زینب ۲۰ ساله در مصاحبه خودش از آن یاد کرده است:

«- به نظرت اینستاگرام می‌تونه روی محیط زیست تأثیر بگذاره؟»

آره خب.

- می‌شه توضیح بدی چه تأثیری؟

مثلاً باعث شده حواس مون رو بیش‌تر جمع کنیم، به گردش‌گری علاقه‌مند بشیم، بعضیا هم حتی اکیپ می‌شن می‌رن زباله جمع می‌کنن در طبیعت.

- خودت هم فعالیتت توی این زمینه داشتی؟

آره، یه بار خواهر دوستم استوری گذاشت، گفت می‌خوایم بریم دربند زباله جمع کنیم، باهاشون رفتیم، خیلی خوب بود و وقتی توی یه ذره جا، نزدیک ده تا کیسه زباله جمع کردیم، تازه عمق فاجعه رو فهمیدم.

- یعنی اون یک جلسه که رفتی بیرون، روی رفتار با محیط زیست تأثیر گذاشت؟

کلاً از طریق اینستا و پستاش مخصوصاً پست‌های این آدم، توجهم جلب شده بود تا حدودی، ولی فکرم خیلی مشغولش نشده بود، اون روزم خیلی به فکر طبیعت نبودم، راستش فقط رفته بودم که با دوستانم باشم، گفتم حالا دو تا تیکه آشغال جمع می‌کنیم، ولی وقتی رفتیم اون‌جا، همه چی جدی شد و فهمیدم وضعیت محیط زیست مون و فرهنگ مردم چه قدر بد شده.

- محدوده توجهت به محیط زیست توی اینستاگرام محدود به همون پیج موند یا سراغ پیج‌های مرتبط هم رفتی؟

تا قبل از این که برم برای زباله جمع کردن، نه، فقط همون یه پیج بود، ولی از وقتی برگشتیم، چندتا پیج سرچ کردم توی اینستا و فالوشون کردم.

- هنوز هم توی کمپین‌های محیط زیستی شرکت می‌کنی یا همون یک بار بود؟

توی کمپین‌های این پیج‌های جدیدی که فالو کردم، نه، شرکت نمی‌کنم، ولی بعضی وقتا می‌رم هنوزم با خواهر دوستم، چون می‌شناسیمش بالاخره.

- خودت هم توی پیجت جهت تبلیغ این جور فعالیت‌ها اقدام می‌کنی؟

من کلاً این جور می‌ام که یه چیزی بره روی مخم، مسأله اجتماعی باشه یا هر چی که وایرال بشه، استوری می‌ذارم، کلی هم درباره‌اش حرف می‌زنم، نمی‌تونم چیزی نگم، توی جامعه که نمی‌تونم حرفی بزنم، حداقل توی اینستاگرام یه چیزی گفته باشم».

نسترن ۱۷ ساله، از اقدام عملی خود و دوستانش در اعتراض به رفتارهای ضدزیست محیطی مسوولان به شرح زیر یاد کرده است:

«- به نظرت اینستاگرام تونسته تأثیری توی محیط زیست داشته باشه؟

صد البته، یادتته ۲ سال پیش شهرداری سگ‌ها رو می‌سوزوند؟ خب اخبار که نیومد این افتضاح رو به ما نشون بده که ماها توی اینستا دیدیم و خب با اعتراض‌هایی که مردم کردن، شهرداری اومد توضیح داد و رویه‌اش رو عوض کرد و خب به نظرم اینستا، توی زمینه حمایت از حقوق حیوانات، خیلی خوب داره کار می‌کنه یا مثلاً این فعال‌های محیط زیست پیج دارند و آگاه سازی می‌کنند».

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش از اقدام عملی خویش در جهت حفظ محیط زیست به شرح زیر یاد کرده است:

«- پیجی رو در راستای حمایت از محیط زیست داری؟

نه، من فالو ندارم، ولی توی اکسپلور خیلی از این پستای حمایتی دیدم.

- مثال می‌زنی؟

مثلاً پیج هایپر استار، یه خانومی که گویا مدیره یه بخشی از هایپره، بچه‌هایی که توی هایپر مشغول به کارن رو جمعه‌ها می‌بره کوه یا پارک و آشغالارو با هم جمع می‌کنن.

- نظرت راجع به کارشون چی هست؟

خب کار قشنگ و خوبییه، خوبه که دارن فرهنگ سازی می‌کنن که مردم یاد بگیرن این چیزارو.

- خوب شما کاری در این راستا می‌کنی؟

خب من فعالی محیط زیست رو فالو نکردم، ولی خودم وقتی جایی می‌رم، واقعاً سعی می‌کنم، اصلاً آشغال نریزم زمین یا حتی وقتی مامان یا بابام می‌خوان یواشکی بندازن زمین که مردم نبینن، واقعاً تذکر می‌دم و می‌گم نکنید، زشته یا مثلاً یه پستی بود، نوشته بود زمستونا گربه‌ها برای این که گرم شن میان قسمتای گرم ماشین قایم می‌شن، حواس تون باشه به این طفلکا، منم این پست رو استوری کردم که بقیه هم حواس شون به حیوونا باشه».

اشکان ۲۱ ساله و دُرَسای ۱۷ ساله، هر دو از فعالیت خویش در گروه‌هایی یاد کرده اند که دست به پاک‌سازی‌های محیطی زده، به این ترتیب می‌کوشند تا از محیط زیست خویش حفظ و حراست به عمل آورند:

«- تا حالا از پیج‌های توره‌های گردشگری استفاده کردی؟

بله، اخیراً استفاده کردم. با یکی از توره‌های اینستاگرامی سفر سه روزه‌ای به کویر داشتیم».



«- خوب حالا که محیط‌زیست رو دوست داری، نظرت در مورد حفاظت از محیط زیست چی هست؟»

اتفاقاً من خیلی حرص می‌خورم که مردم به محیط زیست آسیب می‌زنن.

- بیش‌تر توضیح می‌دی؟

آره، مثلاً توی ساحل، خیلی آشغال می‌ریزن یا توی جنگل و کوه آشغال می‌ریزن یا می‌رن کوه پلاستیک می‌اندازن توی طبیعت.

- خوب می‌شه قدم مثبتی برداشت؟

آره.

- به نظرت توی این قدم اینستاگرام هم مؤثر بوده؟

بله، اون موقع که تهران زندگی می‌کردیم، جمعه‌ها می‌رفتیم کوه، اون‌جا چندتا دوست پیدا کردیم که کارشون حفظ محیط زیست بود، اتفاقاً اونا توی اینستاگرام از کارهای خوبی که برای طبیعت انجام می‌دادن، عکس می‌فرستادن.

- مثلاً چه کارهایی؟

مثلاً یک گروه تشکیل می‌دادن، توی همون پیج‌شون بعد یه روزهای قرار می‌داشتن که برن آشغال‌هایی که مردم ریختن توی کوه جمع کنن.

- خوب شما هم با اون‌ها رفتی؟

من یه بار با یکی از دخترعمو هام رفتیم، یه بار هم این‌جا یه عده‌ای توی اینستاگرام قرار گذاشتن که منطقه‌ای رو پاک‌سازی کنن، من اون روز نرفتم، چون کار داشتم.

- پس اینستاگرام تأثیر مثبتی داشته؟

بله، حتماً.

مامان لیا ۲۶^۱ ساله و دُرسای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود از گردآوری کمک‌های مالی برای درمان حیوان‌های آسیب‌خورده و بیمار یاد کرده‌اند:

«- غیر از این موارد، دیگه چه موردهایی بوده؟»

۱ - مصاحبه شوند علاقه‌مند بود از وی با نام مامان گربه‌اش به نام مامان لیا، یاد شود.

مثلاً پست می‌ذارم برای حیوان‌هایی که نیاز به عمل دارند، پول جمع می‌کنم، بارها این اتفاق افتاده و تونستیم چون خیلی هاشون رو نجات بدیم.

- چه طور متوجه می‌شید که حیوانی نیاز به کمک داره، کسی بهتون اطلاع می‌ده؟
بیش‌تر از طریق کلینیک‌ها متوجه می‌شوم، اونا پست می‌ذارند که نیاز به حمایت دارند، منم کمک می‌کنم، همین چند روز پیش برای یک توله سگ استوری گذاشتم، ۸ میلیون جمع شد، دادیم عملش کردند....

- قبل از این که فعالیت اینستاگرام رو جدی‌تر دنبال کنید هم، این مدل فعالیت‌ها رو داشتید؟
خیلی محدودتر، مثلاً خودم اگر توی خیابون می‌دیدم گربه‌ای زخمی شده، می‌بردم درمانگاه یا برای مخارجش از همکارام کمک می‌خواستم، ولی هیچ وقت کار به این وسعت نمی‌شد و پول زیادی هم جمع نمی‌شد، ولی این جا دو روز پست بذارم، بیش‌تر از خرج عملش جمع می‌شه.

- پت بلاگرهای دیگه هم همین کار رو می‌کنند؟
بله، تا اون جایی که باهاشون آشنایی دارم، همه این کار رو می‌کنند». صبای ۲۲ ساله نیز در مصاحبه خودش اظهار داشته است که وی می‌خواهد برای حفظ هر چه بیش‌تر محیط زیست، به گیاه‌خواری روی آورده و دست به تبلیغ آن بزند تا به این ترتیب با مصرف هر چه کم‌تر امکانات محیط زیستی، آلودگی‌های زیست محیطی نیز کاهش یابند:

«... من پیج‌های حمایت از حیوانات و پناهگاه‌های سگ رو خیلی دنبال می‌کردم، اما دیگه نگاه نمی‌کنمش اصلاً».

- چرا؟

چون طاقت دیدن حیوان آزاری رو ندارم.

- مگه پیج‌های حمایتی، حیوان‌آزاری رو نشون می‌دن؟

بله، حیوانی‌یی رو که مورد آزار انسان‌های روانی قرار گرفتن، میارن تا حالشون رو خوب کنن، آدم دلش کباب می‌شه، اصلاً فکرشم حال آدم رو بد می‌کنه، مثلاً گوش حیوان بیچاره رو می‌برند، پوست گربه بدبخت رو می‌کنن، بقیه‌اش قابل گفتن نیست، نمی‌گم که شما هم ناراحت نشید.

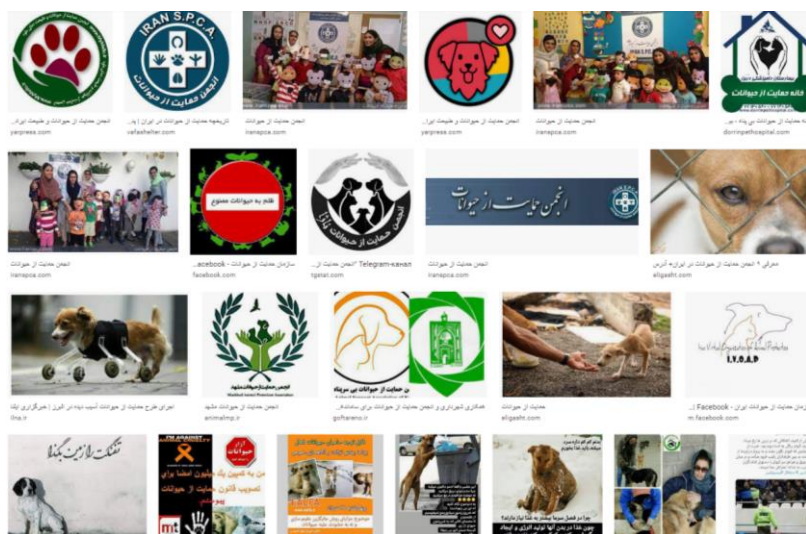
- آره، ممنون مرسی.

من اینا رو آنفالو نکردم، فقط عکس و فیلم‌ها رو نگاه نمی‌کنم، چون خیلی آزار می‌دیدم، چند بار هم بهشون کمک ناچیزی کردم.

- چه کمکی، می‌شه بگی؟

اینا شماره حساب می‌دن، می‌گن هر کی می‌تونه یه پولی واریز کنه، هزینه‌ی درمان و غذای این بیچاره‌ها را فراهم می‌کنن، به بابام و عمه جونم گفتم، خودمم پول کمی روش گذاشتم و براشون کارت به کارت کردم، مبلغ زیادی نبود، ولی کمی دلم آروم شد، این حیوونا به صدتا انسان‌های بی‌شرف برتری دارن.

- دوستان هم پیج‌های حمایت از حیوانات رو دنبال می‌کنن؟
بله.



- اون‌ها هم کمک کردن؟

بله، چند بار، من اطلاع‌رسانی کردم برای یه گربه مریض که باید عمل می‌شد، پول جمع کردیم و خدا رو شکر خوب شد، خیلی با دوستانم حس خوبی داشتیم، تعدادمون خیلی زیاد شده بود، همه عضو پیج حامیان بودیم که اون‌جا تصمیم گرفتیم برای این گربه پول جمع کنیم، از اون موقع چند بار دیگه همین کار رو کردیم.

- با همون اعضای پیج؟

بله، از اون موقع توی یه گروه اینستاگرامی با هم در ارتباطیم و خیلی دوست شدیم، اگر کمکی از دست‌مون بر اومد، انجام می‌دیم، ولی باز هم سعی می‌کنم فیلم و عکس‌های حیوون آزاری رو نبینم، امیدوارم این اطلاعات دیگه براتون کافی بوده باشه».

مجموعه مواردی که از آن‌ها یاد شده، واجد اعطای دید مثبت و ارتقای اندیشه‌های زیست محیطی کاربران اینستا خواهند بود.

ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی

معدودی از کاربران فرهنگی اینستا، در صفحات خود یا دست به تبلیغ کتاب و کتاب‌خوانی زده اند یا با گذاشتن خلاصه کتاب‌های مفیدی که آن‌ها را خوانده اند، سعی در معرفی کتاب‌های خوب به دیگران داشته اند و یا در سطحی متفاوت، با برگزاری دوره‌های روی خط کتاب‌خوانی و بحث درباره کتاب‌های خوانده شده، در صدد رشد و اعتلای فرهنگی خویش و دیگران برآمده اند.

الناز ۲۴ ساله که در برخورد با مسایل عقیدتی و سیاسی جامعه‌اش، به شدت احساس سرخوردگی دارد، با کنار نهادن عرصه‌های اخیر، در عمل کوشیده است برای انجام مسوولیت اجتماعی خویش، تبلیغ کتاب و کتاب‌خوانی در بستر اینستا را در دستور کار خود قرار دهد و در این مسیر بدون آن که وجهی (نظیر پول تبلیغات در صفحه خودش) دریافت دارد، تبلیغ کتاب و کتاب‌خوانی را برای افرادی که صفحه وی را دنبال می‌کنند، ادامه دهد و به این ترتیب یکی از ابعاد بالقوه مثبت اینستا را به نمایش بکشد.

الناز در قسمتی از مصاحبه خویش بیان می‌دارد:

«- قبلاً گفتید، ابتدای این کار که می‌خواستید معرفی کتاب‌ها را شروع کنید، به این فکر کردید که خودتون هم درآمدزایی داشته باشید و کتاب‌هایی را بفروشید و از طریق این پیج درآمدی برای خودتون کسب بکنید، اما بعد از اون گفتید که منصرف شدید، می‌خواستم پرسم دلیل این که تصمیم-تون عوض شد، چی بوده؟»

من از همون اول هم قصد نداشتم که درآمدزایی بکنم برای خودم، چون قصدم این بود که فقط یک‌سری کتاب‌هایی که خودم می‌خونم را معرفی بکنم و حالا آن‌هایی که علاقه دارند، اگه می‌خواهند تهیه کنند و بخوندند یا حتی اگر نمی‌خواهند تهیه کنند، سعی می‌کردم که چکیده‌ای را از این کتاب‌ها داشته باشم که اگر نمی‌خوان خود کتاب را هم بخونن، بدونند که موضوع این کتاب چیه، اما با چند مورد روبه‌رو شدم که از من می‌پرسیدند توی دایرکت که این کتابی که معرفی کردی رو می‌فروشی؟ یا این کتاب‌هایی که معرفی کردی، ارسال هم دارید؟ اما من اوایل می‌گفتم نه هیچ

فروشی نداریم و فقط صرفاً معرفی هست، اما بعدش یک کتاب‌فروشی بود به اسم کتاب سلام که چندتا شعبه هم الآن داره، اینا اومدن به من پیشنهاد دادند که به صورت درصدی می‌تونیم مثلاً ما با هم کار بکنیم و یک‌سری کتاب‌هایی را حتی می‌فرستادند که من این‌ها رو بخونم و خلاصه بکنم و توضیح بدم و اون کتاب رو که می‌خوام توضیح بدم، همین کتابی باشه که این‌ها برای من می‌فرستند و بعد بگم که اگر که می‌خواهید این کتاب را بخرید، مثلاً این پیچ داره، به نوعی هم تبلیغ بود و هم معرفی اون کتاب بود، اما بعدش دیدم که کتاب‌هایی را که برای من می‌فرستند، اصلاً باب موضوع مورد علاقه من نیست و خیلی تفاوت داره، چون من علاقه‌مند بودم که کتاب‌های فلسفی را بخونم و دیگه نهایتاً کتاب‌های روان‌شناسی رو بخوام معرفی بکنم یا بخوام یک فیلم را معرفی کنم، اما مثلاً کتاب‌هایی را برای من می‌فرستادند که رمان‌های عاشقانه بود، من هیچ علاقه‌ای به این کتاب‌ها نداشتم یا یک‌سری کتاب‌هایی که نویسنده‌های معروفی هم نداشت، نمی‌گم الزاماً باید نویسنده معروف باشه، منظورم این نیست، ولی خیلی شیوه نوشتارشان خوب نبود، خب من خودم از این کتاب خوشم نمی‌اومده، ککش نداشت برای من که بخوام اون رو بخونم و تموم بکنم، چه برسه به این که بخوام حالا معرفی بکنم و این که بگم این کتاب خوبه برید بخرید و به یک جایی رسید که من در واقع با این‌ها دچار اختلاف شدم و گفتم که بعضی از این کتاب‌ها را نمی‌تونم معرفی کنم، چون وقتی خودم ازش خوشم نیومده، چه طور پیام معرفی کنم که برید بخرید، بعد این فالورهایی که من توی این سال‌ها دارم، این همه مدت با من بودن اینا، اصلاً به من اعتماد دارن، من وقتی یک چیزی رو معرفی می‌کنم که نباید بهشون دروغ بگم، من هم جنبه‌های درستش رو می‌گم، هم چیزی که به نظرم جالب نیومد رو می‌گم، ولی خب اگه قرار بود که من تبلیغ کنم و معرفی کنم که این فروش بره، دیگه نمی‌تونستم جنبه منفیش رو بگم و از من انتظار می‌رفت که تبلیغ کنم که حتماً بیان این کتاب را بخرند و این در واقع فکر می‌کنم که اخلاقی نبود و این باعث شد که مدت کوتاهی که من به صورت درصدی هم کار می‌کردم، دیگه تصمیم بگیرم که اصلاً کار نکنم بهتره».

نرگس ۲۰ ساله، برای مطالعه کتاب‌های مورد نظرش، به صفحاتی که دست به معرفی کتاب‌های مناسب زده‌اند، مراجعه کرده با راهنمایی آن‌ها کتاب‌های مورد علاقه‌اش را تهیه کرده، مورد مطالعه قرار می‌دهد:

«... مثلاً پیچ‌های کتاب‌خوانی و معرفی کتاب رو دنبال می‌کنم، پیچ‌های کتابی که تخفیف داره یا مثلاً می‌بینم یک کتابی معرفی شده توی لیست کتابم اضافه می‌کنم و یا از معرفی اون می‌رم می‌خرم اون کتاب رو یا حتی پیچ لباس که خب خیلی چیز خوبیه برای من.»

- چه کتاب‌هایی رو تا به حال از این معرفی‌ها تهیه کردی؟

خیلی چیزها، ۴ میثاق، ملت عشق...، مثلاً کوئشن باکس می‌ذارن، اسم کتابی که زندگی‌ت رو متحول کرد، هر کسی میاد اون کتاب خاص رو می‌گه، بعد من می‌رم اون کتاب رو صفحه‌های اولش رو اگه توی نت باشه یا توی کتاب‌فروشی، یک نگاه می‌اندازم، اگه دیدم خوشم اومد می‌خرمش، مثلاً همین کتاب ۴ میثاق فوق‌العاده بود، یک سبک زندگی بود خودش».





اشکان ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وی اولاً با مرور صفحاتی که به معرفی کتاب‌های مناسب پرداخته‌اند، با عنوان کتاب‌های مناسب آشنا شده و ثانیاً دست به خواندن خلاصه کتاب‌هایی می‌زند که بعضی از کاربران آن‌ها را تهیه کرده و در صفحه خودشان نهاده‌اند:

«- پیج‌هایی که خلاصه کتاب می‌گذارن، به چه شکلی هستن؟»

محتواشون چند حالت داره یا توی یه نرم افزار خلاصه کتاب رو می‌گذارن و توی اینستاگرام آدرس اون رو می‌گذارن و یا خودشون توی اینستاگرام به دو شکل خلاصه کتاب رو می‌گذارن. بعضیا محتوا رو به صورت فیلم طولانی پست می‌کنن و بعضیا چندین استوری می‌گذارن که می‌شه رشته استوری.

- تو از این موارد استفاده می‌کنی؟

آره، خیلی استفاده می‌کنم. همیشه فرصت نمی‌کنم یه کتاب رو کامل بخونم، اما نیاز دارم کلی بدونم محتواش رو و مطالب این پیجا تو این زمینه خیلی کمکم می‌کنن.

- اشکان بود و نبود اینستاگرام توی کتاب‌خوانی تو فرقی ایجاد می‌کنه؟

آره، خیلی فرق می‌کرد، اگر اینستاگرام نبود.

- کم‌تر می‌شد کتاب خوندمت یا بیش‌تر؟

خیلی کم‌تر می‌شد.

- چرا؟

به نظر خیلیا اون زمانی که روی اینستاگرام گذاشته می‌شه، به جاش کتاب خوندم، اما به نظر من استفاده درست از اینستاگرام و دنبال کردن پیج‌های مناسب مربوط به کتاب‌خوانی هم باعث می‌شه با

کتاب‌های خوب و جذاب و باب سلیقه آشنا بشیم و هم تماشای کتاب‌خوانی بقیه و این که کتاب-خوانی چه قدر روی زندگی شون و آگاهی شون و علم شون تأثیر داشته، باعث می‌شه آدم بیش‌تر ترغیب بشه به کتاب خوندن».

اشکان در فراز دیگری از مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که وی با اطلاع از دوره‌می‌های کتاب‌خوانی که به صورت روی خط برگزار می‌شوند، شرکت کرده، در مورد کتاب‌های مشخص شده با افراد حاضر درباره کتاب مطالعه شده، دست به بحث و گفت‌وگو می‌زند:

«- پیج‌های مرتبط با کتاب رو هم دنبال می‌کنی؟

آره چندتا پیج هستن که خیلی دوس شون دارم، مطالب اونارو می‌خونم و می‌بینم.

- چه پیج‌های هستن؟

بعضیا شون پیج کتاب‌فروشی‌های اینترنتی و مغازه‌های کتاب‌فروشی هستن که کتابای خیلی خوبی طبق سلیقه آدم‌ها معرفی می‌کنن. بعضیا شون صفحات کسایی هستن خیلی کتاب‌خونن و سلیقه شون هم به سلیقه من نزدیکه و خلاصه کتاب و معرفی کتاب می‌گذارن. بعضیا شون هم صفحاتی هستن که خلاصه کتاب می‌گذارن.

- معرفی کتاب فروشگاه‌های کتاب برات مفید بوده؟

آره، بارها براساس معرفی کتابی که داشتن از شون خرید کردم.

- کسانی که کتاب خون هستن و کتاب معرفی می‌کنن، به چه شکلی کتاب معرفی می‌کنن؟

بعد از خوندن کتاب یه پست می‌گذارن و خلاصه‌ای ازش رو می‌گن.

- فعالیت دیگه‌ای هم دارن؟

بعضاً دوره‌می‌های کتاب‌خوانی برگزار می‌کنن.

- به چه شکلی برگزار می‌شه؟

این پیج‌ها اطلاع‌رسانی می‌کنن و بعد دوره‌می یا به شکل حضوری برگزار می‌شه و یا اینترنتی.

- توی این دوره‌می‌ها چه کار می‌کنین؟

از قبل یک کتاب تعیین می‌شه و همه سعی می‌کنن بخوننش. بعد توی دوره‌می درباره کتاب،

نویسنده‌اش و چیزای مختلف مربوط به کتاب صحبت می‌کنیم و سعی می‌کنیم عمیق‌تر بشیم.

- برنامه‌های مرتبط با کتاب‌خوانی دیگه‌ای هم دارین؟

چیزای خاصی نمی‌شه نه، شاید بعضی وقتا این پیجای شخصی کسایی که کتابخوان هستن، بعضاً لایو بذارن و باهم درباره چیزای مختلف مربوط به کتاب‌ها حرف بزرن.

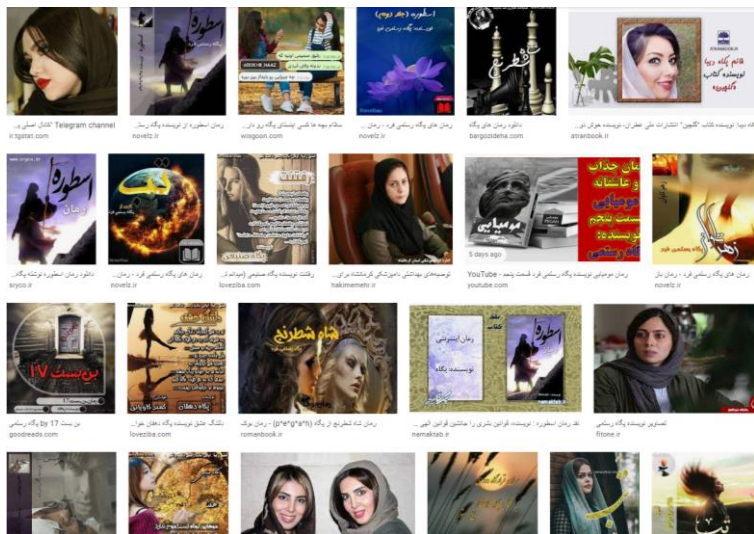
- مثلاً چه چیزهایی؟

مثلاً با نویسنده کتاب اگر ایرانی باشه لایو می‌گذارن و یا اگر کتاب ایرانی نباشه، کتاب با متخصصای حوزه مربوط به کتاب لایو می‌گذارن. به سوالات مرتبط با کتاب پاسخ می‌دن.

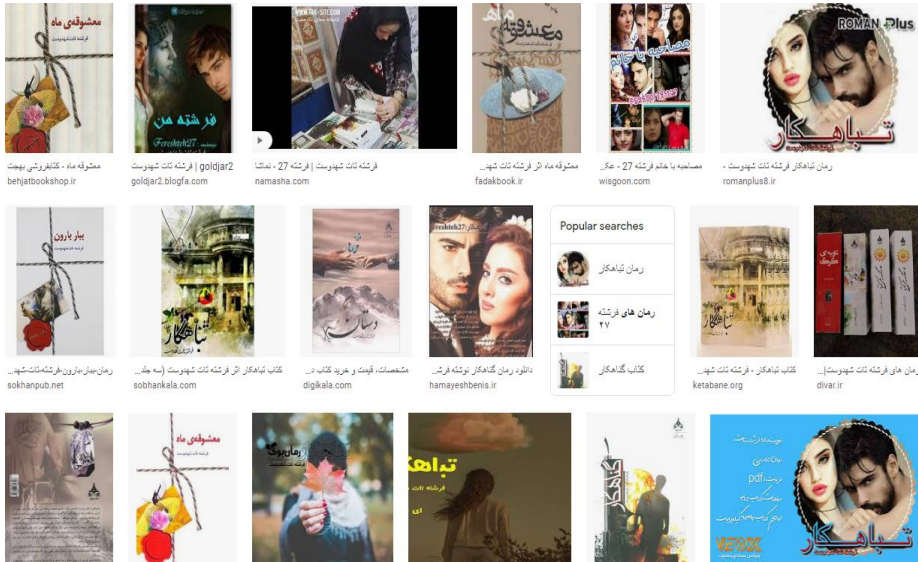
در انتهای این قسمت لازم به تذکر است، به سبب جهت‌گیری لائیک و بدون ارزش فضای مجازی از جمله شبکه اجتماعی اینستا، برخی از افراد با نشر آثاری مشحون از خشونت و پرخاشگری، بی-حیایی، بی‌اخلاقی و ضدیت با دین و ارزش‌های متعالی، به جای رقم زدن ارزش‌های انسانی و متعالی برای جامعه، در عمل به ارزش‌های غیر انسانی دامن زده و پسرفت ارزشی کاربران اینستا، خاصه نوجوانان و جوانان کاربر را فراهم می‌آورند. نسترن ۱۷ ساله در مصاحبه خود در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«- اصلاً این افراد در حد نویسنده هستند؟»

بعضی‌هاشون خوب هستند خدایی و قلم‌شون خیلی پخته است و داستان‌هاشون آموزنده است، مثل پگاه که رمان‌هاش خیلی پخته هستند و پشت داستانش یک هدفی هست، ولی خب پگاه رمان‌هاش رایگان هست و توی کانادا زندگی می‌کنه و پرستاره و حدوداً ۳۰ سالش هست، پگاه نویسنده‌ی مورد علاقه‌ی منه.



ولی خب کسایی مثل فرشته شه دوست و هما پوراصفحانی هستند که قلمشون خوبه، ولی داستان‌هاشون پوچه و درحد فیلم‌های عاشقانه بی محتواست، این دو نفر کتاب‌هاشون چاپ می شه و قیمت هر کتاب بالای ۸۰ تومنه که خب خدایی خیلی گرونه! به خاطر همین اگر آنلاین بنویسند و پول بگیرند، خیلی‌ها استقبال می کنند.





حتی فرشته بارها شده یک چهارم رمانش رو توی تلگرام به صورت آنلاین نوشته و بعد بهو گفته که بقیه‌اش رو هر وقت کتابش چاپ شد، برید بخرید و بخونید.

- این رمان‌ها چاپ هم می‌شه؟

تو برو کتاب‌فروشی‌ها و قسمت رمان‌های ایرانی رو چک کن، همه‌اش همین‌هاست.

- محتوای فایل مجازی و نسخه چاپی فرق هم می‌کنه؟

روند داستان که نه، ولی پارت‌های ۱۸+ مسلماً توی نسخه چاپی حذف می‌شه.

- در چه حد این قسمت‌ها نامناسب هست؟

خیلی (با خنده) با ذکر همه جزئیات هست، تقریباً در حد فیلم‌های پورن!

- شما مگه پورن می‌بینی؟

نه خدایی! به نظرم خیلی چندشه رابطه‌ی ۲ تا موجود زنده و بالغ رو ببینی، حتی حیوون‌ها هم خجالت می‌کشن جلوی بقیه با هم باشن، ولی خب می‌دونم فیلم‌هاش در چه حدیه، ولی خودم اصلاً ندیدم و اصلاً هم طرفش نمی‌رم.

- از کجا می‌دونی؟

خب توی اینستاگرام و دوستانم که اون‌ها هم از بقیه شنیدن، در کل با چیزهای کمی که می‌فهمیدم و خلاصه‌وار فهمیدم که در چه حد داغون هستند.

- خوب اگر از دیدنش بدت میاد، چرا می‌خونیش؟

خوندنش عین دیدنش نیست، ولی خب انکار نمی‌کنم که خوندنش هم بده و دارم سعی می‌کنم که ترکش کنم، خوندش هم یک طوری اعتیاد آورده.

- خواننده‌ها به این پارت‌ها اعتراض نمی‌کنند؟

می دونی وقتی تو داری یک داستان رو با تمام جزئیات و احساسات شخص اول می خونی، خب نسبت به همه‌ی احوالات روحی و کلاً زندگی اون شخصیت رمان کنجکاوی می‌شی.

من خودم همی می‌گم که توی این رمان دیگه این قسمت رو نمی‌خونم، ولی از روی کنجکاوی باز می‌رم می‌خونم.

سر همین احساس می‌کنم که بقیه هم همچین حسی دارند. بعد بعضی نویسنده‌ها به خاطر کسای که از این جور پارت‌ها خوش شون نمیداد، یک چنل جدا می‌زنند و پارت‌های وانشات‌ها رو اون‌جا می‌ذارند.

- وانشات؟

به همین قسمت‌های +۱۸ رمان‌ها وانشات می‌گن که توی خارج هم فکر کنم همچین چیزی بهش می‌گن.

- خارج از کشور رو دیگه از کجا می‌دونی؟

خب اون‌جا مثل این‌جا نیست که، کلاً نویسنده‌ها درباره سکس و روابط عاشقانه شخصیت‌های اصلی می‌نویسند و چاپ هم می‌شه، ولی همون رمان توی ایران موقع ترجمه، مترجم اون قسمت‌ها رو حذف می‌کنه.

- رمان زبان اصلی می‌خونی؟

نه، من زبانم اون قدرها هم خوب نیست، ولی خب ترجمه بعضی رمان‌ها توی تلگرام هست که اونا رو می‌خونم.

- پی‌دی‌اف کتاب چاپی؟

نه، یک مترجم دیگه که همه‌ی قسمت‌های رمان رو ترجمه کرده و فایلش هم فروشیه، ولی خب من رایگان‌ش رو دانلود کردم و خوندم.

- چه زمانی رو خوندی؟

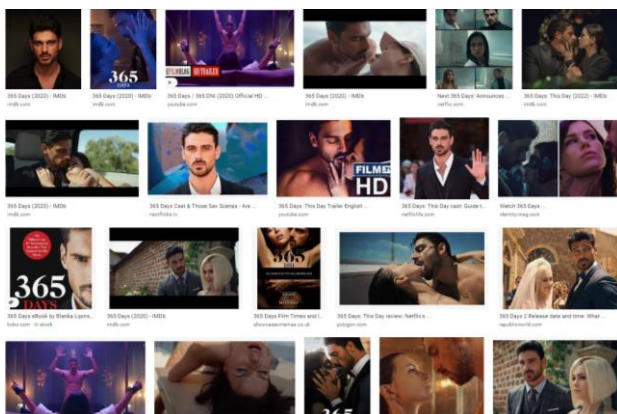
۳۶۵ روز.

- صحنه داشت؟

فیلمش رو ندیدی؟

- نه، مگه فیلمش هم درست شده؟

اوووه، من اول فیلمش رو دیدم و بعد رفتم کتابش رو به پیشنهاد دوستم خوندم. آگه فیلمش رو دیده بودی، نمی‌پرسیدی که صحنه داشت یا نه، بین دست کمی از پورن نداشت، از ۲ ساعت فیلم ۱ ساعت و نیمش صحنه بود، صحنه‌ها! داغون اصلاً.



- شما که گفتمی از دیدن صحنه‌های نامناسب بدت می‌اد؟

آره، ولی خب دوستام دیده بودن و منم به پیشنهاد اون‌ها دیدم، گفته بودن صحنه داره، ولی نه در این حد باز که در حد پورن باشه.

- خوب چرا سراغ کتابش رفتی؟

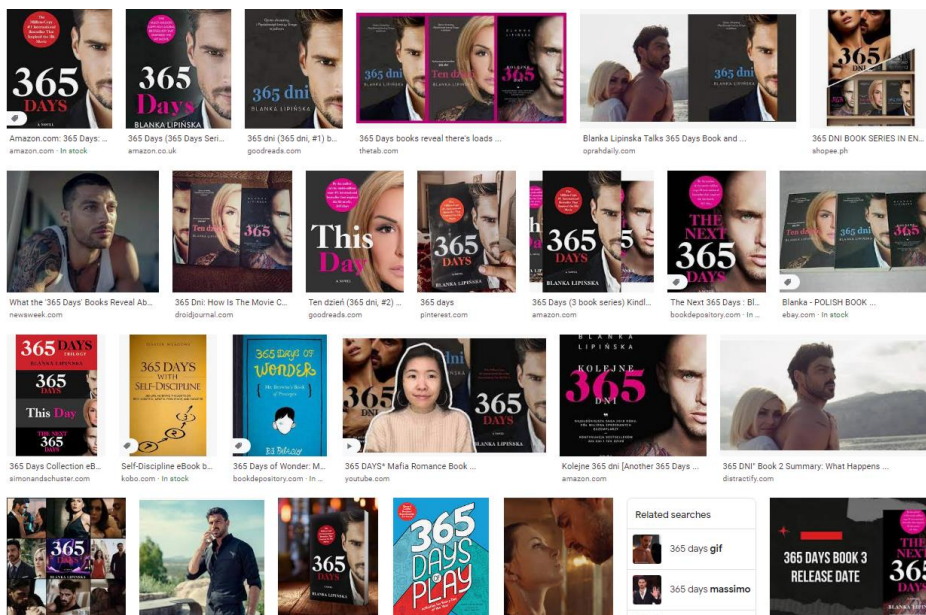
خب فیلمش ۲ ساعت بود و ترجمه کتابش ۶۰۰ صفحه بود. منم شخصیت‌های سریال رو دوست داشتم و به خاطر این که بیش‌تر درباره‌شون بخونم، رفتم سراغ کتابش که صد رحمت به فیلم!

- چرا؟

کتابش صحنه‌هاش خیلی بیش‌تر بود و با همه جزئیات بود که خب من رد کردم، چون خیلی جزئیات زیاد بود!

- پس کتاب خونندن در حد خونندن مطالبی هست که نمی‌شه اسم کتاب روش گذاشت؟

آره (با خنده)».



تبدیل قسمت‌هایی از اینستاگرام به یک گالری هنری

برخی از هنرمندان با توجه به عرصه مناسبی که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن (خاصه اینستاگرام که تصویر محور است)، در اختیار افراد قرار داده است، از این امکان عمل سود برده، با عرضه آثار خویش در فضای اینستا، ضمن معرفی هنر و آثارشان، در جهت آموزش افراد علاقه‌مند یا به فروش رساندن آثار هنری خویش اقدام کرده‌اند.

محمد ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش از اینستا به مثابه یک شبکه اجتماعی که بستری مناسب جهت عرضه کارهای هنری پدید آورده است، یاد می‌کند.

۱ - تصویر زیر که دقیقاً تداعی کننده کتاب ۳۶۵ روز است، اقدام فرهنگی یکی از ناشران وطنی است که کوشیده است با کپی برداری از روی جلد کتاب هرزه‌نگار ۳۶۵ روز، کتاب خود را به فروش برساند.



مهديه ۲۰ ساله، از کاربری خویش از صفحه‌های عکاسی سخن گفته و یوسف ۲۱ ساله، اظهار داشته است که با ملاحظه آثار نوازندگان مختلف در اینستا، علاقه موسیقایی خویش را دریافته است. علی‌رضای ۱۹ ساله نیز از کاربری خویش از صفحه‌ای یاد کرده است که با گذاشتن موسیقی بدون کلام روی تابلوهای نقاشی، کار هنری متفاوتی پدید آورده است. پاریس ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که داشته، خاطرنشان ساخته است که وی فیلم ساز زدن خودش را روی اینستا می‌گذارد:

«- پاریس تو خودت چه چیزهایی در صفحات می‌گذاری؟»

من بیش تر فیلمای ساز زدنم رو می‌ذارم. بعضی وقتا هم از خودم عکس می‌ذارم». «دُرَسای ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش، بیان می‌دارد که وی در کنار صفحه معمول خویش در اینستاگرام، یک صفحه هنری نیز دارد و در آن صفحه نقاشی‌های تهیه شده خودش را می‌گذارد:

«- الان فقط همین صفحه رو داری؟»

نه، دو تا پیج دارم، یکی دیگه هم دارم.

- هر دو تا مال خودت هست؟

بله.

- می‌شه بگی اون یکی چی هست؟

اون یکی پیجیه که نقاشیام رو توش می‌ذارم، این یکی پیج اصلیمه.

- نقاشی می‌کشی؟

بله.

- در مورد پیج نقاشیت به من بگو.

نقاشی‌هایی که می‌کشم، از شون عکس می‌گیرم، بعد می‌ذارم توی پیجم».

سارای ۲۱ ساله نیز در مصاحبه خود تأکید می‌کند که اینستا، این امکان را برای وی پدید آورده است که نقاشی‌های خودش را برای مشاهده دیگران، در صفحه خودش بگذارد.

مریم ۱۷ ساله هم از استفاده آموزشی خویش از برخی از صفحات نقاشی به شرح زیر یاد کرده است:

«- از اینستاگرام چیزی هم یاد گرفتی؟»

پیج‌های نقاشی که مربوط به استاد‌های نقاشی معروف هست رو نگاه می‌کنم، مثلاً من از بچگی کلاس رنگ‌روغن رفتم و تکنیک رنگ‌روغن کار می‌کردم، پاستل گچی هم دوست داشتم، اما کلاس نرفتم، بابام هم گفت بسه دیگه همین خوبه، واقعاً حق داره، کلاس‌ها گرون شدن. خودم از سوی

اینستاگرام پیج استاد پناهزاده و چندتا پیج پاستل گچی دیگه هم فالو کردم و خیلی ازشون یاد گرفتم، باید حتماً به دوره کلاس برم، حالا بابام دیده خیلی استعداد دارم و خودم خیلی خوب یاد گرفتم، گفته می فرستم تکنیک پاستل گچی رو هم یاد بگیری».

پگاه ۱۷ ساله نیز در مصاحبه خودش خاطرنشان می سازد، مادر وی از اینستا به مثابه عرصه‌ای برای فروش آثار هنری خویش سود برده، وی نیز عهده‌دار فروش کارهای هنری مادرش شده است:

«- پیج کاری مامانت راجع به چه کاری هست؟

مامانم کار با چوب انجام می ده. چیزای مختلف ریز و هنری می سازه. معرق کاری می کنه. گردنبند و گوشواره و مجسمه و تابلو و میز و خیلی چیزای دیگه می سازه من اونا رو تو این پیج می فروشم.

- موفق بودی توی این پیج؟

آره خیلی خوب بوده توی یک سالی که مدیریتش کردم. هم تونستم کلی چیز بفروشم و هم خودم خیلی چیزا یاد گرفتم.

- چه چیزهایی یاد گرفتی؟

راجع به بازاریابی و فروش و حرف زدن با آدمها و این جور چیزا».

با توجه به آنچه از آن یاد شد، اینستا در شرایطی که بسترسازی فرهنگی لازم هم برای آن انجام نشده است، در عرصه آموزش، تهیه و تولید و عرضه آثار هنری به جامعه ایفاگر نقش بوده، در صورت بسترسازی فرهنگی مناسب با ظرفیت و توانی مضاعف، در این جهت می تواند اثرگذار واقع شود.

پذیرش دیگر اقوام بشری

برخورد گسترده کاربران در فضای مجازی با یکدیگر، در عمل می تواند به تعدیل برخی از نقطه نظرهای هر فردی بینجامد، به این معنا که افرادی که دارای نقطه نظرهای خاصی هستند، در مواجهه و برخورد با دیگران، با آرای گوناگونی خود را مواجه می بینند که در محیط بسته و محدود پیشین خودشان این امکان عمل برایشان وجود نداشت. مضاف بر این، برخی از آزمایش های روان شناسی اجتماعی حکایت از آن دارند، وقتی به فرض جمعی از افراد سیاه پوست و سفید پوست با یکدیگر بر سر موضوع مورد نظرشان دست به همکاری مشترکی می زنند، همین همکاری مشترک اسباب نزدیکی بیش تر آنها و تقلیل دیدهای کلیشه ای منفی شان نسبت به نژاد دیگر را در بردارد.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت، کاربری از فضای مجازی به شکل بالقوه می‌تواند با تعدیل نگرش اولیه فرد، در تخفیف پیشداوری‌های وی مؤثر واقع شود!

زهرای ۲۰ ساله، در مصاحبه خود، در نمونه‌ای از تعامل‌های مثبتی که به تضعیف دید قومیت‌گرای وی انجامیده است، بیان می‌دارد:

«- آیا تا به حال شده در طی استفاده از اینستاگرام با شخصیت‌هایی رو به رو بشی که از شون خوشت بیاد و سعی کنی از اون‌ها الگو برداری کنی؟

بله، شده. من زیاد سلبریتی‌ها رو دیدم که خیلی از شون خوشم اومده و سعی کردم از اون‌ها الگو بگیرم، مثلاً جانی دپ یا جنیفر لویز، من موفقیت‌هاشون رو دیدم و بهم انگیزه داده و کمک کرده که پشتکار بیش‌تری داشته باشم یا مثلاً نوع دوستی یه شخصی مثل آنجلینا جولی رو که دیدم، سعی کردم نسبت به افراد دیگه با نژادهای مختلف بهتر رفتار کنم و به افرادی که نیاز به کمک دارند، کمک کنم یا نژاد خاصی رو نژاد برتر ندونم، من قبلاً از عرب‌ها متنفر بودم، با هر ملیتی کنار می‌اومدم جز عرب و محله ما هم جایه که عرب زیاد داشتیم، این قدر این‌ها روی مخم بودن که نگو، اما بعدش تحت تأثیر این قضایا یه کم بهشون حس خوبی پیدا کردم و پذیرفتم شون».



۱ - البته باید توجه داشت که برخی از نهادهای نژادگرا با تهیه و تولید محتواهای نژادپرستانه در صدد دامن زدن به خشونت‌های نژادی هستند که کاربران این دست از محتواها، به جای تعدیل پیش‌داوری‌های اولیه خویش، ممکن است به پیش‌داوری‌های شدیدتری نیز برسند.



آنچه از آن در ارتباط با قومیت‌های مختلف یاد شد، می‌تواند نسبت به عناصر زیست محیطی نیز محقق گردد. به این معنا که اولاً ارتقاء و افزایش اطلاعات افراد و ثانیاً وجود الگوهای مناسب و تعامل مثبت و مؤثر در مسایل مورد نظر، می‌توانند به ایجاد نگاه جدیدی در افراد بینجامند، هر چند اطلاعات مخدوش و تعامل با افراد مغرض و کاربری از محتواهای سوگیرانه، می‌توانند به سهم خود جریان عکس را دامن بزنند:

«- اینستاگرام چه قدر روی دغدغه‌مندی شما و دوستانت درباره عدالت‌گرایی و نوع دوستی تأثیرگذار بوده؟»

دغدغه‌مندی خودم درباره این موضوعات، خب هم در مورد کشور خودمون بوده و هم در سطح جهانی. مثلاً همین آتش سوزی‌هایی که توی کشورهای مختلف رخ داد و حقی که از طبیعت می‌شه گفت ضایع شد یا مسأله‌ای که واسه افغانستان پیش اومد و طالبان و این چیزها. خب برای طبیعت در

حال سوختن یا مردم افغانستان که کمکی از دست ما برنمیاد، من صرفاً می‌تونم باهاش ابراز همدلی و هم‌دردی کنم، ولی در مورد اتفاقات داخل کشور خب می‌شه از طریق پیج‌های خیریه کارهای خیر کرد و در این زمینه کمکی انجام داد. و من هم خودم پیج‌های خیریه معتبری رو شناختم و الآن هر ماه بهشون کمک می‌کنم. و در مورد دوستانم هم که پرسیدی، یه پیج خیریه رو یکی از دوستانم بهم معرفی کرد، من هم بهشون معرفی می‌کنم اگر جای معتبری رو بشناسم، همین جوری با هم دیگه در مورد مسایل نوع دوستانه و خیرخواهانه تبادل نظر می‌کنیم» (مینا، ۱۹ ساله).

پذیرش تولید محتوای کاربران

فضای مجازی این امکان را برای کاربران خودش فراهم آورده است که دست به تولید محتوا زده و حاصل کارشان را در فضای مجازی بارگذاری کنند.

امکان عمل اخیر سبب شده است که کاربران اقبال مختلف سنی، فرهنگی و اجتماعی در صدد تولید محتوا برآمده، تولید خود را در فضای مجازی بارگذاری کنند.

مهرسای ۱۶ ساله، در روایت ۸ سالگی خودش، از تولید محتوای خود و دختر خاله‌اش، به شرح زیر یاد کرده است:

«- دختر خاله‌ات از کی اینستاگرام داشت؟»

اون رو نمی‌دونم، ولی می‌دونم که قبل از این که ما تبلت بگیریم، یه سال قبل از ما گرفته بود، نمی‌دونم، فکر کنم، یازده سالش بود داشت.

- بعد یادت میاد، اون چه چیزهایی توی پیجش می‌گذاشت؟

پیج من و دختر خاله‌ام مشترک بود، یعنی با هم اداره‌اش می‌کردیم.

- همون پیجی که طراحی ناخن و عکس بچه می‌گذاشتی؟

آره، ولی بعد از یه مدت دیگه با هم دعوامون شد، اون رفت پیج خصوصی زد و دیگه عکس خودش رو گذاشت، البته من با دختر خاله‌خودم هم خیلی دعوا می‌شد.

- سر همین پیج اینستاگرام با هم دعواتون شد؟

دقیق یادم نمیاد، ولی یادمه اون موقع پست چرت و پرت زیاد می‌ذاشتم، اون هم من رو دعوا می‌کرد که این چرت و پرتا رو نذار، فالورامون رو از دست می‌دیم، بعد اون خودش رفت یه پیج جدا زد که خیلی فالوراش رفت بالا، دیگه هم با من نیومد.

- دختر خاله‌ات به چه پست‌هایی چرت و پرت می‌گفت؟

مثلاً می‌گفت مهسا به جای این که هر روز پست بذاری یا هر یه ساعت یه بار، یه پست بذاری، برو فالو، آنفالو کن که فالورات بره بالا... .

- معمولاً چه قدر پست می‌گذاری؟

پست، فکر کنم دو روز در میون.

- معمولاً بیش تر چه پست‌هایی رو می‌دیدی؟

اون موقع‌ها بیش تر چیزای دخترونه، مثل طراحی ناخن یا دختر بچه‌ها یا هاپو یا مثلاً خوراکیای خوش - مزه و این جور چیزا».

آلای ۱۵ ساله نیز با داعیه این که بلاگر زیبایی است، با کپی برداری از بیوتی بلاگرهای مطرح در فضای مجازی، برنامه‌های باز کردن کالاهای آرایشی دریافتی (آنباکسینگ) برای مخاطبان خویش و روش‌های آرایش کردن را در نظر گرفته است:

«- محتوای پیجت اصولاً چه موضوعاتی رو شامل می‌شه؟

من بیوتی بلاگرم، روتین‌های پوست و مو و آنباکسینگ و آموزش و ترندها و چالش‌ها رو بیش تر توی پیجم دارم، دوست دارم آموزشای جالب بذارم توی پیجم که به درد بخور باشه برای همه.

- خوب از این کار، خودت هم سودی می‌بری؟

صرفاً از پست گذاشتن که نه، ولی خب وقتی چیزای مفیدی که به درد همه بخوره، دیگه آدمای بیش تری من رو فالو می‌کنن و لایک و کامنت و فالو هام بیش تر می‌شه، این طوری چون محتوای خوب دارم تولید می‌کنم، بعد بلاگری ایرانی همه‌اش از هم تقلید می‌کنن، ولی من می‌رم بلاگری خارجی رو می‌بینم، ویدیوهاشون رو ترجمه می‌کنم یا از اونا الگو می‌گیرم، برای همین چیزایی که می‌ذارم جدید و خوب و یو می‌گیره.

- خوب این که و یو و لایک و کامنت‌ها بیش تر بشه، چه فایده‌ای برای شما داره؟

خب این جووری معروف تر می‌شم، آدمای بیش تری من رو می‌بینن، طرف دار پیدا می‌کنم، آدمای بهم توجه می‌کنن، برندا وقتی ببینن پیجم خوبه، میان باهام هم کاری می‌کنن، بهم تبلیغ می‌دن یا با هم - کارای خودم ارتباطم بیش تر می‌شه و می‌تونیم با هم کار کنیم و بهم کمک کنیم، این جووری از شهرت بقیه هم می‌تونن استفاده کنن.

- تا حالا با کسی از این هم کارهای خودت شده آشنا بشی و کار کنی؟

خیلیا هستن که باهاشون حرف می‌زنم، فالوشون می‌کنم و برای هم لایک و کامنت می‌ذاریم، ولی یه چندتا هستن که دیگه باهاشون دوست شدم، اولش توی کامنتا و اینا حرف می‌زدیم، بعدش دایرکت و واتساپ، دیگه وقتی دیدم باحالتن، با هم قرار گذاشتیم، هم رو دیدیم و الآن دوستیم با هم، ولی هم کاری اون‌جوری نبوده، فقط یه بار که با آوینا می‌خواستیم بریم سوشی بخوریم، اون روز رو ولاگش رو گرفتیم و گذاشتیم توی پیج جفت‌مون».

همان‌گونه که از اظهارات مهسا و آلا برمی‌آید، سن پایین کاربران، در عمل مانع از ارایه محتوای سنجیده و پربار توسط آنان به مخاطبان خودشان می‌شود، همان‌گونه که مهسای ۱۶ ساله در روایت ۸ سالگی خودش، تولیدهای مشترک خود و دختر خاله‌اش را «چرت و پرت» می‌نامد.

با افزایش سن کاربران، به سبب برخورداری آن‌ها از آموزش‌های مختلف و کسب تجربیات متفاوت، تولید کاربران به شکل بالقوه می‌تواند از محتوایی وزین و کاربردی برخوردار شود.

پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌اش خاطر نشان می‌سازد که وی از ساز زدن خویش فیلم تهیه کرده، آن را در فضای مجازی بارگذاری می‌کند. نازنین زهرای ۲۴ ساله هم از تولید محتوای درسی توسط خود و دوستانش خبر داده و سرانجام مهدی ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، وی و دوستانش، نتایج بارش فکری و بحث‌های اجتماعی خویش را در فضای مجازی بارگذاری می‌کنند:

«- پگاه تو خودت چه چیزهایی در صفحات می‌گذاری؟»

من بیش‌تر فیلمای ساز زدنم رو می‌ذارم. بعضی وقتا هم از خودم عکس می‌ذارم».



«البته همین الان هم درسته مدارس و دانشگاه‌ها این کار رو نکردن، اما خود بچه‌ها برای هم مطالب رو می‌فرستن و حتی تولید محتوا می‌کنند در زمینه آموزش و این هم مثبت و هم منفی. از یه طرف وقت شون توی اینستا صرف می‌شه، از طرف دیگه مطالب رو بهتر می‌گیرن و از اون‌جا که چه مطالب آموزشی باشه، چه نباشه، بازم توی اینستا هستند، به نظرم این مطالب آموزشی خیلی می‌تونه مفید باشه. اون دو سال اول دانشگاه من و چندتا دوستانم یه پیج آموزش ریاضی زدیم و یه مقداری آموزش دادیم، اما در حد دو تا ویدیو بود و بعد سریع بسته شد، چون زیاد وقت نداشتیم و کارمون سنگین بود، اما خیلیا ادامه دادند و الان در این زمینه موفق هستند، حتی در آملدزایی می‌کنند».

مهدی در مصاحبه خویش ضمن تأکید عرصه گسترده فضای مجازی که در عمل امکان هر نوع فعالیتی را به کاربران خویش می‌دهد، خاطر نشان ساخته است که وی و برخی از دوستانش پس از برقراری ارتباط با هم در بستر فضای مجازی، ضمن بحث با یکدیگر در مورد مسایل مهم اجتماعی جامعه، ماحصل بحث‌ها و بارش‌های فکری خودشان را جهت استفاده احتمالی دیگران در فضای مجازی قرار می‌دهند. وی در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«انتشار استوری و پست‌هایی با این سیاق باعث شده که بتوانید افراد هم‌فکر خودتون رو جذب کنید یا دوستایی پیدا کنید که مثل شما فکر می‌کنند؟

بله، بسیار زیاد. دوستای من که هم کلاسی‌های دوران دبیرستانم بودن، با اونا سر پستی که می‌ذارم، بحث می‌کنم یا یکی از دوستانم هست که الان هم کلاسیمه، با اون هم بسیار زیاد هم توی فضای مجازی و هم هر زمانی که همدیگه رو می‌بینیم، بحث سیاسی و فلسفی و اجتماعی می‌کنیم و دوستانی هم پیدا کردم که نمی‌شناسمشون، ولی خوب میان نظر می‌دن و درباره یک نظر حدود بیست دقیقه یا نیم‌ساعت درباره‌ی همون موضوع که من گذاشتم، چت می‌کنیم.

- پس اینستاگرام برای شما یک ویژگی مثبت داشته و اون هم این که تونستید دوستای هم‌فکر پیدا کنید و عقاید خودتون رو به اشتراک بگذارید درسته؟
بله، کاملاً درسته.

- گفتید که می‌خواید واکنش‌شون نسبت به وقایع سیاسی رو بررسی کنید، لطفاً بهم بگید خودتون چنین اخباری رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنید؟

خودم بله دنبال می‌کنم، مثلاً وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم.

- پس به نوعی توی اینستاگرام مباحثه راه می‌اندازید، درسته؟

بله، تقریباً به همین شکل هست، چون هدفم اینه که به هم‌کلاسی‌ها و هم‌نسل‌های خودم این رو بفهمونم که نسبت به چیزی که در جامعه‌ی ما اتفاق می‌افته، حق انتخاب و انتقاد و پیشنهاد داریم و حتی اگر لازم باشه می‌تونیم راه مبارزه در پیش بگیریم و ایستادگی کنیم درباره چیزی که به جامعه تحمیل شده».

اما روند تولید محتوای جدی نیز همواره به شکل معقول پیش نرفته، گاهی افراد توهم زده، با ارایه توهم‌های خویش، داعیه تولید محتوا را دارند. در همین رابطه زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش از دختر بلاگر ۲۵ ساله‌ای یاد می‌کند که به زعم خود دست به تئوری پردازی می‌زند:

«- دنبال کردن افراد مشهور توی بستر اینستاگرام جدا از جنبه‌ی سرگرمی، جنبه‌ی آموزشی هم برای خودت یا دوستانت داشته؟

مسئلاً از یکی مثل نیلی افشار نمی‌شه چیزی یاد گرفت، ولی بعضیا محتواهای پستاشون باحاله، مثلاً مدگل^۱ یه سری ویدیو به اسم آنسلود درست می‌کنه و توش یه سری فکت و نظریه و تئوری رو می‌گه که جالب هستن یا بعضیا آرایش آموزش می‌دن، اما بقیه فکر نمی‌کنم جنبه‌ی آموزشی داشته باشن.



- چه جور ی یک دختر ۲۵ ساله می‌تونه تئوری بگه؟
- راستش مطمئن نیستم از خودش بگه، چون همیشه اول حرفاش می‌گه یه تئوری هست که می‌گه فلان، و گرنه تا حالا نگفته تئوری‌ها رو از خودم می‌گم.
- پس منبع حرف‌ها و تئوری‌هاش چی هستن؟
- منبع نمی‌گه، یعنی تا الآن که من نشنیدم برای حرفاش منبع بگه.
- اگه حرف‌هاش اشتباه باشه چی؟
- فکر نمی‌کنم حرفاش اشتباه باشه و به کسی ضرر برسونه، فقط زاویه نگاه آدم‌ها رو تغییر می‌ده.
- از کجا متوجه می‌شی حرف‌هاش درسته یا غلط؟
- به استدلال‌هایی که میاره دقت می‌کنم، اگه ببینم با عقل جور درمیاد و منطقیه، توی ذهنم نگهش می‌دارم.

اما فارغ از مقوله اثر سن بر تولید محتوای کاربران اینستاگرام، از آنجا که بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری بهینه از فضای مجازی در داخل صورت پذیرفته است و مضاف بر این، بسیاری از نیازهای طبیعی نوجوانان و جوانان در سطح جامعه محقق نشده است، غالباً نوجوانان و جوانی که یا

۱ - مدگل که نام اصلی‌اش آتوسا است، متولد سال ۷۴ در تهران است. فعالیت اصلی او در حوزه موسیقی (رپ) است. جدا از حوزه موسیقی وی در حال حاضر در یوتیوب نیز فعالیت می‌کند. یکی دیگر از علل معروفیت وی رابطه‌اش با جی دال است که او نیز یکی از فعالان حوزه خوانندگی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری / ۲۰۰

برای اثبات هویت خویش در فضای مجازی دنبال عرض اندام هستند و یا در صدد ارضای هیجان-جویی پاسخ نیافته خویش در جامعه هستند و یا آن که به مسأله خطیر مسوولیت اجتماعی خویش در جامعه (و بالطبع در فضای مجازی) وقوف لازم را نیافته اند، دست به تولید محتواهایی می‌زنند که هدف آن صرفاً تولید محتوا برای تولید و دیده شدن است، نه تولیدی هدفمند و ارزش‌گرا که ارتقاء و تعالی انسان‌ها را در پی داشته باشد.

روژان ۱۷ ساله، از تولید محتواهایی در نزد دوستانش سخن می‌گوید که در آن برخی برای شاخ بازی و شاخ شدن، دست به مسخره بازی می‌زنند. صبا ۲۲ ساله هم در مصاحبه خودش خاطر نشان می‌سازد، وی در صدد استوری کردن مسایل بامزه‌ای است که در کلاس درس آن‌ها و مانند آن رخ می‌دهند:

«... باز هم نمونه‌ای از رفتار بچه‌های امروزی در اینستاگرام توی ذهنت هست؟
تالا دلت بخواد که اینا زیادن توی اینستا، یه سری‌ها اصلاً یاد گرفتن با کارای مسخره و با این که معلومه خیلی بچه اند، ولی شاخ بازی در آوردن شون معروف می‌شن که مردم اینا رو به هم نشون بدن و بهشون بخندن و می‌خوان از این روش فالورهایشون بالا بره.



- برای من چندتا شون رو می‌فرستی؟

آره، اتفاقاً منم توی اکسپلور دیدم. بعد دیدم وای چه و چه قدر مسخره‌اش کردم، برای دوستانم فرستادم چندتا که اونام ببینن، بچه‌ها چه قدر پررو شدن و بخندن. می‌رم از دایرکتام پیدا می‌کنم یا توی این روزا اگه توی اکسپلور دیدم برات می‌فرستم».

«... پس از اتفاقات روزانه و مسایل روزمره‌ها هم استوری می‌گذاری؟

آره، ممکنه بذارم، مثلاً ممکنه سر یک کلاسی باشیم، یک اتفاق بامزه‌ای بعد بیفته، من همون رو استوری می‌کنم یا استادمون یک جزوه‌ای رو بذاره یا یک درسی رو بده که من اصلاً خوشم نیامد و به نظرم خیلی مسخره هست، بعضی وقتا اونم استوری می‌کنم، امکانم داره با دوستانم برم بیرون، مثلاً عکس بگیرم از مناظر».

برخی از کاربران فضای مجازی با تهیه تصاویر خود و بارگذاری آن‌ها در فضای مجازی، محتوایی متفاوت‌تر را عرضه می‌کنند، افراد دیگری هم وجود دارند که برای هواداری از خوانندگان و هنرپیشه‌های مختلف صفحه هواداری از آنان را می‌زنند، اما در هر صورت این محتواها هم از ارزش چندانی برخوردار نیستند. نسترن و آریای ۱۷ ساله، در صحبت‌های خود، مصادیقی از موارد پیش گفته را به قرار زیر ارایه کرده اند:

«- شما خودت چندتا فالور داری؟

خب تا امروز و این لحظه ۷۰۰۰ تا که هنوز فعلاً کمه.

- ۷۰۰۰ نفر کم هست؟

پس چی؟ مهم نباشه به نظرت؟ کلی زحمت می‌کشم براش، ویدیو درست می‌کنم، عکس می‌گیرم...، تازه اینا به حرف آسونه! برای این که یک عکس پست کنم، باید نزدیک ۵، ۶ ساعت وقت بذارم تا آرایش کنم و لباس انتخاب کنم و ۱۰۰ تا عکس خراب کنم تا یکیش خوب شه! خب مسلماً یک بازخورد و نتیجه‌ای می‌خوام».

«- از دوستان خودت کسی هست که مثل شما برای کسی فن پیج زده باشه؟

آره، دوستانم امیرمحمد فن پیج به خواننده خارجی رو داره که اصلاً من اسمش رو هم نمی‌دونم، چه برسه که بخوام آهنگ‌هاش رو شنیده باشم.

- آریا فن پیجی که امیرمحمد ساخته رو شما دنبالش می‌کنی؟

آره، خیلی وقته که پیچش رو فالو کردم. خیلی فالورهاش از فن پیچ‌های من بیش‌تره، چون خیلی از من قدیمی‌تره فن پیچش، اکثر فالوراش خارجی هستن، ولی یک بدی داره دیگه، اونم اینه که خیلی نمی‌تونه با این فالورا توی پیچش تبلیغ کنه.

- چرا نمی‌تونه تبلیغ کنه؟

چون اکثر فالوراش خارجی هستن و تبلیغاتی که توی پیچ‌ها انجام می‌شه، واسه فالورهایی هستش که ایرانی هستن، ولی خب اکثر فالورهای فن پیچ امیرمحمد خارجی هستن، حتی مجبوره تمام نوشته‌های پیچش رو انگلیسی بنویسه، ولی خب چون زبانش خوبه واسش آسونه این کار».

سرانجام رؤیای ۱۶ ساله که در اندیشه عمل جراحی زیبایی خودش است، خاطر نشان می‌سازد، وی حاضر است در لایو پزشک زیبایی که روی جراحی سینه، باسن و گودی پهلوی مراجعان خودش توضیح می‌دهد، پس از عمل جراحی زیبایی، شرکت کرده و با به نمایش کشیدن بدن برهنه خویش در برابر دوربین، به نوعی به تولید محتوا در فضای مجازی کمک کرده باشد:

«- برای عمل دکتر خاصی مد نظر داری؟»

آره، دکتر... این جور عملای زیبایی رو انجام می‌ده و نمونه کاراش رو می‌ذاره و با مراجعینش لایو می‌گیره، کارش عالیه.

- دقیقاً چه جور نمونه کاری؟

عکس قبل و بعد عمل و این که باهاشون صحبت می‌کنه که از عمل راضی بودن یا نه.

- عکس‌ها برهنه هستش؟

وا! خب آره دیگه، باید فرم سینه و باسن و گودی پهلو اینا رو نشون بده.

- اگه عمل کنی می‌گذاری دکتر از عکس‌ها در اینستاگرام استفاده کنه؟

اگه کارش خوب باشه چرا که نه، این طوری به بقیه کمک کردم که دکتر رو خوب بشناسن... .

- یعنی لحظه‌ای که دارن از بدن برهنه‌ات فیلم می‌گیرن، احساس ناراحتی نمی‌کنی؟

شاید اولش یه کم خجالت بکشم، اما خب همه‌مون سینه داریم، دیگه چه فرقی می‌کنه، بعدشم قیافه-مون توی فیلم نیست».

اثرپذیری از سلبریتی‌ها

افراد در جریان زندگی خود نیازمند الگوهایی هستند که به آنان در چگونه بودن و چگونه شدن یاری رسانند.

الگوبرداری افراد از الگوهای مورد علاقه‌شان، در سه سطح مسایل صوری و ظاهری، مسایل رفتاری و نظام ارزشی صورت می‌پذیرد.

ساده‌ترین سطح الگوبرداری افراد (خاصه نوجوانان و جوانان) از الگوهای مورد علاقه‌شان، کپی-برداری‌های ظاهری از آنان است و فرد با انتخاب پوشش، مدل مو، تکه کلامی مشابه الگو و مانند آن، سعی در تبعیت از وی می‌کند. در سطحی فراتر افراد با اتخاذ رفتارهای مشابه رفتار الگو، می‌کوشند تا همچون وی رفتار کنند و سرانجام در بالاترین سطح ممکن، افراد با اتخاذ ارزش‌هایی مشابه ارزش‌هایی که الگو در زندگی خویش به منصفه ظهور نهاده است، الگوبرداری از نظام ارزشی الگوی مورد علاقه‌شان را در دستور کار خویش قرار داده و بر همان نهج و منوال عمل می‌کنند.

با بررسی مصاحبه‌های انجام شده مشخص می‌شود که پگاه ۱۷ ساله و مریم ۱۹ ساله در برخورد با الگوهای مورد علاقه خویش، تحت تأثیر نوع پوشش آن‌ها قرار گرفته‌اند و با الگوپردازی از مدل لباس آنان، سعی در تشبیه‌جویی ظاهری با آنان کرده‌اند:

«- از کدوم سلبریتیا خوشت میاد؟»

دیلان چیچک دنیز.



- این فرد که گفتی، کیه؟

یه بازیگر ترکیه‌ایه. فقط از اون و لباس پوشیدنش خوشم میاد بین سلبریتیا.

- از سلبریتیا ایرانی خوشت نمیاد؟

نه، کسی رو نمی‌شناسم و از شون خوشم نمیاد.

- اصلاً تا حالا پیگیر سلبریتی‌های ایرانی بودی؟

نه، هیچ وقت. من اصلاً خوشم نمیاد از سلبریتی‌های ایرانی».

«- توی لباس‌هایی هم که باهاشون از خودت پست و استوری می‌گذاری، شده بوده یا شده که از

کسی الگو بگیری؟»

نه که از هر کسی الگو بگیریم، ولی یه پیجایی هستن در مورد مد لباس و استایل هستن، اونا رو زیاد دنبال می‌کنم، استایل مورد علاقه‌ام هم کژواله، این جورری تیپ می‌زنم، همیشه بعد توی اون پیجا می‌بینم چه چیزایی مد شدن، عکسش رو سیو می‌کنم، می‌رم می‌خرمش.



- چه جورری شد که با این استایلی که می‌گی آشنا شدی؟
یکی از همین پیجایی که گفتم، چندتا پست گذاشته بود در مورد استایل‌های مختلف، مثل گرانج و کلاسیک و همین کژوال، از بین همه‌شون کژوال دقیقاً سلیقه منه، لباسای راحت اصلاً زرق و برق ندارن، ولی خیلیم قشنگن.



- بعد اشخاص معروفی هم می‌شناسی که از این استایل پیروی کنن و شما تلاش کنی مثل اون‌ها بشی؟

از بازیگرای خودمون نازنین بیاتی، واقعاً خوش‌تیپه به نظرم، یه پستی هم بود در مورد استایل‌های مختلفش، همه‌ی لباساش قشنگ بودن، ازشون اسکرین‌شات گرفتم.

- اون استایلتش همین کژوالیه که گفتی؟

آره، بیش تر وقتا، ولی یه وقتایی کلاسیک هم می پوشه.

- دوستان شما چه طور، توشون کسانی هستن که از اشخاص دیگه ای الگو بگیرن؟

توی لباسایی که توی خیابون می پوشن که مثل من هستن، ولی همه مون توی استایلامون برای مهمونی ها یا چیزای دیگه از سلبریتی های هالیوودی که دنبال می کنیم، الگو می گیریم، مثلاً دوستم عاشق لباسای تیلور سویفت، همه چیش رو دوست داره، خود من یکی از لباسای آریانا گراند رو سیو کردم که اگر یه مراسمی پیش او مد، بدم بدوزن برام، مدل موهاش که همیشه دم اسبی می بنده رو هم خیلی دوست دارم».



پس از الگوبرداری از ظواهر سلبریتی ها، در سطحی نسبتاً جدی تر، الگوبرداری های رفتاری از آنان در دستور کار هواداران قرار می گیرد.

رؤیای ۱۶ ساله در مصاحبه خود بیان می دارد که وی دوست دارد، پاهایش را به دست جراح زیبایی بسپرد تا پاهایش به لحاظ ظاهری، شبیه پاهای آریانا گراند شود و به همین ترتیب مایل است شبیه آریانا گراند پیرسینگ بزند:

«- دوست داری پاهات بعد از عمل چه شکلی بشه؟

یه چیزی توی مایه های همون مریه شقایق یا مثلاً آریانا گراند، پای لاغر و کشیده.

- دیگه چه معیارهایی از این اشخاص که گفتی رو دوست داری؟

بینی آریانا عالیه، کوچولو و سربالایا، واسه من اندازه دسته بیله، شاید بینیم عمل کردم، بعدشم یه پیرسینگ ریز بزنم.
- پیرسینگ بینی؟
بله.
- آریانا هم داره؟
آره دیگه، چون اون زده، منم می‌خوام بزنم».



غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش اظهار می‌دارد، وی در الگوبرداری رفتاری از الگوی مورد علاقه‌اش که تتلو است، نظیر او دست به فحاشی به این و آن زده است و با هر بهانه‌ای فحش دادن به اطرافیان را پیشه کرده است:

«- آیا اینستاگرام باعث عصبی شدن و پرخاشگری شما شده؟
بله، استفاده بیش از حد از اینستا باعث می‌شه رفتارمون رو نتونیم کنترل کنیم و رفتارهای پرخاشگرانه نشون بدیم.

- به نظرت این مسأله چه جوری پیش میاد؟
با الگوگیری از افراد خاص، مثلاً سلبریتی‌ها یا همین شاخ‌های مجازی، مثلاً یه سری رفتارهایی که تتلو در برخورد با افراد مختلف داره، باعث می‌شه همه فکر کنند، اگه چنین رفتارهایی داشته باشند، خیلی خفن و باحال هستند و من هم قبلاً هم این احساس رو داشتم و به همین علت گاهی پیش می‌اومد، بدون هیچ دلیلی، وقتی که توی مدرسه، یکی از بچه‌ها به هم یه حرف خیلی ساده می‌زد، شروع می‌کردم فحش بدم و داد و بیداد کنم و خب این رفتار اصلاً درست نبود».

بعضی از هواداران در مصاحبه‌های خود خاطرنشان ساخته‌اند که در هر دو بعد ظاهری و رفتاری تبعیت از الگوی مورد نظرشان را پیشه خود کرده‌اند:

«تا حالا دوست داشتی شبیه شاهین نجفی باشی؟

صد ددد در صد ددد.

- توی چه چیزهایی دوست داشتی شبیهش باشی؟

از جمله، علم و آگاهی و مطالعه‌ای که داشته، خود سبک زندگی ایشون رو می‌پسندم که با نوهی آقای بازرگان آشنا شده بود و عاشق هم بودن، یا کنسرت‌هایی که می‌ذاره رو یا تیپ ظاهری و اینا رو همه رو می‌پسندم.

- آشنایی با این فرد باعث شده کار خاصی انجام بدی؟

بله، مثلاً کتاب خوندن، مثلاً هر چند وقت یک‌بار کتاب معرفی می‌کنه یا مثلاً فیلم معرفی می‌کنن و منم پیگیری می‌کنم.

- شاهین نجفی چه تأثیراتی توی زندگیت گذاشته؟

این که توی نوجوونی سیگار رو شروع کردم، شاید یکی از اون مسایل باشه.

- مگه ایشون سیگاری هست؟

نه، سیگاری نیست، یعنی قبلاًها عکس با سیگار می‌داشت، ولی بیش‌تر به خاطر فضای آهنگاش بود» (آرشام، ۲۳ ساله).

«پس الآن توی اینستاگرام مثلاً جزو گروه‌هایی هستی که مثل خودت هستن و به این گروه بی‌تی‌اس علاقه دارن؟

آره، بیجای اونا رو خیلی فالو می‌کنم و خودم رو هم به نوعی آرمی می‌دونم.

- خوب مثلاً دقیقاً چه چیزی از این گروه رو بیش‌تر دوست داری، چه چیزی از این‌ها باعث شده تا این حد طرف‌دارشون باشی و الگوت شده باشن؟

به خاطر این که خیلی پرانرژی و خیلی انگیزه‌بخش هستن، با این که خودشون، بعضیاشون از یک‌سری شرایط خیلی سختی به این جا رسیدن که جهانی شدن، اما می‌دونی همه‌اش تلاش می‌کنن که به افرادی که توی همین رده‌های سنی ما هستن، یعنی جوونن، یاد بدن که پیشرفت کنن، بعدشم خب کلاً آهنگاشون رو خیلی دوست دارم، کلاً همه چی شون رو خیلی دوست دارم.

- بیش‌تر اون پیامی که می‌دن و زندگی که دارن و اخلاق‌شون باعث شدن تا این حد طرف‌دارشون بشی یا موسیقی‌شون؟

بین همه چیزشون، یعنی احساس می‌کنم که عاشق همه چیزشون هستم، مثلاً از رنگ موهاشون گرفته تا مسخره بازی‌شون یا این که کلاً یک اکپین با هم‌دیگه و این رابطه‌ی قشنگی که با هم دارن تا حالا پیامایی که می‌دن توی آهنگاشون، ولی خب دلیل این که این قدر دوست‌شون دارم، فکر کنم اینه که تفاوت‌شون از بقیه گروه‌های کی‌پاپ اینه که واقعاً آهنگاشون یه معنی‌ای داره، یعنی واقعاً آهنگ‌شون یک معنی داره، یعنی یک چیزی به آدم اضافه می‌کنه، ولی خب در کنار اون هم سبک رقصاشون، ویدیوهاشون، رفتاراشون، آرایش‌شون یا رنگ موهاشون، همه‌شون رو دوست دارم».

برخی از افراد مصاحبه‌شده، در عمل نشان می‌دهند که نظام ارزشی سلبریتی مورد علاقه خویش را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به عنوان مثال، ستاره ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وی پس از اطلاع از این که تتلو به طرح تهیه حرمسرا و وان نایت استند (یا عشق ورزی یک شبه) پرداخته است، اظهار تمایل می‌کند که دوست دارد با کرگی خودش را در ارتباط با وی و عشق ورزی یک شبه با تتلو از دست بدهد.

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، مصداقی از تأثیرپذیری کاربران از نظام ارزشی سلبریتی مورد نظرشان را به شرح زیر ارایه کرده است:

«- پست‌ها و استوری‌های آراین درباره چی هستن؟

داستان مفصلی داره. آراین از سال‌ها پیش شاهین نجفی رو دوست داشت. شاهین نجفی همیشه مخالف دین و نظام بود و همیشه نقد می‌کرد نظام و سیاست ایران رو. اما رفتارهای ناپهنجاری داشت و آراین هم به اون سمت کشیده شد.



- یعنی ارزش تقلید می‌کرد؟

آره.

- چه طوری؟ می‌شه بیش تر توضیح بدی؟

در ابعاد مختلفی ازش تقلید می‌کرد. از ظاهر و عقاید مذهبی و خداناباوری تا عقاید سیاسی.

- از نظر ظاهری چه طوری تقلید می‌کرد؟

آرین همیشه پیگیر شاهین نجفی بود و دنبالش می‌کرد تو جاهای مختلف، مخصوصاً اینستاگرام. یه روز شاهین نجفی طبق معمول که تغییر چهره داد بود با چهره و تیپ جدیدش یه عکس پست کرد. دقیقاً دو روز دیگه دیدیم آرین عین شاهین نجفی تیپ زده و اومد مدرسه. هم عینکش هم لباسش هم مدل موهاش عین شاهین نجفی بود. خیلی شبیهش شده بود.

- از نظر عقیده چه طوری تقلید می‌کنه؟

شاهین نجفی هر روز پست و استوری می‌ذاره و اذعان می‌کنه خداناباوره. آرین هم پستاش یا استوریاش رو ببین، می‌بینی که دائماً درگیر این قضیه هست و بر خداناباوریش تأکید داره و بعضاً به خدا و مقدسات توهین می‌کنه. اون بارها توی استوریاش به مقدسات گفته این‌ها دروغ‌اند و همین طور گفته همه ادیان دروغ هستند.

- واکنش بقیه دوستان خودت در این زمینه چه طور بوده؟

خیلی وقتا سعی کردن بهش هشدار بدن حتی سعی کردن بگن حرفاش خطرناکه و ممکنه به خطر بندازتش، اما آرین به اونا هم توهین کرد و بهشون فحاشی کرد، همون طور که توی استوریاش چندین بار به افراد متدین توهین کرده بود.

- آرین خودش رو جزو گروه و عقیده خاصی می‌دونه؟

مطمئن نیستم، اما یادمه قبلاً تو استوریاش گفته بود، من آتئیستم مثل شاهین نجفی. اما الان می‌بینم که نمادهای شیطان پرستی رو هم می‌ذاره تو پیجش و دقیق نمی‌دونم.

- شاهین نجفی آتئیسته؟

آره، فک کنم چندین بار تو همین اینستاگرام و یوتیوب گفته.

- آرین چرا نمادهای شیطان پرستی رو توی پیجش می‌گذاره؟

آرین کلاً دوست داره عقایدش رو نسبت به چیزای مختلف بیان کنه و اون‌ها رو گسترش بده. قبلاً هم درباره و آتئیست بودن می‌گفت و می‌نوشت، الان هم که ظاهراً شیطان پرستی در دستور کارش قرار گرفته.

- عقاید سیاسی آرین چه طور هست؟

عقاید سیاسی همون چیزیه که شاهین نجفی می‌گه. طرفدار پهلوی هم هست.

- شاهین نجفی در مورد سیاست چی می‌گه؟

مخالف جمهوری اسلامی، همه‌اش فحش می‌ده به ایران و جمهوری اسلامی. به نظر من شاهین نجفی متفکر نیست، فقط یه آدم لات و بی‌فرهنگه. همیشه هم تو رفتاراش نشون داده.

دقت در چگونگی الگوبرداری کاربران از سلبریتی‌ها، بیانگر آن است، اگر چه کاربران در مرحله نخست الگوبرداری از ظواهر الگوهای مورد علاقه‌شان را در دستور کار خویش قرار داده، از آن الگوبرداری می‌کنند، اما در ادامه این الگوبرداری به کپی‌برداری از رفتارهای الگوی مورد نظر انجامیده و در گذر زمان ممکن است، الگوبرداری نوجوان و جوان به اتخاذ نظام ارزشی مشابهی همچون ارزش‌های الگوی مورد علاقه بینجامد.

باتوجه به آنچه از آن یاد شد، طبیعی است اگر یک سلبریتی فرد موجهی باشد و به عنوان مثال، در عین هنرپیشگی یا خوانندگی یا ورزشکار بودن، در اقدامی نועدوستانه وارد شده و مثلاً در دفاع از زیست محیط، کودکان کار و نظایر آن وارد عمل شده باشد، می‌توان اثرات نیکوی الگوبرداری از این دست از افراد را در هواداران‌شان عیناً به نظاره نشست، اما اگر الگوهای مورد توجه نوجوانان و جوانان افراد موجهی نباشند و درخشش آن‌ها تنها در صدای قابل توجه آن‌ها، بازیگری آن‌ها در فیلم یا خوب توپ زدن خلاصه شده باشد و در سایر موارد زندگی‌شان افرادی عادی بوده و یا به سبب غرور و شهرتشان، به راه‌های نامناسبی کشیده شده باشند، در آن صورت، الگو واجد آثاری منفی بر هواداران خویش خواهد بود.

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه خود ضمن اشاره به تتلو، از سلبریتی‌هایی یاد می‌کند که معروف هستند، اما به لحاظ انسانی از محبوبیتی برخوردار نیستند:

«- منظورتون از این که بعضی‌ها معروف هستند، اما محبوب نه، چی هست؟

تعاریف محبوبیت و معروف بودن توی اینستاگرام و کلاً فضای مجازی داره یکی می‌شه، مثلاً شخصی مثل تتلو با رفتارهایی که مثل بیماران روانی چند شخصیتی هست، اول میاد معروف می‌شه و بعد به خاطر این که پیشگامه توی یه سری چیزها، بین مردم محبوب هم می‌شه و به نظر من این عمق فاجعه است که همچین آدمی، بشه الگو و یه خواننده محبوب بین مردم، خوب به نظر باید این تعاریف به شکل درستی برای مردم شکل بگیره و با سواد رسانه، این مسأله امکان‌پذیره و ناممکن نیست، ولی خوب در حال حاضر این آگاهی خیلی شکل نگرفته توی جامعه‌ی ما، اون مسأله چند شخصیتی که

گفتم تلو داره، نمودش بین مردم عادی کجا می‌شه؟ اون جایی که افراد در صفحات مختلف توی اینستاگرام، شخصیت‌های متفاوتی از خودشون نشون می‌دن، یه جا خیلی موجه برای تأیید گرفتن از یه گروهی مثل خانواده، مثلاً یک سمتی خیلی بددهن برای تأیید گرفتن از دوستان، مخصوصاً توی سن نوجوونی که یک‌سری کلاً با همین هدف پیج دومی می‌زنن و خود این فضا انگار بستریه برای شکل‌گیری و دامن زدن به افرادی که بالقوه این جوری هستن و منتظر یه چیزین تا کاملاً این قضیه توشون اوج بگیره...».

اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی (به عنوان منابع ارزشی جدید)

با تأمل در مورد چهره‌هایی که تا یکی، دو دهه قبل در جامعه و نزد افراد جامعه مطرح بودند، می‌توان بیان داشت، غالب افراد اثرگذار اجتماعی در گذشته، افرادی بودند که طی سال‌های متمادی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی کار کرده و تجربه کسب کرده بودند و با اتکاء به تجربیات‌شان، در سطح مجامع علمی، هنری یا فرهنگی جامعه مطرح می‌شدند، ولی فضای مجازی با گشودن عرصه‌های جدید فراروی بشر، امکان طرح چهره‌هایی مانند بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی را نیز در عمل فراهم آورده است و این افراد با اتکاء به اطلاعات تخصصی که در یک زمینه خاص از آن برخوردارند یا اثرگذار واقع شدن در جامعه و یا انجام رفتارهایی که در عرف معمول جامعه نمی‌گنجند، مطرح گردیده‌اند.

در گذشته اگر چه تنها سلبریتی‌ها در سطح جامعه مطرح بودند و الگوبرداری بسیاری از افراد، از آنان صورت می‌پذیرفت، ولی با گسترش فضای مجازی، در عمل چهره‌های جدیدی همچون بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی در سطح فضای مجازی مطرح شده‌اند و دامنه شهرت و نفوذ آنان به فضای واقعی جامعه نیز کشیده شده است و همچون سلبریتی‌ها، مورد توجه و الگوبرداری افرادی از جامعه قرار گرفته‌اند.

بلاگرها، افراد متخصصی هستند که در فضای مجازی با اتکاء به زمینه‌های تخصصی خویش، در صدد اطلاع‌رسانی به مخاطبان خویش برمی‌آیند، اما متأسفانه در ایران بسیاری از افراد بلاگر، بدون آن که از تخصص و مهارتی برخوردار باشند، با اتکاء به به نمایش کشیدن قد و بالای خود یا زندگی لاکچری خویش، در صدد جذب هوادار و فالور برای خود برآمده‌اند.

اینفلوئنسرها افراد اثرگذار اجتماعی هستند. به این معنا که برخی از افراد به صرف رفتار یا عملکردی که از خود در فضای مجازی یا جامعه نشان داده‌اند، مورد توجه دیگران واقع شده‌اند و برخی از شهروندان بر مبنای علاقه‌ای که با همان رفتار، نسبت به اینفلوئنسرها یافته‌اند، دنبال کردن آن افراد را در فضای مجازی پیشه خویش کرده‌اند.

اثرگذاران اجتماعی نیز به سبب آن که غالباً در رخدادهای هیجانی برای هواداران مطرح شده‌اند (نظیر فردی که با لهجه یا تکه کلام خاص خویش مورد توجه دیگران قرار گرفته است)، ممکن است به سرعت جذابیت اولیه خویش را در نزد هواداران خودشان از دست بدهند.

شاخ‌های مجازی هم افرادی هستند که غالباً با رفتارهای غیرمتعارف خویش در فضای مجازی و به تبع آن در فضای واقعی جامعه مطرح شده‌اند. به عنوان مثال، قهر و آشتی‌های پویان مختاری و نیلی افشار یا عشق‌های دنیا جهان بخت به ساسی مانکن، مونتیگو، تتلو و مهرداد جم، از پویان یا دنیا چهره‌هایی ساخته است که مورد توجه پرسه‌زنان فضای مجازی واقع شده‌اند و افراد مزبور، کنجکاوانه پیگیر رفتارهای بعدی این شاخ‌های مجازی هستند.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، وی با اثرپذیری از بلاگری به نام شیما کاتوزیان، با مواردی همچون راه‌های اغواگری مردان و مخزنی آنان و همین‌طور برقراری روابط آزاد با جنس موافق، موافقت دارد، اما از پیشنهادهای مردستیزانه وی استقبال ندارد، گرچه اذعان دارد، خیلی از هواداران از پیشنهاد اخیر شیما نیز استقبال می‌کنند:

«- می‌شه یک کم درباره‌ی شیما و محتواهایی که می‌گذاره، توضیح بدی؟»



میاد ویدیوهای آرایشی می گیره و هر بار درباره یه موضوع حرف می زنه، مثلاً یه پست گذاشته بود راه های اغواگری و مخ زدن رو یاد می داد، خب واقعاً بچه ها اون طوری رفتار کنن، مخ طرف شون زده می شه. یه پست هم گذاشته بود توی یوتیوب و درباره سکس حرف می زد، می گفت چرا برامون تابو شده، خب بالاخره که باید تجربه کنیم و ازدواج هم اون قدر سخت شده که معلومه طرف به خاطر یه سکس، یه میلیارد خرج عروسی نمی کنه.

- این جور محتواها به نظرت درست هست؟

قبول دارم حرفاش علمی نیست و با راه کارهای مشاوره ی ازدواج حتی تناقض داره، ولی این حرفا واقعیت جامعه است، به نظرم، نه اون حرفایی که روان شناسا می زنن، البته جسارت نشه به شما (خنده)...

- اولین بار از چه طریقی با شیما آشنا شدی؟

دوستام لایکش می کردن، توی اکسپلور پستاش برام اومد، منم از روی کنجکاوی دیدم و شناختمش.

- فکر می کنی چه چیزی توی شخصیت شیما باعث جذب شما و دوستانت شد؟

لحن تعریف کردن داستانش باحاله و این که باعث می شه دیگه حرف آشنا و فامیل برام مهم نباشه، مثل خودش.

- یعنی این تأثیرات رو مثبت برداشت می کنی؟

آره خب.

- به نظرت شیما می تونه تأثیر منفی هم روی کاربران بگذاره؟

آره، قطعاً می تونه، حتی به نظر من یه سری حرفاش مرد ستیزه، خودم به شخصه اون پستاش رو لایک نمی کنم، ولی خیلیم می بینن و روشون تأثیر می ذاره».

مریم ۱۹ ساله در مصاحبه خودش از به اصطلاح بلاگری یاد می کند که انجام خود ارضایی را در سطح جوانان پیشنهاد کرده و ریحانه ۱۸ ساله در مصاحبه خویش از تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم جراحی زیبایی که برخی از بلاگرها دارند، یاد کرده است:

«- از میان دوستان شما کسی هست که در اثر اینستاگرام عقایدش عوض شده باشه؟

همه مون به تأثیری روی عقیده هامون داشته دیگه، مثلاً چند ماه پیش با یکی از دوستام حرف می زدم، می گفت قبلاً خودارضایی به نظرش خیلی کار زشتی بوده، ولی یه بلاگری درباره اش یه بار حرف زده، روی عقیده اش تأثیر گذاشته، می گفت به نظرش خودارضایی امن ترین روش برای ارضای

جنسیه».

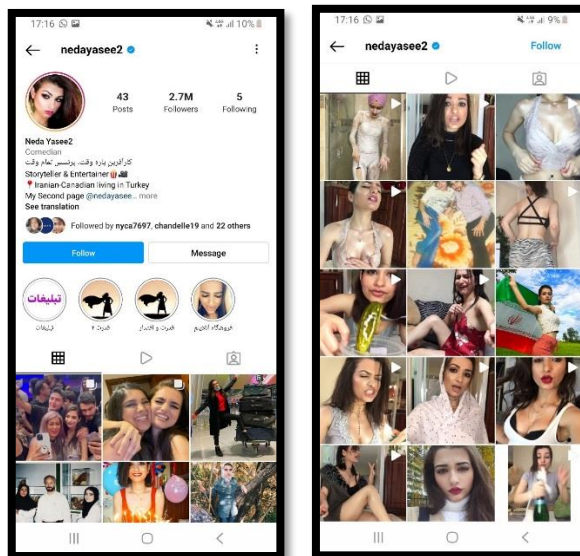
«- چرا عمل زیبایی رو دوست داری؟»

خب بین الان اکثراً به کسانی که قیافه‌شون عملیه، می‌گن خوشگل و ملاک خوشگل بودن، عملی بودن دماغ و این چیزاست. دیگه تقریباً همه‌ی هم‌سن و سالای من دارن عمل می‌کنن، دوس ندارم فقط من توشون زشت بمونم.»

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به ندا یاسی که از دیگر شاخ‌های مجازی به شمار می‌رود، از شهرت وی که بیش‌تر در اثر نمایش خود در حمام و به کار بردن الفاظ رکیک به دست آمده، یاد کرده است:

«- در ابعاد اخلاقی تأثیر الگو رو چه طور ارزیابی می‌کنی؟»

خب توی جامعه‌ای که یکی مثل ندا یاسی الگو باشه، خیلی چیزا عوض می‌شه دیگه، نمی‌دونم می‌شناسینش این فرد رو یا نه، ولی خب خیلی حرف‌های عجیبی می‌زنه، حتی اسم آلت مرد و زن رو خیلی راحت میاره، خب نرمال شده این چیزا، بعد خیلی از دوستانم بهم دیگه ویدیوهاشون رو نشون می‌دن، فقط برای خنده، اما خب نمی‌دونن که این تأثیر خودش رو به صورت ناخودآگاه داره.



- چه جور تأثیری داره؟

خب خیلی عادی می‌شه دیگه، برای خنده گوش می‌دن، ولی جزئی از ادبیات‌شون می‌شه، مثل تأثیری که تلو همیشه داشته، اصطلاحاش جا افتاده دیگه، الان دیگه مثلاً این حرف‌ها عین سلام، خداحافظی

شده، خیلی راحت همه به هم می‌گن، حتی توی قرار اول، مثلاً دوستت رو تازه دیدی یهو این الفاظ رو به کار می‌بره، دیگه زشتی ندارن، رایج می‌شه.
- به نظرت چی می‌شه که این افراد الگو می‌شن؟
خب از بس که این سبک آدم‌ها زیاد شده و معروف شدن، اصلاً یک عکاس حرفه‌ای معروف نمی‌شه، ولی اینا از بس زیادن و چیزای عجیب می‌گن، فالوراشون هم زیاد می‌شه، بیش‌تر هم توی چشم می‌رن».



مه‌لقای ۱۸ ساله با ملاحظه روابط باز بلاگرها و شاخ‌های مجازی در فضای مجازی، به صرافت زندگی آزادانه با دوست جنس مخالف خودش افتاده است:

«... شما قبل از این که اینستاگرام داشته باشی همچین نظری داشتی؟

چه نظری؟

- همین که خانواده‌ات بگذارن راحت باشی؟

نه، خب اون موقع بچه بودم، ولی الآن که بزرگ‌تر شدم، وقتی می‌بینم توی اینستاگرام اونا این قدر راحت‌ان، من محدود شدم یا نمی‌تونم مثل اونا موهام رو رنگ کنم با این که هم سن و سال من هستن، خب حسودیم می‌شه. هر روز بیرون‌ان، هر روز کافه هستن، خب منم دوست دارم این جور زندگی رو داشته باشم.

- منظورت از این جور زندگی این هست که هر روز کافه بری؟
نه، ولی الآن همه کسایی که سن من هستن یا یکی، دوسال بزرگ تر هستن یا با دوست پسرشون بیرون
ان یا تنهایی خارج زندگی می‌کنن، مثل نیکا. منم دوست دارم آزاد باشم، ولی من تنهایی نمی‌تونم
برم بیرون، همین دوستای خودم بیش تر از من آزادن.

- دوستان شما چه کار می‌کنن؟

همین دیگه با دوست پسرشون می‌رن بیرون یا حتی یکی از دوستام مامانش می‌دونست با پسره دوسته،
با هم سه تایی می‌رفتن بیرون».

بهر روز ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش از فحاشی‌های ناموسی که شاخ‌های مجازی در ارتباط با هم
دارند، یاد کرده و بیان می‌دارد، با شنیدن فحاشی متقابل این افراد، کلی می‌خندد:

«... این بدهههههه (استیکر شخصی به اسم سپهر خلسه را برای چندمین بار پیاپی می‌فرستد).

- به سپهر خلسه علاقه داری که مدام استیکرهاش رو می‌فرستی؟

آره، خیلی خوبه این بشر.

- چرا؟

مگه فیلم‌های اینستاگرامیش رو ندیدی؟

- کدوم فیلم‌ها؟

بین سپهر خلسه میاد توی یه فیلمی به یه نفر دیگه به اسم پارسالیپ کلی فحش ناموسی می‌ده.
حالا پيجای اینستاگرامی او مدن، کلی میکس‌های مختلف از این فحشا درست کردن، من هر کدوم
این‌ها رو می‌بینم از خنده پاره می‌شم، یعنی بهتر ازینا پیدا نمی‌کنی توی اینستا.

- خوب توی این میکس‌ها فقط فحش می‌ده که می‌خندی؟

آره دیگه، ولی مثلاً روی فحشا آهنگ می‌ذارن، تصویر می‌ذارن و خیلی چیزای دیگه، برا همین
این قدر خنده‌دار هستن.

- خوب این‌ها فقط برای شما خنده‌دار هستن یا برای دوستان خودت هم هستن؟

نه، فقط من و دوستام، کلاً هر کسی می‌بینه، از خنده پاره می‌شه، اگر کامنتای این نوع پستا رو بری
بینی، می‌فهمی چی می‌گم، تازه حالا قسمت خنده‌دارترش می‌دونی چیه؟

- نه، چی هست؟

مجریای صدا و سیما یا بازیگرا، میان دقیقاً عین همین تیکه‌های سپهر خلسه یا میکسای دیگه اینستاگرام
رو استفاده می‌کنن (می‌خندد).

- می تونی توضیح بدی چه کسانی استفاده کردن؟

مثلاً رضا جاودانی، مجری برنامه گزارش ورزشی هست که از شبکه ۳ پخش می شه، چند شب پیش داشت روی آنتن زنده کامنتای مردم رو می خونند که به یکی شون گفت: «بیا پایین سرمون درد گرفت».

- خوب این از تیکه های سپهر خلسه هست؟

نه دیگه، یه فیلم معروفی یه دفعه توی اینستا و ایرال (گسترده) شد که توش یه پسر جوون بالای سطل آشغال نشسته، داره شعر می گه، بعد یه پیرمرد میاد بهش می گه، بیا پایین بچه، بیا پایین سرمون درد گرفت، یه فحشم بهش می ده (می خندد).

اتفاقاً از این هم میکسای خیلی خفنی ساختن توی اینستا، الان زیر هر پستی بری توی اینستا، خیلیا کامنت گذاشتن بچه بیا پایین، بیا پایین سرمون درد گرفت.

- خوب از حرف های سپهر خلسه هم توی صدا و سیما استفاده شده؟

آره (می خندد).

بازم توی برنامه گزارش ورزشی، گزارش گر بازی رئال مادرید گفت، وینسیوس جونیور یه پیام داره برا تیتیه.

- خوب بیش تر توضیح می دی، نفهمیدم.

وینسیوس بازیکن رئال هست که به تیم ملی برزیل دعوت نشده، تیتیه هم سرمربی رئال هست، وینسیوس گل می زنه و گزارش گر هم اون جمله رو می گه. اون جمله از بهترین تیکه های سپهر خلسه هست، وقتی توی همون فیلم داشت به پارسالیپ فحش می داد، یه جاش می گه: «یه پیام دارم برا پارسالیپ عزیز»، بعد دوباره کلی فحش ناموسی می ده بهش (می خندد).

- گفتی بازیگراها هم از حرف های سپهر خلسه استفاده می کنند؟

آره، این رو من نمی دونستم، رفیقم فیلمش رو توی اینستا برام فرستاد، توی سریال سیاوش، مجید صالحی یه تیکه کلام داره که می گه: «این بدههههه»، این دقیقاً تیکه کلام سپهر خلسه بود که توی سریال سیاوش ازش اسکی (تقلید کردن) می رن.

- راستی چرا این فحش های ناموسی که داده می شه توی این فیلم ها، برای شما خنده داره؟

آخه خیلی بامزه هست، مخصوصاً وقتی روش تصویر می ذارن یا آهنگ خاصی روش می ذارن و می شه همون ویدیوی میکس، خیلی بامزه تر و خنده دارتر می شه.

- خوب فحش‌ها ناموسی این فیلم‌ها برای شما این قدر خنده دارن یا به نظرت برای بقیه هم همین هست؟

آره دیگه، گفتم برا بقیه هم همینه، اگر بری کامنتای مردم زیر این پستا رو نگاه کنی متوجه می‌شی». نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به افرادی نظیر وحید خزایی و میلاد حاتمی، خاطرنشان می‌سازد، این افراد به دلیل رفتارهای غیرمتعارف خودشان در فضای مجازی مطرح شده و توجه هواداران زیادی را معطوف به خویش کرده اند:

«... وحید خزایی بابا همون که بهش پسر ابرونی یا پسر تلگرامی می‌گفتند.



- نمی‌شناسم!

این بدبخت خیلی الکی الکی معروف شد و سر زبون‌ها افتاد، چند سال پیش چندتا عکس ناجور از این با چندتا دختر که لباساشون خیلی مناسب نبوده، توی کل تلگرام پخش می‌شه و چون قیافه‌هاشون هم معلوم بوده، همه دیگه این رو می‌شناسند و این هم که یکی از همون دخترها بهش زنگ می‌زنه و می‌گه که یک ویدیو بگیر و بگو که این دخترها فامیل‌هام و دختر خاله‌هام هستند و گوشیم رو دزد زده و این عکسا این جوری پخش شدن!

- ... حالا میلاد حاتمی کی هست؟

یکی از شاخ‌های اینستا بود که ده پله از ساشا سبحانی بدتر بود، چالش‌هایی که برگزار می‌کرد، این قدر مسخره و چندش بودن که من اصلاً حرفی برای گفتن ندارم!



- چالش هاش چی بود؟

یکی از چالش‌هاش این بود که یهویی و بدون خبر شلوار یکی از اعضای خانواده‌ات رو بکشی پایین و از عکس‌العمل اون آدم فیلم بگیری یا یکی دیگه‌اش این بود که خانم‌ها بازترین لباسی رو که دارند بپوشند و بگن که می‌خوام برم بیرون و از عکس‌العمل مردهای خانواده فیلم بگیرند! یا یکی دیگه از چالش‌هاش این بود که خانم‌ها بطری بذارند روی سرشون و برقصند ولی از پشت! یکیش خیلی افتضاح بود و واقعاً این رو نمی‌گم!



بعد طرز لباس پوشیدن همه خیلی افتضاح بود، یعنی اکثراً فاصله‌ای با لخت شدن نداشتند، تازه اون یکی چالش افتضاحش که اصلاً چیزی پاشون نبود یا این قدر لباس شون نازک بود که بودن و نبودنش فرقی نداشت!



- خود دخترها براش می‌فرستادند؟

آره. چالش بود دیگه. هر چالش هم ۳ تا ۱۵ میلیون جایزه‌اش بود.

- همه این‌ها رو پست می‌کرد؟

نه، استوری می‌کرد، خیلی زیاد بودند خدایی».

متأسفانه به دلیل کوتاهی مسوولان امر در بسترسازی فرهنگی جهت کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید در جامعه، در این زمینه در جامعه آشفستگی پدید آمده است و به عنوان مثال، افرادی که از هیچ تخصصی برخوردار نیستند، به صرف رفتارها یا زندگی لاکچری که از خودشان به معرض دید نهاده‌اند، خود را به عنوان بلاگر معرفی کرده‌اند و یا افرادی که اثرگذاری مثبت و مؤثری در جامعه نداشته‌اند و در اثر یک حادثه خاص، مورد توجه برخی از اقشار اجتماعی قرار گرفته‌اند، به عنوان اینفلوئنسر در فضای مجازی مطرح شده‌اند و افراد دیگری که نامتعارف‌ترین رفتارهای ممکن را از خود به معرض دید نهاده‌اند، با عنوان شاخ مجازی در فضای مجازی مطرح گردیده‌اند.

بالطبع از آنجا که افراد پیش گفته، در غالب موارد از تخصص، هنر و مهارت خاصی برخوردار نیستند، به نوعی در این تنگنا قرار دارند که به هر وسیله ممکن و با حاشیه‌پردازی‌های مختلف خود را در اذهان دیگران زنده نگه دارند.

با اوصاف اخیر نوجوانان یا جوانانی که به بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی وطنی علاقه‌مند شده‌اند، با عطف توجه خویش به این افراد و هواداری از آنان، نه تنها از بهره خاصی برخوردار نخواهند شد، بلکه ممکن است در جریان پیروی و تبعیت از افراد اخیر، با آسیب‌هایی در زمینه‌های اخلاقی، فرهنگی و عقیدتی خویش نیز مواجه شوند.

امیرحسین ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به هلیا، دختر اصفهانی که برای معشوقش دست به قمه کشی زد، از مورد توجه قرار گرفتن برخورد هیجان‌مدار وی در نزد بسیاری از کاربران فضای مجازی، و به تبع آن جذب تعقیب‌کننده و فالور، به شرح زیر یاد می‌کند:

«... طرف اومده از یک چیزهایی فیلم گذاشته توی اینستاگرام که واقعاً به نظر من مبتذله. مثال بزخم برات مثل اون هلیا که اومد قمه کشی کرد، چه قدر هم بازدید خورد و فالوراش زیاد شد.»

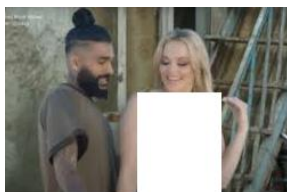


ولی به نظر من محبوبیت مهم‌تره تا معروف شدن و صرفاً به هر قیمتی دوست ندارم فالورام زیاد بشن». امیرحسین با اشاره به ترانه «سمیه نرو» ساسی مانکن که در آن یک ستاره پورنوگرافی نیز حضور داشت، از استقبال زیاد از این ترانه در فضای مجازی یاد می‌کند:

«یه سری از اینا میان یک کارهایی می‌کنن توی ویدیوشون که واقعاً یک ویدیویی که ۴۰۰ هزار نفر هم شاید اون رو نبینند، یهو مثلاً تماشاگراش به ۲ میلیون نفر هم برسه، مثل ساسی مانکن که اومد یه شخصی رو آورد توی فیلمش که واقعاً هیچی نداشت، این فیلم به نظرم و صرفاً به خاطر این که یه شخص خاصی توی این فیلم بازی کرده بود که حالا اسم نمی‌برم، ویوی خیلی بالایی خورد.»

- شما خودت اون ویدیو رو دیدی؟

خودم ندیدم، ولی خوب تیکه‌هاش رو توی اکسپلور دیدم که اون روزا اومده بود، واقعاً هم خیلی سر و صدا کرد این فیلم. شاید بتونم بگم که حدود ۲ میلیون ویو فقط توی یوتیوب خورد، حالا توی اینستاگرام و جاهای دیگه خدا می‌دونه که چه قدر بازدید داشته این ویدیو».



نسترن ۱۷ ساله هم در مصاحبه‌اش در توصیف اثرگذاری شاخ‌های مجازی در سطح هوادارن‌شان، یادآور می‌شود، کسانی که پس از ۶ ساله دوستی با جنس مخالف‌شان، ابتدای نام وی را هم روی بدن خودشان تتو نکرده بودند، با مشاهده تتوی چشم‌های دنیا روی پشت مهراد جم، تصویر چشم دوست دخترشان را روی بدن خویش تتو کرده، آن را برای دنیا فرستاده‌اند.

«- محتوایی که الآن و چند سال قبل داخل اینستاگرام دنبال می‌کردی، چه قدر فرق کردن؟ قبلاً خیلی بیش‌تر دنبال حاشیه‌ها بودم و بازیکنای پرسپولیس رو دنبال می‌کردم، خواننده‌های دیس‌لاو رو دنبال می‌کردم، مخصوصاً پست‌هایی که با آهنگاشون ادیت می‌خورد، ولی الآن فازم خیلی ملوتر شده، بیش‌تر شعر و کتاب و مسایل اجتماعی رو دنبال می‌کنم، ولی هنوزم وقتی که فازم دب می‌شه، اون ادیت‌ها رو می‌بینم، مخصوصاً موقع پی‌ام اس خودم که افسرده‌ام.

- منظورت از حاشیه رو می‌شه واضح‌تر توضیح بدی؟

منظورم همون حواشی بازیگرا و شاخای مجازی که توی اکسپلور می‌اومد، اون طوری کنجکاو می‌شدم، دنبال کنم بینم جریان چیه، یادمه مثلاً یه مدت ترلان... و فرشاد... بازیکن... با هم بودن و کلی حاشیه ساخته بودن و می‌گفتن فرشاد کلی دختر می‌بره خونه و این چیزا.

- این حاشیه‌ها چرا جذابیت داشتن؟

خب من طرف‌دار سفت و سخت پرسپولیس بودم، همه چیزم برام مهم بود که مثلاً چه بازیکنایی الآن توی ترکیب تیم هستن و چه قدر تیم داره پیشرفت می‌کنه، به خاطر همین تک‌تک بازیکنانم برام مهم شده بودن، وقتی آدم یه نفر رو یه مدت تحت نظر می‌گیره، ناخواسته درگیر یه سری مسایل شون هم می‌شه، مثل همین رابطه‌اش که واقعاً به بازیش ربطی نداشت، ولی برام مهم شده بود.» «مهراد کله خ***»، نمی‌دونم چه طور تونست همه‌ی فن‌هاش رو ول کنه و بره پیش دنیا که چی آخه! آخه یکی نیست بگه یارو توی این مملکتی که به زور مجوز موسیقی می‌دن، به تو مجوز کنسرت هم دادن و کنسرت برگزار می‌کردی، کجا پاشدی رفتی، چی می‌خواستی آخه؟ رفت خودش رو بدبخت کرد.

- ترکیه رفت؟

آره دیگه، رفت وردل خانم که ازش چند سال کوچیک تره و همه هی کامنت می داشتن، دنیا انگار مامان مهرداد هست، همون شب دوم هم رفت چشم های دنیا رو، روی شونه اش خالکوبی کرد.



طرف این قدر تباه، بابا می شناسم کسایی رو که ۶ ساله با هم دوستن، ولی هنوز جرأت ندارن اول اسم هم دیگه رو تتو کنن، اون وقت این رفته چشمای دنیا رو تتو کرده! حالا بعد از این هم همه شروع کرده بودن، چشم دوست دخترشون رو خالکوبی می کردند و برای دنیا می فرستادند.»

بهروز ۱۸ ساله، در فراز دیگری از مصاحبه اش به گزارش روابط باز شاخ های مجازی پرداخته، خاطرنشان می سازد، انعکاس تعویض هر روزه جنس مخالفی که در کنار این و آن شاخ مجازی هست، در نهایت به تزلزل روابط خانوادگی بسیاری از افراد ناظر بر روابط این شاخ ها می انجامد:

«- خوب می تونی به من بگی این افراد چه اثراتی روی خانواده های جامعه گذاشتن؟

همین شاخا؟

آره.

من خیلی خبرا خوندم در رابطه با خانواده هایی که از هم پاچیده شده.

- به خاطر شرط بندی کردن؟

شرط بندی یکی از دلایله هست که بیش تر بولد شده، ولی خیانت هم از عللی بوده که خیلیا از هم طلاق گرفتن.

- چرا؟

خب اینا توی پیجاشون هر روز با یه دختر بودن و ظاهر قضیه رو خیلی خوب و اوکی نشون می‌دادن، در صورتی که همه این کارا برا ایجاد حاشیه و تبلیغ بیش‌تر پیج‌شون بوده و اینا، به صورت غیر مستقیم روی ایجاد خیانتا توی خانواده‌ها خیلی تأثیر داشته».

نسترن ۱۷ ساله در بیاناتش از اخذ ارزش از پدیده جدید شاخ‌ها، اینفلوئنسرها و بلاگرها یاد کرده است. وی در همین ارتباط می‌گوید:

«- خوب این رابطه (ازدواج سفید یا مدنی) هیچ مبنا و هیچ تعهدی و هیچ پشتوانه‌ی دینی و حقوقی نداره؟»

عوضش توی لحظه زندگی می‌کنیم و لذت می‌بریم، فردا که هنوز نیومده، پس بی‌خیالش! الآن پویان با نیلی اوقات خوشی داشتند، ولی الآن با هم نیستند و به نظرم اوکیه، چون تا وقتی با هم بودند، با هم دیگه زندگی‌شون رو تا اون مرحله ساختند و بعد دیدند که با هم دیگه کنار نمیان، تمومش کردند و الآن هر کدوم زندگی خودشون رو دارند».

پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی

تا پیش از سایه گستر شدن فضای مجازی در جامعه، افرادی بودند که به دلیل مطرود بودن، منحرف بودن و نامتعادل رفتار کردن، امکان طرح خویش در فضای واقعی جامعه را نداشتند، اما با گسترش فضای مجازی، افرادی که غرق در رفتارهای هنجارشکن و ضد ارزشی بودند. با اتکاء به فضای مجازی توانستند در این فضا دست به عرض اندام زده و به طرح منویات خویش برای دیگر کاربران فضای مجازی بپردازند.

مهدی ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش، از ساده‌ترین مورد ممکن که تبلیغ مشروب‌خواری است، به شرح زیر یاد کرده است:

«من یه مدت قبل داشتم با یه نوجوونی صحبت می‌کردم که ایشون هم کلاسی برادرم بود و تا کلاس ششم خیلی درسش خوب بود، ولی وقتی باهاش صحبت کردم، دیدم که خیلی وضعیت خرابی داره و حرف از مشروب و سیگار و چنین چیزایی می‌زنه و به نظرم این برمی‌گرده به همین محتواهای ایستاگرام که الآن خیلی ردوبدل می‌شه، یکی میاد استوری مشروب می‌ذاره که مثلاً ما داریم مشروب می‌خوریم و این تفریح رو می‌کنیم یا این کار رو انجام می‌دیم».

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، وی در جریان کاربری از اینستاگرام، با افراد زیادی از انسان‌های ترنس (تغییر جنسیت طلب) و دگرباش برخورد داشته است و در اثر این

برخوردها، متوجه شده است که خودش نیز به هر دو جنس علاقه‌مند بوده و عشق ورزی به هر دو جنس را در دستور کار خود قرار داده است:

«- منظورم این بودش که شده تا حالا با یک آدم غریبه توی اینستاگرام آشنا شده باشی و درباره‌ی همین مسایل با اون چت کنی و اطلاعاتت بالا رفته باشه؟»

با آدمای زیادی چت کردم توی اینستا، اما در مورد این مسایل پیش نیومده، گرچه مسأله خاصی نیست، اما پست و استوری‌ها اطلاعاتم رو خیلی بالا بردن توی این زمینه.

- برگردیم به همون موضوعی که مطرحش کردی، یعنی شما الآن خودت رو بایسکسوال می‌دونی؟ آره، من قبلاً فقط فکر می‌کردم عشق می‌تونه به جنس مخالف باشه، اما بعد از یه مدت که گرایش‌های مختلف رو شناختم، دیدم پتانسیل این که عاشق هم‌جنس بشم رو دارم.

- اینستاگرام باعث شد به این موضوع پی ببری؟

هم اون دوستم رو دیدم و خیلی روم تأثیر گذاشت، هم این که یه مدت آدم‌های ترنس و دگرباش زیادی رو فالو داشتم.

- علت فالو کردن این افراد از طرف شما چی بوده؟

اون موقع خب تازه داشتم روابط جنسی و این مسایل رو می‌شناختم، برام جالب بود بیش‌تر و دقیق‌تر بدونم از شون و واقعاً هم اطلاعاتم رو بالا بردن.

- خودت هم در زمینه‌ی آگاهی دادن این موضوع توی اینستاگرام اقدامی کردی؟ نه.

- به نظرت این که یک بستری مثل اینستاگرام وجود داشته باشه و افراد خیلی راحت از گرایش‌هاشون صحبت کنن، باعث از بین بردن حیا و عفت در جامعه نمی‌شه؟

کلاً حیا خیلی مسخره هست، خب میل جنسی یه چیز عادی توی وجودمون هست که توی وجود هر فرد یه جور ظاهر می‌شه، ایرادش چیه؟

- خودت توی حرف‌ها گفتی این گرایش‌ها اوایل برای خودت هم عادی نبوده؟

چون منم همین شکلی فکر می‌کردم، ولی فهمیدم نظرم اشتباه هست، تغییرش دادم، اگه روند آگاه‌سازی همین طوری ادامه پیدا کنه، کلاً برای همه مردم عادی می‌شه و الکی پشت سر حیا قایم نمی‌شن».

رضای ۱۸ ساله در مصاحبه‌اش، از مردی یاد می‌کند که پس از اعلان چالش شکم صاف، از شکم صاف همسرش فیلم برداشته و برای به نمایش آن، آن را برای بلاگری به نام افشون، ارسال داشته است:

«- شده توی اینستاگرام چالش‌های عجیبی دیده باشی؟
آره.

- می‌تونی به من بگی چی بودن؟

یه نفر چالش گذاشته بود چند سال پیش، می‌گفت دخترا عکس شکم‌شون رو بفرستن استوری کنم، پسرا عکس سینه‌هاشون، الآن توی هایلایت‌های اینستاگرامش هست.

- اسم پیجش چی هست؟

افشون بود (@afshoon) تازه خلیا براش فیلم فرستادن، حتی یکی از استوری‌هاش یادمه، مرده از زنش فیلم گرفته بود، صورتش نیفتاده بودا، ولی می‌گفت اینم شکم زن من، اصلاً بی‌غیرت شدن، اینا زنای همین پسرای هستن که میان ابروهاشون رو برمی‌دارن و موهاشون رو رنگ می‌کنن دیگه».



← afshoon

6,916 Posts 664K Followers 327 Following

افشون
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی
See translation
t.me/afshoonam

Follow Message

چالش شکم
این چیه؟
چالش موی سینه
Live



امیرحسین ۱۸ ساله هم در مصاحبه خودش از افرادی مانند پویان مختاری نیلی افشار، ندایای و نظایر آن‌ها یاد می‌کند که با اتکاء به فضای مجازی، امکان طرح روابط پر حاشیه خود، به نمایش نهادن خویش در حمام و یا رکاکت کلامی خود را یافته اند:

«- نظرت راجع به کسانی که توی اینستاگرام زیاد حاشیه دارن، چی هست؟
خب زیاده و حتماً جذاب ان که این قدر طولانی روی اوج می‌مونن و با حاشیه‌هایی که هر چند وقت یه بار انجام می‌دن، سعی می‌کنن همیشه خودشون رو روی بورس نگه دارن.
- مثلاً چی؟

مثلاً پویان مختاری، اولاً کلی سر و صدا کرد عروسیش با نیلی افشار، بعد این که ریحانه پارسا رفت ترکیه و نیلی زد بیرون از خونه و رابطه‌اش رو با پویان بهم زد و طلاق گرفت، همه گفتن به خاطر ریحانه پارساست، بعد شروع کرد به کار مدلینگی که الان با عجیب و غریب‌ترین قیافه‌ها پست می‌ذاره. بعد یه فیلمی از گریه و زاری نیلی افشار شبونه توی خیابون دراومد که از خیانت شوهرش می‌گفت و فکر کنیم ویو زیاد این ویدیو خیلی این قضیه رو جنجالی کرد. من چون از پویان مختاری خوشم میاد زیاد دنبالش می‌کنم و همه استوریاش رو می‌بینم یا لایواش رو تا جایی که بتونم شرکت می‌کنم. بعد این که یه مدت با ریحانه پارسا اینا ریختن روی هم، یه کم داشت می‌گذشت و خبری نبود ازشون، تا برای این که بیاد روی کار، دوباره قضیه این رو مطرح کرد که با آنشید حسینی می‌خواد ازدواج کنه و توی لایو ازش خواستگاری کرد!



من اون لایو رو دیدم ساعت ۱ اینای شب بود، بعد معلوم شد همه‌اش بازی بوده و آنشید برگشت ایران. فکر کنم دوباره گذشت و قضیه دوست دختر جدید پویان مطرح شد.

خود من کلاً از آهنگای پویان خوشم میاد و از زندگی تمام و کمالش. بعد یه بار یه چیز جالب این بود که یکی ازش پرسید چه جوری این قدر پول دار شدی؟ توی لایو ازش پرسیدن، گفت بازی کردم، منظورش همون بازی قمار و سایت خودش بود.



من چند بار یعنی خیلی بیش تر از چند بار وسوسه شدم که انجامش بدم، اما هر بار ترسیدم که پولی رو هم که دارم از دست بره، اما همون جمله خیلی ذهنم رو درگیر کرد و با دوستانم مطرحش کردم، یه کم اطلاعات از سایتای مختلف درآوردیم و تصمیم گرفتیم پول بذاریم با هم بازی کنیم، راستش چند بار هم بازی کردیم ولی خانواده‌هامون نمی‌دونن.

- راجع به بقیه شاخ‌های مجازی چه نظری داری؟

من از نیلی افشار هم خوشم میاد، مخصوصاً به خاطر این که یه مدت با پویان بود و بعد که از جدا شد هم نشون داد دختر خود ساخته‌ایه، هم جزو دختراییه که من از هیکل و قیافش خیلی خوشم میاد. حالا مثل ریحانه پارسا گنگش بالا نیست، ولی جزو دخترای ظریف و ناز و ملوسه. من آهنگشم اوکی بودم باهاش، چون صداش خیلی نازه، موزیک ویدیوش هم قشنگ بود، دوست داشتم. اونم از پیچ رادیو جوان توی اینستا دیدم و هم مصاحبه‌اش رو بعد پخش شدن و دیده شدن موزیک ویدیوش و حتی اون جا گفت که می‌خواد ادامه بده خوانندگی رو، دیگه این که اونم پول‌دار و جذابه. اگه اینستا

نبود واقعاً هیچ کدوم اینا رو نمی شناختیم و الگومون برای دوستی با بقیه دخترا و یا ازدواج اصلاً فقط می شد فامیلا و دخترای نزدیک خودمون! چه قدر مسخره بود که بدون دیدن این همه دختر و گلچین کردن همه ی زیبایی ها و استعدادهاشون، الگومون رو برای انتخاب دختر آینده و زندگی مون می شد یکی مثل مادرم که هیچ کدوم از اون زیبایی و ظرافت هایی که الآن من توی دخترا می بینم رو نداره یا دخترعمو و دختردایی هایی هم که دارم مثل مامانم مذهبی و محجبه اند، اصلاً نمی تونم اونا رو تصور کنم و یا مقایسه کنم شون با دخترایی که می خونن، می رقصن و زیبا و جذاب ان توی اینستاگرام و فکر می کنم از الآن به بعد نمی تونم دختر آینده زندگیم رو بر اساس معیارهای خانواده ام انتخاب کنم. دیگه هم کسی یادم نیست... غیر دنیا که یه کم بیش از حد درگیر رل زدن و قطع کردن رابطه است، حالا نیلی و ریحانه چند بار شاید با دوست پسرشون معروف شدن یا برگشتن به اوج اولیه توی حاشیه، اما همیشه این طوری بوده و خودشون کارای مختلفی هم کردن، مثل همین آهنگ دادن نیلی یا مهاجرت ریحانه.

- از این افراد دیگه کدوم شون رو می شناسی؟

کس دیگه ای هم که وقتی می گی شاخ به ذهنم میاد، ندا یاسیه. مسخره بازیش رو خیلی دوست داشتم، مخصوصاً این اواخر که اومده بود استانبول، همه اش استوری مهمونیا و پارتیایی که می رفت رو یا خودش می داشت یا ازش پخش می شد. خودش می گفت این جا خلیا من رو می شناسن و مثل ایران می مونه برام. یه ویژگی داشت که من ازش خوشم می اومد، این بود که می گفت، من توی اوج جوونی و دختر بودنم از ایران، به خاطر شرایط بد خانواده ام و کوتاه فکری شون بیرون زدم و فرار کردم و حتی یه بار گفت، من به فراری بودنم افتخار می کنم. این جمله رو نه دقیقاً، اما به طور ضمنی می شه گفت این جمله رو به هزاران شکل تا حالا گفته که می خواد بره دنبال رؤیاهاش و برای این کار حاضر بود قید خانواده اش رو هم بزنه تا فقط بتونه از ایران بزنه بیرون. ماها که نمی تونیم این کار رو بکنیم، لااقل از آزادی اونا لذت می بریم با نگاه کردن شون و دنبال کردن شون. چیز دیگه ای هم به ذهنم نمی رسه، اما همین ندا یاسی الآن شایعه مرگش هست که من زیاد دنبال نکردم و فکر نمی کنم واقعی باشه، چون از این دختر هر چی بگی برمیاد، بیش تر برای فالور هستش و فالور بیش تر نرخ تبلیغایی که می ذاره رو بالاتر می بره!

نرگس ۲۰ ساله، از وجود افرادی در فضای مجازی یاد می کند که افراد افسرده و مشکل دار را تشویق به خودکشی می کنند:

«خوب شده تا به حال تأثیرات این افرادی که توی اینستاگرام الگو شدن رو، روی اطرافیانت ببینی؟ آره، یک خواننده‌ای هست، اسمش رو هم نمی‌دونم، آهنگاش همه فاز خودکشی و ایناست، جیغ می‌زنه انگار، این رو می‌دیدم توی بچه‌هایی که از خودم حالا کوچک‌تر بودن، فازشون یک فاز عجیب شده بود، همه‌اش توی فکر مرگ و پریدن از ارتفاع و اینا بودن، حتی محتواهایی که می‌داشتن هم از این رهایی حرف می‌زدن. حالا درسته که تو توی هر سنی و هر برهه‌ای ممکنه دچار افسردگی بشی، ولی خب باید بری درمانش کنی، نه که تازه بری سمت چنین مزخرفاتی، خب واقعاً روی روحیه‌اشون تأثیر می‌داشت و من اون دوستم رو مجبور کردم تمام این مزخرفات رو پاک کنه، ولی خب متأسفانه بعدش دوباره رفته بود داندلود کرده بود، منم گفتم خب دیگه به من ربطی نداره، من در این حد می‌تونستم تلاش کنم.»



باز یک چیز دیگه هم که می‌خوام بگم، این که توی اطرافیانم فاز خودکشی می‌دیدم، یادمه خیلی محتوای افسرده‌وار و ناامیدکننده دنبال می‌کردن و واقعاً فاز خودکشی می‌گرفتن، نمی‌دونم انگار یه زمانی باکلاس شده بود.

حتی مثلاً از این عکس‌هایی هست که تیغ توی رگ‌شونه و اینا، وای هر جایی رو چک می‌کردی پر از اینا بود، با کلی محتوای داغون ناامیدکننده، خب برای ذهنی که هنوز به بلوغ نرسیده، واقعاً می‌ره توی ناخودآگاهش و با یک‌سری آهنگ‌ها هم شارژ می‌شه و با اولین مشکل، ممکنه همین کار رو بکنه. خدا کنه که این کار رو نکنه، ولی خب این چیز مسمومیه که تصویر داره. مثلاً با این که من خودم خیلی وقته دیگه از این عکس‌ها ندیدم، ولی همین الانی که می‌گم، تصویرش میاد جلو چشمم».

صبای ۲۲ ساله در گزارش خود از گروه‌های بی‌هویتی در فضای مجازی یاد می‌کند که به اعتبار فضای مجازی، امکان طرح خویش را یافته‌اند و نظیر هویت‌های حاشیه‌ای که با طرح انحرافات خویش، چشم‌ها را متوجه خویش می‌کنند، این دست از گروه‌ها در صدد هستند تا با طرح موارد مبتذل، چشم‌ها را متوجه خود کرده، با جذب فالور بیشتر و بیشتر به پول و پول بیشتر که هدف غایی آن‌ها است، برسند:

«- حالا راجع به اون محتواهایی هم که دونه، دونه گفتی، می‌شه بیشتر توضیح بدی مثلاً چه چیزی از اون اخبار و حواشی سلبریتی‌ها و بازیگرها برات جذابه و دنبال‌شون می‌کنی؟
بینین این جور نیست که خیلی دیوونه زندگی‌شون باشم، ولی چرا، خیلی دوست دارم در جریان زندگی‌شون باشم، مثلاً یک‌سری پیجا هستن که به صورت مرتب از اخبارشون می‌گذارن، مثلاً می‌گن که فلانی فیلمش اکران شد، فلانی نمی‌دونم با بچه‌اش فلان جور شد، این و اون با هم رل زدن، اون از این یکی طلاق گرفت یا این با اون ازدواج کرد، چیزایی شبیه این و آره دیگه، اینارو دنبال می‌کنم حتماً».

اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل

پیشرفت روزافزون فناوری‌های ارتباطی جهان حاضر را به دهکده‌ای تبدیل کرده است که بالادهی‌های آن صاحبان فناوری‌های ارتباطی جدید و پایین دهی‌های آن، کسانی هستند که از امکانات اخیر بی‌بهره‌اند.

هم‌زمان با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی جدید و تحقق جهانی شدن، تحولات جدیدی در جهان حاضر رخ داده است که از آن جمله سیطره رو به پیشرفت فرهنگی غرب بر جهان حاضر است. اگر چه دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری مجدانه در تلاش برای ارایه استانداردهای فرهنگی، اخلاقی و عقیدتی غرب به پایین دهی‌های جهان حاضر هستند، اما در همان پایین دهی‌ها هم افرادی وجود دارند که چنان مفتون فرهنگی غرب شده اند که همت خود را در گرو ترویج بیش از پیش دستاوردهای فرهنگی غرب، در سرزمین شرق می‌دانند.

مامان لیای ۲۶^۱ ساله که خود را بلاگر حیوانات می‌داند، در مصاحبه خویش بیان می‌دارد، وی گربه‌ای را خریده است که مبتنی بر آن، دست به تهیه عکس و کلیپ می‌زند و با گرفتن تبلیغ در صفحه‌اش، درآمد قابل توجهی کسب می‌کند.

مامان لیا در مصاحبه خویش بیان داشته است که وی با زدن دو صفحه برای گربه‌اش، ضمن کسب درآمد از این طریق، در صدد تبلیغ ضرورت حمایت از زیست محیط برآمده است. به همین ترتیب مامان لیا اظهار می‌دارد که وی با شرکت در پویش‌های حمایت از زیست محیط، در عمل با اطلاع‌رسانی در مورد حیوان-های زخمی و بیمار، پول مداوای آن‌ها را از سطح کاربران فضای مجازی گردآوری می‌کند.

اما باید در نهایت اظهار داشت، با وجود مثبت بودن علایق مامان لیا به حفاظت از محیط زیست، اصولاً جدا کردن حیوان از محیط طبیعی خودش و انتقال و محبوس کردن آن در خانه (و در همین راستا عقیم کردن آن)، رفتاری ضد محیط زیستی است و انسان‌ها نباید برای لذات موقتی خودشان، دست به ظلم کردن به حیوانات بزنند.

«- چی شد که تصمیم به ایجاد همچین پیجی گرفتید؟»

اتفاقی شد، چون پیج‌های مشابه خارجی اون رو دیده بودم و لیا هم خیلی کیوته، می‌دونستم همه عاشقش می‌شن.

- پیج‌های مشابه خارجی، چه پست‌هایی می‌گذارند؟

هر چیزی که مربوط به پت (حیوان) شون می‌شه.

- ممکنه بیش‌تر توضیح بدید؟

ویدیو و عکس‌های حیوانات خانگی شون رو می‌ذارند، کلاً فیلم‌هاشون خیلی طرف‌دار داره، حتماً شما هم دیدید؟

۱ - مصاحبه شونده خواست تا با اسم مامان لیا مخاطب قرار گیرد.

- بله، پس به نوعی از پیج های خارجی الگو گرفتید؟

ایده اش رو بله، ولی الان خیلی از پیج های خارجی من رو فالو می کنند، الان لیا میم شده!

- در رابطه با چه موضوعی بلاگری می کنید؟

چندتا موضوع هست، بلاگر پیج فکت هستم، همین طور آشپزی، دو تا پیج برای لیا!



۱- میم (Meme) در واقع یک تصویر یا ویدیو است که با متونی مبتنی بر نمادهای فرهنگی، ایده های اجتماعی و رویدادهای حال حاضر تزئین شده و به شکلی ویروس وار در سرتاسر اینترنت پخش می شود. هنگامی که یک میم توسط کاربران طنزین انداز شود، در تمام بسترهای اجتماعی از جمله توئیتر، اینستاگرام و... به اشتراک گذاشته می شود. هر چه یک میم اشتراک گذاری بیش تری داشته باشد، تأثیر فرهنگی بیش تری از خود بر جا می گذارد.

۲- لیا اسم یک گربه خانگی است.



- این پیج مخصوص به لیا را از چه زمانی زدید؟
- هنوز یک سال نشده، از وقتی لیا رو آوردم، براش پیج زدم.
- پیج لیا چند فالور داره؟
- ۱۶ کا پیج اولش و ۸ کا پیج دوم.
- در این پیج چه پست‌هایی رو منتشر می‌کنید؟
- روزمرگی‌های زندگی لیا و فیلم و عکس‌هاش رو منتشر می‌کنم.
- به نظرتون زندگی روزانه گربه چه جذابیتی داره که نزدیک ۲۴ هزار نفر اون رو دنبال می‌کنند؟
- خیلی جذابیت داره، این پیج مخاطبش خاص اند و با پیج فکتم متفاوت اند، اونایی که او مدن دنبالش می‌کنند، عاشقش هستند، لیا هم گربه معمولی نیست، جز کیوت‌ترین گربه‌های جهان.»
- غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان ساخته است که وی از طریق سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی با رفتارهای لاکچری در اینستا آشنا شده و از آن‌ها استقبال دارد:
- «مثلاً می‌خواهی چه چیزهایی رو امتحان کنی؟
- غذاهای گرون، رفتن به هتل‌های شیک، لباس‌های مارک و برند خریدن، رابطه‌های عاشقانه و اینا.
- شما خودت این‌ها رو امتحان کردی؟

خیلی رو آره، ولی یک‌سری رو نه هنوز.

- این نظرهایی که الان داری، تا چه اندازه به استفاده‌ات از اینستاگرام مربوط می‌شه؟
آشنایی ما با محیط‌های لاکچری از طریق فضای مجازی و اینستاگرامه دیگه، قبل از این که توی اینستا هتل‌های خیلی مجلل یا لباس‌های برند رو ببینیم و بشناسیم، تقریباً اطلاع دقیقی از شون نداشتیم، شنیده بودیم یا توی تلویزیون یه کم با اون رو به رو شده بودیم، ولی به صورت گسترده، فقط اینستا ما رو با اون مواجه کرد و هم چنین جرأت این که بریم بعضی‌هاشون رو تجربه کنیم، مثلاً روابط عاشقانه رو از طریق اینستا به دست آوردیم».

مه‌لقای ۱۸ ساله نیز با غور و تفحص در فرهنگ کشورهای مختلف، در مصاحبه‌اش گزارش می‌کند که وی از سنت اجاره دوست جنس مخالف در آسیای شرقی خوشش آمده است و با دیده مثبت از این امر استقبال می‌کند:

«- از لحاظ عقیدتی و باورهای دینی اینستاگرام تونسته تأثیر روی شما بگذاره؟

آره خب، ولی فکر نکنم تأثیر اینستاگرام باشه، الان مثلاً روابط دختر و پسر یه چیز عادی شده، ولی بعضی خانواده‌ها مثل مال من یه کم سخت می‌گیرن، ولی توی اینستاگرام دختر و پسر به راحتی با هم می‌رن بیرون و می‌چرخن یا با هم عکس می‌گیرن و هم رو بغل می‌کنن. از نظر من اینا اشکالی نداره، هر چند توی کتابای درسی ما می‌گن نامحرم هستن، ولی دیگه دست دادن و بغل کردن به نظرم چیزی نیست.

- خوب دیگه به نظرت توی این موضوعات چه چیزهایی اشکال نداره یا دیگه توی اینستاگرام چه چیزهایی در مورد عادی بودن این مسایل دیدی؟

همین دوستی‌ها منظور تونه؟

- بله.

این برای خودم جالب بود، توی ژاپن دوست پسر اجاره‌ای هست.

- یعنی چه طوری؟

یه سایت‌هایی هست، پسرا میان عکس شون رو می‌ذارن، بعد اکثراً حالا دخترای خارجی میان یه پولی می‌دن، بعداً برای چند ساعت حالا با هم می‌رن بیرون و گردش.

دوست پسر اجاره ای ژاپنی



- فقط برای پسرها این جوری هست؟

من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت. ولی توی کشورهای آسیایی مثل ژاپن از طریق یه برنامه‌ای که میان دختر یا پسر اجاره می‌کنن تا باهاشون برن گردش، ولی یه پیچی بود داشت نشون می‌داد توی کشورهای اروپایی زنا بیش تر توی ویتروین هستند، مثل این که می‌خوای لباس بخری، ولی اونو برای داشتن رابطه‌ی جنسی، نه گردش و تفریح که این زیاد جالب نیست.



- نظر خودت راجع به این موضوع چی هست، به نظرت دوست دختر و پسر اجاره‌ای خوب هست یا بد؟

به نظرم اگه مثل ژاپن باشه خوبه، می‌شه با افراد جدیدی آشنا شد، وقتی توی یه کشور دیگه تنها باشی».

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با یادآوری رفتار برخی از بلاگرها و شاخ‌های مجازی خاطرنشان می‌سازد، این افراد با برگزاری جشن تولد، خرید لباس و تهیه لوازم بهداشتی و آرایشی برای سگشان و فرستادن سگشان به هتل سگ‌ها، در عمل پا در جای پای همتهای غربی خویش نهاده و به این ترتیب ایفاگر نقش آنان در جامعه شرقی خودشان شده اند:

«- اطرافیان‌ت چه طور، اون‌ها توی اینستاگرام شده خودشون رو مقایسه کنن؟

چندتا از پسر عمه‌هام، این جور هستن که خیلی خودشون رو مقایسه می‌کنن، سر کار موقع استراحت می‌رن اینستا شون رو چک می‌کنن، به منم نشون می‌دن که خوش به حال اینا، مثلاً چه زندگی راحتی دارن، برای سگ شون کیک تولد می‌گیرن، اونم کیک مخصوص برای خود سگا.



یا یکی یه گربه خریده بود، چندین میلیون، بعد براش یه عالمه وسیله نزدیک ۱۵ میلیون خرید، حالا بعداً چه قدر هزینه می‌کنن براشون، مثلاً دیده بودم کرم، شامپو و شونه مخصوص دارن سگ و گربه‌هاشون.



721 likes

petshopfereshteh_poshtiban قرص کلسیم سگ بیفار Calcium Tablets



180 عددی

قیمت: ۴۰۰ هزار تومان



206 likes

petshopfereshteh_poshtiban لوسیون مرطوب کننده پوست و موی سگ و گربه داگی دالی DoggyDolly Silk Cot

قیمت: ۵۸۵ هزار تومان

قابل استفاده برای سگ و گربه

حاوی ویتامین E، آمینو اسیدها، روغن های طبیعی و پروتئین قابل استفاده بر روی پوست و موی حیوان و همچنین کف دست و

اون وقت یکی، برای بچه‌اش نمی‌تونه لباس نو بخره، همین چیزا رو یه وقتی بهم نشون می‌دن، منم یه جور می‌شم دیگه، اینا مرفه هستن، چه قدر فاصله هست بین مردم واقعاً، حتی من دیده بودم سگه مسواک و خمیر دندان خاص خودش رو داشت، حالا چند باشه خوبه، ۴۰۰ و خورده‌ای بود یه مسواک و خمیر دندان، حالا مسواک و خمیر دندان من دوتاش با هم ۵۰ تومن نمی‌شه.



حتی بعضی‌ها یه جشن تولدی برای سگ‌شون می‌گیرن که من تا حالا اون جور تولد نگرفتم.



- این‌ها رو از کجا می‌دونی؟

توی پیج‌های اینستاگرام نشون می‌دن، حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ.

- می‌تونن پیج‌هاشون رو به من معرفی کنی؟

آره، پسر عمه‌هام فالوشون کردن (از طریق پیج اون‌ها بهم معرفی کرد) این پیج، @thefresh وقتی بزنی پت شاپ توی اینستاگرام، پیج‌های زیادی میاره یا حتی الآن بعضی از این سلبریتی‌ها برای سگ و گربه‌شون پیج اینستاگرام می‌زنن، عکساشون رو می‌ذارن مثل @chico-hny خیلی فالور داره، برای سگش لباس می‌خره و تولد می‌گیره، از بچه بیش‌تر بهش می‌رسه صاحبش».



استقبال از فرهنگ فمینیستی (جنبش برابری زن و مرد)

در طول تاریخ، زنان همواره به مثابه «جنس پست» و «جنس دوم» نگریسته شده‌اند و به همین سبب، ظلم‌های بسیاری بر آنان رفته است.

علامه طباطبایی (، ؟، ترجمه مصباح، ۱۳۴۵)، در توصیف برخی از ستم‌هایی که بر زنان در طول تاریخ رفته است، می‌نویسد:

«زنان گاه همچون کالایی به ارث می‌رسیدند یا مورد مبادله قرار می‌گرفتند یا شوهر، همسران و دختران خویش را به فحشا وامی‌داشت یا مردانی بودند که در اثر کم‌ترین تخلفی همسرشان در خانه-داری، مجاز به غرق کردن آنان در رودخانه‌ها بودند».

ظلم‌ها، ستم‌ها و تبعیض‌های زیادی که در طول تاریخ به نفع مردان وجود داشت، در غرب موجد موج گسترده‌ای شد که بعدها به جنبش فمینیسم یا نهضت طرفداری از زنان، مشهور شد.

نهضت برابری زنان، در روند رشد و گسترش خویش، از طیف‌های مختلفی برخوردار شد. نگرش‌های عمده‌ای که در نهضت اخیر مطرح گردیده‌اند، نگرش‌های لیبرال^۱ (یا غیرافراطی)، مارکسیست^۲، بنیادگرا^۳ و اکو-فمینیست‌ها^۴ بوده‌اند.

نگرش لیبرال (آزادی‌خواه)، بر این باور است که زنان باید از فرصت‌هایی برابر با مردان برخوردار باشند. به همین ترتیب زنان لیبرال، با پذیرش نظام اجتماعی، برای احقاق حقشان، فعالیت درون نظام را پیشه خود، می‌کنند. برخی از زنان لیبرال با تأکید بر تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، بر حفظ ویژگی‌های زن بودن، تأکید ورزیده، زن را نیازمند خانواده، همسر و فرزند می‌دانند و با نگرش‌های افراطی در مورد برابری زن و مرد، موافقت نشان نمی‌دهند.

نگرش مارکسیستی یا سوسیالیستی^۵ جنبش طرفداری از زنان، بر این اعتقاد است که تحلیل طرفداران آزادی خواه حقوق زنان، دچار سطحی‌بینی هستند و به ریشه‌های عمیق‌تر مسایل زنان نمی‌پردازند. از منظر نگرش مارکسیستی، ستم‌دیدگی زنان، صرفاً یکی از انواع ستم‌دیدگی‌هایی است که در جامعه مبتنی بر طبقه پدید آمده است و با از بین رفتن نظام سرمایه‌داری، برابری واقعی زن و مرد در نظام سوسیالیستی یا مارکسیستی، تحقق خواهد یافت.

نگرش بنیادگرا یا رادیکال نهضت برابری زنان، تحلیل مارکسیست‌ها را سطحی برمی‌شمرد، زیرا تبعیض بین زن و مرد، مختص جوامع سرمایه‌دار نیست که با از بین رفتن آن، برابری زن و مرد محقق گردد. از منظر نگرش بنیادگرا، رادیکال یا انقلابی، زنان به دلیل حاملگی و مراقبت از نوزادان به لحاظ جسمانی ناتوان شده و به مردان وابستگی پیدا کرده‌اند و در پی این امر، مردان بر آنان اعمال قدرت کرده‌اند. از این رو باید با توسل به فناوری‌هایی مانند: تولید بچه‌های آزمایشگاهی^۶، مادران میانجی^۷ و حتی تولیدمثل مصنوعی^۸، زنان، از کارکرد زیست‌شناختی که آنان را تحت ستم قرار داده است، رهایی یابند (هاید، ۱۹۹۶، ترجمه خمسه، ۱۳۸۴).

-
- 1- Liberal
 - 2-Marxist
 - 3- Radical
 - 4- Eco-feminists
 - 5- Socialist
 - 6- Test-tube babies
 - 7- Surrogate mothers
 - 8- Cloning

برخی از زنان طرفدار این نگرش، با رد کلیت ازدواج و تأکید بر تجرد، شعار «زنان بدون مردان» را برای خویش، مطرح کرده‌اند. به اعتقاد این افراد، زنان باید جدا از مردان زندگی کنند، زیرا زندگی با مردان، زنان را تکه‌تکه و مُثله می‌کند.

فمینیست‌های همجنس‌گرای امریکایی، رابطه با مردان را امری سیاسی می‌دانند و از این رو، زنانی را که تن به چنین روابط بدهند، به همدستی با مردان ستمگر علیه زنان، متهم می‌کردند، انگار که عملاً با دشمن به بستر رفته بودند. از نظر آنان، فمینیسم نظریه و همجنس‌گرایی زنان، عمل است (هاجری، ۱۳۸۲).

گرایش اکو- فمینیسم، متشکل از زنانی است که در عین تلاش برای دست‌یابی به برابری با مردان، طرفدار محیط زیست هستند. از منظر این افراد، رقابت، سلطه‌جویی و پیروز شدن از ویژگی‌های مردانه به حساب می‌آید و ویژگی‌های اخیر سبب شده است که زمین دچار بحران زیست محیطی شده، در آستانه نابودی و انهدام قرار گیرد. از این رو، اگر بتوان روحیات مردسالارانه را در مردان به نابودی و اضمحلال کشاند، با از بین رفتن و فروپاشیدن نظام مردسالاری، روابط انسانی و طبیعت نیز آزاد خواهند شد (مویر و مویر، ۱۹۹۹، ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۸۴). در نگرش اخیر مردان مار باغچه سبز، محسوب می‌شوند.

اکو- فمینیست‌ها تبلیغ می‌کنند، جنس مذکر، جنس غارتگر است، درصدد سلطه‌جویی بر جهان هستی است و به همین دلیل، محیط زیست را با بحران مواجه کرده است، در حالی که زنان به دلیل باردار شدن، شیر دادن و عادت ماهانه‌شان، با طبیعت نزدیک‌تر هستند و به فهم بهتر آن نایل می‌آیند. از این رو با تغییر مرد به گونه‌ای که خصایص سلطه‌گری خویش را کنار بگذارد (چه از طریق تغذیه، چه از راه آموزش و چه از طریق قانون)، می‌توان با ایجاد موجودی دیگر، مارهای باغچه سبز محیط زیست را از بین برد.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام حکایت از آن دارد که بسیاری از این کاربران در جریان کاربری از اینستا، با افکار جنبش برابری زن و مرد یا فمینیسم آشنایی پیدا کرده‌اند.

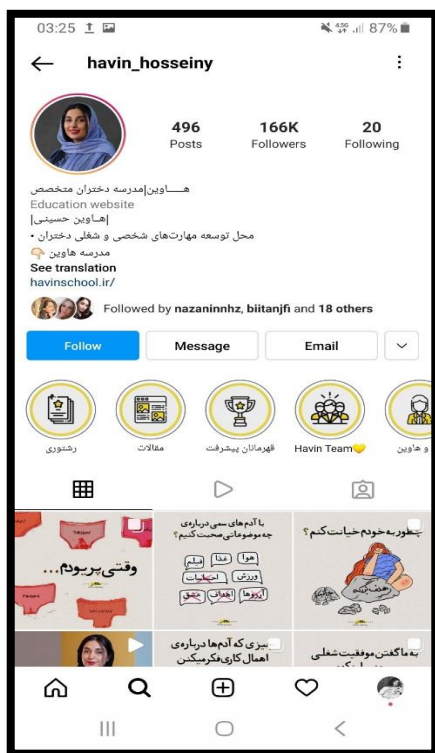
آرشام ۲۳ ساله و نرگس ۳۰ ساله، در مصاحبه‌های خود بیان داشته‌اند که آشنایی اولیه آنان با جنبش فمینیسم در اینستا بوده است:

«- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی، به فمینیسم اعتقاد داشتی؟

من اینستاگرام رو الان به قصد سرگرمی نگاه نمی‌کنم، می‌خوام یه چیزی یاد بگیرم، البته فضای مجازی و هیچ سندی اون رو تأیید نخواهد کرد، اما با توجه به عقلی که دارم، مطالبی که توی اینستاگرام می‌خونم، قبول می‌کنم، اگه به عقلم بخوره، رشد عقاید فمینیسم در من در همین اینستاگرام بوده، من هیچ کتابی در این مورد نخوندم، ولی توی فضای مجازی یاد می‌گیرم یا حتی خیلی از مباحث سیاسی که مطالعه می‌کردم از فضای مجازی بوده».

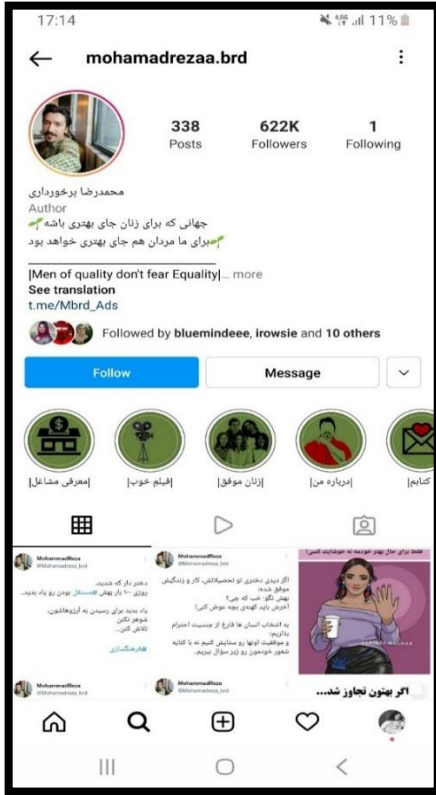
«... خوب به نظرت اینستاگرام چه طوری این کار رو کرده؟»

خب مثلاً با وجود همین جنبش‌های فمینیستی که خیلی‌هاشون با همین اینستا رو اومدن، من خودم به وسیله اینستا با فمینیست (فمینیسم) آشنا شدم».



نرگس ۲۰ ساله و صبا ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خود خاطرنشان می‌سازند، از افکار فمینیستی طرفداری می‌کنند که برابری دو جنس را مدنظر قرار داده است، اما رؤیای ۱۶ ساله افکار فمینیستی افراطی‌تری را در خود به نمایش نهاده است که آن مالکیت وی بر بدن خودش است (و این مسأله مجوز برقراری هر نوع رابطه نامشروعی برای وی قبل و بعد از ازدواج هست).

«... مثلاً همین جنبش فمینیسم رو من اصلاً نمی‌دونستم چیه، با اینستا متوجهش شدم. گفتم، یک پیج هست، مال محمدرضا برخورداری که راجع به تابوهای جامعه که به زنان تحمیل می‌شه، حرف می‌زنه و آگاهی می‌ده و خب راجع به چیزهایی حرف می‌زنه که توی جامعه ما تابوئه و خب جرأت بروز می‌ده به دخترها. یک پیج دیگه هم دارم به اسم هاوین که اونم روی توانمندسازی دخترها کار می‌کنه که خودشون مستقل باشن، کارشون رو انجام بدن و اعتماد به نفس داشته باشن.»



- چیزی از پست‌هاشون هم هست که توی ذهنت مونده باشه؟
آره مثلاً، یک پست بود که می‌گفت ما به کسی زیبایی رو بدهکار نیستیم، این خیلی توی ذهنم مونده، خب این خودش خیلی روی دخترا دیدم تأثیر داشته، توی کامنت‌ها می‌بینم که می‌گن دیدگاه‌شون به این مسأله تغییر کرده، مستقل شدن و اعتماد به نفس از دست رفته‌شون برگشته.»
- گفتی که یک‌سری پیج‌ها و محتواهای فمینیستی رو می‌دید، می‌شه درباره‌ی اون‌ها هم توضیح بدی، مثلاً درباره‌ی چی می‌گفتن و بر اثر این‌ها، نگاه شما چه تغییری پیدا کرد؟

آره، اینا رو هم می‌بینیم گاهی، حرفایی که اونا می‌زنن خب در مورد اینه که زن و مرد باید برابر باشن، مخصوصاً اونم توی جامعه‌ای مثل ایران که کلی حقوق رو از زنا گرفتن، مثل آزادی پوشش شون، مثل حق طلاق شون، مثل حق کار و ازدواج شون که دست پسره یا مثلاً یک‌سری از ورزشکارا زن بودن که شوهرشون اجازه ندادن از کشور خارج بشن، یعنی مثلاً یک جورایی اختیار زنا رو دادن دست مردا، در مورد اینا سعی می‌کنن اطلاع‌رسانی بکنن و منم تمام قد اونا رو حمایت می‌کنم.

- آیا قبل از این که اینستاگرام ببینی و چنین محتواهایی هم ببینی، همین نگاه رو داشتی؟

اون موقع این نابرابری رو احساس می‌کردم، اما می‌دونم انگار از یک منبعی تغذیه نمی‌شدم، ولی الآن یک‌سری روشن‌فکرای فمینیست چون هستن توی اینستا، باعث شدن که اطلاعات منم بالاتر بره و بتونم... می‌دونم اطلاعات کسب بکنم.

- می‌شه از این روشن‌فکرها و مثال‌هایی که می‌گی، مثال بزنی؟

مثلاً پیج‌هایی مثل فمینیسم روزمره هستن که در مورد ابعاد مختلف فمینیسم حرف می‌زنن و اون رو محدود به ایرانم نمی‌کنن، یعنی حتی توی خارجم یک‌سری ابعادی هست که هنوز نابرابری وجود داره، مثلاً دست‌مزد زنها گاهی کم‌تر از مرداست، توی همون شغلای یک‌سان، حالا سعی می‌کنم نسبت به اینا آگاه بشم یا مثلاً یک دختره هست که من دنبالش می‌کنم، استوری‌هاش رو توی اینستا، خودش دانشجوی پزشکیه خارج از کشور، ولی خودش ایرانیه و خودش فمینیسته و مثلاً در مورد این می‌گه که چه قدر نابرابری‌ها وجود داره، توی پزشکی حتی، در قبال زنها».

«... یکی شون می‌گفت فقط چت کنیم و عکس بفرستیم و از این چیزا، جفت‌شون فقط به مسایل جنسی توجه می‌کردن.

- شما اون کار رو کردی؟

نه بابا (جابه‌جایی سریع پاها و نگاه به اطراف مصاحبه‌شونده حکایت از دروغ‌گویی وی دارد).

- از نظر شما کاری که اونها کردن درست بوده؟

نه، چون اونا فکر می‌کنن من یه ابزارم برای برطرف کردن نیاز جنسی شون و این دید حالم رو بهم می‌زنه، اما مخالف این نیستم که آدم نیاز جنسیش رو برطرف کنه.

- منظورت برطرف کردن نیاز جنسی بدون ازدواج هست؟

آره دیگه، ازدواج که خودش یه چاله محسوب می‌شه، اما دوتا آدم می‌تونن با رضایت کامل، بدون این که وابستگی عاطفی بین شون شکل بگیره، نیازشون رو برطرف کنن، تا این طوری به خاطر این نیاز نرن ازدواج کنن و بدتر توی دردسر بیفتن.

- خودت این کار رو می‌کنی؟

الآن که نه، اما اگه خیلی تحت فشار قرار بگیرم، آره.

- چه طور شد که به این نتیجه رسیدی که خودت اختیار بدن خودت رو داری، اینستاگرام نقشی توی این موضوع داشت؟

خب راستش من کلاً از بچگیم، وقتی می‌دیدم با زنا چه جور رفتار می‌شه و بابام من رو مال خودش می‌دونه، بعداً هم شوهرم، خیلی ناراحت می‌شدم. چند وقت پیش توی اینستا، توی پیج‌های فمینیست، یه جنبش دیدم که هر کاری با بدن شون می‌خواست می‌کردن، چون مال خودشونه و این موضوع خیلی روی من تأثیر گذاشت واسه این تصمیم.

- منظورت از هر کاری چی هست؟

هر چی دیگه، تتو یا پرسینگ یا رابطه با جنس مخالف.

- باهاشون موافق هستی؟

خب معلومه، چه طور پسرا هر کار دوست دارن بکنن، اما ما چون دختریم نه؟

- پس به نظرت فرقی بین دختر و پسر نیستش؟

فرق هست، اما نباید از لحاظ قانونی تفاوتی باشه، چون این فرق فقط از لحاظ ظاهریه».

دُرَسای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در عمل نشان می‌دهد که تا چه اندازه افکار فمینیستی نزدیک به رادیکال در اندیشه وی رسوخ کرده است تا جایی که با استناد به برخی از مسایل حل نشده اجتماعی و تبعیضی که بین زنان و مردان در جامعه شاهد آن است، تحت تأثیر دیدگاه‌های فمینیستی قرار گرفته است و با تبعیت از این دیدگاه‌ها در عمل به انعکاس مواضع فمینیستی در رفتار و زندگی خود پرداخته، حتی هنجارشکنی افرادی نظیر گلشیفته فراهانی (که برهنه در برابر دوربین‌ها حاضر شد) و ریحانه پارسا (که داعیه بازی کردن در فیلم‌های هرزه‌نگار و پورن را دارد) را نیز با افتخار مورد تأیید خویش قرار می‌دهد:

«در مورد نوع پوشش و آزادی لباس پوشیدن، نظر دوستان شما هم همین هست؟

بله، همه شون.

- همه هم مثل شما می‌گن که بدن خودمونه و این حرف‌ها؟

آره، همه روشن فکر شدن و طرف دار حقوق خانم‌ها.

- دوستان شما از اول نظرشون همین بوده یا این که دچار تغییر شدن؟

از اول اونا خبر ندارم، اما این موضوع، یک جریان رو به جلوئه که پیشرفت می‌کنه و افراد بیش تری رو آگاه می‌کنه.

- منظور من هم این هست که این پیشرفت و این آگاه شدن که می‌گی، از کجا اومده؟

از هم‌فکری و هم‌صحبتی که باعث شده ذهن انسان‌ها برای پذیرش حقایق، ظرفیت بیش تری پیدا کنه.

- اینستاگرام هم برای پذیرش این مطالب به نظرت تأثیر داشته؟

آره، اون‌جا که فوران اطلاعاته.

- به قول خودت فوران اطلاعاته، از کجا می‌دونی کدوم درسته و کدوم غلط؟

ما عقل داریم و تفکر داریم و می‌تونیم بفهمیم.

- پس یعنی تو گفتی اینستاگرام روی این عقیده‌ی شما و دوستانت که می‌گین باید برای پوشش

آزادی باشه، تأثیر داره؟

بله، ما دقیقاً همین رو می‌گیم.

- یک مثال هم می‌توننی بزنی؟

مثال می‌شه دیدن پیج‌هایی که روشنگری می‌کنن، مطالبی می‌نویسند که ما آگاه بشیم و حتی ساده‌تر

از اون دیدن زندگی افرادی که همین عقیده‌ی ما رو دارند و چه قدر از این که دارن طبق خواسته

خودشون آزاد زندگی می‌کنن، لذت می‌برن.

- مثلاً چه افرادی، چه کار می‌کنن، می‌توننی بیشتر توضیح بدی؟

یه عده‌ای هستند که معروف نیستن، اسم‌شون بگم هم شما نمی‌شناسید، اگر بخوام از معروف‌ها بگم،

گلشیفته فراهانی واقعاً دوست داشتنی و قابل احترامه.



- توی گلشیفته فراهانی چه نکته‌ای برای شما قابل احترام هست؟
همین که تابوشکنی کرد، فقط خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، ریحانه پارسا هم برای پیدا کردن حس آزادی، از شغلش توی ایران دست کشید تا بتونه خود واقعیش باشه.



- به نظرت گلشیفته از پدر و مادرش خجالت نکشید؟
نه، حمایتش کردن.
- به نظر خود شما خجالت نداره؟
باید خیلی قوی باشی، باید به جایی رسیده باشی که نظر دیگران برات اهمیتی نداشته باشه، اون موقع خجالت نمی‌کشی، بلکه با قدرت می‌گی، این منم، منه واقعی.
- خوب باز هم نظرت رو ادامه بده؟
واقعاً دلم می‌خواد روزی برسه که ما دخترها به جایی برسیم که هیچ وقت زیر بار ظلم نرییم...
- حالا می‌خوام نظرت رو در مورد ایران بدونم، به نظرت ایران چه جور جایی هست؟
ایران کشور خوبی، ظرفیت این رو داره که خیلی جای بهتری بشه، حیف که آزادی نداریم.
- آزادی چی؟
هیچی نداریم، فقط مجبوریم بریم رستوران، تنها تفریح ما شده خوردن.

- دلت می‌خواست چی داشته باشی؟

اول از همه این که روسری نمی‌داشتیم، چارقد به سر و لچک به سر نبودیم، هر لباسی که می‌خواستیم می‌پوشیدیم، این جا توی این هوای گرم جنوب، باید مانتو و روسری بپوشیم، خب ظلمه دیگه.

- دیگه چی؟

مثلاً دریای به این خوبی داریم، اما زنونه، مردونه جداست، می‌خوای بری پلاژ، صدفبار می‌گردنت که موبایل نبری یه وقتی عکس نگیری.

- چه عکسی؟

از آدما توی قسمت زنونه که با مایو هستن عکس نگیری.

- خوب به نظرت اشکالی نداره که آدم عکس بگیره؟

نمی‌گم عکس بگیریم، ولی این قدر محدود کردن، همه منتظرن یه عکس از استخر و دریا یا باشگاه زنونه لو بره، توی کشورهای دیگه عادی، هیشکی نگاه نمی‌کنه

- این رو از کجا می‌دونی؟

واقعیته اینه.

- توی اینستاگرام همین چیزها رو دیدی؟

دقیقاً، همون جا دیدم مردم راحت می‌رن دریا، با هر کی دلشون می‌خواد یا با عشقشون می‌رن دریا، با خواهر و برادر با هم میان استخر خانوادگی، با بچه‌هاشون میان استخر.

- این رو مثلاً کجا دیدی؟

پیج آدم‌هایی که فالو دارم، بلاگرهایی که ایران نیستند و ترکیه، کانادا یا جاهای دیگه جهان.

- نظر خانواده‌ات هم در این مورد مثل شما هست؟

نه، این یکی رو دیگه خوششون نمیاد.

- شما خودت همیشه موافق بودی که استخر و دریا زنانه و مردانه قاطی باشه؟

یادم نمیاد از کی این جور بودم.

- یعنی تأثیر اینستاگرام و دیدن دریا رفتن همین بلاگرها و مردم کشورهای دیگه بوده یا نه؟

بوده، ولی فقط به خاطر اینستا نبوده، ببینید، درسته که من می‌بینم اونا می‌رن، می‌بینم که آزاد هستن،

ولی فقط دیدن هم نبوده، چه جوری بگم، فقط به این دلیل که می‌دونم بقیه اون جوری می‌رن،

نمی‌گم ما چرا نمی‌ریم، به نظر من این موضوع یک چیزی فراتره.

- خوب این نظر فراتر رو می‌تونم بدونم؟
- بله، ببینید من می‌گم فرقی بین زن و مرد نیست که زن‌ها مجبور هستن برن یک قسمت کوچیک از دریا که دور تا دورش حفاظ و پرده زدن، ولی مردها آزاد باشن، بدن بدنه، مرد و زن نداره.
- نظرت در مورد جذابیت‌های جسمانی بدن چی هست؟
- دقیقاً، دارم می‌گم اگر جذابیت وجود داره، برای بدن هر دو نفر وجود دارد، چه فرقی داره، یه جنس خودش رو بپوشونه یه جنس آزاد باشه، اگر از اول این قدر بین شون فرق نمی‌داشتن، همه‌ی مردها حریص و هیز نمی‌شدند.
- پس می‌گی زن و مرد باید عین هم باشن؟
- من خیلی به برابری حقوق زن و مرد اعتقاد دارم.
- یعنی به نظرت عیبی نداره لباس شنا پوشی و در کنار مردهای غریبه باشی؟
- نه، چه اشکالی داره، باید عادی‌سازی بشه، اگر هم مردی براش عادی نبود، تقصیر خودشه، بدن منه، حالا با دیدن اون چیزی از من کم نمی‌شه.
- این حرف‌هایی که شما الآن داری به من می‌زنی از کجا توی ذهنت پیدا شدن؟
- با مطالعه و تفکر.
- اینستاگرام هم سهمی داشته؟
- بله، داشته.
- توضیح می‌دی چه جوریه؟
- اینستاگرام مثل یه کتاب پر عکسه که می‌تونی ساعت‌ها توش بچرخه و چیزهای مختلف رو ببینی.
- خوب بیش‌تر توضیح می‌دی؟
- خیلی از آدم‌های دیگه نظر من رو دارن، تقریباً می‌شه گفت بیش‌تر آدم‌ها نظر من رو دارن، به جز مردم کشور خودمون».
- مهسای ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش با نفی افکار فمینیسم افراطی، هم کسانی که با نام فمینیسم دختران کم سن را تشویق به برقراری رابطه جنسی با دیگران می‌کنند و هم فمینیست‌هایی که مردان را دشمن تلقی کرده، پیشنهاد له کردن آن‌ها را زیر پاهای خویش می‌دهند، نفی کرده، از فمینیسمی معتدل که خواهان احقاق حقوق هر دو جنس در جامعه هست، دفاع می‌کند:
- «- به جز فن پیج‌های بی‌تی‌اس، دیگه چه جور پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

به جز بی‌تی‌اس... یادم نیس، باید برم پیدا کنم. آهان یه پیجی که دنبال می‌کنم، محمدرضا برخوردار هست، یه مرد فمینیسته که مثلاً میاد به دختری می‌گه که همین کلیشه‌های جنسیتی که دختر سطحش از پسر کم‌تره و اینا، می‌گه همچین چیزی نیست، شما می‌تونید به چیزایی که می‌خواید برسید، مثلاً آگه یه مرد می‌تونه مکانیک باشه، دخترم می‌تونه مکانیک کار باشه.



- با فمینیسم از این طریق آشنا شدی؟

نه، خب قبلاً هم با فمینیسم از همین اینستا و تلویزیون آشنا شدم و تقریباً هم باهاش موافقم، بعد حالا اینم که دیدم حرفای درستی می‌گفت، ولی خب یکی دیگه از پیجایی که دیده بودم، ادمینش زن بود، مثلاً مردا رو می‌کوید، ولی فمینیست درست، برابریه، نه کم‌تر، نه بیش‌تر، محمدرضا برخوردار هم دقیقاً همین رو می‌گه، برای همین می‌گم که من تقریباً فمینیست هستم....

- چه چیزهایی رو در فمینیسم قبول داری و چه چیزهایی رو نه؟

مثلاً این که یک دختر می‌تونه کارهای مردونه بکنه، مثلاً مکانیک کار بشه یا یک دختر می‌تونه...، همین تابوهای که داریم دیگه...، دختر می‌تونه بلند بخنده، حتماً دختر نباید ازدواج کنه، حتماً نباید خونه‌دار باشه، یه دختر آگه بخواد به هر چی که بخواد می‌تونه برسه، آهان اینم هست که ما لازم

نیست خودمون رو به خاطر مردها عمل کنیم یا به خاطر مردها خوشگل کنیم، ما زیبایی رو به کسی بدهکار نیستیم.

- چیزهایی هست که توی فمینیسم قبول نداشته باشی؟

فمینیسم افراطی که من دیده بودم... مثلاً به پیج رو دیده بودم که دخترای زیر هجده سال رو تشویق می‌کرد به رابطه‌ی جنسی، در حالی که توی خود آمریکا هم زیر هجده سال غیرقانونیه، بعد این داشت دخترای زیر هجده سال رو با این فرهنگی که ما داریم، تشویق می‌کرد به رابطه‌ی جنسی یا مثلاً می‌گفتش که اصلاً نباید ازدواج کنید، اگه ازدواج کردید، باز می‌تونید با فرد دیگه که دوستش دارید رابطه داشته باشید، مثلاً به دوست پسر داشته باشید، خب این خیلی چیزه دیگه...».

گسترش نگاه ابزاری و تحقیرآمیز نسبت به زنان

بررسی اسناد و مدارک تاریخی، حکایت از آن دارند که در آغاز، زن و مرد، از ارزش یکسانی برخوردار بوده و حتی زن به سبب وضعیت خاص گردآوری مواد غذایی گیاهی که امری مستمرتر از شکار مردان بود، در حد و شأنی بالاتر از مردان، مطرح بوده است. اما در گذر تاریخ، با تحولاتی که در عرصه فناوری به وقوع پیوست، به تدریج مردان در امر تولید، نقش برتر را به دست آورده، زنان جایگاه مادرسالار خویش را از دست داده و در پی این امر، به حاشیه رانده شدند.

اگر چه ادیان الهی در این میان، با نفی سلطه انسان بر انسان، منادی برابری انسان‌ها و ارزشمندی هر دو جنس زن و مرد بوده‌اند، اما ندای ادیان الهی نیز در هجمه زورمندان زر اندوز، در غالب موارد، محو و ناپیدا شده‌اند.

پس از جنگ‌های اول و دوم جهانی و تدوین قانون حقوق بشر برای مقابله با بحران‌هایی که بشریت را به ورطه نابودی می‌کشاندند، جنبش فمینیسم یا نهضت برابری طلبی زن و مرد، در سطح جهان ریشه دواند تا در صدد رفع ظلم‌های مضاعفی که در طول تاریخ بر زن رفته است، برآید.

در سال ۱۹۴۸، اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، به صراحت از تساوی حقوق زن و مرد در سطح جامعه ملل، سخن به میان آورد و در پی آن، برخی از معاهدات بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان، تصویب شد. به دنبال این امر، در غرب برخی از تلاش‌ها دال بر برابری زن و مرد و کنار نهادن تصویر جنس دست دوم بودن زن صورت پذیرفت و حتی تبعیض جنسی مثبت به نفع زنان در دستور کار برخی از دولت‌های غربی قرار گرفت.

به همین ترتیب برخی از نظریه پردازان (نظیر روزه گارودی و فوکویاما)، با امید به تحقق برابری شأن انسانی زن و مرد، با خوش بینی به آینده نگریسته، از این امر به عنوان «انقلاب فرهنگی در تاریخ بشر» و «سوق یافتن کشورها به سمت صلح و آرامش بیش تر» یاد کردند.

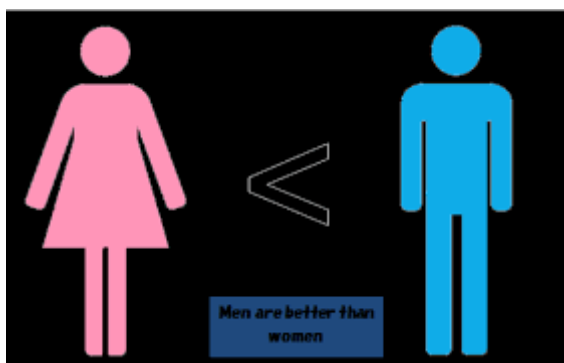
برخی از فمینیست ها از منظری متفاوت، با تصور این که فناوری های ارتباطی پیشرفته، این امکان را برای زنان پدید می آورد که آن ها تا حدودی تبعیض به زیان زن ها را جبران کنند، با دید مثبتی از آینده جوامع بشری یاد کردند (سانیا و اودرو، ۲۰۱۷).

اما با بررسی فضای مجازی به نظر می رسد که در این فضا باز هم حکایت جنس دست دوم بودن و پست تر بودن زنان تداوم دارد و فضای مجازی در عمل نوعی از مردسالاری الکترونیکی را دامن می زند.

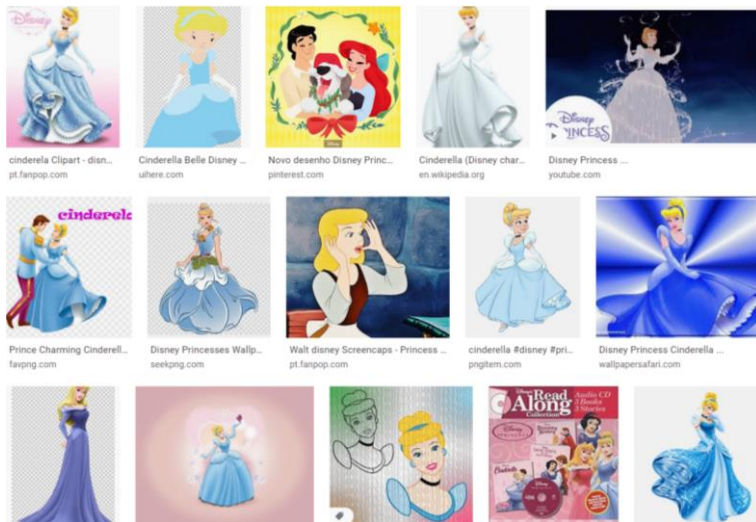
پرونزو (۱۹۹۱) در بررسی که در سطح ۴۷ بازی تهیه شده توسط شرکت نیتندو داشت، نتیجه گرفت در حالی که بسیاری از زنان در بازی ها در حالت مغلوب و محتاج ترسیم می گردند، مردان چنین نیستند.

نیومن (۲۰۰۴)، در کتاب بازی های ویدیویی خویش، با عباراتی مشابه می نویسد:

«رفتارها و نقش های شخصیتی زن و مرد در بازی های دیجیتالی، غالباً کلیشه ای هستند. مردان در اکثر موارد، درگیر خشونت های فیزیکی هستند و زنان در حالی که لباس های بدن نما بر تن دارند، جیغ می کشند، می ترسند و در پی مردی هستند که به یاری آن ها بشتابد».



نیومن پس از اشاره به میزان حضور فیزیکی زن در بازی‌ها نتیجه می‌گیرد: «زنان در بازی‌های الکترونیکی، حتی به اندازه موجودات غیرانسانی، قابل مشاهده نیستند». در تحقیق دیگری که به تحلیل محتوای بازی‌های دیجیتالی پرداخته بود، مشخص شد، مضمون یک سوم بازی‌ها درباره ماجراهای زنی است که توسط فرد یا افرادی ربوده شده و محتاج کمک دیگران برای به دست آوردن آزادی خویش است. در بازی‌های اخیر در حالی که زن‌ها توسط مردهایی قدرتمند و برتر نجات می‌یافتند، نمونه‌ای از نجات مردان توسط هیچ زنی ملاحظه نمی‌شود.



پرونزو (۱۹۹۱)، برای بررسی چگونگی القانات نقش جنسی زن در بازی‌های دیجیتالی، در تحقیق از دانش‌آموزان کلاس پنجم دبستان، خواست تا به طراحی یک بازی الکترونیکی دست بزنند. نتایج مطالعه اخیر نشان داد که دانش‌آموزان هنگام ترسیم شخصیت یک زن در جریان بازی، معمولاً وی

را به صورت فردی قربانی قلمداد می کنند که محتاج یاری و کمک مردی است که از راه رسیده، به نجات او بشتابد.

پرویزو با توجه به نتایج تحقیق های پیش گفته، در کتابش نتیجه می گیرد که روند اخیر، خواسته یا ناخواسته به تسلط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بیش از پیش مردان در جامعه، و به تعبیر دیگر «مردسالاری الکترونیک»، خواهد انجامید.

با بررسی محتواهای عرضه شده در شبکه های اجتماعی مشاهده می شود که سیطره و برتری مردان تنها در کارتونها، پویانمایی ها، بازی های دیجیتالی، فیلم ها و سریال های تهیه شده در دستگاه های تبلیغاتی نظام سرمایه داری خلاصه نشده، از سوی هر دو جنس (مردم عادی، سلبریتی ها، بلاگرها، شاخ های مجازی و اینفلوئنسرها) دامن زده می شود.

وجود انبوهی از بلاگرهای زنی که جز جسم خودشان، چیز دیگری را برای عرضه در فضای مجازی ندارند و بسیاری از شاخ های مجازی که در جریان تولید محتوای خود از سر ضعف فکری خود، زنان را مستمسک تمسخر خویش قرار می دهند و همین طور برخی از سلبریتی ها که به شکلی عنان گسیخته عمل می کنند، مصادیق بارزی از تحقیرشدگی و برخورد ابزاری با زن را در فضای شبکه های اجتماعی نیز به معرض دید می نهند.

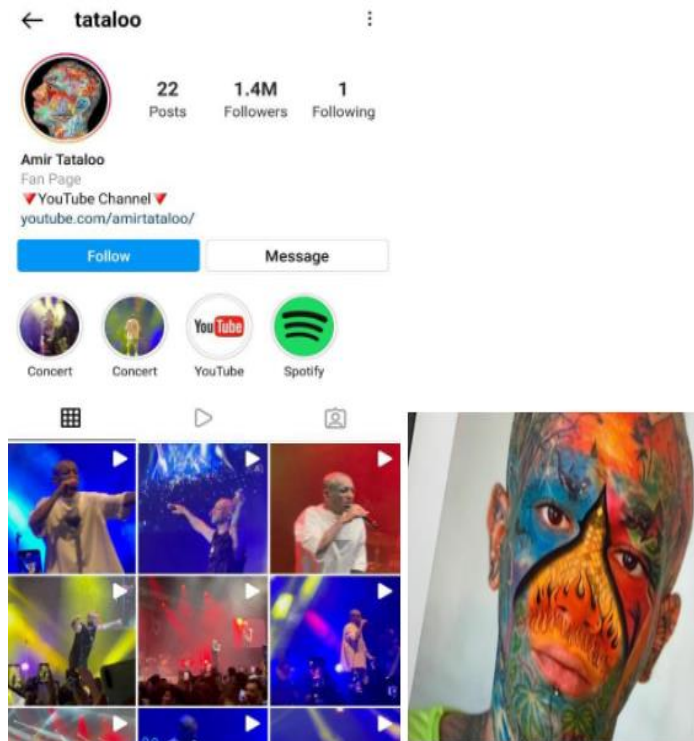


نسترن ۱۷ ساله در قسمتی از مصاحبه خویش از تتلو و حرمسرایبی که به دنبال تحقق آن بود، به قرار زیر یاد کرده است:

«- حالا پیج تتلو چرا ریپورت شد؟

اوه، اوه، بابا این با ندا یک لایو گرفت که اصلاً رکورد لایوهای اینستاگرام اون شب شکسته شد، حالا نمی‌دونی چه چیزهایی که بهم نگفتن، فاجعه بود، امیر تتلو به ندا گفت که بیا دوست دخترم شو و بعد درباره‌ی ماساژ و این جور چیزها و حرف‌های +۱۸ زدند که چه جوری با هم باشند و از این جور چرت و پرت‌ها! اصلاً همه کسایی که لایو رو می‌دیدند شوکه شده بودند که چه قدر بی‌پرده با هم جلوی این همه آدم حرف می‌زنند.

بعد تتلو گفت که می‌خواد حرم‌سرا باز کنه و حال کنه و در مورد حرم‌سراش داشت توضیح می‌داد و حتی گفت که از دخترهای زیر ۱۸ سال دعوت می‌کنم که به حرم‌سرام اضافه بشن، چند روز بعد توی پیجش پست گذاشت که چندتا عکس دختر کنار تتلو بودند و توی کپشن نوشته بود که مقدمات حرم‌سراش رو آماده کرده».



کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی

در عصر رسانه، بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها از عوامل فرهنگی بارزی محسوب می‌گردند که دست به انتقال فرهنگ بالا دهی‌ها به پایین دهی‌ها زده، در تغییر اندیشه فرهنگی آنان، ذی‌نقش و مؤثر واقع می‌گردند.

القائات ارزشی بازی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها به صورت مستقیم و غالباً غیرمستقیم، کاربران را تحت تأثیر خود قرارداد، اندیشه فرهنگی آنان را بهم ریخته، اندیشه جدیدی را به لحاظ فرهنگی فراروی آنان مطرح کرده و بدان‌ها دیکته می‌کند.

محصولات فرهنگی اخیر غرب، غالباً با صرف بودجه‌های کلان و به کارگیری انواع متخصصان (از روان‌شناس گرفته تا گرافیست و موسیقی‌دان و مانند آن‌ها)، تهیه شده، از جذابیت‌های مختلف گرافیکی، پردازش هنری، موسیقایی، تنوع موضوعی و نظایر آن‌ها برخوردارند.

مهشید ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد که وی گاهی قریب به ۱۵ ساعت از وقت خودش را در روز صرف انجام بازی‌های دیجیتالی می‌کند:

«اگه نخوام هی اینستا رو چک کنم و منتظر پیامی نباشم، کم‌تر می‌رم توی اینستا و بیش‌تر بازی می‌کنم.

- چه بازی‌هایی می‌کنی؟

بیش‌تر کال آف و فورتنایت و رین بو سیکس، بازی می‌کنم.





Geometrik Fortnite Ski...
uhndpaper.com



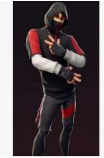
Fortnite All Skins Wallpapers - Top ...
wallpaperaccess.com



Fortnite Skin Wallpapers on WallpaperDog
wallpaper.dog



Supreme Fortnite Skins...
pinterest.com



Best Fortnite skin iPho...
like wallpaper.net



21+ Fortnite Skins Wal...
wallpapersafari.com



Fortnite Skin Wallpapers - Wallpaper ...
wallpapercave.com



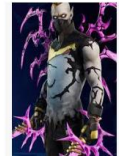
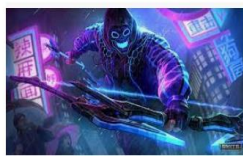
Cool Fortnite Skin Wallpapers on ...
wallpaper.dog



HD fortnite wallpapers ...
peakpx.com



Fortnite All Skins Wallpapers - Top ...
wallpaperaccess.com



- چند ساعت در روز بازی می‌کنی؟
(می‌خندد) ده، پونزده ساعت، بستگی داره به حاله، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم زیاد، اگه با بچه‌ها بیرون برم و کار داشته باشم و مشغول اینستا باشم، کم‌تر وقت بازی دارم، من گیمر خوبیم، قوی‌ام، چندتا اکانت فروختم تا حالا، من استریم هم هستم آخه، پول درمیارم از این راه».
راد ۱۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به هیجان بالایی که در بطن بازی‌هایی که بدن‌ها دست می‌زند، وجود دارد، انجام اعمال خلاف ارزشی خویش در جریان بازی را توجیه می‌کند:
«- شما این چیزها رو از کجا می‌دونی؟ درباره این کارهای خاک بر سری که گفتی.

این رو دیگه همه می‌دونن، هممه.

- از کجا یاد گرفتی؟

بیش‌تر از دوستانم، ولی از همه جا می‌شه یاد گرفت دیگه الان.

- می‌نشینید درباره‌ی این چیزها حرف می‌زنید؟

نه بابا، ولی می‌دونیم دیگه، اصلاً یادم نیست کی بود فهمیدم و این که چه طوری دقیقاً فهمیدم، به خودم اوادم دیدم می‌دونم (می‌خنده).

- گفتم دنبال کار خشن بودی، چه کار خشنی منظورت هست؟

اذیت و آزار مردم، مثلاً می‌زدم بهشون با ماشین زیرشون می‌کردم.

- حالا چرا مردم رو اذیت می‌کردی؟

طبیعت بازی همینه، دزدی ماشین، زدن مردم و با ماشین از روشون رد شدن.



- چون طبیعتش این هست، شما هم باید این طوری بازی کنی؟

حال می‌ده، حالا توی واقعیت که این کار رو نکردم، حتی بین کاراکتر مورد علاقه‌ام هم قاتل حرفه‌ای بود.

- کاراکتر مورد علاقه‌ات کی بود؟

اسمش سی جیه، خودش می‌گفت من یه قاتل سریالیم، البته برای محافظت از محله‌اش.



- برای محافظت از محله‌اش آدم می‌کشت؟

آره، دشمناش رو می‌کشت، از هر زاویه نگاه کنی، سر تا پای بازی منفیه.

- می‌دونی منفیه و بازی می‌کنی! دلیل علاقه‌ات به همچین بازی‌ای چی هست؟

هیجان داره این بازی، رده‌بندی سنیم داره، بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه، دیگه آدم سابق نمی‌شه، ولی بهتره بالای ۱۴، ۱۵ سال بازی کنن، ولی اصلاً خداست هیجانش.

- پس برای سن خودت بد نمی‌دونیش؟

نه، چون من می‌دونم این فقط بازیه، من نمی‌رم آدم بکشم و نمی‌ذارم روی روحیم تأثیر بد بذاره، ولی خون و خون‌ریزیش برای سن پایین، آره می‌تونه بد باشه، خود منم این روزا زیاد بازی نمی‌کنم، درگیر درسم، ترجیح می‌دم آنلاین نگاه کنم فقط».

کوثر ۲۴ ساله هم در مصاحبه خودش با اشاره به فیلم‌های خارجی که به لحاظ تنوع موضوعی، گرافیکی، پردازش هنری و مانند آن، قابل قیاس با فیلم‌های ایرانی نیستند، خاطرنشان می‌سازد که وی کاربری از فیلم‌های خارجی را بر فیلم‌های داخلی ترجیح می‌دهد:

«- آیا از طریق اینستاگرام فیلم و سریال و اخبار مربوط به اون‌ها رو دنبال می‌کنی؟

بله تا حدودی، به خصوص سریال‌هایی که قبلاً دیدم و الآن حذف کردم رو زیاد توی اینستا دنبال می‌کنم، یه احساس خوبی می‌دن بهم، البته بیش‌تر سریال‌های خارجی می‌بینم، کم پیش میاد ایرانی‌ها رو دنبال کنم.

- علتش چی هست؟

محتوای جالب‌تر و گسترده‌تر از محتواهایی دارن که ما در کشور داریم، در هر سبک و موضوعی که بخوای می‌تونی انواع مختلفی فیلم و سریال پیدا کنی، همه هم از نظر داستان در عین شباهت با هم متفاوتند. در حالی که فیلم و سریال‌های ایرانی خیلی محدودند، اصولاً درباره موضوعات خانوادگی تکرارین، حتی همون محتوای تکراری و پیش‌پا افتاده هم خالی از سانسورهای اجباری نیست به لطف جمهوری اسلامی. در حالی که فیلم و سریال‌های خارجی در هر سبکی و برای هر رده سنی جدا از هم، محتوای خاصی داره. مورد دیگه این که فیلم‌های خارجی اغلب از نظر گرافیک و اینا هم جالب‌ترن، مثلاً فیلم‌های نولان از نظر صحنه و سکانس عالین.

- به نظرت اینستاگرام اثری بر فیلم و سریال دیدنت داشته؟

صد البته، زمانی که اینستا نبود، چون پی‌گیر نبودم شاید دو، سه تا فیلم از دوستانم یا سایت‌های مختلف پیدا می‌کردم و می‌دیدم، اما الآن بدون پی‌گیری خاصی، انواع و اقسام فیلم‌ها و سریال‌ها با محتوای

متنوع از طریق اینستاگرام بهم معرفی می‌شه، حتی اگه بعضی رو نخوام ببینم، اون قدر ازش تعریف می‌شه و مسایل مختلف درباره‌اش گفته می‌شه که ناخودآگاه سمت شون جلب می‌شم.»
سمیه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از در دسترس بودن بسیاری از محصولات هنری غرب به شکل رایگان یاد می‌کند:

«در مورد این سریال‌ها که گفتی، می‌شه یک کم از موضوعات شون بیش‌تر بگی؟
باشه، ویچر تخیلی و تاریخیه و آمریکاییه، یه کم پیچیده هست، داستانش تازه داره شکل می‌گیره.



امیلی در پاریس هم سریال شادیه و کمدیه و باحاله، اونم هنوز فقط یه فصل ازش اومده، بیش‌تر محیط رنگی و شاد و حال خوب کنش برام جالبه، شخصیت اصلی هم خیلی آدم مثبت اندیشه.



بیگ بنگ و آشنایی با مادر هم که معروف ان دیگه، سیتکام (کمدی موقعیتی) اند، خنده‌دارن، البته من با یه چیزایی شون مخالفم، اما چون سرگرم کننده هستند، می‌بینم.



چینی‌ها هم سریال رام نشده یه سریال تخیلیه که من اول مان‌هاش^۱ رو توی اینستاگرام دیدم و بعد فهمیدم سریالش هم هست و رفتم دیدم و بعدشم توی اینستاگرام فن پیجای سریال رو دنبال کردم، تازه بعد از دیدن سریال فهمیدم چه قدر توی ایران معروفه، توضیح دادن در موردش یه کم سخته، چون ژانر شیانشیا هست که خب کسایی که ندیدن، ازش سر در نمیارن خیلی.



۱ - مان‌ها به داستان‌های تصویری چینی گفته می‌شود.

قاره ارواح هم که دو تا نسخه داره، یکیش سریاله تلوزیونی و یکیش هم انیمیشن سریالیه که من هر دو تا شون رو دوست دارم، هر دوش هم از روی یه رمان چینی ساخته شدن که شاید برم رمانش رو هم بخونم، این سریال هم تاریخی و تخیلیه.



شهرزاد هم فقط یه بخش هایش رو دیدم توی اینستاگرام و یه سریاله که داستانش مال قبل از انقلابه.



- پس یعنی رمانها و داستانهای تصویری چینی رو هم توی اینستاگرام دنبال می کنی؟
هستش، اما من دیگه خیلی دنبال نمی کنم، رمانها رو ترجیح می دم، از توی تلگرام دنبال کنم.

- این رمانها ترجمه شده هست؟

هم ترجمه می شه پیدا کرد، هم ترجمه نشده. ترجمه ها هم، هم پولی هستش و هم رایگان، من تا حالا ترجمه پولی توی اینستاگرام ندیدم».

فضای اینستاگرام، فضایی برای عرضه انواع بازیهای دیجیتال؛ فیلمها و سریالهای غربی است. مریم ۱۹ ساله و روزان ۱۷ ساله در مصاحبه های خود از نقش مهم اینستا در کاربری خویش از تولیدهای فرهنگی غرب، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- محتوای پورنوگرافی رو هم در اینستاگرام دنبال می کردی؟

خب توی اینستا محتوای پورنوگرافیک به شکل اصلیش وجود نداره، چون اینستا خودش اجازه نمی‌ده، نهایتاً همین مدل‌ها و چنین افرادی بود، اما خب خود محتوای پورنوگرافیک رو بله، جاهای دیگه دیدم.

- خوب اون علایق شخصی که می‌گی دقیقاً چه چیزهایی بودن، مثلاً چه جور پست‌هایی بودن؟ گفتم دیگه، مثلاً گیم زیاد می‌اومد برام، چون خیلییی اهلش بودم، الانم کم‌تر، ولی هستم. مثلاً یه سری خواننده‌های خارجی رو خیلی دنبال می‌کردم و دوست داشتم مثل مایلی سایرس و تیلور سویفت، دیگه یه سری فیلم و سریال هم می‌اومد برام، ولی عمدتاً از اون سریال‌های دوزاری و سطحی، مدل و اینا هم که گفتم.

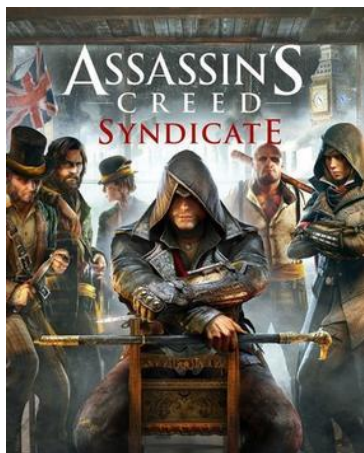


- این پست‌های درباره بازی که می‌گی، دقیقاً درباره‌ی چه بازی‌هایی بودن و چه جوری بودن؟ همه بازی‌های جذاب، مثلاً بازی‌های اکشن خب خیلی جذاب ان دیگه، مثلاً اون موقع دیوونه لست آف آس و ویچر بودم، البته از حق نگذریم هنوزم خیلی دوست‌شون دارم، البته می‌گم که اینا مثال ان و کلاً مطالب مربوط به بازی‌های جذاب می‌اومد برام و می‌دیدم.



- شده که مثلاً با یک بازی‌ای از طریق اینستاگرام آشنا بشی و مصمم بشی که اون رو بازی کنی؟
آره، خب گاهی پیش می‌اومد که مثلاً توی پیج‌ها، یه بازی‌ای رو معرفی می‌کردن و مشتاق می‌شدم تجربه‌اش کنم.

- مثلاً چه بازی‌ای؟
دقیق یادم نیست، ولی فک کنم مثلاً بازی اساسینز کرید سیندیکیت رو این جوری شناختم و بازی کردم».



«- روزان جان شما در اینستا از فیلم هم استفاده می‌کنی؟»

من گفتم که عاشق فیلمم، هم فیلم ایرانی و هم فیلم خارجی، به اتفاق خیلی خوبی که برام افتاد، اینه که من فکر می‌کردم که هیچ‌وقت نمی‌تونم از سایت و اپلیکیشن رسمی نتفلیکس استفاده کنم. تا آخر عمرم باید برای سریال و فیلمای مختلف بگردم توی هزارتا سایت که نمی‌دونم، کیفیتش خوب باشه یا مهم‌ترینش این که سانسور شده نباشه. من از طریق یه دختره که بلاگر بود یه تبلیغ کرد، با کسایی آشنا شدم که بهشون پول می‌دادی و برات درستش می‌کردن و می‌خریدن و ثبت نامت می‌کردن. نمی‌دونم اونام شاید حساب خارجی داشتن که می‌تونستن دلار پرداخت کنن، ولی خب این باعث شد من خیلی راحت دیگه فیلم و سریال نتفلیکس رو از اپلیکیشنش اورجینال بینم و مجبور نباشیم به استفاده فقط از فیلمو و نماوا، آخه خیلی هم گرووونن. چند روز پیش توی یه پستی خوندم که نوشته بود، توی سال اخیر ۹۳ درصد گرون‌تر شده هزینه اشتراک فیلمو! بعد توقع دارن که نریم سمت پیج‌های خارجی».

مehشید ۱۶ ساله، در بیانات خویش خاطرنشان می‌سازد که وی به بازی‌های دیجیتال به صورت منبعی برای کسب درآمد نگاه می‌کند و سعی دارد تا یک استریم‌ر شده، با به نمایش نهادن تردستی خویش در انجام بازی‌های دیجیتالی، به کسب درآمد مورد علاقه‌اش دست یابد:

«- می‌شه استریم رو توضیح بدی؟»

استریم کردن یعنی تو بازی کنی و در زمان بازی از خودت و نوع بازی و حرف‌ها و کارای فان فیلم‌بگیری و بذاری توی کانالت در توئیچ و دیگران بیان و بینن و خوش شون بیاد از گیمینگ تو. یه مدل هم هست که پولیه، من و بقیه بازی می‌کنیم و یه سری می‌بینن و اگه اونا خوش شون بیاد، برامون کارت به کارت می‌کنن، مثلاً من هدف می‌ذارم روی یه قیمتی، یه چالش راه می‌افته که اون استریم به مبلغ مورد نظر باید برسه تا برم سراغ استریم بعدی، مثلاً یکی میاد می‌گه فلفل بخور توی بازی که ما تصویرت رو با وب کم ببینیم یا یه کار جالب بکن تا پولی رو که می‌خوای رو واریز کنیم.

منم اون کار رو انجام می‌دم تا پول رو بگیرم و برم استریم بعدی، توی پیجم خبر استریمم رو می‌ذارم و بقیه میان و اون ساعت تماشا می‌کنن.

- الان پسر و دخترهای هم‌سن و سالت، علاقه‌مند به این نوع بازی‌ها هستند؟

آره، اونایی که خوره‌ی بازی ان، می‌رن دنبال استریم، الان خیلی‌ها معروفن توی ایران برای استریم- هاشون، مثل کوروش و میاپلیز^۱ که الان کانادان، اونا هم استریم فارسی رو می‌رن، هم استریم‌های انگلیسی رو، میا چند ساله که موقع بازیش ویدیو می‌گیره از گیم پلی خودش و می‌ذاره توی توئیچ^۲. از پرترف‌دارترین کانال‌های استریم توئیچه، میا و کوروش توی یوتیوب هم خیلی فعال ان و کلی ویدیو می‌ذارن اون‌جا هم، من دنبال شون می‌کنم و عاشق شونم. بازی مورد علاقه‌ی میا فورتنایته.



- پس به گفته‌ی شما خیلی از نوجوان‌ها هستند که دنبال بازی‌ها هستند، این کسانی که از شون اسم بردی کار و شغل شون همینه و از این راه کسب درآمد می‌کنن؟
بله، مثلاً آریا کثوکسر^۳ که الان ترکیه هست ماهی ۵۰، ۶۰ میلیون تومن درآمد داره، کانال توئیچش خیلی پربازدیده، ویدیوهایش کلی ویو می‌خوره و کاراش عالیه.



۱ - کوروش و میا زوج ایرانی ساکن کانادا هستند که بازی می‌کنند و از صفحه بازی خود فیلم می‌گیرند و استریم خود را در یوتیوب و توئیچ منتشر می‌کنند.

۲ - توئیچ یک پلتفرم برای پخش زنده‌ی بازی است. تمرکز اصلی این پلتفرم بر روی بازی‌های ویدیویی است. اما علاوه بر بازی می‌توان از پخش زنده‌ی موسیقی یا ابزار چت کردن با کاربران دیگر استفاده کرد. این پلتفرم از سال ۲۰۱۱ به صورت رسمی از کمپانی مادر خود جدا شد و به عنوان یک سرویس پخش زنده فعالیت خود را ادامه داد.

۳ - آریا رحمتی معروف به آریا کیوکسر یوتیوبر موفق ۲۴ ساله ایرانی است که ساکن ترکیه است. او درآمدی بالغ بر ۴۰ هزار دلار در ماه و تقریباً ۴۰۰ هزار دلار در سال دارد.

تاکسیک گرل^۱ اولین دختر استریم ایرانیه، هم خیلی حرفه‌ایه که بازی فورتنایت و رین بو سیکس رو بازی می‌کنه و استریمش رو می‌ذاره توی کانال و خیلی طرفدار داره.



اینایی که گفتم اکثرشون یوتیوبر هم هستن، مثلاً تاکسیک گرل و آریا با هم میان و استریم می‌کنن و بازی رو معرفی می‌کنن و در کل خیلی باحالن.

- به نظر شما این روش خوبی برای کسب درآمد هست؟

آره، خیلی، الان دیگه مثل قدیم نیست که مادر و پدرها به بچه‌شون بگن بچه این قدر بازی نکن، بازی مگه به دردت می‌خوره؟ چیه این بازی که هیچ چی تهش نیست و از این حرفا...، الان گیمینگ یه صنعت بزرگه توی دنیا و همه دارن از این راه پول درمیارن و این خیلی خوبه که تو هم به بازی و عشقت برسی و هم به پول، کجاش بده؟ الان گیمینگ وقت تلف کردن نیست، شغله، کاره، مثل بقیه‌ی کارها، تازه خیلی هم سخته، چون خیلی‌ها توی دنیا دارن هر روز بازی می‌کنن و تو باید با همه‌شون رقابت کنی تا خوب و آماده باشی».

بازی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های تهیه شده در آن سوی آب، حاوی ارزش‌های فرهنگی بارزی هستند که روند تولید محصولات فرهنگی اخیر و مصرف آن توسط کاربران، به تغییر نظام ارزشی، عقیدتی و فرهنگی مصرف‌کنندگان خواهد انجامید.

سمیه ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش، از مفاهیم ضددینی برخی از محصولات فرهنگی که از آن کاربری دارد و روابط بی‌بندوبار جنسی موجود در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها، یاد کرده است:

«... یکی دیگه از مسایلی که توی سریال تئوری بیگ بنگ هست، ضددین بودنشه، شخصیت اصلی داستان که شخصیت محبوبیه و خیلی باهوشه، خدا رو قبول نداره و بارها توی سریال به این قضیه اشاره شد، از طرفی مادرش مسیحی مذهبه که همین نشون می‌ده حتی توی یه خانواده مذهبی هم،

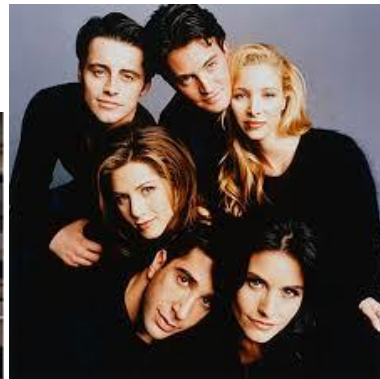
^۱ - کوثر عزیزی ملقب به تاکسیک گرل متولد سال ۱۳۷۳ در ایران است. وی اولین دختر استریم ایرانی است و اکنون ساکن ترکیه است و قصد مهاجرت به کانادا را دارد. کوثر جزو ۵۰۰ بازیکن برتر بازی اورواچ است.

دیگه بچه‌ها مذهبی بزرگ نمی‌شن و تازه مامانه یه رفتارهای غیرمنطقی داره و گاهی هم حرف‌های نژادپرستانه می‌زنه، همه‌ی اینا به نظرم وجهه دین رو خراب می‌کنه، دیگه این که شخصیت‌ها توی این مدل سریال‌ها با کلی آدم قرار می‌دارن و بعد توی سن بالا ازدواج می‌کنن و معمولاً یک بچه یا نهایتاً دو بچه هم بیشتر نمیارن، مثلاً دوتا بچه خیلی زیاده، مثلاً توی همین سریال بیگ بنگ، یکی از شخصیت‌ها که بچه‌دار شده بود، رسماً داشت می‌گفت از این وضع ناراضیه و بعد از بچه دوم یه کاری کردن که دیگه بچه‌دار نشن، حالا اینا نمونه بود دیگه، در مورد این موضوع می‌شه کتاب نوشت.

- خوب فکر می‌کنی این مطالب، می‌تونه باعث تغییر فرهنگی توی کشور ما هم بشه؟
بحث این گسترده هست و من خیلی اطلاع ندارم، راستش اما شاید زیاد پرداختن به این موضوعات بتونه باعثش بشه.

- روی خودت چه قدر تأثیر گذاشتن؟
نمی‌دونم، راستش من خودم که نمی‌تونم راحت تشخیص بدم چه قدر تأثیر گرفتم، اما سعی می‌کنم حداقل از این نکته‌هایی که خودم فهمیدم تأثیر نگیرم.

- با این وجود چرا باز هم این سریال‌ها رو می‌بینی؟
همون طور که گفتم سرگرم کننده‌اند. مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه، به طور مثال همه طرف-دارهای فرندز، شخصیت جویی تریبانی رو دوست دارن، اما واقعیت اینه که این شخصیت همه‌اش دنبال دختره هست و بعد از یک شب هم ول‌شون می‌کنه، منظورم اینه اون قدر جذاب می‌سازن داستان رو که یه همچین شخصیتی هم این قدر طرف‌دار پیدا می‌کنه».



راد ۱۶ ساله، در اظهارات خودش از آموزش غیرمستقیم به قول خودش مخزنی و روابط آمیزشی

که به صورت عیان در برخی از بازی‌های دیجیتالی به نمایش کشیده شده‌اند، یاد می‌کند:

«- خودت هم جی‌تی‌ای بازی می‌کردی؟»

خودم قبلاً جی‌تی‌ای سن اندریاس رو بازی می‌کردم، ولی توی اینستا جی‌تی‌ای وی بود، فکر کنم بازی می‌کردن که پیشرفته‌تره.

- فرق شون با هم چی هست؟

جی‌تی‌ای توی لس آنجلسه، بازیش توی جی‌تی‌ای جدید، شهر خیلی خوب طراحی شده، سن اندریاس گرافیک زیاد خوبی نداشت، ولی هر کاری که دلم خواست توش انجام دادم.

- سری جدید تنها فرقی این هست که شهر رو توش بهتر طراحی کردن؟

آره، گرافیکش فوق‌العاده است، انگار تو واقعاً توی کالیفرنیا، داری راه می‌ری.

- گفتم توی سری قبلی هر کاری دلم می‌خواست می‌کردم، چه کارهایی می‌تونستی توش انجام

بدی؟

همه کار می‌شه انجام داد، از حموم کردن، پول درآوردن، خونه خریدن تا کارای خاک بر سری.

- کارهای خاک بر سری منظورت چی هست، همه چی رو واضح نشون می‌داد؟

کارای خاک بر سری که من انجام دادم، مخ زدن و دختر سوار کردن بود، ولی توی سری جدید که

توی اینستا دیدم، خیلی کارای خاک بر سری بیش‌تری می‌تونن انجام بدی، مثلاً کازینو می‌رفتن،

اونایی که گروهی بازی می‌کردن، یه سری رقص، رقص میله می‌کردن، بعد همه‌شون قرار می‌داشتن

که هر کی زودتر مخ زد برنده است، من که خودم یکی، دوبار تهش مخ زدم، بیش‌تر دنبال کارای

خشن بودم، حتی این سری جدید قشنگ توش رابطه دارن و نشون می‌ده.





- توی اینستاگرام همون گروهی که گفتی بازی می کردن گذاشته بودن؟
آره، یه تیکه هایش رو گذاشته بودن، ولی کاملش توی یوتیوب بود که دیدم خیلی خفن بود، البته شطرنجی کرده بودن (می خندد).



مریم ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است، دیدن سریال لوسیفر برای وی چنان مهیج و پرهیجان بوده است که وی تحت تأثیر این سریال متمایل به این شده است که یک شیطان پرست شود:

«توی اینستاگرام پیج‌هایی که درباره‌ی فیلم و سریال باشه رو هم دنبال می‌کنی؟
آره، توی اکسپلورم زیاد میاد، از اون‌جا دنبال می‌کنم، بیش‌ترشون پستای طنزن، درباره‌ی فیلم و سریالا، بعد از اون‌جا اخبار جدید رو هم می‌خونم، از یه فیلم خیلی تعریف شده باشه با خواهرم می‌بینم.

- پست‌هاشون بیش‌تر درباره‌ی چه جور فیلم و سریال‌هایی هست، به طور مثال آخرین فیلم یا سریالی که از اون طریق جذبش شدی و رفتی دیدیش، چی بود؟
همه چیز هست دیگه، بیش‌ترشون درباره‌ی سریالایی مثل برکینگ بد و لوسیفر و وایکینگزه، چون خواهرم اینا رو دوس داره، پستاشون رو لایک می‌کنه، واسه منم میاد، آخرین بارم سریال لوسیفر رو تا فصل ۳ دیدم، خیلی قشنگه، می‌بینمش، دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواهه.

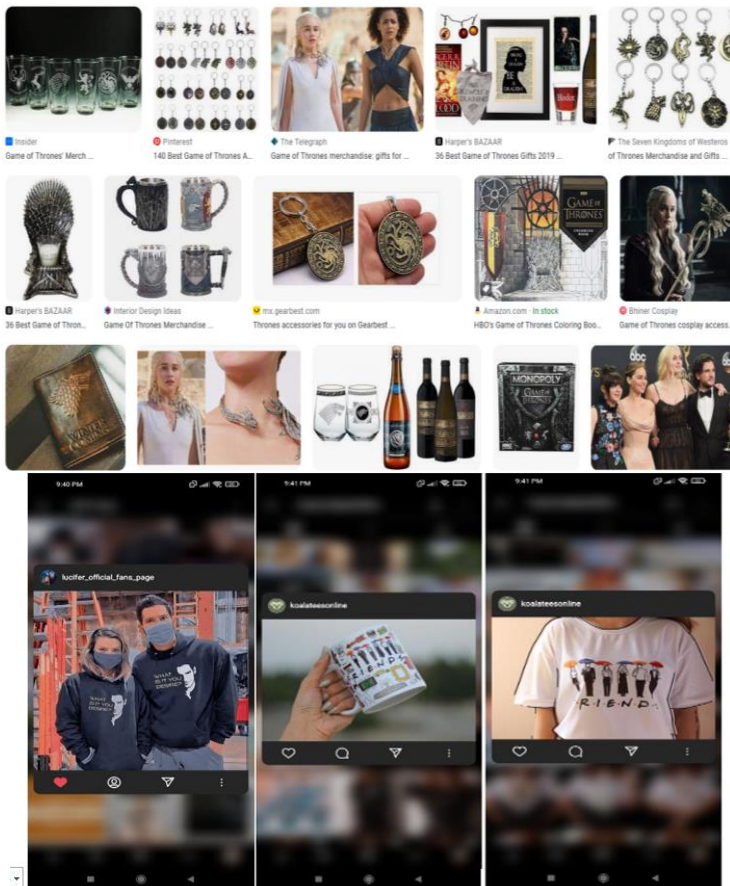


- این سریال لوسیفر دقیقاً درباره چی هست؟
لوسیفر شیطان، سریاله تخیلیه، شیطان مثلاً اومده روی زمین زندگی می‌کنه و با خدا که پدرشه، سر این که از بهشت بیرونش کرده، به خاطر این که به انسان سجده نکرده بود، مشکل داره، خیلی باحاله».

کاربری از زیورآلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب

نظام تبلیغاتی آن سوی آب، نظامی اندیشیده شده و علمی است و هم‌زمان در عین تلاش برای اثرگذاری ارزشی حداکثری بر مخاطبان خویش، در پی کسب منافع اقتصادی حداکثری خویش از قبل تولیدهای فرهنگی خودش است، از این رو پس از تهیه هر بازی دیجیتال، کارتون، پویانمایی، فیلم و یا سریالی، بلافاصله تهیه کالاها، البسه و خاصه زیورآلات (اکسسوری‌هایی) که در محصول‌های اخیر به نمایش درآمده اند، در دستور کار آنان قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که از تصاویر زیر پیداست، پس از نمایش سریال بازی تاج و تخت، زیورآلات و وسایل ارایه شده برای هواداران از گردن بند و انگشتر و گوشواره گرفته تا ظروف مورد استفاده و جای سوچی و کیف و مانند آن‌ها گسترده است:



سارای ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره جذابیت کاربری از زیورآلات و وسایل منتسب به گروه بی‌تی‌اس در هواداران این گروه می‌گوید:

«من وقتی داشتم توی گوگل می‌خوندم متوجه شدم که اعضا یه سری وسایل رو ظاهراً ترند (مد) می‌کنن، تاحالا شده این وسایل رو بخری؟»

همه گروه‌ها یه وسیله‌ای رو دارن که خب اون نشان گروه روش هست و یه جورایی نشان دهنده اینه که این وسیله مال اون گروهه، برای گروه بی‌تی‌اس، آرمی بمب هست که این وسیله‌ها رو می‌گن لایت‌سی، هر گروه مال خودش متفاوته، بعد این آرمی بمب‌ها خیلی گرون هست توی سراسر جهان، یکی از آرمی بمب‌ها رو که من دیدم، از سه میلیون به بالا بود. خب طبیعتاً من آرمی بمب (نشان بی‌تی‌اس) رو ندارم. بعد اعضاء آلبوم دارن که اگه بخوای بخری، واقعاً گرونه. یه سری وسیله هم هست که ما می‌گیم (مرچ) بی‌تی‌اس که اعضاء هنرمند گروه، اومدن یه سری وسیله طراحی کردن، مثلاً کیفی که مال تهیونگ هست یا هودی که جون کوک طراحی کرده بود که اینا به شدت گرون هست، ولی خب هستن آرمی‌هایی که این وسایل رو می‌خرن. یه سری چیزها هم هست، مثل فوتو کارت که کارت‌های کوچیکی هست که حالا جنس‌های متفاوت داره که عکس اعضاء روش هست. یه سری گردنبد و گوشواره و دستبند هست که عکس اعضاء روشه، مثلاً پسر توی کنسرت یا شوازش استفاده کردن و خب وقتی این وسیله ترند می‌شه. بعضی‌ها یا خودشون درست می‌کنن یا خود اصلش رو می‌خرن. ما شاپ آنلاین هم زیاد داریم، توی اینستا بزنی میاره.

بعد گروه‌های کی‌پاپی توی کنسرت یا شو یا حتی وقتی مثلاً داشتن می‌رفتن فرودگاه، کلاهی یا عینکی و چیزای دیگه رو بخرن، آرمی‌ها میرن و شبیه‌ش رو پیدا می‌کنن و می‌خرن و یه سری چیزها هم هست، ترندهای جالب اعضاء مثلاً جون کوک یه برند آب میوه رو توی لایوش نشون می‌ده و بنده خدا می‌گه من عاشق این آب میوه‌ام، می‌تونم بگم به چند ثانیه نمی‌کشه که این آب میوه ترند می‌شه و توی این چند ثانیه اون قدر سفارش داده می‌شه که چند وقت بعدش جون کوک دوباره لایو می‌ذاره، جون کوک می‌گه من دیگه نتونستم این آب میوه رو پیدا کنم، یعنی این قدر به فروش رفته بوده که دیگه کمیاب شده بود و این که در کل وسیله‌هایی که ترند می‌شن یهویی قیمتشون می‌ره بالا و یه سری وسیله‌ها هم هست که خودشون برند هست و خیلی قیمت بالایی داره که توی ایران خیلی کم هست و این آرمی بمب‌ها قابلیت خریدش تو ایران نیست. یه سری شاپ‌ها که تو ایران میارن از کره و جاهای دیگه به شدت گرونه و من به شخصه نمی‌خرم، ولی شاید گردنبد و دستبند و کلاه و

پیکسل و فوتو کارت‌ها و مثل اینا رو بخرم که مربوط به بی‌تی‌اس هست، ولی خیلی گرون باشه رو نه نمی‌خرن».

نسیم ۲۱ ساله هم با داغ دیدن بازار وسایل مورد استفاده در گروه بی‌تی‌اس، با وارد کردن آن‌ها از کره، دست به فروش برخی از این وسایل زده است:

«از شبکه‌های اجتماعی چه استفاده‌ای می‌کنی؟

برای پیام دادن به بقیه، ولی الان شاپ دارم بیش‌تر درگیر اونم.

- توی تلگرام فروش داری؟

آره.

- چه فروشی؟

از کره، مرچ وارد می‌کنم.

- مرچ چی هست؟

به وسایل رسمی که یه سلبریتی منتشر می‌کنه، مرچ می‌گن.

- مرچ‌های چه سلبریتی‌ای رو وارد می‌کنی؟

مال هر کی که مشتریام بخوان».

رضای ۱۸ ساله هم در مصاحبه خودش با اشاره به سریال بازی مرکب، از شیوع یافتن فروش وسایل این سریال به قرار زیر یاد کرده است:

«... یا می‌رن کافه و رستوران غذا سفارش می‌دن، بعد همون جوری می‌ذارن، میان استوری می‌گیرن،

ما این همه غذا سفارش دادیم نمی‌تونیم بخوریم، فکر می‌کنن این جوری خیلی خفن هستن یا میان یه

ورزش‌هایی می‌کنن که فقط مخصوص دو درصدی‌ها هست.

- یعنی چی مخصوص دو درصدی‌ها، مگه چه ورزش‌هایی می‌کنن؟

همین تنیس و گلف و اسب سواری، خود راکت تنیس خوب یکی بخواد بخره، نزدیک ۸ میلیون یا

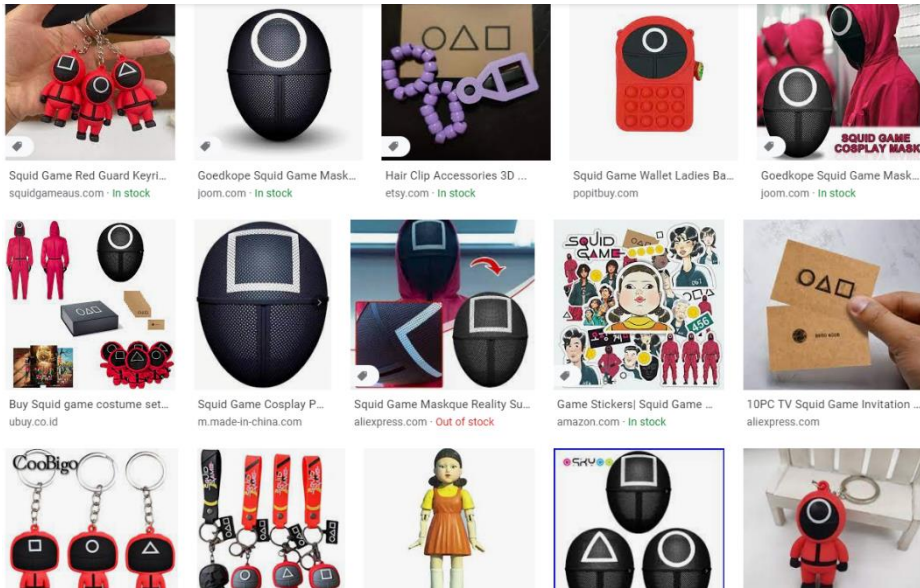
بیش‌تر یا زمین گلف همه جا نیست که اینا برای این که *** بیان این‌طوری می‌کنن.

- دیگه چه کارهایی دیدی بکنن که بیش‌تر دیده بشن؟

فیلم اسکویید گیم بود، همه دیدن الان از اون موقع که این فیلم اومد، توی همه بوتیک‌های پسرانه،

سویشرت اسکویید گیم و هودی یا کفشش رو حتی آوردن، الان هر مغازه و پیج لباس برید ببینید،

قشنگ یه چیز از اسکویید گیم هست، حتی کسانی که این فیلم رو ندیدن، می‌رن از این چیزا می‌خرن، بعد باهاش عکس و ویدیو می‌گیرن».



اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی

منابع فرهنگی مختلف اعم از روزنامه، کتاب، فیلم، پویانمایی، موسیقی و مانند آن‌ها، واجد اثر گذاری در مخاطبان‌شان هستند، به این ترتیب که منابعی همچون منابع مکتوب بیش تر با اثر گذاری در شناخت و منطق آدمی در وی مؤثر واقع می‌آیند و منابع غیر مکتوبی مانند فیلم و موسیقی بیش تر با اثر گذاری در عواطف افراد در آنان مؤثر واقع می‌گردند.

فارابی در تبیین چگونگی تأثیر موسیقی در آدمی بیان می‌دارد که الحان اعم از حزن آلود یا پر نشاط در حالات روحی خاصی در آدمی شکل گرفته و در وجود وی به منصفه ظهور می‌رسند. یعنی در ابتدا تغییر حالات روانی در آدمی ایجاد شده و در پی این امر، تغییر لحن و ندا در وی پدیدار می‌گردد. حال اگر حالت عکس رابطه اخیر را در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که شنیدن الحان خاص نیز بتوانند موجد حالات روانی خاصی در انسان‌ها شوند (برکشلی، ۱۳۷۵).

ساره ۲۰ ساله در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، علاقه‌مندی بسیاری به موسیقی داشته و اساساً اینستا به سبک موسیقی مورد علاقه وی (همان‌گونه که به علایق زیباشناختی وی جهت داده است) جهت بخشیده است.

ساره در فرازی از مصاحبه‌اش با اشاره به موسیقی دیس لائو (که به دلیل ممنوعیت آن در جامعه، به طور عمده باید آن را در فضای مجازی جست)، از اسیر شدن خودش و دوستش به این موسیقی یاد کرده، تأکید می‌کند، دوستش در اثر کاربری از این موسیقی، دچار افسردگی و خودزنی شده است. به تعبیر دیگر وقتی خواننده بی‌اعتقادی در عین تجربه شکست عشقی، درگیر یک بیماری صعب‌الاعلاج هم بشود، تنها بغض، کینه و نفرت خویش را در موسیقی خود می‌پراکند و باید انتظار داشت که رهنمودهای وی در مخاطبان نوجوان و جوانش که افرادی عاطفی و سریع‌التأثیر نیز هستند و ممکن است مشکلات مشابهی را تجربه کرده باشند، نه تنها به خودزنی، بلکه به خودکشی نیز بینجامد:

«- یادت هست که اون دوران دوستان تو بیش‌تر چه کلیپ‌هایی در اینستاگرام می‌دیدن؟ کلیپای فان بود بیش‌تر، مثلاً بازی کردن با سگ و گربه‌ها، رپ فارسی هم بودن یا مثلاً سبک دیس لائو مثل مهرباب و اینا که خدا رو شکر هیچ وقت گرفتار شون نشدم.

- چرا فکر می‌کنی کسانی که اون آهنگ‌ها رو گوش می‌دادن، گرفتار شدن؟
چون واقعاً آهنگ‌هایی با محتوای مزخرف بودن و فقط با عربده زدن، گوش آدم رو پاره می‌کردن.
- چه محتوایی داشتن؟

این‌که عشقم ولم کرده، می‌خوام برم بمیرم و می‌خوام خودزنی کنم و برم اون‌ی که با عشقم بهم خیانت کرده رو بکشم، آی من چه بدبختم، رفیقام چه نامردن و همچنین چیزای مزخرف و حال خرابی که واقعاً حال آدم رو خراب می‌کرد.

- به نظرت هم‌سن و سال‌هات چرا از کلیپ‌های دیس لائو خوش شون می‌اومد؟
والا نمی‌دونم، شاید چون آهنگای بهتری نبود، به نظرم اکثراً بچه‌های توی اون سن، برای یک بارم که شده این آهنگا رو گوش دادن.

- می‌تونی نام ببری؟
بین مثلاً آهنگایی مثل لالایی میلاد راستاد یا کلاویه از مهرباب، خیلی توی اون زمان روی بورس بود، یادمه خیلیا گوش می‌دادن، من خودم که دوست نداشتم، ولی مثلاً از گوش‌ی دوستام یا استوری‌شون می‌شنیدم یا می‌دیدم.



- چرا اون آهنگ‌ها رو استوری می‌کردن، دلش رو می‌دونی؟
- اکثراً شکست عشقی خورده بودن، می‌خواستن به همه ملت بگن که من شکست عشقی خوردم، حالم بده و این جور چیزا.
- یعنی به نظرت دنبال توجه بودند؟
- می‌شه گفت آره، شایدم این کار رو می‌کردن که پسره اینا رو ببینه، دلش بسوزه، برگرده طرف همون آدم.
- محتوای اون استوری‌ها رو یادت هست؟
- اکثراً کلیپا یا عکسایی با تم دارک بودن.
- به نظرت کلاً چرا دوستان شما چنین آهنگ‌هایی رو گوش می‌دادن؟
- خوب فکر کنم چون تازه آدم، وارد فاز احساسی می‌شه توی اون زمان و این جور آهنگای شکست عشقی هم زیاد روی بورس، البته فکر کنم الان دیگه نیست.

- اینستاگرام در این جهت تأثیری داشته که نوجوان‌ها رو وارد این فاز احساسی کنه؟ قطعاً داشته، کلیپای فاز دپ که میان درباره‌ی خیانت و اینا کلیپ می‌سازن، همه‌ی اینا تأثیر داره روی نوجونا به نظر من، چون دیگه فکر می‌کنه که مثلاً آگه از یکی خوشش اومد و اون طرف حاضر نشد با اون بمونه، باید دیگه از زندگی بیره.

- برای خودت یا دوستانت چنین حسی پیش اومده؟ خودم که نه، ولی از بین دوستانم، بودن کسایی که توی همین اینستاگرام کراش زدن روی یکی، بعد اون طرف رفته با یکی دیگه، حالا این دختره رفته توی فاز غم و دیگه همه چی برای من تمومه و اینا.

- آگه یادت هست، می‌تونم مثال بزنی؟ خوب مثلاً دوستم توی فضای مجازی با یکی آشنا شد و ازش خوشش اومد، یکی، دو ماه با پسره حرف زد، ولی یه بار رفت یهو استوریش رو دید که فهمید پسره با یکی دیگه وارد رابطه شده، بعد فاز غم برداشت.

- رابطه‌شون توی طول اون مدت دو ماه چه طوری بود؟ من چیز دقیقی یادم نیست، ولی خیلی با ذوق می‌اومد، راجع بهش حرف می‌زد و حتی سر کلاس با اون چت می‌کرد و دیگه فکر کردیم، واقعاً می‌خواد پیشنهاد بده که قرار بذارن، ولی خوب نشد.

- به نظرت اینستاگرام چه قدر تأثیر داشته توی اون حسی که به دوستت دست داد؟ تأثیرش کم نبوده، خوب بین گفتیم که کلیپای دپ با موسیقی دیس لاو و اینا زیاد گوش می‌دادن، زده بودن توی کار استوری فاز غم و این جور چرت و پرتا.





- دوست استوری چی می گذاشت؟
- یادم نیست دقیق، جمله‌های دپ که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید).
- اون عکس‌های خودزنی برای خودش بود؟
- آره، می‌اومد مدرسه، دستش رو باند می‌بست.
- خودزنی رو دوستت از کجا یاد گرفته بود؟
- خوب چیزیه که بود اون موقع، روی همین کلیپا هم می‌ذارن عکساش رو.
- شما وقتی که دوست تون این استوری‌ها رو می‌دید، بهش نمی‌گفتید این راهی که داره می‌ره اشتباهه و داره فقط به خودش آسیب می‌زنه؟
- گفتن که آره، می‌گفتیم، ولی خوب اون گوشش بدهکار نبود و تا چند ماه اوضاعش همین بود.
- ساره در فراز دیگری از مصاحبه‌اش از فراگیر شدن آهنگ‌هایی که به زعم وی افتضاح است، به قرار زیر یاد کرده است:
- «چندتا از آهنگ‌هایی که توی اینستاگرام بیش‌تر فراگیر شده و روی کلیپ‌ها بیش‌تر می‌بینی رو به من معرفی می‌کنی؟

بین مثلاً آهنگ venom از امینم هست که یه مدته خیلی با اون کلیپ می‌سازن، بیش‌تر به خاطر ریتمشه البته، چون کلاً یه حالت خفن داره روی کلیپایی که می‌خوان یه چیزی رو خفن نشون بدن، خیلی استفاده می‌کنن، معنی‌ش هم یه چیز توی مایه‌های اینه که من خیلی خفنم، با همه سختیا مبارزه می‌کنم و همچین چیزیه.



- معمولاً چه آهنگ‌هایی زیاد فراگیر می‌شه؟

همین آهنگایی که بیش‌تر ریتم خفن داشته باشه یا آهنگ‌هایی که معنی این که من سخت تلاش می‌کنم یا من بهترینم، همچین چیزی تقریباً داشته باشه، البته یه دسته از آهنگایی هست که وایرال می‌شه، ولی معنی‌ش واقعاً افتضاحه و البته خیلیا اصلاً معنی شون رو نمی‌دونن.

- پس چرا همه گیر می‌شن؟

به خاطر همون ریتمش، کلاً یه سری آهنگا هست که به خاطر ریتم‌شون یا یه تیکه خاص آهنگ وایرال می‌شن و ادیت می‌کنن و می‌ذارن روی کلیپ‌ها، ولی مثلاً معنی اون بخش چیه، این که مثلاً خوشم میاد زنا خودشون رو جلوم تکون بدن و لباسای کوتاه بپوشن یا همچین چیزیه». با توجه به آن چه از آن یاد شد، می‌توان نتیجه گرفت، فرهنگ انتقالی از سوی موسیقی، فرهنگ مهمی است که توجه به آن امری لازم و ضروری است.

استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی

نظام اجتماعی ایران تحت تأثیر حاکمیت سیاسی، از رنگی ایدئولوژیک برخوردار شده است و نظامی نسبتاً متفاوت از دیگر کشورهای جهان است.

اصولاً نظام‌های ایدئولوژیک (از نظام‌های دینی گرفته تا مارکسیستی)، انتظاراتی ایدئولوژیک را از آحاد افراد جامعه طلب می‌کنند و فاصله «هست» و «باید» در این جوامع، بسیار بیش‌تر از فاصله «هست»

و «باید» در جوامع مشابه غیر ایدئولوژیک هست. به این معنا که در جوامع معمول، انتظاراتی محدود از وی را مطرح کرده و مثلاً تنها از فرد انتظار دارند، مسوولیت اجتماعی خویش را به شکل مناسب انجام دهد و دیگر در سایر امور زندگی افراد دخالتی ندارند. اما در جوامع ایدئولوژیک، این جوامع ضمن پذیرش «هست» انسان‌ها، انتظاراتی متعالی از فرد را طلب کرده، از وی ایثار، جهاد و حتی شهادت را انتظار دارند. بالطبع اگر «هست» افراد در جوامع ایدئولوژیک تحقق نیابد، فاصله زیاد «هست» و «باید» در این جوامع به درهم شکسته شدن افراد انجامیده و یا آنان وادار می‌گردند تا با دورزدن برخی از انتظارات اجتماعی مطرح شده درباره خودشان، با حفظ ظواهر (نظیر ظاهر دینی)، اهدافی متفاوت (نظیر رشوه گرفتن) را پیشه خویش کنند.

نظام حاکم در جوامع ایدئولوژیک، با تصویب برخی از مقررات، سعی در کنترل افراد دارند تا به نهجی که آنان به تفسیر زندگی فردی و اجتماعی شهروندان اقدام می‌کنند، شهروندان رفتار کنند و در غیر این صورت با تهدید و تنبیه آنان، نظم مورد نظر خویش را در جامعه اعمال کنند. در شرایط اخیر، فضای مجازی به دلیل ظرفیت‌های متفاوتی که از آن‌ها برخوردار است، می‌تواند فضای متفاوتی را برای کاربران خویش رقم زده و پدید آورد.

آلای ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد که وی با دوست هم جنس‌گرایش، در یک سایت مخصوص افراد زنان هم‌جنس باز (لزبین) آشنا شده‌اند و دوستی خویش را ادامه داده‌اند:

«- اوقات فراغت و استراحتت رو بیش‌تر چه کار می‌کنی؟

آگه از کارای پیج بگذریم، بیش‌تر موبایل دستمه و با دوستم چت می‌کنم و بقیه‌اش هم یا با همون دوستم قرار می‌ذارم بریم بیرون یا اون میاد خونه‌ی ما یا من می‌رم خونه‌شون.

- با دوستت خیلی صمیمی هستی؟

آره، خیلی، دو ساله که باهاش دوستم و خیلی با هم جوریم و خیلی هم هم‌دیگه رو دوست داریم.

- از مدرسه با هم دوست شدین؟

نه بابا، اون ۴ سال از من بزرگ‌تره.

- والدینت مشکلی از این بابت ندارن که شما با اون در ارتباط هستی؟

(می‌خندد) نه، مشکلی ندارن، فکر کردید پسره؟

- بله.

نه بابا، دختره، دوست دخترمه، تازه آگه پسر هم بود، باز هم مشکلی نبود، مامان و بابای من فکرشون بازه، می‌گن هر کسی یه گرایشی داره و این که تو با دختر باشی یا پسر مسأله‌ای نیست، مهم اینه که

خوشحال باشی، خودشون دوست دارن که من با یه نفر دوست باشم و باهاش حرف بزنم، چون می دونن که من با اونا حرفی ندارم، برای همین خوشحالم هستن که یه نفر رو دوست دارم و باهاشم. - یعنی هیچ وقت پیش نیامده که از شما در مورد ارتباط با دوستت سوالی کنن و یا کنجکاو بشن؟ بعضی وقتا، بابام ازم پرسیده که دوستت اذیتت نمی کنه یا مثلاً با هم اوکی هستین؟ منم گفتم آره، مامانم هم می گه هر جور که فکر می کنی ذهنت آروم تره، همون کار رو انجام بده و به حرف هیچ کس گوش نکن، اگر که کاری خوشحالت می کنه. منم همیشه می خوام کاری بکنم که قلبم دوست داره و به کار هیچ کسی کاری ندارم، مهم نیست دیگران در مورد من چی فکر می کنن، چون بقیه عادت شونه توی زندگی دیگران دخالت کنن و فضولی کنن و نظر بدن، بدون این که ازشون کسی بخواد.

- خوب چه طوری با این دوست آشنا و دوست شدی؟
تو هر با هم دوست شدیم».



ترانه ۱۵ ساله نیز با استفاده از امکانات گسترده فضای مجازی، به راحتی با فالگیرها تماس پیدا کرده، نیازهای خرافی خویش را در ارتباط با آنان مرتفع می سازد:
«- تا به حال برایت پیش اومده که در اینستاگرام محتوایی مربوط به فال بینی و به فال گرفتن علاقه مند شده باشی؟
آره، بعضی وقتا.

- چی شد که به فال گرفتن علاقه مند شدی؟
مثلاً می خواستم بدونم چه اتفاقی می افته، اگه فلان کار رو کنم، بعد فال می گرفتم و همون کار رو می کردم یا نمی کردم.
- واقعاً باور داری که صحبت های فال گیر درست هست؟
صد در صد که نه، درست نیست، ولی مثلاً بعضی وقتا آره.

- می‌شه مثال بزنی لطفاً؟

مثلاً می‌خواستم بینم که فلان امتحانم رو می‌افتم یا نه یا مثلاً می‌تونم فلان کار رو در آینده بکنم، بعد مثلاً می‌دیدم طرف داره راجع به زندگیم یه چیز درست می‌گه، می‌گفتم خب لابد طرف یه چیزی می‌دونه دیگه، بعد مثلاً می‌گفتم چه اتفاقی می‌افته، بعد مثلاً می‌گفت این می‌افته یا مثلاً اون ۱۸ سالگی‌ات می‌افته، اون اتفاق در این سن می‌افته و اینا.

- در مورد امتحان که الان اشاره کردی، نمره‌ات رو گفته بود؟

نمره رو دقیق نمی‌گه، می‌گفت مثلاً تو قبول می‌شی، بعد قبول هم می‌شدم.

- وقتی فال می‌گیری احساس آرامش به شما دست می‌ده؟

آره، دقیقاً آروم می‌شم.

- وقتی که می‌خواهی از طریق اینستاگرام فال بگیری، دقیقاً چه کارهایی انجام می‌دی؟

می‌ری داخل پیج، بعد مثلاً می‌ری به طرف دایرکت (پیام در اینستاگرام) می‌دی یا مثلاً طرف شماره تلفن می‌ده، بعد مثلاً می‌گه قیمتش می‌شه این، بعد تو پولش رو می‌دی و بعد می‌ری به طرف زنگ می‌زنی و می‌گه و بعد همین دیگه.

- فقط از طریق یک صفحه فال می‌گیری یا از صفحات مختلف استفاده می‌کنی؟

پیش یکی.

- فالورهاش زیاد هست؟

آره، زیاده.

- تا به حال به دوستانت هم پیشنهاد دادی که فال بگیرن؟

اونا نه، زیاد نمی‌گیرن، مثلاً به یه نفر گفتم، گفته‌ای چقد باحاله و اینا و مثلاً پیجش رو برام بفرست.

- می‌دونی که فال هم گرفته یا نه؟

اون رو نمی‌دونم دیگه، شاید گرفته، شاید نگرفته.

- اون‌ی که فال می‌گیره و باهاش صحبت می‌کنی، خانم هست؟

آره.

- سنت رو هم می‌پرسه؟

آره، می‌پرسه.

- سن واقعی‌ات رو می‌گی؟

آره.

- وقتی متوجه می‌شه زیر ۱۸ سال هستی، چیزی نمی‌گه؟

نه، کلاً اهمیتی نمی‌ده.»

جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران

پیشرفت فناوری‌های ارتباطی جدید و در پی آن، رقم خوردن جهانی شدن، موجب تحولات گسترده-ای در سطح جهان بوده است.

در بررسی پیامدهای بارز جهانی شدن، مشخصه‌های زیر در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی قابل احصاء هستند:

جهانی شدن در رهیافت سیاسی خود به زیر سوال رفتن اقتدار حکومت‌های توتالیتر، از بین رفتن یا تضعیف حاکمیت‌های ملی، مشارکت جویی و رشد نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراسی غربی می‌انجامد.

جهانی شدن در رهیافت اقتصادی به معنای حذف مرزها، شکل‌گیری نظام اقتصاد جهانی، الگو قرار گرفتن کشورهای پیشرفته صنعتی، پیدایش شرکت‌های چند ملیتی و فراملیتی، سلطه یافتن اقتصادهای مسلط و پیروزی قطعی نظام سرمایه‌داری جهانی است.

جهانی شدن در هیافت فرهنگی، به معنای کنار هم قرار گرفتن فرهنگ‌های خاص، نفی مطلق گرایی فرهنگی، زیر سوال رفتن ازلی و ابدی بودن فرهنگ‌ها، کاهش تعصب‌های دینی، مدارا و رواداری، بروز نسبی‌گرایی و تکثرگرایی، اوج‌گیری عقلانیت ابزاری (یا عقلانیت مبتنی بر سود و زیان و قاعده‌مند کردن رفتارها، اندیشه‌ها و مناسبات)، فردگرایی و تضعیف منطقه‌گرایی (و از جهتی هم تقویت قوم‌گرایی) هست.

گل محمدی (۱۳۸۰) در توصیف تحولات فرهنگی که به تبع جهانی شدن رخ داده است، می‌نویسد: «فرهنگ نیز تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، در بحرانی جدی گرفتار آمده است.

در گذشته فرهنگ نه تنها مرزهای شفاف و پایداری را ایجاد می‌کرد، بلکه در عرضه کردن نظام‌های معنایی منسجم و آرامش بخش هم توانا بود. بنابراین انسان‌هایی که در دنیای شکل یافته با فرهنگی معین قرار می‌گرفتند، خود به خود و منفعلانه وارث هویت و نظام معنایی آماده و از پیش موجود می‌شدند و هر گونه زمینه بحران هویت از بین می‌رفت. از سوی دیگر مرزهای واحدهای کوچک اجتماعی، غالباً با مرزهای فرهنگی انطباق داشتند و یکدیگر را تقویت می‌کردند. بدین ترتیب نیروی بازدارنده و محدود کننده مکان، فرهنگ را نیز در دایره تنگ خود محصور می‌ساخت و با پیوند زدن آن به یک واحد اجتماعی معین، دنیایی کوچک و نسبتاً بسته را پدید می‌آورد که مرزهای آن تقریباً نفوذ ناپذیر بود. به علاوه، از آن جا که در گذشته فرهنگ‌های بدیل و رقیبی

وجود نداشت و دگرگونی‌های فرهنگی نیز بسیار ناچیز بود، نیاز هویتی انسان‌ها به مراجع ثابت و مطلق به خوبی تأمین می‌شد. اما در عصر جهانی شدن، دنیایی بدون مرز پدید می‌آید و اجزاء و عناصر فرهنگ‌های مختلف، به صورتی گریزناپذیر با هم برخورد کرده، در کنار هم قرار می‌گیرند. دنیای نسبتاً بسته ادیان خاص، بیش از پیش، به روی سایر ادیان باز می‌شود. آداب و سنن و الگوهای مختلف زندگی، به واسطه فناوری‌های پیشرفته ارتباطی و حمل و نقل، اقصاء نقاط جهان را در می‌نوردند. قومیت‌های متفاوت هم در نتیجه مهاجرت‌ها، مسافرت‌ها و ارتباطات با واسطه، در نواحی مختلف جهان پراکنده می‌شوند. بنابراین ثبات و خلوص فرهنگی کم و بیش از بین می‌رود و نوسان، سیالیت و اختلاط جایگزین آن می‌شود و بدین ترتیب مطلق‌گرایی فرهنگی به شدت متزلزل می‌گردد».

با توجه به آن چه از آن یاد شد، می‌توان بیان داشت، با سایه گستر شدن فضای مجازی، در عمل جهانی شدن تحقق پذیرفته است و جهانی شدن نیز به سهم خود موجب تحول قابل توجه جهانی اندیشیدن بوده است. به تعبیر دیگر، اگر چه تا چند دهه قبل افراد عمدتاً در جامعه خودشان و ارزش‌های حاکم بر آن حشرونشر داشتند و عمدتاً از منابع اطلاعاتی جامعه خودشان کاربری داشتند، اما با تحقق جهانی شدن، اگر شهروندانی بوده اند که تجربه سفر خارجی را هم نداشتند، در جریان کاربری از منابع موجود در فضای مجازی در عمل با ارزش‌ها و سبک‌های متفاوتی در زندگی فردی و اجتماعی شهروندان دیگر نقاط جهان آشنا می‌شوند که تفاوت ارزش‌های موجود، فرد را به تأمل و تفکر انداخته و ممکن است افراد با دیدن ارزش‌های متفاوتی که با آن‌ها روبرو می‌شوند، متمایل به آن ارزش‌ها شده، استقبال از آن‌ها را در دستور کار خویش قرار دهند.

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه خودش خاطر نشان می‌سازد، فضای مجازی امکان دوست‌یابی وی از دیگر نقاط جهان را فراهم آورده است و همین مسأله عاملی در گسترش مرزهای تفکر وی گردیده است:

«- تا به حال از طریق اینستاگرام تلاش کردی با افراد خارجی ارتباط بگیری؟

یکی، دو بار با چن نفر توی کامنت‌ها بحث کردم، بعدش یه کم توی دایرکت هم صحبت کردیم، اما این که بخوام مثلاً برم یه دوست خارجی حتماً پیدا کنم و اینا نه، تا حالا نشده.

- این بحث‌ها سر چی بوده و چه جوریه؟

توی یکی از این فن پیج‌های پینک فلوید بود، اون‌جا کامنت گذاشتم، درباره‌ی یه آهنگ نظر دادم، بعد روم ریپلای کردن و با هم درباره‌اش بحث کردیم.

- دوستان خودت چه طور، اون‌ها تلاش کردن با خارجی‌ها ارتباط بگیرن؟

آره، یکی از دوستانم مثلاً چندتا رفیق خارجی از همین اینستا پیدا کرده که با هم چت می کنن و پست و استوری های هم رو می بینن، به نظرم چیز جالبیه این مسأله، چون باعث می شه با آدمای مختلفی توی جاهای متفاوت جهان آشنا بشی، مثلاً این دوستم تعریف می کرد که حتی یه رفیق مصری داره و گاهی توی دایرکت به انگلیسی چت می کنن با هم، منم دوست دارم حالا یه بار از این کارا کنم، یعنی دوست دارم حداقل تجربه اش کرده باشم».

ترانه ۱۵ ساله در مصاحبه اش بیان می دارد، وی با ملاحظه کلیپ ها و فیلم هایی از دانش آموزان دیگر نقاط جهان، با ملاحظه امکانات آنان از سویی و آزادی عمل آنها از سوی دیگر، جذب سبک زندگی آنان شده است:

- چرا گفتی که اگر در یک کشور دیگه بودی، جوونی ات به یک شکل دیگه سپری می شد؟ چون مثلاً این جا واقعاً هیچ تفریحی نیست، ولی مثلاً توی اینستا دیدم که می رن مثلاً کاریو کی آهنگ می خونن، مثلاً شهربازی شون رو دیدم خیلی قشنگه و نوئه و سایل شون، یه همچین چیزایی دیگه.



- تا به حال شده در اینستاگرام پستی رو ببینی و این احساس به شما دست داده باشه که چرا ایران به دنیا اومدی؟
آره.

۱ - کارائوکه یا کاراوکه، ابزاری سرگرم کننده برای دوست داران آوازخوانی است. این ابزار از طریق یک صفحه نمایش و یک میکروفون، این امکان را برای افراد مبتدی فراهم می کند تا در حین پخش موسیقی بی کلام آوازهای مشهور، متن اشعار آنها را بر صفحه نمایش ببینند و از طریق میکروفن به ضبط صدای خود پردازند. در ایران چندین آلبوم به صورت کارائوکه توسط شرکت آیوا ضبط و تکثیر شده است، از جمله: آلبوم تنها ماندم از محمد اصفهانی، کنسرتی از گروه آریان، این دستگاه برای اولین بار در ایالات متحده آمریکا اختراع شد و بعدها توسط ژاپنی ها تکمیل گردید (ویکی پدیا).

- می‌شه بیش تر توضیح بدی؟

مثلاً دیدن مدرسه‌هاشون، فضاشون یا مثلاً کارایی که می‌کنن، این حس رو بهم داده که ای کاش من اون‌جا بودم یا اون‌جا بودم الان مثلاً جوونیم این شکلی می‌شد، اون شکلی می‌شد.

- منظورت از مواردی که گفتی رو می‌شه واضح تر بیان کنی، عزیزم؟

مثلاً وقتی می‌رن مدرسه، هر لباسی که خودشون دوست دارن می‌پوشن، رفتار معلماشون خیلی خوبه، بعد یه ویدیو دیدم که دختره داشت راحت با معلمش حرف می‌زد که دوست نداره ماسک بزنه، حالا اگه این‌جا باشه، معلم یه چارتا حرف بهش می‌زنه و از کلاس می‌اندازش بیرون، بعد مثلاً عربی ندارن (می‌خندد).

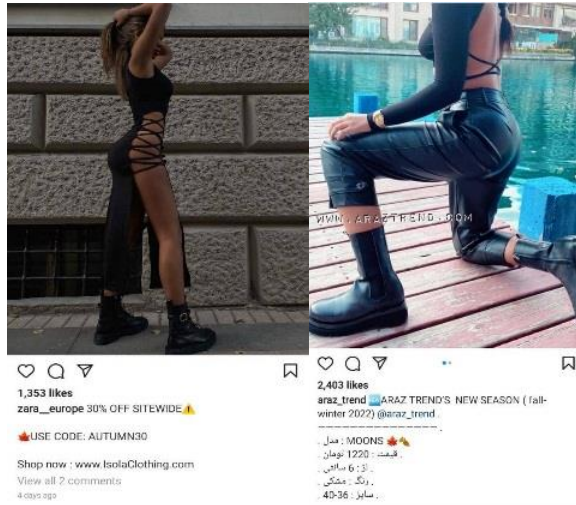
رؤیای ۱۶ ساله، با ملاحظه برخی از سایت‌های فروش لباس در ترکیه، با مشاهده البسه‌هایی که این سایت‌ها عرضه می‌دارند، علاقه‌مند به مدهای نیمه برهنه و آزادی عمل شهروندان ترکیه شده است:

«- توی صحبت‌ها ت به سبک اشاره کردی، لطفاً بیش تر توضیح بده؟»

خب الان صنعت مد پیشرفت کرده و بیش تر مردم از طریق اینستا و تیک‌تاک اینا با اون آشنا شدن و انواع سبک لباس پوشیدن به وجود اومده، مثلاً گرانچ، مینیمال... .



- شما کدوم سبک رو می‌پسندی؟
- من عاشق سبک مینیمالم، رنگ‌های نود (مات و کم‌رنگ) و لباس‌های ساده و تقریباً گشاد که احساس راحتی و مدرنی رو کاملاً درک می‌کنی.
- می‌شه بعضی از لباس‌هایی که مدنظرت هست رو با قیمت شون نشونم بدی؟



- این پیج‌ها سفارشت رو مستقیم از ترکیه می‌فرستن، تمام کاراشون اصله.
- چرا قیمت نداره؟
- چون قیمت‌ها به دلار و نوسان داره و همون لحظه باید بپرسی.
- مثلاً هفته پیش که قیمت کردم، با هزینه ارسالش می‌شد ۱ میلیون و ۴۲۰ تومن.
- حتماً باید مارک باشه؟
- معلومه که آره، پس از تولیدی ایرانی یا چین بخرم که همه می‌پوشن؟ اون طوری که دیگه خاص نیست.
- می‌خواهی این لباس‌ها رو کجا بپوشی؟
- هر جا که حال کنم، خب اونایی که خیلی بازه رو نمی‌شه توی خیابون پوشید، اما بقیه‌شون رو اکثراً واسه بیرون می‌پوشم.
- پس یعنی لباس‌هایی که برای بیرون می‌پوشی پوشیده هستن؟

نسبت به بقیه لباسام آره، اما نه این که فکر کنی خودم رو با چادر بقچه می‌کنم، مثلاً شلوارهایی که بیرون می‌پوشم، قدش تا پایین زانومه یا مثلاً تاپی که زیر مانتوم می‌پوشم بالای نافی هست.

- از این وضعیت راضی هستی؟

نه، اتفاقاً همیشه حسرت این خارجیا رو می‌خورم که چه قدر راحت لباس می‌پوشن و می‌گردن، بدون این که کسی بهشون گیر بده یا اذیت‌شون کنه».

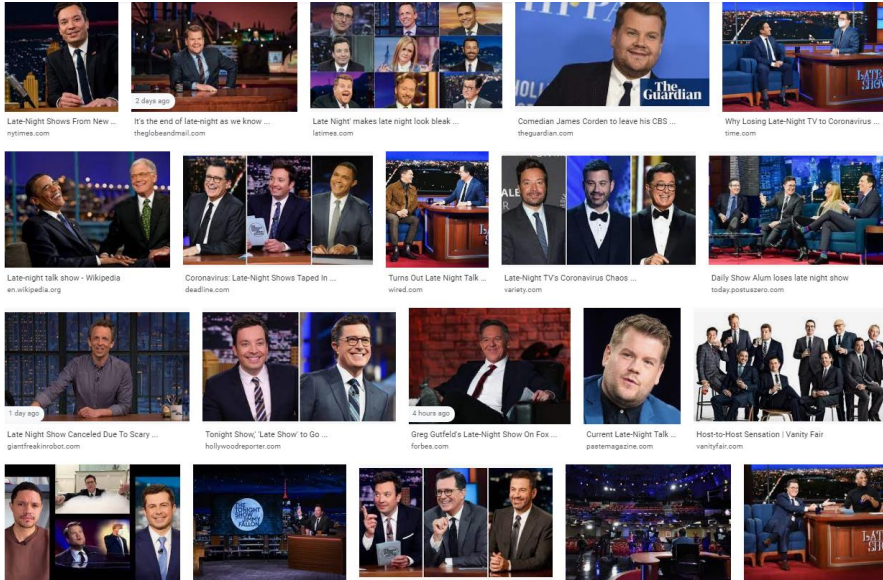
سرانجام صبای ۲۲ ساله در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد، وی با ملاحظه برنامه تالک شو (که گاهی حتی چهره‌هایی مانند رئیس جمهور امریکا در آن حضور می‌یابند) و یا با مشاهده سریال سکس اجو کیشن، سوژه‌ها و موضوع‌های جدیدی برای وی مطرح شده‌اند و وی با جذاب دیدن موضوع‌های اخیر، متمایل به آن‌ها شده، به دلیل فقدان موارد مشابه در جامعه خودش، دچار تحسر شده است:

«می‌شه بگی دقیقاً چه چیزهایی رو توی اینستاگرام دیدی که باعث شدن این نگاه توی شما ایجاد بشه؟

می‌گم، مثلاً اونایی که خارج زندگی می‌کنن، یعنی ایرانیای خارج نشین، خیلی تفاوت اساسی داشتن، چون اون‌ها هم عین ما هستن، این‌جا به دنیا اومدن، ولی دیگه دچار جبر جغرافیایی نیستن، یک جای دیگه‌اند، می‌تونن هر کاری که دلشون می‌خواد بکنن یا مثلاً من بعضی وقتا برنامه‌های تالک شو آمریکایی رو می‌بینم و توی این برنامه‌ها مثلاً می‌بینم که این بازیگر چه قدر زندگی‌اش راحت‌تر نسبت به ما، ما چه قدر همه چی رو سخت می‌گیریم.

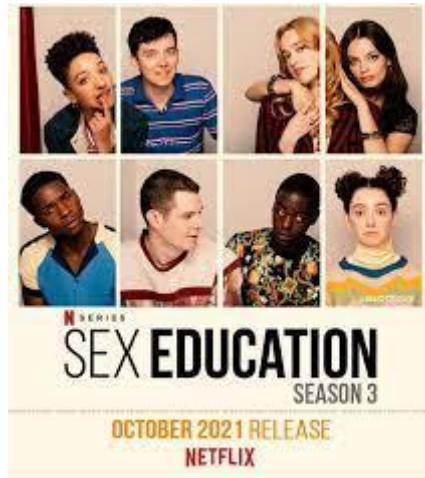
- می‌شه درباره‌ی این برنامه‌هایی که می‌گی یک کم بیش‌تر توضیح بدی یا مثال بزنی؟

برنامه‌های late night show یا همون برنامه‌های شبانه‌شون، مثلاً یک برنامه‌هاییه که از ۱۱، ۱۲ به بعد توی آمریکا یا مثلاً انگلستان پخش می‌شه، مجری‌های مختلفی داره، مثلاً جیمی کیمل فکر کنم یا حالا بقیه، اینا کلاً برنامه‌های طنز دیگه، یعنی یه حالتیه که بازیگرا یا افراد معروف و مشهور رو دعوت می‌کنن، با یک مجری حرف می‌زنن و در مورد همین حواشی بین بازیگرا صحبت می‌کنن، گاهی بازی می‌کنن، چیزای این مدلی کلاً.



- پس دیدن این‌ها باعث شد، فکر کنی چه قدر اون‌ها راحت هستن و ما نیستیم؟
 آره، یعنی زندگی شون بیش‌تر به چشمم میاد، کمبودهامون توی این جا رو انگار بیش‌تر می‌بینم.
 - به نظرت با دیدن چیزهایی مثل فیلم و سریال‌های خارجی، برنامه‌های تلویزیونی شون و ایرانی‌هایی که خارج از کشور هستند، باعث شد که چنین نگاه و نظری پیدا کنی؟
 آره، من اخیراً یک سریال دیدم، اسمش بود sex education که این سریال واقعاً این رو به چشمم آورد که چه قدر ما سخت می‌گیریم توی رابطه‌ی دختر و پسر، مثلاً توی مدرسه، دبیرستان، همه جا، یعنی تا مدت‌ها که دخترا و پسرا رو از هم جدا کردیم، ولی این خارجیا توی این سریالاشون که من کلیپاش رو توی اینستا هم دیدم، نمی‌دونم حتی خیلی آزادانه درباره‌ی رابطه‌ی جنسی دوتا جنس هم، با هم حرف می‌زنن.





- می‌شه درباره‌ی این سریال یک کم بیش‌تر بگی، مثلاً دقیقاً موضوعش چی بود و چه چیزهایی داشت که باعث شد حسرت بخوری؟

بین نه این که حسرت بخورم، ولی واقعاً کمبود یک‌سری چیزا رو به چشم آدم میاره این فیلم، من اولین بار آشناییم با این سریال از این‌جا بود که توی اکسپلورم، یک بخشی از مصاحبه‌ی دو، سه تا از بازیگرای سریال رو دیدم و بعد چون به نظرم خیلی بامزه بودن بازیگراش، رفتم، سرچ کردم و کلاً سریالش رو شروع کردم به دیدن. الان یعنی داستانش رو تعریف کنم؟

- یک کلیتی مثلاً درباره‌ی این که چیه و چه چیزهایی توش گفته می‌شه و چه داستان کلی رو دنبال می‌کنه؟ اگر بشه توضیح بدی ممنونت می‌شم.

بین کلاً شروعش با یک صحنه‌ی خیلی تابو شروع می‌شه، دو نفر دارن با هم دیگه سکس می‌کنن و خیلی جریزه داشتن به نظرم که این شکلی سریال رو شروع کردن، بعد در ادامه هم درباره همین دیگه، یعنی انگار می‌خوان یک ذهنیت درست‌تری از رابطه‌ی جنسی بدن به نوجونا، توی این طیف سنی.



موارد پیش گفته بیانگر آن هستند که جهانی شدن در عمل گستره وسیع تری از ارزش‌ها و هنجارها را فراروی کاربران فضای مجازی پدید می‌آورد و کاربران در مواجهه با این ارزش‌ها و هنجارها (که ممکن است به لحاظ ارزشی مثبت یا منفی باشند)، جذب برخی از موارد اخیر شده، در مجموع به سمت و سوی نوعی از آمیختگی ارزش‌های فرهنگی جامعه خودشان با ارزش‌های فرهنگی موجود در فضای مجازی سوق یابند.

آزادی عمل در انتخاب افراد و منابع فرهنگی مورد استفاده

فضای مجازی از ویژگی‌های متعددی برخوردار است. یکی از این ویژگی‌های مهم زیر پوشش بردن انبوهی از انسان‌ها، به عنوان کاربر فضای مجازی است.

ویژگی دیگر فضای مجازی تبدیل شدن به منبعی از داده‌ها و مآخذ مختلفی است که بشر بدان‌ها دست یافته است.

منتظر قائم (۱۳۸۰)، ضمن تأکید جبری بودن فرایند جهانی شدن، سایه گستر شدن تکثرگرایی در جامعه و تحولات بنیادی رابطه حکومت و شهروندان، از قدرت پیدا کردن مخاطبان در برابر رسانه‌ها سخن گفته، یادآور می‌گردد: رفته رفته بسیاری از مخاطبان توان آن را می‌یابند که شخصاً تصمیم بگیرند چه محتوایی را مصرف کنند.

به شکل مشابهی آلبرو خاطر نشان می‌سازد که فرایند جهانی شدن با گسترش و افزایش دادن روابط اجتماعی، «خود هویت‌سازی» را رایج ساخته است (گل محمدی، ۱۳۸۰).

اگر به ویژگی‌های پیش گفته توجه شود، ملاحظه می‌گردد که فضای مجازی آزادی عمل انتخاب گروه‌ها و یا جمعیت‌های مختلف انسانی و همین‌طور منابع اطلاعاتی گوناگونی که در سطح فضای مجازی بارگذاری شده‌اند را برای همه کاربران فراهم آورده است.

زینب ۲۰ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از آزادی عمل خود در تغییر گروه‌هایی که به عضویت آن‌ها درآمده یا از آن‌ها خارج شده است، یاد می‌کند و علی ۱۹ ساله با اشاره به منابع متعددی که در فضای مجازی بارگذاری شده‌اند، از آزادی عمل خویش در استفاده از منابع دلخواهش در مجموعه منابع اخیر یاد می‌کند:

- توی حرف‌ها یک جا گفتم کسانی که فالو می‌کنی، ناخواسته روی اخلاقیات تأثیر می‌گذارند و شبیه‌شون می‌شی، این موضوع چه تأثیری روی کاربریت از اینستاگرام گذاشته؟

باعث شده توی فالو کردن افراد بیش تر دقت کنم، مثلاً آدمای کتاب خون رو بیش تر فالو می‌کنم که باعث بشن برم سمت کتاب خوندن...

- چی شد که کاربردیت از اینستاگرام تغییر کرد؟

جوّ دوستانم عوض شد، من کلاً آدم تأثیرپذیری‌ام، وقتی دیدم اون فضا من رو افسرده می‌کرد و باعث می‌شد توی خودم باشم و همه‌اش با بابام دعوا کنم، به تدریج جوّ دوستانم رو عوض کردم و کم‌کم از این فضا دراومدم.

- آیا پیج‌های شعر رو هم فالو می‌کنی؟

آره، یه پیج فالو دارم به اسم شاعرانه و یه پیج دیگه هم هست به اسم شعر نو که پست‌های شاعرانه و مختلف می‌ذارن.



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های عاشقانه و شاعرانه زیبا (2)
parsnaz.com



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های عاشقانه و شاعرانه زیبا
parsnaz.com



شاعرانه - شعر عاشقانه فارسی - برنامه...
play.google.com



عکس نوشته های شاعرانه جدید - سری 2
vista.ir



30 گیتن شاعرانه زیبا و عاشقانه برای بیست و امتری اینستاگرام
coca.ir



شاعرانه @shaeraneehh
pinterest.com



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



شاعرانه - شعر عاشقانه فارسی - برنامه...
play.google.com



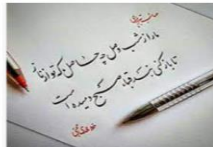
عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



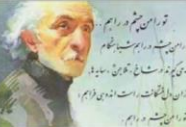
بهارین شعر های نو فارسی | زبان‌های شاعران نو و سپیده
parsnaz.com



بهارین شعر نو دهگان، مجموعه شعر هفتک و شاعرانه زیبا | شعر
setare.com



بهارین شعر نو عاشقانه بلند و کوتاه (شعر عاشقانه نو)
persian-star.org



شعر نو فارسی | انواع قالب شعری نو
hef.ir



شعر نو عاشقانه + متن و شعر احساسی
nozanah.net



شعر نو عاشقانه + مجموعه شعر نو و اثر
pinterest.com



شعر نو | شعر سپید زیبا | شعر نو با اثر
aparat.com



شعر نو
aftabir.com



شعر نو احساسی + مجموعه شعر کوتاه نو و سپیده احساسی و عاشقانه
topnaz.com



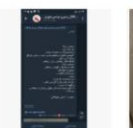
عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org



عکس نوشته های شاعرانه و عاشقانه زیبا
talab.org

کلاً من از دوران دبیرستان شعر دوست داشتم و دنبال می‌کردم، خب برای همین از همون موقع هم شروع کردم به چنین پیج‌هایی فالو کردن. البته خیلی اوقات شعرهای تکراری می‌ذارن، ولی در کل خوشم میاد.

- پیج‌های کتاب هم فالو می‌کنی و اگر فالو می‌کنی چه جور کتاب‌هایی معرفی می‌کنی؟
فالو خیلی نمی‌کنم، اما توی اکسپلور برام زیاد میاره و خب کتاب‌های خیلی متنوعی معرفی می‌کنن، عمدتاً رمان، البته یه سری پیج‌ها هم هست که توی حیطه‌های خاصی کتاب معرفی می‌کنن، مثلاً یه پیج هست که گاهی می‌بینمش توی اکسپلور کتاب‌های فلسفی معرفی می‌کنه، مثلاً آخرین کتابی که خوندم رمان ناتور دشت بود که توی یکی از همین پیج‌ها معرفیش کرده بودن، خوندمش و خیلی هم دوستش داشتم، چون به نظرم شخصیت اصلیش یعنی هولدن، خیلی جذاب بود و نوجوونی بود که حرفاش خیلی صادقانه و بی‌ریا بود و جامعه رو این شکلی نقد می‌کرد خیلی».



معرفی و دالورد کتاب ناتور دشت | ...
ketabrah.ir



دالورد کتاب ناتور دشت | نوشته ...
fidibo.com



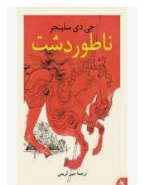
معرفی و دالورد کتاب ناتور دشت | ...
ketabrah.ir



دالورد و خرید کتاب ناتور دشت | ...
taaghche.com



کتاب ناتور دشت اثر می‌دی سلیمان | ...
iraniktab.ir



اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران

یکی از اثرات قابل انتظار کاربری از شبکه‌های اجتماعی (خاصه شبکه اجتماعی تصویر محور اینستا)، تأثیرگذاری روی مصرف و ذائقه غذایی کاربران آن است.

مدیر و ملکیان (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی رابطه شبکه اجتماعی اینستاگرام با سبک مصرف مواد غذایی» می‌نویسند:

«اینترنت نوع جدیدی از ارتباطات اجتماعی را به وجود آورده است که می‌تواند جهان جدیدی به موازات جهان واقعی به وجود آورد. این رسانه‌ها مخاطبان وسیع و متکثری دارند که می‌توانند به

معنای واقعی مفهوم تازه‌ای از زمان و مکان را در اختیار ایشان قرار دهند. به مدد این شبکه‌ها فواصل زمانی و مکانی عملاً از میان برداشته می‌شوند و انتقال اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها با سرعتی باور نکردنی و در سطحی وسیع صورت می‌گیرد. به کمک این شبکه‌های مجازی ضمن این که مفهوم جدیدی در مقابل شبکه‌های اجتماعی حقیقی شکل می‌گیرد، امکان ارتباط هم‌زمان میان افراد در نقاط مختلف دنیا به شکلی نو تر به وجود می‌آید.

شبکه‌های اجتماعی و به ویژه اینستاگرام بدون محدودیت زمانی و مکانی محیطی را مهیا کرده‌اند که کاربران فارغ از هر گونه نگاه سنتی و مدرن، از طریق ایمیل یا اتاق‌های گفت‌وگوی مجازی، به تعامل مجازی با یکدیگر پرداخته و دیدگاه‌ها و تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند.

در خصوص مصرف مواد غذایی در عصر حاضر می‌توان گفت که عوامل مختلفی از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی در تعیین رفتارهای تغذیه‌ای تأثیر گذاری هستند.

پاپکین و ون از جمله محققانی هستند که در خصوص تغییرات الگوهای غذایی در کشورها به تحقیق پرداخته و اعلام کرده‌اند که جهان در حال حرکت به سمت تغییرات رژیم غذایی است و رشد درآمد، شهرنشینی، تغییرات تکنولوژیکی در حوزه کار و اوقات فراغت و رشد رسانه‌های جمعی از جمله عوامل تأثیر گذار در این تغییرات و گذار غذایی هستند.

گربنر معتقد است، رسانه‌ها یک تصویر کاذب معین از حقیقت ارائه می‌دهند، تا آنجا که کاربر رسانه، از تفسیر محتوای رسانه دست برمی‌دارد و پیش از آن که حقیقت عینی پیرامون خود را ببیند، تمایل می‌یابد، حقیقت بودن تصاویر رسانه‌ها را باور کند.

نظریه کاشت جرج گربنر نیز بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند و نیز بر چگونگی تأثیر گذاری رسانه‌ها بر مخاطبان تأکید دارد. گربنر معتقد است، اثرات کاشتی رسانه‌ها در جامعه جدید، به خوبی مشهود است. از نظر وی رسانه‌ها به ارائه دیدگاه‌های کم و بیش یک‌سان از واقعیت اجتماعی تمایل دارند و مخاطبان آن‌ها نیز بر اساس چنین ساز و کاری، فرهنگ-پذیر می‌شوند. گربنر استدلال می‌کند که اهمیت رسانه‌ها نه در تشکیل توده، بلکه در خلق راه‌های مشترک انتخاب و نگرستن به رویدادها است که با استفاده از نظام‌های پیام مبتنی بر فناوری عملی می‌شود و به راه‌های مشترک نگرستن و فهم جهان می‌انجامد.

نظریه برجسته‌سازی نیز مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش خبری است. به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن بعضی از موضوع‌ها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات

مخاطبان تأثیر می‌گذارند، گرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» بیندیشند، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره‌ی چه» بیندیشند.

رابرت مرتون و پل لازارسفلد، در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط جمعی، سلیقه‌های عامه و کنش اجتماعی سازمان یافته» مطرح می‌کنند که به نظر می‌رسد، قدرت اقتصادی بهره‌کشی مستقیم را کاهش داده است و این نتیجه عموماً با انتشار تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی به دست آمده و تبلیغات، جای تهدید و اجبار را گرفته است و رسانه‌های جمعی کار سازگاری توده‌ها را با وضعیت اجتماعی و اقتصادی موجود برعهده گرفته‌اند.

بر اساس نظریه لازارسفلد و مرتن، وسایل ارتباط جمعی دارای تأثیر قطعی خواهند بود که کمک‌های جانبی دریافت دارند و از جمله این کمک‌ها به نظر نویسندگان مذکور، باید از تماس‌های مستقیم و شخصی یاد کرد تا از این طریق هدف نهایی ارتباط که تأثیر بر مخاطب است، محقق شود.

تبلیغ تجاری معمولاً می‌کوشد، الگوهای موجود رفتار یا نگرش را جهت‌دهی کند. تبلیغ اغلب می‌کوشد، مصرف‌کننده را به طرف استفاده از محصولاتی سوق دهد که قبلاً به استفاده از آن عادت کرده است. تبلیغات علاوه بر این که به ما می‌گوید، چه کالاهایی را مصرف کنیم، معانی دیگری نیز دارد و گرایش به رفتارهایی خاص را اغلب به شیوه‌ای غیرمستقیم موجب می‌شوند. ویلیامسون نیز معتقد است که تبلیغات، نیازها و الگوهای مصرفی جدید را خلق می‌کنند، اما به افراد درباره ویژگی‌های خاص یک محصول آگاهی نمی‌دهند. وی موقعیت اخیر را به این ترتیب تشریح می‌کند که ارزش مصرفی کالاهای مادی، نیازهای اولیه ما را پوشش می‌دهند. جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، می‌تواند به وسیله تبلیغات تجاری تغییر کند و زمانی جامعه به وسیله تبلیغات تغییر می‌کند که الگوهای مصرفی کنونی را تغییر دهد یا انواع جدیدی را خلق کند.

نظریه استفاده و رضایت‌مندی مهم‌ترین نقش رسانه‌ها را برآورده ساختن نیازها و انگیزه‌های مخاطب می‌داند. بنابراین، به هر میزان که رسانه‌ها این نیازها و انگیزه‌ها را برآورده سازند، به همان میزان موجبات رضایت‌مندی مخاطب را فراهم می‌کنند. فرض اصلی نظریه استفاده و خشنودی این است که افراد مخاطب، کم و بیش به صورت فعال، به دنبال محتوایی هستند که بیش‌ترین رضایت را فراهم می‌سازد. میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد. با در نظر گرفتن این نظریه می‌توان گفت، شبکه اجتماعی اینستاگرام نیز با توجه به امکان جست‌وجو و ملحق شدن کاربران به صفحاتی

که در خصوص رستوران‌ها، فست‌فودها و سبک‌های خاص غذا خوردن، یکی از رسانه‌هایی است که مورد توجه کاربران فضای مجازی واقع شده است.

نظریه یادگیری اجتماعی که توسط آلبرت بندورا ارایه شد، احتمالاً تأثیرگذارترین نظریه یادگیری و تحول بوده است. با وجودی که این نظریه ریشه در بسیاری از مفاهیم نظریه سنتی یادگیری دارد، اما بندورا اعتقاد دارد که آموزش مستقیم، تنها وسیله برای یادگیری نیست. نظریه او، یک عنصر اجتماعی را نیز در نظر می‌گیرد و می‌گوید که مردم می‌توانند اطلاعات و رفتارهای جدید را از طریق مشاهده مردمان دیگر، یاد بگیرند.

نظریه وابستگی مخاطبان که توسط بال روکیچ و دی فلور در سال ۱۹۶۷ وضع شده نیز بر سه عنصر رسانه، جامعه و مخاطبان تکیه دارد. مخاطب عصر حاضر به خاطر وجود دو نیاز به رسانه وابسته می‌شود: نیاز به داشتن اطلاعات و نیاز به ندانستن و گریز از واقعیات.

خصوصیات این نظریه شامل ویژگی‌های زیر است: تداوم نیازها، زیرا با رفع یک نیاز، نیازهای دیگری مطرح می‌شود که باید توسط رسانه‌ها رفع شود. هر چه نیازها بیش تر شود، وابستگی بیش تر می‌شود. هر چه وابستگی بیش تر شود، تأثیر رسانه‌ها بر رفتار و نگرش مخاطب بیش تر می‌شود. همچنین در این نظریه پیام بر دانش، نگرش و رفتار افراد مؤثر است. در جامعه توسعه یافته جدید، بسیاری از اعمال زندگی مستلزم اطلاعات تازه و قابل اعتماد است و مخاطبان وابستگی زیادی به اطلاعات رسانه‌های جمعی دارند».



با بررسی مصاحبه‌های انجام شده درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام مشخص می‌شود که برخی از کاربران تحت تأثیر تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم شبکه تصویرمدار اینستاگرام قرار گرفته،

به مصرف محصولات جدید روی آورده و یا ذایقه غذایی آنان تغییر یافته است. زهرای ۲۰ ساله در همین ارتباط در مصاحبه خود بیان می‌داشت:

«استفاده از اینستا یک سری از اثرات منفی هم روی من داشته، مثلاً بین اینستا به حالتی داره که زندگی همه توش پر زرق و برق نشون داده می‌شه، مردم اون‌جا خیلی پرفکت و عالی هستن، زندگی‌شون رو خیلی قشنگ و خفن نشون می‌دن، همه آدمای خوشگل و آرایش کرده و شیک‌هستند، غذاهاش خیلی خوش آب و رنگ و خوش طعم به نظر می‌رسند، به زمانی بود من از مدرسه می‌اومدم خونه، ویدیوهای غذاهایی که پست شده بود رو نگاه می‌کردم و از یه زمانی به بعد متوجه شدم که من دیگه غذاهای خودم‌مون رو دوست ندارم، مثلاً قورمه سبزی حالم رو به هم می‌زد، همه غذاها به نظرم کوفت بود و فقط دلم از اون غذاهایی می‌خواست که دیده بودم، وقتی دیدم داره این قدر روم اثر می‌ذاره، دیگه ندیدم و دیگه درست شد. بقیه چیزها هم همین طور، مثلاً اگه خیلی برم مدل‌ها رو دنبال کنم، سلبریتی‌ها را دنبال کنم، درباره‌ی چهره خودم ممکنه چنین احساسی داشته باشم... من وقتی که اثرات این چنینی اینستا رو توی خودم دیدم، همون موقع استفاده ازش رو کم کردم».



تحول آفرینی‌های نامناسب در زبان

«... اگر هم مثلاً همچین دیالوگی بین من و کسی پیش بیاد که مثلاً وای تو چرا گوش می‌دی؟ و مثلاً تو نمی‌دونم مگه تینیجری^۱ و از این صحبتای جاجمتمالی^۲، من خیلی این جوریم که خوب به من چه که نظرتون چیه، من دوست دارم پس گوش می‌دم. اگه تو دوست نداری خوب گوش نده، به من

1- Teenager

2- Judgemental

چه، بعد من از این جور دیالوگ‌های تپیکالی^۱ که همه دارن، به جوری سعی کردم خودداری کنم و مثلاً پیشگیری کنم. ولی این جور که می‌گم وال پیپیرم رو این جوری گذاشتم، به همچین چیزایی نه، اون کلاً سبکمه. من کلاً دوست دارم به جای این که خیلی فوروارد آون قضیه رو بروز بدم، حتماً واسه دیدن خودم، دوست دارم بیش تر به چیز جزئی باشه که مثلاً به رفرنسی به اون قضیه می‌ده.

- کیمیا به فرد مشخصی هم در بی‌تی‌اس علاقه افراطی داری؟

بایسم تهیونگه یا وی^۲، استیج نیمش^۴ ویه. بعد الان یک ماه بیش تره، مثلاً دو، سه ماهیه که به اصطلاحیه می‌گن بایس رک^۵؛ یعنی به جورایی بایس دومته که باعث می‌شه به کم درگیر شی، بایس رک^۶م جونگ کوکه.

- به نظر تو تفاوت بی‌تی‌اس با گروه‌های دیگه غربی چیه؟

واقعاً بهترین اصطلاحی که می‌تونم واس شون بگم اینه که “They feel like home”.

با ملاحظه مصاحبه‌های انجام شده، مشخص می‌شود که مصاحبه شوندگان نوجوان و جوان نسبت به نسل‌های پیش تر خود تحول‌های بیانی قابل توجهی یافته‌اند، به این معنا که برخی از مصاحبه شوندگان کاربر اینستاگرام، در بیانات خود دست به کاربری از انبوهی کلمات انگلیسی زده یا برخی از مصاحبه شوندگان دیگر، با خلق اصطلاحات جدید، از این اصطلاحات در محاورات خویش سود می‌برند. در موارد دیگری بعضی از کاربران فضای مجازی دست به تغییر دادن کلمات زده یا تحت تأثیر فحاشی‌های بلاگرها و شاخ‌های مجازی، کاربری از ناسزاهای رکیک و زننده را در بیانات خودشان به معرض دید می‌گذارند.

بددهنی و ناسزاگویی در جریان حرف‌های عادی و روزمره از سویی و به کارگیری اصطلاحات رکیک در بیانات خویش و همین طور رک تر حرف زدن حتی با اولیا، از دیگر تحولات کلامی و بیانی است که نوجوانان و جوانان کاربر اینستا از آن یاد کرده‌اند.

1- Typical

2- Forward

3- Tae-hyung

کیم تهیونگ که با نام هنری V (وی) شناخته می‌شود، خواننده، ترانه‌سرا و بازیگر اهل کره جنوبی است. او خواننده‌ی گروه کره‌ای BTS است.

4-Stage name

5- Bias Wrecker

6- Jung-kook

خواننده و ترانه‌سرای اهل کره جنوبی است. او کوچک‌ترین عضو و خواننده‌ی گروه پسرانه‌ی کره‌ای BTS است.

نسیم ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از اصطلاحات خارجی زیادی در بیانات خویش در سطح خود و دوستانش یاد می‌کند:
«طرف دار بی‌تی‌اس هستی؟
آره، خیلی.»

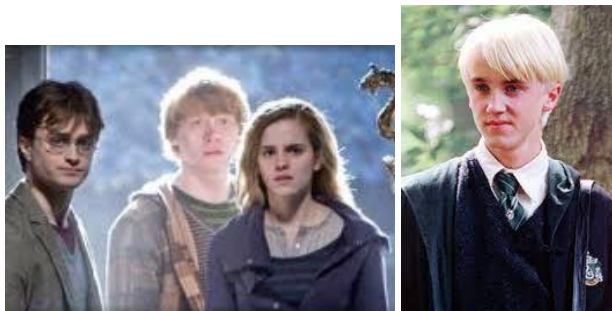


- چی شد که طرف دارشون شدی؟
- ازشون آهنگ بلک سوان رو شنیدم، روش قفلی زدم، بقیه آهنگاشونم گوش کردم، خوشم اومد، دیگه طرف دارشون شدم.
- ویژگی مثبت هر کدوم رو بگو.
- مثلاً نامجون به عنوان لیدر از چیز مدیریتی بالایی برخورداره و می‌دونه که توی هر موقعیتی چه جورى برخورد بکنه و هندل کنه، جین توی هر موقعیتی سعی می‌کنه جوک‌های بابا بزرگی بگه، تهیونگ خیلی وقتا تایم استراحتش رو میاد با فنانش گیم می‌زنه، با این که سرش شلوغه، جیهوپ خیلی مهربونه، اصلاً مهربون‌تر از این بشر نی، وای یه سری نامجون به یه فنه توی فن میتینگ، گفته بود ببخشید که فتوکارت من رو در آوردی، این قدر متواضع بود.
- یادت هست که چی شد اینستاگرام رو نصب کردی؟
- اون زمان تازه وایبر رو همه استفاده می‌کردن، زیاد کسی اینستا نداشت، همه توی کف فیسبوک بودن، من فیسبوک نداشتم البته، وایبر رو هم به زور داشتم، با اون همه قطع و وصلیش.
- خوب؟
- اون موقع یکی از بچه‌ها گوشیش رو آورده بود مدرسه، گفت اینستا چه آبه باحالیه، منم خوشم اومد، دان کردم.
- چی شد که به نظرت برنامه باحالی اومد؟

چون دیدم واو! سلبریتیا پیچ خودشون رو دارن، وقتی فالوشون می‌کردم، حس این رو داشتم که از نزدیک دیدمشون، در این حد تباه.

- چه سلبریتی‌هایی رو فالو می‌کردی؟

تام فلتون، بازیگرای هری پاتر، اونایی که توی اینستا بودن.



- یادت هست چه پست‌هایی می‌گذاشتن؟

عکس از خودشون، اون موقع اینستا بیش‌تر آپ عکاسی بود.

- پس عکس هاشون رو دنبال می‌کردی؟

آره.

- خودت از اینستاگرام چه استفاده‌ای می‌کردی؟

اون موقع آپشن نداشت اینستا مثل الان، فقط در حد لایک و کامنت بود. استوری که هیچ، ولی یه فن پیج داشتم.

- برای طرف‌داری از چه کسی بود؟

اون موقع یه گروه بود دبل اس فایو او وان که بعد دیس بند شدن.



- دیس بند یعنی چی؟

یعنی گروه شون از هم پاشید.

- چه چیزی از شون توی فن پیجت پست می کردی؟

عکساشون و اخبارشون، مقایسه با بقیه آرتیستا، اون موقع هم ناموساً خوب بالا رفت، ۲۵ تا فالوینگ داشتم، حدود ۳۷۰۰ تا فالور، تعداد کامنتا مثلاً ۱۰۰ تا، ۱۲۰ تا برای پستایی که روش کار می کردم، بود، ولی اکسپلور و کسب درآمد نداشت که اون موقع، اگه الان بود یه پولی ازش درمی آوردم، البته از دلایل موفقیتیم این بود که توی اکیپی بودم همه شون فالور بالا، اونام پروموتم می کردن به نوعی.

- یادت هست اون موقع چند ساعت از روز رو برای اینستاگرام وقت می گذاشتی؟

درست یادم نیس، شاید سه ساعت در روز، ولی تابستونا کلاً پلاس بودم توی اینستا و تلگرام.

- اون موقع به خاطر استفاده از اینستاگرام، به درست لطمه خورده بود؟

معمولاً خوب هندل شون می کردم، مگه این که خیلی توی اینستا غرق می شدم.

- الان چه قدر توی روز از اینستاگرام استفاده می کنی؟

الآن خب اینستا برای من سودی نداره، توی این چند سال اخیر فقط سه تا پست توی پیج شخصیم

گذاشتم، چند بارم دی اکتیوش کردم تا الان.

- الان پیج دیگه ای به جز پیج شخصیت داری؟

همین پیج شخصیمه، یه پیجم دارم برا درس اندیشه، استاده مجبورمون کرده، پیج بز نیم تولید محتوا

کنیم، برا اندیشه اسلامی، یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می کنم.

- استاک یعنی چی؟

یعنی بدون این که طرف بفهمه، پیجش رو زیر نظر داشته باشی.

- اون پیج رو برای همین کار ساختی؟

نه، ولی برای استاک کردن ازش استفاده می‌کنم».

ترانه ۲۱ ساله هم در مصاحبه خویش، تحولات کلامی قابل ملاحظه‌ای را در خودش به معرض دید نهاده است. به کارگیری کلمات انگلیسی به فارسی مانند هندل کردن، پرموت کردن، استاک کردن اکس، آپشن، آیدل، پابلیک، فان، دیس بند و به کار بردن کلمات کم‌تر متعارف نظیر قفلی زدن، تباه بودن، اسکال، سیریش، ناموساً، نمونه‌های از کلمات مورد استفاده ترانه که دانشجو هم هست، به شمار می‌روند.

ثنا ۱۵ ساله نیز در مصاحبه خویش در درجه نخست، انبوهی از کلمات انگلیسی را به فارسی (مانند: ممبر، دارک، گپ، جنرال، آیس کریم، هات، کیوت، تینیجر، پارت، پارادوکس، کانسپت، ریپلای، استوری، پست، سلبریتی، سابسکرایب، لش، ویدیو کال، استایل، کلاسیک، مدلینگ، پرفکت، آنالین، لایو، رندوم، سین، پلات فرم، دایرکت، ری‌اکشن، آژانس، کاپل، وایب، ادیت، ترند، دیالوگ، دنس، دنس و ...) به کار برده است.

در درجه بعدی اهمیت، ثنا بسیاری از اصطلاحات خاص گروه‌های مورد علاقه‌اش (نظیر: استن، هیت، هیت، سولویکس، فن دوم، فن وار، فیت، بایس، لیریک، اوتی فور، اوتی سون، ایدول، کی رول، کی - پاپر، بوی بند، گرل بند، لوگو، وی ورس، وی لایو، تیزر، فن فیک، فیکشن، منیجر، مرچ و ...) را به کار برده است.

ثنا برای کاهش شناخت کلمات رکیک مورد استفاده خودش (مانند: تاپ، باتم، ورس، اسمات، گی، بایسکشوال) هم از معادل‌های انگلیسی این کلمات سود برده است.

استفاده از عبارات انگلیسی در بیانات ثنا (مانند: underground, hope not, young, where is, blue and gray, fix you, life goes on, forever I love myself, idol I hate you, love song, Ruth B از dandelions, we are bulletproof, my angel I love you, shut down, Talking to the moon, I love you)، فراز دیگری از تحول بیانی وی و هم‌نسل‌های او را به نمایش می‌گذارد.

علاوه بر به کارگیری کلمات انگلیسی متعدد در بیانات روزمره برخی از کاربران اینستا، افراد دیگری از اصطلاحات جدیدی که شخصاً ابداع کرده یا از ابداعات دیگران است، سود می‌برند. قسمت‌هایی از مصاحبه امیرحسین ۱۸ ساله، راد ۱۶ ساله، بهروز ۱۸ ساله، علی ۱۹ ساله و نسترن ۱۷ ساله که ناظر بر بحث اخیر است، به قرار زیر است:

«فقط زیر پستای همدیگه کامنت می‌ذاریم که اونم فقط تعریف می‌کنیم از هم.»

- این چیزها که زیر پست‌های هم می‌نویسید یعنی چی؟

معنی خاصی نمی‌ده، چند وقتی این کلمات مد شده توی اینستا، مثلاً مردم می‌خوان ابراز محبت کنن به هم می‌گن سوتون یا سلطان و این چیزا.

- حالا چرا می‌گن سوتون یا سلطان؟

مثلاً این جور لاتی‌تره، نمی‌دونم داستانه اینستا چیه، هر کی می‌خواد خودش رو پول‌دار و درعین حال لوتی و پایین شهری نشون بده.

- پس چرا خودتون هم زیر پست‌های همدیگه از این چیزها می‌نویسید؟

والا ما هم این قدر توی اینستا دیدیم از این چیزا که دیگه تأثیر گرفتیم و ناخواسته می‌گیم (با خنده می‌گوید)، ولی خدایی قصد من یکی حداقل لوطی نشون دادن خودم نیست، از روی عادت می‌گم.

- قبل از این که اینستاگرام نصب کنی و وارد فضای مجازی بشی از این لفظ‌ها به هم می‌گفتید؟ نه والا، من که اصلاً نمی‌گفتم، دوستانم بلد نبودن از اینا، ولی الان بین چیا می‌گن، همه رو هم از این و اینرها یاد می‌گیرن می‌گن.

- مثلاً چی می‌گن؟

زیاده (با خنده می‌گوید)، مثلاً می‌گن (این جا خوب داره، خوبش به تو نمی‌رسه) یا مثلاً (به ما نمی‌خوری، بخوری فر می‌خوری) یا مثلاً جای داداش می‌گن داداچ و از این چیزا.

- دوستانت این لفظ‌ها رو از کدوم و اینرها یاد گرفتن؟

از محمد معماریان و حامد تبریزی و امثال اینا.

- شما هم این و اینرها رو فالو کردی؟

نه، راستش اصن به نظرم اونا بامزه نیستن، کلیپاشون سر درد میاره، نمی‌دونم چرا رفیقام دوس شون دارن والا.

- مگه کلیپ‌هاشون چه طوری هست؟

فقط می‌خوان بگن ما خویم، ما داریم عشق و حال می‌کنیم و کلی لفظ بلدیم، فقط هم سر تبلیغایی که می‌کنن کلیپ می‌سازن که پول بگیرن».

«- توی اینستاگرام بیش تر چه کار می‌کنی؟

من همه کار می‌کنم.

- می‌تونی چندتا ش رو به من بگی؟

آگه یه گوشه کامل و فول شارژ رو بدن دستم، سریع به صفر می‌رسونمش (می‌خنده).

- این قدر به اینستاگرام علاقه داری؟

آره.

- یعنی می‌شه گفت به جای علاقه به اینستا، اعتیاد داری؟

آره، البته دارم کمش می‌کنم، چون به چنخ رفتم.

- چنخ یعنی چی؟

یعنی سرویس شدم (می‌خنده)، نشیدی می‌گن چنخ عظمی».

«من چیزای غیر مفید هم در اینستا زیاد می‌بینم، مثل میم‌ها که جنبه سرگرمی داره، هر چی دارک تر باشه بهتره، ولی چیز مفید یعنی کیفیت ساختش خوب باشه، خوب ادیت شده باشه، جذب بکنه من رو، مثلاً آگه محتوای آموزشیه، ببینمش بازم.

اما مضر به نظرم هر چی که دوس نداشته باشم و اعصابم رو بهم بریزه یا اون شخصی که توش اکت^۱ می‌کنه، باب میل نباشه، هی بگم وای فلانی یه موقع این جور بود، الآن این جور شده.

- چرا به میم‌ها و مخصوصاً به میم‌های دارک علاقه داری؟

چون مغزم رو به کار می‌اندازه و پشمام می‌ریزه، حال می‌ده، این که یه جوک یا عکس خنده‌دار پوینت رو همون اول بهم بده، کم‌تر جذابه برام».

«- تا حالا شده هیچ کدوم از این روابط آسیب ببینند؟

خب آره، گاهی اوقات شاید از طریق این مجازی از هم خوش شون اومده و رابطه عاطفی با هم برقرار کردن، اما چون شناخت شون کافی نبوده از هم، بعد مدتی دیدن به درد هم نمی‌خورن و کات کردن که خب نتیجتاً باعث می‌شه آدم از لحاظ عاطفی آسیب ببینه.

- آسیب‌های روانی شون تا چه حد بوده؟

خب بسته به عمق رابطه، هر چی عمیق‌تر باشه، آسیبی که آدم از تموم شدنش می‌بینه، بیش‌تره دیگه، مثلاً همین مثالی که زدم، چون یه کم عمیق‌تر شده بودن، وقتی کات کردن، رفیقم تا چن وقت دپ بود.

- پیج‌هایی که مطالب غمگین می‌گذارن رو هم فالو می‌کنی؟

^۱- کلمه act به معنای بازی کردن در فیلم و سریال و کلیپ‌ها است.

یه پیج هست به اسم نباید می خواندیم که تیکه‌های کتاب‌ها و شعر و اینا می‌ذاره، مثلاً خب خیلی از مطالب این پیج دپ اند، اما نه از این دپ‌های احمقانه که یه چسناله‌ای می‌کنن و یه آهنگ روش می‌ذارن، مطالب این پیج ادبی و هنری اند، از اون تیرپ‌های چسناله خیلی بدم میاد، واقعاً روی مخ ان و احمقانه و چندش، از اینا هیچ وقت دنبال نمی‌کنم».

«- طی این دو سال که کلاس‌ها مجازی شد، برای آموزش از چه برنامه‌ای استفاده کردی؟ تا پارسال که از واتساپ، ولی امسال از ادوبی کانکت استفاده می‌کنم.

- شاد چی شد پس؟

شاد که دلت خوشه‌ها، شاد، شاد می‌زنه! اصلاً معلوم نبود چه سمی بوددد (با خنده)».

برخی از کاربران اینستاگرام در مصاحبه خویش از کلماتی ناقص و تحریف شده سود برده اند، سمیه ۲۱ ساله، در همین ارتباط چنین بیان می‌کرد:

«- آیا مردم توی اینستاگرام کلمات رو ناقص می‌نویسن و توی نوشتار شون تغییر ایجاد شده؟

یه چیزی بود که با حروف انگلیسی می‌نوشتن، خوبه حالا الان کم‌تر شده، اما خیلی وحشتناک بود که با حروف انگلیسی فارسی می‌نوشتن، بعضی وقتا هم ناقص می‌نویسن کلمات رو.

- این روی زندگی واقعی شون هم تأثیر داشته؟

همین دیشب خواهرم می‌خواست بگه نمی‌دونم و به جاش گفت نمده که خب خیلی بده».

تعداد دیگری از افراد مصاحبه شده خاطر نشان ساخته اند که آنان تحت تأثیر بیانات مشحون از ناسزای برخی از سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی، بددهنی و فحاشی را پیشه خویش کرده اند:

«- آیا اینستاگرام باعث عصبی شدن و پرخاشگری شما شده؟

بله، استفاده بیش از حد از اینستا باعث می‌شه رفتارمون رو نتونیم کنترل کنیم و رفتارهای پرخاشگرانه نشون بدیم.

- به نظرت این مسأله چه جوری پیش میاد؟

با الگوگیری از افراد خاص، مثلاً سلبریتی‌ها یا همین شاخ‌های مجازی، مثلاً یه سری رفتارهایی که تتلو در برخورد با افراد مختلف داره، باعث می‌شه همه فکر کنند، اگه چنین رفتارهایی داشته باشند، خیلی خفن و باحال هستند و من هم قبلاً هم این احساس رو داشتم و به همین علت گاهی پیش می‌اومد، بدون هیچ دلیلی، وقتی که توی مدرسه، یکی از بچه‌ها به هم یه حرف خیلی ساده می‌زد، شروع می‌کردم فحش بدم و داد و بیداد کنم و خب این رفتار اصلاً درست نبود....

- از آشناهات کسی رو می‌شناسی که تحت تأثیر استفاده از اینستاگرام از افراد نادرست الگوبرداری کرده باشه؟

بله، یکی از دوستانم چون بازیگر مورد علاقه‌اش رفته یه پرستو تتو کرده، اونم تتو زده. یکی از پسر خاله‌هام هم از وقتی اینستا نصب کرده، خیلی بد دهن شده، در حدی که جلو خانواده فحش‌های خیلی بدی می‌ده، در حالی که قبلاً اصلاً این طوری نبود» (غزاله، ۲۰ ساله).

بهروز ۱۸ ساله هم در مصاحبه خویش بیان می‌دارد، وی در مسیر ارضای هیجان‌جویی‌های خود، متوجه سلبریتی‌های ایرانی خارج نشین شده است و در جریان درگیری‌های آنان که غالباً با فحاشی و پرده‌داری توأم است، به رکاکت کلامی رسیده است (به تعبیر دیگر، این دست از سلبریتی‌ها که از هنر چندانی برخوردار نیستند، برای زنده نگه داشتن خویش با دست زدن به حاشیه‌پردازی‌های بسیار زننده، در عمل مروج رکیک شدن بیان - و اندیشه - مخاطبان خویش در فضای مجازی شده‌اند).

«- فحاشی چه طوری توی اینستاگرام عادی سازی شده؟

توی جوک‌های اینستاگرام و در کلام کم‌دین‌های اینستاگرام، استفاده از فحش و حرف‌های رکیک بسیار زیاده. طوری فحش می‌دن که انگار یک کار عادی و هیچ زشتی نداره» (اشکان، ۲۱ ساله).
زهرای ۲۰ ساله نیز از به کارگیری فحش و ناسزا در روابط دوستانه (!) خویش، به شرح زیر یاد کرده است:

«- آیا اینستاگرام می‌تونه باعث رواج فحاشی در افراد بشه؟

کلاً اینستا سبک حرف زدن مردم رو تغییر داده، هم انواع فحش‌ها جز لغات روزانه آدم‌ها شده، هم لغات زبان‌های دیگه، کلاً زبان متحول شده. همین الان تا این جا خود من، می‌تونم بگم بیش از ۵۰ تا کلمه‌ای که انگلیسی بوده به کار بردم یا همون فحشی که گفتم رو شاید همه جا استفاده نکنم، اما تبدیل شده به ادبیات عامیانه‌ام و با دوستانم با اون ادبیات حرف می‌زنیم».

نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور شده است، برخی از طنزپردازان با استدلال در این که در صدد کاهش شناعت و وضعیت تهدید کننده ناسزا در جامعه هستند، از ناسزاگویی‌ها و اهانت‌های خویش دفاع می‌کنند:

«- چه چیزی کلیپ‌های محمدامین رو نسبت به بقیه متمایز می‌کنه؟

اول از همه لحن حرف زدنش و بعد لباس پوشیدن، کم‌دین‌های مرد گاهی اوقات به عنوان نقش زن بازی می‌کنن، ولی میلاد از همون اول با مقنعه بود، یک ایده خلاقانه‌اش این بود که از کلمه‌های جدیدی استفاده کرد و یک جورایی خودش اونا رو خلق کرد، مثل قوقول و شتره که می‌شه شلخته.

- حالا چرا این جوری حرف می‌زنه؟

خودش گفته که دوست داره فرهنگ‌سازی کنه توی اینستاگرام و جامعه، چون الان ما توی جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که چه توی فضای مجازی و چه در واقعیت، دادن فحش‌های رکیک مثل آب خوردن شده و خیلی زیاده و اون می‌خواد که الفاظ جدیدی جایگزین این فحش‌های رکیک بشه، مثل مهران مدیری که توی بره کلمه‌های جدیدی رو توی جامعه باب کرد و به خاطر همین می‌گه کار خودش و دوستش کامران، اصلاً بی‌ادبی نیست».

اثرپذیری از فحاشی‌هایی که در بازی‌های دیجیتالی به معرض دید کاربران قرار گرفته اند، مقوله دیگری است که در بددهنی برخی از کاربران اینستا مؤثر واقع آمده اند، به عنوان نمونه مهشید ۱۶ ساله که با بیان صرف وقت‌های ۱۰، ۱۵ ساعته برای بازی و ترجیح بازی به غذا خوردن (که باعث کاهش وزن وی شده است) در روز، در عمل علایم بارزی از اعتیاد و وابستگی به بازی‌های دیجیتالی را در خود نشان می‌دهد، هم‌زمان با نقدهای جدی که به خط‌مشی‌های نظام در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، رکاکت کلامی گسترده‌ای را در بیانات خویش به معرض دید می‌نهد که ماحصل نفرت وی از شرایط فرهنگی - اجتماعی موجود کشور و همین‌طور کاربری بی‌حد و حصر وی از بازی‌های دیجیتالی است که فحش و ناسزا، قسمت مهمی از آن را تشکیل می‌دهند:

«- تا حالا در فضای مجازی پیش اومده که کسی پیشنهاد دوستی به شما بده؟

منظورت پسره؟

- بله.

آره، زیاد بودن، از اون اول که پیجم رو راه انداختم، شروع کردن به دایرکت‌م پیام دادن، توی یوتیوب هم همینه تا می‌بینن یه دختری داره کار می‌کنه و کارش داره می‌گیره، شروع می‌کنن به گیر دادن، منم به بعضی‌هاشون که می‌خوان... دربیان، محل نمی‌ذارم. اما یه سری هم هستن که راه و هدف و کارشون مثل منم و منم خودم دوست دارم باهاشون حرف بزنم، فقط از روی بی‌کاری حرف زدن با یه نفر و وقت گذرونی و دوست شدن الکی، فرق می‌کنه با کسی که دوست داره از نقشه‌هات و مسیرت و قلبت بدونه، من همیشه با کسی دوست می‌شم که بعدش حالم از حرف زدن باهاش به هم نخوره و پشیمون نشم از این که چرا باهاش حرف زدم. اکثراً الان پسرا دنبال یه چیزن، آدم حالش به هم می‌خوره که دنیا رو فقط توی یه چیز می‌بینن.

من می‌گم خوبه آدم حال کنه و خوش باشه و غصه‌ی چیزای الکی رو نخوره، ولی دیگه... قضیه رو درنیاره آدم، تا می‌گی بهشون سلام، می‌گن...، دیگه حالم بهم می‌خوره ازشون، به خاطر همین من این جور آدم‌ها رو سریع بلاک می‌کنم، اگه کسی مثل آدم خواست از استریم‌هام و کارم ایراد بگیره و حرف درست حسابی داشت، به حرفش گوش می‌دم و نظرم رو بهش می‌گم، ولی اگه خواست دهنش رو نگه نداره... دربیاره، منم ریپورتش می‌کنم.

- فکر می‌کنی کسانی که به شما، پیشنهادهای یک کار خوب و عالی رو می‌دن، همه‌شون قابل اعتماد هستند؟

آره بابا، ته توی داستان‌شون رو درمی‌ارم خودم همیشه، بودن یه سری هم که علاف بودن و... گفتن، ولی من خودم با واسطه‌هام پرونده‌شون رو کشیدم بیرون، من خر کسی نمی‌شم، چون توی بچه‌ها و دوستانم زیاد بودن کسانی که زود خر شدن و پا شدن و رفتن و هیچی به هیچی آخرش، من از دوستای نزدیکم، پا شد الکی الکی رفت خودش رو ضایع کرد، چه قدر هم استریمر باحالی بود، هیچ چی دیگه آخرش دختر خودکشی کرد اون‌جا و مُرد، برای هیچ چی، برای یه مُشت...».

یادگیری فحاشی از سلبریتی‌ها، شاخ‌های مجازی، بازی‌های دیجیتال از سوئی و ناسزاگویی که در اثر کینه و نفرت از خط‌مشی‌های سیاسی-اقتصادی-اجتماعی نظام پدید آمده است و فحاشی‌هایی که اسباب تخلیه روانی افراد را فراهم می‌آورند، در مجموع بددهنی قابل ملاحظه‌ای را در سطح کاربران مصاحبه شده اینستاگرام زده و پدید آورده است. مریم ۱۹ ساله و مرجان ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه‌های خود تحول‌هایی را در بیان خویش به معرض دید نهاده‌اند که به طور معمول از دختران که ماخوذ به حیاتر از پسران هستند، انتظار نمی‌رود:

«- شده خبری برات خیلی مهم شده باشه؟»

دیروز خبر یه خانومی بود که شوهرش سوزونده بودش، به خاطر این که بچه شیشمش هم دختر شده بود، پسر خاله‌ام برام فرستاد، خیلی حرص خوردم، رفتم درباره‌اش چندتا پست دیگه‌ام دیدم، فهمیدم نه، واقعاً مردمون هنوز توی این چیزا گیر کردن، سوزونده زنش رو، سوزونده، مرتیکه آشغال، عوضی، کثافت، بی‌شعور، نفهم، کم‌ناموس، کم‌شعور.

- از کجا می‌دونی، این فیلم‌هایی که از اینستاگرام می‌رسه، واقعی هست؟

خب فیلم رو که دیگه نمی‌شه فوتوشاپ کرد، واقعیته دیگه، درضمن خودمم تجربه‌اش رو داشتم، نزدنم‌ها، اما اگر می‌زدن که دهنشون رو س*** می‌کردم، ولی بلانست سگ، خیلی بداخلاق هستن.».

«- خانواده‌ها در جریان نبودن که اکیپ داشتین و با هم خونه می‌رفتین؟»

نه، خانواده‌ها بدونن پاره‌ایم، مامان من ۳ تا از دوستای صمیمیم رو می‌شناسه، می‌گفتم با اونام، چون مامانامون اجازه می‌دن با هم رفت و آمد کنیم، می‌گفتیم با هم قرار داریم، دیگه لو نرفتیم تا حالا، خدا رو شکر، ولی بدونن پاره‌ایمم».

مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه خود خاطر نشان می‌سازد، وی حتی در برخورد با اولیای خودش رک شده و حتی در برخی از مواقع به آن‌ها توهین کرده و سرشان داد می‌زند:

«- به نظر خودت، اخلاقت نسبت به قبل داشتن اینستاگرام تغییری نکرده؟»

آره، مثلاً از نظر تغذیه همین امروز در مورد فواید خام‌خواری و گیاه‌خواری سرچ کردم، جالب بودن، خیلی مفیده برای پوست و همه چی، ولی از خام‌خواری چندشم شد، شایدم گیاه‌خوار شدم، چون کلاً بوی گوشت رو دوست ندارم. بعضی پیج‌های روان‌شناسی که فالو می‌کنم، باعث شدن خیلی رک‌تر باشم با آدم‌ها، اگه باهاشون حال نکردم راحت دیگه مثلاً پیامشون رو سین می‌زنم، جواب نمی‌دم، راحت‌تر می‌ذارمشون کنار یا نه می‌گم، خیلی تأثیر گذاشته دیگه، مثلاً دیگه معتقد نیستم، مثل قبل اخلاقم رک‌تر شده، کلاً با همه حتی مامان و بابام تعارف ندارم، یه کارشون روی مخم باشه، می‌گم.

- تا حالا شده مثلاً باهاشون دعوا کنی یا سرشون داد بزنی یا بهشون توهین کنی؟

آره، خیلی پیش میاد، وقتایی که برای یه کاری بهم اجازه نمی‌دن، دعوامون می‌شه، صدام می‌ره بالا».

جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب

در ایران پیش از اسلام، بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی توام با شادی و نشاط بودند، اما با حمله اعراب به ایران، به بیان زرین کوب، دو قرن سکوت بر جامعه حاکم گشته، جشن‌های شادی پی در پی در این مرز و بوم، تاحدودی جای خود را به انزوآگزینی و پناه جستن به تصوف و خانقاه می‌دهد، اما با این وجود باز هم رگه‌های شادی و نشاط در جامعه باقی مانده، مثلاً ابن بطوطه در سفرنامه خود از بوالعجبی بوالعجبان در مسجد یاد می‌کند که وی در جریان نظاره شعبده بازی آنان، از شدت هیجان وارد شده به خودش بی‌هوش شده است.

شاردن نیز در گزارش مشاهدات خویش در جامعه عصر صفوی، در سفرنامه خود گزارش می‌دهد، دربار صفوی برای انتخاب چند خدمتکار، شهر را تعطیل کرده، مسابقه‌ای بین داوطلبان برگزار

می‌کردند که در این مسابقه مردم به تماشای رقابت داوطلبان نشسته و به بهانه انتخاب دو، سه خدمتکار دربار صفوی، یک روز تمام را به شادی و شغف می‌گذراندند.

شاهان صفوی نیز در هنگام پذیرایی از سفیران خارجی، آنان را به قهوه‌خانه‌های شهر می‌بردند تا آنان شاهد شاهنامه‌خوانی، نقالی، قوالی، داستان‌سرایی، تخم مرغ بازی، پیچاز بازی و انبوه دیگری از بازی‌های محلی در قهوه‌خانه‌های شهر شوند.

با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، تحولی مهم در فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان رخ داد و آن به دست فراموشی سپردن سنت‌های فرهنگی بازمانده از پیش از اسلام (مانند روز مهرورزی، جشن آب‌پاشان و نظایر آن) بود، به این معنا که پس از انقلاب فقط سنت‌های اسلامی احیاء و به جامعه عرضه شدند و جامعه شاهد فعالیت‌های فرهنگی دینی، مانند اعتکاف، گردهمایی شیرخوارگان حسینی، راه-پیمایی‌های زیارتی - مانند مراسم اربعین - و نظایر آن‌ها شد.

با وجود تحول‌های قابل توجهی که در فعالیت‌های فرهنگی جامعه در گذر زمان پدید آمده بود، با تأمل در بازی‌های محلی جمعی و مانند آن‌ها، مشاهده می‌شود که در این بازی‌ها، جمع‌گرایی بر فردگرایی فایق بوده و نوع دوستی برتر از رقابت‌جویی تعریف شده بود.

با گسترش فضای مجازی، در عمل سنت‌های فرهنگی پیشین، همچون بازی‌های محلی، دوره‌می‌ها، دید و بازدیدها، مراسم گلریزان و نظایر آن‌ها، کم‌رنگ‌تر از پیش شد و فعالیت‌های فرهنگی جدیدی نظیر برگزاری جشن کریسمس، جشن هالووین، روز ولنتاین، تهیه صفحه‌های هواداری (فن پیج)، تهیه دابسمش، بلاگری و انبوه دیگری از موارد مشابه، در فهرست فعالیت‌های فرهنگی جدید جامعه قرار گرفتند.

با بررسی فعالیت‌های فرهنگی گزارش شده از سوی جمعیت مورد بررسی، مشخص می‌شود، اگر چه برخی از فعالیت‌های پیشین (نظیر کاربری از محتواهای طنزآمیز)، در مجموعه فعالیت‌های فرهنگی جدید هم وجود دارند، اما وزن فعالیت‌های فرهنگی جدید، خاصه در کاربران شبکه‌های اجتماعی، به شکل قابل توجهی پررنگ شده است.

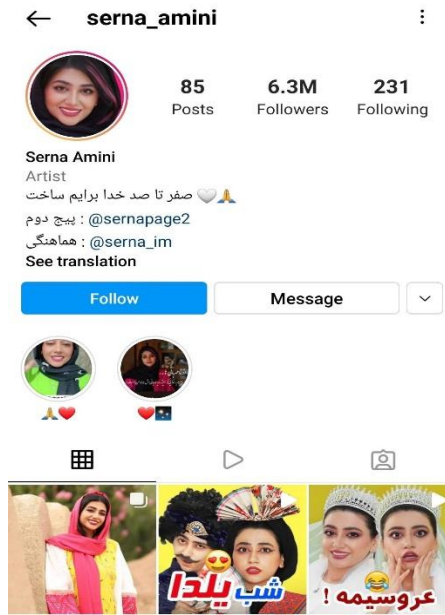
نسیم ۲۱ ساله، از کاربری از محتواهای طنزآمیز که فعالیتی مشترک بین فعالیت‌های فرهنگی پیشین و جدید هستند، به شکل زیر یاد کرده است:

«- افرادی که توی اینستاگرام معروف شدن رو دنبال می‌کنی؟

اینایی که واینرن ویدیو فان درست می‌کنن رو فالو می‌کنم.

- مثل کی؟

مثل سرنا امینی.



- درباره‌ی سرنا امینی می‌گی؟
- سرنا امینی یه واینره که ویدیو فان درست می‌کنه می‌ذاره که پیجش خیلی زود رشد کرد، چون خیلی فان بود، الان چند میلیون فالور داره.
- چه طور شد دنبالش کردی؟
- یکی از ویدیوهاش رو دوستم برام فرستاد، خیلی خندیدم، خیلی هم با استعداد بود، فالوش کردم.
- منظورت از بااستعداد چی هست؟
- خوب می‌تونه کاراکترای مختلف رو دربیاره، خودش رو بذاره جای مامانش، جای باباش، اگه بخواد بازیگر خوبی هم می‌تونه بشه».



مریم ۱۹ ساله، از برگزاری جشن هالووین در جمع دوستانش به شرح زیر گزارش می‌دهد:

«درباره‌ی هالووین صحبت کردید که این پیچ‌ها میکاپ مخصوص هالووین آموزش می‌دن، مگه شما هالووین رو جشن می‌گیرید؟

توی خانواده که نه، جشن نمی‌گیریم، بعضی وقتا با دوستانم به این مناسبتا دور هم جمع می‌شیم که تم دارن، طبق اون تم آرایش می‌کنیم.



- لباس مخصوص اون جشن‌ها رو هم می‌پوشید؟

عا لباس هامون لباس مهمونیه دیگه، حالا در حد عروسی که نه، ولی مثلاً تاپ و دامن و بلوز و شلوارایی که مناسب مهمونی اند رو می‌پوشیم، دور هم آهنگ می‌گذاریم، می‌رقصیم، خوراکی می‌خوریم و خوش می‌گذرونیم، البته همه‌ی دوستانم توی مهمونی رو مامانم می‌شناسه، اونا هم خونواده‌هاشون من رو می‌شناسن.

- با لباس مهمونی هالووین رو جشن می‌گیرید؟

نه بابا، هالووین رو نمی‌گم که، تولد مثلاً.

- من منظورم اعیاد غربی مثل هالووین و کریسمس و عید پاک و ولنتاین و این چیزها بود.

نه، تولدهاشون تم دارن، مثلاً دوستم تولد گرفته بود، تمش هالووین بود، نه این که واقعاً هالووین رو جشن بگیریم، اون گریم‌ها یه جاهای این جوریه به درد می‌خورن. ولی پیارسال یکی از بچه‌ها هالووین رو توی خونشون جشن گرفت، بعد خب با اون لباس و آرایش و اینا که نمی‌شه رفت توی خیابون، برای همین لباس‌ها و لوازم آرایش و همه چی مون رو بردیم همون‌جا، توی خونشون آماده شدیم، کار خاصی هم نکردیم، فقط نشستیم برای هم دیگه داستان‌های ترسناک گفتیم و چیز میز خوردیم».

آریای ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، راه‌اندازی و تصدی فن پیج ۴-۵ چهره اینستاگرامی را پیشه خود کرده است و گاهی با گذاشتن سوال در جعبه سوال‌ها، از دیگران اطلاعات مورد علاقه‌اش را دریافت می‌کند:

«- آریا همه‌ی این چهارتا پیج برای خودت هست؟

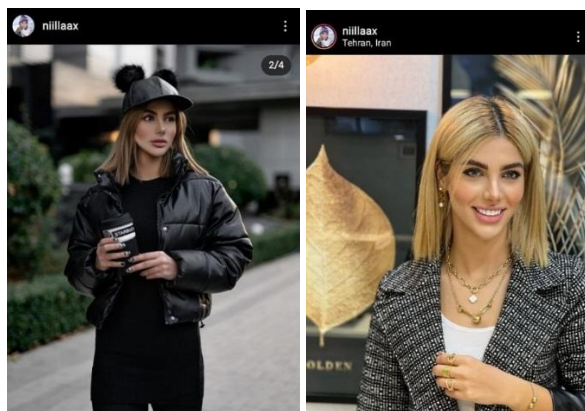
نه، فقط به پیج هست که برای خودمه، سه‌تای دیگه فن پیج آدم‌های دیگه است.

- خوب فن پیج چه کسانی رو در اینستاگرام ساختی؟

من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر و یکتور رو توی اینستاگرام ساختم.

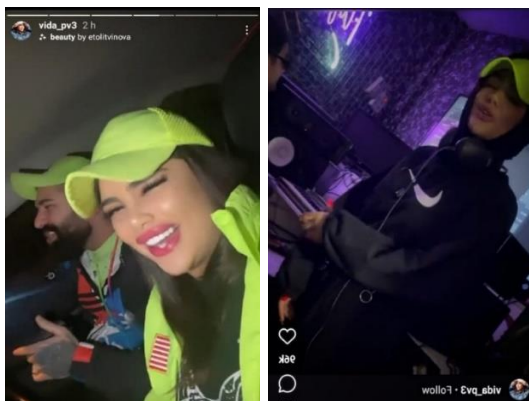
- چی شد که فن پیج این سه نفر رو ساختی، دلیل خاصی داشته؟

خب هر کدوم رو به جور باهاشون آشنا شدم، مثلاً نیلوفر یکی از عکس‌هاش رو توی اکسپلور دیدم و خیلی از تیپ و استایلش خوشم اومد، واسه همین سریع پیجش رو فالو کردم، بعد از اون تمام استوری‌ها و هایلایت‌هاش رو دیدم و فهمیدم که علاوه بر این که تیپ و ظاهر خیلی خوبی داره، آدم خیلی شاد و پرانرژی هم هست. بعد از یه مدت که دنبالش کردم، خیلی بیش‌تر بهش علاقه‌مند شدم، چون دیدم جواب همه‌ی کامنت‌هایی که براش می‌ذارن رو می‌ده و خودش رو نمی‌گیره، تا این که یه روز دیدم نیلوفر استوری گذاشته و فن پیج‌هاش رو معرفی کرده، این فکر به سرم زد که منم فن پیجش رو بسازم و در واقع اولین فن پیجم که برای نیلوفر بود رو ساختم.

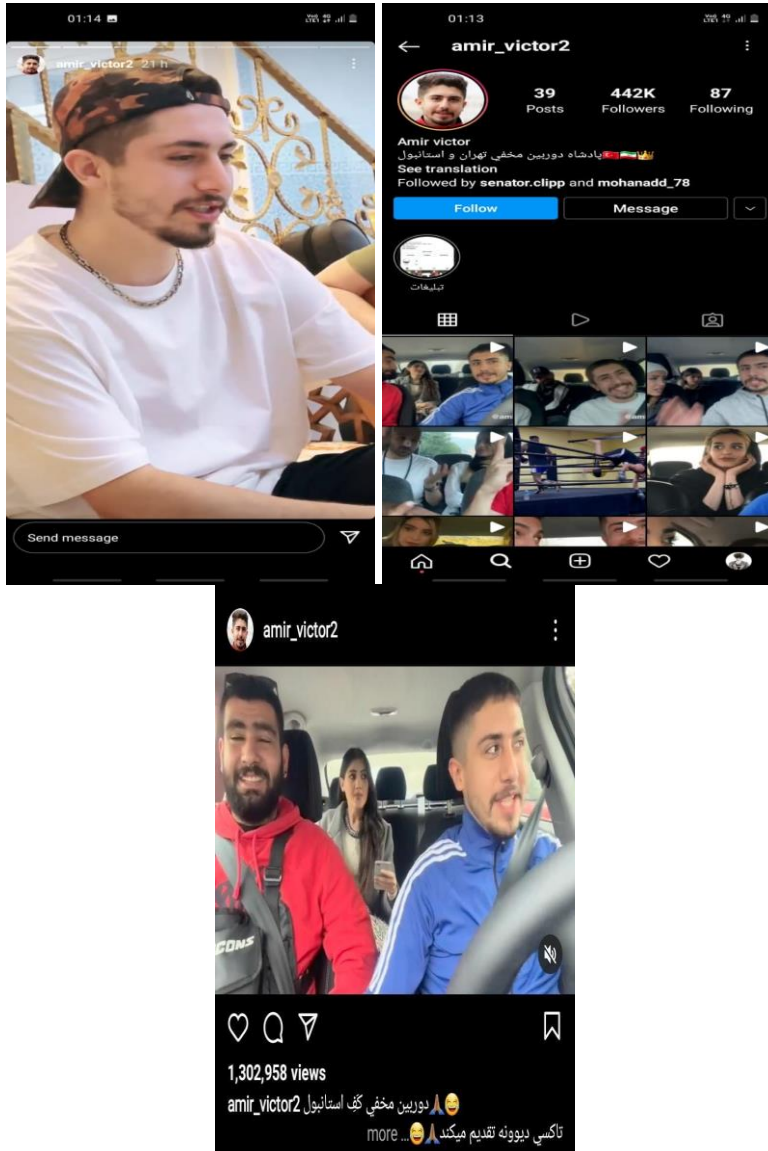




فن پیج ویدا رو بعد از این که دیدم پیجی که برای نیلوفر زدم خوب داره جواب می‌ده و کلی فالور جذب کردم ساختم. البته من از قبل ویدا رو می‌شناختم، چون آهنگ‌هاش رو گوش داده بودم و پیجش رو از قبل داشتم، چون از ویدا هم خیلی خوشم می‌اومد فن پیج اون رو هم ساختم و شروع کردم به فالور جمع کردن.



بعد از یه مدت فیلم‌های پویان و امیر ویکتور رو توی اکسپلور دیدم، چون تازگی‌ها خیلی معروف شدن فیلم‌هاشون توی اکسپلور برای بقیه میاد، واسه همین پیج اون‌ها رو هم فالو کردم و تازگی‌ها چون خیلی از امیر ویکتور خوشم میاد فن پیج اون رو هم ساختم، البته چون این فن پیج رو تازگی‌ها ساختم و هنوز امیر ویکتور آن‌چنان شناخته شده نیست، خیلی فالور نداره و دارم کم کم فالوراش رو زیاد می‌کنم....



یه موقع‌هایی هم من کوئشن باکس (جعبه سوال) می‌داشتم و می‌گفتم که کتاب معرفی کنین، بعد دیدم خیلی‌ها بودن که کتاب‌های خوب و رمان‌های خوبی رو معرفی می‌کردن، بعدش من می‌رفتم یه خلاصه‌ای از این کتاب‌ها توی اینترنت درمی‌آوردم و با عکسش می‌داشتم توی استوریم که ببینن و اینا».

امیرعلی ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، ضمن بیان این که اسیر هوش مصنوعی اکسلور اینستا شده است، خاطر نشان می‌سازد، فعالیت فرهنگی اخیر چنان وی و دوستانش را معطوف به خود کرده است که آن‌ها، نه تنها اوقات فراغت خویش را به سر زدن در اکسلور اختصاص می‌دهند، بلکه از وقت موارد حساسی نظیر حضور در کلاس و درس خواندنشان نیز زده، به وقت گذرانی در اکسلور می‌پردازند:

«- نظر دیگه‌ای راجع به اکسلور نداری؟»

من یه چیز دیگه هم که توی علایقم گفتم، همون پیجای طنزه، خیلی زیاد می‌بینم توی اکسلورم و همونا هست که وقتم رو می‌گیره. بعد مثلاً دابسمش و لایو یه سریا و اینا، بعد نگاه می‌کنی یک ساعت، دو ساعت رفته. هر سری می‌رم توش با خودم عهد می‌بندم که مثلاً فقط و فقط نیم ساعت بمونم توش، اما هر سری نمی‌شه، یه جوروی که دیگه حس می‌کنم واقعاً اختیارش دست من نیست، حتی به قول خودمم دیگه اعتماد ندارم و این فکر می‌کنه بسط پیدا کرده به بقیه فعالیت‌هام.

- توضیح می‌دی چه طوری و چرا این اتفاق افتاده؟

من وقتی هزار بار در طول روز و هفته و ماه به خودم می‌گم امروز فقط نیم ساعت یا امروز فقط یه ساعت می‌رم اینستا و بعد می‌بینم چند ساعت گذشته، از دست خودم عصبانی می‌شم، اون قدر که دلم می‌خواد گوشی رو پرت کنم توی دیوار، اما خب نمی‌شه. بعد دوباره و دوباره در طول هر روز یا هر هفته، بعد می‌گذره، دیگه به حرف خودمم اعتماد ندارم.

- چه مدته این حس رو که نمی‌تونی وقت خروجت رو خودت تعیین کنی داری؟

نمی‌دونم، از وقتی یادمه که توش وقتم رو بیش‌تر از اون‌ی که می‌خواستم می‌گذروندم. ولی اخیراً شدیدتر شده و باعث می‌شه به کارا و برنامه‌هام به طور جدی نرسم.

- اختلال در درست هم به وجود آورده؟

آره، خب اونم جزو کارای مهم می‌شه و این که گفتم سر کلاسا من اکثراً می‌رم توی اینستاگرام تا وقت زودتر بگذره و همیشه شعارم اینه. وقتی هم مامانم بهم غر می‌زنه چرا سرت توی گوشیه همه‌اش موقع کلاسات، می‌گم من با هندزفیری که به لپ تاپ گذاشتم دارم صدای استاد رو گوش می‌دم، با

چشمم که بی کاره عکسای مختلف رو می‌گردم می‌بینم. اما راستش واقعاً یه موقعی می‌شنوم، ولی گوش نمی‌دم، یعنی مثلاً یه متن می‌بینم رو شروع می‌کنم خوندم و حالا بعدی و بعدی... بعد که نگاه می‌کنم می‌بینم روی صفحه چیزی نوشته شده که من اصلاً نمی‌دونم چی هست و استاد کی اون رو گفت!

- این مسأله در دوستان خودت چه طور هست؟

اونا هم همین، البته با شدت‌های متفاوت خب. کلاسای که شروع می‌شه بحث توی گروه‌ها هم داغ می‌شه و دقیقاً کلاس که تموم می‌شه، همه توی گروه از هم خداحافظی می‌کنن و می‌رن. اونا هم فکر می‌کنن دارن هم‌زمان به صحبتای استاد گوش می‌دن و هم تایپ می‌کنن و بحث و صحبت می‌کنن. اما چند دفعه شده که استاد یهو یه اسم صدا زده یا سوال پرسیده، یهو گروه ریخته بهم که ای بابا! چی شد، چه کار کنیم! (خنده).

سرگرمی و گذران فراغت

انسان‌ها در جریان کار و زندگی روزمره، به لحاظ جسمی و روانی خسته و فرسوده می‌شوند و نیاز دارند که با گذران اوقات فراغتی بهینه، ضمن مرتفع ساختن خستگی جسمانی خویش، به لحاظ روانی نیز شادابی لازم را به دست آورند.

در حالت اخیر، کارآیی افراد در زمینه‌های کاری و روابط اجتماعی آنان نیز بهبود می‌یابد. محدودیت‌های اجتماعی موجود در ایران سبب شده است، افرادی که به سبب فقدان امکانات لازم، امکان گذران فراغت بهینه خود را در جامعه نمی‌یابند و یا به دلیل هزینه‌های گزاف، امکان استفاده از امکانات تفریحی مورد علاقه‌شان را ندارند، خود به خود متوجه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شده، تلاش کنند تا با هزینه‌های بسیار اندک (که هزینه‌ناست)، به نوعی فراغ بال خویش را پوشش داده، تمدد روانی لازم را در این گذر به دست آورند.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، دلالت بر آن دارد که فضای مجازی نقش عمده‌ای در گذران فراغت افراد یافته و آنان برای سرگرم شدن خویش، خود را با امکانات شبکه‌های اجتماعی نظری اینستاگرام سرگرم می‌سازند، اما نکته مهمی که در گذران فراغت در فضای مجازی و شبکه اینستا قابل مشاهده است، گذران فراغت در برخی از موارد به شکل‌های نامناسب و منفی است که بالطبع ادامه همین روال، کاربران را با ابتدال ارزشی مواجه خواهد ساخت. به همین ترتیب کاربری

تفریحی از شبکه‌های اجتماعی، نه تنها روی نوع گذران فراغت کاربران مؤثر واقع می‌آید، بلکه بعضاً به علایق و خرید افراد نیز جهت می‌دهد که در ادامه مصادیقی در همین ارتباط خواهد آمد.

فرشته ۲۰ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد که وی در تابستان روزانه ۵-۴ ساعت از وقت خود را صرف اینستاگرام می‌کرده و با خواندن جوک و نظایر آن، اوقات خود را سپری می‌ساخته است:

«- کلاً چند ساعت در روز از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟»

نمی‌تونم روزانه بگم میانگین چه قدر استفاده می‌کنم، واقعاً بستگی به روزش داره. تا ماه‌های قبل که تابستون بود، ۴ تا ۵ ساعت می‌شد اکثراً. آخه تفریح دیگه‌ای نداشتم، بابام به خاطر کرونا می‌گه سفر اصلاً نریم و از سمت دیگه هم، در عین حال که بی‌کار بودم استرس نتایج کنکور رو هم داشتم، با اینستاگرام سرگرم می‌شدم.

- آیا اینستاگرام باعث شده اثرگذاری خاصی روی شما داشته باشه؟

یه چیز جالب بگم، ماه رمضون قبل که گذشت، من برای روزه گرفتن، هر وقت گرسنه‌ام می‌شد، می‌رفتم خودم رو با اینستاگرام سرگرم می‌کردم. جوک‌های مختلف می‌خوندم، گاهی هم اگر فرصت می‌شد کامنت‌های مختلف زیر پست‌ها رو می‌خوندم تا سرگرم بشم و یادم بره روزه‌ام». نستر ۱۷ ساله هم در بیانات خودش با اشاره به جذابیت گذراندن فراغت خویش با تلفن همراه، خاطرنشان می‌سازد، وی حتی در ناراحتی‌های خویش با پناه جستن به گوشی و سرگرم کردن خود با آن، در عمل ناراحتی خود را موقتاً فراموش می‌کند.

«ولی بیش‌تر توی اکسپلور می‌چرخم، یعنی این‌جوری نیست که برنامه‌ریزی برای هر کدام از این‌ها کرده باشم و بگم خب الان وقت اینه که برم محتوای طنزم رو ببینم، یعنی می‌دونی بیش‌تر توی اکسپلور برای خودم می‌چرخم و بیش‌تر پست‌هایی که می‌بینم، اصلاً پیچش رو نه می‌شناسم و نه فالو کردم، اگه خوشم بیاد، سیوش می‌کنم و لایکش می‌کنم، و گرنه هم که نه، به عبارتی به قول مامانم ول می‌چرخم توی گوشی!»

- چه زمانی از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

کلاً هر زمانی من استفاده می‌کنم، (با خنده) در هر زمان و در هر مکان.

- از لحاظ روحی چه طور؟

اون هم فرقی نداره، خوشحال باشم می‌رم اینستا، حالم بد باشه، باز هم می‌رم اینستا، ولی خب بیش‌تر زمانی که حوصله ندارم یا کلافه‌ام و اعصابم خورده می‌رم تا یه کم حواسم پرت شه».

مرجان ۲۱ ساله هم در مصاحبه خویش تأکید می‌کند که کاربری وی از گوشی همراه، حال او را خوب می‌کند (هر چند وی به سبب میزان کاربری زیاد از گوشی، خود را معتاد به آن معرفی می‌سازد).

«- تا حالا تلاش کردی وابستگی خودت رو به اینستاگرام کم کنی؟

آره، ولی همه چیز دیگه الان توی گوشیه، درست، فایل پی‌دی‌اف کتابات، ارتباط با دوستان، اصلاً واقعاً کم نمی‌شه، بعد توی یه جمعی هم می‌ری، همه به جای این که با هم حرف بزنن، سرشون توی گوشیه، تو هم خوب نمی‌شه که با در و دیوار حرف بزنی، مجبوری باز بری توی گوشی، دیگه هیچ جوره درست شدنی نیست.

- دلیل اعتیاد به گوشی و یک فضایی مثل اینستاگرام، چی هست؟

دلیل استفاده خود من بیش تر واسه جنبه‌ی سرگرمی و فانشه، حالم رو خوب می‌کنه، وقتی دو تا عکس می‌بینم، دو تا کلیپ می‌بینم، ولی این که همه معتادش شدن، واسه اینه که روزشون رو بگذرونن، جور دیگه‌ای نمی‌شه واقعاً.

- یعنی چی روزشون رو بگذرونن؟

یعنی بی‌کاریم دیگه، مخصوصاً از بعد کرونا».

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در توصیف چگونگی گذران اوقات فراغت خویش، از خوابیدن روی تخت و دیدن محتوای اکسپلور اینستا یاد می‌کند. زینب ۲۰ ساله، از پیگیری کار شاخ‌های مجازی در فضای مجازی و صحبت درباره آن‌ها یاد کرده است و امیرحسین ۱۸ ساله هم خاطرنشان می‌سازد، وی با فروشگاه‌گردی در اینستا گذران فراغت می‌کند:

«- اینستاگرام هم تأثیری توی انتخاب این سبک زندگی داشته؟

نه، اینستا ابزارشه بیش تر، مثلاً یکی از تفریحات مورد علاقه‌ی من اینه که بخوابم توی تختم، اکسپلورم رو چک کنم».

«- مثلاً درباره‌ی چه چیزهایی حرف می‌زدن؟

مثلاً دیدی یه شاخ مجازی یه کاری می‌کنه، یهو معروف می‌شه و همه حرفش رو می‌زنن، بیش تر این چیزا رو تعریف می‌کردن.

- یکی، دو مورد از همین افرادی که اون زمان درباره‌شون حرف می‌زدین رو مثال می‌زنی؟

یادم نیست اون موقع‌ها حرف‌ها کیا بیش‌تر بود، ولی در کل اونایی که کارای عجیب می‌کردن یا صرفاً داف هستن برای همین کلی فالور دارن، یکی بود لمینت کرده بود، ممد لمینت بود فکر کنم که همه هم مسخره‌اش می‌کردن.



یکی هم بود می‌گفت همه هزینه‌ها مال تو باشه، اسمش به عنوان داوود هزینه معروف شد، خیلی می‌خندیدیم بهشون.



سحر تبر هم معروف بود، الآن ولی خبری ازش نیست، دیگه فکر کنم دستگیرش کرده بودن».



«- بیش‌تر راجع به مد و انتخاب لباس‌ها از توی اینستاگرام بگو.

خب من اون قدر پیج لباس دیدم که اکسپلورم پره از پیج‌های فروش آنلاین، اما متأسفانه پول خریدش رو ندارم، دیگه اگه قرار بود هر چی می‌خوام رو بخرم که پول نداشتم باهاش یه دونه خودکار برای درس و مدرسه‌ام بخرم. ولی واقعاً خیلی دلم می‌خواد همه‌شون رو بخرم، واسه این که نمی‌تونم همه‌اش رو یا حداقل همه اونایی که خیلی دوس شون دارم رو بخرم، واقعاً افسرده می‌شم. در صورتی که

دوستم مثلاً خیلی راحت هر سری از یه پیج یه چیز جدید می‌خره، چون باباش ماهی چند میلیون بهش پول توی جیبی می‌ده و اونم خرج می‌کنه. ولی من خیلی می‌رم توی این پیجا می‌گردم، با این که می‌دونم پول خریدش رو ندارم و همون طور که گفتم ناراحت می‌شم. مثلاً توی حالت عادی بی‌پول باشی، حال و حوصله هم نداری بری فروشگاه‌های شیک و گرون بچرخه یا شاید اصن رومم نمی‌شد این کار رو بکنم با حساب خالی، مثلاً برم کلی لباس قیمت کنم. اما الآن ناخودآگاه و ناخواسته بگم درست‌تره، کلی پست می‌بینم و بعد می‌رم توی پیج‌شون می‌چرخم و از کلی شون خوشم میاد و نمی‌تونم بخرم و افسرده می‌شم. چون شاید خیلی بیش‌تر از یه فروشگاه عادی می‌تونن توی فروشگاه‌های مجازی بچرخه، بعد طرف نمی‌دونه تو اصن پول داری یا نداری».

برخی از کاربران با توجه به امکان ناشناس ماندن فضای مجازی، ایذا و اذیت دوستان، آشنایان یا افراد غریبه را در دستور کار خود قرار داده، به این ترتیب درصدد ارضای هیجان‌جویی و لذت‌خویش برمی‌آیند.

امیرحسین ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور شده است که او برای سرکار گذاشتن دوستانش، از دختری تقاضای همکاری کرده است و در پی این امر به عنوان یک دختر، دست به سرکار نهادن دوستانش زده است:

«- امیرحسین تا حالا سعی کردی که با اسم و مشخصات فیک برای خودت اکانت بسازی؟
بله (با خنده).

- چرا، می‌شه یک کم توضیح بدی؟

آره، یه دو، سه باری اکانت فیک ساختم. قصدم این بود که چندتا از دوستانم رو باهاش سرکار بذارم.

- یعنی چی کارها کردی؟

من رفتم از پیجی که پیج دختر بود، چندتا از عکس‌هاش رو برداشتم و با یه اسم دختر اکانت فیک رو ساختم، رفتم پیام دادم به چندتا از دوستانم که دو نفرشون توی دام من افتادن (با خنده)، تونستم که اونا رو سرکار بذارم، حالا اگه دوست داشته باشید بیش‌تر توضیح بدم.

- بله حتماً.

هیچی دیگه، این اکانت رو که ساختم، رفتم دایرکت شون پیام دادم که من پستات رو دیدم و ازت خوشم اومده، دوست دارم بیش تر با هم آشنا بشیم، یه کم صحبت کردیم، با یکی شون حتی تا چند هفته داشتیم با هم صحبت می کردیم و تهش خودم خسته شدم، دیگه بهش گفتم دست انداخته بودم. - واکنش دوست چی بود؟

هیچی دیگه، کلی خندیدیم و خیلی هم خجالت کشید، ولی تهش جمع شد دیگه.

- دوستان خودت چه طور، اون‌ها تا حالا شما رو دست انداختن؟

آره، بعد از اون قضیه با هم دسیسه کردن و چند باری با اکانت فیک او مدن دایرکتیم، ولی چون من خودم این کار رو کرده بودم، شک کردم بهشون و فهمیدم.

- چی به شما می گفتن؟

دیوونه‌ها همون حرفایی که من با اکانت فیک بهشون می زدم رو می زدن، پیش خودشونم فکر می کردن الان من رو دست انداختن (می خندد).

- شما چی بهشون می گفتی؟

منم چون زود می فهمیدم دست می انداختم شون، می گفتم یه ویس می دی بینم صدات چه جوریه (پوزخند می زند).

- بعد دوستانت چه کار می کردن؟

هیچی، بنده خداها هنگ می کردن، نمی دونستن چی بگن، آخر می خندیدن و ویس می فرستادن.

- اون دختری که عکسش رو گرفته بودی و گذاشته بودی پروفایل خودت رو می شناختی یا نه؟ آره، دوست خودم بود، باهاش هماهنگ کرده بودم.

- یه کم راجع به این دوست برای من می گی، این که چه طوری با همدیگه آشنا شدید؟

خب این دختره اسمش نداست و دوست صمیمیه دختر دایمه، یه روز که با دختر دایم بیرون بودیم، چون خونه دختر دایم نزدیکه خونه‌ی ماست، این دوستم اومد پیش من، اون جا بود که دیگه با ندا آشنا شدیم.

- آی دی اینستاگرامش رو از خودش گرفتی؟

نه بابا اون گرفت (با خنده)، همون روز گوشیم رو گرفت، آی دی اینستاش رو زد توی گوشیم، فالو کرد خودش رو و شمارشم بهم داد.

- رابطه تون با هم صمیمی هست؟

نه آن چنان، چون بیرون که همون یه بار رفتیم با هم، بقیه اش هم فقط در حد دو، سه تا پیام و این چیزا بود.

- نظر ندا چی بود، اون هم راضی بود با این کاری که می خواستی بکنی؟
آره، اونم اوکی بود، مشکلی نداشت.

- یعنی خیلی راحت به شما گفت مشکلی نداره این کار رو انجام بده؟
خب اولش که بهش گفتم، یه سری سوالاتم کردم و انگار یه کم شک داشت و می ترسید، ولی بعدش که بهش گفتم طرفی که می خوام دست بندازمش دوستمه و جای دیگه ای عکست پخش نمی شه، اوکی شد.

- چه سوال هایی از شما پرسید؟

مثلاً اولش با تعجب گفتش که امیرحسین جان من می خوام بری با کی صحبت کنی یا مثلاً این که می گفت امیرحسین واسم شرّ نشه و اینا... ولی من بهش گفتم چیزی نمی شه و طرفی که می خوام دستش بندازم دوستمه، دیگه راضی شد».

آرشام ۲۳ ساله هم در بیانات خودش خاطرنشان می سازد، وی در قسمتی از گذران فراغت خودش، با سرکار نهادن پسران مختلف با صفحه قلابی که تهیه کرده است، خود را سرگرم ساخته و اسباب نشاط (!) خویش را فراهم می آورد:

«- اون پیج های فیکه که داری از جنس پسر هستند؟

دو تا شون خیر، یکی شون بله.

- از پیج های فیکه که به عنوان دختر درست کردی، دقیقاً چه استفاده هایی داری؟

بعضی اوقات از روی سرگرمی، البته حقیقتاً من جلو نمی رفتم، پسرا بهم پیام می دادن، چون عکس دختر داشتم و اینا، بعد منم بعضی اوقات که حوصله ام سر می رفت، باهاشون صحبت می کردم، حتی رابطه برقرار می کردم».

نسترن ۱۷ ساله و مرجان ۲۱ ساله، در مصاحبه های جداگانه خودشان از ابتدالی که در جریان گذران فراغت شان بدان گرفتار آمده اند، یاد کرده اند.

نسترن در مصاحبه خویش اظهار می دارد، وی برای ارضای هیجانی خودش، با دنبال کردن شاخ های فضای مجازی و مشاهده چگونگی دعوا و مرافعه آنان، به هیجان لازم دست می یابد:

«- شاخ ها چه کسانی هستند و چرا بهشون شاخ می گی؟

اولاً که همه بهشون شاخ می‌گن، چون مثل شاخ حیوون‌ها که بالای سرشون هستند و همه می‌بینند، این‌ها هم یک جورایی تابلو هستند دیگه و فکر کنم به خاطر همین بهشون شاخ می‌گن.

- به نظرت مهم‌ترین ویژگی شاخ‌های مجازی چی هست؟

مسخره بودنشون و کل‌کل‌ها و دعوای بی‌موردشون و عجیب بودنشون!

فکر نکنم واقعاً کسی از این جور آدم‌ها از اعماق قلبش خوشش بیاد، چون چیزی برای دوست داشتن - شون وجود نداره و اگه کسی هم مثل من دنبال شون می‌کنه، به خاطر این نیست که دوست شون داره، نه، به خاطر این که می‌خوایم بفهمیم که خب بعدش چی می‌شه؟!

- می‌خواهی ادامه چی رو بفهمی؟

آقا اینا از قصد یک دعوی رو راه می‌اندازند یا یک کار عجیب می‌کنند یا لایو با شاخ‌های دیگه می‌گیرند و سر همین آدم، می‌خواد بدونن چی می‌شه دیگه، هیجان داره».

مرجان نیز در بیانات خودش خاطرنشان می‌سازد، وی و دوستان هم جنس و غیر هم جنس خودش، دست به بازی‌هایی شبیه بازی جرأت - حقیقت می‌زنند و برای افزایش هیجان بازی، گاهی قدر مشروب هم صرف می‌کنند تا در جریان بازی، هر کس کُنه ذهن خویش را بیرون بریزد:

«چه طوری به کسانی که فقط توی اینستاگرام باهاشون حرف زدی و شناخت نداشتی، اعتماد می‌کنی؟

خوب آخه چند ماه با هم حرف زدیم و تو کامل می‌فهمی طرف چند مرده حلاجیه، بعد تنهایی کم‌تر رفتم پیش شون، بیش‌تر قرارامون اکیپیه، گفتم که یه اکیپ دختر و پسریم، چه من با یکی آشنا شم، چه دوستانم، آدشون می‌کنیم توی گروه با هم، واسه بازی کردن.

- چه بازی انجام می‌دین؟

توی جمع‌های زیاد، جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن.

- کجا بازی می‌کنید؟

تا قبل کرونا کافه می‌رفتیم یا خونه یکی جمع می‌شدیم، الانم می‌ریم، ولی بیش‌تر توی گروه بازی می‌کنیم، گروه واتساپ یا اینستا.

- خونه‌ی کی می‌رفتین؟

یکی، دو تا از بچه‌ها مامان و باباشون آخر هفته‌ها می‌رفتن باغ‌شون، خونه خالی می‌شد، همه می‌رفتیم، چون توی کافه شلوغ بود، نمی‌شد زیاد بازی کنیم و مسخره بازی دربیاریم، خونه راحت‌تر بود.

- بعد توی جرأت حقیقت دقیقاً چه کار می‌کنید؟

جرأت حقیقت آگه با غریبه‌ها بازی کنی، لوسه، یعنی سوالی لوس از هم می‌پرسن، ما لوس بازی نمی‌کنیم.

- لوس بازی کردن چه طوری هست؟

مثلاً از هم می‌پرسن چند سالته، چندتا بچه هستید، جرأت حقیقت اصلاً لوس باشه، هیجان نداره، ولی می‌تونه معقول باشه.

- فرق معقول با لوس چی هست؟

معقول یه کم خلاقیت و هیجان قاطیش می‌کنیم، مثلاً آگه یه خونه آتیش بگیره، بین این دوست و کراشت کی رو انتخاب می‌کنی یا بین دوست و یک میلیارد یا فکر کن آخرین ساعت زندگیته، آگه یه اسلحه داشتی کی رو می‌کشتی، اینا معقول هستن، غیرمعقول هم هست که اون بیش‌تر سوالی جنسیه، ولی درجه‌بندی داره.

- یعنی چی درجه‌بندی داره؟

از ساده شروع می‌شه، هر چی می‌ره جلوتر بدتر می‌شه، یخت هم آب می‌شه.

- می‌تونن چندتا مثال برای سوال‌های غیرمعقول بزنی؟

تعداد پارتنرات رو بگو، توی این جمع از کی خوشت میاد، آخرین باری که مخ زدی یا رل زدی، بعد دیگه بدتراشم این طوریه که رفتی خونه پسر، رابطه داشتی تا حالا.

- شما بیش‌تر کدوم سوال‌ها رو از هم می‌پرسین؟

اوایل که تازه اکیمون زیاد شده بود و آشنا نشده بودیم با هم زیاد، معقول می‌پرسیدیم، دیگه الانا یخمون آب شده، ما هم همه جور سوالی می‌پرسیم.

- توی جرأت چی، جرأت هم انجام می‌دید؟

آره.

- برای جرأت چه کار می‌کنید؟

جرأت وقتی هم رو می‌بینیم بهتره، می‌تونن کلی کارای خلاقانه‌تری بگی، ولی بچه‌های ما کارای چندش انجام نمی‌دن، تهش این بود که بوس کنید هم رو (می‌خندد).

- الان که زیاد هم‌دیگه رو توی گروه نمی‌بینید، پس جرأت زیاد انجام نمی‌دید؟

چرا، ما حتی مجازیم باشه، باید کرم‌مون رو بریزیم.

- مثلاً چه کار می‌کنید؟

به دخترا می‌گن عکس بده از خودت، عکس یهویی یا جلو آینه از هیكلت، اگه خیلی بد باشه، می‌گیم عکس بده از سوتینت، به پسر می‌گیم آرایش کن، یه رژ بزن، عکس بده یا اسمت رو واسه چند روز توی واتس‌اپی، اینستاپی چیزی، تغییر بده، یه اسم خیلی خنده‌دار بذار.

- بعد همه هم انجام می‌دن و از خودشون عکس می‌فرستن؟

آره، همه مون خیلی اوکیم با هم و واقعاً باجنبه اند همه شون.

- اون یکی بازی که گفتی چه طوری هست؟

اون که خداس، این جوریه که من یه کاری رو که نکردم می‌گم، مثلاً من رو علی کراش ندارم یا یه کار دیگه، حالا هر کی که روی علی کراش داشته باشه یا اون کار رو انجام داده یه سیپ می‌خوره و دستش رو می‌شه.

- سیپ چی هست؟

ینی یه قلپ از درینکت.

- یعنی نوشیدنی و مشروب می‌خورید؟

لازمه‌ی این بازی اینه، توی کشورای دیگه این طوری بازی می‌کنن، ولی ما بعضی وقتا واسه هیجان بازی مشروب میارن بچه‌ها، اگه مشروب نداشته باشی با انگشتای دست انجام می‌دی، هر کی اون کار رو انجام داده باشه یکی از انگشتاش رو می‌خوابونه، بیش‌تر این طوری بازی می‌کنیم.

- شما بیش‌تر مشروب میارید یا با انگشت بازی می‌کنین؟

بیش‌تر مشروب، ولی کم می‌خوریم.

- این بازی خارجیه، درسته؟

آره، دوتاش ایرانی نیست، ولی خوب جرأت حقیقت رایج‌تره، این رو کم‌تر دیدم بازی کنن.

- از کجا یاد گرفتین؟

من خودم از دوستانم یاد گرفتم.

- همیشه دوره هم جمع می‌شید، مشروب می‌خورید یا فقط به خاطر این بازی هست؟

نه، فقط به خاطر بازی.

- شما خودت مشکلی نداری با این بازی و مشروب خوردن؟

نه، اصلاً، چون یه کم که مشکلی پیش نیاره، فقط واسه هیجانشه، گفتم که».

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به این که گذران فراغت وی در فضای مجازی، در عمل به علایق و خریدهای وی نیز جهت خاصی بخشیده اند، به نکته مهمی اشاره دارد که نباید آن را از

نظر دور داشت که در هر صورت کاربری از فضای مجازی در گذر زمان، عینک خاصی بر روی چشمان کاربران قرار می‌دهد که از ورای آن عینک (که می‌توان از آن با عنوان عینک یا فیلتر اینستا یا کرد) به جهان اطراف خویش بنگرند:

«به نظرت زندگی از زمانی که اینستاگرام رو نصب کردی، تغییری کرده یا نه؟

آره، اما نه از همه جنبه‌ها.

- می‌شه بیش تر توضیح بدی؟

خب اینستا تغییری توی عقاید من به وجود نیاورده، اما مدل تفریحاتم و خرید کردنم عوض شده، اونم تازگیا، نه از همون اوایل.

- می‌شه برای این تغییرات مثال بزنی؟

کلی بخوام بگم، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند (طبق مد) رفتار می‌کنم.

- مثل چه کارهایی؟

مثلاً تازگیا موهام رو کوتاه کردم، چون دیدم مد شده یا این که دیگه مثل خارجیا فقط لباس مارک می‌پوشم، چون اونا معتقدن که نمی‌تونیم همه‌اش پول لباس بدیم، پس لباس مارک می‌خریم که دیرتر خراب بشه یا مثلاً جدیداً رقص‌های مختلف همه‌اش توی اینستا می‌بینم، من اونا رو تمرین می‌کنم».

مواجهه کاربران با فضایی مالامال از هیجان در اینستاگرام

در فضای واقعی، در مجموعه رفتارهای افراد و تعامل‌های بین فردی آنان، رفتارهای عقلانی بیش تر و رفتارهای هیجان زده کم تر ملاحظه می‌شوند، دلیل این امر هم عمدتاً به مواردی مانند: مشخص بودن هویت افراد در روابط بین فردی و اجتماعی، وجود سازوکارهای تهاجم‌شکن در روابط

۱- انسان‌ها و حیوان‌ها از سازوکاری با عنوان مکانیزم‌های تهاجم‌شکن برخوردار هستند. این سازوکارهای زیستی در عمل مانع از شدت گرفتن تهاجم و پرخاشگری انسان‌ها و حیوان‌ها نسبت به یک‌دیگر می‌شود. به عنوان مثال، وقتی دو گرگ، گوزن یا زاغ بر سر قلمرو یا جفت با دیگر به رقابت می‌پردازند، گرگ‌ها در صدد آسیب زدن به شاه رگ گرگ مقابل خود برمی‌آیند، گوزن‌ها می‌کوشند با شاخ‌هایشان، پهنای بدن گوزن مقابل را هدف قرار دهند و زاغ‌ها می‌کوشند به پس سر زاغ مقابل، ضربه مهلک خود را وارد کنند، اما وقتی یک گرگ یا گوزن یا زاغ شکست را در جریان نبرد پذیرفت (و در واقع قلمرو یا جفت مورد نظر را

رودررو، حاکمیت داشتن قانون در جامعه و مجازات افراد خاطی توسط قانون و نظایر آن است، اما در فضای مجازی، به دلایل زیادی رفتارهای عقلانی کم‌تر از رفتارهای مشابه در جهان واقعی و رفتارهای هیجانی بیش‌تر از موارد مشابه، در جهان واقعی به نظر می‌رسند.

یکی از دلایل فزونی گرفتن رفتارهای هیجانی در فضای مجازی امکان ناشناس ماندن هویت فرد در روابط است. کاربران فضای مجازی به سادگی می‌توانند هویت خود را ناشناس نگه داشته و یا با استفاده از هویت قلابی، در روابط و تعامل‌های فضای مجازی حاضر شوند.

علت دیگر بیش‌تر پیش‌بینی شدن رفتارهای هیجانی در فضای مجازی، نبود سازوکارهای تهاجم شکن، در غالب روابط ایجاد شده در فضای مجازی است، فقدان وجود سازوکار تهاجم شکن در روابط فردی به سهم خود محرکی در جهت برخوردهای نامعقول، هیجان زده و به دور از منطق خواهد بود. مضاف این که حاکمیت قانون در فضای مجازی کم‌رنگ‌تر بوده، به اعتراف مسوولان امر، غالب تخطی‌های انجام شده در فضای مجازی از چنگ قانون می‌گریزند و ضعف قانون، محرک بسیاری از کاربران در مبادرت ورزیدن به رفتارهای زورمدار و غیرعقلانی و هیجان‌مدار خواهد بود. از سوی دیگر برخی از افراد، عرصه فضای مجازی را به مثابه عرصه‌ای جهت تخلیه روانی خود در نظر گرفته و فارغ از اغیار در این فضا به برون‌ریزی ناراحتی‌ها و ناکامی‌های خود مبادرت می‌ورزند. نکته دیگری که در همین راستا قابل ذکر است، تحقق هیجان‌جویی مرضی در فضای مجازی است. به این معنا که به سبب عدم تمهید امکانات لازم جهت ترضیه هیجانی شهروندان در محیط ایران، بسیاری از افراد برای ارضای هیجان‌جویی خویش امکانات فضای مجازی را جایگزین فقدان امکانات جامعه کرده، با مبادرت ورزیدن به رفتارهای خاص (و گاهی رفتارهای آزاررسان به دیگران)، در عمل هیجان‌جویی خویش را در اشکالی نامتعارف و به تعبیری مرضی محقق می‌سازند. سرانجام عامل پذیرش تولید کاربران، عامل مهمی در فزونی گرفتن برخوردهای هیجانی در فضای مجازی است، زیرا در فضای مجازی، برخلاف فضای واقعی که غالباً افراد متشخص نظیر عالمان،

به حریف واگذاشت)، در این حالت گرگ مغلوب شاه رگ خویش، گوزن شکست خورده، پهنای بدن خود و زاغ بازنده، پس سر خود را روبروی حریف قدر قرار می‌دهند که اتفاقاً در همین لحظه، تهاجم طرف مقابل، فروکش کرده، جنگ آن‌ها به صلح می‌گراید. در انسان‌ها نیز سازوکارهای تهاجم‌شکن وجود دارد. یکی از این سازوکارها، نگاه انسان‌ها به یک‌دیگر است. نگاه یک انسان به چشم انسان مقابل، مانع از شدت گرفتن پرخاشگری وی می‌شود، اما در غیاب مکانیزم تهاجم‌شکن اخیر، انسان‌ها ممکن است به سادگی دست به هر نوع پرخاشگری ممکن در ارتباط با افراد فراروی‌شان بزنند.

هنرمندان، ادیبان و مانند آن‌ها دست به تولید محتوا می‌زنند، در در صفحات وب هر کاربری مجاز به تولید محتوا و بارگذاری در آن است که طبعاً در شرایط اخیر با کاستی گرفتن تولیدهای علمی، هنری، ادبی و نظایر آن‌ها که از عهده شهروندان معمولی خارج است، تولید محتواهایی با بار منطقی اندک و بار هیجانی زیاد مورد انتظار است.

مرجان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، طرفدار یکی از تیم‌های فوتبال است و در جریان مسابقات این تیم در فضای مجازی دست به کل‌کل کردن با طرفداران تیم مقابل می‌زند (که بالطبع چنین رفتاری در جهان خارج با محدودیت برای جنس مؤنث توام خواهد بود):

«بعد شما چه طوری آدم‌های بی‌جنبه رو از باجنبه تشخیص می‌دی و باهاشون بحث نمی‌کنی؟ بحث و کل‌کل پیش میاد، مثل کل‌کل بین فوتبالیها، من خودم استقلالیم با هزارتا پرسپولیس کل‌کل کردیم، وقتایی که بازی باشه، کافیه یکی استوری بذاره، طرف‌دارای تیم مقابل فوری میان دایرکت کل‌کل می‌کنیم، ولی خیلی مؤدبانه و ناراحتی هم پیش نیما، ولی یه سریا خیلی بددهن و بی‌جنبه اند، قشنگ قهوه‌ایت می‌کنن و اصلاً ظرفیت ندارن، منم هر کسی که استوری کل‌کل فحش بذاره یا توی دایرکت باهام بد صحبت کنه و دوست نزدیک باشه یا نباشه، حذفش می‌کنم و دیگه بحث نمی‌کنم. نکات منفی اینستاگرام چی هست؟

چیزی که زیاد شده توی اینستا، کامنتای فحشه، الان برو کامنت یه پست رو ببین، همه دارن بهم فحاشی می‌کنن».

مهسای ۱۶ ساله که در مصاحبه‌اش به روایت کاربری خویش از فضای مجازی در ۸ سالگی پرداخته است، به نوعی از تأثیر ناشناس ماندن در فضای مجازی و تبعات بعدی این مسأله، به شرح زیر یاد کرده است:

«کسی تا حالا توی پیج نیامده بود که حرف نامناسبی زده باشه یا توهین کرده باشه؟ امممم... آره، مثلاً یه وقتایی... چون دختر خاله‌ام خیلی دنبال دعوا بود، مثلاً می‌رفت با یه پیج دعوا می‌کرد، اونا هم می‌اومدن توی دایرکت به ما فحش می‌داد، ما جوابشون رو می‌دادیم، اونا هم می‌رفتن دوستاشون رو می‌آوردن، یه وقتایی هم پسرا می‌اومدن و این چیزا...»

– می‌تونن یک مثالش رو بگی؟

از دخترا یا پسرا؟

– از هر دو.

یادم نمیاد جزئیاتش چی بود، ولی یادمه که با دخترا دعوا می‌کردیم، پسرا هم قاطی دعوا می‌شدن، بعد من نمی‌دونم دختر خاله‌ام از کجا این همه دعوها رو پیدا می‌کرد، بعد دختر خاله‌ام بهم زنگ می‌زد که بیا مهسا دعوا شده.

- موقع دعوا چه چیزهایی می‌گفتین؟

(با خنده و تن صدای آرام‌تر) فحش می‌دادیم.

- مثلاً چه فحش‌هایی؟

آخه اصلاً نمی‌تونم کلمه‌اش رو بگم، پسرا خیلی فحشای بد می‌دادن، حالا باز دخترا مثلاً می‌گفتن احمق، ولی پسرا فحش رکیک می‌دادن.

- گفتمی پسرها قاطی دعوا می‌شدن، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

من که نمی‌شناختم، ولی دختر خاله‌ام توی وایبر باهاشون توی یه گروه بوده، نمی‌دونم واقعاً...، می‌رفت باهاشون دعوا می‌کرده، نمی‌دونم واقعاً...

- منظورت این دعوایی هست که آدم‌ها فقط کل‌کل می‌کنن؟

آره، آره.

- حالا توی دعوا از چه کلمه‌ها و فحش‌هایی استفاده می‌کردن؟

مثلاً یکیش خنگ و یه چیزی که الان توی ذهن من هست، این بود که یه پسره گفتش که چیزت اگه چشم داشت، روی صورتت بود (خنده)، معصومیت من برای این فحشا آماده نبود (کلمات جمله آخر بسیار ناواضح تلفظ شد) یا مثلاً از این فحشای ناموسی می‌دادن، مادرت رو، خواهرت رو، این - جور چیزا...

- شما رو دختر خاله‌ات عضو گروه کرد؟

آره.

- بیش‌تر توی گروه دعوا می‌شد؟

نه، بعد از یه کم دعوا سریع لفت می‌دادیم، راجع به گروه هم، من زیاد توش نمی‌رفتم، یادم نیست واقعاً، بیش‌تر موقعی می‌رفتم که دختر خاله‌ام می‌گفت، موقع دعواست... (خنده)، همین چت عادی شون رو اصلاً نمی‌رفتم.

- بعد که از اون گروه لفت می‌دادین و گروه رو ترک می‌کردید، چی می‌شد؟

یه گروه دیگه می‌زدیم، (خنده) بعد دوباره همه از اول شروع می‌شد، چت می‌کردیم...».

ساره ۲۰ ساله و اشکان ۲۱ ساله، در گزارش خودشان به نوعی از تولید محتواهای هیجان‌زده و بی‌منطق افراد غیرفرهیخته که در فضای مجازی حاضر شده‌اند، یاد کرده‌اند:

«- به نظرت چه سنی برای نصب اینستاگرام مناسب هست؟

خود اینستا که می‌گه سیزده سال، ولی به نظر من فضای مجازی (نه فقط اینستا) کلاً بستگی به این داره که طرف چه جوریه باشه، به سن نیست، مثلاً یکی ممکنه دوازده سالش باشه و گول نخوره یا یکی ممکنه سی سالش باشه و گول بخوره و آسیب ببینه، ولی کلاً زیر سیزده، چهارده سال اکثراً جنبه ندارن، یا براشون مناسب نیست.

- چی باعث شد که فکر کنی برخی جنبه ندارن؟

خب باعث خیلی از این دعوای مجازی، به نظرم این جور بچه‌ها هستن که هیچی نمی‌دونن، مثلاً طرف دارهای تعصبی ماکان بند یا تلو و یا بعضی از این شاخا، مثل نیکا و چه می‌دونم این دختره دیانا، خیلی‌ها هم میان برای دیده شدن کلیپ درست می‌کنن با تقلید از این شاخای مجازی، بعد بقیه میان مسخره‌شون می‌کنن، باز دست بردار نیستن، واقعاً نمی‌فهمم خانواده‌های اینا دارن چه غلطی می‌کنن».

«- دعوایی که به اینستاگرام می‌کشیدن، چه طوری بودن؟

اوه، اوه، ته حاشیه بودن. توی مدرسه سر چیزای ساده دعوا می‌کردن. بعد دو نفری که دعوا می‌کردن یه سری دوست داشتن که اونا هم باهم مشکل پیدا می‌کردن. بعد از فردا شروع می‌کردن هر روز استوری می‌داشتن به هم تیکه می‌انداختن فحش می‌دادن و رفتارای عجیب نشون می‌دادن. البته بعضاً این دعوای اینستاگرامی عجیب‌تر می‌شدن و سعی می‌کردن بگن شاخ‌تر و خفن‌تر هستن توی مجازی».

رضای ۱۸ ساله و نرگس ۲۰ ساله هم در مصاحبه‌های جداگانه خویش از افراد بی‌محتوایی یاد کرده‌اند که روی موج‌های هیجانی اینستا حرکت کرده، با برخوردهای هیجان‌زده و سخیف خویش، به نمایش خود در فضای مجازی پرداخته‌اند:

«- تا حالا شده خودت رو با افراد داخل اینستاگرام مقایسه کنی؟

خودم نه، ولی اتفاق افتاده که به درآمد عجیب غریب افراد که از طریق اینستا درمیارن، اونم بدون هیچ خلاقیت خاصی فکر کنم و ذهنم درگیر بشه. الان دوتا دختر اومدن فقط واسه این که راجب

ماشین یه چی گفتن، به خاطر لهجه‌شون معروف شدن، اول همه مسخره‌شون کردن، ولی حالا دارن تبلیغ می‌کنن.

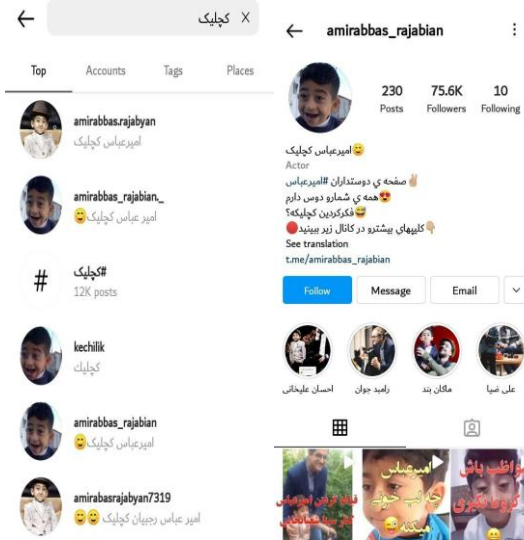
- چی می‌گفتن یادت هست؟

آره، می‌گفت: «روی سنگ گبرم بنویسید، اگه عشقک ماشین نبود، شاید دیگه گبری نبود»، واسه این که یه گبری گفت و اون یکی به جای قول بده، می‌گفت گول بده، همین جورى الکی معروف شدن، همه‌ی پیجای فان، کلیپای اینا رو گذاشتن، اول مسخره‌شون می‌کردن، بعد همه رفتن فالوشون کردن، توی کامنت‌های این پیجای فان، همه می‌نوشتن کسی آیدی پیج اینا رو نداره، همین جورى واسه هیچی، الان با حدود ۹ هزار فالور می‌تونن به راحتی پول دربیارن، مثل همون بچه که یه کچلیک گفت، چه قدر معروف شد.



- جریان کچلیک چی هست؟

چند سال پیش از یه بچه فیلم گرفتن، می گفت کچلیک خوردم و این چیزا، بعد یهو فیلمش همه جا پخش شد، بعد دیگه می رفت با گلزار و برنامه احسان علیخانی و کارای دیگه کرد، الان پیج اینستاگرام داره ۷۵ کا، تبلیغ می کنه، اینم مثل بقیه حالا هیچ استعدادی نداره.



حتی براش فن پیج زدن، اون فن پیجاشم تبلیغ می ذارن، از طریق این پول درمیارن. برای هلیای قمه کش هم الان بعضی ها حتی فن پیج زدن و طرفداریش رو می کنن».



«توی اطرافیات کسی رو دیدی که از سنین پایین اینستاگرام داشته باشه و تأثیراتش رو ببینی؟
آره، مثلاً از ۱۰، ۱۱ سالگی اینستا دارن و خب می‌شن همینایی که می‌نشینن محتواهای بی‌معنی دنبال
می‌کنن، چالش‌های مسخره، مثلاً توی مدرسه گوشی میارن، از توی مدرسه از بچه‌ها بدون اجازه
فیلم می‌گیرن، استوری می‌ذارن، بعد بچه‌ها مثلاً می‌بینن استوری شدن، خب جالب نیست دیگه، ولی
خودشون فکر می‌کنن بامزه اند.

- مثلاً چه فیلمی؟

نمی‌دونم، مثلاً طرف داره درس جواب می‌ده، فیلمش رو می‌گیرن می‌ذارن، داره تغذیه می‌خوره،
عکسش رو با فیلترای مسخره می‌گیرن می‌ذارن، مثلاً یک میمونه که بیکینی پوشیده، صورت طرف
رو در حال درس جواب دادن می‌اندازن روی اون و استوری می‌کنند، بدون اجازه، خب قشنگ
نیست دیگه آدم با دوستاش این کارها رو کنه.

- تا به حال با شما هم این کار رو کردن؟

من یک بار سر همین فیلتر که روی دوستم گذاشته بودن و استوری کرده بودن، اعتراض کردم و
بهشون چیز گفتم، بعد فرداش با خودم این کار رو کردن و روش نوشتن خانم غرغرو، من اون موقع
اینستا نداشتم، دوستم بهم نشون داد.

- بعد شما چه کار کردی؟

هیچی، وانمود کردم ندیدم، چیزی بگی بدتر می‌کنن، کلاً باهاشون همراه نباشی دهنِت سرویسه (می‌خندد).
آره دیگه، سنش خیلی مهمه، نباید اینستا رو دست بچه داد، وای یا وقتی کلاس زبان می‌رفتم، یکی
از بچه‌ها بود از همه کوچک‌تر بود، شاید ۹ سالش اینا بود که می‌دیدم تا معلم بیاد، داره اینستا چک
می‌کنه، اصلاً عجیب بود، حس می‌کردم دلش می‌خواست فاز بزرگ‌تر تری بگیره، چون خیلی هم
کوچولو و ریزه میزه بود، برای همین با فیلتر و اینا عکس می‌گرفت که خودنمایی کنه و شاید به کم
بزرگ‌تر به نظر برسه، خب اینا الکی زود بزرگ می‌شن دیگه، بچگی نمی‌کنن، انگار فقط یک چیزی
دیده باشن و بخوان تکرارش کنند».

روژان ۱۷ ساله هم با تذکر موج‌های اینستاگرامی که در پی هر حادثه قابل توجهی به شکل پی در پی
در اینستا پدید می‌آیند، از هماهنگ شدن برادرش با این موج‌های هیجانی به قرار زیر یاد کرده است:

«برادرت رابطه‌ی عاطفی‌ای توی اینستاگرام نداره؟

نمی‌دونم، اون این قدر مرموزه که نگوا! همه چیش رو از ما قایم می‌کنه، نه تنها مامان و بابام، بلکه من
و خواهرمم اصلاً نه پیچش رو داریم، نه می‌دونیم این بچه یازده ساله داره چه کار می‌کنه، هر چند

وقت یه بار اصلاً آیدیش رو عوض می‌کنه، به خاطر همین من اصلاً نمی‌دونم پیدش کدومه و با کدوم عکسه. یه موقع عکس کارتونی می‌ذاره، بعد آیدی رو عوض می‌کنه عکس یه پسر خارجی می‌ذاره، اصلاً هر چی... حالا نمی‌دونم این کار رو برای تنوع می‌کنه یا واقعاً دلیلی داره که این قدر تغییر می‌ده. مثلاً یهو بعضی اوقات همه عکساش رو پاک می‌کنه و انیمیشن می‌ذاره، بعد همه اونا رو پاک می‌کنه بازیگرا رو می‌ذاره، تنها چیزی که ندیدم بذاره، عکس خودش!

- نظر خودش چی هست؟

چند بار ازش پرسیدم، ولی هر بار می‌گه که دوست داره متناسب موج اینستا عمل کنه. یعنی مثلاً الان بازی اسکویید گیم این جوری معروف شده، برداشته دوباره همه پستاش رو پاک کرده، عکسای اون سریالا و فیلم و کلیپ سریال و بازیگراش رو می‌ذاره و کلاً ثابت نیست. مثلاً اون موقع که سریال زخم کاری خیلی معروف شده بود، همه‌اش پستایی راجع به همین جواد عزتی رو می‌داشت، بعد دیگه پستاش شد ۱۰، ۱۲ تا همه رو پاک کرد، یه چیز جدید گذاشت».

رقابت در جهت به دست آوردن هر چه بیش‌تر کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر

رقابت در جهت به دست آوردن هر چه بیش‌تر کسب هوادار (فالور)، پسند (لایک)، دیده شدن (ویو) و دریافت اظهار نظر (کامنت) از دیگر تبعات بارز کاربری از اینستا به شمار می‌رود. درباره فضای مجازی باید بیان داشت که این فضا، امکانات جدیدی را برای بشر فراهم آورده است و انعکاس امکانات جدید در زندگی روزمره افراد، به صورت ظهور و بروز برخی از تحول‌ها در روابط بین فردی و اجتماعی تحقق یافته است.

طرفداری و هواداری جدی از سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی در فضای مجازی، از جمله تحول‌های اجتماعی است که سایه گستر شدن فضای مجازی در شکل‌گیری آن ذی نقش بوده است. به این معنی که در جهان واقع نیز مقوله طرفداری از مهره‌های مشهور اجتماعی وجود دارد، اما اشتغالات روزمره افراد، بعد فاصله‌ای موجود بین هواداران و افراد مورد علاقه، مشکلات تردد، ضیق وقت افراد در زندگی روزمره و نظایر آن‌ها، مانع از نمایش طرفداری جدی افراد از چهره‌های مشهور مورد علاقه‌شان می‌گردد.

فضای مجازی با حذف فاصله‌های فیزیکی و رفع مشکلات تردد، تسهیل اعلان نظر، امکانات روی خط و غیر روی خط (آنلاین) و نظایر آن‌ها، در عمل امکان گردآمدن هواداران در فضای مجازی حول چهره مورد علاقه کاربران را فراهم آورده و در آن تسهیل ایجاد کرده است.

از سوی دیگر دنیای سرمایه‌داری به سهم خویش در مواجهه با امکانات فضای مجازی در صدد بهره‌برداری از این امکانات در جهت پیش‌برد منویات خویش برآمده است. از این رو در جست‌وجوی کارآترین روش‌های تبلیغاتی در فضای مجازی، متوجه هواداران و فالورهای چهره‌های شاخص فضای مجازی شده، با عقد قرارداد با این افراد، جهت انجام تبلیغات مورد نظر وی، به آنان بر مبنای میزان هواداران‌شان پول می‌پردازد.

تحقق شرایط اخیر سبب شده است سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، به مقوله هواداران و فالورها به دو صورت عرصه‌ای جهت نمایش محبوبیت خویش و عرصه‌ای برای به دست آوردن پول ناشی از تبلیغات، بنگرند.

برخی از چهره‌های مورد توجه اجتماعی هم برای القای محبوبیت بیش‌تر خود، با خرید فالورهای قلبی و فیک، در صدد تحقق خواست اخیر خودشان برآمده‌اند، همان‌گونه که برخی از چهره‌های اخیر (خاصه شاخ‌های مجازی) زنده بودن خودشان را در نتیجه ایجاد حواشی مختلف در حول و حوش خودشان می‌دانند و با حاشیه‌سازی‌های گوناگون، سعی در معطوف کردن چشم دیگران به سوی خودشان می‌کنند.

از سوی دیگر، کاربران عادی نیز با مشاهده بلاگرها یا شاخ‌های مجازی که بدون برخورداری از هیچ هنری، تنها و تنها با حاشیه‌سازی‌های مختلف در صفحات خود، به پول فراوان تبلیغات رسیده‌اند، تحریک می‌شوند که با توسل به انواع راهکارهای مرسوم و غیر مرسوم در جذب هوادار و فالور به جایی برسند که صفحه آن‌ها بتواند از ظرفیت پذیرش تبلیغات از سوی این و آن برخوردار شده، به پول دست یابند.

نسترن ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به دنیا جهان‌بخت که بدون آن که به جز بدنش، سرمایه‌ای داشته باشد، با حاشیه‌پردازی‌های مختلف (نظیر تلاش برای خودکشی در برابر چشم بسیاری از افراد و یا پناه بردن از آغوشی به آغوش دیگر)، هواداران خویش را به هواداران میلیونی تبدیل کرده است، بیان می‌دارد:

«دنيا الآن ۷ ماهشه و مهراڊ گذاشت رفت!

- رفت؟

بله رفت، یهو دیدیم دنیا خانم دوباره شروع کرده به گریه که وای حالا من چه کار کنم، مهرداد برگرد، ما الآن یک بچه داریم، مگه خودت اسمش رو آرتام گذاشتی و از این حرف‌ها.
- چی؟

واکنش منم همین بود، دقیقاًها؟ واقعاً داشتن فالور چه قدر مهمه که این طور خودشون و زندگی شون رو مسخره می‌کنند. موقعی که مهرداد رفت، فالورهای دنیا ۷ یا ۸ میلیون بود، ولی الآن ۱۳ میلیون! ریحانه ۱۸ ساله و نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خودشان با اشاره به تنی چند از بلاگرها و شاخ‌های مجازی، از تلاش وافر آنان برای حاشیه‌سازی و جذب فالور به قرار زیر یاد کرده اند:
- دوستت به چه صورتی تبادل انجام می‌ده؟

یعنی میاد با پیجایی که تقریباً فالوراش هم اندازه‌ی مال خودشه، صحبت می‌کنه، می‌گه من اسم پیج شما رو می‌ذارم فالوت کنن، شما هم اسم پیج من رو بذار فالوم کنن، این طوری کم کم فالور می‌گیره.
- پول هم این وسط رد و بدل می‌شه؟

پول برای زمانیه که بخوای به یه پیجی که خیلی بالاتر از خودته بسپری که پیجت رو تبلیغ کنه، نه این که دوتا پیج هم سطح، تبلیغ هم رو کنن.

- تا حالا به پیج‌های بالاتر از خودش هم پول داده که تبلیغ کنن؟

نه، هنوز می‌خواد یه کم فالوراش زیادتر بشن، مثلاً برسه به ۸۰۰۰ تا، بعدش این کار رو کنه، فعلاً هم که برای تبلیغ دادن پول نداره، باید کم کم جمع کنه پولاش رو، چون این بلاگرا بابت تبلیغ پیجت خیلی پول می‌گیرن.

- مثلاً چه قدر می‌گیرن؟

مثلاً یه بلاگر معمولی بخواد پیجت رو استوری کنه، بابت هر استوری که واست می‌ذاره، ۳ میلیون می‌گیره، بخواد پست کنه ۵، ۶ میلیون تومن، تازه این برای وقتی که طرف بلاگر معمولیه، نه از این بلاگر خفنا.



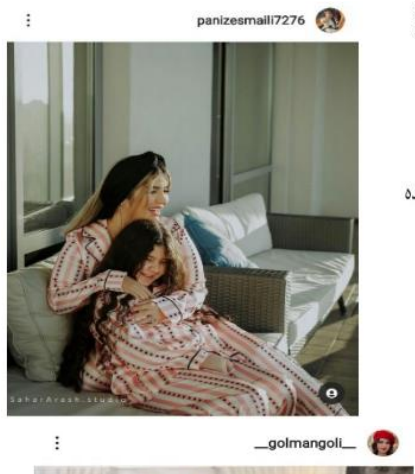

- بلاگر خفنا کی هستن؟

خب اینا که پیجاشون ۱ میلیون به بالا فالور داره، معمولاً بابت هر پست و استوری ۱۵ میلیون به بالا می‌گیرن.

- مثال می‌زنی؟

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری / ۳۴۰

خب مثل گیتاهوم، والده مامان پانیند اسماعیلی، گل منگولی و خیلیای دیگه که زیادن، اونایی که ارزون می‌گیرن فالوراشون مثلاً ۲۰۰ کا، ۳۰۰ کا هستش، و گرنه اونایی که گرون می‌گیرن، فالوراشون بیش تره.

 <p>gitaa.home →</p> <p>۱۷۶ هزار ۹۳۴ ۵۰۲ دنبال‌شونده دنبال‌کننده پست</p> <p>گیتا قراره کنار هم کلی شاد باشیم خوش اومدین جهت همکاری royalmarketing.gp@ gitaa.home2@</p>	 <p>panizesmaili7276 →</p> <p>۱۸۳ ۲,۳ میلی... ۴۸ دنبال‌شونده دنبال‌کننده پست</p> <p>Paniz Esmaili بازیکر g.co/kgs/PYBtjX</p>
 <p>_golgangoli_ →</p> <p>۳۵۸ ۱ میلیون ۲۰۱ دنبال‌شونده دنبال‌کننده پست</p> <p>۹ بهم بگین غاطی ۹ وبلاگ شخصی خدا یا نگاه کن، بانگاهه تو تمام آسمانم پراز شهاب میشود پیشتر linktik.com/golgangoli</p>	 <p>_golgangoli_ →</p> <p>۳۵۸ ۱ میلیون ۲۰۱ دنبال‌شونده دنبال‌کننده پست</p> <p>۹ بهم بگین غاطی ۹ وبلاگ شخصی خدا یا نگاه کن، بانگاهه تو تمام آسمانم پراز شهاب میشود پیشتر linktik.com/golgangoli</p>

- چرا این قدر گرون می گیرن؟

خب بین چندتا دلیل هست این وسط، اول این که تو وقتی فالوروات خیلی زیاد باشن، وقتی برای کسی میای تبلیغ می کنی، قطعاً اون طرف بازخورد بهتری خواهد داشت، بعدم این که اکثر اینایی که گرون می گیرن، یه حاشیه‌ای اول درست می کنن که خیلی به معروفیت شون افزوده می شه، برای خاطر اون معروفیته، نرخ شون هم می ره بالاتر.

- مثلاً چه حاشیه‌ای؟

مثلاً یه بلاگری هست توی مشهد، اسم پیجش گل منگولیه، اسم خود طرف عاطفه هست، ۲۲ سالشه، بهش می گن عاطی، این اول ۵۰۰، ۶۰۰ فالور داشت و خب بلاگر لایف استایله، مدام با شوهرش در حال عکس و استوری گرفتن بود، هی پز شوهرش رو می داد که چقد خوبه، در کم می کنه، دو سم داره و این حرفا، بعد شوهرش توی رستوران واسش تولد گرفته بود و همه‌ی دوستا و فامیلارو دعوت کرده بود، عاطفه رو سوپرایز کنه، دقیقاً ۳ هفته بعد از تولدش و سوپرایز و قریبون صدقه‌های عاطی برای شوهرش، دیدم عکسای شوهرش رو پاک کرده و شروع کرده بد و بی راه گفتن به شوهر و خانواده شوهرش، دیگه کم کم شروع کرد استوری گذاشتن که زنا چه جوری حق و حقوق شون رو بگیرن و حتماً حق طلاق رو از شوهرشون بگیرن، دیگه شوهرشم از خونه بیرون کرد، بعد خودشم یه خونه گرفت و همه‌ی وسیله‌هاش رو برد خونه‌ی جدیدش، شروع کرد، تنهایی زندگی کردن، اصلاً هم نگفت علت قهر و درخواست طلاقش چیه، ولی از کامنتا معلوم بود شوهرش سر اینستا باهاش بحث کرده، اینم گفته من ول نمی کنم اینستا رو، خلاصه چند ماهی گذشت و با این حاشیه‌ای که ساخته بود و با استوریای جنجالیش، فالوراش رو رسوند به نزدیک (میلیون، نرخش رو هم برد بالا، الانم که برگشته سر خونه و زندگیش، می گه شوهرم شکایت کرده و تمکین گرفته، مجبور شدم برگردم، کلاً معلوم شد که فقط برای جذب فالور بیش تر این حرکتا رو کرده بود و یه مدت اسمش توی اینستا، همه جا پیچیده بود. معمولاً بلاگرا هر چند وقت یه بار یه حاشیه‌ای درست می کنن که فالوراشون بره بالا تا بتونن نرخ شون رو هم ببرن بالا، بعد اصلاً این بلاگرا خودشون هم یه گروه دارن با هم دیگه، توی اون با هم نرخ تعیین می کنن، حتی یه وقتا برای دیده شدن بیش تر خودشون با هم یه دعوا راه می اندازن، بعد با هم آشتی می کنن».

«... خب همین چند وقت پیش یک چیزی دیدم از یک دوست دختر و دوست پسر که اینا خارج ایران هستن، یکی شون رفته بود توی لباس اون یکی پودر خارش ریخته بود، بعد ازش فیلم گرفته بود

که واکنشش رو ببینه، خب اون که نمی‌دونست چیه، بعد رفته بودن بیرون و اینا، بعد اون بیچاره خب هی خودش رو می‌خاروند، خب من این جور بودم که این یعنی چییی، دقیقاً یعنی چی؟ و خب اصلاً خیلی عجیبه، هیچ وقت نفهمیدم اینا چرا چنین حرکتی زدن، مثلاً برای لایک؟ و اونا که مثلاً اینا رو لایک می‌کنند، نگاه می‌کنند و فالو می‌کنند، چی این رو دوست دارند؟ یعنی من نشستم پیچش رو نگاه کردم، بینم محتواش راجع به چه چیزهایی بوده، خب محتوای جالبی نبود واقعاً.

- چیز دیگه‌ای هم هست که توی ذهنت مونده باشه؟

آره، مثلاً مهرداد و آيسان، اونا هم دوربين مخفی می‌ذارن همیشه، مزخرف‌ترینش یکی بود که مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم، برای کانال یوتیوب مون، چون دنیا جهان‌بخت هم بچه‌دار شد معروف‌تر شد و فلان اینا، بعد به زور می‌خواست دختره رو راضی کنه که همین الان بیا بچه درست کنیم، به زور دختره رو می‌خواست بخوابونه روی تخت، می‌گفت مثل همیشه شمع می‌گذاریم، فلان می‌کنیم، بچه‌دار می‌شیم، اونم هی می‌گفت: نه، نه، تو رو خدا و اینا. خب چرا؟ بعد ما هم باور کنیم که دوربين مخفیه و هماهنگ شده نیست (می‌خندد).





الآنم که داستان جدید ساختن که دارن از هم جدا می شن که فقط فالور بگیرن، مردمم ساده، باور می کنن، آخه دو نفری که می خوان جدا بشن میان فیلم پر کنن بگن ما داریم جدا می شیم؟ (می خندد)، خدایا یک عقلی به مردم بده یک پولی به ما».



مهدی ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از تلاش خویش در جهت جذب هوادار در صفحه خودش به قرار زیر یاد کرده است:

«ما اون زمان که نوجوان بودیم و بیش تر تحت تأثیر جو قرار داشتیم و خیلی خودمون هم نمی فهمیدیم که چه کار می کنیم، صرفاً یک متنی رو توی اینستاگرام می دیدیم و همون رو به اشتراک می گذاشتیم تا فالور جذب کنیم. متن دقیق این عکس‌ها رو خیلی به خاطر ندارم متأسفانه».

پگاه ۱۷ ساله، از روش دیگری (نظیر تهیه دوربین مخفی) برای جذب هوادار و طرفدار یاد کرده است. وی در توصیف نمونه‌ای از این دست موارد می گوید:

«- چرا این کارها رو می کنن.

برای فالور گرفتن و ویو گرفتن.

- به چه دردشون می‌خوره؟

هم معروف می‌شن، هم پول درمیارن.

- دوربین مخفی چی نگاه می‌کنی؟

دوربین مخفیا خیلی خیلی زیاد و متنوعه.

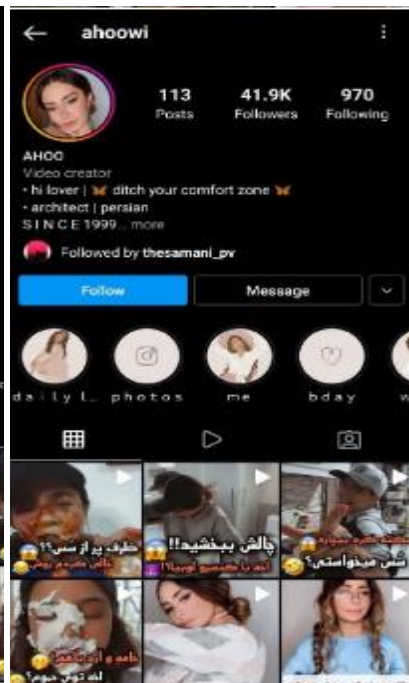
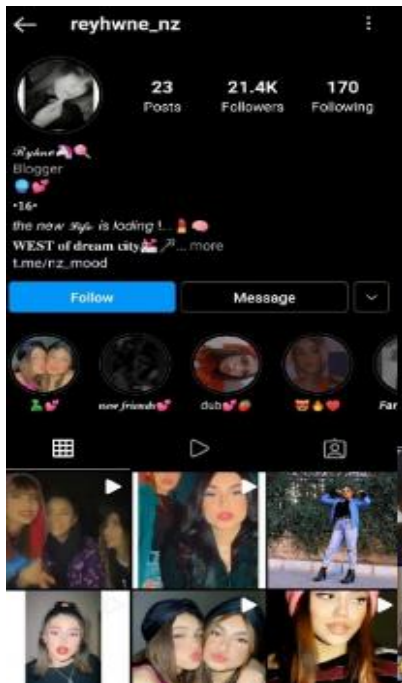
- کدوم دوربین مخفی‌ها رو بیش‌تر دوست داری؟

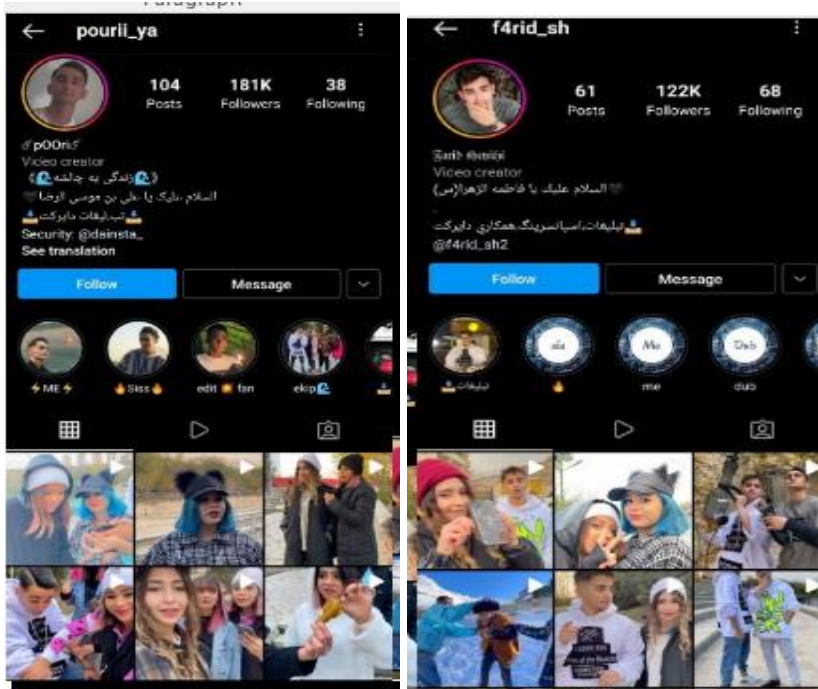
مثلاً...، بعضی نوجوونا هستن تو پارکای تهران که اکپن و باهم فیلم می‌گیرن و دوربین مخفی ضبط می‌کنن.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً زنگ می‌زنن به بابا و مامانشون می‌گن من لزیمنم. بعد اونا عصبانی می‌شن و اینا از واکنش اونا فیلم می‌گیرن یا مثلاً وسایل همدیگه رو می‌شکنن به اسم شوخی. بعضی وقتا به شوخی به هم فحش می‌دن و وقتی اون یکی عصبانی می‌شه، اون وقت می‌گن داشتم شوخی می‌کردم.

- می‌تونن پیج‌شون رو بفرستی، من هم ببینم؟





مثلاً اینایی که فرستادم به اکپین.

- دیگه چه دوربین مخفی‌هایی می‌بینی؟

مثلاً بعضیا هستن، می‌رن می‌شینن جلو مامان یا باباشون کارای زشت می‌کنن. مثلاً سیگار می‌کشن یا الکی گوشی می‌گیرن دست‌شون، انگار دارن با دوست دختر یا دوست پسرشون حرف می‌زنن. مامان و باباشون که عصبانی شدن از واکنش‌شون فیلم می‌گیرن.

- پس از این مدل دوربین مخفی‌ها دوست داری؟

آره، اینا خیلی خوب و خنده‌دارن.

- تو هم دوست داری انجام بدی؟

چند بار خواستم انجام بدم، اما ترسیدم.

- از چی ترسیدی؟

از عصبانی شدن بابام.

- می‌خواستی انجام بدی که بگذاری پیجت؟

نه، اصلاً فقط می‌خواستم انجامش بدم.

- چرا خب؟

نمی‌دونم، می‌دیدم بقیه انجام می‌دن، منم دوست داشتم امتحانش کنم».

ترانه ۱۵ ساله هم در گزارشی که از برخی از دوستان و آشنایانش می‌دهد، خاطرنشان می‌سازد که بعضی از دوستان او با متوسل شدن به این و آن بلاگر یا شاخ مجازی، سعی در دیده شدن و کسب طرفدار در ادامه کار خودشان می‌کنند:

«- این نفراتی که گفتم فالور فیک می‌گیرن، صفحاتشون شخصی هست یا عمومی؟

بعضی هاشون پابلیک (عمومی)، بعضی هاشون پرایوت (شخصی).

- این مسأله تفاوت خاصی ایجاد می‌کنه؟

اون‌هایی که مثلاً پرایوت ان، مثلاً این طوری اند که فالورای ما مثلاً واقعیه، پیج ما هم بسته هست و همه آشنا اند، یه همچین چیزای مسخره‌ای.

- یعنی این که با خصوصی بودن صفحه‌شون، می‌خواهند کلاس بگذارن که ما فالورها مون واقعی هستن؟

آره، دقیقاً.

- اون‌هایی که صفحه‌شون عمومی، چه عقیده‌ای دارن؟

اونایی که پابلیک اصولاً چیزی واسه شون فک نکنم اهمیت داشته باشه، همین طوری پابلیک می‌کنن دیگه، مثلاً بیش‌تر دیده بشن و برن توی اکسپلور^۱ یا سین (دیده شده) استوری هاشون بره بالا.

- وقتی که به قول خودت سین استوری‌ها بالا می‌ره، راجع بهش استوری می‌گذارن؟

آره یا مثلاً اونایی که تیک آبی^۲ دارن و استوری‌شون رو سین می‌زنن، یهو استوری می‌کنن و اینا.

۱ - صفحه اکسپلور اینستاگرام کلکسیونی از تصاویر، ویدیوها، ریلز و استوری‌های عمومی است. چیدمان و محتوای صفحه اکسپلور هر کاربر با سایر کاربران متفاوت است و این چیدمان به پست‌ها، حساب‌ها، هشتگ‌ها و محصولات مورد علاقه کاربران بستگی دارد. بنابراین یک کاربر، پست‌هایی را در صفحه اکسپلور خود می‌بیند که علاقه بیش‌تری به آن‌ها دارد. اینستاگرام برای شناسایی پست‌ها و محتوای مورد علاقه افراد مختلف از یک الگوریتم یادگیری ماشینی استفاده می‌کند. این الگوریتم علایق هر کاربر را تشخیص می‌دهد و سپس محتوای صفحه اکسپلور را بر اساس آن علایق مرتب می‌کند.

۲ - تیک آبی در اینستاگرام به این معنا است که صفحه مورد نظر جعلی نبوده و به همان شخص تعلق دارد. این موضوع توسط اینستاگرام تأیید شده و به این ترتیب می‌توان از بابت اصلی بودن صفحه اطمینان داشت. تیک آبی اینستاگرام را معمولاً در صفحه افراد مشهوری مثل خواننده‌ها، بازیگران، سیاستمداران و یا گاهی

- بین دوستانت چه کسی تیک آبی داشته و استوری دوستت رو دیده؟
این کسانی که مثلاً...، دی جی ها هستن که الکی تیک آبی می گیرن و اینا، با این که فالوراشونم خیلی زیاد نیست، اونا مثلاً یا مثلاً می رفتن به آرتیستی (هنرمند) رو ده بار چیز می کردن...، ده بار تگ (برچسب زدن) می کردن تا بالاخره ببینن و بعد استوری می کردن.

- می شه بیش تر توضیح بدی عزیزم؟
مثلاً با آهنگ یه خواننده مثل مثلاً پوبن، ویدیو می گرفتن، از این دابسمشا، بعد همه اش تگش می کردن، بعد استوری می کردن که آره وای استوریم رو دیده و اینا.
- منظورت این هست که وقتی یک فرد معروف استوری شون رو می بینن، کلاس محسوب می شه؟
آره.

- تیک آبی رو چه طوری می شه گرفت بدون این که فالور زیادی داشته باشی؟
مثلاً اگه دی جی هم باشه، اینستا خودش بهش تیک آبی رو می ده یا بعضی ها مثلاً...، نمی دونم یه کارایی می کنن، الان یادم نیست، بعد تیک آبی می گیرن کلاً، مثلاً اینستا رو هک (حمله سایبری) می کنن یا چندتا ترفند می زنن و اینا.

- به جز مواردی که اشاره کردی، دوستان یا آشنایان خودت چه کارهایی انجام می دن که بیش تر در اینستاگرام دیده بشن؟
مثلاً می رن با این بلاگرا دوست می شن یا مثلاً هی باهاشون استوری می ذارن، بعد لباسای باز می پوشن و آره دیگه، یه همچین چیزایی.
- می شه از اون موردی که گفتی با بلاگرها دوست می شن، مثال بزنی؟

برندهای خاص کالا می توان دید. به این ترتیب اگر فردی قصد خرید از این صفحه ها را نیز داشته باشد می تواند مطمئن باشد که صفحه مورد نظر، صفحه اصلی است.

۱- دی جی، به کسی گفته می شود که آهنگ های پیش تر ضبط شده روی دیسک را انتخاب کرده و با شکل متفاوتی برای مخاطبان مورد نظر خود پخش کند. دی جی ها برای پخش موسیقی از یک ست، شامل دو پخش کننده دیسک و یک میکسر حداقل دو کاناله استفاده می کنند. در گذشته این پخش کننده ها فقط ترن تیبل ها بودند و صفحه های آنالوگ موزیک را پخش می کردند، اما امروزه سی دی جی ها نیز در کنار ترن تیبل های آنالوگ کار پخش سی دی ها را برای دی جی ها میسر ساخته اند. از دی جی ها معمولاً انتظار می رود تا در شناخت، برگزیدن و هم آمیزی جالب آهنگ ها خبرگی کافی را داشته باشد (ویکی پدیا).

اووممم... مثلاً ویدیو تیک‌تاک می‌گرفتن با هم، بعد پست می‌کردن یا مثلاً استوری می‌کردن و بعد همه‌اش هم‌دیگه رو تگ می‌کردن، بعد مثلاً از این تیپایی که مثلاً جدیداً مد شده، مثلاً شلوارای پاره و آرایش‌های غلیظ مشکی، با موهای رنگ شده و اینا، بعد با این استایلا عکس می‌گرفتن با هم.

- ویدیوی تیک‌تاک، منظورت ویدیوهای چالشی هست؟
آره.

- یک مورد از چالش‌هایی که با هم اجرا می‌کنن رو مثال می‌زنی؟
اووممم... می‌رقصن یا مثلاً یهو گوشی رو می‌ذارن و بعد می‌رن عقب یه حرکت روی اسکیت برد می‌زنن و آره.

- چه طوری با بلاگرها دوست می‌شن؟
مثلاً می‌رن توی اینستا به بلاگرا پیام می‌دن یا مثلاً یه آشنایی کسی آشناشون می‌کنه با یه بلاگری، مثلاً رفته رفته صمیمی‌تر می‌شن و با هم قرار می‌ذارن و هم‌دیگه رو می‌بینن و این طوری.
- بلاگرهایی که با دوستانت دوست می‌شن، هم‌سن خودشون هستن؟
بعضی‌هاشون هم‌سنن.

- اون بلاگرها حدوداً چندتا فالور دارن؟
مثلاً بالای ۲۰ کا (هزار)، ۳۰ کا اینا.

- چه طوری دوست شدن با بلاگرها باعث می‌شه صفحات دوستانت ارتقا پیدا کنه؟
همین که مثلاً اون بلاگرا فالوراشون بیش‌تره، یه جورایی مثلاً تبلیغ پیج دوستای من می‌شه، فالورای بلاگره می‌رن می‌بینن، پیج دوستم رو فالو هم می‌کنن بیش‌تر وقتا، اون بلاگرا هم با دوستای من ویدیو می‌ذارن و مثلاً همین ویدیوهای دوتایی باعث می‌شه که پیج‌شون بیش‌تر بالا بیاد و اینا، بعدم هی می‌زنن دوست صمیمیم، دوست فلانم، بستیم (با لحنی تمسخرآمیز این جمله را بیان می‌کند).

- واقعاً با هم صمیمی هم هستن؟
نه بابا، دو روز دیگه رابطه‌شون بهم می‌خوره، فقط به خاطر فالوره.

- منظورت این هست که دوستی‌های مجازی اینستاگرام بیش‌تر به خاطر فالور هست؟

۱- تیک‌تاک یک شبکه اجتماعی چینی است که از طریق سیستم‌عامل‌های آی‌آواس و اندروید قابل دسترس است. تیک‌تاک در آغاز با عنوان دوئین در سپتامبر ۲۰۱۶ در چین عرضه شد و عرضه آن برای خارج از چین، با عنوان تیک‌تاک و در سال ۲۰۱۷ صورت گرفت. تیک‌تاک به کاربران اجازه می‌دهد که موزیک ویدیوهای بسیار کوتاه ۳ تا ۶۰ ثانیه‌ای بسازند (ویکی‌پدیا).

آره دیگه، کلاً همه چی توی اینستاگرام فیکه دیگه کلاً، از قیافه‌شون بگیر تا دوستی‌هاشون و رابطه‌شون و خانواده‌شون.

- ترانه جان می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً دماغ طرف اندازه‌ی کله‌ی یه نفره، بعد کلی هم جوش داره و هی روی خودش فیلتر می‌ذاره و آرایش می‌کنه، بعد دیگه همه فک می‌کنن، وای چه خوشگله، یه همچین چیزی.

- می‌شه در ارتباط با خانواده‌هایی که گفتی فیک هستن هم مثال بزنی؟

یکی شون مثلاً هی می‌خواد بگه پول داره یا یه نفر دیگه می‌خواد بگه، مثلاً من رابطه‌ام با مامانم خیلی خوبه، با هم استوری می‌ذارن و اینا، ولی همه‌اش خونه‌شون جنگ و دعواست و مامان از بچه بدش میاد».

تلاش‌های گوناگون افراد مورد توجه در فضای مجازی همچون بلاگرها و شاخ‌های مجازی از سوئی و کوشش وافر افراد عادی برای پا گذاشتن در جای پای بلاگرها و شاخ‌های پیش‌گفته از سوی دیگر، سبب می‌شود فضای مجازی ملامال از حاشیه‌سازی‌های مختلف شود تا شاید به همین سبب دیگر کاربران با سر زدن به صفحه افراد حاشیه‌ساز، فالور مورد نظر آنان را افزایش داده، آنان را به کسب پول نزدیک‌تر و نزدیک‌تر کنند.

کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی

فضای شخصی عبارت از یک حباب نامرئی است که دور هر فردی کشیده شده است و دیگران نباید وارد آن شوند. افراد به خصوص زمانی متوجه فضای شخصی خودشان می‌شوند که فرد غریبه‌ای خیلی به آن‌ها نزدیک شود و از کار وی احساس ناراحتی می‌کنند.

حریم خصوصی مفهومی تقریباً مشابه فضای شخصی است، اما برخلاف آن که دیگران در صدد نزدیک شدن به حریم فرد هستند، در کاهش حریم خصوصی، خود فرد در عمل اجازه نزدیک شدن و اطلاع‌یابی از زندگی شخصی خودش را به دیگران داده است.

اگر چه تا قبل از گسترش فضای مجازی حریم شخصی افراد، قابل توجه بود و انسان‌ها به راحتی نمی‌گذاشتند دیگران، خاصه افراد غریبه، به زندگی شخصی آنان سرک بکشند، اما با فراگیری فضای مجازی از حریم شخصی افراد در این فضا کاسته شده است.

برای کاهش حریم شخصی افراد در فضای مجازی می‌توان از مواردی مانند بلاگری سبک زندگی، تلاش برای جذب هوادار با حاشیه‌سازی، یا به عرصه فضای مجازی نهادن افراد بی‌هنر و هتاک یا شاخ‌های مجازی یاد کرد.

برخی از افراد که داعیه به نمایش نهادن سبک زندگی را دارند، غالباً با به نمایش کشیدن زندگی خودشان و طرح احوالات خویش در زندگی شخصی‌شان، سعی می‌کنند بلاگری سبک زندگی یا لایف استایل خود را انجام دهند.

افراد دیگری از بلاگرها یا شاخ‌های مجازی وجود دارند که به سبب نداشتن هیچ هنری، می‌کوشند تا با طرح مسایل حاشیه‌ای در مورد خود یا دیگران، چشم‌ها را متوجه خویش کنند. به عنوان مثال، پویان مختاری با به نمایش نهادن روابط خود با نیلی حتی در رختخواب خودشان، در صدد زنده نگه داشتن خویش در نزد دیگران برمی‌آید.



سرانجام در حالت دیگری ممکن است بلاگرها یا شاخ‌های مجازی با پرده‌داری در مورد یکدیگر، دست به حاشیه‌سازی زده یا برای تثبیت هر چه بیش‌تر خویش رقیبان خود را نفی کنند. با به نمایش کشیده شدن حریم خصوصی سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی، کاربران عادی فضای مجازی نیز نسبت به مقوله و حفظ مناسب حریم خصوصی خویش دچار حساسیت زدایی می‌شوند و ممکن است پا در جای پای افرادی بگذارند که برای طرح خویش و یا کسب پول، حاضر به دست زدن به هر کاری هستند.

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه خودش از نمونه‌ای از افرادی که با به نمایش نهادن زندگی خصوصی خویش در صدد جذب هوادار هستند، به قرار زیر گزارش کرده است:

«- چه سبک زندگی داشتن؟»

رابطه‌ی عاشقانه‌شون با همسرشون بود که خیلی دوست داشتم.

- رابطه شون چه شکلی بود؟

مثلاً متن هایی که برای خانومش می نوشت، عکسایی که می داشتن.

- دوست داشتی رابطه ی عاشقانه مثل ایشون داشته باشی؟

آره. خیلی آرزوم بود.

- به نظرت این رابطه عاشقانه واقعی بود؟

بله، حدس می زنم همین طور باشه، بعد یه چیز جالب اینه که این دو نفر هم توی فضای مجازی با هم

آشنا می شن و ازدواج می کنن، این رابطه به نظرم خیلی ایده آله.

- دیگه چه چیزهایی از زندگی شون رو دوست داشتی؟

این که دغدغه شون هنر بود، این که زن و مرد در کنار هم کار می کردن، نه این که یک نفرشون فقط

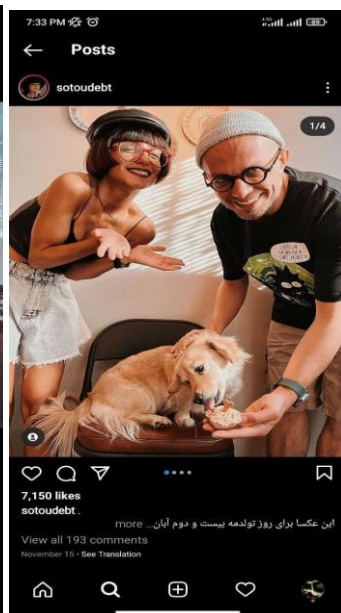
کار بکنه، سبک لباس پوشیدنشون، سبک مسافرت هاشون، سبک شادی کردنشون.

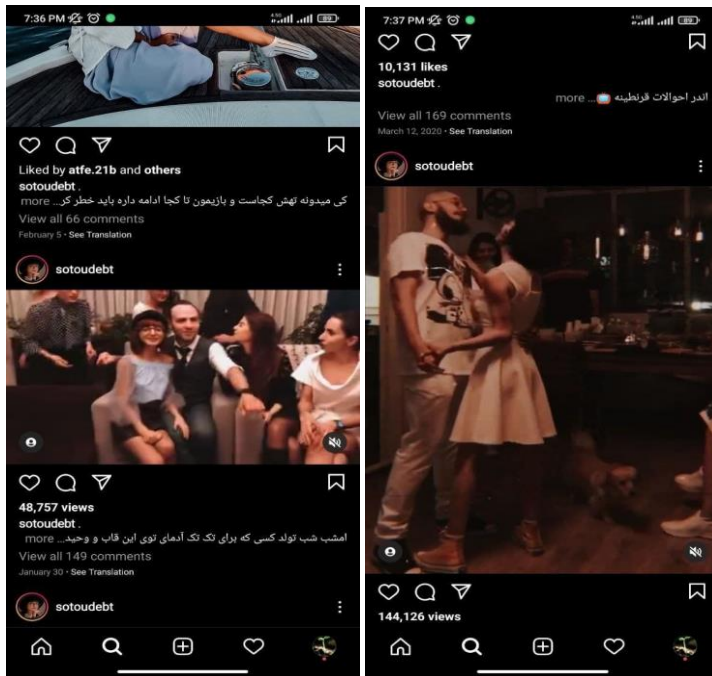
- مثلاً سبک شادی شون چه طوری هست؟

مثلاً تولد همسرشون بوده، توی یک خونه کوچولو زندگی می کنن، ولی این قدر این خونه پر از

زیباییه خیلی به آدم حس خوبی می ده، اینا توی خونه شون یه کیک می گیرن و در کنار هم شادی

می کنن و می رقصن، خیلی قشنگه واقعاً.





نسترن ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به شاخ‌های مجازی که بعضاً با هم وارد جدال و ستیز شده یا دست به فخرفروشی در برابر هم می‌زنند، از کاهش شدید حریم خصوصی آنان یاد می‌کند:

«... بعد یک مصاحبه‌ای از شیلا خداداد پخش شده بود که به ساشا سبجانی گفته بود، بدبخت بیچاره تو خودت از کفش هفت میلیونی که پات می‌کنی، داری تعجب می‌کنی و بعد اون وقت به مردم می‌ای از این حرف‌ها می‌زنی؟!»

بعد هم ساشا که این مصاحبه رو دیده بود، به شیلا خداداد گفت که من بدبخت و بیچاره‌ام یا تو که معلوم نیست قبل از ازدواجت چه غلط‌هایی که نکردی!

تو حتی به دوست خودت نیوشا هم رحم نکردی و دیگه ادامه نده، و گرنه من مجبور می‌شم چیزهایی رو که نباید بگم، بگم!

بهاره رهنما هم اومد از شیلا خداداد دفاع کرد و گفت واقعاً برای مسوولین متأسفم که به یک مادر در این فضا داره توهین می‌شه و اون‌ها هیچ اقدامی نمی‌کنند و می‌ذارند که امثال این آدم بیمار عقده‌ای که از بی‌فرهنگ زادگان هستند، بیش‌تر جرأت پیدا بکنند، ولی اون وقت فقط به خندیدن و دو تار موی معلوم شده ما توی تلویزیون گیر می‌دن!

ساشا در جواب بهاره رهنما برگشت گفت که من بیمار و عقده‌ای هستم یا تو که ده بار شوهر کردی! به جای این که بیای به من گیر بدی، تو آگه واقعاً دلسوز مردمی به جای عروسی‌های میلیاردی و سالگردهای میلیاردی که برای عروسی‌هات می‌گیری و عکس‌هاش رو توی اینستا می‌گذاری و چشم ملت رو می‌خوای دربیاری، برو این پول‌ها رو به خیریه چیزی بده!

تو کارشناس خاورمیانه نیستی که درباره هر موضوعی نظر می‌دی و کسی هم به نظر تو احتیاجی نداره، تو برو همون پیف پاف‌ها و لوازم آرایشی بهداشتی شوهرت رو بفروش!

ماها ۱۰ تا دوست مشترک داریم که من آگه دهنم رو باز کنم، اون چیزهایی رو که نباید بگم، هم درباره‌ی تو و هم شیلا خداداد می‌گم! که بهاره رهنما هم گفت که با خوک کشتی نمی‌گیرم!».



با الگو گرفتن کاربران نوجوان و جوان از شخصیت‌های مطرح در فضای مجازی که کم و بیش تن به کاهش حریم خصوصی خودشان داده اند، این کاربران هم در جریان تولید محتوا برای صفحه خودشان، ممکن است با کاهش حریم خصوصی خود در تصاویر و یا فیلم‌هایی که از خود تهیه می‌کنند، کاهش قابل ملاحظه‌ای در حریم خصوصی را به دیگران القا کنند.

انجام چالش‌های نامتعارف

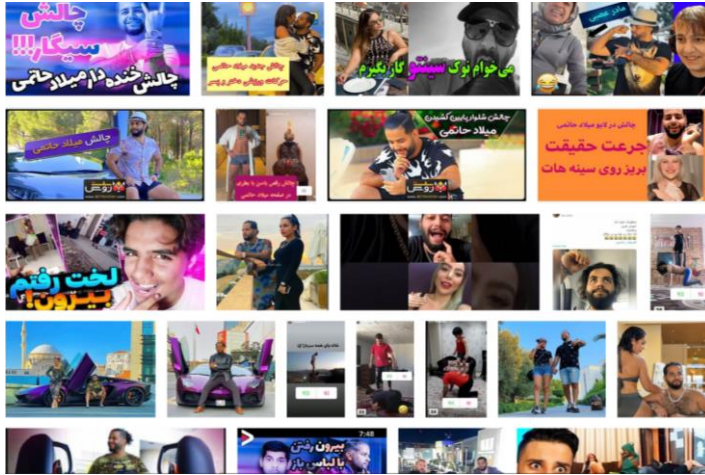
چالش کنایه از شرایطی دشوار یا سختی دارد که این امر می‌تواند در یک آزمون دشوار و یا یک وضعیت غیر منتظره پیش بیاید.

در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی واژه چالش در معنای اخیر مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، در شبکه اجتماعی تلگرام، از مسابقات روی خط یا مسابقاتی که به صورت پرسش و پاسخ و چند گزینه‌ای برگزار می‌گردد، با عنوان چالش یاد می‌شود.

در اینستاگرام هم چالش مترادف درخواست یا دعوت به انجام یک کار دشوار است. چالش‌های اخیر بیش‌تر از سمت سلبریتی، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی راه‌اندازی شده و به صورت عمومی و اپیدمیک رواج پیدا می‌کنند.

پیشنهاد انجام چالش‌های مختلف، ذیل سرگرمی قابل طرح است، اما به سبب نوظهور بودن چالش‌ها، فراگیری و اثرگذاری آن‌ها، در عنوان مستقلی طرح شده است.

با مرور تاریخچه کوتاه چالش‌ها، مشخص می‌شود که چالش‌های پیشنهادی ابتدایی، نظیر کمک کردن به جمعیتی نیازمند یا خالی کردن یک سطل آب سرد بر روی خویش، بیش‌تر جنبه تحرک-آفرینی اجتماعی و سرگرمی داشتند، اما در گذر زمان، چالش‌ها با حضور افراد بی‌محتوایی که تولید آن‌ها، امکان بارگذاری در سطح فضای مجازی را داشت، به سمت و سوی انجام رفتارهای مبتذل، غیراخلاقی و شهوی نیز گرایش یافتند.



امیرحسین ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش به بیان برخی از چالش‌های سرگرم کننده (که به نوعی به طرح داشته‌های فرد نیز می‌پردازند)، پرداخته است:

«نظر دوستان خودت راجع به این مسایل چی هست؟»

نمی‌دونم، من تا جایی که می‌دونم، اونام مثل من دوست دارن. مثلاً یکی از دوستانم خیلی زیاد پیج دخترایی که چالش‌های تیک‌تاک رو برگزار می‌کنن، فالو کرده. آخه چالش‌های تیک‌تاک خیلی جذاب و با حال و بعضی موقع‌ها با مزه است و خیلی از پیج‌ها، چالش‌های تیک‌تاک رو یا برگزار می‌کنن یا همونا رو با ترجمه می‌ذارن، خیلییی واسه وقت گذروندن خوبه!

- بیش تر راجع به این چالش‌ها می‌گی؟

آره، خیلی بامزه اند، بعضی اوقات من و دوستانم چندتا شونم انجام دادیم و اونایی که طنزه رو برای هم می‌فرستیم. مثلاً اون‌ها که باید بطری رو پرت می‌کردی و صاف و ایمیستاد رو خیلی انجام دادیم، حتی فیلم هم گرفتیم استوری کردیم و چندتا دیگه از همین کارا که فانه، طنز شونم که عالیه. کلاً یکی از خوبیای اینستا اینه که زیاد ویدیوهای پر بازدید تیک‌تاک رو می‌ذاره، چون ویدیوهای تیک‌تاک تایم شون کمه و جون می‌ده برای اینستاگرام.

- دیگه چه چیزهایی از تیک‌تاک توی اینستاگرام زیاد دیده می‌شه و شما دنبال می‌کنی؟

عه... چالش‌های مد و لباس‌شون زیاد توی اینستا نیست، یعنی مثلاً اندازه کلیپ‌های طنز و چالش‌شون. اما خیلی از پیج‌های مد می‌دارن شون. من اول که اصلاً تیک‌تاک نداشتم، یه مدت که خیلی خیلی زیاد می‌رفتم توی پیج لباسا و اینا، اون‌جا چندتا چالشای جذاب راجع به لباسا دیدم و ترغیب شدم که تیک‌تاک هم بریزم.

- چالش لباس‌ها توی اینستاگرام چه چیزهایی بودن؟

این که مثلاً دونه دونه لباسا رو از کفش شروع کن برو بالا، شلوار و تیشرت و اینا رو می‌انداخت روی مبل، یه لحظه بعد انگار یهو طرف با اون لباسا ظاهر می‌شه و البته با لباسای معمولی و غیر مد و بدون ترکیب رنگی خاص که نمی‌شه انجامش داد، بنابراین من این چالش رو یا اون‌ها که چندتا لباسا با رنگای مختلف چیده و به هر کدوم دست می‌زنه، یهو تنش می‌شه رو انجام ندادم، چون حس کردم هیچ وقت به خوبی اون‌ها نیستم و اون لباسا و مدلا رو ندارم با این که خیلی خرید می‌کردم، اما هیچ کدوم اون‌ها که می‌خواستم نشدن.. و دوباره همون حس ناراحتی و افسردگی و حتی بعضی اوقات خشمم می‌اومد توی من که واقعاً چهارتا لباس درست حسابی هم ندارم که باهاش یه کلیپ ۱۵ ثانیه‌ای بگیرم. ولی از نظر مالی همون کلیپ ۱۵ ثانیه‌ای بالای ۶، ۷ میلیون می‌افتاد قیمتش، مثلاً دوتا کفش، دوتا هودی، دوتا مدل شلوار... یعنی دوتا ست می‌خواستم فقط بپوشم، این قیمت می‌شد. ولی دوستانم خیلی زیاد از این چالش‌ها می‌دارن تا حدی که من واقعاً حسودیم می‌شه».

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از چالش‌هایی نظیر دور ریختن مواد غذایی یا بدن‌نمایی (پوشاندن بدن برهنه خویش با یک بالش) یاد کرده است که این دست از چالش‌ها در زمره چالش‌های مبتذل قرار می‌گیرند:

«- اشکان درباره عادی سازی موضوعات و مطالب مختلفی حرف زدیم. به نظرت چه چیزهای دیگه‌ای هستند که توسط اینستاگرام عادی سازی شدن؟ این سوال کلی رو می‌پرسم تا درباره جزئیات چیزهایی که به ذهنت میان، بیش‌تر حرف بزیم.

این سوال خیلی کلیه و چیزای زیادی به ذهنم می‌رسن. در این باره زیاد صحبت می‌شه بین من و دوستانم. در مورد عادی سازی تو اینستاگرام باید بگم هم چیزایی عادی شدن که عادی شدنشون خیلی خوب و مفید بوده و هم بعضی چیزا عادی شدن که عادی شدنشون، خیلی اثرات منفی داشته برای جامعه.

از جمله چیزای منفی مثلاً بعضی خودنمایی‌های افراطی، مصرف دخانیات، فحاشی و استفاده از کلمات رکیک، بی‌احترامی و شوخی‌های زشت با پدر و مادر، مصرف‌گرایی و اسراف هست. اما عادی سازی بعضی چیزا هم خیلی مثبت بوده، مثل بیان احساسات و ابراز خود، انتقاد سازنده به دولت و مسوولان و دفاع از حقوق زنان.

- می‌شه درباره خودنمایی‌های افراطی بگی؟

من تقریباً از اوایل ورود اینستاگرام به زندگی مردم ازش استفاده کردم. کم‌کم عطش دیده شدن و فالور و لایک تو مردم به حدی شد که دست به کارای نابهنجار می‌زدن. یکی از این کارا که رفته رفته بیش‌تر شد، بدن‌نمایی‌هایی بود که قبلاً اصلاً عادی نبودن، اما به مرور و توی موج‌های مختلف کم‌کم عادی شد.

- مثلاً چه موج‌هایی؟

چالش‌های اینستاگرامی یکیشونه. مثلاً اوایل کرونا به چالش بود توی اینستاگرام که هیچ لباسی تن‌شون نمی‌کردن و فقط با یک بالش خودشونو می‌پوشوندن. چالشای مختلف این شکلی خیلی زیاد بودن. یکی دیگه از چیزایی که باعث این نوع عادی سازی‌ها شد، مدهای پوششی جدید بودند.

خیلیا سعی می‌کنن برای این که لباسشون تو پستای مختلف یکی نباشه، هی لباس بخرن و یا وسایلی صرفاً برای خوشگلی بخرن که البته لازم‌شون هم ندارن یا توی بعضی چالش‌های اینستاگرام غذای خیلی زیادی رو اسراف می‌کنن».



(یک چالش اینستاگرامی با اسراف مواد غذایی)

مرجان ۲۱ ساله، در گزارش چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه بوده است، از چالش دروغ گرفتن صدف بیوتی یاد می‌کند که این چالش‌های غیراخلاقی نیز در ردیف چالش‌های مبتذل قرار می‌گیرند:

«درباره‌ی نکته منفی گفتی یک‌سری چالش‌ها، منظورت چی بود؟»

خوب الآن بری توی اینستا، می‌بینی کلی چالش هر سری باب می‌شه، خود بلاگرا هم خودشون یه سری چالشا می‌ذارن، بعضیاش خوبه، مشکلی با اون ندارم، مثل بیش‌تر چالشای نبات، آدم رو سر ذوق میاره، ولی بعضیاش زننده است.

- می‌شه برای چالش‌هایی که از نظرت خوبه، مثال بزنی؟

یه چالش بود به اسم سورپرایز، مثلاً کسایی که از خارج می‌اومدن، پدر و مادرشون، خونواده‌هاشون رو سورپرایز می‌کردن یا خبر خوب می‌دادن بهم دیگه، این جور چالشا خوبه، آدم با خوشحالی‌شون خوشحال می‌شه و بغض می‌کنه، نبات اکثراً چالشاش جالبه.

- خوب چه چالش‌هایی از دید شما زننده بوده؟

من با این که طرف عکس بذاره، فیلم بذاره، خوش پوش باشه جلو دوربین، هیچ مشکلی ندارم، ولی صدف به‌سری به چالش گذاشته بود که باید به‌سری دروغ می‌گفتی، حالا یا به شوهرت یا به بچه‌ات، باید عکس‌العمل اونا رو فیلم می‌گرفتی.

- مثلاً چه دروغ‌هایی باید می‌گفتن؟

مثلاً جلو شوهرشون یا پدر و مادر باید به‌جوری وانمود می‌کردن که دارن با یکی حرف می‌زنن، پشت گوشی و دروغ بزرگ می‌گفتن، به دختره جلو باباش می‌گفت دوست پسر دارم یا زنه کلاً به‌سری دروغای خیلی بد و زننده می‌گفت و عکس‌العمل اون آدم‌ها و پوشش‌شون بد بود، خیلی افتضاح، کلاً با همه بد حرف می‌زدن، مخصوصاً مردا با زنا، خیلی ضدزن بود و حتی رفتارشون با بچه‌ها و جلو اونا دروغ می‌گفتن و بیش‌ترشونم با لباس خونه و لختی، این جور چالش‌ها هیچ خنده به لب نمیاره، بدتر عصبی می‌شی و پیامدای بدی به‌نظرم داره».

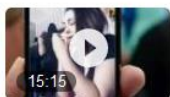


برخی از شاخ‌های مجازی مستقر در خارج، با طرح چالش‌هایی هدفمند، در عمل در صدد ترویج بی‌حیایی در سطح نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی بودند. افرادی مانند میلاد حاتمی، مشخصاً با تمرکز روی طرح چالش‌هایی که محوریت آن‌ها مسایل جنسی و بی‌حیایی است، از طلایه‌داران این سبک از چالش‌ها هستند.



چالش لخت بیرون رفتن جلوی خانواده ، چالش میلاد حاتمی

YouTube - iT SOHi
Mehr 3, 1400 AP



چالش میلاد حاتمی خونه خالی

YouTube - Khalehzanak
Aban 14, 1399 AP



چالش میلاد حاتمی میگانر کتیدم جلو بابام

YouTube - CixRoy
Khordad 2, 1401 AP



چالش میلاد حاتمی خونه خالی

YouTube - roohichalesh
Aban 16, 1399 AP

پگاه ۱۷ ساله که خود تحت تأثیر چالش‌های مبتنی بر مسایل جنسی، در این چالش‌ها بعضاً شرکت کرده است، از شرم حاضر به توصیف چالش باگزبانی که خودش شخصاً در آن شرکت داشته است، نمی‌شود:

«- گفتمی پست‌های چالش رو هم می‌بینی. اون‌ها چی هستن؟»

چالش یه کار سخت و خاصیه که بعضی بلاگرا مدش می‌کنن و بقیه هم سعی می‌کنن انجامش بدن، بعد بذارن اینستا.

- مثلاً چه چالش‌هایی رو دیدی؟

خیلی خیلی چالش هست. بیش‌ترش یادم نیست. ولی مثلاً یه چالش بطری بود که یه بطری نصفه پر آب بود و سعی می‌کردن بندازنش هوا روی اون قسمت درش بیفته زمین و متعادل بمونه یا چالش باگزبانی و تیشرت بود.

- چالش باگزبانی و تیشرت چی بود؟

چالشای خوبی نبودن. یه کم زشت بودن. دخترا بدنشون رو نشون می‌دادن (تمایل به توضیح بیش‌تر ندارد).

چالش باگز بانی



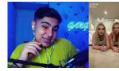
چالش باگز بانی مثبت 18 تریچ چالش تیک تاک

تشغیل - play
تحمیل - download



حضور ریحانه پارسا در چالش باگز بانی پشمام ریخت

تشغیل - play
تحمیل - download



10 تا از برترین باگز بانی های ثبت شده تنها ببین

- تو تا حالا چالش انجام دادی؟

آره، خیلی چالش رو انجام دادم.

- حتی باگز بانی و تیشرت؟

آره (می خندد).

- وقتی چالش رو انجام می دی، اون ها رو می گذاری توی پیجت؟

نه، فقط دو سال پیش چالش بطری رو گذاشتم.

- پس چرا چالش ها رو انجام می دی؟

برای این که ببینم منم مثل اونا می تونم یا نه و این که ببینم بدنم خوبه مثل اونا؟

- دوست هات هم چالش انجام می دن؟

خیلی زیاد انجام می دن. مخصوصاً هم کلاسیام».

دامن زدن به هرزه‌نگاری

آدمی دارای دو بعد مادی و معنوی است، از این رو باید به هر دو بعد به شکل مناسب و مقتضی

پردازد تا رشد و تعالی بیش از پیش وی رقم بخورد و در صورت عمده شدن هر یک از دو بعد

پیش گفته، خطر بهم خوردن تعادل در افراد این چنینی می رود.

تأملی در زندگی روزمره می‌نمایند که انسان‌ها در مواجهه با ابعاد مادی و معنوی، غالباً چنان مجذوب و مفتون ابعاد مادی شده و در آن غرق می‌شوند که در عمل فرصت و انرژی دیگری برای پرداختن به ابعاد معنوی در آنان باقی نمی‌ماند.

از همین رو یکی از توصیه‌های مهم عرفا به سالکان راه عرفان، همواره این بوده است که در انتخاب همسر دقت داشته باشند که همسر آنان شهوت‌شکن باشد، نه شهوت‌انگیز، چرا که در صورت شهوت‌انگیزی وی، امکان توقف و بازماندن سالک در زندگی مادی پیش آمده، وی از دست‌یابی به افق‌های معنوی فرارویش باز خواهد ماند.

با نگاهی به تحولات جهان معاصر این مسأله عیان می‌گردد که با ظهور دوران رنسانس در غرب، در عمل اندیشه خدامدار کم رنگ شده و جای خدا را انسان و انسان‌مداری پر کرده است. بالطبع در حالت اخیر، به جای تکلیف‌مدار دیدن آدمی که در اندیشه دینی مطرح بوده، مسأله لذت‌انسانی در دیدگاه انسان‌مدار که جای دید خدامداری را پر کرده است، مطرح شده است.

نگاه اخیر نگاهی است که سرمایه‌داری معاصر نیز به جدّ از آن دفاع می‌کند، زیرا متضمن مصرف بیش از پیش انسان‌ها بوده، این عمل سود جهان سرمایه‌داری را مضاعف کرده و فزونی می‌بخشد. جهان سرمایه‌داری از سویی برای مهار نیروهای انقلابی که سلطه نظام سرمایه‌داری بر جهان را برنمی‌تابند و از سوی دیگر جهت سوق دادن مصرف آدمی به سوی ایدئولوژی شدن مصرف، دامن زدن به دید مادی انسان‌ها و خاصه شهوات جنسی آنان را در دستور کار خود قرار داده است.

به زعم فرانسیس فوکویاما، سکس مواد مخدر عصر جدید است، از این رو سوق دادن جامعه به سمت سکس، می‌تواند انقلابیون بالقوه‌ای را که سلطه ارزش‌های جهان سرمایه‌داری را برنمی‌تابند، به سمت خمود و رخوت و سستی سوق دهد. علاوه بر این، دامن زدن به شهوات آدمی، با مصرف بیش از پیش وی هماهنگی داشته، زنی که تشویق به عرضه جذابیت‌های جنسی خویش در جامعه می‌شود، خود را نیازمند مصرف انواع و اقسام وسایل آرایشی، بهداشتی، پوششی و مانند آن‌ها می‌بیند.

اهداف اخیر نظام سرمایه‌داری را فرهنگ جامعه سرمایه‌داری به شکل گسترده‌ای پیگیری می‌کند. به عنوان مثال، انبوهی از فیلم‌ها با طرح هرزه‌نگاری در عمل، مخاطبان خویش را به سمت روابط جنسی و استقبال بیش از پیش از آن سوق می‌دهند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از سلبریتی‌ها (از خوانندگان گرفته تا ورزشکاران و دیگر اقدار اجتماعی مورد توجه) نیز مستقیم و غیرمستقیم در جهت ترویج هرزه‌نگاری اقدام کرده، در این جهت می‌کوشند.

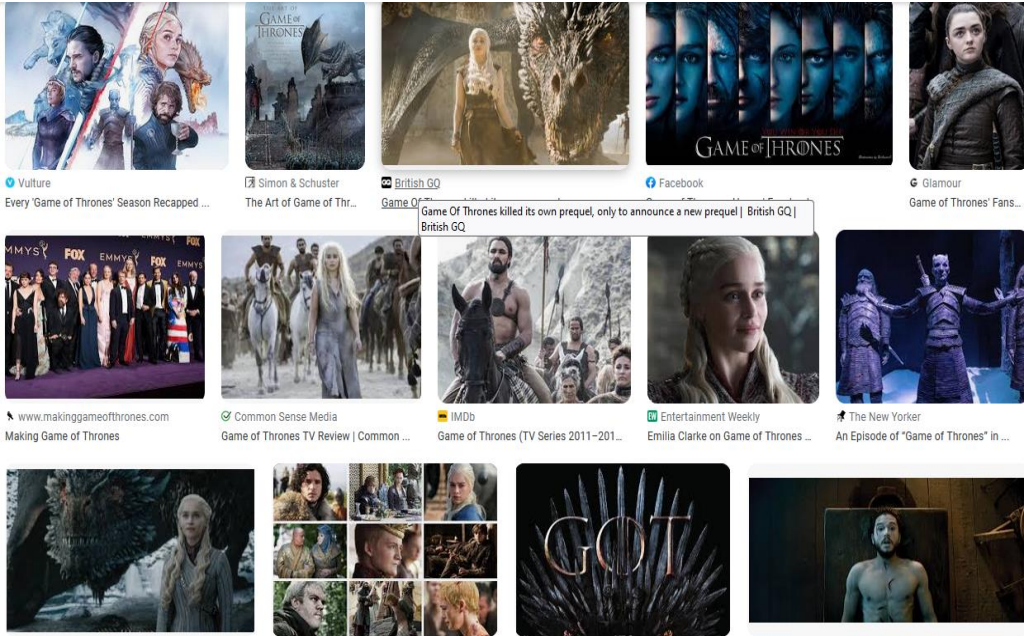
ویکی پدیا در نقد و بررسی سریال بازی تاج و تخت از دامن زده شدن به هرزه‌نگاری در روند این سریال تاریخی می‌نویسد:

«برخلاف محبوبیت این مجموعه در زمینه‌های دیگر در میان منتقدین، بازی تاج و تخت بارها به دلیل استفاده فراوان از برهنگی زنان، خشونت، شکنجه، خشونت جنسی ضد زنان و نحوه نمایش این موارد مورد انتقاد قرار گرفته‌است.

میزان استفاده از ارتباط جنسی و برهنگی، به‌ویژه در صحنه‌هایی که وابستگی فراوانی به روند داستان ندارند، نکته منفی اصلی بسیاری از منتقدین فصل اول و دوم است. استیون دیلین، بازیگر سریال که در نقش استنیس براتیون بازی می‌کند، استفاده فراوان مجموعه از برهنگی را با «فیلم‌های پورن دهه هفتاد آلمان» مقایسه می‌کند. چارلی اندرز از منتقدین وبگاه آی‌او‌۹ می‌گوید، در حالی که فصل اول مجموعه مملو از سکس پوزیشن است، فصل دوم بدون ارایه اطلاعات زیادی در مورد داستان، بر روی ارتباط جنسی ناخوشایند، استثمار و ضد انسانی تمرکز دارد. آنا هولمز، منتقد واشینگتن پست اعتقاد دارد که صحنه‌های برهنگی تنها برای لذت مردان دگرجنس گرا ساخته شده‌است.

فصل سوم مجموعه که در آن شخصیت تئون گریجوی در طول سریال مورد شکنجه واقع می‌شود و در نهایت اخته می‌گردد نیز، به دلیل استفاده و نمایش شکنجه مورد نقد منتقدین واقع شده‌است. مدلین دیویسدر وبسایت جزیل نوشت «غیرطبیعی نیست اگر مجموعه بازی تاج و تخت به پورن خشونت‌آمیز بودن متهم شود. خشونت بی‌احساس و ابزار گرایانه در کنار سکس خشن و ابزار گرایانه به نمایش گذاشته شده‌است». با این حال او اشاره می‌کند که به‌جز لذت‌گرایی و شکنجه تئون گریجوی در فصل سوم، نمایش دیگر خشونت‌ها به هدف روایت داستان صورت گرفته‌است.

در قسمت شکننده زنجیرها در فصل چهارم، صحنه‌ای که در آن جیمی لنیستر به خواهر خود سرسی تجاوز می‌کند...».



پاراگراف زیر نیز بخشی از داستان سریال فرندز است:

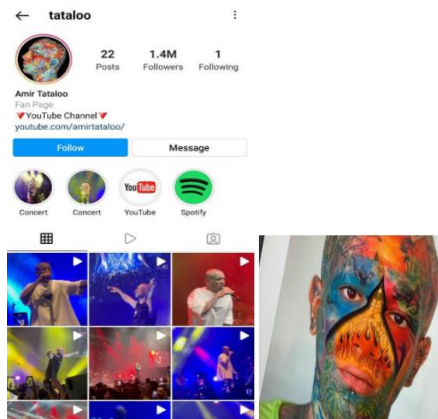
«شخصیت راس گلر که یک دانشمند تجربی یا ساینتیست است، همسرش را به دلیل گرایش جنسی هموسکسوالش از دست می‌دهد. پدر چندلر یک ترنسکشوال است و تغییر جنسیت داده و به یک زن تبدیل شده. جویی تریبانی که شخصیتی عیاش دارد، عادت به رابطه جنسی خارج از قاعده یک بار مصرف با زنان دارد. فیبی بوفی تصمیم می‌گیرد برای برادرش که با یک پیرزن ازدواج کرده، سلول تخم حاصل از لقاح مصنوعی را حمل کرده و برای برادرش یک سه‌قلو به دنیا بیاورد. راس گلر دوست اجتماعی‌اش را تبدیل به دوست جنسی می‌کند و از رابطه آن‌ها فرزندى به دنیا می‌آید و تا انتهای فیلم به عنوان اکس وایف یا همسر قبلی روی او و روابطش حساس است.»



نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خود از لایو تتلو و ندا یاسی یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، لایو اخیر، مشحون از بیانات هرزه‌نگار بوده است:

«- حالا پیج تتلو چرا ریپورت شد؟»

اوه، اوه، بابا این با ندا یک لایو گرفت که اصلاً رکورد لایوهای اینستاگرام اون شب شکسته شد، حالا نمی‌دونی چه چیزهایی که بهم نگفتن، فاجعه بود، امیر تتلو به ندا گفت که بیا دوست دخترم شو و بعد درباره‌ی ماساژ و این جور چیزا و حرف‌های +۱۸ زدند که چه جوری با هم باشند و از این جور چرت و پرت‌ها! اصلاً همه کسایی که لایو رو می‌دیدند شوکه شده بودند که چه قدر بی‌پرده با هم جلوی این همه آدم حرف می‌زدند.



بعد تلو گفت که می‌خواد حرم‌سرا باز کنه و حال کنه و در مورد حرم‌سراش داشت توضیح می‌داد و حتی گفت که از دخترهای زیر ۱۸ سال دعوت می‌کنم که به حرم‌سرام اضافه بشن، چند روز بعد توی پیجش پست گذاشت که چندتا عکس دختر کنار تلو بودند و توی کپشن نوشته بود که مقدمات حرم‌سراش رو آماده کرده».

امیرحسین ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از کاربری خویش از هرزه‌نگاری به قرار زیر یاد کرده است:

«- امیرحسین لابه‌لای حرف‌ها شنیدم گفتم پویان مختاری و امثال این‌ها، آیا پیج‌شون رو دنبال می‌کنی؟

این جور نیست که فالو داشته باشم‌شون و برم پیج‌شون رو بررسی بکنم، ولی توی اکسپلور مواجه شدم و فیلم‌هایی که از خودشون می‌ذارن رو دیدم.

- این جور که می‌گی یعنی این پیج‌ها جذبت می‌کنه و جور نیست که بی تفاوت باشی نسبت بهشون، درسته؟

من دلیل این که توی اینستاگرام می‌چرخم، بیشتر برای این که خودم رو سرگرم کنم، حالا دیگه برام مهم نیست محتوای چیزی که دارم می‌بینم چیه یا کی اون رو گذاشته. می‌خواد پویان مختاری باشه یا تلو یا هر کس دیگه، به هر حال با دیدن اون‌ها خودم رو سرگرم می‌کنم (با حالتی مغرور می‌گوید).

- پس یعنی اصلاً این مهم نیست که توی چه پیج‌هایی می‌ری و چه محتویاتی دارن، درسته؟ نه، این که کلاً برام مهم نباشه، خوب یه سری از پیج‌ها رو متناسب با علاقه‌ام دنبال می‌کنم، ولی یه تایمی هم توی اکسپلور می‌چرخم، اون‌جا دیگه برام مهم نیست که چه مطالبی هست، فقط برای سرگرم کردن خودم می‌بینم عکس و فیلم‌هاشون رو.

- یعنی امیرحسین اصلاً مشکلی نداره که با پست‌هایی مواجه بشی که محتویات مستهجن داشته باشن؟ به نظرم کارایی اصلی اینستاگرام برای اکثر آدم‌ها لذت بردن و تفریح کردنه، خب آدم توی تفریح کردن که نباید خودش رو سانسور کنه، بگه خب الآن این موضوعش بده و نباید ببینم و بزنم بره.

- خوب نگران تأثیراتش نیستی؟

چرا هستم، همون طور که قبلاً گفتم روی نوع نگاهم به جنس مخالف تأثیر گذاشته، ولی هر چیزی به تاوانی داره دیگه، به نظرم این تفریح کردنه و لذت بردنه از اینستا، تاوانش همین طرز نگاهمه که درگیرش شده.

- تاحالا سعی نکردی که این ویدیوهایی که محتوای بدی دارن رو توی اکسپلور رد کنی؟ راستش اولاش که بچه مثبت بودم (می‌خندد) رد می‌کردم خیلیاش رو، ولی بعضیا رو تک و توک نگاه می‌کردم، تا کم کم دیگه درگیرش شدم، بدون فکر نگاه‌شون می‌کنم که اکثراً هم مدلایی هستن که لباس مناسب ندارن توی عکس و فیلماشون.

- وقتی این پست‌ها رو می‌بینی، باز دلت می‌خواهد که بیش‌تر ببینی و ادامه بدی؟
خب اگه راستش رو بخواهید بله.

- شما پیج این مدل‌ها رو فالو هم کردی؟
نه.

- چرا؟

چون خب فکر کنم خودتم می‌دونی که وقتی کسی رو فالو می‌کنی، بقیه فالوروات می‌تونن بفهمن که کی رو فالو کردی، خب اون‌جوری زشته یه کم (با خنده می‌گوید).

- دوستانت چه طور، اون‌ها هم پی‌گیره این مدل‌ها هستن؟

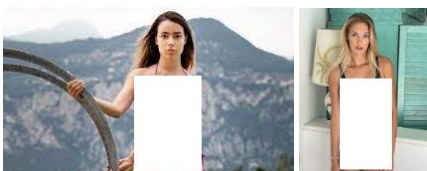
آره، بعضی موقع‌ها هم واسه همدیگه می‌فرستیم پستاشون رو توی دایرکت.

- دوستانت پیج‌شون رو فالو کردن؟

آره، یه سریا چون فامیل و آشنا توی پیج‌شون نیست، با خیال راحت فالوشون کردن این مدلا رو.

- می‌تونن چندتا از آن‌ها رو نام ببری؟

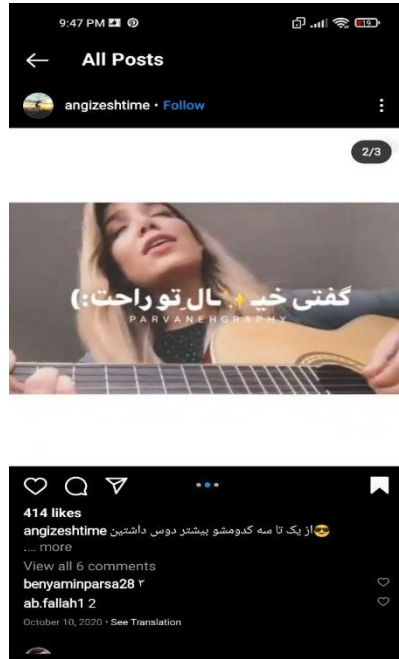
اسم خیلیاشون رو نمی‌دونم و فقط عکساش رو می‌بینم، ولی بعضیاشون رو بلدم، مثل هانا مهرگان، ورونیکا راجک یا مثلاً النورا برتولی.



- ... راجع به فیلم‌های رقص هم در اینستاگرام گفتی، توضیح می‌دی؟
آره، رقص باله رو من دیدنش رو در واقع خیلی دوست دارم، چون انعطاف و ظرافت بدن دخترارو خیلی دوست دارم، ولی خب نه توی بیرون از محیط خونه، نه توی فیلم و تلوزیون و سینما می‌تونیم این چیزارو ببینیم. در واقع مردا و پسرای ایرانی از دیدن این نعمت‌ها، زیبایی دخترا محروم‌ان. ما حداقل من و هم‌سن و سالام که باهاشون در ارتباطم، از این طریق می‌تونیم این حس‌مون رو برطرف کنیم. به خاطر همین من زیاد رقص‌ها و باله مخصوصاً رو برای دخترا دنبال می‌کنم، چون گفتم که این طوری فقط می‌شه. از اون طرف هم رقص‌های عروسا و دخترا زیاده و اینم یه مشکل دیگه ماست که عروسیا جداست و ما نه عروس رو می‌بینیم، نه چهارتا رقص درست و حسابی! مردا که اصلاً خوب نمی‌رقصن و حال نمی‌ده مردونه عروسیا و من می‌تونم با پیجایی که کلیپ عروسی واقعی یا این آتلیه‌ای‌ها که قبل مراسم می‌گیرن رو ببینم. وگرنه کدوم عروسی رو دیدی که بیاد از فیلم عروسیش کپی‌کنه به هر کی یه دونه بده؟! ولی توی اینستا آتلیه‌هایی که از عروس و دامادا فیلم و کلیپ می‌گیرن، برای تبلیغ کار خودشون و البته با رضایت طرف فیلما رو پست می‌کنن و من این‌ها رو خیلی دوس‌شون دارم....

- راجع به بعد هنری اگه بخوایم در اینستاگرام صحبت کنیم، چه نظری داری؟

من موسیقی رو دوست دارم، همین طور دخترایی که گیتار می‌زنن و می‌خونن رو خیلی دوست دارم، هر چی که بینم یا توی اکسپلور باشه رو فالو می‌کنم. در صورتی که می‌دونم مثلاً خوانندگی زنا خب ممنوعه دیگه، نه می‌تونن کنسرت بذارن توی ایران، نه توی فیلمی چیزی بخونن، پس اینستا بهترین جا برای شکوفا شدن این دخترا هست.



و به نظرم حالا که ایران این دخترای بیچاره رو بسته و محدود کرده به هزارتا بهونه دینی و شرعی، بهترین جا برای این که اونا دیده بشن همین اینستاست و بعضیاشون از همین جا به جاهای خیلی خوبی رسیدن، برای من به شخصه جذابه و کم نیستن دخترایی که قوی می‌خونن و یا حتی رقص هم یه هنر خیلی خفنه که هر کسی نمی‌تونه و خیلی از دخترا به قشنگی می‌رقصن، کلی سال کلاس رفتن، نمی‌دونم باله و این چیزا و دیدن انعطاف بدنی این دخترا برام خیلی جذابه.

چون طبق معمول که گفتم همچین برنامه‌ای توی تلوزیون برای مثلاً استعدادیابی یا نشون دادن رقص دخترا وجود نداره و اینستا هم باعث شده من به شخصه که از دیدن رقص دخترا لذت می‌برم، بتونم از اونا استفاده کنم، هم اونا استعدادهاشون رو به نمایش بذارن به اصطلاح. یه چیز دیگه هم که اگه اینستا نبود، ماها نداشتیم، علاوه بر خوانندگی و رقص که گفتم، همون دابسمش و کلیپ طنز درست کردنه و بعدشم که مدلینگای دخترا که خب من دنبال شون می‌کنم.»

مریم ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، از کاهش تدریجی حساسیت خویش در برابر هرزه‌نگاری، به شرح زیر یاد کرده است:

«- آیا دوستت از تصاویر برهنه‌ای که توی اینستاگرام هست هم کاربری داشته؟

یه پیچی بود آیدیش رو یادم نیست، دخترا عکسای نودشون (برهنه) رو می‌فرستادن اون پیچه، توی استوریش می‌داشت، چند باری نشونم داده بود، عکساشون واقعاً قشنگ بود، یه جورى که دلم می‌خواست خودم از خودم نود بگیرم.

- ایشون هم عکس شون رو فرستاده بودن؟

نه، پیش هم بودیم، نشونم داد.

- خود شما هم آیا از این تصاویر نگاه می‌کنید؟

به قصد این که لذت خاصی ببرم نه‌هاا، ولی چندبارى توی اکسپلورم اومده، ژست‌هاشون قشنگ، حتی شات گرفتم برای دوستم فرستادم، یه بار گفتم اندامش چه قدر قشنگ افتاده توی عکس، دوستم هم از این عکسا که می‌فرستاد، خودمونم چند بار وسوسه شدیم از خودمون عکس نود بگیریم، مثل اونا حرفه‌ای نه، ولی یه عکسایی از خودمون گرفتیم، برای هم فرستادیم، در حالی که نیمه برهنه بودیم، مثلاً با حوله، ولی خب دیگه مثل قبل خجالت نمی‌کشیدیم، قبح نداشت برامون این که یه جاهایی از بدنمون رو کسی ببینه».

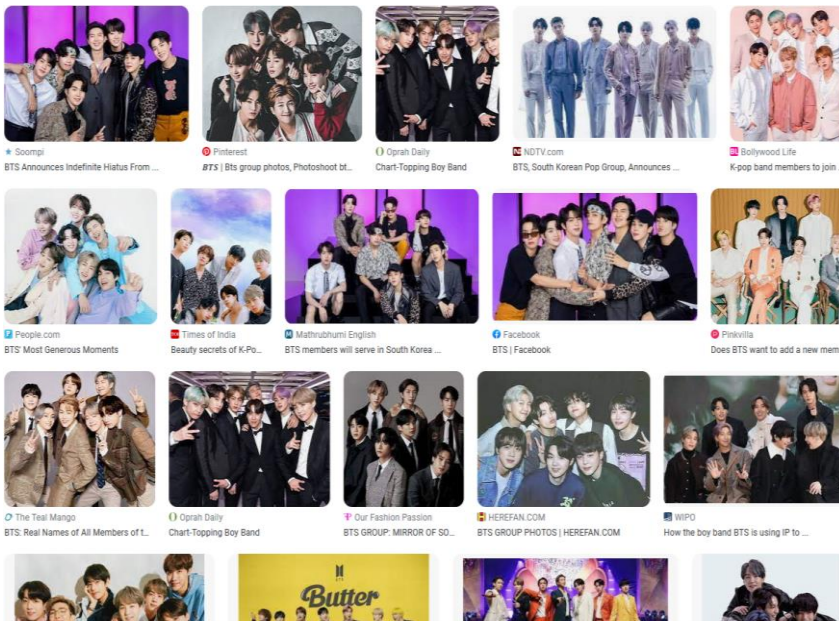
استقبال از صور مختلف حیات جنسی

در یک تقسیم‌بندی کلان، جهان‌بینی‌های موجود را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. جهان‌بینی‌های خدامدار و جهان‌بینی‌های انسان‌مدار.

در جهان‌بینی‌های خدامدار، انسان مکلف شمرده شده، در برابر خود، خانواده، جامعه، جامعه جهانی و حتی زیست محیط خویش و زیست محیط جهان نیز مسوول است، اما در جهان‌بینی انسان‌مدار، از آنجا که انسان جای خدا را گرفته و پرکرده است، تنها وجه مورد نظر، تأمین لذات آدمی است. از این رو در جهان‌بینی انسان‌مدار یا اومانستی، با قرار گرفتن لذات آدمی در مدار هستی، بسیاری از لذت‌هایی که در جهان‌بینی خدامدار و تکلیف‌گرا، نفی شده‌اند، مورد پذیرش قرار می‌گیرند که یکی از این موارد، پذیرش تحقق لذات جنسی به هر طریق ممکن است.

با پذیرش لذت‌مداری، صور مختلف حیات جنسی مورد پذیرش قرار گرفته، مواردی مانند هم‌جنس‌گرایی و حتی ازدواج و تشکیل خانواده آن‌ها، با دیده مثبت دیده شده و حتی دستگاه‌های تبلیغاتی آن سوی آب خود را موظف به حمایت از این مقولات و تبلیغ در جهت گسترش آن‌ها می‌کنند. از این رو یکی از مقوله‌های مورد توجه در تولیدهای فرهنگی غرب، تهیه و توزیع عکس، کلیپ، کارتون، پویانمایی، فیلم، تئاتر، روزنامه، کتاب و مانند آن در رسانه‌های مختلف، از جمله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی است که با هدف عادی‌سازی و تبلیغ مقوله اقلیت جنسی (یا ال-جی‌بی‌تی) صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال، خوانندگان گروه بی‌تی‌اس که گروهی متشکل از ۷ پسر است، طبق قراردادی که با کمپانی بیگ هیت دارند، به میزان زیاد انتخاب‌های خویش را در زندگی خصوصی و اجتماعی خویش را در اختیار کمپانی قرارداده اند و طبق نظر کمپانی، نه تنها در طول قراردادشان نباید ازدواج کنند (تا دختران طرفدار، آن‌ها را به صورت شوهر بالقوه خویش احساس کنند)، بلکه نباید حتی سر قرار ملاقات با جنس مخالف خودشان نیز حاضر شوند.

از سوی دیگر از آنجا که در حال حاضر بحث هم‌جنس‌گرایی در جهان حاضر به میزان زیادی تبلیغ شده و برخی از اقشار مردمی نیز آن را پذیرفته‌اند، اعضای گروه باید ضمن عدم اعلان گرایش جنسی خویش، طبق نظر کمپانی بعضاً رفتارهایی نظیر رفتار هم‌جنس‌گرایان را هم از خود به نمایش بگذارند تا باز هم کمپانی هر دو دسته مخاطبان هم‌جنس‌گرا و غیر هم‌جنس‌گرای خویش را زیر پوشش خود حفظ کند تا منافع وی از این جهت نیز متحمل آسیب نشود.



رضای ۱۸ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، از ورود حمایت از هم جنس گرایی در عرصه ورزش خبر داده است:

«- نظرت راجع به این که بعضی پیج‌ها از هم جنس گراها و ترنس‌ها حمایت می‌کنن چی هست؟ اصلاً خوشم نیامد، خیلی حال بهم زنه، وقتی همچین چیزایی می‌بینم، بیش‌تر توی اکسپلور اینستا پست‌ها و کلیپ‌ها بر اساس سلايق نشون می‌ده، من چون خوشم نیامد از این چیزا توی اکسپلورم اون‌طوری نیامد.

- چه طوری اینستاگرام بر اساس سلايق نشون می‌ده؟

یه مدل پست بیش‌تر لایک کنی یا سیو کنی، اینستاگرام دیگه علاقه‌ات رو متوجه می‌شه و توی اکسپلورت میاره، مثلاً الآن اکسپلور من رو نگاه کنی، همه‌اش فوتبال، ولی اکسپلور دوست دخترم توی اینستا رو ببینی، همه‌اش فیلم و آهنگ میاد، من همین راجب هم جنس گرایی اینا که دیدم، بیش‌تر توی فوتبال بحثش داغ بود.

- توی فوتبال چه طور بحث این چیزها هست؟

شبکه‌های ایران یه تائیمی که اینا میان، از همینا حمایت می‌کنن و فوتبال پخش نمی‌کنن، چون مثلاً کفش و لباس شون همه رنگین کمونی می‌شه، کاپیتان بازو بندش رنگین کمونیه یا فوتبالیست‌هایی که توی فوتبال مخالف اینان به مشکل می‌خورن، بعد یادمه حمایت می‌کرد تیم انگلیس از ال‌جی-بی‌تی.

- به نظرت چرا از شون حمایت می‌کنن؟

خب توی کشورهای که تر آزادی اندیشه دارن از این قضیه حمایت می‌کنن.

- چه طور فوتبالیست‌ها به مشکل می‌خورن، می‌شه راجع بهش بیش‌تر توضیح بدی؟

آره، یه بازیکنی که مخالف ال‌جی‌بی‌تی بود، بعد از این که گل زد، موقع شادی بعد از گل، از قصد رفت پرچم کرنر که اون رنگین کمونی بود رو شکوند، داور بهش کارت زرد داد.

کلاً بزرگ‌ترین حمایت کننده این داستان‌ها مثل این که یهودی‌ها هستن، چون لیگ جزیره تنها لیگی که از این داستان حمایت می‌کنه، اکثر سهام‌دارای باشگاه‌های بزرگم یا یهودین یا با یهودی‌ها ارتباط دارن، مثل خانواده گلیرز صاحب‌های منچستر».



با بررسی مصاحبه‌های انجام شده در زمینه اثرات فرهنگی اینستاگرام مشخص می‌شود، برخی از کاربران، پس از آن که در معرض تبلیغات آن سوی آب در جهت تغییر دید منفی خویش به دیدی مثبت در زمینه پذیرش جامعه اقلیت جنسی، قرار گرفتند، با پذیرش اندیشه اخیر، نخست به شکل نظری و در ادامه به شکل عملی، به تحقق خط‌مشی‌هایی که با آن‌ها آشنا شده‌اند، برخوانند آمد. پگاه ۱۷ ساله و سمیه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود از برخورد خویش با تبلیغات گسترده در جهت حمایت از اقلیت جنسی یاد کرده، در عمل نشان می‌دهند که تحت تأثیر این جریان قرار گرفته‌اند: «گفتی تو بعضی دوربین مخفیا زنگ می‌زنن به مامان و باباشون می‌گن که لزبین. واکنش مامان و باباشون چیه؟»

عصبانی می‌شن می‌گن برسی خونه نشونت می‌دم.

- چرا این حرف رو به مامان و باباشون می‌زنن؟

این روزا زیاد شوخی می‌کنن بالی‌بی‌جی تی بودن.

- چرا؟

کلاً خیلی زیاد شده. اینستاگرام پر از پی‌جی‌ال‌بی‌جی‌تی و کسایه که می‌گن ما همجنس‌گرا هستیم یا ازشون حمایت می‌کنن».

«- مطالب مربوط به هم‌جنس‌گرایی تو اینستاگرام دیدی؟»

بحثش طولانی، ولی در کل همین شیب کردن‌ها هست دیگه، مثلاً جان و ییو هر دو پسر، شیب‌های دیگه هم دیدم، بعضی وقتا به پست‌هایی هم در مورد هم‌جنس‌گرایی هست، اما الآن مورد خاصی یادم نمیاد.

- توی این مطالب هم‌جنس‌گرایی، مردم بیشتر موافق هستن یا مخالف؟

حس می‌کنم موافق‌ها بیشتر تر خودشون رو نشون می‌دن، آگه به پست در مورد هم‌جنس‌گرایی باشه، مثلاً بگن به زوج هم‌جنس‌گرا به هم رسیدن، ملت میان هی کلی ذوق می‌کنن و استیکر قلب‌دار می‌فرستن و می‌گن به هم میان و اینا، بعد از اون طرف هم آگه کسی بیاد مخالفت کنه باهاشون، موافق‌ها می‌ریزن سرش و کلی چیز بهش می‌گن، من خودم موافق این جریان نیستم، اما می‌ترسم به موقع‌هایی مخالفت خودم رو نشون بدم و کلی توهین بشنوم.

- از اون جایی که گفتی مخالفی، آگه راحتی، می‌شه بگی چرا با این وجود هنوز هم اون دو نفر که گفتی رو شیب می‌کنی؟

جان و ییو؟ به کم پیچیده هست قضیه، اول این که من گفتم، نمی‌گم حتماً با هم باشن و همین که با هم دوست باشن برای من کافیه، چون هر دو رو دوست دارم، دوست دارم که با هم رابطه خوبی داشته باشن و از طرف دیگه هم خب همه شیب می‌کنن دیگه و دلایلی که میارن باعث می‌شه حس کنم، شاید واقعاً هم با هم هستن، منم این طور نیست که مخالف صد در صدی این قضیه باشم، بیشتر به خاطر مسایل دینی مخالفم و این که احساس می‌کنم دیگه زیادی دارن به این موضوع می‌پردازن، یعنی ببخشید، اما دارن گذش رو در میارن، ملت هم جوگیر هستن، به نظرم دخترهای جوون و نوجوون از روی جوهمه‌اش میان حمایت می‌کنن، حقیقتش این بحث به کم پیچیده هست و منم نمی‌دونم دیگه چه طور توضیح بدم که چرا شیب جان و ییو رو دنبال می‌کنم، اما با جریان‌های هم‌جنس‌گرایانه مخالفم.

- به نظرت این مطالب تأثیر داره روی این که جوون‌ها به سمت حمایت از هم‌جنس‌گرایی برن؟ تأثیر که چه عرض کنم، اصلاً همین مطالبه که اونا رو توی این جو می‌اندازه به نظرم، همین که با دیدن این مطالب توهم نزنن که خودشون هم ال‌جی‌بی‌تی هستن، جای شکر داره.

- یعنی کسانی رو دیدی که با این مطالب بگن هم‌جنس‌گرا هستن؟

حالا نمی‌دونم، اما دیدم زیر پست‌ها اعلام کنن هم جنس گرا هستن، توی یه گروه تلگرام هم بودم که دختره نوجوون می‌اومد و با چه قاطعیتی می‌گفت از دخترا خوشش میاد و تازه جزئیات رو هم می‌گفت، بقیه هم حمایتش می‌کردن، اما به نظرم اوج این بحث‌ها، توی همین اینستاگرامه...

- گفتی فن پیج دنبال می‌کنی، بیش‌تر چه کسانی رو دنبال می‌کنی؟

- من طرف دار اکسو که بودم، هنوزم هستم و یه موقع اگه اخباری از او‌نا باشه، دنبال می‌کنم. توی چینی‌ها هم از پسرا بیش‌تر از همه شیائو جان رو دوست دارم و وانگ ییبو و لوهان هم دوست دارم، از دخترها هم دلربا رو دوست دارم، یه چند نفر دیگه هم هستن.



- می‌شه بگی هر کدوم رو چرا دنبال می‌کنی؟

خب من گفته بودم که سریال رام نشده رو دیدم، وانگ ییبو و شیائو جان بازیگرهای نقش اصلی بودن و اون طوری باهاشون آشنا شدم و دیگه ادامه دادم، جان به نظرم خیلی مهربون و مؤدب و با ملاحظه هست و ییبو هم، با استعداد دیگه، بعد چون من از اول اینا رو با هم دیدم، الان هم با هم طرف دارشونم، دیگه یه جورایی شیرم، لوهان هم که عضو سابق اکسو هستش و به نظرم خیلی خوشگله، دلربا هم که بازم به نظرم خیلی خوشگله و خوبه دیگه.

- می‌شه بگی منظورت از شیر بودن چی هست؟

هوففف...، یه کم سخته توضیحش، بین وقتی دو نفر رو می‌بینی و حس می‌کنی اونا خیلی به هم میان و دوست داری اونا با هم باشن، یعنی داری شپ می‌کنی، بعد بعضی از شیرها هم هستن که اصلاً معتقد هستن، اینا کارشون از شپ گذشته و واقعاً با هم رابطه دارن، یه سری دلایل هم میارن که راستش حوصله ندارم بگم، ولی به هر حال منم اینا رو کنار هم دوست دارم و دوست دارم که رابطه خوبی با هم داشته باشن و خوشحال باشن، اما نمی‌گم حتماً باید از اون مدل رابطه‌ها داشته باشن یا نمی‌گم حتماً باهم هستن».

مهسای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان ساخته است که وی در برخورد با تبلیغات جامعه اقلیت جنسی، جهت‌گیری خود در مسأله اقلیت جنسی را تغییر داده است و قالب‌های جنسیتی پیشین خویش را در مواجهه با تبلیغات غرب کنار نهاده است. علی ۱۹ ساله هم در بیانات خودش یادآور می‌شود، وی تحت تأثیر تبلیغات جهانی در جهت حمایت از اقلیت جنسی، با پذیرش این امر، به نوعی نسبت‌گرایی اخلاقی را در دستور کار خویش قرار داده است:

«- یعنی این گروه علاوه بر خوانندگی، می‌تونن الگوی خوبی باشن؟

آره.

- به بقیه دوستان خودت توی اینستاگرام گفتی که اون‌ها هم با بی‌تی‌اس آشنا باشن؟

الآن که دیگه تقریباً همه بی‌تی‌اس رو می‌شناسن، تعداد زیادی هم طرف دارشون ان، ولی خب صمیمی‌ترین دوست من که ساغره، مثلاً به اون گفتم که من طرف دار همچین کسی هستم، دوستانم می‌دونن.

- تا حالا توی اینستاگرام چیزی دیدی که نقطه ضعف این گروه رو نشون بده؟

خود اعضاء که نه، چون به هر حال سعی می‌کنن خودشون رو بی نقص نشون بدن، ولی یه سری ادیتایی هست از جونگ گوک و تهیونگ که مثبت هجده.



- یک کم بیش تر توضیح می‌دی؟

مثلاً می‌رن یه سری ویدیوها درباره‌ی بی‌تی‌اس توی یوتیوب پیدا می‌کنن، یه قسمتی که اعضاء انگار گگی هستن رو می‌دارن کنار هم، بعد مثلاً این ویدیوهای خاص هستن که بدنشون رو نشون می‌ده یا رون‌هاشون رو نشون می‌ده، اینا رو بیش تر فن پیجا می‌دارن، ولی ویدیوهای مثبت هجده رو توی اکسپلور دیده بودم...

- گفتمی که خیلی از کلیشه‌های جنسیتی برایت از بین رفت، راجع به این هم توضیح می‌دی؟
مثلاً این که مردا نمی‌تونن موهاشون رو رنگ کنن، الآن رنگ کردن موی مردا خیلی چیز عادیه برام یا مثلاً از جواهر آلات و زیور آلات استفاده کنن یا روابط گگی و این جور چیزا خیلی برام عادی تر شده یا مثلاً این که مردا لاک بززن، البته این که دخترا هم موهاشون رو پسرانه بززن، خیلی برام عادی تر شده، حتی پسرا میکاپ کنن.

- یعنی قبل آشنایی با بی‌تی‌اس، این‌ها برایت غیر عادی بود؟
آره تا حدودی، چون که فرهنگ ما همچین چیزی نیست، فرهنگ ما اینه که مرد نباید گریه کنه، مرد باید سیبیل داشته باشه، مرد باید ریش داشته باشه، مرد نباید گوشواره بندازه، به خاطر فرهنگ و جامعه‌ای بود که توش بزرگ شده بودم. ولی خب بعد این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم و فرهنگ او‌نا رو دیدم، دیگه این چیزا خیلی برام عادی تر شد.

- یعنی الآن از نظر شما هم جنس‌گرایی یا دو جنس‌گرایی مشکلی نداره؟

نه، البته هم جنس‌گرایی مشکلی نداره، ولی اگه هم جنس‌باز باشه، نه.

- این دو تا چه فرقی دارن؟

مثلاً الآن من به دخترا گرایش ندارم و چیز جذابی توش نیست که بخوام، باهاش رابطه داشته باشم، ولی خب به طور طبیعی و غریزی، یه پسر من رو به خودش جذب می‌کنه. هم‌جنس‌گرا هم همینه، دست خودش نیست، مثلاً اگه پسره، از پسر خوشش میاد، اگه دختره، از دخترا خوشش میاد. ولی هم‌جنس‌باز کسیه که از روی هوسه، یعنی مثلاً شاید یه پسر گرایشش به دخترا باشه‌ها، ولی از روی هوس و برای اون حس شهوتش، می‌ره با یه پسر می‌خوابه».

«- درباره‌ی مسایل هم‌جنس‌گرایان چه نظری داری؟»

خب اینا که توی ایران اصلاً به رسمیت شناخته نمی‌شن و مجازات‌شون هم می‌کنن، ولی باید این اقلیت‌ها رو به رسمیت شناخت و به حقوق‌شون احترام گذاشت، چون اونا هم انسان هستن بالاخره.

- شما هم مثل اون‌ها معتقدی که هم‌جنس‌گرایی یک چیز طبیعی هست؟

راستش تعیین این که دلایل بروز چنین حالتی چیه در سواد من نیست، اما خب فکر می‌کنم به هر حال این آدم‌ها هم انسان هستن و هم‌دیگه رو دوست دارن و آزاری برای بقیه ندارن، بنابراین چرا باید باهاشون رفتاری غیرانسانی بشه؟»

آلای ۱۵ ساله هم در مصاحبه خویش بیان می‌داشت، وی به طبع به دست آوردن دیدی نسبت‌گرا در مسایل اخلاقی در فضای اینستاگرام، نسبت به پذیرش دید غرب در مورد پدیده اقلیت جنسی نیز به تبعیت از این دید برخاسته است و خود را ملزم به دفاع از گرایش‌های گی، لزبین، کویر و مانند آن‌ها می‌داند.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، آلا با بیان ستایش الگوهای هم‌جنس‌گرایی که دارد، از تمایل هم‌جنس‌گرایی خود یاد کرده، اظهار می‌دارد که دنبال مهاجرت به خارج با دوست دختر خودش است تا به این ترتیب همسان با الگوهای مورد علاقه‌اش، به زندگی ایده‌آل خویش پردازد:

«- به جز آدمایی که توی مسایل مربوط به زیبایی و پوست فعالیت می‌کنن، کسان دیگه‌ای هم هستن که دنبال‌شون کنی و ازشون خوشت بیاد و برات الهام بخش باشن؟»

اهوم از جو جو سیوا^۱ خیلی خوشم میاد، چون جسارت داشت و به خاطر حرف بقیه خودش رو قایم نکرد و کام اوت کرد و با دوست دخترش همه جا می‌رفت و توی کارش هم خیلی خوبه، یه سری کاپل لزبین هم هستن که دنبال‌شون می‌کنم و واسم خیلی الهام بخشن و دوست دارم وقتی از ایران رفتیم با دوست دخترم پیج بزیم و مثل اونا باشیم.



- اسماشون رو می‌گی؟

مثلاً از جولیا و ایگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد، ولی کاپل مورد علاقه‌ام ابی و جولیان ان... .

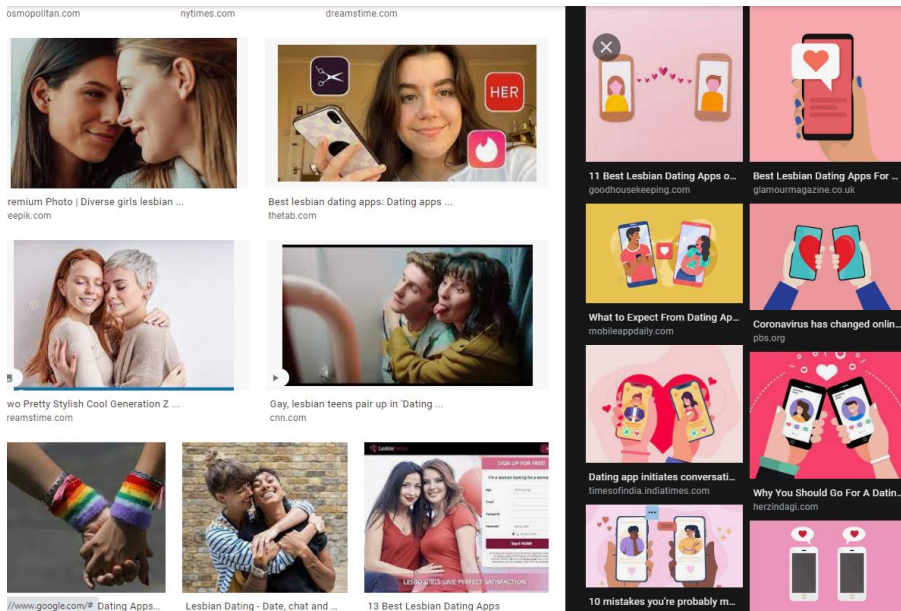
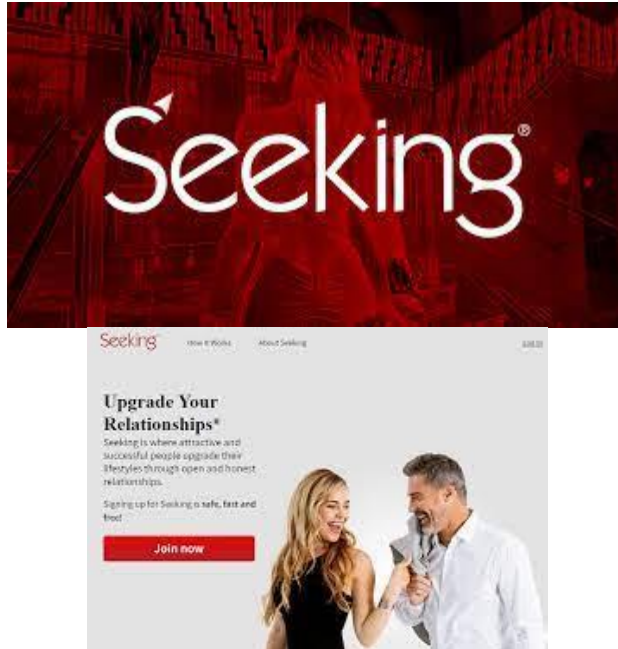


من و دوستم، تو هر با هم دوست شدیم.

- می‌شه به من بگی هر چی هست؟
یه آپه.

- من تا حالا اسمش رو نشنیدم، چه جور آپه هست؟

دیتینگ آپ بود، یعنی یه آپه فقط برای لژیوناست که اون‌جا هم دیگه رو ببینن، اگر از هم خوش شون اومد، دوست شن، می‌رفتی اون‌جا پروفایل می‌ساختی و اسم و عکس و سن و یه سری چیزای دیگه، مثل قد و وزن و نمی‌دونم دین و کلی چیز دیگه رو اون‌جا می‌زدی، بعد یه گزینه داشت که می‌نوشتی، مثلاً برای چی اومدی این‌جا که خب برای پیدا کردن پارتنر بود، ولی بعضیا مثلاً می‌زدن فقط برای این‌که دوست معمولی پیدا کنن یا صرفاً یه سکس پارتنر، یه سری هم کاپلای استریت بودن که می‌گفتن دنبال یه نفر سومیم برای سکس.



- گفتی چند وقت هست با اون دوست هستی؟

دو ساله.

- خوب یعنی شما لزیبین هستی؟

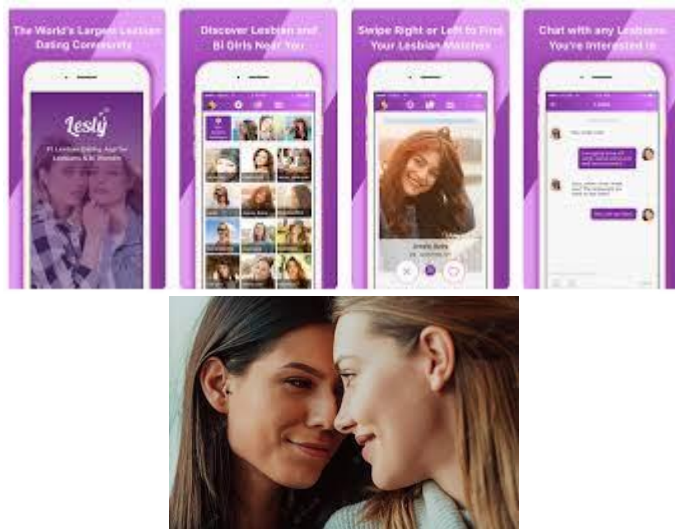
آره.

- این رو از کجا می‌دونی و مطمئن هستی؟

نه خب، الان دیگه فهمیدنش خیلی سخت نیست، کلی مطلب خوندم و با آدمای مختلف حرف زدم و تحقیق کردم و فهمیدم که هیچ کششی به پسران ندارم.

- می‌توننی بگی مثلاً با کی حرف زدی و چه طوری تحقیق کردی؟

خب الان دیگه خیلی فکر مردم باز شده، اطلاعات زیاد شده، کلی پیج و کانال تلگرامی هست که اطلاع رسانی می‌کنن و برای بچه‌های ال‌جی‌بی‌تی، من توی اون عضو شدم، توی گروه‌ها رفتم، با آدمایی که مثل خودم هستن دوست شدم و اون‌جا حرف زدیم و اینا، در مورد تحقیقات هم کلی چیز می‌ز هست، توی اینستاگرام و یوتیوب رفتم اون ویدیوها رو دیدم.



- شما از چه سنی احساس کردی که کشش و میل به سمت آدم‌های هم‌جنس خودت داری؟

از سن ۱۲ سالگی تقریباً فهمیده بودم که وقتی حرف پسر و جنس مخالف می‌شه، من خیلی علاقه‌ای ندارم و برام جالب نیست، ولی در مورد دخترها اصلاً این طوری نبود، بیش‌تر دنبال دخترای جذاب بودم و رفتار دخترها برام خیلی مهم‌تر و باارزش‌تر بود، کلاً پسران من رو جذب نمی‌کنن.

- خوب می‌توننی به من بگی چرا این فکر رو می‌کنی، یعنی چرا دخترها برایت جذاب هستن و پسرها نیستن؟

خب من پسرای زیادی دور و برم دیدم، هیچ جاذبه‌ای واسم ندارن، پسران احمق‌ان، بعدش می‌خوان چه کار کنن واسم، می‌خوان یکی باشن مثل بابام، زندگیم بشه مثل زندگی مامان و بابام؟

بعدشم پسرا ریش و سیبیل دارن، اصلاً وقتی می خوره به پوست بدت میاد، ولی خب دخترا قشنگ و لطیف ان و حس خوبی دارن، بعدشم خب دخترا خیلی بهتر دخترا رو می فهمن.

- خوب فکر نمی کنی این که بگی دخترا هم دیگه رو بهتر می فهمند، ملاک خوبی برای این روابط نیست؟ خوب هر جنسیتی نسبت به خودش آگاهی بیش تری داره، اما مکمل شما نیست و این که مردها هم می تونن آگاهی شون رو افزایش بدن و شما رو درک کنن، این عدم آگاهی که باعث عدم درک می شه، نه جنسیت.

من اصلاً این حرفا رو قبول ندارم، مکمل دیگه چیه، این تفکرات مال هزار سال پیشه، الان دیگه این جور نیست، من قبول می کنم درک و آگاهی رو، اما در نهایت این یه کشش طبیعیه، ربطی به این چیزا نداره، حتی توی حیونا هم هم جنس گرایی دیده شده، نکنه اونا هم به خاطر عدم آگاهی می رن با هم جنس شون؟

- خوب یعنی حیوناها با آدمها هیچ فرقی ندارن؟

چرا، دارن، اما این چیزیه که طبیعیه و ربطی به انسان و حیون بودن نداره، میل طبیعیه.

- چند ساله که با دوست آشنا شدی؟

دو ساله.

- قبل از اون، آیا با کسی حالا چه پسر یا دختر هم آشنا شده بودی؟

نه خیلی، یکی دو تا دختر بودن که یک کم از شون خوشم می اومد، ولی نه من جرأت داشتم بهشون بگم، نه اونا می اومدن جلو، از دور روی هم کراش داشتیم شاید. پسر هم که گفتم خوشم نمی اومد اصلاً که بخوام دوست بشم.

- در این دو سال اتفاق افتاده که با هم دیگه به مشکل بخورید؟

آره، مثل بقیه، عادیه، مثل هر کس دیگه که توی رابطه هستن، من و اونم به مشکل می خوریم، با هم قهر می کنیم، دعوا می کنیم، بحث می کنیم، مثل دو تا آدم عادی، چیز عجیبیه؟ (با تمسخر می خندد).

من فقط دارم از نوع روابط سوال می کنم، اگر برات ناراحت کننده هست می تونم ادامه اش ندم، بعد هر جایی که دوست نداشتی، می تونی اصلاً جواب ندی و سکوت کنی.

نه، برای من مشکلی نداره، آخه نمی دونم، انگار ما از فضا اومدیم این جا که نباید کارامون شبیه بقیه باشه. تازه اگه نگاه کنید، می بینید که ما از خیلی از آدمای دیگه که فکر می کنن دارن خوب زندگی می کنن، شاید بهتر و معمولی تر زندگی می کنیم.

برای من این مدت دیگه عادی شده این مدل رفتار، انگار شاخ داریم ما، نمی‌تونن تفاوت‌ها رو بفهمن، برای همین هم می‌خوان، کسی که باهاشون متفاوته رو پاک کنن از دور و برشون. من که نمی‌مونم این‌جا، همین که کارم درست بشه، می‌رم با دوستم از این جهنم (عصبانی است و کلافه جواب می‌دهد).

- با دوست دخترت رابطه‌ی جنسی هم داشتی؟

این خیلی خصوصیه، دوست ندارم در موردش صحبت کنم.
- باشه.

- دوست‌های دیگه‌ای هم داری که به شما نزدیک باشند؟

آره دارم، زیادن، دوستای مدرسه‌ام، دوستای خودم از قبل و دوستایی که از طریق اینستاگرام پیدا کردم، خلاصه دوست زیاد دارم، ولی کسی که خیلی بهم نزدیک باشه، نه، فقط دوست دختر خودمه که خیلی بهم نزدیکه.

- دوست‌های دیگه‌ات می‌دونن که شما با یک دختر در ارتباط نزدیک هستی؟

آره، یه سری می‌دونن و شاید اونایی که می‌دونستن رفتن به بقیه گفتن، ولی واسم مهم نیست.

- عکس‌العمل شون برای اولین باری که از شما شنیدن چی بود؟

(می‌خندد) بعضی‌هاشون همون اول خشک‌شون می‌زنه و چشماشون چهارتا می‌شه (می‌خندد). بعضی‌هاشون هم دفعه‌ی بعدی که این رو شنیدن، دیگه ندیدم توی دوره‌می‌های خودمون، بعضی‌ها هم براشون اهمیت نداره و مثل قبل باهام هستن، ولی خب تعدادشون کمه، یه سری دیگه سعی می‌کنن رابطه‌شون رو کم کنن یا کلاً یه جور رفتار می‌کنن باهات، انگار کرونا داری (می‌خندد)، می‌ترسن ازت و باهات کات می‌کنن، برای من عادی شده این کارهاشون، این‌جا این جوریه، نمی‌تونن بفهمن، مغزشون هنگ می‌کنه، فکر می‌کنن، فقط باید یه دختر و پسر عاشق هم باشن، نمی‌تونن حالت دیگه‌ای رو فرض کنن، ذهن شون همین قدر رو می‌کشه فقط».

استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید (مدنی)

آلومین تافلر در آثار خویش که عمدتاً مبتنی بر آینده‌شناسی هستند، با اشاره به انقلاب ارتباطی پدید آمده در سطح جهان امروز، تأکید می‌کند، جهان حاضر در پرتو پیشرفت‌های فناوری، به دهکده واحدی بدل شده است و البته بالادهی‌های این دهکده، صاحبان فناوری‌های پیشرفته‌اند که با اتکاء

به ابزار اخیر، به سادگی دست به تبلیغ و ترویج ارزش‌های خویش برای پایین دهی‌هایی می‌زنند که فاقد فناوری‌های پیشرفته غرب هستند.

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگ اومانیستی و انسان‌مدار غرب که مبتنی بر لذت‌مداری آدمی است، مسأله آزادی روابط جنسی است. از منظر فرهنگ غرب روابط آزاد افراد، در صورتی که محل آزادی دیگران نباشد، بلامانع است.

اندیشه فلسفی اخیر، نه تنها توسط بسیاری از سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی مورد پذیرش قرار گرفته و دامن زده می‌شود، بلکه توسط تولیدهای هنری غرب، از کتاب و نشریه گرفته تا فیلم و تئاتر و مانند آن پی گرفته شده و تبلیغ می‌شود.

نازنین ۲۴ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد که کاربران اینستا با کاربری از این شبکه اجتماعی، در اندیشه‌های اولیه خود نسبت به پوشش، رابطه با جنس مخالف و مانند آن‌ها، تعدیل یافته، به استقبال از این موارد دست می‌زنند:

«- به نظرت این مسأله اثری بر زندگیت داشته؟»

از بعد سرگرمی زیاد، از بعد آموزشی هم آگه بخوام نگاه کنم، بی‌اثر نبوده، به هر حال با این فیلم و سریال‌ها هم زبانم تقویت می‌شه، هم گاهی با آداب و رسوم و جامعه کشورهایی که سازنده اون‌ها هستند، آشنا می‌شم. اما یک‌سری مشکلاتی هم این مسأله ایجاد می‌کنه که بد نیست بگم، اول این که تحت تأثیر این محتواهای اینستا و فیلم‌ها خواه و ناخواه آدم به سمت فرهنگ غرب جلب می‌شه، چون جذابیت‌ها و شرایط زندگی شون دقیقاً اون چیزیه که برای نسل جدید جالب و دوست‌داشتنی، مثل آزادی پوشش و آزادی روابط و هزار نوع جذابیت دیگه که در زندگی افراد هم منعکس شده، کم‌تر شخص باحجابی در جامعه و در اینستاگرام دیده می‌شه. یکی دیگه از اثراش هم باز شدن گوش و چشم کاربرهای سن پایین اینستاگرامه، درسته که اینستا یک‌سری محدودیت‌هایی برای محتواهای نامناسب داره و هر محتوایی رو به هر کاربری و در هر سنی ارایه نمی‌کنه، اما باز کاملاً پاک نیست، از اون جایی که توی ایران تقریباً بچه‌ها از همون سنین دبستان کاربری رو شروع می‌کنند، می‌تونه آسیب‌زا باشه و اون‌ها رو زودتر از سن طبیعی با مسایل جنسی روبه‌رو می‌کنه. البته حرف من این نیست که آگاهی از مسایل جنسی خوبه یا بده، منظور من اینه، این که یک بچه بدون آگاهی شروع به کاربری کنه، درست نیست، چند ماه پیش با دختر دایم که کلاس چهارم دبستانه صحبت می‌کردم، اون هم پست‌هایی که اینستا ذخیره کرده بود رو نشونم می‌داد، رسید به یه پستی

از یه سریال خارجی. همین که رسید به اون سریع زد بعدی و گفت: «این مناسب نیست، راستی به مامانم نگو». من خودمم قبلاً اون سریال رو دیده بودم و بهش گفتم نازنین تو کل سریال رو دیدی؟ اون گفت: «نه، فصل اولش رو که دیدم، داداشم گفت مناسب سنت نیست، حالا نبین و به مامانم گفت که این رو می‌بینم و مامانم هم گفت، نباید بینمش، منم کنجکاو بودم درباره بقیه‌اش بدونم، برای همین من اون رو تیکه تیکه توی اینستا می‌بینم». من بهش گفتم وقتی مامان گفته نبین یه علتی داشته، پس دیگه تیکه‌هاش رو هم دنبال نکن، اون در کمال تعجب من گفت: اووووووووه من کوچیک‌تر بودم بدتر از اینا رو هم دیدم، اما مامان نمی‌دونست گیر نمی‌داد. و خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد، درسته تنها دلیلش استفاده از اینستا نیست، اما به هر حال به اندازه خودش اثر گذار بوده».

صبا ۲۱ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، کاربری وی از برخی از محصولات فرهنگی غرب در اینستا، وی را به این نتیجه رسانده است که او باید اندیشه داشتن رابطه جنسی با یک نفر مشخص در طول زندگی را به کناری گذاشته و از ایجاد رابطه با افراد متعدد استقبال کند. به همین ترتیب صبا، نسبت به هم‌خانگی، ازدواج سفید و مدنی، از خود پذیرش نشان داده، این مسأله را بالاستقلال و یا به صورت مقدمه‌ای ضروری برای انجام ازدواج رسمی، امری لازم برمی‌شمرد:

- خوب آیا این ذهنیتی که می‌گی توی سریال سکس اجو کیشن می‌خواستن بهت یاد بدن، برای خودت مؤثر بود و در این باره ازشون چیزی یاد گرفتی؟

خب بین اصلاً فکر می‌کنم ذهنیت ما با اونا خیلی فرق داره، چون اونا توی یک مرحله‌ای هستن که به نظرشون سکس خیلی چیز خوبیه، همه حتماً باید انجام بدن، خیلی از اونا فکر می‌کنن که مثلاً اگر تا یک سن خاصی رل نزنن و رابطه‌ی جنسی نداشته باشن، مشکل دارن. در حالی که ما برعکسیم! فکر می‌کنیم اگر یکی با کسی رابطه‌ی جنسی داشته باشه، مشکل داره، این تفاوت واقعاً باعث شد که من بفهمم چه قدر مسخره هست تابوهای که توی ایران، به نظرم روی منم تأثیر گذاشته و مثلاً کلاً خیلی چیزای آموزشی جالبی در مورد رابطه‌ی جنسی ارایه می‌ده، مثلاً فهمیدم که خیلی چیزای توی رابطه جنسی مهمه، صرفاً انجام و اینا نیست، یعنی خیلی چیزای عاطفی هست، چیزای پیشگیرانه هست و این چیزا.

- پس در کل به نظرت تأثیرش توی این زمینه مثبت بود و باعث شد سواد جنسیت بالا بره؟
من که الآن کاری نمی‌کنم، اما به نظرم دانش جنسیم رو آره، خیلی بالا برد.

- تا قبل از دیدن این سریال و کلاً محتواهایی با این مضمون توی اینستاگرام و سریال‌ها و غیره، آیا نظرت متفاوت بوده با الآن، یعنی آیا شما هم مثلاً همین نظری که به قول خودت جامعه‌ی ما در این مورد داشت رو داشتی؟

نه این که دقیقاً همین نظر رو داشته باشم، اما خب آره، یعنی به نظر من، یعنی هنوزم به نظر من این که آدم رابطه‌ی آزادانه با همه داشته باشه، یک جوریه، یعنی نه این که بگم مخالفشم، اما قبلاً بیش تر حس خیلی بدی داشتم که یک نفر، مثلاً ممکنه با ۴ نفر در رابطه باشه و با همه شونم رابطه جنسی برقرار کنه، اما الآن احساس می‌کنم دیدن سریال باعث شد که این برام عادی سازی بشه، به خاطر این که فهمیدم این ذهنیتی که ما توش هستیم، قدیمیه، البته هنوز برای خودم خوشم نیامد که بیش تر از یک مثلاً شریک جنسی داشته باشم، اما به نظرم یک چیزیه که مردم خودشون باید در موردش تصمیم بگیرن.

- پس تا الآن در عمل باعث نشده تغییر توی رفتارت در مورد این مسایل بدی؟

چرا، مثلاً توی بحثامون می‌گم من همیشه طرف دار اون بودم که می‌گفت نه، مثلاً درست نیست که آدم با افراد متنوع دوست بشه، مثلاً من همیشه دنبال اون **the one** ام، انگار اون یک نفری که آدم تا ابد از نظر عاطفی و جنسی باشه، اما بعد از سریالای مختلفی که پیدا کردم که خیلی هاشم از اینستا پیدا کردم، فهمیدم این ذهنیت من خیلی بچه‌گانه هست.

- پس در واقع اینستاگرام و حالا این سریال‌هایی که از طریق اون باهاشون آشنا شدی و دیدی، باعث شد که نگاهت نسبت به روابط حالا عاطفی و جنسی قبل از ازدواج تغییر کنه؟
خیلی خیلی، به خاطر این که، می‌دونین خیلی آگاهی بخش بود برام.

Audience rating summary



Rate and review

Your Review
Posting publicly.

☆ ☆ ☆ ☆ ☆

- توی دوستانت و اطرافیان‌ت چه طور، آیا اون‌ها درباره‌ی مثلاً حجاب و هم این مسأله‌ی حالا عاطفی و جنسی که گفتی هم همین نظر رو دارن، آیا نظرشون مثل شما همین تغییر رو کرده؟

در مورد حجاب که اکثراً آره، یعنی خیلی فراگیره، ولی در مورد روابط جنسی خب هنوز یک ذره تابو هست، یعنی من دوستایی دارم که هنوز این جور فکر می‌کنن که آره، آدم باید فقط با یک نفر باشه، فلان، یا مثلاً آدم عوض نکنه توی رابطه‌اش، اما من می‌گم، همین کامنتای یکی از پستای اینستا که یک تیکه از دیالوگای همین سریال سکس اجوکیشن رو گذاشته بود، داشتم حرف چند نفر رو می‌خوندم، به هم دیگه جواب داده بودن، زیر اون پست که دیدم اون‌ها هم عین من شدن، یعنی دارن به این می‌رسن که آره، واقعاً این تفکرات قدیمی که داشتن، بچه‌گانه هست که آدم یک نفر رو پیدا کنه که همون فرد رؤیایی باشه و معمولاً توی زندگی واقعی این اتفاق نمی‌افته.

- پس در واقع الآن اون باوری که سابق داشتی مبنی بر این که یک نفر هست که برای آدم خیلی مناسبه و عالیه، اون رو از دست دادی، به نظرت دیگه چنین فردی برای آدم وجود نداره؟
نه، به نظرم وجود نداره.

- الآن در کل نظرت راجع به ازدواج چی هست و چه نظری در مورد ازدواج و تشکیل خانواده پیدا کردی؟

هنوزم فکر می‌کنم ازدواج برای کسانی که دوست دارن، خوبه، مثلاً می‌دونی ما قبلش خیلی این مدلی بودیم که خوبه آدم ازدواج کنه و بره زیر یک سقف، ولی الآن می‌بینم این حالتی که خارجی‌ها دارن توی فیلماشون یا من مثلاً توی اینفلوئنسرهای اینستاگرامی هم می‌بینم که مثلاً بدون این که حالا ازدواج رسمی کنن با هم، توی یک خونه زندگی می‌کنن هم، خیلی خوبه، چون آدم طرف رو می‌شناسه، هم این که حالا حتماً نیاز نیست تعهدی بده، یعنی تعهد دادن خوبه، اما به نظرم خیلی آدم رو محدود می‌کنه.

- حالا به نظرت اگر دو نفر این نوع هم‌خونگی و زندگی رو با هم تجربه کردن، خوبه که در نهایت ازدواج رسمی هم انجام بدن؟

اون دیگه بستگی داره به خودشون و علاقه‌شون، به نظرم اگر بچه‌دار بشن، حتماً باید انجام بدن، اما اگر بچه‌دار نشن، حالا خیلی هم مهم نیست.

- یعنی اگر به خودت باشه و مثلاً شرایط باشه و بتونی، ترجیح می‌دی حتی الامکان حالا تا قبل این که بچه‌دار بشی با یک نفر، ازدواج تون رسمی نباشه؟

اگر من طرف رو واقعاً خیلی دوست داشته باشم، آره، دوست دارم ازدواج بکنم باهش، ولی دلم نمی‌خواد سر یک رابطه‌ای که حالا همین طور شروع شده، تعهد الکی بدم.

- پس خیلی به نظرت سخت تر باید تن به اون ازدواج رسمی داد و بهتره رابطه‌ی هم‌خونگی یا ازدواج سفید شروع بشه؟

آره، حتماً.

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش از ترویج بی‌بند و باری توسط برخی از صفحات متعلق به افراد فمینیست یاد کرده، بیان می‌دارد، برخی از این افراد، بر خیانت برای لذت بردن صحه نهاده، نوجوانان و جوانان مخاطب خویش را تشویق به این امر می‌کنند:

«- پیج‌های فمینیستی بعضیاشون چه نوع حرکتی داشتن که به نظر تو به ضرر بانوان بوده؟ این تعداد پیج‌های خیلی زیاد هستند و یک مورد رو که من خیلی زیاد دیدم پیج فمینیسم روزمره هست. خیلی پست‌ها و مطالب عجیبی دیدم ازش. بعضیاش رو که خاطر من هستن مثلاً ترویج عجیب بی‌بند و باری و حتی خیانت به قیمت لذت بردن، تشویق چاقی و اضافه وزن، توهین به مردان و حقوق مردان.»

فمینیسم روزمره
@feminismeveryday

عاشق بشید ازدواج نکنید
عاشق هم نخواستید نشید، فقط سکس
کنید، ازدواج نکنید
ازدواج نکردن نه تنها یک اکت فمینیستی
است بلکه یک اکت سیاسی هم است.
اگه ازدواج کردید ازدواج موقت کنید نه
دائم. آزادی زن در ازدواج موقت بسیار
بیشتر است به شرطی که قوانین را بدانند.
اگر ازدواج دائم کردید

چند تا از فواید شکم داشتن:

موقع غذا خوردن
حسابی جادار است!

خیلی نرم
است.

خیلی بامزه
است.

برای موجودات کوچکتر
تختخواب خوبی می‌شود.

2,891 likes

شکم #زیبایی #بدن_من_انتخاب_من #feminism.everyday
#فمینیسم_روزمره



مردان به سربازی اعتراض دارند؟ آن را ناعادلانه می‌دانند؟ راهش این نیست که بگویند سربازی باید برچیده شود. اگر راست می‌گویند و دنبال تنبلی و تن‌پروری نیستند اول از مزایای سربازی دست بکشند.

دو سال مفت و مجانی می‌خورند و می‌خواهند، حتی خرج لباس شان را هم دولت می‌دهد. تازه حقوق هم می‌گیرند! مفت و مجانی آموزش نظامی می‌بینند، که آرزوی دخترهاست با اسلحه بازی کنند. به خرج دولت و درواقع بین‌المال و مالیات من و شما مهارت یاد می‌گیرند و می‌توانند بعداً راحت وارد بازار کار شوند.

بدون اینکه کسی مخالفتی کند دو سال از خانواده دور می‌شوند و مستقل زندگی میکنند، بدون خرج خانه و لوازم خانه و آب و برق و گاز! با سه وعده غذای آماده! چیزی که همه دختران آرزویش را دارند، به خصوص دختران روستایی...

فهرست روزمره | ●●●●●

تحول‌یابی مقوله عشق

عشق پدیده‌ای گسترده و همه‌گیر است. ملاصدرا درباره عشق می‌نویسد، از آنجا که ما در همه ازمینه و امکان شاهد شکل‌گیری عشق هستیم، پس می‌توان نتیجه گرفت که عشق فطری انسان‌ها است (منطقی، ۱۳۹۰، ب).

با بررسی مقوله عشق در طول تاریخ فرهنگی ایران مشخص می‌شود که در یک تقسیم‌بندی کلان‌نگر (و با کنار نهادن تبیین‌هایی که حتی در ارتباط با عشق حیوان به انسان در این فرهنگ مطرح بوده است)، می‌توان عشق را به سه مقوله عشق الهی، عشق انسانی یا طبیعی و عشق شهوانی یا حیوانی تقسیم و طبقه‌بندی کرد.

در جریان انطباق آن چه در طول تاریخ فرهنگی ایران در باب عشق وجود داشته است، با آن چه در فضای مجازی وجود دارد، می‌توان به تفاوت‌های عمده‌ای رسید. کم‌رنگ شدن فوق‌تصور عشق و محبت الهی در فضای مجازی و کم‌رنگ شدن عشق رومانتیک یا شورانگیز از سویی و پررنگ‌تر شدن عشق با محوریت جسم و عشق تخیلی و عشق به هم‌جنس از سوی دیگر، برخی از این تفاوت‌ها به شمار می‌روند. به این معنا که با گم و ناپیدا شدن عشق الهی در فضای مجازی، عشق انسانی نیز دچار تحول شده، عشق‌هایی که انسان‌ها در آن برای هم‌جان می‌دادند، غالباً جای خود را با عشق‌هایی سطحی و مبتذل عوض کرده‌اند و به جای آن عشق به هم‌جنس یا عشق‌های کوتاه‌مدت چند روزه (یا کراش زدن)، جایگزین شده‌اند.

سولماز ۱۷ ساله، در مصاحبه‌اش، فضای مجازی را عرصه مناسبی برای عاشق شدن و عشق ورزیدن برای نوجوانان و جوانان ایرانی که در محدودیت‌های فراوانی قرار دارند، مطرح می‌سازد. عشق‌هایی که در فضای مجازی شکل می‌گیرند، در درجه نخست اهمیت، تحت تأثیر اقتضائات زیستی و روانی آنان و در درجه بعدی اهمیت، پررنگ شدن موضوع عشق توسط سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی در فضای مجازی است.

اقتضائات زیستی و روانی که از آن یاد شد، ناظر به بلوغ زیستی و عاطفی نوجوانان در سنین بلوغ است. نوجوانان و جوانان در سال‌های بلوغ‌شان، درگیر بلوغ عاطفی خویش نیز بوده، بعضاً عشق‌ورزی به چهره‌های مشهور از جنس مخالف‌شان در جامعه را پیشه خود می‌کنند. در این عشق (که می‌توان از آن با عنوان عشق تخیلی یاد کرد)، یک نوجوان و جوان، عاشق فردی از جنس مخالف خودش می‌شود. این فرد که غالباً از افراد مشهور جامعه (نظیر هنرمندان، بازیگران، خواننده‌ها، ورزشکاران سلبریتی‌ها و مانند آن‌ها) هستند، در غالب موارد در دسترس فرد هم نبوده، ممکن است آن طرف کره زمین به سر ببرد، اما نوجوان و جوانی که در تلاطم عاطفی خویش به سر می‌برد، ممکن است به سادگی با دل بستن به فرد مورد نظر، برای مدت زیادی عواطف و احساسات خویش را به پای وی بریزد.

یاسمین در گزارش خودش بیان می‌کند، نه تنها او، بلکه همه دوستانش نسبت به سلبریتی‌ها و بازیگران علاقه عاطفی (کراش) دارند و اصولاً تفریح آن‌ها کراش زدن روی این دست از افراد است و دایم صفحه آن‌ها را مرور کرده، به فرض با قرار گرفتن وی در کنار یک زن دیگر (مانند میکله مورونه) و یا ازدواج وی (نظیر سامر هالدر)، صفحه اینستاگرامی آن زن را پر از ناسزا و فحش می‌کنند و یا با شوخی فرد مورد نظر (نظیر ادعای میکله مورونه دال بر این که گی است)، نیمی از دختران طرفدار چیزی شبیه سخته کردن را تجربه می‌کنند.

مهناز ۱۹ ساله، از عشق تخیلی خویش که ترکیبی از نیاز به الگو در او و نیاز جنسی وی را تشکیل می‌داد، به شرح زیر یاد کرده است:

«- خوب می‌شه بگی اوایل چه جور پیج‌هایی رو در اینستاگرام دنبال می‌کردی و الان چه جور پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

من اون موقع‌ها طرفدار پر و پاقرص تیم ملی والیبال بودم و روی یکی از والیبالیست‌های تیم ملی هم کراش داشتم (می‌خندد) به خاطر همین هم کلاً پیج والیبالیست‌ها و فن پیج‌هاشون و این جور چیزها

رو فالو می‌کردم، ولی خب کم‌کم بزرگ‌تر که شدم، اون دوره هم گذشت و دیگه کلاً از این وادی‌ها خارج شدم و بعد از اون هم تا الآن حالا علاوه بر پیچ دوستانم، پیچ‌های شعر و ادبیات و روان‌شناسی، پیچ‌های مربوط به حقوق زنان، یک سری پیچ‌های هنری و پیچ‌های رقص و یوگا رو فالو می‌کنم.

- این که گفتی دیگه از این وادی‌ها خارج شدی، منظورت کراش زدن روی هنرمندا و سلبریتی‌ها بود؟

آره خب، اون موقع به اقتضای سن بلوغ و این جور چیزها من و خیلی از دوستانم روی یه آدم معروف مثل ورزشکارها یا هنرمندا کراش داشتیم و توی اینستاگرام هم فن پیچ‌هاشون رو فالو می‌کردیم و کلی درگیر و دار این بود که ببینیم چه خبرها و حاشیه‌هایی درباره‌شون وجود داره و خب مقتضی سن ما بود و بعد از یکی، دو سال دیگه، همه‌مون از این دوران گذر کردیم و الآن هم که یادش می‌افتیم، فقط به خود اون موقع مون می‌خندیم و واقعاً مایه خنده هست برامون».

کاهش سن عاشق شدن، کم شدن شدید شناعت هم‌جنس‌گرایی در اذهان نسل جدید و کم رنگ شدن شدید عواطف مطرح در عشق‌های شورانگیز و جسمانی‌تر دیده شدن عشق، از جمله تحول‌هایی است که فضای مجازی در دامن زدن به آن‌ها به شدت ذی‌نقش بوده است.

امیرمهدی ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش از کاهش شدید احساس عشق، به شرح زیر یاد کرده است: «من خودم به شخصه کسانی رو دیدم که سن‌شون خیلی کمه، ولی باز دیدشون از پست‌های عاشقی و دوستی خیلی زیاده، البته این رو توی بچه‌های فامیل دیدم، منم کنجکاو شدم، چون پیچش رو داشتیم، ازش پرسیدم، تو که این پست‌های عاشقانه رو لایک می‌کنی و هی استوری می‌ذاری، سر در میاری از این عشق و عاشقی که بهم گفت، من خودم رل دارم و سنش ۱۱ سالشه و منم که این رو دیدم گفتم چه قدر تغییرات سریع رخ می‌ده و فقط ده، یازده سال تفاوت سنی داریم، اونا از ما جلو زدن واقعاً (می‌خندد)».

کاهش سن اخیر عمدتاً به این دلیل است که کودکان کاربر کارتونها و پویانمایی‌های غربی، همواره در کنار الگوهای مورد علاقه‌شان (باربی، برتزا، آنا، بن‌تن، اسپایدرمن و مانند آن‌ها)، جنس مخالف را به عنوان سوژه‌ای ثابت، همواره در کنار آنان دیده است و همین امر بعداً در فیلم‌ها و سریال‌های غربی تکرار شده، در ادامه توسط سلبریتی‌ها، بلاگرها، شاخ‌های مجازی و نظایر آن‌ها، تداوم یافته و پرنرنگ‌تر شده است.

کاهش حساسیت به روابط هم جنس گرایانه تحت تأثیر فعالیت گروه‌هایی نظیر فمینیست‌ها، از دیگر تحولات عشق در جهان حاضر است. موضوع اخیر توسط فیلم‌ها و سریال‌های متعددی عادی‌سازی شده و شاید کم‌تر فیلمی را در غرب بتوان یافت که یا به طرح هم‌جنس‌گرایی نپرداخته باشد و یا به عنوان یک واقعیت و با دیدی مثبت از آن یاد نکرده باشد.

مهناز ۱۹ ساله، در همین رابطه در مصاحبه خودش می‌گوید:

«می‌شه بگی اولین بار در چه سنی وارد رابطه شدی؟»

اولین بار شونزده سالگی.

- آیا اینستاگرام روی دیدگاهت درباره روابط چه با جنس مخالف و چه با جنس موافق اثرگذار بوده؟

آره، کلاً اینستاگرام درباره دیدگاهم راجع به خیلی از مسایل اثرگذار بوده که یکیش همین مسأله هست. درباره ارتباط با جنس مخالف که خب فکر می‌کنم نباید بهش به عنوان یه مسأله عجیب و غریب نگاه بشه و این که خب ما همه آدمیم و نیاز داریم که گاهی یه رابطه عاطفی رو با یک شخصی شکل بدیم و همین دوست داشتن و دوست داشته شدن رو تجربه کنیم و به نظرم خیلی هم چیز قشنگیه، اگر که رابطه سالمی باشه و دو طرف به هم آسیب و آزاری نرسونن یا از هم سوءاستفاده نکنن. بعد به طور کلی هم دیدگاهم مثبت‌تر و فکر می‌کنم، هر انسان سالمی به رابطه عاطفی و به مهر ورزیدن و عاشق بودن نیاز داره. حالا یا رابطه‌ای که شکل می‌دی پایدار می‌مونه یا این که به هر دلیلی نمی‌تونه ادامه پیدا بکنه و این ادامه پیدا نکردنش هم از نظر من مشکلی نداره. در مورد هم‌جنس‌گرایی هم آره، من بخش زیادی از دیدگاهم رو از اینستاگرام کسب کردم و نگاه منفی‌ای هم بهش ندارم و از نظرم گرایش آدم‌ها می‌تونه به هم‌جنس خودشون باشه و این از نظر من اختلال یا مشکل نیست. این محدودیت‌هایی هم که توی کشور ما درباره هم‌جنس‌گرایی وجود داره، واقعاً به نظرم غیرانسانیه و ناشی از دیدگاه عقب‌مونده قانون‌گذارهاست که هنوز طرز فکرشون مثل دویست سال پیشه».

کاهش سن عاشق شدن، کم شدن شدید شناعت هم‌جنس‌گرایی در اذهان نسل جدید و کم رنگ شدن شدید عواطف مطرح در عشق‌های شورانگیز و جسمانی‌تر دیده شدن عشق، از جمله تحول‌هایی است که فضای مجازی در دامن زدن به آن‌ها به شدت ذی‌نقش بوده است.

کاهش سن اخیر عمدتاً به این دلیل است که کودکان کاربر کارتونها و پویانمایی‌های غربی، همواره در کنار الگوهای مورد علاقه‌شان (باربی، برتزا، آنا، بن‌تن، اسپایدرمن و مانند آن‌ها)، جنس مخالف

را به عنوان سوژه‌ای ثابت، همواره در کنار آنان دیده است و همین امر بعداً در فیلم‌ها و سریال‌های غربی تکرار شده، در ادامه توسط سلبریتی‌ها، بلاگرها، شاخ‌های مجازی و نظایر آن‌ها، تداوم یافته و پررنگ‌تر شده است.

کاهش حساسیت به روابط هم‌جنس‌گرایانه تحت تأثیر فعالیت گروه‌هایی نظیر فمینیست‌ها، از دیگر تحولات عشق در جهان حاضر است. موضوع اخیر توسط فیلم‌ها و سریال‌های متعددی عادی‌سازی شده و شاید کم‌تر فیلمی را در غرب بتوان یافت که یا به طرح هم‌جنس‌گرایی نپرداخته باشد و یا به عنوان یک واقعیت و با دیدی مثبت از آن یاد نکرده باشد.

شروع سریع عشق از سویی و اضمحلال و از بین رفتن سریع‌تر آن، مقوله مهم دیگری است که در عشق‌های موجود در فضای مجازی قابل طرح است.

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود، از بازیچه شدن عشق در نزد جمع قابل توجهی از کاربران فضای مجازی به قرار زیر یاد کرده است:

«اون نفراتی که با هم رابطه‌ی عاشقانه دارن چه محتوایی از خودشون داخل اینستاگرام منتشر می‌کنن؟

مثلاً دست همدیگه رو می‌گیرن استوری می‌کنن. برای هم استوری می‌گذارن و قریون صدقه‌ی هم می‌رن.

- رابطه‌هاشون هم طولانیه؟

دو ماه نمی‌کشه. زیر دو ماهه دیگه.

- چه طوری می‌شه که بهم ابراز علاقه می‌کنن و بعد رابطه‌شون هم خیلی سریع تموم می‌شه؟
از یه نفر دیگه خوش شون میاد مثلاً. کلاً همه این طوری رل (رابطه) می‌زنن، مثلاً واقعاً عاشق هم نیستن که، حوصله‌شون سر می‌ره رل می‌زنن. بعد که سرگرم می‌شن و بازی شون تموم می‌شه و می‌بینن دیگه از طرف زده شدن، کات می‌کنن می‌رن با یکی دیگه.

- بعد از تموم شدن رابطه‌شون ابراز ناراحتی هم می‌کنن؟

آره استوری می‌گذارن، آره من خیلی ناراحت شدم. بعد از این متنای دپ (غمگین) و اینا می‌گذارن که فقط مثلاً جلب توجه کنن. در صورتی که اصن براشون مهم نیست.

- خودشون هم می‌دونن که عشق‌های مجازی خیلی زود تموم می‌شن؟

می‌دونن، ولی چون خودشونم حوصله‌شون سر رفته، قبول می‌کنن».

تحول دیگری که در مقوله عشق ملاحظه می‌گردد، مقوله کراش زدن روی جنس مخالف است. به این معنا که فضای مجازی به دلیل طرح انبوهی از سلبریتی‌ها، بلاگرها، شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسرها، در عمل نوجوان یا جوان کاربر فضای مجازی را با سناریوهای متعددی مواجه می‌سازد، از سوی دیگر افراد اخیر با برقراری روابطی کوتاه مدت با جنس مخالف‌شان، در عمل الگویی از عشق ورزیدن‌های مقطعی را به مخاطبان‌شان انتقال می‌دهند که آن‌ها نیز غالباً به تبعیت از خط‌مشی اخیر، کراش زدن‌های کوتاه مدت را روی این و آن، به جای عشق، در دستور کار خود قرار می‌دهند. یاسمین ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش از کراش زدن‌های متعدد خود و دوستانش روی افرادی مانند تیموتی شالامی (که از ظاهری تقریباً زنانه برخوردار است) و کریس ایوانز (که فردی قوی هیکل و با اندامی عضلانی است)، یاد کرده است.

نازنین زهرای ۱۹ ساله هم با تأکید روی مقوله کراش زدن (که از سویی در مواجهه با انبوه سلبریتی‌های عرضه شده به نوجوانان و جوانان در فضای مجازی و از سوی دیگر الگوبرداری از روابط افراد مشهور در فضای مجازی محقق شده است)، در عمل از نازل شدن عشق شورانگیز و پذیرش روابط موازی در مقوله عشق در جهان حاضر، به قرار زیر یاد کرده است:

«... خب کراش می‌زنید بزنید، ولی ازدواج خیلی بحثش فرق داره.

- از این لحاظ می‌گی که مسوولیت می‌افته گردنت و متعهد می‌شی؟

آره خب، تو وقتی با یکی رلی، زیاد بره تو مخت یه رفتارش، نهایتش اینه که باهاش کات می‌کنی، بدون این که هیچ کس بفهمه، ولی وقتی ازدواج می‌کنی، هر مشکلی که پیش میاد رو باید حل کنی، حل نشه، خانواده‌ها میان وسط و اووه کلی دردسر داره، تازه خرج‌های زندگی بماند. من موندم مغز خر خوردن تو سن کم خودشون رو درگیر همچین چیزایی می‌کنن.

- یعنی معیارها برای این که کراش بزنی رو آدمای خیلی فرق داره با معیارها برای ازدواج؟ آره.

- می‌شه توضیح بدی؟

خب کراش کراشه، تو صرفاً از یکی خوشت میاد و دوست داری باهاش رل بزنی، دیگه به این که اون شوهر خوبی هم می‌شه یا نه و چیزایی که برا ازدواج مهمه، دقت نمی‌کنی، مثلاً این که تحصیلات طرف چیه؟ کارش آینده داره؟ خونواده‌اش چه جوریه؟ طرف فقط جذاب باشه برات اوکیه.

- منظورت از جذابیت، جذابیت ظاهریه؟

آره مثلاً یکی خوشگل، قشنگ می‌خنده، خوش هیكله، روش كراش می‌زنی بعد باهاش می‌ری تو رابطه، نه كه زن طرف بشی، دوستان كراش می‌زنن، می‌رن زن طرف می‌شن، خب معلومه بعد چند وقت كه آن‌كراش كردن، پشیمون می‌شن.

- منظورت اینه كه وقتی رو یکی كراش می‌زنی، بعد چند وقت دیگه، ازش خوشتون نمیاد؟ بستگی به طرف داره، بیش‌تر وقتا طرف عادی می‌شه برای من.

- گفتم بعضی‌ها سریع فاز ازدواج برمی‌دارن، ولی بعضیا فقط اهل دوستی هستن، نوع محتوایی كه افراد توی اینستا دنبال می‌كنن روی این تفاوت دیدگاه تأثیری داره؟

شاید غیرمستقیم تأثیر داشته باشه، نمی‌دونم دقیق، ولی تفاوتی كه بین مون هست، از این نظر اینه كه من خیلی بیش‌تر تو فاز مستقل شدن و این كه به تنهایی می‌تونم موفق بشم و نیاز ندارم دایم تو رابطه باشم، ولی اون پستایی كه می‌بینم لایك می‌كنن، این جوریه كه عشق آموخت مرا جور دگر خندیدن و اینا و شاید لایك این پست‌ها باعث شده فكر كنن آماده ان برا این كه دایم با یکی تو رابطه باشن...»

سوسن ۱۶ ساله هم در مصاحبه خودش از بازپچه قرار گرفتن عشق در اقشار قابل توجهی از نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی به شرح زیر یاد کرده است:

«- كوئشن باكس به جز سرگرمی و جلب توجه، کاربرد دیگه‌ای هم داره؟

اوووممم... بله. مثلاً به هوای جواب دادن به سوال می‌ره به طرف پی‌ام می‌ده، بعد شروع می‌كنه به صحبت كردن و اینا، بعد از چند وقت چت كردن و اینا با هم مثلاً رل می‌زنن.

- از بین دوستان خودت كسی رو دیدی كه از طریق این كوئشن باكس‌ها با كسی به قول خودت رل زده باشه؟

آره.

- می‌شه لطفاً بیش‌تر توضیح بدی؟

عههه... مثلاً سوالش این جوریه بودش كه مثلاً از چه چیزی از توی صورتم خوشت میاد؟ یه چیزی توی این مایه‌ها بود، بعد دیگه جواب داده بود و بعد رفته بود دایركتش نوشته بود، دستت درد نكنه نظر لطفته. دیگه از فرداش شروع کرده بودن به صحبت كردن و اینا. تا مثلاً دو هفته، سه هفته گذشت و قرار بیرون گذاشتن با هم، فك كنم حدوداً كم‌تر از يك ماه با هم بودن و بعد كات كردن.

- علت این كه دوستی‌شون رو تموم كردن رو می‌دونی؟

اخلاقاشون با هم نمی‌ساخت.

- بعد از این که دوستی شون به هم خورد دوستت ناراحت نشد؟
حقیقتاً روابط امروزی این جوریه که فقط برای این که توی اینستاگرام به چیزی نشون بدن باهم هستن.
- یعنی چی دقیقاً؟
مثلاً وقتی که دوست شده بودن با همدیگه، توی همین چند وقتی که با هم بودن، هر شب با همدیگه استوری می‌داشتن، بعد بیوهاشونم که ست بود، بعد خیلی با هم پست می‌داشتن.
- می‌شه لطفاً دقیقاً بگی چه استوری‌ها و پست‌هایی می‌گذاشتن؟
مثلاً از دست شون می‌داشتن، مثلاً این جوری که دستاشون توی دست هم بود و اینا، مثلاً از خودشون بیرون می‌رفتن می‌داشتن، آره همینا، بعد پستاشون رو ست می‌داشتن.
- ست کردن بيو و پست یعنی چی؟
یعنی مثلاً به عکسی که می‌گرفتن با هم، جفت شون با همدیگه اون رو پست می‌کردن.
- این ست کردن معنی خاصی داره؟
آره، مثلاً می‌خوان نشون بدن که خیلی هم رو دوست دارن.
- بیوشون چه طوری بود؟
فک کنم قلب بود با تاریخی که رل زده بودن...
- اون پسرهایی هم که باهاش وارد رابطه می‌شدن، عاشقش نمی‌شدن؟
نه خب اونا هم می‌دونستن که دیگه توی اینستا کسی این طوری نیست که بخواد طولانی با یه نفر بمونه، مثلاً این جوریه که رل می‌زنی و بعدم سریع کات می‌کنی».
گستره کراش زدن‌های چند هفته‌ای و یا یکی، دو ماهه، چنان زیاد است که برخی از مصاحبه شونده‌گان داشتن رابطه بلندمدت عاشقانه را امتیاز مهمی تلقی کرده، این دست از افراد را شایسته پز دادن در ارتباط با رابطه بلندمدت خودشون می‌دانند:
«- منظورت از این که رابطه پایدار یک موفقیت محسوب می‌شه چیه؟
بین، انگار این هم جزو مواردیه که آدم‌ها با اون می‌تونن به بقیه پز بدن و بگن که «آره ببینید من یه پارتنر خیلی خوب و یه تکیه گاه و عشق توی زندگیم دارم» و خب از اون جایی که رابطه‌ای که خوب پیش بره و بلند مدت باشه و وسط راه به مشکل نخوره، این روزها کمه، آدم‌ها اگر همچین رابطه‌ای داشته باشن، شروع می‌کنن به پز دادن به جورایی...».

با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان بیان داشت، فضای مجازی به دلایل زیادی از جمله طرح مفهوم عشق در دوران تفکر عینی کودکان (که به دلیل فقدان تفکر انتزاعی کودکان تا حدود ۱۲-۱۱ سالگی، برداشت آن‌ها از عشق برداشتی مادی و ملموس بوده، تنها به فراز و فرود بدن محدود می‌شود)، فعالیت‌های فمینیست‌های رادیکال (و باز تعریف عشق به هم جنس در این دید)، پرننگ شدن مقوله عشق توسط سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، طرح الگوهای متعددی که هر یک از بُعد خاصی (مثلاً جذابیت فیزیکی زنان، اندام عضلانی مردان و مانند آن‌ها) دارای جذابیت هستند، در نازل کردن مقام عشق در جمع اقشار قابل تأملی از کاربران نوجوان و جوان فضای مجازی مؤثر واقع آمده، به شکل‌گیری وابستگی‌های سطحی و گذرا روی این و آن یا کراش زدن، سوق یافته است.

کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران

نهاد خانواده، نهادی دیرپای در تاریخ بشر است و به تعبیری این نهاد سرآغاز زندگی اجتماعی بشر را رقم زده و تمدن‌های بشری بر همین مبنا شکل گرفته‌اند.

خانواده در طول تاریخ با پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و اجتماعی افراد و جوامع، همواره کارکرد مؤثر و تعیین‌کننده خویش را به معرض دید نهاده است.

بررسی شواهد موجود در جوامع بشری، خاصه در غرب امروز، حکایت از کم رنگ شدن اهمیت نهاد خانواده دارد.

جهان سرمایه‌داری با دامن زدن به توقعات مادی زیاده از حد انسان‌ها، به سهم خود یکی از دلایل تزلزل خانواده به شمار می‌رود.

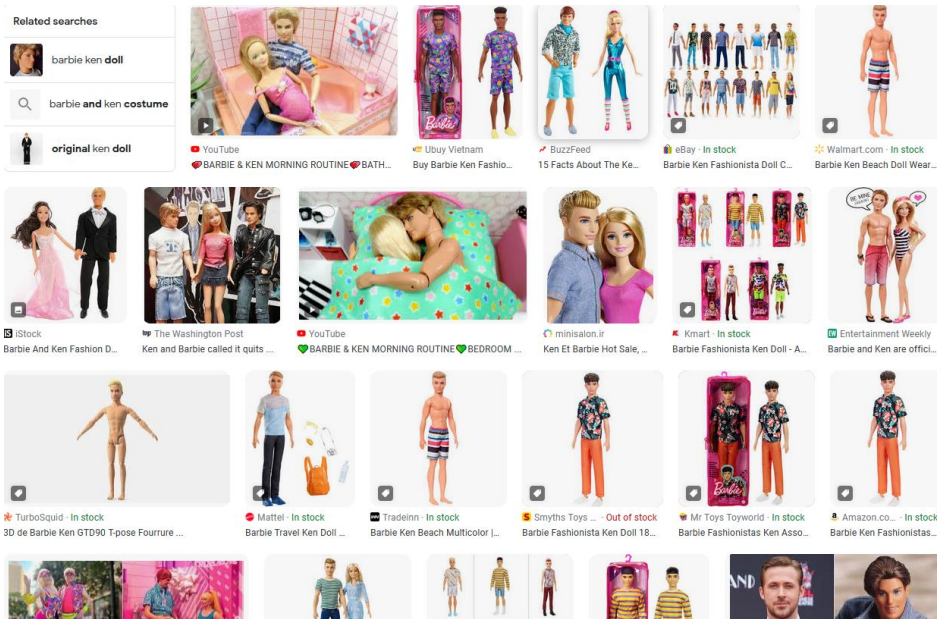
بحران اقتصادی جوامع نیز (نظیر بحران اقتصادی در جامعه ایران)، نقش مشابهی را در کم رنگ شدن شکل‌گیری نهاد خانواده ایفا می‌کند، مشکلات اقتصادی اخیر جوانان، سهم بارزی در اوج‌گیری ازدواج مدنی یا ازدواج سفید در سطح جامعه دارد.

تبلیغات رسانه‌ها در دامن زدن به تنوع‌طلبی جنسی افراد از سویی و تبیین صور مختلف حیات جنسی از سوی دیگر در رسانه‌ها، از عوامل مؤثر و ذی‌نقش در افول ارزش نهاد خانواده به شمار می‌آیند. سوءظن و ترس از خیانت از دیگر آثار تبلیغات اخیر است که به سهم خود در تزلزل خانواده مؤثر واقع آمده‌اند.

نهضت برابری زن و مرد یا فمینیسم نیز در شاخه رادیکال خویش که زن و مرد را در برابر و در تضاد با یک دیگر دیده و زنان را به له کردن مردان و فاصله گرفتن از حاکمیت مردان فرامی خواند، به سهم خود در تزلزل خانواده ذی نقش هست. زیرا فمینیست‌های رادیکال در عین خیانت دانستن رابطه زن و مرد، نه تنها هم جنس گرایی زنان را به صورت جایگزین پیشنهاد می کند، بلکه بارداری و فرزنددار شدن را نیز به لوله‌های آزمایشگاهی ارجاع داده، در صدد جایگزین کردن تولید مثل آزمایشگاهی نوزاد، به جای بارداری و وضع حمل در زنان است.

لذت‌طلبی و مسوولیت‌گریزی، از دیگر تبعات تمدن جدید است که این مسأله هم به سهم خود در کم رنگ شدن نهاد خانواده مؤثر واقع آمده است.

نگاهی به محصولات فرهنگی که از سوی رسانه‌های غرب به کودکان جهان سوم ارایه می‌گردد، بیانگر آن است که در بسیاری از کارتونها و پویانمایی‌ها (نظیر باری، برتر، دختر کفش دوزکی، السا و آنا و مانند آنها)، دوست جنس مخالف جای اولیا را پر کرده و نیاز به خانواده را مرتفع می‌سازد. به شکل مشابهی، نگه‌داری یک حیوان خانگی نظیر سگ، به صورت جایگزینی برای بچه داشتن در بسیاری از محصولات فرهنگی آن سوی آب مطرح شده است.





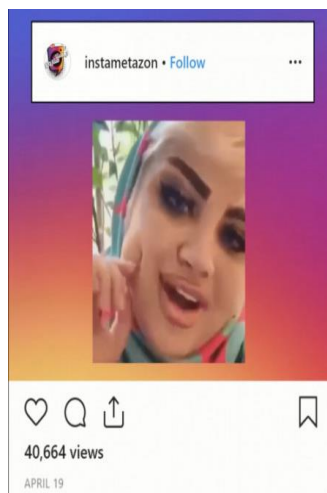
مه‌لقای ۱۸ ساله در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که دوست جنس مخالف در عمل نیازهای مرسوم جوانان را پر می‌کند. نسترن ۱۷ ساله هم در بیانات خویش با نفی ضرورت تشکیل خانواده، اظهار می‌دارد، در حالت اخیر، افراد می‌توانند نیاز جنسی خود را به شکل روابط آزاد برطرف کرده و اگر بچه نیز دوست دارند، با جایگزین کردن یک سگ در زندگی خویش، به این نیاز خویش هم به نوعی پاسخ لازم را بدهند:

«- چه جوری با این بلاگرها آشنا شدی؟»

همه‌شون حاشیه درست می‌کردن، خب معروف شدن. یه مدت توی اکسپلور می‌دیدم و پیچ‌شون رو پیدا کردم.

- چه حاشیه‌ای مثلاً، می‌تونی بگی؟

همین ساقی متولد ۸۰، چند سال از من بزرگ‌تره، همه‌اش دوست پسرش رو عوض می‌کرد هر ماه، بعد می‌رفت پارتی، می‌گفت من نبودم اون فیلم که پخش شده، ولی همه می‌گفتن خودشه، یه مدت که بدنش و صورتش رو عمل کرده بود، کلاً همه می‌گفتن کوبیده از نو ساخته.



- پس سبک زندگی برایت جالب هست؟

نمی‌دونم، ولی خب خیلی راحت، اصلاً خانواده‌اش هیچی بهش نمی‌گن یا همین نفس و آیدا، نفس قبلاً دوست دختر یه پسری به اسم یاسین بود، همه جا با هم عکس و فیلم می‌گرفتن، الان کات کردن، نفس با یکی دیگه، آیدا با دوست پسر نفس، خیلی راحت. همه شون هم سن و سال من هستن، ولی خب خانواده شون انگار اوپن مایند هستن و می‌رن خونه هم و پیش پدر و مادرشون.





- اوپن مایند هستن منظورت چی هست؟

یعنی همین با پسر باشن، همه جا عکساشون رو بذارن، خانواده‌شون بهشون گیر نمی‌دن.»
 «گذشت اون زمانی که دخترها حتماً باید با یک جنس مذکری می‌بودند، زن‌ها همیشه از جوونی-
 شون، آرزوهاشون، استعدادشون، خوشحالی‌شون، آرامش‌شون برای بقیه اعضای خانواده گذشتند،
 این فداکاری بزرگیه، ولی برای اکثریت انتخابی و اختیاری نبوده، بلکه یک اجبار بزرگ بوده و
 اون‌ها قربانی جامعه مردسالاری شدند، ولی من دیگه اجازه نمی‌دم کسی این جور باهام برخورد
 کنه و حق انتخاب رو ازم بگیره! گذشته‌ها گذشته و من دیگه به اون سنت‌های مسخره نه باوری دارم
 و نه انجام‌شون می‌دم.
 دوست دارم به عنوان یک انسان مستقل باشم و دستم توی جیب خودم باشه، نه این‌که به خاطر این‌که
 استقلال مالی ندارم، مجبور باشم در برابر خواسته‌های شخص مقابلم کوتاه پیام.

۱ - در اینستاگرام امروزه پیج‌هایی وجود دارد که اکثر آن‌ها بلاگرها و تیک‌تاکرهایی هستند که از طریق
 حواشی مختلف معروف شدند، البته جالب اینجا است که بسیاری از ده هشتادی‌ها نیز جزو این بلاگرها هستند.
 وقتی سری به پیج‌هایی که معرفی شده‌اند، بزنیم، در نگاه اول همه آن‌ها در روابطی هستند که خانواده‌های
 آن‌ها از روابطشان اطلاع دارند و مشکلی با دوستی آنان ندارند، آن‌ها بعد از مدتی به راحتی رابطه‌های خود
 را عوض می‌کنند و این مسأله را به مخاطب‌های خودشان القا می‌کنند که زندگی آزادی دارند و زمانی که
 نوجوانان و جوانان، صفحه‌های این افراد را نگاه می‌کنند، ممکن است حسرت به اصطلاح آزادی و استقلال
 آن‌ها را بخورند.

الناز حبیبی یک‌بار توی یک مصاحبه ازش پرسیده بودند که قصد ازدواج نداره و اون در جواب گفته بود که توی زندگیش کمبودی نداره که با ازدواج بخواد رفع بشه و خب مسایل جنسی از طریق روابط دیگه‌ای هم می‌تونه رفع بشه و شما مجبور نیستی که با طرف مقابلت ازدواج کنی.

به نظر منم باید این آزادی انتخاب به همه داده بشه و ما مجبور نیستیم با شخصی که هیچ شناختی ازش نداریم، ازدواج کنیم، ازدواج توی ایران محدودیت‌های خیلی زیادی رو برای خانم‌ها ایجاد می‌کنه و طرف مقابل از نوع پوشش گرفته تا داشتن شغل و ادامه تحصیل و حتی روابط اون دختر با بقیه دوست‌هاش نظر می‌ده و حتی منع می‌کنه و قانون هم که مثل همیشه از مردها حمایت می‌کنه و در برابر زن‌ها سکوت می‌کنه!

بین دیدم که می‌گم، دختری که توی روستا بود و باباش با پول کشاورزی این دختر رو به دانشگاه فرستاده بود و گفته بود که به خاطر من پیرمرد درست رو بخون، یک‌سال بعد از اون نامزد کرد، یعنی زمانی که ترم ۳ بود و قرار بود درسش رو ادامه بده، وقتی ازدواج کرد، حتی کلی دوندگی کرد و انتقالیش رو برای یکی از دانشگاه‌های تهران گرفت، چون شوهرش تهرانی بود و قرار بود تهران زندگی کنند، ولی روز ثبت نام پسر زد زیر حرفش و گفت که حق نداری بری دانشگاه، با این که بابای دختر گفت که حتی هزینه رفت و آمدت هم با من، سر یک ازدواج مسخره کل زحمت‌ها و آرزوهای اون دختر و پدرش بر باد رفت.

یا یکی دیگه بود که با دوست صمیمیش رفته بود بیرون و شوهرش برگشته بود بهش گفته بود، چه معنی داره دختری که ازدواج کرده با بقیه دوستاش رفت و آمد کنه، من هم قطعاً به خاطر بچه‌دار شدن و یک مسأله‌ی فیزیولوژی ازدواج نمی‌کنم واقعاً، دیدم خیلی تنها هستم توی خونه، برای خودم سگ می‌گیرم، الان مگه خارجی‌ها و بازیگرای خارجی همین کار رو نمی‌کنند؟ تازه خیلی وفادارتر هم هست تا آدم‌های دورمون.

بعدش هم تا قبل ازدواج رابطه‌ی تو با طرف مقابلت خیلی خوب و اوکیه و همین طور هیچ محدودیتی برای هم‌دیگه نمی‌گذارید، ولی به محض این که ازدواج کنی، همه‌ی لطف‌هایی که در حقش می‌کردی تبدیل به وظیفه می‌شه و دیگه هیچ لذتی از زندگی نمی‌بری.»

پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران

شرط‌بندی و قمار در طول تاریخ بشر از سوابق دیرپایی برخوردار بوده و هست، اما با فراگیر شدن فضای مجازی، فعالیت‌های شرط‌بندی و قمار در عرصه فضای مجازی نیز پیش‌بینی شده‌اند که محدودیت‌هایی نظیر محدودیت شرط‌بندی و قمار در ایران را دور زده‌اند، به این معنا که با ایجاد سایت‌های شرط‌بندی و قمار در فضای مجازی، کاربران ایرانی که در ایران با محدودیت در فعالیت‌های اخیر روبرو بودند، در عمل می‌توانستند در سایت‌های خارجی یا سایت‌های ایرانیان مستقر در کشورهای نظیر ترکیه، دست به شرط‌بندی و قمار بزنند.

اگرچه در دهه ۱۳۸۰ سایت‌های شرط‌بندی معطوف به مسابقات فوتبال بود، اما در میانه دهه ۱۳۹۰ با راه‌اندازی کازینوهای آنلاین، این سایت‌ها شکلی تازه به خود گرفتند.

فقر و بحران اقتصادی موجود در ایران، زمینه مساعدی جهت شرکت در شرط‌بندی و قمار ایجاد می‌کند، به این معنا فردی که در عمل خود را محدود در یک زندگی یک‌نواخت، تکراری و بدون هر گونه پیشرفتی می‌بیند، شاید شرکت در شرط‌بندی و قمار را به عنوان تنها راه دستیابی به زندگی مطلوب طبع خویش و یا رؤیاهای خود ببیند و از همین رو علاقه‌مند به شرکت در سایت‌های شرط‌بندی و قمار شود. از سوی دیگر صدا و سیما جهت جذابیت بخشیدن به برنامه‌های خویش، در عمل در برخی از برنامه‌ها، با طرح مسابقه‌های پیامکی (که متضمن سود زیادی هم برای صدا و سیما بود)، به نوعی مروج شرط‌بندی در داخل کشور گردیده بود که برخی از منتقدان با بیان این که صدا و سیما ایران را تبدیل به یک قمارخانه بزرگ کرده است، دست به نقد مسابقات اخیر زدند و به این وسیله اسباب محدودیت آن‌ها را فراهم آوردند.

به گزارش ایندیندنت فارسی (۱۴۰۰/۱۲/۲۰)، پلیس ایران از شناسایی ۳۵۰۰ سایت و مؤسسه شرط‌بندی در نیمه اول سال ۱۳۹۹ خبر می‌دهد.

مافیای شرط‌بندی و قمار در شکل جدیدش را تاحدودی باید در ارتباط با خانواده امیرشقایق جست‌وجو کرد.

اسدالله امیرشقایق و فرزندش فرشید امیرشقایق ملقب به مونتیگو، از مؤسسان سایت‌های شرط‌بندی و قمار برای جمعیت ایرانی در فضای مجازی به شمار می‌روند.

خانواده امیرشقایق در جریان پیش‌برد اهداف قمار خود، با دعوت از سلبریتی و شاخ‌های مجازی، دال بر تأسیس سایت‌های شرط‌بندی و قمار با نام آنان، کوشیده‌اند تا طرفداران سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی را به سمت و سوی شرط‌بندی و قمار جلب کنند. در این میان سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی

هم در سود سایت‌های قمار تهیه شده، سهم گردیده، بر مبنای میزان شهرت و تعداد هواداران‌شان، ارقامی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد عایدات سایت‌های قمار را دریافت می‌دارند.

سایت‌های اخیر که هواداران برخی از سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی را به سمت خود جلب کرده‌اند، در برنامه‌ریزی‌های خویش، ترتیبی اتخاذ کرده‌اند که افراد شرکت‌کننده در سایت‌های شرط‌بندی و قمار که بالطبع در آغاز محتاط بوده و با مبالغ کم دست به شرط‌بندی و قمار می‌زنند، به دفعات زیاد برنده شوند، اما در ادامه، با افزایش طمع این دست از افراد و افزایش میزان مبلغ شرط‌بندی و قمار خویش، در اکثریت اوقات آن‌ها بازنده شده و حتی اگر برنده هم شوند، مدیریت سایت ممکن است به بهانه‌های مختلف، وجهی را که آن‌ها برده‌اند را به حساب آنان باز نگرداند.

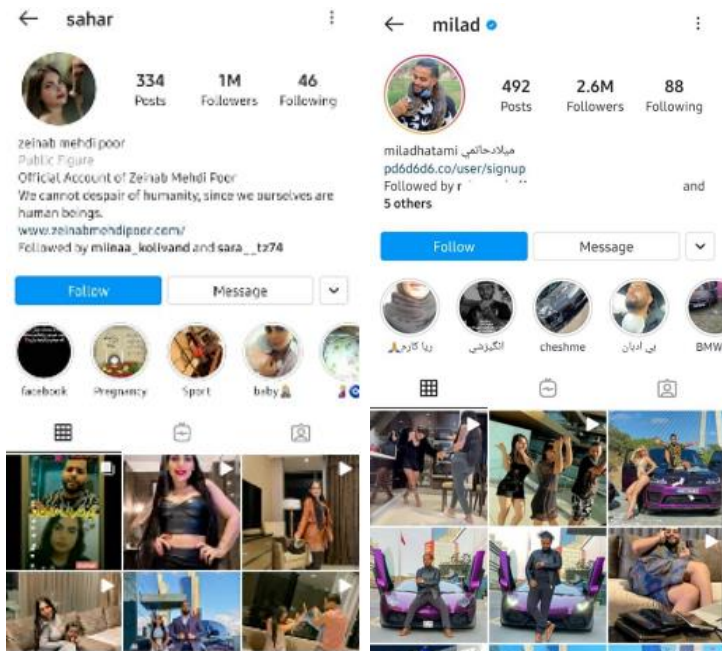
فرشید امیرشقایق یا مونتیگو، برنامه‌نویس قوی و ماهری است که مدیر هولدینگ سایت‌های شرط‌بندی در ترکیه به شمار می‌رود. وی فعالیتش در زمینه‌ی بت را با راه‌اندازی یک سایت شرط‌بندی ورزشی آغاز کرد. مونتیگو اکنون مدیر وب‌سایت شرط‌بندی بنیفت و بت بال ۹۰ بوده و اکثر سایت‌های شرط‌بندی ایرانی از زیرمجموعه‌های او هستند.



مونتیگو که نخبه برنامه‌نویسی و پدر سایت‌های شرط‌بندی ایرانی است، بیش‌تر ثروت خود را از مدیریت و نظارت بر سایت‌های شرط‌بندی کسب می‌کند. وی مخترع الگوریتم و بازی پولساز انفجار است که قطعاً برای خود او درآمذزایی بالایی دارد.



سایت ولف بت میلاد حاتمی، از مجموعه سایت‌های تحت نظر مونتیگو بود که دارای بازی‌های متنوعی بود. از ویژگی‌های خاص این سایت می‌توان به توانایی زیر مجموعه‌گیری توسط کاربران اشاره کرد، به این معنا، کاربرانی که سایت را با لینک ارایه شده، توسط سایت معرفی و تبلیغ می‌کردند و از طریق آن‌ها اشخاصی در سایت حاضر شده و اقدام به شرط‌بندی می‌کردند، در سود آن‌ها شریک می‌شدند!



-
- 1 - <https://www.youtube.com/watch?v=NCYI2YdvsdU>
https://www.youtube.com/watch?v=1Shxowqq1_I
https://www.youtube.com/watch?v=EIQS_fHsXA4
<https://www.youtube.com/watch?v=FNLP3XE-v0E>
<https://www.gorgbet.com/profiles/montiego/>
<https://bakht.org/biography/montiego/>



از ديگر سلبريتي‌ها و شاخ‌هاي مجازي كه وارد مافاي شرط‌بندي و قمار شده اند، مي‌توان از افرادي نظير دنيا جهان‌بخت، ساشا سبحاني، حصين، شادمهر عقيلي و تني چند از افراد ديگر، ياد كرد. دنيا جهان‌بخت چندي پيش در مصاحبه با ايران اينترنشنال^۱ كه يكي از رسانه‌ها فارسي زبان خارج از كشور است، اعلام كرد كه مديريت سايت‌ها شرط‌بندي در اختيار او نيست و او تنها تبليغ‌كننده سايت‌ها شرط‌بندي است و حتي از ساز و كار آن اطلاعاتي ندارد. در ادامه صحبت‌ها، او گفت، مواردی از فیشینگ و یا کلاه‌برداری در دایرکت صفحه او به وی گزارش داده شده است که به دلیل تعداد کم آنها، گمان می‌کند که به دروغ اعلام شده‌اند و اگر مشکلی اثبات شود، او این سايت‌ها را حمايت نخواهد كرد. در توضيح بيش‌تر، دنيا جهان‌بخت اعلام كرد كه مديريت و گردانندگي اين سايت‌ها با مونتيگو است و او از رقم واريز شده حدود ۶۰٪ به دليل تبليغ و معرفي مي‌گيرد و در جريان مباحث مربوط به اين حوزه نيست. بنا بر ادعای خود دنيا جهان‌بخت در طی تنها ۲۴ ساعت بيش از ۴۰۰۰۰ نفر در سايت شرط‌بندي او (هات بت) ثبت نام كردند.

¹- <https://www.youtube.com/watch?v=UMd3mbqnEv0>



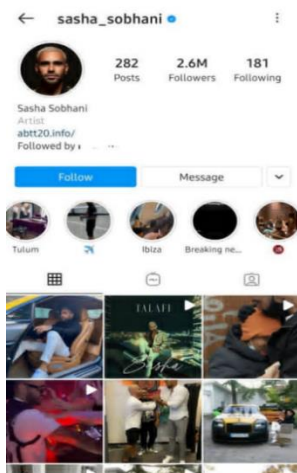
سایت شرط‌بندی دنیا جهان‌بخت شامل اکثر بازی‌ها ممکن در فضای سایت شرط‌بندی است و از ظاهر گرافیکی و جذاب خوبی برخوردار است.

ساشا سبحانی هم از حدود ۵ سال قبل سایت شرط‌بندی خود به نام **abt90** را تأسیس کرده و جزء اولین دارندگان سایت شرط‌بندی ایرانی محسوب می‌شود. در بیان برخی ویژگی‌های سایت ساشا می‌توان به ضرایب بالا، گزینه‌های بسیار متنوع، پخش زنده بازی‌ها، کازینو و لایو کازینو، اپلیکیشن آندروید و وجود تمام رشته‌های ورزشی (۳۲ رشته ورزشی) اشاره کرد.



سایت ساشا سبحانی علاوه بر بخش پیش‌بینی نتایج، بخش کازینو هم دارد که مانند اکثر سایت‌ها بازی‌های مشهور شرط‌بندی مانند انفجار، پوکر، حکم، تخته نرد، بلک جک، رولت جدید و قدیم را شامل می‌شود.

به گفته ساشا، او بعد از راه‌اندازی سایت شرط‌بندی در زمینه‌ها زیادی شروع به فعالیت و سرمایه‌گذاری کرده است تا در صورت از دست دادن سایتش بتواند از سایر کارها نیز بهره‌بردار!

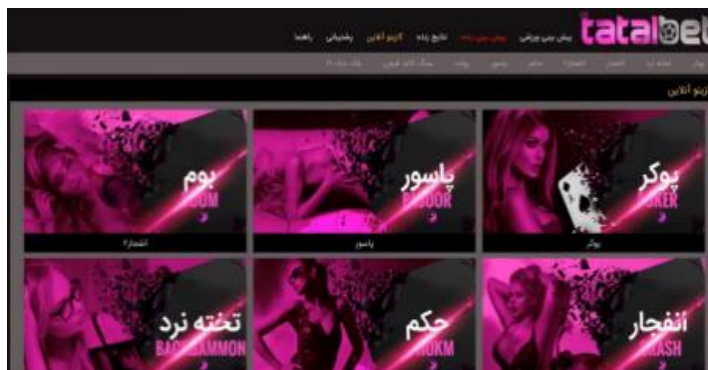


-
- 1- https://www.aparat.com/v/QZCcP/%D8%B3%D8%A7%D8%B4%D8%A7_%D8%A8%D8%B1%DB%8C%D8%AF_%D8%A8%D9%85%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AF..%21
<https://www.yjc.ir/fa/news/6643545/%D8%AA%D9%88%D8%B6%DB%8C%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%D9%BE%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D8%B4%D8%A7-%D8%B3%D8%A8%D8%AD%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D8%A7%D8%B4%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C-%D9%BE%D8%B3%D8%B1%D8%B4-%D8%B5%D9%88%D8%AA>
<https://www.yjc.ir/fa/news/6642209/%D9%88%D8%A7%DA%A9%D9%86%D8%B4-%D9%BE%D8%B3%D8%B1-%D8%B3%D9%81%DB%8C%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%A8%D9%82-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%88%D9%86%D8%B2%D9%88%D8%A6%D9%84%D8%A7-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA-%D9%BE%D8%AF%D8%B1%D8%B4-%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85>
<https://www.youtube.com/watch?v=hNybKPNIYL4>
<https://crash-bandidoot.info/enfejar/abt90/#comments>
<https://www.youtube.com/watch?v=MORTucd7FqY>
https://www.youtube.com/watch?v=C7__jxuXY1s

تتلو نیز بعد از اعلام تصمیمش برای زدن سایت شرط‌بندی، دیداری با سعدالله امیر شقاقی پدر مونتیگو داشت! بعد از این دیدار تتلو سایت شرط‌بندی خود را معرفی کرد.



سایت تتلو طراحی و گرافیکی مشابه دیگر سایت‌ها تحت مدیریت مونتیگو (تتلو، دنیا جهان‌بخت، ساشا سبحانی، خود مونتیگو) دارد، اما در بعضی بخش‌ها و تعداد بازی‌ها و عکس‌های مندرج در بخش‌های مختلف، کمی تفاوت مشاهده می‌شود.



حصین در ۱ ژانویه ۲۰۲۰ یعنی دی ماه ۱۳۹۸ در یک ویدیوی استوری شده در پیج اینستاگرام خود، سال نو میلادی را تبریک گفت و اعلام کرد که هم‌زمان با سال نو میلادی سایت شرط‌بندی خود را با نام سنگین بت راه‌اندازی کرده است که به قول خودش قمار بازها می‌توانند با خیال راحت و بدون دغدغه کلاه‌برداری، در این سایت به شرط‌بندی بپردازند. حصین در این ویدیو می‌گوید، راه‌اندازی سایت بت توسط او تنها برای خاطر جمع کردن کسانی است که در این زمینه فعالیت دارند!

1- <https://www.youtube.com/watch?v=Ndle8CyHQog&t=128s>

2- <https://www.youtube.com/watch?v=tsMBnPDUuYw>

حصین درباره مونتیگو در زمینه شرطبندی می گوید، سایت‌ها طراحی شده توسط او الزاماً باید توسط خودش مدیریت شود و همه سلبریتی‌ها که از طریق او سایت شرطبندی تهیه کرده اند، فقط تبلیغ کننده هستند و از آن چه در سایت می‌گذرد، هیچ اطلاعی ندارند.

حصین خاطرنشان می‌سازد، مطمئن است که در سایت‌ها شرطبندی مونتیگو حتماً فیشینگ، کلاه برداری و حتی دست کاری در بازی‌ها آنلاین صورت می‌پذیرد.

در ادامه درگیری بین حصین و دیگر دارندگان سایت‌ها شرطبندی، حصین به ساشا سبحانی هم که یکی دیگر از دارندگان سایت‌ها شرطبندی است، توهین کرد.

حصین در لایو خود خطاب به ساشا می‌گوید، من یک آدم هنرمند هستم که بی حاشیه بودم، ولی تو چه داری؟ تو یک دزد هستی که هیچ چیز از خودت نداری. طبق اظهارات حصین، اکثر دارندگان سایت‌های شرطبندی با حاشیه بالا آمده اند و با لخت کردن دختران و دزدی از حساب آن‌ها زندگی می‌گذرانند. آن‌ها فضای بی‌بند و باری را تبلیغ می‌کنند، چون خودشان فقط از این طریق امکان مطرح شدن دارند. من از مردم ایران انتظار دارم پیج این آدم لاابالی که خودش خانواده‌ای ندارد و دست روی ناموس ایرانی گذاشته است را ببندند. در ادامه، این درگیری به لایوهای بیش تر و فحاشی و پخش کلیپ‌هایی از دو طرف منتهی شد!

همان‌گونه که از آن یاد شد، شاخ‌های مجازی که با دریافت وجوهی قابل ملاحظه، مبلغ سایت‌های شرطبندی و قمار که با نام آن‌ها شکل گرفته اند، می‌گردند. اقشار قابل توجهی از هواداران خویش را هم به دنبال خویش به سایت شرطبندی و قمار خویش می‌کشند و کاربران نوجوان و جوان با مبادرت ورزیدن به شرطبندی و قمار در این سایت‌ها، در عمل با شرطبندی و قمار آشنا شده و در برابر بردهای اندک خودشان، مبالغ بیش تری را می‌بازند.

ترانه ۱۵ ساله، در همین رابطه در مصاحبه‌اش بیان می‌داشت:

«اون شاخ‌های مجازی که قبل تر از شما در موردشون سوال کردم، سایت‌های شرطبندی هم دارن،

می‌خواستم بدونم خودت یا دوستانت تا به حال در این سایت‌های شرطبندی وارد شدید؟

من نه، ولی مثلاً قبلاً به دوست داشتم، اون موقع مثلاً کلاس ششم بودم، بعد مثلاً اون خیلی تتلو رو دوست داشت، بعد اون موقع که مثلاً سایت بت (شرطبندی) داشت تتلو، همه‌اش مثلاً می‌رفت توش بازی می‌کرد، مثلاً انفجار و اینا.



- این دوست خودش هم دوست داشت که یک سایت شرط‌بندی بزنه؟
- آره، می‌گفت مثلاً توی این سایتا خیلی مثلاً پول درمیاره آدم و خیلی خوبه.
- می‌دونست که این سایت‌ها حالت کلاهبرداری داره؟
- آره، ولی اهمیتی نمی‌داد، چه طوریش مهم نبود یا این که مثلاً کلاهبرداریه یا نه، براش فقط اون پول مهم بود که می‌گفت مثلاً خیلی خوب و زیاده.
- آلآن پول بین دوستانت مسأله‌ی مهمی هست؟
- آره.
- چرا؟
- چون مثلاً دوست دارن لباس بخرن هی یا مثلاً گوشی مدل بالا دست‌شون باشه که مثلاً به این و اون پز بدن و توی اینستا معروف بشن، بعد مثلاً بگن آره مثلاً ما خیلی خوش‌بختیم، مثلاً ما داریم، شما ندارین».

کاهش حساسیت در برخورد با سوء‌مصرف مواد

با جابه‌جا شدن نگاه تکلیف‌مدار به جهان هستی با نگاه لذت‌مدار به جهان واقع که با سایه گستر شدن انسان‌گرایی یا اومانیسیم محقق شده است، لذات آدمی در دستور کار قرار گرفته و آنچه لذت‌های وی را تأمین کند (تا جایی که مخل آسایش و امنیت جمع نگردد)، مباح دانسته شده است، از همین

رو جهان امروز در کنار پذیرش مواردی همچون اقلیت جنسی، دست به پذیرش سوء مصرف مواد (از سیگار و مواد دخانی اعتیادآور گرفته تا مصرف الکل) زده است و دستگاه‌های تبلیغاتی آن سوی آب، در عمل با به نمایش درآوردن مصرف مواد اخیر و به نمایش کشیدن سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی که از این مواد استقبال دارند، در عمل حساسیت جوامع را نسبت به سوء مصرف مواد کاهش داده‌اند.

از سوی دیگر از آنجا که انسان‌ها در روند بودن و شدن‌شان نیازمند الگو هستند و با یافتن الگوهای مورد علاقه‌شان از آنان در جوانب مختلف کپی برداری و الگوبرداری می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که اقشار مختلف اجتماعی، خاصه اقشار کم سن، با الگوبرداری از سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی در عمل پا در جای پای آنان نهاده، به نهجی که آنان رفتار و عمل می‌کنند، رفتار و عمل کنند.

زهرای ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد که جوانان با ملاحظه سلبریتی‌هایی که دست به مصرف سیگار و مشروب می‌زنند، به این موارد رو آورده، انجام آن‌ها را مترادف اعتبار اجتماعی بیش‌تر خویش می‌دانند:

«- به نظرت اینستاگرام در ترویج استفاده از سیگار و مشروب و این جور مواد اثری داشته؟
البته.

- می‌شه توضیح بدی؟

خیلی از سلبریتی‌ها و الگوهای اینستاگرامی برای این که خفن نشون داده بشند، از مواد مخدر یا سیگار و مشروب استفاده می‌کند و یه جوریه که انگار هر کسی از چنین چیزهایی استفاده نکنه، از بقیه عقب‌تره، یعنی چنین چیزی نماد باکلاس بودن بعضی از آدم‌ها شده، از طرف دیگه هم اغلب مخاطب‌های این افراد و الگوها، نسل جوانند که همین طوری به صورت عادی دنبال اعتبار کسب کردن هستند و وقتی که می‌بینند با استفاده از این مواد، می‌تونند خودشون رو معتبرتر بین دوستانشون و اطرافیانشون نشون بدن، به استفاده از این مواد ترغیب می‌شند، حالا در حالت عادی این مواد و به خصوص مشروبات الکلی توی ایران، زیاد در دسترس مردم نیست، اما توی اینستا فضایی خرید و فروششون فراهم شده و یه سری از پیج‌ها هستند که به صورت اینترنتی این‌ها را می‌فروشند و خیلی ساده به دست مردم می‌رسوند و همین باعث می‌شه که مردم استفاده بیش‌تری داشته باشند، من خودم یه زمانی خیلی تحت تأثیرشون بودم، به خصوص چون بازیگرها و خواننده‌های خارجی به صورت

عادی از این جور مواد استفاده می‌کردند، اثر بیش‌تری روی من گذاشته بود، چون من زیاد کاری با اینفلوئنسرهای ایرانی نداشتم و بیش‌تر اینفلوئنسرهای خارجی را دنبال می‌کردم، اما کم‌کم متوجه شدم که این مواد و سیگار و اینا بد و مضرند و کلاً از ذهنم بیرون‌شون کردم».

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از سلبریتی مستی یاد می‌کند که در جریان خوانندگی ماکان، بر صحنه آمده و رفتارهای نامتعارف خویش را به معرض دید دیگران نهاده و البته رفتار وی بلافاصله در فضای مجازی انعکاس وسیعی یافته است (که همین امر نیز از شناخت‌زدایی از مصرف‌الکل در نزد نوجوانان و جوانان بی‌تأثیر نیست):

«- دیگه چه چیزهایی می‌دونی که جدیداً سریع داخل اینستاگرام پخش شده؟»

همین کنسرت امیر مقاره، یه بازیگر رفته روی سن، بعداً کلاً انگار مست بوده، همه‌ی فیلمش پخش شده، زدن حرکت نامتعارف خانوم بازیگر در کنسرت، این پیج‌ها میان یه تیتراپی می‌زنن که طرف سمتش بره و کنجکاو بشه نگاه کنه».



رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد با یاد کردن از دوستی که لایو گذاشته و طی آن مشروب خوردن خود را به نمایش می‌نهد، در عمل دست به ترسیم نتایج عینی و عملی حساسیت و شناخت-زدایی از سوءمصرف مواد در سطح کاربرانی که شاهد عملکرد سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی بوده‌اند، زده است:

«- خوب شما قبلاً گفتمی که فامیل‌هاتون لایو می‌گذارن وقتی دارن مشروب می‌خورن، به نظرت انگیزه‌شون از این کار چی هست، می‌تونی توضیح بدی؟»

به نظرم بیش‌ترین چیزی که باعث می‌شه وقتی دارن مشروب می‌خورن لایو بذارن، نشون دادن خودشون و خودنمایی، حالا یکی از فامیلامون که از من کوچیک‌تره، ازش پرسیدم چرا این کار رو می‌کنی، حداقل می‌خوری لایو نذار همه ببینن، اونم گفت واقعیتش دوستانم می‌ذارن، منم می‌خوام

بذارم ببین منم می‌خورم، من حس کردم خودم یه نوع بزرگ پنداری چون توی بساط مشروب خوریه، همه سعی می‌کنن بگن برام عادیه، من رو نمی‌گیره.

- پس می‌گذارن که فقط به بقیه نشون بدن، همین فردی که گفتی چند سالش هست؟

۱۷ سالشه، به نظر من این طوره».

هم‌زمان با تأثیرپذیری نوجوانان و جوانان از سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی که در برابر دیگران دست به مصرف مواد دخانی و الکلی می‌زنند، فضای عمومی فضای مجازی که به سبب حاکمیت دید لائیک در آن، در تبلیغ، عرضه و فروش محصولات اخیر ممانعتی ندارد، در سوء مصرف مواد کاربران نوجوانان و جوان مؤثر واقع می‌آیند.

علی ۱۹ ساله و اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از نقش غیرقابل کتمان فضای مجازی در به نمایش کشیدن مصرف الکل و مواد دخانی و الگوبرداری کاربران کم سن از این امر یاد کرده‌اند:

«- تحت تأثیر اینستاگرام به سمت مصرف سیگار کشیده شدی؟

من خودم سیگار نمی‌کشم، اما از دوستانم زیاد دیدم که مثلاً تحت تأثیر همین پستایی که توی اینستا از یه سری فیلم و سریال‌ها و یه سری کلیپ‌های سنگین دیدن، رفتن و سیگاری شدن.

- تحت تأثیر اینستاگرام به سمت مصرف الکل کشیده شدی؟

تحت تأثیر اینستا نشده مستقیم برم الکل بخورم، اما به خاطر چیزهایی که دیدم، مثل همین فیلم و سریال‌ها و این جور مطالب، نگاهم به خوردن الکل تغییر کرده، یعنی مثلاً اون جور که دین می‌گه، دیگه خوردن الکل رو حروم و بد و اینا نمی‌دونم و اگه یه بار فراهم بشه، بدم نمیداد که بخورم.

- از دوستان کسی تحت تأثیر اینستاگرام الکل مصرف می‌کنه؟

توی دوستانم یکی، دو نفری رو می‌شناختم که توی اینستا با یک سری پیج‌ها و افرادی آشنا شدن که الکل و مشروب و این چیزا می‌فروختن، البته مثل این که خیلی از چیزایی که می‌فروختن تقلبی بود و حال دوستانم چندباری خراب شد، حالش بعد خوردن اون عرق‌ها و مشروب‌ها».

«- تا حالا شده بود خانواده‌شون متوجه این رفتاراشون بشن؟

نه، فقط یک بار مادر یکی شون فهمیده بود و چیز خاصی نمی‌دونم در این مورد، فقط می‌دونم خیلی ناراحت شده بود و قهر کرده بود با پسره.

- چه طوری سیگار کشیدن رو شروع می‌کردن؟

بین نمی‌تونم دقیق بگم، اما به نظرم بیش‌تر تأثیر رسانه و به خصوص اینستاگرام بود. تصاویر اینستاگرام به طوریه که انگار سیگار کشیدن خیلی جذابه، شما رو بزرگ‌تر می‌کنه، عاقل‌تر می‌کنه، کسایی که سیگار می‌کشن درد و مشکل زیادی دارن و برای این که نشون بدی بزرگ شدی و عاقلی باید بری سمت سیگار. مخصوصاً که وقتی دوستان هر روز با سیگار عکس می‌گذارن و عکساشون خوشگل و جذابه، تو هم ترغیب می‌شی.

- تو خودت رفتی دنبال سیگار؟

آره، برای همین این قدر واضح و روشن درباره‌اش حرف می‌زنم».

سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی

با کنار رفتن دیدگاه خدمات‌مدار در غرب و جایگزین شدن دید انسان‌مدار در آن، لذت بردن آدمی از چند صبحی که در اختیار دارد، عمده‌تر و بارزتر می‌شود، از این رو فضای اینستا، فضایی دور از فضای تکلیف‌مداری و نزدیک‌تر به فضای لذت‌مدار است.

از سوی دیگر جهان سرمایه‌داری با فهم عرصه مناسبی که فضای مجازی برای تبلیغات وی پدید آورده است، با به کارگیری تبلیغات مستقیم و غیرمستقیم خود، می‌کوشد تا بر میزان فروش کالاهای تولیدی خویش بیفزاید و در این میان بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی هم با به نمایش نهادن زندگی‌های لاکچری خویش، در عمل مبلغ قسمتی از اهداف نظام سرمایه‌داری می‌گردند.

علاوه بر آن چه از آن یاد شد، باید بیان داشت که فضای مجازی به دلایل متعددی، فضای نازلی است، زیرا در این فضا نه تنها هر فرد فرهیخته و غیرفرهیخته‌ای امکان بارگذاری محتوای تولید شده خود را دارد، بلکه افراد بی‌محتوایی که دنبال طرح خودشان در فضای مجازی هستند، چاره‌ای جز طرح خویش در کنار رفتارها و سبک زندگی لاکچری خود ندارند. بنابراین جریان‌های مادی پیش-گفته، با هم‌افزایی که با کمک هم ایجاد می‌کنند، در عمل با نشان دادن زندگی‌های لاکچری، هدف و غایت انسان‌ها را تحقق لاکچری زیستن معرفی می‌کنند.

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از القای بی‌هدفی توسط اینستا و در نتیجه دم‌غنیمی شدن کاربران آن، به قرار زیر یاد کرده است:

«- به نظرتون بدی‌های اینستاگرام چی هست؟

خب هم بدی داره هم خوبی، به عنوان چیزهای منفیش می‌تونم بگم، به نظرم اینستاگرام خیلی القای بی‌هدفی می‌کنه به آدم، واقعاً آدم وقتی خیلی توی این فضاست، فکر می‌کنم به پوچی می‌رسه و یه خب که چیه بزرگ، توی ذهن آدم شکل می‌گیره.

- به نظر شما چرا؟

آخه مثلاً این جوریه که این قدر آدم غرقش می‌شه که حالش یهو ازش بهم می‌خوره، ولی یه جوریه که انگار آدم نمی‌تونه بیرون هم ازش بیاد، بعد این یه حال بدی به آدم می‌ده که استفاده‌اش کم نمی‌شه از اینستاگرام، ولی اون حس مفید نبوده دریافت می‌شه کاملاً، آدم یهو ۳ ساعت از روزش رو می‌ذاره توی صفحاتی که هیچی برای آدم نداشته، این فکر رو می‌کنم دلیل اینه که آدم به پوچی می‌رسه و می‌فهمه، چه قدر روزش رو به فنا داده، حالش به خاطر اون بد می‌شه، ولی انگار اینستاگرام داره می‌گه تو بی‌کاری، تو الآن باید بیای این قسمت این ویدیو رو ببینی، فلان خبر رو از دست ندی، فلان ویدیو که ویرال شده رو ببینی، فلان حاشیه رو دنبال کنی، همه‌ی این‌ها می‌تونه به آدم این رو القا کنه که هدفی نداره و باید بره توی اینستاگرام تا ببینه چه اتفاقی افتاده و آدم باید دنبال چه محتوایی باشه».

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش از سایه‌گستر شدن معیارهای لاکچری در جامعه به واسطه اینستا خبر می‌دهد:

«- به جز این شاخ‌های مجازی، افراد دیگه‌ای در اینستاگرام هستن که دوستانت دوست دارن شبیه اون‌ها باشن؟

اوووممم... یه سری‌ها هستن که عاشق این کره‌ای‌ها هستن، حالا خواننده یا بازیگر فرقی نداره، کل اینستا شون شده آدمای کره‌ای، بعد مثلاً موهاشون رو شبیه اون‌ها می‌زنن، مثلاً مژگن اون‌ها لباس می‌پوشن، مثلاً مژگن اون‌ها لباسای گشاد می‌پوشن یا مثلاً موهاشون رو کوتاه می‌کنن و چتری می‌زنن یا مثلاً زیر چشاشون رو قرمز می‌کنن یا مثلاً خط چشم شونم شبیه اون‌ها می‌کشن، خیلی باریک.

- از بین دوستانت کسی هست که وقتی سبک زندگی افراد معروف یا بلاگرها رو در اینستاگرام دیده، سعی کنه شبیه اون‌ها زندگی کنه؟

آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً طرف سبک زندگیش این جوریه که یه رژیم سخت می‌گیره، بعد سگشم هر روز می‌بره بیرون، هر روز لباسای مختلف می‌پوشه، بعد مثلاً دوستای منم می‌بینن، بعد یه رژیم سخت می‌گیره یا اصن سگ نداره، مثلاً یکی از دوستای من مامان و باباش رو مجبور کرد، براش سگ بگیرن، سر همین موضوع که مثلاً هر روز بتونه با سگش بره بیرون، مٹ اونایی که توی اینستا دیده بود یا مٹ اوناسعی می‌کنن، لباسای تکراری نپوشن اصلاً، مثلاً تو اینستا شون هم اصلاً پست با یه لباس تکراری ندارن، هر پست یا استوری یه لباس جدید باید باشه، می‌گن تکراری خزه و اینا یا مثلاً الآن اکثر بلاگرا یا خواننده‌ها و بازیگرا، اینا می‌رن توی کافه و هی عکس می‌گیرن از قهوه شون و یا مثلاً صبحونه شون، یه سری از دوستای منم فقط هی هر روز می‌رن کافه که بتونن عکس اینا بگیرن، بذارن توی پیج شون که بگن، آره ما هم همه‌اش کافه می‌ریم».

داده، رضای ۱۸ ساله نیز در همین راستا مصادیق فراوانی از لاکچری زیستن و رفتار کردن برخی از کاربران را مورد تأکید خود قرار می‌دهد. وی در مصاحبه خویش با تأکید سایه گستر شدن ابتدال فرهنگی در اینستا (مانند تلاش برای عادی سازی اقلیت جنسی، کاربری از سایت‌های چت سکسی، سرکار نهادن واسطه‌های فحشا، به نمایش نهادن حمایت تیم‌های فوتبال از جامعه ال‌جی‌بی‌تی، به نمایش نهادن مست‌بازی فلان سلبریتی، گذاشتن لایو مشروب‌خوری، به نمایش نهادن کارهای نامتعارف نظیر سوخاری کردن گوشی، استفاده و ترویج گردن بند خون -شیشه پر از خون معشوق - دست بند ساخته شده از موی معشوق و مانند آن، شرکت در چالش‌های مبتذل -نظیر ارسال تصویر شکم دختران یا سینه پسران-، برگزاری جشن‌های لاکچری برای حیوانات، گرفتن جشن تولد برای سگ و گربه‌ها، بردن سگ و گربه‌ها به مهد -یا هتل سگ‌ها-، عقیم سازی حیوانات خانگی و نظایر آن‌ها)، در عمل با ترسیم ابتدال فرهنگی که گریبان‌گیر اقشاری از نوجوانان و جوانان این مرز و بوم شده است، ضرورت تجدید نظری اساسی در خط‌مشی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی و سیاسی جامعه را مورد تأیید قرار می‌دهد.

مریم ۱۹ ساله هم در مصاحبه خودش، از پول به عنوان حلال مشکلات یاد کرده، خاطر نشان می‌سازد، مایل است در پنت هاوس خود در الهیه تهران گریه کند تا این که در آپارتمانی در جنوب شهر زندگی کند:

«از بازیگرای ایرانی، آرمان درویش رو فالو می‌کنم، خیلی خوشگله از زن‌هاشون، کسی رو فالو نمی‌کنم توی ایرانیا، ولی توی خارجی‌ها جنیفر انیستون، تام ایس، آریاگرانده و هانده ارچل رو فالو می‌کنم، بیش‌تر بلاگرها رو دنبال می‌کنم.



- به نظرت این سلبریتی‌هایی که می‌گی چون پول‌دارن، خوشبخت هستن؟

کاملاً خوشبخت که نمی‌دونم هستن یا نه، ولی من ترجیح می‌دم توی پنت هاوس ام توی الهیه گریه کنم تا توی آپارتمانم توی پایین شهر و این که من الان همه چی توی زندگیم خوبه، فقط پول کم دارم، اگه پول‌دار بودم، هیچ مشکلی نبود، همون مشکلا‌ی جزیی هم با پول اوکی می‌شد.

- اینستاگرام هم تأثیری توی شکل‌گیری این فکر در شما تأثیری داشته؟

این جمله‌ای که گفتم که ترجیح می‌دم توی پنت هاوسم توی بالا شهر گریه کنم رو یه پیج طنز توی اینستا نوشته بود، واقعاً حق بود به نظرم، الان آخه همه‌مون بزرگ‌ترین مشکل‌مون توی این وضع ایران، پول، هر بدبختی‌ای هم داریم سر پول، سلبریتی‌ها مثلاً چه مشکلی می‌تونن داشته باشن، وقتی توی بهترین منطقه شهر زندگی می‌کنن، هر وقت حوصله‌شون سر بره، گرون‌ترین جاها رو می‌رن می‌گردن.

- یعنی این‌ها باعث می‌شه آدم خوشبخت باشه؟

نود درصد مشکلا با پول حل می‌شه، اون ده درصد هم وقتی مشکل مالی نداشته باشی، خیلی قابل تحمل‌تره، حداقل یه دغدغه داری، نه یه دغدغه و هزار جور قسط و بدبختی».

با سایه‌گستر شدن معیارهای لاکچری در جامعه، برخی از کاربرانی که منطق لاکچری زیستن را پذیرفته‌اند، اما بنیه مالی لاکچری رفتار کردن را ندارند، راه حل‌تظاهر به لاکچری بودن را انتخاب کرده، به این ترتیب می‌کوشند تا لاکچری بودن خویش را مورد تأیید قرار دهند:

«- من می‌بینم آیفون ۱۳ داری، قبلش چی داشتی؟

قبلش آیفون ۱۱ داشتم. خب آیفون ۱۳ جدیدتر از آیفون ۱۱ هست، نمی‌دونم دست کسی دیدم یا نه توی اینستاگرام، ولی خب دوست داشتم عوضش کنم، قرض گرفتم از خانواده روش گذاشتم.

- چه قدر قرض کردی؟

نزدیک ۸ میلیون.

- برات ضرری هم داشت؟

بین ضرر مالی خب که نه! البته تا چند ماه زندگیم سخت می‌شه دیگه، آخه حقوقم زیاد نیست، باید قرضم رو بدم تا تموم بشه.

- همیشه گوشیت رو عوض می‌کنی؟

تا جایی که بشه دوست دارم گوشی جدید دستم بگیرم، توی سن نوجوونی هم که بودم، دوست داشتم اپل دستم باشه.

- وقتی آیفون دستت می‌گیری، از خودت عکس هم توی اینستاگرام می‌گذاری؟
اون که صد در صد، اون هم در جلو آینه» (آرشم، ۲۳ ساله).

برخی از کاربران به جای نمایش لاکچری بودن، می‌کوشند تا با به دست آوردن پول، در عمل لاکچری رفتار کنند. این دست از کاربران برای حصول سریع پول زیاد برای خودشان، با الگو قرار دادن شاخ‌های مجازی که با یافتن هواداران زیاد، امکان گرفتن تبلیغات و در نتیجه رسیدن به پول را به دست آورده‌اند، مورد تقلید بسیاری از کاربران جویای نام قرار گرفته، می‌کوشند تا با افزایش هواداران و فالورهای خودشان، به ایده‌آل خویش که پول است، دست یابند، ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«- معمولاً شاخ‌های اینستاگرام چه طوری هستن؟

خب فالوراشون بالاس، فالوینگاشون کمه، لایک و ویوهاشون بالاست، دیگه توی فضای مجازی هم کم کم معروف می‌شن.

- دوستت هم سعی داره جزو شاخ‌های اینستاگرام بشه؟
آره تقریباً.

- خوب چرا دوستت می‌خواهد جزو شاخ‌های اینستاگرام بشه؟

خب بین الان این جور چیزا خیلی مد شده، دیگه تقریباً پول توی این کاراست، همه‌ی توجه‌ها سمتش، خیلی‌ها هوادارت می‌شن، خلاصه لاکچریه دیگه، دلیل مهمش هم پوله دیگه، برای پول درآوردن خیلی خوبه.

- مادیات برای دوستت که می‌گی، خیلی مهم هست؟

خب لابد مهمه که می‌خواد این کار رو انجام بده دیگه.

- معنویات هم برایش اهمیت داره؟

بین خیلی توی قید و بند این چیزا نیست اصلاً، بیش‌تر ترجیحش اینه که توی چشم باشه و بقیه از زیبایش تعریف کنن.

- چرا؟

خب می‌گه هر کس اجازه داره هر جور دلش می‌خواد زندگی کنه، منم دوس دارم این جور باشم.

- دوستت برای بالا بردن پیجش چه کارهایی می‌کنه؟

خب مدام در حال پست و استوری گذاشته، هی می‌سپره به دوستا که واسش کامنت بذاریم، لایکش کنیم، پست و استوریاش رو توی پیج خودمون منشن کنیم تا فالورای ما هم فالوش کنن، خودشم با پیجای هم سطح خودش تبادل انجام می‌ده یا مثلاً هشتگای پر بازدید می‌زنه تا پستش دیده شه، دیگه تقریباً هر روز با یکی از آشناهاش که دورین داره، می‌رن بیرون برای عکس گرفتن».

افراد دیگری با نزدیک شدن به افراد پولدار، سعی می‌کنند از پول آنان بهره‌مند شوند. این افراد که برای دختران شوگر ددی و برای پسران شوگر مامی خوانده می‌شوند و در غالب موارد، اختلاف سنی قابل ملاحظه‌ای با دختران و پسران جوان دارند، انتظارات مختلفی از آنان دارند که این انتظارات از صرف وقت و گذراندن اوقات فراغت با آنها گرفته تا ارضای تمنیات جسمانی آنان گسترده است و جوانان داوطلب با پاسخ مثبت به خواست شوگر ددی یا شوگر مامی خویش، در مقابل به پول مورد علاقه خود دست می‌یابند. مه‌لقای ۱۸ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به مقوله شوگر ددی و شوگر مامی می‌گوید:

«- دیگه الان چه چالش‌هایی هست که راجع بهشون می‌دونی؟»

یه چالش هست یه مدته همه خارجیا پست می‌ذارن راجبش که خیلی باحاله، دخترا خارجی که شوگر ددی دارن میان آهنگ (یه تیکه از آهنگ را می‌خواند):

He Give Me All His Money، He Love Me

Prada Comfy، That Gucci

My Sugar Dady

می‌ذارن روی وسایل کوچی و وسایل دیگه که شوگر ددی شون براشون خریده!

۱ - متن آهنگ کویین هربی دارای محتوایی نامناسب است، به گونه‌ای که این آهنگ در حال ترویج و القای این موضوع است که ارتباط با افراد مسنی که فقط نیازهای مالی فرد را برآورده می‌کنند و وسایل مارک می‌خرند، در ازای دوستی و رابطه با دختران جوان مشکلی ندارد و بسیاری از دختران جوان با این آهنگ شروع کردند به گذاشتن پست‌هایی از وسایلی که شوگر ددی‌شان برای آنها گرفته بود.

متن آهنگ کویین هربی به نام شوگر ددی به شرح زیر است:

He Give Me All His Money، He Love Me

اون عاشقمه، اون همه پولاشو می‌ده به من،

Prada Comfy، That Gucci

اون کوچی، پرادا کامفی (اسم دو مارک گران)

My Sugar Daddy

(-Ah,Ah-Ah-Ah)

شوگر ددی منه آه، آه.

He Put No One Above Me ,He Love Me

اون هیچ کس رو بالاتر از من قرار نداده،

These Bitches Wanna Judge Me

این عوضیا میخوان درباره من قضاوت کنن،

Ah-Ah ,But I Don't Care Ah-Ah-Ah

اما من اهمیت نمی دم.

Looking Back On The Boys That I Dated (Ooh)

با نگاه به پسرانی که با آنها قرار گذاشته ام اوه،

All The Popular Boys Overrated

همه پسرای بیش از حد محبوب،

If He's Ancient ,Money Bags ,Give Me Brains

به من مغز بده، کیسه های پول، اگه اون قدیمی باشه،

Yeah ,Yeah , I'm A Young Lady Taking Donations

من یه خانم جوونم که کمک مالی می کنم.

Might Take Me On Trips (On Trips) ,CEO

مدیرعامل شرکت ممکنه منو به سفر ببره،

Might Have A Few Ships (Few Ships) ,Pack A Suit

کت و شلوار بپوش، ممکنه چندتا کشتی داشته باشی.

Love A Waitress Chasin' Them Tips (Them Tips)

یه پیشخدمت عاشق توصیه اونا

Countin' His Chips ,But I'm A Escort

ولی من اسکورت هستم، تراششونو می شمرم.

Bitch ,Got A Lot

چیزای زیادی به دست میاره ***

Bitch ,On A Yacht

تو یه قایق تفریحی،***

In The Tropics

تو مناطق گرمسیری

Yeah ,Ooh ,Yeah ,Yeah

اووه، آره آره،

He Give Me All His Money ,He Love Me

اون عاشقمه، اون همه پولاشو می‌ده به من،

Prada Comfy ,That Gucci

اون گوچی ، پرادا کامفی،

My Sugar Daddy
(ah-ah-ah)

شوگر ددی منه آه آه.

He Put No One Above Me ,He Love Me

اون هیچ کس رو بالاتر از من قرار نداده،

These Bitches Wanna Judge Me

این عوضیا می‌خوان درباره من قضاوت کنن،

Ah-Ah ,But I Don't Care Ah-Ah-Ah

اما من اهمیت نمی‌دم.

Yeah ,Yeah

All The Girls Hang Around For Some Cheap Wine (Ooh)

همه دخترا برای چندتا مشروب آویزون می‌شن.

But I Do Mind (Ooh) ,Used To Think I Was Down

قبلاً فکر می‌کردم من پایینم، ولی فکر می‌کردم،

Love Is Really Blind (Ooh) ,But For Me ,It's Really Kind

این واقعاً مهربونه، اما برای من، عشق واقعاً کوره،

Only Want A Love Where The Card Never Decline
(Yeah-Yeah-Yeah)

فقط به عشقو می‌خوام جایی که کارت هیچ وقت افت نکنه،

Never Had No Complications (-Cation)

هیچ وقت عارضه‌ای نداشته،

And The Term Stays Clear As My Skin (My Skin)

و این اصطلاح به عنوان پوست من،

Caviar In The Yard For The Win (For The Win)

خاویار حیاط خلوت برای برنده شدن باقی می‌مونه،

Which Car Do I Take For A Spin

کدوم ماشین رو برای چرخش می‌گیرم؟

Got My New Hips

***جدیدمو بگیر،

And My New Tits

و ***جدیدم،

Who Dis .New Life

زندگی جدید، کی دیس می‌کنه؟

Yeah ,Yeah , Ooh

اووه، آره آره،

If He's Paying (If He Pays)

اگه اون پرداخت می‌کنه،

I'll Take The Oysterstranlate

I'm Saying (I Can Say)

I Got Some Pointerstranlate

Uh ,Uh .My Baby My Baby

Is My Employer

اون کارفرمای من هست.

Uh ,Uh .My Baby My Baby

Knows How To Spoi

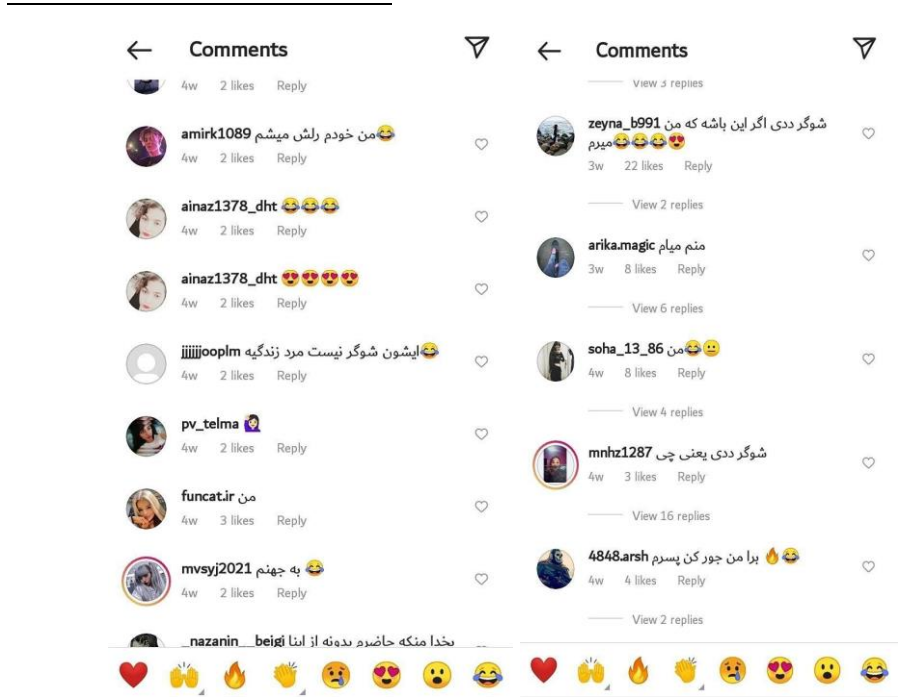
برخی از کامنت‌های زیر این پست نوشته بودند که ما شوگر ددی می‌خواهیم، بعضی دیگر نیز که گویا سن آن‌ها کم بود و اطلاعی درباره معنی کلمه شوگر ددی نداشتند کامنت گذاشته بودند (یعنی چی شوگر ددی!) و افراد دیگر برای آنان توضیح می‌دادند. می‌توان نتیجه گرفت در فضای مجازی دسترسی افراد به اطلاعات بسیار زیاد است و به سرعت می‌توانند مطالب جدیدی که نمی‌دانند از طریق گذاشتن کامنت و درخواست این که دیگران برایشان توضیح دهند، یاد بگیرند.

نمونه‌ای از این دست کامنت‌ها در ادامه آمده است:

- به نظرت این حرف‌ها واقعی هست؟

آره خب، با یکی هستن براشون وسایل مارک کوچی و... اینا می‌خره، واقعیه دیگه.

- خوب نظرت راجع بهش چی هست؟



در ادامه نمونه‌هایی از پست‌های پیج‌های ایرانی آورده شده است که دختران و پسران جوان خارجی در حال نمایش دادن شوگر مامی و شوگر ددی‌هایشان و وسایلی که آن‌ها برایشان خریده‌اند، هستند:



خوبه، همه دوست دارن، دیگه حالا سن شون با هم تفاوت داره، مهم نیست... .
- راجع به یک آهنگ گفتم که در مورد شوگر ددی بود، این چالش مخصوص خود اینستاگرام بوده؟
نه چالشای تیک تاک توی اینستاگرام میاد یا الان پسر می گن شوگر ددی می خوان یا شوگر مامی که هزینه هاشون رو بدن.
- پسرها شوگر ددی می خواهند؟
آره، یه پستی بود، حالا اینا رو بیشتر تر خارجی ها پست می دارن، ولی پیجای ایرانی میان پست های اونا رو می دارن که پسر با دوست دخترش تموم کرده بود، بعداً رفته بود با پدر دختره دوست شده بود، می گفت خیلی خوبه».

شوگر ددی فقط این



شوگر ددی فقط این



شوگر ددی فقط این



fungiz • Follow
Tabriz, Iran
81
more 😊 با داشتن شوگر ددی موافقت میکنید؟...
0:00

fungiz • Follow
Tabriz, Iran
81
more 😊 با داشتن شوگر ددی موافقت میکنید؟...
0:02

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری / ۴۲۶

راد ۱۶ ساله، در مصاحبه خود از لاکچری رفتار کردن و مه‌لقای ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد از لاکچری زیستن به قرار زیر یاد کرده اند:

«- چه سبک آهنگ‌هایی گوش می‌دی؟
هیپاپ و رپ بیش‌تر، خواننده‌های مورد علاقه‌ام هم هیدن، یاس و خلسه است، البته بعضی آهنگای تتلو رو هم دوست دارم.





- بیش تر چه مفاهیمی توی آهنگ برایت جذاب هست؟ انگیزشی و مثبت یا چیزهای دیگه... .
- همه جور مفاهیمی گوش می دم، هم راجع به زندگی، امید به زندگی، حس خوب و انگیزشی، هم مفاهیمی که راجع به شکست عشقی باشه، آهنگای فحش دار.
- آهنگ های فحش دار هم گوش می دی؟
- آره، تلو رو برای همین گوش می دم دیگه و پیگیرشم (می خندد).



- «- خوب شده چیزی که لازم نداشتی، به خاطر این که توی اینستاگرام دیدی بخری؟
- آره، خیلی چیزها، اولش فکر می کردم شاید به دردم بخوره، ولی بعدش دیگه متوجه شدم که فایده نداشت.

- مثلاً چی خریدی؟

گن ساعت شنی، حجم دهنده لب و... .

- چرا فایده نداشت؟

- اینا رو بلاگرا تبلیغ می کردن، می گفتن اگه این گن ساعت شنی رو بگیریم هیکل مون بعد یه مدت که استفاده کنیم شکل ساعت شنی می شه، ولی اصلاً به درد نخورد، تازه این قدر بستم همه کمر و شکمم درد می گرفت یا همون حجم دهنده ی لب، اصلاً هیچ لبم رو بزرگ تر نکرد.
- می خواستی لب بزرگ تر بشه؟

آره یه کم، ولی نشد که، لبم بیش تر خشک شد و پوسته پوسته می‌شد، این رو فیلر لب و چشم بیاد بزنم.

- منظورت از فیلر لب و چشم چی هست؟

فیلر باعث می‌شه گودی چشم دیگه معلوم نباشه و اگه به لب بزیم بزرگ می‌شه. هر دوش هر چند وقت یک بار باید ترمیم بشه، وگرنه از بین می‌ره و مثل قبل می‌شه».

اشکان ۲۱ ساله، در مصاحبه خود با طرح جلوه‌های مختلفی از رفتارهای لاکچری، در عمل تعریف عملیاتی از هویت لاکچری را به معرض دید نهاده است. وی در مصاحبه خود از مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگ- اجتماعی، روانی، عقیدتی- سیاسی، زیباشناختی و زیستی هویت لاکچری یاد کرده است.

هویت لاکچری در ابعاد اقتصادی از ویژگی‌هایی مانند: بهره‌مندی از امکانات لاکچری، مراجعه به مکان‌های لاکچری، کسب درآمدهای لاکچری و انجام رفتارهای لاکچری (نظیر اسراف و بریز و پاش و شرکت در چالش‌هایی مانند دور ریزی غذاها)، برخوردار است.

هویت لاکچری در ابعاد فرهنگ- اجتماعی از شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی نظیر: تلاش برای موج- آفرینی‌های اجتماعی، رقابت پنهان برای عقب نماندن از دیگران، تبعیت از شخصیت‌های خاص و در عرف اینستا لاکچری (مانند شاهین نجفی که اشکان از وی به عنوان آرزوی دوستش آرزین یاد می‌کند)، برقراری رابطه با افراد لاکچری برای به نمایش نهادن آن در برابر دیگران، نداشتن ظرفیت گفتمان و نقدپذیری (نظیر پررهایی که به سادگی دست به دیس همدیگر می‌زنند)، شرکت در چالش‌های نامتعارف (که اشکان در این جهت از چالش متکا یاد می‌کند)، برخوردار است.

هویت لاکچری در ابعاد روانی از ویژگی‌هایی همچون: گزینش پارتنر لاکچری، تعویض سریع پارتنرها، توسل به بزرگ‌نمایی‌های مختلف (نظیر خرید فالور فیک که اشکان در مورد آرزین از آن یاد می‌کند) و از خودبیگانگی (به معنای فراموش کردن عواطف و احساسات خویش و انجام اعمالی که فرد تنها در چشم دیگران مطرح شده و جلوه‌گر شود)، برخوردار است.

هویت لاکچری در ابعاد عقیدتی- سیاسی از شاخصه‌هایی نظیر: انجام برخی از رفتارهای نامتعارف برای جلب توجه دیگران (مانند توهین به افراد خاص یا جریان‌های فکری شاخص)، تبعیت از الگوهای نامتعارف (مانند الگو قرار گرفتن مرلین منسون که اشکان از آن یاد می‌کند)، تبعیت از ایدئولوژی‌های نامتعارف (نظیر بیانات آرزین در مورد شیطان‌پرست شدن یا روی آوردن به سوی

آتیسیم) و انجام رفتارهای سیاسی خاص (نظیر پر کردن ویدیو سیاسی آرین در برابر سازمان ملل)، برخوردار است.

هویت لاکچری در بعد زیباشناختی از ویژگی‌هایی مانند: استفاده فرد از البسه و وسایل آرایشی برند و گران قیمت، تلاش در جهت موج‌آفرینی در عرصه زیباشناختی (نظیر طرح مدی جدید یا استفاده از پوششی غیرمتعارف و عجیب) و منطبق با مد روز حرکت کردن برخوردار است.

هویت لاکچری در بعد زیستی و جسمانی از شاخصه‌هایی همچون: برخورداری فرد از یک بدن لاکچری (که با اعمال جراحی‌های متعدد و پیکرتراشی محقق می‌شود)، انجام ورزش‌های مفرط و گرفتن رژیم‌های افراطی، برخوردار است.

با تأمل در اثرهای مختلف اینستا بر کاربران، می‌توان به وضوح در افرادی (خاصه نوجوانان و جوانان) که بدون هدف و سواد رسانه وارد اینستا شده‌اند، شواهدی از شکل‌گیری هویت لاکچری و غایت شدن این هویت را برای آنان احساس کرد.

مجموعه هویت‌های لاکچری ایجاد شده در جامعه، با اثرگذاری خود در فرهنگ جامعه، رنگ و بویی لاکچری به فرهنگ بومی جامعه خواهند داد.

نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن امکانات گسترده‌ای را در اختیار بشر قرار داده‌اند و آدمی بسته به نوع مدیریتی که بر ظرفیت‌های اخیر اعمال می‌کند، می‌تواند از امکانات قابل توجهی که فضای مجازی در اختیار وی قرار داده است، به شکل مثبت یا منفی استفاده کند.

تقلب کردن یکی از جلوه‌های منفی است که برخی در جریان کژکاربری از فناوری‌های بدن دست زده و از امکانات شبکه اجتماعی اینستاگرام (و سایر شبکه‌های اجتماعی دیگر)، در جهت تحقق منویات سوء و نادرست خویش، سود برده‌اند.

مروری کلی در صفحات مختلف اینستا، دلالت بر آن دارد که برخی از بلاگرها، شاخ‌های مجازی و یا افراد عادی به سادگی به تقلب دست زده، به این ترتیب در عادی دیده شدن آن و حساسیت‌زدایی نسبت به شناخت تقلب مؤثر واقع آمده‌اند.

ریحانه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود بیان دارد، یکی از بلاگرها، برای کسب پول، دست به تقلب زده، با افرادی که به استخدام خود درآورده است، با فالو کردن مکرر صفحه کسانی که از آنها جهت تبلیغاتشان پول گرفته است، افزایش هوادار را بدان‌ها القاء کند:

«البته یه سری بلاگرا هستن توی اینستا واقعاً بلانست عوضی ان.

- چرا؟

مثلاً نمونه‌اش ساناز ...، ۱ میلیون فالور داره، ولی تقریباً نصفش فیکه و وقتی آنلاین شاپا بهش تبلیغ می‌دن، هر چی فیکه می‌ریزه توی پیج آنلاین شاپ بدبخت و اون آنلاین شاپی که ۱۵ تومن برای تبلیغ داده به این خانوم، هم پولش می‌پره، هم پیجش.

- چرا؟

بین این خانوم تازه دستش رو شده، بیش‌تر فالوراش فیکن و فالورای واقعی کم اند، پول داده چند نفر رو استخدام کرده، بعد بهشون گفته شما باید نفری ۱۰، ۲۰ تا پیج بسازید و بیاید من رو فالو کنید و لایک کنید و کامنت بذارید، بعد وقتی آنلاین شاپ یا یه بلاگر سطح پایین بهش تبلیغ می‌ده، به همین کسایی که استخدام کرده می‌سپره که برن فالو کنن و بعد از دو، سه روز که یارو باورش شد، جذب فالورش از طریق ساناز خوب بوده، آنفالوش می‌کنن و پیج اون آنلاین شاپ بدبخت می‌پره و پولش هم هدر می‌ره.

- شما خودت این شخص رو فالو کردی؟

آره، من فالوش داشتم، ولی وقتی دستش رو شد، منم آنفالوش کردم.

- پیجش راجع به چی بود؟

این از ازدواج اولش یه پسر ۱۶، ۱۷ ساله داره، بعد جدا شده، میاد با یه مرد زن‌دار به اسم طاهر ازدواج می‌کنه و به فالوراش می‌گه، شوهر دومم مجرد و زندگی مون رو عاشقانه شروع کردیم، حتی یه عروسی خیلی خیلی خفن با شوهر دومش گرفت با حضور پسرش، بعد معلوم شد شوهر دومش زن داره و ساناز و طاهر برای پول این کارا رو می‌کنن، منم دیگه آنفالوش کردم».

نسترن ۱۷ ساله، در تجربه مشابهی از نویسنده‌ای یاد می‌کند که پس از اخذ پول از خوانندگان خویش، متن کتاب وعده داده شده را به آنها نداده است:

«-رمان‌ها در چه موردی هست و نویسنده‌شون قوی هستند یا نه؟

رمان‌ها در حد همین سن تینیجری خودمونه، شاید آگه یک آدم بیست و چند ساله بخونه خوشش نیاد، ولی خب برای من جذابه.

- چیزی که جذابش می‌کنه چی هست؟

همین که پسر چه می‌دونم خفن و جذابه، پول‌داره، مغرور و خوش تیپه، دختر هم که خوشگل و خوش تیپ و سر زبون داره، باحاله دیگه، انگار یک فیلم عاشقانه زنده رو می‌بینی.

- ملاکت فقط همین هست؟

رمان‌های مجازی نکته قابل توجه‌شون همینه آخه! و گرنه نکته قابل توجهی نداره و بیش‌تر با هدف سرگرم کردن هستند.

- نویسنده‌هاشون چه جور می‌هستند؟

حدوداً بیست و خورده‌ای یا کم‌تر هستند.

- گفتی به صورت آنلاین هستند، نحوه‌ی ارایه‌شون به چه شکلی هست؟

خب روزهای زوج یا فرد یا هر روز یا هفته‌ای یک‌بار نویسنده پست می‌ذاره و ما هم به صورت آنلاین می‌خونیمش و حدوداً یک سال طول می‌کشه که رمان تموم بشه، بعد از تموم شدنش اگر کسی فایل پی‌دی‌اف رو خواست، می‌تونه از نویسنده بخره.

- امکان فروشش هست و کسی هم می‌خره؟

آره و قیمت‌ها هم متغیره، مثلاً از ۳۰ تا ۷۰ هزار تومان، البته بیش‌تر هم شاید باشه، ولی من خودم ندیدم.

- بعد فایل رو برای تون می‌فرستن؟

کسایی که فایل رمان رو می‌فروشن، قابل اعتمادترند تا کسایی که ورودی رمان رو می‌گیرند.

- ورودی رمان! این دیگه چی هست؟

بعضی از نویسنده‌هایی که معروف شدند و بقیه با قلم‌شون آشنا هستند و یک جورایی مطمئن هستن که از رمان جدیدش هم خوش شون میاد، این نویسنده‌ها قبل از شروع رمان یک خلاصه‌ای ازش رو می‌گن و بعد می‌گن هر کی دوست داره، این رمان رو بخونه، ما براش پیج زدیم، ولی پرایوته و کسایی که که حق عضویت رو بدن، درخواست فالووشون اکسپت می‌شه.

- این تعرفه‌اش چه قدر هست؟

این هم تقریباً بالای ۴۰ هزار تومانه، ولی دیگه بیش‌تر از ۱۰۰ هزار تومان فکر نکنم بشه.

- خوب این که خیلی ریسک داره، اومدیم و شما پول رو پرداخت کردی، ولی نویسنده رمان رو

ننوشت!؟

اتفاقاً یک‌بار همین جوری شد، نزدیک ۱۰۰ تا پست گذاشت، ولی یهو غیب شد، بعد من از این نویسنده ۵ تا رمان خونده بودم و قشنگ بهش اعتماد داشتم، ولی خب اصلاً نمی‌دونم یهو چی شد، ۳ تا پیج داشت که همه رو پاک کرد».

اشکان ۲۱ ساله و پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خویش از صفحات اینستاگرامی یاد می‌کنند که در ازای دریافت پول، افرادی را به جای متقاضی برای امتحان مجازی معرفی کرده و یا با به نمایش نهادن برخی از فیلم‌ها، روش‌های پیشرفته‌تر تقلب را به کاربران یاد می‌دهند:

«- دوست‌ها هم استفاده‌های درسی از اینستاگرام دارن؟»

بعضیاشون استفاده‌های درسی مثل من دارند و بعضیاشون از اینستاگرام برای تقلب و پاس کردن درس‌ها استفاده می‌کنند.

- چه طوری؟

وویس کال تلگرام یکی از راه‌های تقلبه اما به راه جدیدم اخیراً به وجود آمده. بعضی پیج‌ها به وجود اومدن که توشون کسایی که یک درسی رو بلدن اعلام آمادگی می‌کنند و در نهایت کسایی که اون درس رو بلد نیستند با اون فرد ارتباط می‌گیرن و با پرداخت مبلغی اون فرد امتحان دانشجویان رو می‌ده. یک روش تقلب هم در زمان دبیرستان و کنکور وجود داشت توی اینستاگرام که بعضی از دوستانم استفاده می‌کردند.

- اون روش چه طور بود؟

موقع کنکور ما به شدت درگیر امتحانات مختلفی بودیم. مثل قلمچی، گاج، امتحانات نهایی. بعضی دوستان سوالات آزمون‌های آزمایشی مثل گاج و قلمچی و جواباشون رو از بعضی پیج‌های اینستاگرامی می‌خریدن و امتحان رو خوب می‌دادن».

«- به خاطر سوال و درس هم اینستا می‌ری؟»

خیلی کم، ولی آره می‌رم.

- چه طوری جواب سوال‌های خودت رو پیدا می‌کنی؟ دوست‌ها می‌فرستن؟

نه، چندتا پیج اینستاگرامی هست، سوالای فیزیک و شیمی حل می‌کنن، از پیج اون‌ها نگاه می‌کنم.

- استفاده درسی دیگه هم تو یا دوست‌ها از اینستا دارید؟

آره، دوستان مشاور کنکور پیدا کردن از تو اینستاگرام و می‌رن پیشش. چند بار هم روش‌های تقلب یاد گرفتن از اینستاگرام.

- چه روش‌هایی، چه طوری؟

مثلاً به ویدیویی بود که نشون می داد چه طوری سریع تر تقلب کنیم و این جور چیزا». رضای ۱۸ ساله هم در مصاحبه اش از خرید و فروش سوال های امتحان راهنمایی و رانندگی در برخی از صفحات اینستاگرامی یاد کرده است:

«توی اینستاگرام شده پیج هایی ببینی که دنبال کلاه برداری باشن؟ آره، یکی از فامیلای ما برای این که گواهی نامه بگیره، سوالای آیین نامه رو از یه پیج اینستاگرام خرید، هیچ مشکلی هم پیش نیومد.

- یعنی سوالات رو می فروشن؟

آره، یه چندتا کارتکس آیین نامه هست، همیشه از همونا سوال میاد، دیگه نیاز نیست کتاب بخونی، همون فامیل ما سه بار رد شد، این رو خرید قبول شد، منم امسال می خوام از روی همون بخونم، گواهی نامه بگیرم.

- می شه پیجش رو به من معرفی کنی؟

بنویسید توی سرچ اینستا آیین نامه، همه پیجاش میاد. تازه بعضی پیج ها اسم پیج های دیگه رو می گن از اون ها سوال نخرید، از ما بخرید، مال ما معتبر هست».

The image shows a screenshot of an Instagram search for the hashtag 'آیین' (Aayin). The search results list several accounts, including 'aeinameh_asli99', 'soalatayenname1400', 'govahiname99_1400', 'aeennameh400', and 'aeennameh4.444'. The post from 'govahiname99_1400' is highlighted, showing a photo of a document with traffic signs and text. The post has 691 likes and a caption in Persian that reads: 'اصل کارتکس سوالات آیین نامه با کیفیت بالا بدون نیاز کتاب، جزوه، اپلیکیشن و... که فقط ۲ ساعت زمان شمارو میگیره با خوندن این سوالات با ضمانت ۱۰۰٪ تو اولین آزمون قبول هستید'.

وجود صفحات متعددی که در فضای مجازی به نوعی مبلّغ تقلب کردن افراد هستند، ضمن تقلیل شناخت تقلب کردن، کاربران را تشویق می‌کنند تا دست به تقلب بزنند. نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از مصادیقی از تقلب‌های رایج بین کاربران فضای مجازی به قرار زیر یاد کرده است:

«من یک هم‌کلاسی داشتم که ظاهرش توی مدرسه یک چیز بوده، توی اینستا یک چیز دیگه بوده، خیلی فرق می‌کرده و انگار دوتا شخصیت کاملاً متفاوت بود. - کدومش به نظرت واقعی تر هست؟

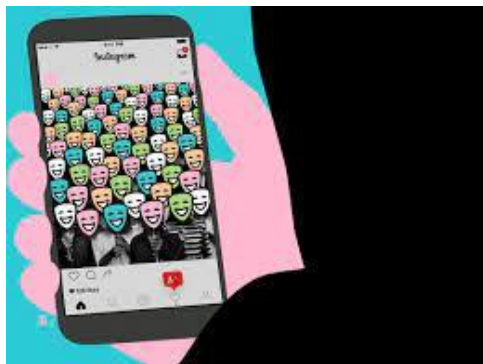
اونی که توی محیط واقعی بود، به نظرم اون خیلی واقعی‌تره، توی اینستا سعی داره خیلی چیزا رو داشته باشه که خب شاید نداره یا مثلاً می‌خواد یک‌سری حرکتا رو بزنه که عجیبه یا مثلاً کلاس یازدهم بودیم، لایو گذاشته بود یا استوری بود، یادم نیست، داشت سیگار می‌کشید، گفتم خب چرا؟ تو الآن توی سنی هم نیستی که، آخه واقعاً ۱۶، ۱۷ سالگی سنی نیست که بخوای بری سراغ این چیزا، البته نمی‌دونم آسیب همیشه هست، نمی‌شه خیلی چیزی گفت...»

در دانشگاه هم یکی اومد پی وی من و ازم تقلب خواست، بعد من نگاه کردم توی هیچ کدوم از گروه‌های دانشگاه مون نبود، گفتم بین تو از کجا اومدی آخه، گفتش که من با یک شماره دیگه اومدم و خجالتم می‌شد، گفتم حداقل اگر قراره کسی بهم نه بگه، حداقل ناشناس بمونم دیگه، گفتم، نه اوکیه، من بهت می‌رسونم، مسأله‌ای ندارم سر این موضوع و اینا، بعد خیلی بامزه بود ری‌اکشنش، بعد از یک مدت که یک حالت صمیمی طور پیش اومد، فهمیدم انگار به همه گفته و کسی بهش نداده، تنها کسی که بهش رسونده من بودم».

امیرعلی ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش، از شکل پیشرفته‌ای در تقلب کردن در امتحان‌های مجازی خود و دوستانش در دوران کرونا یاد کرده است:

«ولی یه جواری گذروندیم، مثلاً امتحانا هم همین‌طور، معلم سوال می‌کرد، بقیه توی چت جواب می‌دادن و ما می‌خوندیم و می‌گفتیم. البته خب اونایی هم که می‌گن وب کم باز کن ما راهش رو داریم دیگه، دوربین لپ تاپ رو باز می‌کنیم، ولی گوشی رو جلو می‌ذاریم جایی که توی دوربین نیفته. دوستم پارسال امتحان تاریخ رو که شفاهی بود، یه کلمه هم بلد نبود، این‌طوری پاس کرد. می‌گم گروه ما توی اینستاگرام بود برای دقیق بودن و سریع بودن، چون امکان داشت یهو فیلترشکن قطع شه یا شانس یکی از بچه‌ها یهو فیلترشکنش وصل نمی‌شد».

مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام



انسان واجد هر دو بُعد مادی و معنوی است، اما از دوران رنسانس به بعد در غرب، رفته رفته ابعاد مادی زندگی آدمی بر ابعاد معنوی زندگی وی پیشی گرفت و در حال حاضر در جهان معاصر، معیارهای مادی بیش تر از معیارهای معنوی مورد توجه سردمداران جوامع، رسانه‌ها و بسیاری از مردم قرار دارد.

مضاف بر تحول ناشی از رنسانس در غرب، رسانه‌های اجتماعی موبایل بنیان که موطن آن‌ها غرب است، بیش تر از آن که از ارزش‌های مطرح در دیگر نقاط جهان بهره‌مند باشند، متأثر از ارزش‌های جهان سرمایه‌داری است که موطن وی شمرده می‌شود. زیرا لازمه کسب سود در جهان سرمایه‌داری، دامن زدن به مصرف و مصرف هر چه بیش تر است.

مضاف بر تحول‌های پیش گفته، محبوبیت اجتماعی شادی و شاد زیستن در جامعه، سبب می‌شود، افراد در کنار برخورداری از زندگی لاکچری و مصرفی خویش، بکوشند شاد و شادمانه زندگی کنند.





البته از آنجا که امکان برخورداری از زندگی تجملی و اشرافی برای بسیاری از افراد جامعه فراهم نیست و خاصه شادی و شادمانی در زندگی‌های پرفراز و فرود و پرتنش جهان حاضر چندان فراهم نیست، مردم عادی که کاربر اینستا هستند و در این رسانه اجتماعی دائماً با القانات مثبتی بر مصرف-زدگی و زندگی لاکچری و شادمانه سروکار دارند، برای عقب نیفتادن از دیگران، از سرناچاری رو به تظاهر آورده، در فضای مجازی تظاهر به لاکچری زیستن یا شادمانه زندگی کردن کنند.



زهرای ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش در همین ارتباط از ویژگی ویرین شدن اینستا به قرار زیر یاد کرده است:

«اینستا به حالتی داره که زندگی همه توش پر زرق و برق نشون داده می شه، مردم اون جا خیلی پرفکت و عالی هستن، زندگی شون رو خیلی قشنگ و خفن نشون می دن، همه آدمای خوشگل و آرایش کرده و شیکه هستند، غذاهاش خیلی خوش آب و رنگ و خوش طعم به نظر می رسند».

نسترن ۱۷ ساله، در بیانات خویش با اشاره به زندگی یکی از سلبریتی ها، از ظواهر زندگی وی در فضای مجازی و واقعیات آن که از پس پرده بیرون افتاده است، به قرار زیر یاد کرده است:

«- محسن افشانی که با این میلاد حاتمی دعواش شده بود چی، مگه بازیگر نبود؟

زارت ... این روی بازیگری! این باور کن الکی ایران مونده، چون من مطمئنم با این گندایی که بالا آورده، واقعاً کدوم کارگردانی دلش می خواد با این کار کنه؟! - چه کار کرده مگه؟

بابا این هم اومد خر بازی بقیه رو انجام داد، اول از همه که عکس زنش رو نمی داشت، یعنی می داشت ها، ولی گوشی رو جلو صورتش می گرفت تا معلوم نباشه چهره اش! بعد توی مصاحبه که زنش هم بود و همه دیگه زنش رو دیدن، عکس های زنش رو توی پیجش می داشت و هم ویدیوهای دابسمش هاشون رو پست می کرد.

- خوب کارهای این که در حد بقیه نبود!

بابا توی یکی از دابسمش هاش که در اصل تبلیغ یک آهنگ بود، یهو تفنگ و چاقو در آورد و تازه پشت فرمون هم بود و همون طور که با زنش داشت آهنگ رو می خونند، این چاقو رو هم توی هوا تکون می داد، بعد چاقوش، چاقوی کوچیک و عادی نبود! از این خنجر بزرگا بود که لات ها توی دعوا ازش استفاده می کنن.

پلیس هم به خاطر نشر کلیپی که ازش سلاح گرم و سرد استفاده کرده بود، دستگیرش کرد و براش فکر کنم یک سال حبس بریدند.

- خسته نباشه پس!

نه، به اون اول که عکس زنش رو نشون نمی داد، نه به بعداً که عکسش رو موقعی که توی استخر بود گذاشت.

- توی استخر بود؟

آره، با همین محسن توی استخر بود و پشت اون و ایستاده بود ولی خب تا حدودی معلوم بود دیگه! البته اینم خوبه، پسر ع***** عکس های خصوصی زنش رو پخش کرده بود توی اینستا به صورت ناشناس.

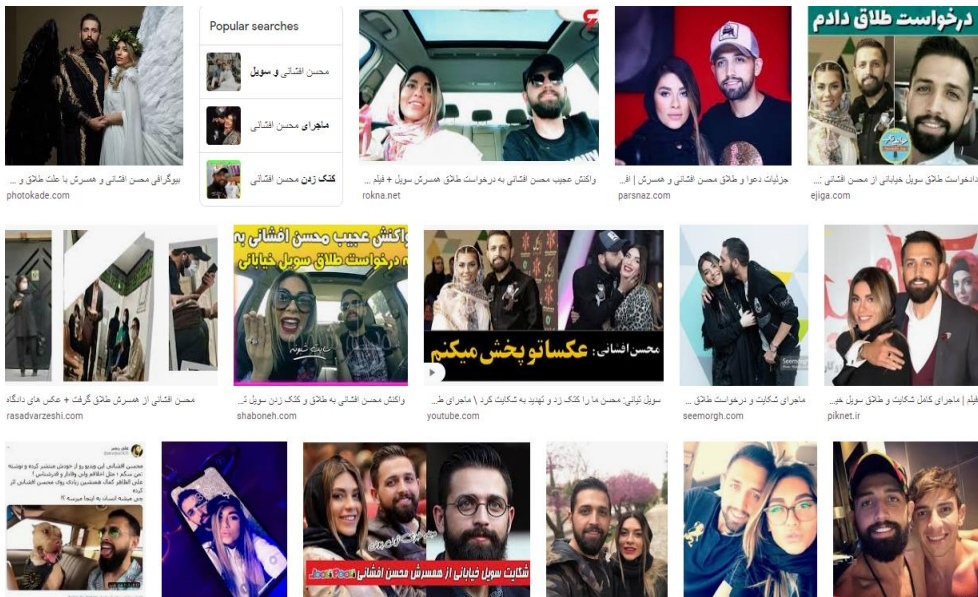
- چی؟

زنش طلاق می‌خواسته، بعد این گفته ۵ میلیارد بده تا طلاق بدم، زنش هم قبول نمی‌کرده که گفته پس ۲ میلیارد بده که باز زنش قبول نکرده، این هم گفته نه تنها طلاق نمی‌دم، بلکه اگه پول رو ندی عکس‌ها رو پخش می‌کنم.
- زنش چرا شکایت نکرد؟

شکایت کرد ازش، اینا رو هم توی مصاحبه گفته بود، چون همه تعجب کرده بودن چرا زنش ازش شکایت کرده، زنش می‌گفت که رفته بوده خون‌هاش وسیله‌هاش رو جمع کنه که محسن به خودش و مادرش و خدمتکار خون‌شون حمله کرده و اینا رو زده.

- توی پست‌های اینستاگرامش هم همین جوری هست؟

نه بابا! من اصلاً کپ کردم چرا ازش شکایت کرده، چون این دو تا خیلی با هم اوکی و خوب بودن و محسن زرت و زرت توی لایو و استوری و کلیپ، دست و سر زنش رو می‌بوسید! اصلاً همه‌اش با هم بیرون بودن و خارج رفته بودن و کلی گشته بودند و حتی از پاساژها هم فیلم گرفته بودن و خوب همه فکر می‌کردن که چه کاپل باحالی هستند و با هم اوکی و جورن».



ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته



فضای مجازی، خاصه فضای تصویرمدار اینستا، در عمل عرصه مناسبی برای افراد خودشیفته پدید آورده است تا با استفاده از امکانات آن، در جهت تحقق و تثبیت بیش از پیش خودشیفتگی خویش بکوشند.



خودشیفتگی یا نارسیسیسم از ریشه لغت یونانی نارسیس گرفته شده است. نارسیس یا نرگس، مرد جوان خوب چهره‌ای بود که از عشق خویش دوری کرد و برای همین محکوم به عشق ورزیدن به تصویر چهره خود در کنار رود آب شد. عده زیادی تلاش کردند تا به او نشان دهند، چیزهای زیبا و دلنشین تر از چهره او وجود دارد، ولی او نپذیرفت و فقط به چهره خود نگاه کرد تا وقتی که از فرط خستگی و گرسنگی به درون رود افتاد و جان باخت. نام گل نرگس از آن جهت که بر کنار رود دریا می‌روید و مانند چشمی است که خود را در رود می‌نگرد، برگرفته از این افسانه است. البته به بیانی دیگر نارسیس وقتی به عشق خود (چهره انعکاس یافته خود) نمی‌رسد، آن‌قدر غمگین بر لب چشمه می‌نشیند تا تبدیل به گل می‌شود، اما نه هر گلی، بلکه گل نرگس زرد، چرا که او در کنار رود مریض می‌شود و به رنگ زرد درمی‌آید.



دانشنامه ویکی‌پدیا در توصیف اختلال روانی خودشیفتگی می‌نویسد:

«اختلال شخصیت خودشیفته، نوعی اختلال شخصیت است که در آن فرد خود را بزرگ و مهم می‌پندارد و به گونه‌ای غلوآمیز احساس توانایی و لیاقت می‌کند. این بیماران مرکز دنیای خود بوده، از هر جهت ویژه هستند، افاده‌ای و اسم‌پران بوده و در ذهن خود شخص مشهوری هستند. حس خودپسندی و سزاوار بودن، هر گونه نگرانی درباره نیازها، مشکلات و احساسات دیگران را از ذهن آنان خارج می‌سازد. آنان متکبر و تحکم‌آمیز برخورد کرده، خود را برتر از دیگران می‌دانند و از دیگران انتظار احترام و تحسین دارند. هنگامی که خود آنان و جهان اطراف‌شان نمی‌توانند انتظارات غیرواقع‌گرایانه و ناممکن آنان را برآورده سازند، به طور شایع دچار ناامیدی می‌شوند.

شیوع تقریبی اختلال شخصیت خودشیفته، دو تا شانزده درصد از جمعیت بالینی و کم‌تر از یک درصد از جمعیت عمومی است. خطر وقوع این اختلال در فرزندان افراد مبتلا ممکن است بیش‌تر از

دیگران باشد، چون آن‌ها احساس غیر واقع بینانه همه توانی، قدرت مطلق؛ خود بزرگ بینی، زیبا بودن و باهوش بودن را در ذهن فرزندان خود نیز می‌کارند. تعداد افراد مبتلا به این اختلال، هر روز بیش تر از پیش گزارش می‌شود».

صادق‌پور در تشریح زیر مجموعه‌های خودشیفتگی می‌نویسد:

«اختلال خودشیفتگی دارای چهار زیر گروه با عناوین کلاسیک، آسیب‌پذیر، اجتماعی و بدخیم است. البته باید در نظر داشت که این گروه‌ها مفاهیمی کلی هستند و همه‌ی افراد خودشیفته به طور کامل در یک گروه مشخص قرار نخواهند گرفت. به تعبیر دیگر، در این مورد نیز حالتی خاکستری وجود دارد و ممکن است فردی خودشیفته در بیش از یک گروه از انواع خودشیفتگی قرار گیرد. شرح گروه‌های پیش‌گفته به قرار زیر است:

کلاسیک

افرادی که در دسته‌ی خودشیفتگی کلاسیک قرار می‌گیرند، همان خودشیفتگان معمولی هستند که بیش تر مردم هنگام شنیدن واژه‌ی «خودشیفته» متصور می‌شوند؛ هم‌چنین، از آن‌ها به عنوان خودشیفتگان با عملکرد بالا، خودنما و بزرگ‌منش یاد می‌شود. آن‌ها رفتارهایی را برای جلب توجه از خود نشان می‌دهند، دستاوردهای خود را بزرگ‌نمایی می‌کنند، احساس می‌کنند لایق برخورد ویژه‌ای هستند و از دیگران انتظار دارند که در مقابلشان تعظیم کنند و پاهایشان را ببوسند!

برای افراد خودشیفته کلاسیک، واقعاً کسی جز خودشان اهمیت ندارد و اگر موضوع مکالمه درباره‌ی آنان نباشد، خیلی زود حوصله‌شان سر می‌رود. آن‌ها تلاش می‌کنند، خود را قانع سازند که از دیگران برترند، ولی به طرز عجیبی محتاج این هستند که احساس مهم بودن کنند.

آسیب‌پذیر

دومین گروه اصلی از انواع خودشیفتگی، خودشیفتگان آسیب‌پذیر هستند که به نام‌های خودشیفته‌ی شکننده و جبرانی نیز شناخته می‌شوند. افراد مبتلا به این نوع خودشیفتگی نیز، مانند گروه کلاسیک، نسبت به اغلب افرادی که ملاقات می‌کنند، احساس برتری دارند، ولی درون‌گراتر هستند و از قرار گرفتن در مرکز توجه می‌گریزند. آن‌ها به جای این که از دیگران بخواهند با آنان برخورد ویژه‌ای داشته باشند، ترجیح می‌دهند که خود را به افراد خاصی منسوب کنند.

افراد خودشیفته آسیب‌پذیر معمولاً به دنبال جلب ترحم دیگران هستند یا گاهی با سخاوت‌مندی بیش از اندازه، چاپلوسی می‌کنند و به دیگران می‌چسبند، فقط برای این که توجه و تحسین مورد نیاز خود را دریافت کنند تا احساس ارزش‌مندی خود را افزایش دهند.

اجتماعی

سومین گروه اصلی از خودشیفتگی، خودشیفتگان اجتماعی هستند. تشخیص این گروه در نگاه اول سخت‌تر است، زیرا آن‌ها بر بالا بردن جایگاه خود از طریق حفظ تعهد به دیگران، داشتن اهداف اجتماعی و توانایی فوق‌العاده‌ی خود در گوش دادن به دیگران و برقراری ارتباط با آنان تمرکز می‌کنند.

آن‌ها معمولاً به خیریه‌ها کمک می‌کنند یا درباره‌ی این که برای خودشان خیلی کم پول خرج می‌کنند، مبالغه می‌کنند و به طور داوطلبانه وقت خود را برای کمک به دیگران صرف می‌کنند. ممکن است آن‌ها درباره‌ی مأموریت خود در زندگی با آب‌وتاب صحبت کنند یا خودشان را به هدفی که دنیا را تغییر خواهد داد متعهد بدانند.

با این که افراد مبتلا به خودشیفتگی اجتماعی در ظاهر فروتن به نظر می‌رسند، ولی اگر کمی عمیق‌تر نگاه شود، می‌توان متوجه شد که به شدت نسبت به خیریه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، احساس مالکیت دارند و بیش‌تر از این که بخواهند در راه رسیدن به آن هدف اجتماعی فعالیت کنند، این دغدغه را دارند که به سبب مشارکتشان، دیگران دست به ستایش آنان بزنند. واقعیت امر این است که آن‌ها فقط به این دلیل در اجتماعات مشارکت می‌کنند که تأیید شوند و کمبود شدید عزت‌نفس آن‌ها جبران شود.

بدخیم

در انواع خودشیفتگی چهارمین و آخرین گروه اصلی خودشیفتگان بدخیم، زهر آگین یا سمی هستند. در خودشیفتگی بدخیم، افراد به شدت سوءاستفاده‌گر هستند و دیگران را معمولاً برای کسب لذت استثمار می‌کنند و به بروز ویژگی‌هایی مانند شکاک بودن و صفات ضداجتماعی گرایش دارند که این موارد در خودشیفتگان کلاسیک، آسیب‌پذیر و اجتماعی وجود نداشتند.

آن‌ها در رسیدن به اولویت خود که کنترل دیگران و حکم‌فرمایی بر آنان است، می‌توانند کاملاً بی‌رحم باشند. این نوع افراد خود شیفته نیرنگ‌باز و پرخاش‌گر هستند و بدتر از همه این که هرگز نسبت به رفتارهای خود احساس پشیمانی نمی‌کنند» (karboom.io/mag/articles)



اظهار نظرهای زیر حکایت از آن دارند که برخی از افراد خودشیفته با استفاده از فضای رایگان و تصویری اینستا، فرصت مناسبی برای طرح خود و خودشیفتگی خویش یافته اند و در اشکال گوناگون در صدد طرح خویش و ارضای نیاز مفرط خویش به جلب نگاه دیگران دارند:

«- پس به نظر شما برخی از اختلالات روانی داره از طریق اینستاگرام رواج پیدا می‌کنه؟»

بله، دقیقاً، خب من خودم مثل تموم آدم‌های سالم دیگه، نیاز به توجه دارم، ولی سعی می‌کنم این نیازم رو به شیوه درستی بهش پردازم، دنبال این نیستم که مثل بعضی افراد با لایک و کامنت و اظهار نظر افرادی که اصلاً نمی‌شناسمشون و حتی ذره‌ای برام اهمیت هم ندارن توجه بگیرم» (یوسف، ۲۱ ساله).

«دوستم آدم قشنگی هست و دایم از خودش در اینستا عکس می‌گذاره» (محبوبه، ۲۲ ساله).

«من شاهد حضور افرادی در اینستاگرام هستم که چیزی جز چهره و اندامشان ندارند و این سوژه را هر روز با تکرار تصاویر خودشان از زوایای مختلف ادامه می‌دهند» (زهرا، ۱۹ ساله).



بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن

در انسان‌ها و حیوان‌ها سازوکاری با عنوان مکانیزم‌های تهاجم شکن وجود دارد. درباره این سازوکارهای باید گفت: این سازوکارهای زیستی در عمل مانع از شدت گرفتن تهاجم و پرخاشگری انسان‌ها و حیوان‌ها نسبت به یک‌دیگر می‌شود. به عنوان مثال، وقتی دو گرگ، گوزن یا زاغ بر سر قلمرو یا جفت با یک‌دیگر به رقابت می‌پردازند، گرگ‌ها در صدد آسیب زدن به شاه‌رگ گرگ مقابل خود برمی‌آیند، گوزن‌ها می‌کوشند با شاخ‌هایشان، پهنای بدن گوزن مقابل را هدف قرار دهند و زاغ‌ها می‌کوشند به پس سر زاغ مقابل، ضربه مهلک خود را وارد کنند. اما وقتی یک گرگ یا گوزن یا زاغ شکست را در جریان نبرد پذیرفت (و در واقع قلمرو یا جفت مورد نظر را به حریف واگذاشت)، در این حالت، گرگ مغلوب شاه‌رگ خویش، گوزن شکست خورده، پهنای بدن خود و زاغ بازنده، پس سر خود را روبروی حریف قدر قرار می‌دهند که اتفاقاً در همین لحظه، تهاجم طرف مقابل، فروکش کرده، جنگ آن‌ها به صلح می‌گراید. در انسان‌ها نیز سازوکارهای تهاجم شکن وجود دارد. یکی از این سازوکارها، نگاه انسان‌ها به یک‌دیگر است. نگاه یک انسان به چشم انسان مقابل، مانع از شدت گرفتن پرخاشگری وی می‌شود، اما در غیاب مکانیزم تهاجم شکن اخیر، انسان‌ها ممکن است به سادگی دست به هر نوع پرخاشگری ممکن در ارتباط با افراد فرارویشان بزنند.

با توجه به آن چه درباره سازوکارهای (مکانیزم‌های) تهاجم شکن از آن یاد شد، می‌توان بیان داشت در روابط موجود در فضای مجازی که غالباً به خاطر روی خط نبودن، برخورد افراد رو در رو و چشم در چشم نیست، آنان ممکن است در رابطه خویش با دیگران، به دلیل فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، به سادگی متوسل به خشونت و پرخاشگری شده یا با دریدگی و بی‌حیایی بیش‌تر عمل کرده و یا با توسل به ادبیات رکیک و فحاشی، اهداف و مطامع خویش را محقق سازند.

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌اش خاطرنشان می‌سازد، وقتی فردی با فرد دیگری در فضای مجازی مشکلی پیدا کند، با توسل به تهدیدهایی نظیر این که «نابودت می‌کنم!»، طرف مقابل خویش را تهدید می‌کند:

«- تا به حال با صفحه قلابی و فیک خودت سر به سر کسی گذاشتی؟

آره. مثلاً بخوام ایسگاشون رو بگیرم، حوصله‌ام سر رفته باشه، قبلاً زیاد این کار رو می‌کردم.

- می‌شه مثال بزنی لطفاً؟

مثلاً می‌رفتم پی‌وی شون، می‌گفتم پیجم پسر بود، بعد می‌گفتم آره روت کراش زدم، شما خیلی دختر گلی هستی، به، به (می‌خندد).

- دوستانت باور می‌کردن؟

باور شون می‌شد، بعد فکر می‌کردن خیلی آدمای خاصی هستن، می‌زدن بلاک می‌کردن، بعد می‌رفتن برای این و اون تعریف می‌کردن که آره همه دنبال من هستن (می‌خندد).

- تا به حال بین دوستانت دیدی که با پیج فیک بقیه رو تهدید کنن؟
آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

اووووممم... مثلاً یکی از همینیایی که فالور خیلی واسه شون اهمیت داره و لباسای باز زیاد می‌پوشن، مثلاً با یه نفر مشکل پیدا می‌کنن، می‌رن بهش می‌گن ما فیلمات رو داریم، ما عکسات رو داریم، می‌ریم مثلاً اینا رو پخش می‌کنیم، می‌دیم به بابات، بعضی وقتا هم با پیج خودشون پیام می‌دن که مثلاً بگن، آره من از تو خیلی سرترم، من می‌تونم با یه دکمه تو رو نابود کنم، بعد مثلاً بعضی وقتا یه قسمت از فیلم یا عکس رو می‌ذارن و خط خطی می‌کنن، بیش ترش رو تا به طرف بفهمونن که براشون کاری نداره آبروش رو ببرن، بعد طرف رو هم تگ می‌کنن که آره، نابودت می‌کنم، فلانت می‌کنم و اینا.

- اون طرف مقابل چه کاری انجام می‌ده؟

طرف مقابل هم می‌ترسه و بلاک می‌کنه بعد یا مثلاً در عین حال باهاش دعوا می‌کنه.

- معمولاً چه فیلم و عکس‌هایی دارن؟

فیلم‌ها و عکس‌هایی که با دوست پسرش بوده.

- اون فیل و عکس‌ها همون‌هایی هست که اون فرد در صفحه‌ی خودش به اشتراک گذاشته؟

نه دیگه، مثلاً خودش وقتی با دوست پسرش بوده گرفته، بعد برای دوستش فرستاده، بعد دوستش مثلاً چیز از آب دراومده و برای همه فرستاده».

مریم ۱۹ ساله نیز در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وی با وجود آن که دختر است و دختران در روابط اجتماعی‌شان، خیلی مبادی آداب‌تر رفتار می‌کنند، در جریان گل‌گل کردن با طرفداران تیم مقابل، شناسه آن‌ها را به دوستانش داده، ضمن توصیه به مسدود کردن آن‌ها، از دوستان خود می‌خواهد تا به شرکت متا گزارش خاطی بودن آنان را ارسال می‌کنند:

«- در ابتدا که نصب کردی، بیش‌تر چه استفاده‌ای از اینستاگرام داشتی؟»

بیش‌تر همون آدم و طرف‌داراش رو دنبال می‌کردم، قبلاً خیلی فوتبالی بودم اخبار پرسپولیس و بارسلونا رو دنبال می‌کردم، فوتبالیست‌ها رو فالو می‌کردم، حتی سرشون بحث می‌کردم، با دو تا جمع خیلی در ارتباط بودم، یکی فن پیج‌های همون خواننده، یکی هم فن پیج‌های پرسپولیس و توی گروه‌های هواداری‌شون عضو بودم، حتی کلی پست می‌ذاشتم در موردش و یکی هم پرسپولیس و بازیکناش، بعد هر بازی پست و کامنت می‌داشتیم کری می‌خوندیم. اون موقع قابلیت استوری گذاشتن نبود، کلی پست می‌داشتیم بعد بازی‌ها یا سر هر موضوع، با خیلیم از اون فن پیج‌ها دوست بودم.



- خوب گفتی کری می‌خوندید تا حالا شده اون‌جا دعوات هم بشه؟

آره، به طرز عجیبی اون‌موقع این چیزا برام مهم بود، کسی به رامین رضاییان مثلاً حرفی می‌زد، عصبی می‌شدم، کلی پیام می‌دادم، بحث می‌کردم، یه وقتی آیدی طرف رو می‌دادیم، بقیه هم بلاک و رپورت کنن.

- شده بود تبدیل به دعوی حضوری هم بشه؟

دعوی حضوری با کسی که توی مجازی شناختمش نه، تهش هم دیگه رو بلاک ریپورت می کردیم، ولی برای یکی از دوستانم پیش اومده بود، خودم یه بار یه پست، در مورد یه بازی آسیایی استقلال گذاشتم، کری خوندم، دوست صمیمیم که استقلاللی بود، بهش برخورد کرده بود، توی مدرسه دعوا من شد، حدوداً دو هفته هم قهر بودیم».

آرشام ۲۳ ساله، در مصاحبه خویش بیان می دارد که وی گاهی با عنوان یک دختر وارد تعامل اجتماعی با دیگر کاربران اینستا می شود و قصدش از این کار فرهنگ سازی در جهت آموزش افراد برای برخوردهای مناسب اجتماعی است (که البته در روش کار وی به شدت تردید وجود دارد)، اما افرادی که وی را دعوت به روابط جنسی می کنند، با وجود تذکرات وی دال بر محترمانه رفتار کردن با یک دختر خانم! به طرح خواست های نادرست و نامشروع خویش ادامه می دهند:

«- آگه یک شخصی این کار رو با شما می کرد، چه حسی بهتون دست می داد؟

من هیچ وقت مثل اون پسرها برخورد نمی کردم، آگه یه خانومی این برخورد رو با من می کرد...، من معمولاً در پیج فیکم، با پسر خیلی تند رفتار می کردم، چون حس می کردم زشته این کار، گاهی مستقیم می گفتم پیام ندین بهم، ولی اونا هی ادامه می دادن.

- به صورت جنسی هم با شما صحبت می کردن؟

بله، خیلی وقتا، منم می خواستم راه شون رو ببندم، اینم بگم من یکی از هدفام اینم بود که یه فرهنگ جا بندازم.

- چه فرهنگی رو؟

مثل آداب معاشرت با خانوم، مثل مطالعه کردن و فیلم دیدن.

- چه طور این کار رو می کردی؟

وقتی از علایق خودم به عنوان یک دختر می گفتم، انگار روشون تأثیر می داشت یا مثلاً وقتی جنسی صحبت می کردن، بهشون تذکر می دادم که نباید با یه دختر محترم این شکلی صحبت کرد».

مه لقای ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش از افراد خارجی حرف می زند که در بدو برخورد اولیه با وی، یا به بدن نمایی خویش روی آورده و یا از وی خواسته اند که دست به بدن نمایی بزند:

«- خوب شما راجع به چی با افراد خارجی صحبت می کنی؟

مثلاً سنم رو می‌پرسن یا می‌گن چه قدر قشنگی، بعد شماره می‌خوان که بریم توی واتساپ حرف بزیم یا می‌گن اینستاگرام داری، اسمت رو بگو فالوت کنم، ولی بعضی وقتا یهو می‌بینی دارن یه کاری می‌کنن.

- چه کاری می‌کنن؟

آخه چه جور ی بگم، مثلاً می‌بینی توی تصویر دارن یه جایی از بدن‌شون رو نشون می‌دن یا می‌گن تو نشون می‌دی، ولی من سریع رد می‌کنم بره نفر بعدی بیاد، ولی چند بار رپورت کردم‌شون.

- توی برنامه badoo چه طور، اون‌جا چنین اتفاقاتی افتاده که چیزهای نامناسب ببینی؟

نه badoo خیلی بهتره، ولی مثلاً وقتی با خارجی‌ها چت می‌کنی، می‌گی از ایران هستم، اصلاً هیچی راجع به اون نمی‌دونن یا اگه بدون فکر می‌کنن ما عرب هستیم، ولی یه بار توی مینی چت با یه کره‌ای داشتم صحبت می‌کردم، بهم گفت می‌تونم چندتا کلمه فارسی حرف بزیم، ولی چندتا فحش بد داد، بعد گفت ببخشید، سریع رد کردم».

مه‌سای ۱۶ ساله نیز در غیاب سازوکارهای تهاجم‌شکن، در بسیاری از تعامل‌های انجام‌شده در سطح فضای مجازی، با دفاع از افراد هم‌جنس‌گرا، در عمل کاهش جای خویش در غیاب سازوکار تهاجم‌شکن را به معرض دید می‌نهد:

«- گفتم که خیلی از کلیشه‌های جنسیتی برایت از بین رفت، راجع به این هم توضیح می‌دی؟

مثلاً این که مردا نمی‌تونن موهاشون رو رنگ کنن، الآن رنگ کردن موی مردا خیلی چیز عادیه برام یا مثلاً از جواهرآلات و زیورآلات استفاده کنن یا روابط گی و این جور چیزا خیلی برام عادی تر شده یا مثلاً این که مردا لاک بززن، البته این که دخترا هم موهاشون رو پسرورنه بززن، خیلی برام عادی تر شده، حتی پسرا میکاپ کنن.

- یعنی قبل آشنایی با بی‌تی‌اس، این‌ها برایت غیرعادی بود؟

آره تا حدودی، چون که فرهنگ ما هم‌چنین چیزی نیست، فرهنگ ما اینه که مرد نباید گریه کنه، مرد باید سیبیل داشته باشه، مرد باید ریش داشته باشه، مرد نباید گوشواره بندازه، به خاطر فرهنگ و جامعه‌ای بود که توش بزرگ شده بودم. ولی خب بعد این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم و فرهنگ اونا رو دیدم، دیگه این چیزا خیلی برام عادی تر شد.

- یعنی الآن از نظر شما هم‌جنس‌گرایی یا دو‌جنس‌گرایی مشکلی نداره؟

نه، البته هم‌جنس‌گرایی مشکلی نداره، ولی اگه هم‌جنس‌باز باشه، نه.

- این دوتا چه فرقی دارن؟

مثلاً الآن من به دخترا گرایش ندارم و چیز جذابی توش نیست که بخوام، باهاش رابطه داشته باشم، ولی خب به طور طبیعی و غریزی، یه پسر من رو به خودش جذب می‌کنه. هم‌جنس‌گرا هم همینه، دست خودش نیست، مثلاً اگه پسر، از پسر خوشش میاد، اگه دختره، از دخترا خوشش میاد. ولی هم‌جنس‌باز کسیه که از روی هوسه، یعنی مثلاً شاید یه پسر گرایشش به دخترا باشه‌ها، ولی از روی هوس و برای اون حس شهوتش، می‌ره با یه پسر می‌خوابه».

آلای ۱۵ ساله، آریای ۱۷ ساله و بهروز ۱۸ ساله هم در مصاحبه‌های جداگانه خویش، از پرده دری و فحاشی افراد در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن یاد کرده، خاطرنشان ساخته اند که این افراد به جای توسل به منطوق و استدلال به سادگی به فحاشی روی آورده و با پرده دری می‌خواهند، منویات خویش را محقق سازند:

«- وقتی پست جدید می‌گذاری، چه جور اظهار نظرها و کامنت‌هایی می‌گیری؟

همه جور کامنتی، هم مثبت و تشویق‌کننده و هم بد و منفی و فحش، یه سری میان و می‌گن به، به، چه عالی، یه سری هم میان می‌گن، مزخرفه و تکراریه و این چه کار... هست، خلاصه همه جور نظری هست».

«- آیا تا حالا شده با کسی سر همین کامنت‌ها جرّ و بحث کنی؟

خب نه، من خیلی آدمی نیستم که بخوام سر این جور موضوع‌ها جرّ و بحث کنم، ولی خب حداقل از این راضی‌ام که من مثل بقیه زیر پست دیگران حرف‌های رکیک نمی‌زنم یا دیگران رو مسخره نمی‌کنم. الآن بر فرض مثال شما برو زیر پست‌های سامان ویلسون رو نگاه کن، ببین چه قدر فحش به این طرف داده می‌شه توی کامنت‌ها و خوب این خیلی بده که فضای مجازی این قدر پر شده از حرف‌های رکیک و فحش دادن به همدیگه و بی‌احترامی کردن».

«- به نظرت انتشار این فیلم‌ها روی تربیت افراد جامعه اثر نمی‌گذاره؟ یعنی کم کم و رفته رفته فحش

دادن توی فضای جامعه خیلی عادی نمی‌شه؟

خب آخه همین الانش هم نیست، الآن به بزرگ و کوچیک توی جامعه فحش داده می‌شه یا مثلاً اکیپای جوونا و نوجونا خیلی راحت بلند بلند به هم فحش ناموسی می‌دن توی کوچه خیابونا، حتی بچه کوچیکا هم همین ان.

- با توجه به این که توی سال‌های قدیم شاهد همچین چیزی نبودیم و احترام بزرگ‌ترها خیلی حفظ

می‌شد، به نظرت نقش اینستاگرام توی این قضیه چه قدر هست؟

می‌تونم بگم خیلی زیاد، شما کامنتا رو بیای نگاه کنی، زیر پستای پیج‌های مختلف می‌بینی که فحش دادن به چیز کاملاً عادی شده، کسی خجالت نمی‌کشد از این که فحش داده.

- مسوول پیج‌ها وقتی می‌بینن توی کامنت‌ها فحش هست چه کار می‌کنن؟ اگر براشون مهم باشه بلاک می‌کنن طرف رو و اگر نباشه که هیچی، حتی اوقات خود ادمین پیج میاد فحش می‌ده.

- شما خودت هم زیاد فحش می‌دی؟

توی جمعی دوستانه آره، زیاد می‌دیم به هم.

- یعنی دوستان خودت هم این طوری هستن؟

آره، کلاً اکثر هم‌سن و سالای من و حتی افراد کوچیک‌تر از من این طوری ان، دیگه، خودت گفتی جامعه داره به چه سمتی می‌ره، این فحشای ناموسی الان برا ما عادیه.

- یعنی به نظرت فحش دادن و فحش‌های ناموسی الان جزئی از فرهنگ کلامی جامعه ما شده؟ آره، به نظر من که شده و خیلی هم عادیه بین افراد جامعه».

جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی

تا پیش از وقوع جهانی شدن، حکومت‌ها به سادگی با کنترل رسانه‌های جمعی خویش، در عمل افکار عمومی مردم خویش را کنترل می‌کردند، اما با وقوع جهانی شدن و گسترش فضای مجازی، نه تنها محدودیت‌های ارتباطی شهروندان مرتفع شده، بلکه منابع خبری گوناگون و بعضاً متضاد در اختیار آنان قرار گرفته است تا هر گونه که آنان تمایل داشتند، از این منابع استفاده کنند.

از سوی دیگر با توجه به تعارض‌های سیاسی موجود بین ایران و بسیاری از کشورهای جهان، در صورتی که رسانه‌های داخلی با نشر اخبار جعلی و نادرست، خطایی مرتکب شوند، به اعتبار خویش آسیب وارد آورده و در صورت ادامه همین وضعیت، کلاً اعتبار خویش را به عنوان یک رسانه مورد وثوق از دست خواهند دارد. اما متأسفانه مسوولان تبلیغاتی ایران که کم‌تر مقوله تبلیغات را به شکل یک امر بلند مدت دیده اند، در موارد مختلف با دیدن اهداف کوتاه مدت (نظیر نفی مورد اصابت قراردادان هواپیمای اوکراینی توسط سپاه، نفی ارایه پهپادهای ایرانی به روسیه، مرآوده سیاسی با طالبان و مانند آن‌ها)، دست به اتخاذ موضعی زده اند که بلافاصله یا بعداً خطای مواضع آنان مشخص شده است.

برخی از آمارهای ارائه شده، حکایت از چرخش بسیاری از شهروندان از اخذ خبر از رسانه‌های داخلی به سمت رسانه‌های خارجی داشته و همین امر سبب شده است که کسب خبر از رسانه‌های آن سوی آب از رسانه‌های داخلی پیشی بگیرد.

مشاهده بیانات کاربرانی که در ارتباط با رسانه‌های دیگر (غالباً با اتکاء به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن نظیر اینستا)، متوجه فریب کاری‌های رسانه‌های داخلی شده اند، روند چرخش از کسب خبر از رسانه‌های داخلی به رسانه‌های خارجی را نشان می‌دهند:

«- درباره‌ی مسایل سیاسی ای که می‌گی، دقیقاً این مسایل رو چه جوری تحلیل می‌کنی؟

خب مثلاً چن وقت پیش این داستان طرح صیانت از فضای مجازی مطرح شد که سر و صدا کرد و الانم خدا می‌دونه قراره چه بدبختی‌ای سرمون بیارن دوباره، مثلاً سر همین ماجرا چندین پیج بود، ماده‌های مختلف این لایحه رو بررسی می‌کرد و نشون می‌داد که چه افتضاحیه، می‌گفت به چه دلیل باید در برابرش مقاومت کرد و از همین الان مخالفت مون رو نشون بدیم، برای همین منم رفتم اون کارزار رو امضاء کردم و مطمئنم اگه یه روز این طرح عملی بشه، تا حد امکان سراغ برنامه‌های مزخرف شون نمی‌رم.

- چرا؟

چون این برنامه‌ها جایگزین نرم افزارهای جاسوسی هستند.

- چه طور؟

خب از چن وقت پیش که اینا خودشون رو به هر دری زدن، مردم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش برن، اما بعد گذش در اومد که این برنامه‌ها واقعاً در خدمت اهداف نظام هستن و از اطلاعات مردم سوءاستفاده می‌کنن. هزار سال حاضر نیستم برم سراغ این ابزارهای... و کنترل آدم‌ها.

«- اخبار رو می‌بینی؟

من که نه.

- پس از کجا می‌دونی که اخبار نشون داده؟

اول از همه من به هر چیزی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش بشه، اصلاً اعتماد ندارم، چون همه‌اش در حال دروغ‌گویی هستند و همه چیز رو به نفع خودشون تغییر می‌دن.

موقع‌هایی رو هم که باید شفاف‌سازی کنند و یک خبر درست به مردم بدن، سکوت می‌کنن، چرا؟ چون به نفع شون نیست، الان خدایی سر قضیه طالبان بود، تلویزیون ما داشت نشون می‌داد و می‌گفت

که مردم افغانستان خیلی خوشحال هستند از این که طالبان کشور رو به دست گرفته و مردم با خیال راحت دارند به زندگی شون می‌رسند و نیروهای طالبان به عنوان نیروهای محافظ و امنیتی برای برقراری صلح در کشور توی خیابون‌ها همین طور که می‌بینید مستقر هستند!

دقیقاً همون روز من چی توی اینستا دیدم؟ دقیقاً همون صحنه تلویزیون نشون داد ادعا می‌کرد که طالبان از مردم محافظت و حمایت می‌کنه، همون صحنه جایی بود که مردم با ترس و وحشت از کنار طالبان داشتند رد می‌شدند!»

همان‌گونه که از اظهارات آرشام ۲۳ ساله برمی‌آید، مواجهه با فریب کاری‌های تبلیغاتی رسانه‌های داخلی به سلب اعتماد وی (و افراد مشابه او) به کلان نظام سیاسی انجامیده است:

«- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی چه حسی به حکومت داشتی؟

قبلش حس مثبت داشتم واقعاً، ولی الآن از حکومت بدم میاد.

- پیچ خاصی روی شما تأثیر گذاشته؟

آره، توانا، گند کاری‌های اینا رو کامل نشون می‌ده.

- چه قدر از نظر خبری به اخبار اینستاگرام اعتماد داری؟

مثلاً جریان هواپیمای اوکراینی، همون اولش که اینستاگرام خیرش دراومد که هست، صدا و سیما هم گفت نیست، من به اینستاگرام اعتماد کردم، این اتفاق برام چندین باز افتاده و دیدم که اینستاگرام درست می‌گه، به خاطر تجربه واقعاً، من اصلاً به صدا و سیما و این حکومت اعتماد ندارم توی اخبار».

تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز

از یک دید کلی نظام‌های فکری که درباره معنای زندگی بحث کرده اند را می‌توان به دو دسته نظام‌های مبتنی بر تکلیف‌مدار دیدن آدمی و یا انسان‌مدار دیدن و لذت‌گرایی وی، تقسیم کرد. نظام‌های دینی با تکلیف‌مدار دیدن آدمی، نظام ارزشی مشخصی را فراروی افراد مطرح کرده، تبعیت از دستورهای مختلفی که آدمی را به اهداف آرمانیش نزدیک می‌سازد، الزامی می‌دانند. از این رو فردی که در فضایی دینی به سر می‌برد، با مشخص بودن هدف و دستورالعمل‌های ارزشی چگونگی رسیدن به هدف موردنظر و تحقق آن، دیگر لزومی به تجربه نظام‌های ارزشی مختلف و گزینش در بین آن‌ها را احساس نمی‌کند. اما در نظام‌های انسان‌مدار، از آنجا که انسان در مدار هستی تصور شده و مبداء و معادی هم در این میان پذیرفته نیست، تنها چیزی که برای آدمی می‌ماند، تحقق لذت‌طلبی و لذت‌گرایی وی است.

البته انسان‌ها در عین اختلاف‌هایی که با یکدیگر دارند، تفاوت‌هایی در نوع نگاه به مسایل اطرافشان نیز دارند که همین امر سبب می‌شود، انسان‌های لذت‌مدار، در مواجهه با ارزش‌های مختلف، دست به انتخاب بزنند و برای تحقق این امر، در عمل خود را موظف به تجربه موارد مختلفی کنند تا در نهایت گزینه مورد نظر خویش را در این میان انتخاب کنند.

غزاله ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از این مسأله یاد می‌کند که وی در برخورد با آرای متفاوتی که در اینستا با آن مواجه شده است، دید قبلی خودش را در ارتباط با دوست جنس مخالف کنار نهاده است:

«- قبل از نصب اینستاگرام، درباره‌ی دوستی‌های مجازی چه نظری داشتی؟»

دوست‌های هم‌جنس رو نظری نداشتم، اما دوستی با جنس مخالف در اینستا و فضای مجازی رو حرام اندر حرام و آسیب‌زا می‌دونستم، به خاطر چیزهایی که دیده بودم، اما وقتی دیدم این روابط عادیه توی جامعه، دلم خواست تجربه کنم و ببینم چه جوریه.

- گفتم دوستی با جنس مخالف رو به خاطر چیزهایی که دیده بودی آسیب‌زا می‌دونستی، می‌شه درباره‌اش توضیح بدی؟

من یه زمانی کلاس گیتار می‌رفتم و با چندتا از دخترها، اون‌جا دوست بودم و خیلی صمیمی بودیم، اون زمان تازه اینستا اومده بود، خب چون اون بزرگ‌تر از من بودن، اینستا رو نصب کردند و یکی شون با یکی حرف می‌زدن و رابطه‌شون به خاطر فرستادن جوک‌های ۱۸+ که رد و بدل می‌کردند، خیلی صمیمی شد و با هم رل‌زدن و بعد پسر، هی بهش می‌گفت بیا قرار و اینا و خلاصه که اتفاقات نادرستی اون وسط پیش اومد و با هم رابطه جنسی داشتند دو، سه ماه و بعدش پسر حرف کات کردن رو پیش کشید و دوست منم وضعیت روحیش واقعاً نابود شد و دیگه کلاس نیومد و ارتباطمون اون‌جا تموم شد. برای همین من حس می‌کردم همه‌ی پسرها غیرقابل اعتماد و عوضی‌ان و منتظر هستن تو یه نگاه بهشون بکنی تا کار خودشون رو بکنند، اما بعد که توی اینستا و با توجه به حرف‌های دوستانم با پسرها برخورد داشتم، متوجه شدم اصلاً چنین چیزی واقعیت نداره و پسرها، خوب و بد دارن، الانم که خودم توی رابطه‌ام، متوجه شدم باید آدم درستش پیدا بشه و اگه پیدا بشه، خیلی هم خوبه».

زینب ۲۰ ساله هم در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که تحت تأثیر اینستا علاقه مند به تجربه الکل شده است:

«- دوستان هم تحت تأثیر اینستاگرام سیگار رو امتحان کردن؟

دوستانم می‌کشن اکثراً یا حداقل به بار امتحانش کردن، ولی از حرفاشون حس می‌کنم، به خاطر فیلم‌های تینیجری‌ای بود که بیش‌تر می‌دیدن، اینستا فکر نکنم تأثیر خاصی گذاشته باشه.

- فیلم تینیجری یعنی چی؟

مثلاً همین فیلم‌هایی که درباره‌ی چندتا بچه دبیرستانیه و دختر و پسر اکیپ می‌شن، رابطه برقرار می‌کنن، سیگار می‌کشن، درینک می‌زنن و پارتی می‌گیرن، چون ایرانیا همچین چیزایی رو ندارن و براشون خیلی خاص و بزرگ جلوه می‌کنه، فیلماشون رو زیاد می‌بینن.

- به نظرت اینستاگرام هم تونسته روی مصرف مشروبات الکلی تأثیر بگذاره؟

حتماً، اونم مثل سیگار این قدر عکس و فیلم ازش توی اینستا پست و استوری می‌کنن که اونمی که تا حالا نخورده، این حس بهش منتقل می‌شه که یه چیزی کم داره، البته مشروبم یه کم اینستا تأثیر داشته، یه کم همین فیلم‌های تینیجری.

- خودت هم الکل رو امتحان کردی؟

هنوز نه، ولی خیلی دوست دارم امتحان کنم ببینم مزه‌اش چه جوریه، شنیدم تلخ و خنک باید باشه». زینب در مصاحبه خویش از روی آوردن خود و دوستانش به تجربه‌گرایی سخن به میان آورده است. با بدون پاسخ ماندن بسیاری از شبهات دینی نوجوانان و جوانان و کم‌رنگ شدن معنویت دینی آنان از سویی و جهت‌گیری‌های سیاسی پر مسأله از سوی دیگر، مسأله تجربه‌گرایی در نسل زینب، در پی ناکامی‌های دینی و سیاسی جامعه، عمده گردیده است.

فضای مجازی و اینستا، عرصه گسترده‌ای را فراروی زینب و هم‌نسل‌های وی پدید آورده است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، روانی-اجتماعی اخلاقی- عقیدتی و به آنان پاسخ لازم را در چه گونه بودن و چه گونه شدن می‌دهند.

در ابعاد فرهنگی، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و بلاگرها، فرهنگی لذت‌مدار را به جوانان پیشنهاد می‌کند. بررسی محتواهای مورد علاقه زینب (کاربری از موسیقی دیس لاو، کنجکاوی و پیگیری روابط خاص فلان فوتبالیست با دختران، تلاش در جهت تجربه کردن همه چیز و مانند آن‌ها)، بعد دیگری از فرهنگ زینب و هم‌نسل‌های وی را که سردرگمی است، به معرض دید می‌گذارند. در ابعاد روانی- اجتماعی، تحقق و شکل‌گیری هویت‌های جدید (دوپاره شده، کاذب، پنهان، اشتراکی) و عادی‌سازی مصرف مواد دخانی، الکلی، روابط باز جنسی و پذیرش همجنس‌گرایی،

گسست نسلی و نظایر آن‌ها، ابعاد اجتماعی سردرگم - لذت‌مدار زینب و هم‌نسل‌های او را به نمایش می‌گذارد.

در ابعاد اخلاقی - عقیدتی نیز مواردی مانند زیر سوال بردن معنویت، پذیرش فلسفه لذت‌گرایی، دیگرپیروی از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و بلاگرها، مؤید خط‌مشی سردرگم، باری به هر جهت و لذت‌مدار زینب و دوستانش است.

به تعبیر دیگر می‌توان از اینستا به عنوان عاملی اساسی در جهت تحول‌آفرینی در ذایقه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و زیباشناختی کاربران آن یاد کرد. تحولی که کاربران را به سمت پذیرش سبک زندگی و فلسفه لذت‌گرایی سوق می‌دهد و این ماحصل القانات اینستا است که لذت‌مداری جوهره رهنمودهای آن را تشکیل می‌دهد.

اتکاء به منابع غیرموثق

فضای مجازی با وجود فرصت‌های بی‌شماری که برای جامعه بشری فراهم آورده است، موجد پدید آوردن تهدیدهایی نیز برای بشر بوده است که ارایه اطلاعات نادرست و منابع غیرموثق، یکی از این تهدیدها به شمار می‌روند.

در بررسی کلی شبکه اجتماعی اینستاگرام، مشخص می‌شود که در این شبکه اجتماعی، عموماً منابع اطلاعات ارایه شده در دسترس نیستند و مضاف بر این مسأله، عادت دادن افراد به مطالعه هشنگ‌ها، به مثابه منبعی جهت کسب اطلاع از رخدادهای مختلف، رفتار نادرستی است که کاربران را خود به خود به سمت اخذ اطلاعات سطحی و کم عمق سوق می‌دهد. کوثر ۲۴ ساله و زهرا ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خویش در همین ارتباط بیان می‌داشتند:

«- نظر خودت درباره‌ی اینستاگرام چی هست؟»

به نظرم خیلی سرگرم کننده و اعتیادآور، جنبه مفید خاصی نداره، خیلی مواردش آسیب‌زا هست و حتی احتمال درست بودن بعضی اطلاعاتش ۵۰، ۵۰ هست، چون مرجع دهی به منبع اطلاعات درست انجام نمی‌شه و عموماً منبع قابل دسترسی نیست.»

«- آیا از زمانی که شروع به استفاده از اینستاگرام کردی از کمپین‌های مختلف حمایت کردی؟»

بله، تا حدی مثلاً فمینیسم رو، حمایت نه، اما یه سری از مطالب و مواردشون، مثل برابری زن و مرد و... رو تأیید می‌کنم، یا مثلاً همین کمپین ال‌جی‌بی‌تی رو حمایت می‌کنم و به شدت دنبال می‌کنم.

- به نظرت این کمپین‌ها روی رفتار مردم اثر گذاره؟

بله، به نظرم به شدت اثر گذاره، اینستاگرام مثل کتاب خواندن، می‌تونه روی مردم اثر بذاره، یعنی به این شدت، حالا فکر کن کتاب خواندن کار سختیه و هر کسی در روز، مثل نهایتاً بتونه صد صفحه کتاب بخونه، اما همین که توی اینستاگرام باشه، در یک ساعت می‌تونه ۱۰۰ هشتک و موضوع مختلف رو دنبال کنه و نسبت به صدتا موضوع اطلاع پیدا کنه که همین اطلاع پیدا کردن، می‌تونه اثر گذار باشه روی باورهای فرد و آبخوری باشه برای اعتقادات یک شخص، البته ممکنه گاهی اوقات یک‌سری از این کمپین‌ها نادرست هم باشند و نمی‌شه گفت ۱۰۰ درصد این مطالب درست هستند. مثلاً فمینیسم رو مثال بزیم، یه سری از شاخه‌های اون تبدیل شده به مرد ستیزی، اما به هر حال اثر خودش رو می‌ذاره و فکر می‌سازه، رشته فکری می‌سازه، جهت می‌سازه و آدم رو به سمتی که اون جریان فکری تأیید می‌کنه، هدایت می‌کنه».

فارغ از ایرادهای عمومی که به منابع اطلاعاتی موجود در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، در برخی از موارد «جریان‌های سیاسی» یا «افرادی که دنبال سوءاستفاده‌های اقتصادی» از کاربران ناآگاه هستند و یا «افرادی که در صدد جذب هوادار (فالور)» یا «مطرح کردن خویش در فضای مجازی» هستند و همین‌طور افرادی که برای «مزاح»، دست به ارایه اطلاعات غیر موثق و اشتباه می‌زنند، از دیگر عواملی هستند که اسباب کاهش اعتماد به منابع موجود در سطح اینستاگرام و کلاً فضای مجازی را فراهم می‌آورند.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، اینستا علاوه بر سانسور موارد مبتنی بر سکس آشکار و خشونت شدید، به سبب جهت‌گیری سیاسی خاصی که دارد (که یکی از این موارد حمایت از اسرائیل است)، شهید سلیمانی را (فارغ از عملکرد وی طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ در سوریه)، به سبب حمایت از مبارزان ضد اسرائیلی، سانسور کرده است:

«- در کل به نظرت محتوای منفی توی اینستاگرام بیش‌تر هست یا مثبت؟

به نظرم الان منفی‌هاش کم‌تر شده نسبت به قبل، چون خود اینستاگرام کلاً حساسیتش روی پستا بیش‌تر شده، پست‌هایی که ضدقوانینش باشه رو حذف می‌کنه.

- نظرت درباره‌ی حذف پست‌های سردار سلیمانی توی اینستاگرام چی هست؟

خب من از یه جاهایی شنیدم که خود قاسم سلیمانی تروریسته، می‌گن اسلحه می‌ده به حزب الله لبنان، حالا من درست و غلطش رو نمی‌دونم، ولی رسانه‌های خارجی و آمریکایی این‌جوری می‌گن و پست گذاشتن برای یه تروریست خارج از قوانینه اینستاگرامه، به خاطر همین راحت پاکش می‌کنن.

- از کجاها شنیدی؟

از ماهواره.

- تعریف از محتوای منفی چی هست؟

منفی که طیف گسترده‌ای داره، اینستاگرام بیش‌تر میاد محتواهای جنسی و خشونت رو حذف می‌کنه، تازه اونم بعضیاشون رو فقط، ولی یه سری پست‌های دیگه هم هستن که لزوماً جنسی هم نیستن، ولی تأثیر منفی زیادی دارن، اما خب این دسته رو اینستا حذف نمی‌کنه.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً همون چیزایی که قبلاً روی خودم تأثیر بد می‌داشت و باعث حال خرابیم می‌شد، من اولین بار که سیگار کشیدم، تکست نوشته‌های دپ با عکسای سیگار رو توی اینستا می‌دیدم، بعد هم‌همه‌اش می‌نوشت که آدما درداشون رو با تعداد سیگارایی که می‌کشن نشون می‌دن، من فکر می‌کردم سیگار باعث آرامش می‌شه، منم که فازم دپ بود، یکی از سیگارای بابام رو یواشکی برداشتم، یه روز که خونه تنها شدم، کشیدم».

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از صفحاتی در اینستا یاد کرده است که تبلیغ می‌کنند با موسیقی می‌توانند نه تنها قد افراد را بلندتر (!) کنند، بلکه می‌توانند رنگ چشم آنان را نیز تغییر داده، به رنگ دلخواه آنان درآورند(!):

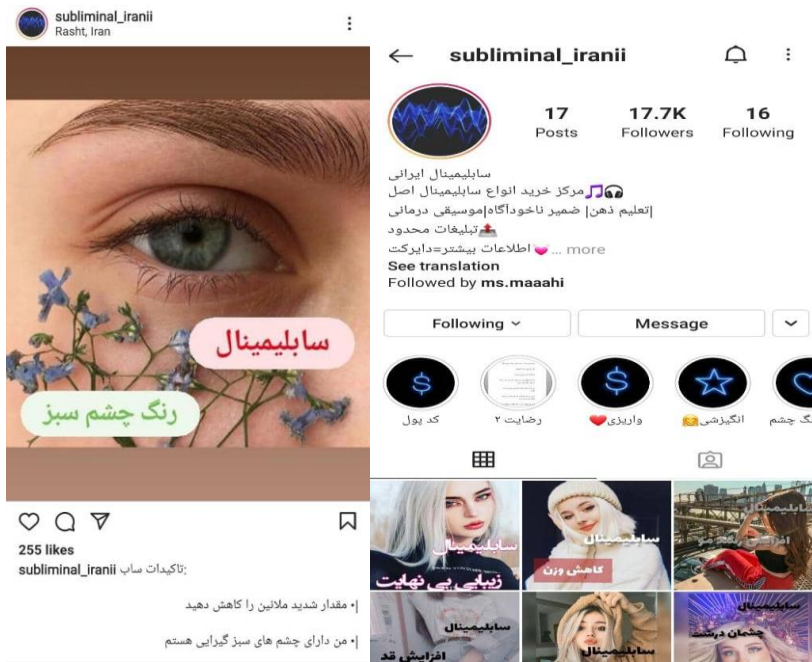
«- با کوتاهی قدت، کنار اومدی؟

نه، واسه اون راهی پیدا نکردم، یه سری قرص‌های گرون قیمت که بی‌فایده بود خریدم که هیچی به هیچی، اما تازگیا یه راهی پیدا کردم که توش دو دلم.

- چه راهی؟

یه پیج هست که با نوعی موسیقی درمانی می‌تونه چشمات رو رنگی کنه، قدت رو بلند کنه و از این کارا، دلم می‌خواد امتحانش کنم، اما باورش واسه خودمم سخته.

- می‌شه لطفاً پیجش رو ببینم.



- می‌شه بیش تر در مورد روش این پیج توضیح بدی؟

والا خودمم خیلی نمی‌دونم، توضیحات خود پیجش رو خوندم که گفته بود، روان‌شناسان و آهنگ‌سازان که با یک‌سری کد و پیام مخفی، روی ضمیر ناخودآگاه تأثیر می‌ذارن تا به هر چی می‌خوای برسی». نازنین زهرای ۲۴ ساله، از وجود صفحات دیگری خبر می‌دهد که مروج روان‌شناسی زرد هستند و با ارائه اطلاعات نادرست، یکی از اطرافیان وی را به سمت و سوی افسردگی سوق داده‌اند:

«- یعنی می‌گی ممکنه این اطلاعات اشتباه و آسیب‌زا باشه، خودت نمونه‌ای دیدی؟

بله، رواج اخبار زرد و دروغ، شایعات، تجمل‌گرایی شدید، مصرف‌گرایی، پرخوری، استفاده از کودکان برای نمایش محصولات و تبلیغات، سوءاستفاده از شرایط بحرانی به اسم خیریه‌ها و صد مدل دیگه، به نظرم افراد زیادی بدون این که بدونن تحت تأثیرش قرار می‌گیرند.

- خوب بیا یکی یکی بررسی شون کنیم، نظرت درباره اخبار زرد چی هست؟

درسته که بی‌معنی هستند اغلب اوقات، اما بازم سبک فکر آدم‌ها رو تحت تأثیر خودشون قرار می‌دن و باعث بدگمانی به مسایل مختلف می‌شه.

- می‌توننی مثال بزنی؟

بله، مثلاً صحبت‌هایی که از کلاه‌برداری‌های اینترنتی می‌شه، کاملاً نظر افراد رو به خرید اینترنتی بد می‌کنه یا مثلاً روان‌شناسی زرد که جدید رواج پیدا کرده و خیلی مخربه، الآن دقیق یادم نیست، اما

در زمینه روابط زناشویی انواع و اقسام مشاوره‌ها داده می‌شود که آنگه کسی واقعاً از شون نتیجه خوب بگیره عجیبه.

- کسی رو می‌شناسی که زندگیش به خاطر این مشاوره‌ها دچار مشکل شده باشه؟
یک‌سری پست‌های مثلاً انگیزه بخش هستند که می‌گن مشکلاتت رو به فراموشی بسپار، جدیش بگیر و با وجود مشکلات بهشون بخند و فلان فلان فلان. من به دوستی دارم که ازدواج کرده و سال پیش بچه‌اش را سقط کرد، به مدت حالش خوب نبود، اما افسردگی نداشت. به پیشنهاد یه نفر برای این که حالش خوب بشه یه سری زده بود به مطالب یک چنین پیجی، با دیدن این مطالب این‌طور بهش القا شده بود که این مشکلش مشکل خاصی نیست و این شلوغش کرده، مشکلش و کنار نیومدنش به خاطر اینه که آدم سست و ضعیفیه و این جور حرف‌ها، این تلقینات باعث شده شدید حالش بد بشه و افسردگی شدید بگیره. آنگه یه کم دور رو برش رو خالی کرده بودن خانواده‌اش و از نظر روحی ازش حمایت نکرده بودند، ممکن بود حتی دست به خودکشی بزنه».

نرگس ۲۰ ساله هم در حالی که در دانشگاه در مقطع کارشناسی اقتصاد تحصیل می‌کند، در صفحه خودش دست به تولید محتوای روان‌شناختی می‌زند، در مصاحبه‌ای که دارد، نشان می‌دهد که دانش از اطلاعات و منابع غیرموثق موجود در اینستا به هوا بلند است:

«- خوب گفتم محتوای روان‌شناسی می‌گذاری، روان‌شناسی می‌خونی؟

نه، من کارشناسی اقتصاد رو می‌خونم.

- پس چه طوری می‌گی توی حوزه سلامت روان می‌تونم تولید محتوا کنم؟

خب روان‌شناسی رو دوست دارم...

بعد خب اینستاگرام الان حاوی روان‌شناسی زرد شده، با شعار خواستن توانستن است، هر چی بخوای می‌شه، نه بابا چی می‌گی؟ این اصلاً عملی نیست، حداقل توی ایران عملی نیست، کجا توی ایران خواستن توانستن است؟ (می‌خندد).

هی هم می‌گه برو فلان کار رو بکن، ولی به ابزار نمی‌پردازه، همه‌اش به فکر کردن و تصور کردن نیست که آخه، من نمی‌گم بی‌تأثیره، ولی خب اصل موضوع نیستن و تأثیر خاصی هم ندارن، بعد خب اینا خیلی زیاد شدن و خب ما فکر می‌کردیم، اصلاً من خودم فکر می‌کردم، اینا خیلی مؤثرن، ولی خب دروغه دیگه، واقعیت چیز دیگری هست، این قدر توی اینستا از این حرفا از سمت

روان‌شناسا زیاده، خب ما هم دل می‌بندیم به این چیزا که جذبش کنیم و بهش برسیم و اینا، بعدم که نمی‌رسیم، تازه به افسردگی و غم و غصه می‌رسیم».

افراد دیگری برای جذب هوادار بیش‌تر و بیش‌تر (که به افزایش عایدی آن‌ها از تبلیغاتی که در صفحه خودشان می‌گیرند، می‌انجامد)، دست به ارایه اطلاعاتی از زندگی افراد مشهور اجتماعی می‌زنند که ممکن است این اطلاعات نادرست و آسیب‌زا هم باشند (همان‌گونه که در ماجرای خودکشی یکی از هنرپیشه‌های ایرانی بیان شد، وی از دست خبرنگاری که دست به ارایه اطلاعاتی از زندگی وی زده بود، به شدت آزرده خاطر شده بود).

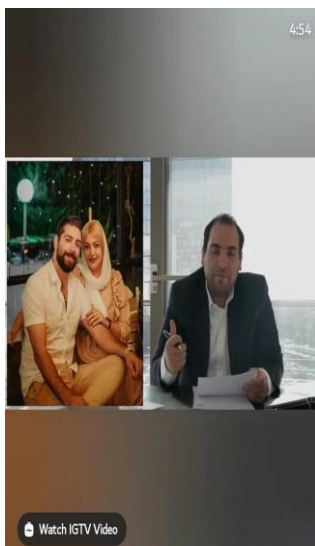
مه‌لقای ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش، از یکی از این دست خبرنگاران به قرار زیر یاد کرده است:
«- در مورد آقای حداد ...، گفتمی بچه‌هاش آمریکا هستن و این اطلاعات رو از پیج‌های اینستاگرام آوردی. می‌خواستم بدونم قبل اینستاگرام هم چنین نظراتی داشتی که حرف‌هاشون با عمل‌شون متفاوت هست یا نه؟»

نه، این اینستاگرام آبروشون رو برده.

- چه طور؟

آخه توی تلویزیون که خودشون رو خوب نشون می‌دن و واقعیت رو نمی‌گن. ولی تمام واقعیت‌شون توی این فضای مجازیه، امین فردین^۱ که چه قدر پشت پرده‌های این افراد رو می‌گه».

^۱ - امین فردین متولد ۲۹ شهریور ۱۳۷۰، فارغ‌التحصیل لیسانس رشته مهندسی کامپیوتر (نرم افزار) از دانشگاه آزاد کرمانشاه است که کارش را از باشگاه خبرنگاران شروع کرد و حالا ساکن کشور آلمان است. امین فردین مدیر یک کانال یوتیوبی به نام پشت پرده است، او چند سالی است که در مورد موضوعات گوناگون افشاگری می‌کند و خود را یک پاپاراتزی نامیده است.



در برخی از موارد هم بعضی از افراد جهت مزاح و ایجاد بهانه‌ای برای خندیدین، دست به ارایه اطلاعات ناموثقی در فضای مجازی می‌زنند که در کنار خنده احتمالی، متضمن آسیب‌های خاص خودش نیز هست:

«- بهروز عکس نوشته‌های مربوط به فیلم‌ها و سریال‌ها هم توی اکسپلورت میاد؟
آره، خیلی میاد، بعضیاشون خیلی خیلی خفن و خنده‌داره.

- مثلاً چی؟

مثلاً از خنده‌داراش می‌شه به این اشاره کرد که پست زده بودن سریال‌هایی که می‌توان با خانواده مشاهده کرد، بعد گات و وایکینگ و اسپارتاکوس و فیلمایی مثل فیتنی شیدز گری 'روزه بود جزو اون فیلم سریالا (می‌خندد).

- این کجاش خنده داره؟

خب همه این فیلم سریالایی که گفتم، از پر صحنه‌ترین فیلم و سریالای جهان ان».



سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتگ‌ها

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن عرصه مناسبی برای بارگذاری اطلاعات و اطلاع‌رسانی‌های مختلف هستند، ویژگی اخیر اگر چه واجد ثمرات پر ارزشی نظیر ایجاد دموکراسی رسانه‌ای، بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی با حداقل هزینه‌های ممکن و مانند آن‌ها است، اما واجد برخی از تهدیدها

نیز هست که این تهدیدها مواردی مانند: بارگذاری اطلاعات ناقص، مخدوش و نادرست از سوی برخی از کاربران، خلاصه و کم عمق بودن اطلاعات، درج عامدانه اطلاعات غلط (توسط جریان‌های سیاسی داخل و خارج) و نظایر آن‌ها است. از این رو باید در عین توجه به ارزش‌های پیش‌گفته، به خطر بالقوه اطلاعات اخیر نیز توجه لازم را معطوف داشت.

زهرای ۲۰ ساله، در قسمتی از مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وی قسمتی از اطلاعات خویش را از هشتک‌های اینستاگرام می‌کند که بالطبع هشتک‌های خلاصه و مجمل، عاری از نقص نبوده، در حد و اندازه اطلاعات مدون و مکتوب عمل نمی‌کنند. زهرا در مصاحبه خود چنین بیان می‌دارد:

«- آیا از زمانی که شروع به استفاده از اینستاگرام کردی، از کمپین‌های مختلف هم حمایت کردی؟ بله، تاحدی، مثلاً فمینیسم رو یا مثلاً همین کمپین ال‌جی‌بی‌تی رو حمایت می‌کنم و به شدت دنبال می‌کنم.

- به نظرت این کمپین‌ها روی رفتار مردم اثر گذارند؟

بله، به نظرم به شدت اثر گذاره، اینستاگرام مثل کتاب خوندن، می‌تونه روی مردم اثر بذاره، یعنی به این شدت، حالا فکر کن کتاب خوندن کار سختیه و هر کسی در روز، مثلاً نهایتاً بتونه صد صفحه کتاب بخونه، اما همین که توی اینستاگرام باشه، در یک ساعت می‌تونه ۱۰۰ هشتک و موضوع مختلف رو دنبال کنه و نسبت به صدتا موضوع اطلاع پیدا کنه که همین اطلاع پیدا کردن، می‌تونه اثر گذار باشه روی باورهای فرد».

محوریت یافتن مقوله فضای مجازی و اینستا در مدارس پنهان

مدارس پنهان اصطلاحاً به مدارسی گفته می‌شوند که در بطن مدارس رسمی، شکل گرفته و بسیاری از یادگیری‌های غیررسمی دانش‌آموزان در آنجا فراگرفته می‌شوند. اما یادگیری یا آموزش غیررسمی چیست؟

«اصطلاح آموزش غیررسمی^۱، اصطلاحی تقریباً نوپدید است و از این رو، تعابیر و برداشت افراد صاحب‌نظر از آن، هنوز به وحدت نظر نرسیده است^۲.

1- Informal learning

۲- به همین سبب هم هست که آموزش غیررسمی با معادل‌هایی مانند: Lifelong education, Non formal, Informal

Adult education, Vocational education و نظایر آن به کار برده شده است

برخی از نظریه‌پردازان اصطلاح Informal education را معادل فعالیت بدون سازمان و ساختاری می‌دانند که هدف، محتوا، روش و زمان و مکان یادگیری مشخصی نداشته، متکی به پشتیبانی سازمان خاصی نیز نیست، در حالی که اصطلاح Non formal education را مترادف آموزش‌هایی می‌دانند که مؤسسات و نهادهای خاصی متکفل امر آن‌ها هستند و هدف انتقال برخی از مفاهیم و ارزش‌ها را مدنظر دارند.

بعضی از صاحب‌نظران بین دو اصطلاح آموزش غیررسمی و تربیت غیررسمی، تفاوت قایل شده‌اند. برخی از نظریه‌پردازان هم در این زمینه دست به تهیه اصطلاحات جدید زده‌اند. شعبانی ورکی، در همین زمینه می‌نویسد:

رنه و مکلافرنی نیز در سال ۱۹۹۶ اصطلاح نوپدید Edutainment را مطرح ساختند. این اصطلاح مشتمل بر دو واژه آموزش (Education)، و تفریح (Entertainment)، بوده، بیانگر برنامه‌هایی است که حاوی هر دو بُعد آموزشی و تفریحی هستند. به نظر این دو نظریه‌پرداز، در این آموزش جنبه تفریحی (dimension Entertainment)، بسیار قوی‌تر از جنبه آموزشی (Education dimension) آن است.

کومیز به عنوان یکی از اولین نظریه‌پردازان آموزش غیررسمی، این آموزش را به شرح زیر، تعریف می‌کند:

آموزش غیررسمی، عبارت از هرگونه آموزش منظم و سازمان یافته، خارج از چارچوب نظام آموزش رسمی است که فرصت یادگیری را برای فرد فراهم می‌آورد.

یونیسف، در تعریفی که در سال ۲۰۰۵ از آموزش غیررسمی ارائه کرده است، این آموزش را آموزشی برای تمامی سنین، و رفع نیازهای پدید آمده افراد می‌داند.

لیونگستن و دیل و بل، در تعریفی مشابه، یادگیری غیررسمی را یادگیری خاصی می‌دانند که «خارج از یک برنامه درسی مستقیم» و «خارج از دیوارهای مدرسه»، رخ می‌دهد.

آسپین و چیمین، تأکید می‌ورزند که در آموزش غیررسمی که معمولاً در بیرون از مدرسه صورت می‌پذیرد، به سبب آن که محتوای آموزشی با توجه به نیاز فراگیران تهیه و تدوین شده و از ساخت-مندی کم‌تری برخوردار است، انگیزه درونی فراگیران را معطوف به خود کرده، آنان با علاقه بیش-تری به این آموزش می‌پردازند.

در یک جمع‌بندی اجمالی، اگر آموزش رسمی و غیررسمی را به لحاظ هدف، تمرکز، زمان، سازمان، میزان انگیزه، شرایط تحقق، میزان تعامل یادگیرنده و یاد دهنده، ارزشیابی، میزان یادگیری، هزینه-بازده و محدودیت‌های فراوو، به شکل تطبیقی بررسی شوند، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

در برابر هدف اخذ مدرک در آموزش رسمی، در آموزش غیررسمی این هدف وجود ندارد.

در برابر تمرکزگرایی موجود در آموزش رسمی، در آموزش غیررسمی این تمرکزگرایی ملاحظه نمی‌شود.

برخلاف زمان طولانی که آموزش رسمی به خود می‌طلبد، آموزش‌های غیررسمی زمان طولانی به خود نمی‌طلبند.

سازمان آموزش رسمی، سازمانی رسمی، سلسله‌مراتبی و مبتنی بر کنترل بیرونی است، حال آن که سازمان آموزش غیررسمی، فاقد رسمیت، سلسله‌مراتب و دارای کنترل درونی و خودکنترلی است. آموزش رسمی از انگیزه‌ای نسبی برخوردار است، در حالی که آموزش غیررسمی، از انگیزه‌ای قابل توجه برخوردار می‌باشد.

آموزش رسمی برای تحقق، نیاز به مدرسه دارد، حال آن که آموزش غیررسمی برای تحقق خود، به مکان خاصی نیاز ندارد.

در آموزش رسمی، تعامل چندانی بین فراگیر و یاد دهنده وجود ندارد، حال آن که آموزش غیررسمی در برنامه‌ریزی و یادگیری، نیازمند تعامل یاد دهنده و یادگیرنده است.

ارزشیابی در آموزش رسمی، به شکل بیرونی و محلی، منطقه‌ای یا ملی انجام می‌پذیرد، اما در آموزش غیررسمی، ارزشیابی درونی و به صورت خودارزیابی است.

میزان یادگیری در آموزش رسمی نسبی است، اما در آموزش غیررسمی، این میزان قابل توجه و عمیق است.

در آموزش رسمی، هزینه زیاد، اما بازده کم است، حال آن که در آموزش غیررسمی، هزینه کم و بازده زیاد است، در مقوله محدودیت‌ها هم، در حالی که آموزش رسمی با برخی از محدودیت‌های قانونی و عرفی روبرو است، آموزش غیررسمی فاقد محدودیت‌های معمول است.

مزایا و جذابیت‌هایی که در آموزش غیررسمی وجود دارد، سبب شده است که برخی از نظریه-پردازان، ادغام دو آموزش رسمی و غیررسمی را در دستور کار خود قرار دهند. ریموند، خاطر نشان می‌سازد، رویکرد برنامه‌های شخصی، مشارکت دادن دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی،

خودیادگیری، اجازه انتخاب موضوع به دانش‌آموزان و موارد مشابه، در نظام آموزش رسمی، تحت تأثیر آموزش‌های غیررسمی، صورت پذیرفته است» (منطقی، ۱۳۹۰ ج).

و در- ویزا و فورتوس^۲ (۲۰۱۱)، گزارش می‌دهند که انگیزه فراگیری علوم در دوران بلوغ دانش‌آموزان کاهش می‌یابد، این پژوهش‌گران در چاره‌یابی واقعیت تلخ کاهش تمایل دانش‌آموزان به مباحث علوم، روی آموزش غیررسمی تأکید کرده، خاطرنشان می‌سازند، با عمده کردن یادگیری غیررسمی که می‌تواند از طریق فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، از جمله تلفن همراه صورت پذیرد، می‌توان بر مشکل اخیر فایق آمد.

بررسی‌های میدانی انجام شده در مدارس ایران دلالت بر آن دارند که در غالب موارد در مدارس آموزش و پرورش، مدارس پنهانی شکل گرفته‌اند که در آن‌ها یادگیری‌های غیررسمی زیادی ملاحظه می‌شود که متأسفانه در غالب موارد چندان مناسب و بهینه نیستند.

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد که نه تنها بحث عمده دانش‌آموزان در مدرسه درباره فراز و فرودهای فضای مجازی است، بلکه برخی از دانش‌آموزان جهت تهیه عکس یا دابسمش برای گذاردن در صفحه شخصی خودشان، پنهانی تلفن همراه خودشان را به مدرسه می‌آورند تا مقاصد خویش را عملی سازند:

«- زمانی که مدرسه می‌رفتی و مدارس حضوری بود، راجع به اینستاگرام با دوستان صحبت می‌کردی؟

آره، مثلاً آیدی‌های هم‌دیگه رو می‌گرفتیم، هم‌دیگه رو فالو می‌کردیم.

- راجع به محتوایی که می‌دیدید هم، با هم صحبت می‌کردین؟

آره، مثلاً راجع به بلاگرا می‌شستیم حرف می‌زدیم، مثلاً من اون موقع کلاس موسیقی می‌رفتم، یه استادی بود گیتار تدریس می‌کرد و از خودش ویدیو می‌داشت، بعد من یه دوستی داشتم که اونم ساز می‌زد و بعد مثلاً راجع به اون حرف می‌زدیم.

- راجع به بلاگرها چه چیزی می‌گفتین؟

مثلاً راجع به زندگی‌هاشون می‌گفتیم، مثلاً این با اون ازدواج کرد یا نمی‌دونم بچه‌اش این طوری شد، فلانی مثلاً با فلانی بهم زد، از این جور چیزا.

- گوشی هم مدرسه می‌بردید که به هم‌دیگه در اینستاگرام چیزی نشون بدین؟

1- Vedder-Weiss, D.

2- Fortus, D.

بعضی وقتا بچه‌ها مثلاً می‌آوردن یواشکی، بعد عکس اینا می‌گرفتن، دابسمش می‌گرفتن از خودشون که بذارن توی اینستا.

- کسی متوجه نمی‌شد؟

معمولاً هوای هم‌دیگه رو داشتن توی کلاس، مگه این که یه نفر توی کلاس آنتن بود، مثلاً می‌رفت لو می‌داد، ولی معمولاً کسایی که می‌آوردن اون‌قدر گنده بودن که اون آنتن بترسه از اون طرف.

- منظورت از گنده بودن چی هست؟

یعنی مثلاً برای خودشون کسی بودن، می‌ترسیدن بچه‌ها که مثلاً برن چیزی بگن، مثلاً می‌ترسیدن از بعدش، مثلاً یهو خفت‌شون می‌کردن.

- چه طوری؟

مثلاً یه گوشه گیرشون می‌آوردن و تهدیدشون می‌کردن.

- چه تهدیدی؟

مثلاً تهدید می‌کردن یه بلایی سرت میارم و اینا، بعد مثلاً طرف اصن جرأت نمی‌کرد حرف بزنه». راد ۱۶ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، از اثرپذیری روابط اجتماعی و بیان دانش‌آموزان مدارس از فضای مجازی و اینستا، به قرار زیر یاد کرده است:

«من بیش‌تر آهنگای تتلو رو گوش دادم، حتی بدتریناش رو، مثل خانوم وزیری، ولی روی من به اون شدت تأثیری نداشته، گفتم شده از فحش استفاده کنم، ولی به جاش، این اصلاً ربطی به آهنگ و خواننده مورد علاقه‌ام نداره.

- یعنی آهنگ‌هایی مثل آهنگ‌های تتلو تأثیری توی حرف‌هایی که می‌زنی نداره؟

آره، ربط دادنش به آهنگ و فیلم و خواننده مسخره است، این چیزیه که الان هستش، بین هم‌سنای من و همه با هم راحتیم و به جاش استفاده می‌کنیم.

- به جاش استفاده می‌کنید، یعنی چی؟

یعنی من با مامانم یه جور صحبت می‌کنم، با دوستانم یه جور دیگه، اصطلاحاتی که پیش رفیق صمیمی استفاده می‌کنم، هیچ وقت جلو مامانم این‌طوری صحبت نمی‌کنم.

- این اصطلاحاتی که توی جمع دوستان تون به کار می‌برید، می‌تونن یکی، دو موردش رو به من

بگی؟

نمی‌شه گفت، مثلاً مؤدبانه بخوام بگم، چیز شرنگو، من به مهبد دوستم می‌گم، چیز شرنگو بشین سر جات، ولی به خونواده بگم بیرونم می‌کنن (می‌خنده).

- این اصطلاحات رو از کجا یاد گرفتین؟

بین صد در صد آهنگ تلو، اصلاً کلیپی که توی اینستا دیدیم تأثیری نداشته، من خودم رو می‌گم بیش تر، بچه نیستم طرف به چیزی می‌گه منم تکرار کنم و ازش تقلید کنم، ولی محیط و جامعه الآن این طوری می‌طلبه و چشم باز می‌کنیم، می‌بینیم توی جامعه همه این طورین با هم، این طوری برخورد می‌کنن، مخصوصاً مدارس امروزی.

- فضای مدارس امروزی چه طوری هست؟

فضاش بد شده، اصلاً نباید بدونن بچه مثبتی و نباید رفتارت اون‌جا با بقیه جاها یکی باشه.

- آگه بفهمند شما بچه مثبتی، رفتار شون با شما چه طوری می‌شه؟

فحشت می‌دن، توام باید متقابلاً فحش بدی، فحش ندی، اونا بیش تر فحشت می‌دن و هر کی بگه نه، من این طوری نیستم، دروغ گفته، آگه با تربیتم باشی، باید با توجه به شرایط، توی مدرسه بذاریش کنار.

- در مدرسه چه طور هست؟

مدرسه جوّش این طوری بود که باید بخوری تا خورده نشی، توی اینستا می‌تونن جواب ندی، ایگنور کنی، ولی در مدرسه و جامعه باید جواب بدی. مثلاً آگه توی اینستا به استوری می‌ذاری، من پام رو دراز کردم، می‌گن چه قدر بی‌شخصیت و تباهه، ولی توی مدرسه و جامعه باید گرگ باشی، توی مدرسه و جمع دوستا که هر چی پات رو دراز کنی و فحش بدی، نمی‌گن بی‌شخصیته، کلی هم باهات حال می‌کنن».

ضروری ندانستن تحصیل و طی دوره آموزش عمومی

فضای مجازی موجب تحول‌های روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی، زیباشناختی گسترده‌ای بوده است که برخی از این تحول‌آفرینی‌ها واجد ابعاد مثبت و برخی واجد ابعاد منفی هستند.

ایجاد فرصت و عرصه برای تجارت الکترونیک، یکی از مزایای سایه‌گستر شدن فضای مجازی است، از سوی دیگر الگو قرار گرفتن افراد نامناسب وجه دیگری از گسترش فضای مجازی است که از نقشی منفی برخوردار است.

بررسی‌های میدانی انجام شده دلالت بر آن دارد که گاه دانش آموزان ۱۵-۱۴ ساله به صورت حاشیه-ای (نظیر ادمین شدن در پیج فروش تولیدهای هنری مادر) و به صورت مستقیم وارد تجارت الکترونیک شده، دست به کسب سود و درآمد می‌زنند.

افراد اخیر بعضاً در مصاحبه‌های خود از صرف وقت اوقات آزاد و درسی خود برای تجارت و فروش الکترونیکی کالاهایی که گرد آورده اند، یاد کرده، خاطرنشان می‌سازند که ضرورت خاصی برای تحصیل قایل نیستند، زیرا به پولی که مطلوب طبعشان بوده است، دست یافته اند! دانش آموزان دیگری با ملاحظه درآمدهای کلان بلاگرها و شاخ‌های مجازی، به صرافت افتاده اند، همچون این افراد، با افزایش فالورهای خودشان به جایی برسند که بتوانند در صفحه خودشان تبلیغات مختلف را گرفته و به این ترتیب به پول دست یابند.

در حالت اخیر تعداد بیش‌تری از جوانان مصاحبه شده، از کنار نهادن تحصیل و تلاش برای افزایش هواداران (فالورهای) خویش دفاع می‌کنند و می‌گویند تا با تهیه تصاویر مختلف از خودشان (و به نمایش نهادن اندام و بدن‌شان)، کلیپ‌های پارکی، دابسمش، رقص و یا عهده‌دار شدن بلاگری در زمینه‌های مانند زیبایی، تعداد هواداران خویش را افزایش بدهند و مثلاً به جایی برسند که همچون دنیا جهان‌بخت از هر پست تبلیغاتی که برای دیگران می‌گذارند، ۵۰۰۰ دلار دریافت دارند!

جذابیت‌های پول از سویی و بدون استفاده و غیر کاربردی بودن بسیاری از کتاب‌های درسی از سوی دیگر، کار را به جایی می‌رساند که هم افراد کارآفرین یا کسانی که با تجارت الکترونیک به کسب سود نایل آمده اند و هم کسانی که با رفتارهای نه‌چندان متعارف و شاخ‌بازی، در صدد جذب هوادار بیش‌تر و بیش‌تر برای کسب پول تبلیغات هستند، دل به فعالیت‌های خود در جهت تجارت یا متوجه کردن چشم دیگران به سوی خود ببندند و نسبت به درس خواندن و طی آموزش‌های عمومی از خود تمایلی نشان ندهند.

نازنین زهرای ۲۴ ساله و مهشید ۱۶ ساله، مصادیقی از هر دو گروه پیش‌گفته را به معرض دید نهاده اند. نازنین زهرا در مصاحبه‌اش از دانش‌آموزانی یاد می‌کند که با کسب پول از تجارت الکترونیک خویش، نسبت به مدرسه و درس بی‌علاقه شده اند و مهشید ۱۶ ساله، از جوانانی یاد می‌کند که با جذب هوادار در اشکال مختلف، دیگر نیازی به درس خواندن در خودشان احساس نمی‌کنند.

«البته یه چیزی که من جدیداً دیدم توی دبیرستانیا و به خصوص پسرها رایج شده، اینه که این دو سال آموزش مجازی از طریق اینستا به کسب و کاری راه انداختن، مزه پول رفته زیر دندون‌شون و عموماً

بیش ترشون می‌خوان ترک تحصیل کنن و بچسبن به همین کار مجازی‌شون، این از اثرات بدیه که اینستا در این زمینه داشته. توی این سن چون هنوز هدف از درس خوندن برای بیش تر بچه‌ها مشخص نیست، دقیقاً نمی‌دونن از خودشون و آینده‌شون چی می‌خوان و یه جور ی انگار درس خوندن براشون حالت اجبار داره، از اون طرف هم از افرادی که درس نخوندن و توی اینستا شهرت و ثروت به دست آوردن زیاده، افراد تحت تأثیر اون‌ها قرار می‌گیرند و درس و مدرسه رو ممکنه ترک کنند».

«- به نظرت نمی‌شه از طریق ادامه تحصیل و کار کردن به پول رسید؟

مگه همه باید با درس خوندن به پول و شغل و امکانات برسن، کی گفته؟

همین کیودی پای 'فوق دیپلم دامپزشکی داشت، ولی درسش رو ول کرد و رفت، شش سال پیش از بلاگری شروع کرد و بعد یوتیوبر شد و خیلی خیلی معروف شد و از همین راه درآمد داشت، چند وقت که گذشت به خاطر تحریم‌های یوتیوب و گوگل برای کاربرای ایرانی، به مشکل خورد».



تنزل دید زیست محیطی کاربران

شبکه اجتماعی اینستاگرام در ارتقاء و کاهش دید زیست محیطی کاربران مؤثر است. به این معنا که برخی از کاربران که از نیاتی انسانی برخوردارند، در مواجهه با بعضی از مشکلات زیست محیطی، از این مشکلات آگاهی یافته و برای رفع مشکلات اخیر و حفظ بیش از پیش زیست محیط، تحریک و ترغیب می‌گردند. اما کاربرانی که بیش تر از آن که معطوف به دیگران باشند، معطوف به هوا و هوس خودشان هستند و در معادلات زندگی‌شان، آنچه اولویت اول را دارد، ارضای نفسانیات خودشان است، اینستا با عرضه انبوهی از کالاها در برابر آنان و یا با دامن زدن به شکم‌پرستی و مدگرایی مخاطبان و یا با تبلیغ لذت بردن از نگهداری حیوان‌ها در محیط زندگی خویش (که کاری

^۱ - کیان سولقانی ملقب به کیودی پای یوتیوبر موفق ایرانی است که با تولید محتوای فان و گیمینگ با توجه به سلیقه مخاطبان‌ش، به موفقیت‌های زیادی رسیده است.

ضدزیست محیطی است)، مخاطبان خود را نسبت به موارد اخیر تشویق کرده، در عمل رفتارهای ضدزیست محیطی آنان را دامن می‌زند.

صبا ۲۲ ساله، در مصاحبه خودش یادآور شده است که وی با دیدن برخی از کالاها در فضای اینستا، ترغیب می‌شود که به خرید آن‌ها پردازد و به این ترتیب مصرف‌گرایی وی فزونی گرفته است:

«- شده تا حالا چیزهایی ببینی که مثلاً قبل‌تر دوست نداشتی یا نیازی بهشون نداشتی، اما بعد از این که توی اینستاگرام دیدی شون، علاقه‌مند شدی اون‌ها رو بخری و داشته باشی؟

آره، من جدیداً یک‌سری اسلایم دیدم توی اینستا، من قبلاً وقتی اسلایم می‌دیدم توی فروشگاه‌ها، می‌گفتم آخه چه کاریه آدم اسلایم بخره، اما توی اینستا کلیپایی هست که دختره اسلایم رو یهو فشار می‌ده و خیلی حس آرامش‌بخشی داره، بعد یک بار رفتم خریدم، البته آنلاین نه، از یک فروشگاه خریدم، خیلی از اسلایم خوشم اومد.

- پس در واقع بعد از اینستاگرام، یک‌سری از خریدهایی که قبلاً نداشتی اضافه شده و یک‌سری کالاهایی که قبلاً سراغشون نمی‌رفتی و نمی‌گرفتی، الآن می‌خری، درسته؟
آره، پیش میاد.»

رضای ۱۸ ساله هم در مصاحبه خودش از خریدهایی یاد می‌کند که احتیاجی به آن‌ها نداشته است و یوسف ۲۱ ساله هم از دامن زده شدن به مصرف‌گرایی بسیاری از افراد کاربر اینستا یاد کرده است:

«- اینستاگرام باعث شده مثلاً چیزی ببینی که لازم نداشتی ولی خریدیش؟
آره، به عنوان مثال یه گردنبد جنس سنگی بود، با این که هیچ علاقه‌ای من به این چیزا ندارم دیدم و خوشم اومد گرفتم یا چیزای دیگه که لازم داشتم به راحتی تونستم بگیرم.»

«- از نظر زیست محیطی به نظرتون اینستاگرام تأثیر مثبتی داشته؟
به نظر من مصرف‌زدگی و مدگرایی رو ایجاد کرده و خب این باعث شده که دیدگاه‌های اقتصادی خیلی بلد بشن و اون تیپ قالب مردم هم اقتصادی خیلی فکر کنن و براشون مهم نباشه، برای زیست محیط چه اتفاقی داره می‌افته و کلاً تشویق می‌کنه قضیه مصرف‌زدگی رو دیگه.»

زهرا ۲۰ ساله هم در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان ساخته است که وی و خواهرش در جریان کاربری از اینستا، با غذاهای متنوعی روبرو شده‌اند و همین امر سبب شده است که آنان در هر وعده

غذایی شان ۳-۴ نوع غذای مختلف را تهیه کنند و به این ترتیب دست به اسراف و اتلاف مواد غذایی بزنند:

«- به نظرت اینستاگرام می‌تونه باعث افزایش فرهنگ لذت‌گرایی بشه؟»

بله، هم لذت‌گرایی و هم مصرف‌گرایی، مثلاً همین لباس خریدن من و خودمم قبولش دارم یا مثلاً یه عادت بدی که برای من و خواهرم ایجاد کرده، غذا خوردنه، دل‌مون غذاهای متنوع می‌خواد، برای همین وقتی می‌خوایم غذا درست کنیم، ۳، ۴ نوع غذا درست می‌کنیم که از هر کدام بتونیم بخوریم و این می‌شه که همیشه زیاد میاد غذا».

برخی از کاربران اینستا، بر مبنای تصورات اشتباه‌شان و یا با هدف کسب پول، مبلغ‌نگهداری حیوانات مختلف در محیط زندگی افراد می‌شوند، حال آن‌که جدا کردن حیوانات از محیط طبیعی زندگی-شان، اسباب آشفتگی روانی آن‌ها را در بردارد، خاصه آن‌که صاحبان حیوانات مختلف، برای رام‌نگه داشتن حیوان‌شان، ممکن است حیوانات خود را عقیم کنند که این امر اختلال‌های جسمانی حیوان را به همراه خواهد داشت.

یکی از کاربران اینستا که دو صفحه تبلیغاتی برای گربه‌اش (به نام لیا) تهیه کرده است، از اقدام ضدزیست محیطی خویش با عنوان اقدامی زیست محیطی، به شرح زیر یاد کرده است:

«- گفتید از زمانی که لیا رو آوردید این پیج رو زدید، چه طور در این مدت زمان کم این قدر پیشرفت داشته و فالور گرفته؟»

همه‌اش به خاطر لیاست، لیا گربه خیلی کیوت و نازیه، ما جهانی هم شدیم، استوری‌هاش میلیونی و یو می‌خوره، فقط یکی از پست‌هاش ۱۵ میلیون بازدید خورده، عکس‌هاش رو بلاگرهای خارجی هم می‌ذارند، معلومه که رشد می‌کنه، تا چند ماه دیگه به ۱۰۰ کا هم می‌رسه.

- چه قدر برای تون اهمیت داره که فالورهای زیادی جذب کنید و پیج‌تون بازدید زیادی بخوره؟
خیلی، من همه‌ی تلاش‌م رو برای این پیج گذاشتم، ساعت‌ها دارم وقت می‌ذارم که محتوای خوب تولید کنم.

- علتش می‌تونه مادی هم باشه؟

هم بحث پوله، هم این‌که خودش فرهنگ‌سازیه، هر چه قدر این بچه‌ها بیش‌تر شناخته بشن، این فرهنگ جا می‌افته.

- به نظر تون سایر بلاگرها چه چیزهایی برای شون مطرح هست؟

پولش، معروفیتش».

رضای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش از عقیم سازی برخی از حیوانات خانگی، به قرار زیر یاد کرده است:

«یه پیچی، دختره گربه‌اش از خونه فرار کرده بود، دختره گریه می کرد استوری می داشت که بچه‌ام رفته، دعا کنید پیداش کنم، بعد حالا گربه چند روز بعد پیداش شد، اومده بود می گفت آره، گربه‌ام چون ماده هست فرار کرده، الان فصل جفت گیریشه، منم نرفتم عقیمش کنم، این جور می شد، حالا فردا می خوام ببرمش. حیوونا رو دارن به خاطر خودشون اذیت می کنن».



نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از اقدام ضدزیست محیطی خودش که نگهداری حیوانات در محیط خانه است، به عنوان اقدامی زیست محیطی یاد کرده و اظهار می‌دارد، در جهت دفاع از حیوانات در کارزارهای مرتبط شرکت می‌کند:

«- بعد شده که تا به حال یک کنش اجتماعی داشته باشی، مثلاً در یک کارزار شرکت کنی؟ آره، کارزار مقابله با منع سگ گردانی بود که می‌خواستن نذارن حیوونا رو ببریم بیرون و اینا، مخصوصاً سگ‌های بیچاره که خب واقعاً تحمل محیط خونه براشون سخته، خب من خیلی به حیوان‌ها علاقه دارم، خودم هم یک پرندۀ کوچولو دارم، این رو من شرکت کردم».

مهشید ۱۶ ساله هم در مصاحبه خودش از تلاش‌های رسانه‌ای و اقدام‌های زیست محیطی مادرش یاد می‌کند که غالباً به سبب فقدان حمایت‌های قانونی لازم، به شکست منجر شده و همین امر سبب شده است که راه‌اندازی کارزارها و اقدام‌های زیست محیطی مادرش را به تمسخر بگیرد:

«- با خانواده‌ات فرصت صحبت کردن و ارتباط رو داری؟

(می‌خندد) من مامان و بابام و برادرم رو اصلاً نمی‌بینم، هر کی توی اتاقشه و مشغول کار خودشه، کسی توی خونه‌ی ما به کار اون یکی کاری نداره خدا رو شکر، همه سرشون توی کار خودشونه، بابام که کلاً نیست و هم‌اش نمایشگاهه، مامانم هم که با دوستاش توی سفر و کویرگردی و

صحراگردی و نجات محیط زیسته، می‌رن آشغالاً رو از محیط زیست جمع می‌کنن تا ایران رو از نابودی نجات بدن.

یه روز کمپین حمایت از حیوانات خانگی راه می‌اندازن، یه روز هم می‌رن خودشون رو می‌بندن به درختای جنگل که جنگل خوارها قطع شون نکنن و ساخت‌مون نساژن، آخرشم یا باید با وثیقه از کلانتری و زندان این شهر و اون شهر درش بیاریم یا میان کتک شون می‌زنن و خفت شون می‌کنن و می‌فرستن شون خونه، (می‌خندد) بی‌کاره دیگه، باید وقتش رو پر کنه بالاخره».

تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان

با گسترش فضای مجازی، در عمل فرصت‌های جدیدی ایجاد شده و پدید آمده است که بهره‌برداری از فضای مجازی جهت گذاشتن اطلاعات مختلف و بهره‌جویی دیگران از این منابع اطلاعاتی، یکی از مهم‌ترین پیامدهای گسترش فضای مجازی است.

تا گذشته‌ای نه چندان دور، منابع مورد نیاز انسان‌ها عمدتاً در کتاب‌ها و نشریات خلاصه شده بودند و حتی موردی مانند تعداد صفحاتی که در یک کشور کپی گرفته می‌شود، از نمادها و شاخص‌های پیشرفت علمی آن کشور شمرده می‌شد، اما با امکانات جدیدی که فضای مجازی به بشر عرضه داشته است، امکان بارگذاری (آپلود) و پیاده‌سازی اطلاعات (دانلود) از فضای مجازی، با کم‌ترین هزینه ممکن که قابل قیاس با هزینه‌های برخورداری از منابع اطلاعاتی در گذشته نیست، تحقق می‌یابند.

اطلاعات و منابع اطلاعاتی موجود در سطح فضای مجازی در یک تقسیم‌بندی کلان‌نگر شامل اطلاعات علمی و غیرعلمی است.

اطلاعات مدون علمی که در شکل عرضه کتاب‌های نشریات و مقالات پی‌دی‌اف و یا بانگ‌های اطلاعاتی جهت اطلاع‌رسانی‌های مختلف در ابعاد مختلف فنی، هنری، ادبی، عمومی و مانند آن در سطح فضای مجازی عرضه شده اند، بعضاً رایگان بوده و یا با هزینه‌های نسبتاً کم، قابل حصول و دسترسی هستند.

هم‌زمان با منابع علمی تعبیه شده در فضای مجازی، صاحبان برخی از مؤسسات جهت معرفی یا فروش تولیدها یا خدمات خویش، اطلاعات لازم در مورد تولیدها و یا خدمات خود را در سطح فضای مجازی بارگذاری کرده اند تا مخاطبان با بررسی این اطلاعات، به خرید تولید یا خدمات آنان (نظیر خدمات مشاوره‌ای، فروش اطلاعات اقتصادی مورد نیاز تولید کنندگان و مانند آن)، اقدام کنند.

البته در این میان فضای مجازی و امکانات گسترده آن مورد توجه ایدئولوگ‌ها نیز واقع شده، آن‌ها نیز کوشیده‌اند تا با بهره‌وری از امکانات فضای مجازی، دست به معرفی و تبلیغ سبک زندگی و ایدئولوژی مورد نظر خودشان برای دیگران بزنند.

افراد اخیر دارای طیف نسبتاً گسترده‌ای هستند و از افرادی که خواهان اعتلای ارزش‌های معنوی و انسانی هستند، شروع شده، به افرادی مانند سلبریتی‌ها و بلاگرها و شاخ‌های مجازی رسیده و از آنجا به افرادی که جهت خودنمایی، تولیدهای بی‌محتوا و احیاناً مبتذل خود را بارگذاری کرده‌اند و در نهایت افرادی نظیر جریان سیاسی داعش و یا جریان فاسد فواحش می‌رسد که آنان نیز برای پیش‌برد اهداف و مقاصد خویش و یا ارتقای کارشان، متوسل به فضای مجازی گردیده‌اند.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده حکایت از آن دارند که بسیاری از کاربران اینستا، با توجه بیش‌تر به منابع غیرعلمی و عمدتاً ارزشی، از منابع اطلاعاتی موجود در فضای مجازی بهره می‌جویند.

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش نشان می‌دهد که از اینستا به عنوان یک مرجع اطلاعاتی و ارزشی سود می‌برد. اظهاراتی نظیر این که «ازدواج مترادف بردگی است»، «زندگی ایده‌آل، داشتن دوست پسر و صرف وقت با او در بیرون است»، «ناتوانی در خرید ماسک‌های صورت برند، اسباب تأسف است»، «مثبت‌اندیشی همان حرف‌های دین را می‌زند» و مانند آن‌ها، برخی از مواردی هستند که رؤیا با تغذیه ارزشی از اینستا آن‌ها را اخذ و درون‌سازی کرده است.

در همین راستا مواردی مانند: کاهش تدریجی حساسیت‌های فرهنگی رؤیا، شکسته شدن قبح برخی از رفتارها در نزد وی، تغییر ذائقه مصرفی رؤیا در جریان سلیقه‌سازی برای وی، مصرف‌گرایی، ایجاد تعارض‌ها و اختلاف‌های خانوادگی، خستگی ذهنی و جسمی در اثر کاربری زیاد رؤیا از اینستا، ترس رؤیا از عقب ماندن از دیگران، انتخاب اندیشه فمینیستی مالکیت فرد بر بدن خویش، توجه زودهنگام به مسایل جنسی، سوق یافتن به سمت عمل‌های جراحی و پیکر تراشی (مثلاً برداشتن چربی اضافی پا و تزریق آن به سینه)، تحقق دینداری در قالب‌های جدید (نظیر کنار نهادن تکالیف دینی و تلاش در جهت خوب بودن تنها)، پذیرش خرافه‌گرایی‌ها توسط رؤیا (مانند اعتقاد به تغییر رنگ چشم با شنیدن یک موسیقی خاص)، از دیگر مصادیقی هستند که رؤیا تحت تأثیر اینستا، آن‌ها را اخذ و در ذهن خویش درون‌سازی کرده و در اندیشه تحقق عینی و عملی آن‌ها برآمده است.

رؤیا در قسمتی از مصاحبه خود بیان می‌دارد:

«- منظورت از این که ازدواج مثل چاله می‌مونه، چی هست؟»

خب بیه کار مسخره هست، چون فقط خودت رو می‌اندازی توی دردسر، باید به یه شخصی پایبند بشی تمام عمر که فکر می‌کنه تو وسیله شخصیش هستی و از همه فامیل و دوست دور می‌شی و هر وقت بخواد، باید در اختیارش باشی یا آگه نخواد، نمی‌تونن بری سر کار.

- کی این موضوع‌ها رو به شما گفته؟

بعضی اوقات که از فک و فامیل می‌شنوم، اما از توی این پیچ‌های مشاوره اینستا هم خوندم و مطمئن شدم که ۹۰ درصد ازدواج‌های امروزی کشکه.

- توی صحبت‌ها از برنامه‌ی منظم روزانه صبحگاهی خودت صحبت کردی، می‌شه بیشتر توضیح بدی؟

شاید خودتون هم توی اینستا دیده باشید، یه سری فیلم که روتین صبح و شب می‌ذاره و می‌تونن از شون الگو بگیرن، مثلاً روتین من اینه که صبحا یه کم ورزش کششی انجام بدم و یک مقدار آرایش کنم و یه قهوه بخورم و شروع کنم به نوشتن برنامه روزانه، شب هم، روتین پوستم رو انجام می‌دم، یعنی ماسک می‌زنم و از این صحبتا.

- این برنامه‌ها چه میزان وقت رو می‌گیره و چه قدر برات هزینه داره؟

در مورد وقت که می‌شه گفت روزی یک ساعت، اما وقتم رو هدر نمی‌ده و به نظرم جز کارای مفید هستش و اما در مورد هزینه هم بستگی داره، مثلاً آگه بخوای یه ماسک طبیعی توی خونه درست کنی، هزینه‌ای نداره، اما آگه بخوای از این مدل گوگولیا که توی فیلماشون هست بخری، کلی پولش می‌شه.

- شما کدوم رو انجام می‌دی؟

اکثراً اقتصادی رفتار می‌کنم، اما خب دلم می‌خواد از اون ماسکایی که توی فیلماشون هست هم استفاده کنم.

- به نظرت این برنامه‌ها تأثیر مثبتی روی زندگیت دارن؟

انجام خود اون کارها آره، اما فیلمایی که می‌گیرن، خیلی از زندگی واقعی من قشنگ‌تره و من هر چی تلاش می‌کنم به اون مدل نزدیک شم، بی‌فایده هست.

- می‌شه بیشتر توضیح بدی، منظورت از قشنگ‌تر چی هست؟

خب بین مثلاً دختره شروع می‌کنه به یادداشت کردن، توی یه دفتر خیلی خوشگل و خاص یا این که شمع‌های خیلی قشنگی داره که روشن می‌کنه، من این چیزها رو ندارم و واسه تهیه‌شون هم پول زیاد

می‌خوام و هم باید بگردم تا توی تهران شاید پیدا کنم یا مثلاً روتین شب می‌ره توی وان از بمب صابون^۱ و کلی لوسیون استفاده می‌کنه، ما که نه وان داریم، نه این همه لوسیون.



- این شرایط باعث می‌شه چه احساسی داشته باشی؟
- من اون کارها رو انجام می‌دم، اما بازم از خودم و شرایطم راضی نیستم و حس می‌کنم باعث می‌شه انگیزه‌ام خیلی ضعیف تر بشه واسه زندگی.
- چرا پیج‌های مربی‌های ورزش رو دنبال می‌کنی؟
- چون مرتبط با رشته خودمه و ازشون چیزای زیادی یاد می‌گیرم، از طرفی هم لذت می‌برم وقتی می‌بینم این همه آدم هیکلای به این خفنی دارن.
- دوست داری شبیه اون‌ها باشی؟
- آره، چرا که نه، اما حالش رو ندارم، واسه همین به فکر عملم.
- بین مربی‌هایی که فالو کردی خارجی هم هست؟
- آره، اتفاقاً تعداد اون‌ها بیش‌تره، چون خانمایی که خارج هستن لباس‌های راحت‌تر می‌پوشن و تو بهتر می‌تونی عضلات بدن‌شون رو ببینی، اما مربی‌های خانم ایران، نهایتاً بتونن یه لباس جذب بپوشن که اونم معلوم نیست اصله یا نه.
- منظورت چی هست؟

۱ - بمب صابونی ترکیبی از صابون و مواد شوینده بدن است که به شکل یه کره درآمده و برای استفاده باید آن را در آب وان و استخر حل کرد.

ایرانیا اون قدر لباس شون پوشیده هست که نمی‌توننی بفهمی، اون سینه یا باسنی که از روی لباس ورزشی این قدر بزرگ و ورزشکاریه، واقعیه یا نه با پد مصنوعی و فتوشاپ و این چیزا ساختنش.

مثلاً می‌بینم یه اکیپ دختر و پسر دور هم جمع شدن بازی می‌کنن و شام می‌خورن، اما من آگه با یه پسر برم بیرون، مامانم می‌کشتم، چه برسه با چندتا پسر دور هم جمع شیم.

- این موضوع مشکل همه‌ی هم‌سن و سال‌های شما هست؟

نه، من دوستای خیلی آزادی دارم که راحت دارن زندگی شون رو می‌کنن و با دوست پسرشون می‌رن شمال و کیش و اون قدر استوری می‌ذارن که خدا می‌دونه، خونواده من مشکل داره.

- چرا وقتی اینستاگرام این قدر باعث آزارت می‌شه، حذفش نمی‌کنی؟

چون اون طوری دیگه خیلی بی‌کار می‌شم و این که درسته که خودم نمی‌تونم انجام بدم، اما شاید یه روز تونستم، مثل بقیه زندگی کنم و اون موقع نمی‌خوام از کسی عقب باشم.

- منظورت از عقب بودن چی هست؟

خب وقتی توی اینستا یه چرخ ساده می‌زنی، می‌فهمی چی مده و چه آهنگی تازه اومده و الان کی کجاست و از این چیزا.

- پس دوست داری از زندگی بقیه سر دربیاری؟

یه جورایی آره.

- چرا؟

که منم سعی کنم مثل اونا خوب زندگی کنم.

- از کجا می‌دونی تظاهر نمی‌کنن؟

خب اونا تظاهر کنن، اما من یاد می‌گیرم، واقعاً اون مدلی زندگی کنم.

- به نظرت چه طور می‌شه از اینستاگرام درست استفاده کرد؟

خیلی راحت، فقط باید روی خودت کنترل داشته باشی که سمت مسایل حاشیه و چیزایی که اذیت می‌کنه نری و پیج‌هایی رو دنبال کنی که محتوای درستی دارن، مثل پیج‌های مشاوره و مثبت اندیشی و این چیزا.

- شما به مثبت اندیشی اعتقاد داری؟

بله.

- از چه طریقی با اون آشنا شدی؟

اینستاگرام و تلگرام.

- مثبت اندیشی دقیقاً یعنی چی و چه پایه‌های اعتقادی داره؟

اتفاقاً مثبت اندیشی دقیقاً همون حرف خدا و پیامبران رو می‌زنه، اما به زبون دیگه و به نظرم مثبت اندیشی باعث می‌شه به دین نزدیک بشی، چون واقعیت‌های دین رو می‌گه و ظواهری که شاید دیگه قابل قبول نباشه رو می‌ذاره کنار.

- مثلاً چه ظواهری؟

مثلاً مثبت اندیشی می‌گه نماز خیلی خوبه، چون نوعی مدیتیشن هستش و واسه همین خدا گفته ۵ بار در روز انجامش بدیم و دلیل این که گفتن اذان صبح نماز بخونیم، به خاطر این که اون تایم انرژی زمین خیلی زیاده و ما وقتی بیدار بشیم، اون انرژی رو دریافت می‌کنیم».

مریم ۱۹ ساله، در گزارشی مشابه رؤیا، در مصاحبه خویش پس از نقد ضعف الگودزدی در داخل و بیان عدم ارضای هیجان‌جویی مطلوب طبع نوجوانان و جوانان و طرح نقدهای خویش به خط‌مشی‌های سیاسی کشور، از جایگزینی تدریجی اینترنت و ماهواره به جای رسانه‌های داخلی سخن گفته است و در گذر کاربری از این رسانه‌ها با تأثیرپذیری از انبوه منابع ارزشی ارایه شده غربی (از سلب‌ریتی‌ها گرفته تا بلاگرها و اینفلوئنسرها)، رفته‌رفته به اخذ ارزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری و خدا پنداشتن پول، اخذ ارزش‌های فرهنگی (نظیر کاهش حساسیت در برابر سکس و خشونت)، اجتماعی، عقیدتی و زیباشناختی غرب نایل آمده است.

نرگس ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش، از اخذ سبک زندگی از منابع ارزشی موجود در اینستا یاد کرده است:

«- خوب به من بگو که آیا اینستاگرام شده باعث هنجارشکنی هم بشه؟»

نمی‌دونم، این هنجارشکنی محسوب می‌شه یا نه، ولی خب یه چیز خیلی خوب که داشت اینه که جنسیت‌زدایی کرد، یعنی لایف استایل^۱ یعنی از مو گرفته تا لباس، به هر حال متفاوت و خب این جنسیت‌زدگی که این تیپ مال دختر است و این تیپ مال پسر است، تا حد زیادی برداشته شده خدا رو شکر، چه اشکالی داره اگر یک پسر دلش بخواد گوشواره گوشش کنه؟ یا یک دختر دلش بخواد تا دیروقت بیرون باشه، بدون این که لقب بدی بگیره؟ این نقطه مثبته که آدم‌ها اگر قبلاً نمی‌تونستن یک نقطه‌هایی از وجود، شخصیت و تیپ‌شون رو نشون بدن، الآن دیگه می‌تونن».

^۱- Life Style

زهرای ۲۰ ساله، از منظری نسبتاً متفاوت، بیان می‌دارد، او برای پیش‌برد اهداف اقتصادی خودش، از مخاطبان خود در فضای مجازی به صورت یک منبع اطلاعاتی سود برده، با اخذ دیدگاه‌ها و آرای آنان به کارش جهت می‌بخشد:

«- بیش‌تر چه مطالبی رو توی اینستاگرام به اشتراک می‌گذاری؟

قبلاً فقط چیزای خنده‌دار و طنز و مطالب مربوط به سلبریتی‌ها و آهنگ‌های خارجی رو شیر می‌کردم، اما الان جدیداً شروع کردم کارای خودم رو، مثلاً طراحی لباس‌هام رو استوری و پست می‌کنم که نظرات بقیه رو هم درباره‌اش بشنوم. خیلی‌ها نظرات خیلی خوبی می‌دن، مثلاً این که این لباس چنین رنگی داشت بهتر بود یا فلان چیز فلان طور بود و بهتر می‌شد و همین باعث می‌شه که کارم خیلی بهتر بشه و پیشرفت کنم».

تغییر مرجع فرهنگی کاربران از خانواده، مدرسه و جامعه به اینستاگرام (و فضای مجازی)

جامعه به افراد خویش به مثابه سرمایه‌های خود می‌نگرد و می‌کوشد تا با نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارهای مورد پذیرش خود، این ارزش‌ها و هنجارها را در اذهان اقشار مختلف اجتماعی از کودکان و نوجوانان و جوانان گرفته تا افراد میان سال و سالمند نهادینه کند.

جامعه در جریان جامعه‌پذیر کردن شهروندان، با اتکاء به خانواده، مدرسه، رسانه‌های خویش و مانند آن‌ها، نهادینه‌سازی ارزش‌های خویش در ذهن شهروندان را محقق کرده، آنان با اخذ ارزش‌های جامعه‌شان، خود را موظف به پاسداری از آن ارزش‌ها و هنجارها می‌بینند، بالطبع با بروز تردید و اشکال در هر زمینه‌ای، شهروندان با مراجعه به منابع ارزشی خود جامعه، به رفع اشکال‌ها و تردیدهای پیش آمده اهتمام می‌ورزند.

با تحقق جهانی شدن، جهان حاضر تبدیل به دهکده‌ای شده است که مردم در آن به سادگی از اطلاعات و اخباری که در جهان‌شان رخ می‌دهد، اطلاع می‌یابند. اما باید نسبت به این مسأله آگاهی داشت که در این دهکده جدید، بالادهی‌ها و پایین‌دهی‌ها وجود دارند، بالادهی‌هایی که فناوری‌های برتر از آن‌ها است و پایین‌دهی‌هایی که فاقد فناوری‌های برتر هستند. بالطبع در شرایط جدید جهانی، بالادهی‌ها به سادگی می‌توانند با اتکاء به فناوری‌های پیشرفته خویش، القائات ارزشی خود را به پایین‌دهی‌ها ارایه کرده، در روند جامعه‌پذیری آنان که مبتنی بر ارزش‌های بومی خود آنان بوده است، اختلال ایجاد کند.

بررسی‌های انجام شده در سطح جمعیت پاسخ دهنده در تحقیق، دلالت بر آن دارد که کاربران مصاحبه شده، بر تأثیر غیرقابل کتمان اینستا بر نظام ارزشی و هنجاری خویش صحنه نهاده، از کنار نهادن نسبی ارزش‌های خویش در برابر ارزش‌هایی که اینستا به طرح آن‌ها می‌پردازد، یاد کرده‌اند. نسترن ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش، شبکه اجتماعی اینستا را نسبت به شبکه‌های اجتماعی دیگر برتر دانسته، اثرگذاری آن را در مجموعه شبکه‌های اجتماعی موجود فراتر می‌داند:

«- بین این همه اپلیکیشن مثل توییتر، یوتیوب، تلگرام و نظایر اون‌ها، چرا اینستاگرام رو انتخاب کردی؟»

خب اینستاگرام قضیه‌اش با بقیه فرق داره، یک جورایی مادر بقیه اپلیکیشن‌ها محسوب می‌شه، به قول شاعر هر چه همه خوبان با هم دارند، تو یک‌جا داری.

- مثلاً؟! -

مثلاً این که تلگرام برای پیام‌رسانی هست که خب اینستا دایرکتش این امکان رو بهمون می‌ده یا واتساپ تماس تصویری‌هاش خوبه که اینستاگرام خدایی تماس تصویری‌ش کیفیتش بهتر از واتساپه، بعدش هم لایو می‌تونن بگیرن که بقیه آپ‌ها همچین ویژگی رو ندارند! تو می‌تونن پست بگذاری، چه عکس و چه ویدیو، تازه هم کامنت می‌تونن بگذاری درباره اون پست و هم لایک کنی و مهم‌تر از همه درآمد داره که واتساپ کلاً نداره و تلگرام هم قبل فیلتر، داشت یک کارایی می‌کرد که اون هم منتفی شد، راستی فالور هم داری.»

الناز ۲۴ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، از اینستا به عنوان یک منبع اطلاعاتی و ارزشی عظیم یاد می‌کند که نیاز کاربران به مراجعه به دیگر منابع موجود را مرتفع کرده است:

«- این اطلاعات رو نمی‌شد از منبع دیگری غیر از اینستاگرام به دست آورد؟»

می‌شه از طریق کتاب و مقاله‌ها به دست بیاریم، ولی در حد متن کوتاه و معرفی، به نظرم همه چیز داره اینستا، کافیه فقط سرچ کنی، بعدش اگر علاقه داشتی می‌تونن بری دنبالش.»

کوثر ۲۴ ساله، در بیانات خود از تأثیر اینستا بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و از بین رفتن تفاوت‌های قومی که زیبایی‌های خاص خویش را داشتند، یاد می‌کند:

«- آیا اینستاگرام اثر دیگه‌ای بر ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه داشته؟»

نمی‌دونم این ربطی به هنجار و ارزش‌ها داره یا نه، اما قبل از رواج اینستا اثرگذاری و اثرپذیری رفتار مردم محدود به جامعه و قوم و شهری بود که در اون زندگی می‌کردن، تفاوت‌های قومی قشنگی

وجود داشت، مثلاً هر قوم نوع لهجه و لباس مربوط به خودش رو داشت، اما این گستردگی تعاملات باعث شده مردم خودشون رو به هم شبیه کنند و اون تفاوت‌ها از بین رفته. از یک جهت به خاطر یک پارچگی بین مردم خوبه، اما از جهت این که مردم هنجارها و رفتارهاشون رو از روی هم کپی کردن، بده، دلیلش اینه که قبلاً مردم ارزش‌ها و هنجارهای زندگی‌شون رو از اطرافیان‌شون و خانواده‌ها و دیگه نهایتاً مدرسه و هم‌سالان می‌گرفتند، ولی با اومدن شبکه‌های مجازی و اینستا این شبکه بزرگ‌تر شده».

مریم ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، به صراحت بیان می‌دارد که وی مدهای پوششی خویش را از سلبریتی‌هایی اخذ می‌کند که غالباً متعلق به آن سوی آب هستند:

«- توی لباس‌هایی هم که باهاشون از خودت پست و استوری می‌گذاری، شده بوده یا شده که از کسی الگو بگیری؟

نه که از هر کسی الگو بگیرم، ولی یه پیجایی هستن در مورد مد لباس و استایل هستن، اونا رو زیاد دنبال می‌کنم، استایل مورد علاقه‌ام هم کژواله، این جور تیپ می‌زنم، همیشه بعد توی اون پیجا می‌بینم چه چیزایی مد شدن، عکسش رو سیو می‌کنم، می‌رم می‌خرمش.



- چه جور شد که با این استایلی که می‌گی آشنا شدی؟

یکی از همین پیجایی که گفتم، چندتا پست گذاشته بود در مورد استایل‌های مختلف، مثل گرانچ و کلاسیک و همین کژوال، از بین همه‌شون کژوال دقیقاً سلیقه منه، لباسای راحت اصلاً زرق و برق ندارن، ولی خلیلیم قشنگن.



- بعد اشخاص معروفی هم می‌شناسی که از این استایل پیروی کنن و شما تلاش کنی مثل اون‌ها بشی؟

از بازیگرای خودمون نازنین بیاتی، واقعاً خوش‌تیپه به نظرم، یه پستی هم بود در مورد استایل‌های مختلفش، همه‌ی لباساش قشنگ بودن، از شون اسکرین شات گرفتم.

- اون استایلش همین کژوالیه که گفتی؟

آره، بیش‌تر وقتا، ولی یه وقتایی کلاسیک هم می‌پوشه.

- دوستان شما چه طور، توشون کسانی هستن که از اشخاص دیگه‌ای الگو بگیرن؟

توی لباسایی که توی خیابون می‌پوشن که مثل من هستن، ولی همه‌مون توی استایلامون برای مهمونی‌ها یا چیزای دیگه از سلبریتی‌های هالیوودی که دنبال می‌کنیم، الگو می‌گیریم، مثلاً دوستم عاشق لباسای تیلور سویفت، همه چیش رو دوست داره، خود من یکی از لباسای آریانا گراند رو سیو کردم که اگر یه مراسمی پیش اومد، بدم بدوزن برام، مدل موهاش که همیشه دم‌اسبی می‌بنده رو هم خیلی دوست دارم.





- در شکل‌گیری این طرز تفکر شما، اینستاگرام چه تأثیری داشته؟
اینستاگرام نبود که اصلاً این چیزا رو نمی‌فهمیدیم که... مامان بزرگم می‌گه تا قبل این که ماهواره و این گوشیا بیاد، ما فکر می‌کردیم آخوندا خدا هستن.

- مگه توی اینستاگرام چه خبره که شما می‌فهمید آخوندها خدا نیستن؟
مثلاً فیلمای سخنرانی‌هاشون رو که می‌بینم، بعضی حرف‌هاشون خیلی مسخره است، فیلمای گشت ارشاد رو که می‌بینم، دخترارو می‌زنن، آخوندا توی خیابون راه می‌افتن دنبال کسایی که حجاب‌شون خوب نیست، بهشون زور می‌گن، می‌گن باید روسریت رو سرت کنی، آرامش مردم رو گرفتن با دین زوری».

امیرحسین ۱۹ ساله، در بیانات خویش از دیدن فیلم‌های مختلف غربی یاد کرده است که دید جدیدی برای وی به ارمغان آورده اند:

«- فیلم و سریال می‌بینی؟

بله، خیلی زیاد.

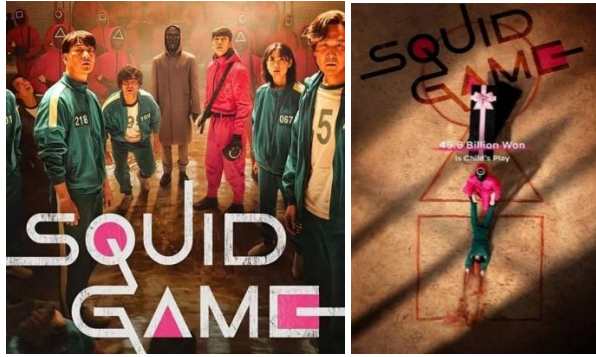
- اینستاگرام چه تأثیری روی فیلم دیدنت گذاشته؟

خیلییی، خب قطعاً هر سریالی رو که نمی‌بینم و هر سری یه فیلمی یهو خیلی زیاد معروف می‌شه و همه جا حرف از اون سریال می‌شه، باعث می‌شه من تصمیم بگیرم ببینم یا نه و علاوه بر اون توی اینستا زمان پخش انواع فیلم و سریالای جدید و فصل‌های جدید اونا مشخص می‌شه.

- مثال می‌زنی؟

یه سریالی الان خیلی معروف شده و توی اکسپلور فقط پره از اسم این سریال، به اسم بازی مرکب که یا نمی‌دونم راجبش فکت نوشتن یا کلیپ و میکس و یا از طرف داراش نوشتن. من تصمیم گرفتم کارام یه کم سبک شد حتماً ببینم این سریال رو، خوب اگه اینستا نبود، من با این سریال جدید آشنا نمی‌شدم و برام این قدر جالب نمی‌شد، چون الان همه جا حرف از اون خب! یه سریال کره‌ایه و من تا

حالا توی عمرم سریال کره‌ای ندیدم، ولی فقط یه بار یه فیلم کره‌ای دیدم، ولی این حجم از استقبال من رو وادار کرده که بشینم کفش رو بینم.



بعد فصل جدید سریال مانی هیست رو از اینستا فهمیدم که اومده.



همین طور فصل ۶ پیکو بلاینדרز رو به همین روش فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عاااشق پیکو بلاینדרز شدم توی همین اینستا. وقتی فصلای اولش رو دیدم، خوشم اومد ازش، البته نه به این شدت، بعد کلی سرچ کردم و پیج واقعی بازیگراش رو پیدا کردم، بعد پیج خود سریال و بعد هم

طرف‌داراش. خلاصه بعد یه چند روز اکسپلورم زیاد میکس این سریال می‌اومد، من عاشق اون تام شلبی شدم که همیشه یه اورکت بلند پوشیده بود و سیگار می‌کشید.



- چیز دیگه‌ای هم هست؟

آها آره، فکت هم راجع به سریال زیاد پیدا می‌شه توی اینستاگرام و من واقعاً عاشقشم. مثلاً توی فکتای سریال پیکی بلایندرز تعداد سیگارای تامی رو نوشته بود، این رو نوشته بود که همه سیگارایی که توی سریال کشیده گیاهی بوده، در حالی که ما توی تمام لحظات فکر می‌کردیم داره سیگار واقعی می‌کشه یا فکت راجع به سریال لوسیفر که جدید هم اومده تقریباً، این بود که با این که توی خیلی از سکانس‌ها که سیگار دست لوسیفره، اما هیچ‌وقت نشون نداده که واقعاً بکشه، همیشه مثلاً اون لحظه یه اتفاقی می‌افته. بعد سریال ریوردریل و ماریان رو هم از طریق اینستا باهاشون آشنا شدم.



و تنها کاری که الآن می‌تونم بکنم و عذاب وجدان نگیرم، برای این که کاری غیر از تولید محتوا دارم می‌کنم، اینه که می‌تونم با دوستانم توی بحثا شرکت کنم و راجع بهشون حرف بزنینم. چون یه چیزی که خیلی زیاد پخش می‌شه و همه جا ردش رو می‌بینیم، این طوره که اگه تو نبینی همون حس عقب موندگی همیشگی رو می‌ده».

آرشام ۲۳ ساله نیز اینستا را در تغییر عقاید سیاسی و عقیدتی خویش مؤثر دانسته، در مصاحبه‌اش خاطر نشان ساخته است که از این پس وی به اینستا به عنوان منبع و مرجع عقاید سیاسی و مذهبی خویش می‌نگرد:

«- عقاید سیاسی و مذهبیت بعد از کاربری از اینستاگرام تغییری کرد؟

بله، صد در صد تغییر کرده، من عقاید سیاسی و هم چنین مذهبی که داشتم بعد از اینستا دگرگون شد، یعنی یه چیز کاملاً مقابلش شد، هم از لحاظ سیاسی و هم مذهبی، می‌تونم بگم تأثیر مستقیم این فضای مجازی بوده، فضای مجازی یه خوبی که داشت این بود که خیلی از حقایق رو روشن کرد، خیلی از مطالبی که سانسور می‌شد، خیلی از مطالبی که به ما گفته نمی‌شد از طریق فضای مجازی گفته شد و بعضی وقتا ما رو به فکر فرو برد، از جمله حرفای سیاسی و مذهبی.

- می‌تونی مصداقی به من بگی؟

مثلاً در مورد بعضی از احادیث، تحلیل می‌کردن بعضی از اونا رو و می‌گفتن ببینید، چه قدر با عقل جور درنمیاد.

- تو می‌رفتی توی کتاب‌ها در مورد اون احادیث تحقیق کنی؟

خیر.

- پس به اینستاگرام اکتفا می‌کردی؟

بله».

غزاله ۲۰ ساله، برخلاف مصاحبه شونده‌گان قبلی که هر یک تنها بر یک بُعد از اثرپذیری خویش از منابع اطلاعاتی و ارزشی اینستا تأکید داشتند، در مصاحبه خویش از اثرپذیری‌های متعدد خود از اینستا، از اخذ نظام ارزشی گرفته تا کنار نهادن حجاب خویش، کاربری از ادبیات هرزه‌نگار، ایجاد روابط عاشقانه با جنس مخالف و برندپوشی و مانند آن‌ها یاد کرده است.

غزاله در مصاحبه خویش در عمل نشان می‌دهد که مرجع فرهنگی وی از خانواده و مدرسه و جامعه به اینستا تغییر کرده است. غزاله در قسمتی از مصاحبه خود به صراحت بیان می‌دارد مسایلی نظیر

کنار نهادن حجاب، دیدن فیلم‌های هرزه‌نگار، برقراری روابط عاشقانه با پسران، خرید لباس‌های برند، شیک پوشی و نظایر آن‌ها را از شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسرهای اینستا اخذ کرده است:

«خود من هم با دیدن زندگی‌های خیلی لذت‌بخش اینفلوئنسرها، نتیجه می‌گیرم که فقط همین زندگی رو داریم و باید از اون لذت ببریم...»

بیا فرض رو به این بگذاریم که اون دنیای ماوراء طبیعی که ازش این همه حرف زده شده، وجود نداشته باشه و اگه ما تمام عمرمون به زندگی ساده و بدون هیچ لذتی داشته باشیم و بمیریم، واقعاً اون موقع پشیمون می‌شیم، پس خیلی بهتره که الان از زندگی خودمون لذت ببریم. من نمی‌گم خیلی بی‌بند و بار رفتار کنیم یا خیلی آزادانه هر کاری دل‌مون خواست انجام بدیم، ولی حداقل هر چیزی به نظرم یک بار امتحان کردنش واقعاً خوبه.

- مثلاً چه چیزهایی رو امتحان کنیم؟

غذاهای گرون، رفتن به هتل‌های شیک، لباس‌های مارک و برند خریدن، رابطه‌های عاشقانه و اینا.

- شما خودت این‌ها رو امتحان کردی؟

خیلی رو آره، ولی یک‌سری رو نه هنوز.

- این نظرت تا چه اندازه به استفاده از اینستاگرام مربوط می‌شه؟

آشنایی ما با محیط‌های لاکچری از طریق فضای مجازی و اینستاگرامه دیگه، قبل از این که توی اینستا هتل‌های خیلی مجلل یا لباس‌های برند رو ببینیم و بشناسیم، تقریباً اطلاع دقیقی ازشون نداشتیم، شنیده بودیم یا توی تلویزیون به کم با اون رو به رو شده بودیم، ولی به صورت گسترده، فقط اینستا ما رو با اون مواجه کرد و هم چنین جرأت این که بریم بعضی‌هاشون رو تجربه کنیم، مثل روابط عاشقانه رو از طریق اینستا به دست آوردیم...»

من حتی تا یک سال بعد از نصب اینستا، هم چنان به نظرم روابط دختر و پسر بد بودن و وقتی به پست‌هایی که در اون جنس مخالف خیلی بهم نزدیک بودن و هم رو می‌بوسیدند می‌رسیدم، احساس گناه و حس عذاب وجدان داشتم، اما بعد کم‌کم برام عادی شد و دیگه حس بدی نداشتم و حتی ازشون خوشم می‌اومد و سریع نمی‌زدم بره...»

- آیا وقت‌های دیگه‌ای هم بوده که موقع حضور در اینستاگرام عذاب وجدان داشته باشی؟

بله، خیلی زیاد، به مدت بود که بدون اطلاع خانواده از اینستاگرام استفاده می‌کردم و همین باعث می‌شد که احساس کنم کار اشتباهی دارم انجام می‌دم یا مثلاً وقتی که امتحان دارم و می‌شینم پای اینستا، وقتم رو هدر می‌دم و هی عذاب وجدان این رو دارم که چرا درس نمی‌خونم یا قبلاً کوچیک‌تر

که بودم، بعضی وقت‌ها با چیزایی توی اینستا روبه‌رو می‌شدم که دیدنش با اعتقاداتم جور در نمی‌اومد، مثلاً یه سری فیلم‌های نامناسب می‌دیدم یا رمان‌های نامناسب می‌خوندم و اعتقاد داشتم که نباید این کار رو انجام بدم و به خاطر همین خیلی اذیت می‌شدم که آخرش باید چیزی که می‌خوام انجام بدم، یه چیزی که فکر می‌کنم درسته، ولی بعد کم‌کم متوجه شدم که خیلی از چیزهایی که فکر می‌کنیم نادرسته، به خاطر القائات خانواده و جامعه بوده و به خودی خودشون اشتباه نیستند و البته استفاده نادرستم هم از فضای مجازی و اینستا کم‌تر شد و دیگه چنین مشکلاتی برام پیش نیومد.

- به نظرت استفاده از اینستاگرام تونسته باعث ایجاد فرهنگ لذت‌گرایی در شما بشه؟

بله، خیلی زیاد، مثلاً تبلیغاتی که انجام می‌شه، چه خواسته یا ناخواسته روی تو و دیگران اثر می‌ذاره. نمونه ساده همین اینفلوئنسرهایی که محتواهای طنز می‌سازند، اون‌ها برای درآمدزایی مجبور به تبلیغ هستند و به خاطر همین، انواع مختلفی از وسایل و لباس و... رو تبلیغ می‌کنند و مردم هم به سمت خرید اون‌ها کشیده می‌شن که خود من هم همین‌طور هستم یا مثلاً به شکل غیرمستقیم با نشون دادن زندگی‌های خیلی لذت‌بخش خودشون، یه جورایی به مردم القا می‌شه که فقط همین زندگی رو داریم و باید از اون لذت ببریم، خود من وقتی که چنین چیزهایی رو می‌بینم، قطعاً زندگی رو ساده‌تر می‌گیرم و دیگه مثل مامان و باباهامون که خیلی زندگی رو سخت می‌گرفتند و روی اعتقاداتشون خیلی سخت‌گیری می‌کردند، زندگی رو سخت نمی‌گیرم.

- منظورت از ساده گرفتن زندگی چی هست؟

این که حتماً مطابق با چیزی که قانون جامعه بهمون می‌گه رفتار کنیم، گفتن چادر بیوش، پس می‌پوشم، گفتن نماز بخون، پس می‌خونم، ما دیگه خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نمی‌کنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، و گرنه، نه... .

من یک زمانی وقتی فیلم‌های پورن می‌دیدم یا این که گاهی عکس‌هایی که حجاب نداشتن، از خودم می‌داشتم یا با پسرا صحبت می‌کردم، خانواده این‌ها رو خیلی اشتباه و بد و نامناسب می‌دونست و اون اوایل من واقعاً دچار دوگانگی شده بودم، نمی‌دونستم این درسته یا اون، از یه طرف اعتقادات خانواده رو داشتم، از طرفی هم حس کنجکاویم مجبورم می‌کرد این‌ها رو ببینم و یا مثلاً دوست‌هام می‌گفتند، دوتا عکس از خودت بذار توی پیجت یا می‌رفتیم خونه‌ی هم و بدون حجاب زیادی عکس می‌گرفتند و استوری می‌داشتند و منم باید خودم رو شبیه‌شون می‌کردم، البته حرفم این نیست که کار اشتباهیه و نباید انجام می‌دادم، اما به هر حال اون زمان بین اعتقاداتم و رفتارم، دوگانگی زیادی وجود داشت... .

خانواده من تاحدی مذهبی هستند و منم تا ۵، ۶ سال پیش آدم محجبه‌ای بودم، اما کم کم به نظرم اومد که چه اشکالی داره، من هم شبیه اکثریت جامعه باشم و شیک بگردم و یا حتی از ایران برم که بتونم آزادانه زندگی کنم.

- فکر می‌کنی علت این مسأله چی بوده؟

خب این سبک زندگی اکثر شاخ‌های مجازی و اینفلوئنسرهای اینستا هست و وقتی من می‌بینم شون، ناخودآگاه تحت تأثیر جذابیت‌های سبک زندگی لاکچری شون قرار می‌گیرم و دلم می‌خواد شبیه اون‌ها باشم و اعتقادات مذهبی کمی هم که داشتم، کنار می‌ره. یه جورى انگار قبلاً منبع اعتقادات و ارزش هامون خانواده بوده، اما حالا اینستا و کلاً فضای مجازی جایگزینش شده».

تجربه غزاله، بیانگر تحول ارزشی عمیقی است که در جامعه در حال وقوع است و در روند آن، مرجعیت ارزشی نوجوانان و جوانان از خانه و مدرسه و جامعه به مرجعیت فضای مجازی و اینستا در حال تغییر است.

تغییر در منابع اخذ ارزش‌ها، تحول مهمی است که سبک زندگی کاربران را از سبک زندگی تکلیف-مدار که به طور

معمول در جامعه به افراد القا می‌شد، به سبک زندگی لذت‌مدار و فردگرا که مبتنی بر فلسفه اومانیستی غرب است، تغییر می‌دهد.

دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم

جهان سرمایه‌داری در پی فروش بیش‌تر و در نتیجه کسب سود بیش‌تر و هر چه بیش‌تر، نه تنها به تبلیغات متوسل می‌گردد، بلکه می‌کوشد تا با عملیات روانی روی شهروندان، آنان را نسبت به مصرف بیش از پیش توجیه کند.

یکی از ترفندهای دستگاه‌های تبلیغاتی نظام سرمایه‌داری، ارایه دورنمای مخدوشی از زن غربی است، به این معنا که بررسی‌های علمی انجام شده دلالت بر آن دارند که دستگاه‌های تبلیغاتی غرب در هیاهوی تبلیغاتی خویش، زنی را به عنوان زن استاندارد غربی مطرح می‌سازد که وزنی به مراتب کم‌تر از میانگین وزنی زن غربی دارد (لوسکیو، ۲۰۰۷). اقدام اخیر سبب می‌شود، اکثریت قریب به اتفاق زنان غربی در مواجهه با این اطلاعات نادرست، وزن طبیعی خویش را زیاد پنداشته، در مواجهه با الگوهای کاذب ارایه شده به خویش، اعتماد به نفس خودش را از دست بدهد.

زن غربی با از دست دادن اعتماد به نفسش در هیاهوی رسانه‌ای، مستعد آن می‌شود که نسبت به هر نوع تبلیغاتی که وی را به سطح زن ایده‌آل مطرح شده در رسانه‌ها نزدیک کند، پذیرش نشان داده، طبق آن‌ها عمل کند. به تعبیر دیگر ترفند رسانه‌ای غرب در مواجهه با زنان این دیار، سبب می‌شود، بسیاری از زنان غربی یا در اندیشه گرفتن رژیم و کاهش وزن خویش بیفتند و یا به دنبال عمل‌های جراحی زیبایی خویش باشند و یا آن که حداقل با پیروی از انواع مدها و مصرف وسایل آرایشی گسترده، خود را به استانداردهای تعریف شده زیبایی توسط تبلیغات و مدل‌هایی که به صورت مکمل تبلیغات عمل می‌کنند، در آورند.

اگر چه تبلیغات اخیر بیش‌تر زنان را مورد توجه خود قرار داده اند، اما مردان نیز از آسیب تبلیغات اخیر به دور و برحذر نمانده، آنان نیز در مواجهه با مردان قوی هیکل و با اندام‌های عضلانی، در اندیشه این می‌افتند که عضلانی کردن بدن و به نمایش نهادن سیکس پک خودشان، بهترین راه تحقق و جامه عمل پوشاندن به تمایلات نفسانی خودشان است و البته در این میان مسأله پناه جستن افراد به جراحی‌های زیبایی و مد و مدگرایی و نظایر آن‌ها هم به عنوان مکمل آنچه لذت‌گرایی آنان را بیش از پیش تضمین می‌کند، مطرح می‌شود.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، می‌تواند ذیل عنوان کلی دامن زده شدن به فرهنگ مبتنی بر جسم مدنظر قرار گیرد.

از آنجا که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن، به طور عمده تسلیم ارزش‌های فرهنگی موطن خودشان که غرب است، هستند، بنابراین در شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام باید انتظار طرح ارزش‌های مادی و مبتنی بر لذات جسمانی را داشت.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق بیانگر آن است که اقشار قابل تأملی از این جمعیت در تلاش برای تحقق زیبایی تبلیغ شده در فضای اینستا، به دنبال عمل جراحی زیبایی خود برآمده، یا تابعیت از مد و مدگرایی به دنبال رساندن خویش به استانداردهای زیبایی مطرح شده برآمده اند و یا حداقل کوشیده اند تا با استفاده از افکت‌های مختلف، تصویری ایده‌آل‌تر از خود پردازش کنند. به همین ترتیب برخی از افراد در پی تحقق لذات هر چه بیش‌تر خویش در این میان، به استقبال از تفریحات لاکچری، لذت بردن از لذایذ جنسی به هر طریق ممکن و یا ترضیه نسبی خویش در سایت‌های هرزه‌نگار اقدام ورزیده اند.

زهرای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد بیان می‌کند که اعتماد به نفس وی با دیدن افراد زیبا در فضای مجازی کاستی یافته است:

«- توی حرف‌ها گفتی که همون طور که دیدن پست‌های مربوط به غذا شما رو نسبت به غذاهایی که همیشه می‌خوردی دل زده کرد، دیدن سلبریتی‌ها هم باعث می‌شه حس بدی به خودت داشته باشی، می‌شه درباره‌اش توضیح بدی؟

آره. بین خانوم‌ها توی اینستا خیلی خوشگل هستن، پوست‌شون صافه، شکم‌شون تخته، هیکل خیلی خوبی دارن، از خواب که بیدار می‌شن، استوری می‌ذارن، خیلی خوبند، اما من کلاً به مقدار هیکلم فرق داره، تپلم، پوستم زیاد سفید نیست، موهام فره و بعد از این که ۱۰ ساعت شونه می‌کشم، بازم اون جووری که به‌سری موهاشون هست نمی‌شه، وقتی که آدم‌های خیلی خوش هیکل و خوشگل رو توی فضای مجازی و اینستا آدم می‌بینم، با خودم می‌گم این‌ها چه رمزی می‌زنند که این قدر خوشگل و خوب ان، چرا ما این جووری نیستیم. البته می‌دونم که خیلی‌هاشون با فیلتر و آرایش این جووری هستن، اما بازم باعث می‌شه که من نسبت به هیکل خودم و قیافه خودم احساس خوبی نداشته باشم و اعتماد به نفسم پایین بیاد و حس کنم زشتم، البته قبلاً بیش‌تر بود، الآن کم شده».

نرگس ۲۰ ساله هم در بیانات خویش تأکید ورزیده است که وی با دیدن یک بلاگر، به تردید در زیبایی خویش افتاده است.

«- اینستا توی موارد زیباشناختی چه تأثیراتی داشته؟

روی خود من خیلی تأثیر واضحی نداشته، چون کلاً از توی قالب رفتن بدم میاد، تنها چیزی که توی خودم احساس کردم این بود که... (می‌خندد)، خب من بعد از دیدن صبا بیوتی، خیلی رفته توی مخم که دندونام رو کامپوزیت یا لمینت کنم، یعنی قبلاً این قدر روی مخم نبود، اما الآن حس می‌کنم وای چه قدر کجه چه قدر زرده، خیلی دلم می‌خواد این کار رو انجام بدم».



زهرای ۲۰ ساله، در فراز دیگری از مصاحبه خویش دست به اعتراف مهمی زده است و آن استقبال نسل جوان از جراحی‌های زیبایی است، وی در گزارش خویش تأیید می‌کند که حداقل ۳۰ نفر از دوستان وی دست به عمل جراحی زیبایی بینی خویش زده‌اند تا به این ترتیب با استانداردهای زیبایی مطرح شده در رسانه‌ها همخوانی بیش‌تری پیدا کنند:

«- به نظرت اینستاگرام چه اثرات فرهنگی روی شما داشته؟»

به نظر من بزرگ‌ترین اثر فرهنگی اینستاگرام روی من و کلاً روی مردم جامعه، این بود که با وجود این‌که اینستا یکی از قصدهایی که داره‌ینه که خودمون باشیم، بزم سعی داره به آدم‌ها القا کنه که باید به بهترین وجه خودشون رو نشون بدن و چهره شما فقط با آرایش قشنگه یا بدن‌تون در حالی تأیید می‌شه که چنین فرمی داشته باشه و خودتون زشتید و برید آرایش کنید و عمل زیبایی انجام بدید تا من توی فضای خودم، بهتون اجازه رشد بدم و مردم رو با هم توی رقابت انداخته. خیلی‌ها تحت تأثیر همین مسایل آرایش یا عمل زیبایی انجام می‌دن، من کنکورم رو که دادم و بعد رفتم دوره‌می با دوست‌هام، حدود ۳۰ نفر بینی‌هاشون رو عمل کرده بودند و آرایش هم که دیگه همه دارند، حتی خود من.»

ترانه ۱۵ ساله هم در مصاحبه خود با اذعان به این‌که امروزه هر کسی که عمل زیبایی انجام داده باشد، لاکچری‌تر به شمار می‌رود، به‌التهابی که جامعه در اثر هیاهوی تبلیغات رسانه‌ای اسیر آن شده است، اشاره دارد:

«- تا به حال برایت پیش اومده که کسی رو در اینستاگرام ببینی و بعد ترغیب به عمل زیبایی شده باشی؟

مثلاً یه ویدیو می‌بینم، طرف لباس خیلی خوشگل و بزرگه، دماغش خیلی خوشگله، بعد مثلاً اینا رو می‌بینم، به خودم می‌گم، ای کاش منم صورتم این شکلی بود و وقتی بزرگ تر شدم، دوست دارم که عمل کنم تا شبیه اونا خوشگل بشم.

- دوستان خودت هم دوست دارن که عمل زیبایی انجام بدن؟
آره، خیلی‌ها این شکلی شدن الان دیگه، این که عملی باشی الان لاکچری تره، حتی اونایی که عمل اینا می‌کنن، فالوراشون هم بیش تر می‌ره و کلاً بیش تر توی چشم هستن».

در سطحی دیگه، کاربران مصاحبه شده اینستاگرام پناه جستن به فیلترهای مختلف موجود در فضای مجازی را پیشه خویش کرده اند تا در جریان به نمایش نهادن تصاویر خویش در فضای مجازی، خود را نزدیک تر به الگوهای ارایه شده در فضای مجازی و مطلوب تر از آنچه هستند، در معرض دید دیگران بگذارند. زینب ۲۰ ساله، در همین ارتباط بیان می‌داشت:

«- خوب مگه ظاهر معمولی افراد چه ایرادی داره؟
ایراد که زیاده، هر کسی هر چه قدر هم خوشگل باشه، یکی دو تا ایراد توی صورتش پیدا می‌شه، فیلتر هم همین ایرادا رو برطرف می‌کنه، خب کی از خوشگلی بدش میاد؟
- خوب به نظرت استفاده از فیلتر یک جورهایی فریب کاری نیست؟
خب چرا، ولی وقتی همه این کار رو می‌کنن، عیبی نداره.

- خوب یعنی شما می‌گی یک کار اشتباه رو آگه همه انجام بدن، دیگه اشتباه نیست؟
اشتباه هست، ولی دیگه کسی پاک نمونده که تفاوتی بین مردم بشه گذاشت، تو همه رو با یه چشم می‌بینی، انگار دوباره همه صفر می‌شن.

- به نظرت چرا طی چند سال اخیر استفاده از فیلتر این قدر زیاد شده؟
خب هنرمندا و کلاً آدم‌های پول‌دار یا می‌رفتن آتلیه و با کلی فتوشاپ عکس می‌گرفتن یا عمل جراحی می‌کردن، خب همه که پول این کارا رو ندارن، اکثر اپلیکیشن‌هایی که فیلتر اضافه می‌کنن هم رایگان هستن، بدون این که لازم باشه پول خرج کنی، عکس خوب می‌گیری، این طوری اعتماد به نفس آدم هم بالا می‌ره».

ریحانه ۱۸ ساله، در اظهارات خویش تأکید می‌کند، وی به دنبال افکت دادن به تصاویر خودش، در گرداب افکت افتاده است. ترانه ۱۵ ساله هم که همواره با فیلتر عکس می‌گیرد، خاطرنشان کرده

است که آرزو داشت، چهره واقعی وی همان گونه بود که فیلتر و افکت وی را آن گونه به نمایش می‌نهد:

«- چندتا فالور داری؟

خیلی نیستن، نزدیک ۲۰۰.

- صفحه‌ات خصوصیه یا عمومی؟

خصوصیه، خیلی حالا عکسام خوبه، عمومی هم کنم ببینن.

- چرا؟

خب من عکسام خیلی معمولیه، واقعاً خیلی ژست و اینا مثل دوستم بلد نیستم.

- یعنی اصلاً عکس نمی‌گذاری؟

چرا می‌ذارم، ولی خب کیفیتش معمولیه دیگه.

- افکت هم می‌دی؟

یه درصد فک کن افکت ندم، همین طوری که داغونم، کیفیت عکسامم بد هست، دیگه افکت ندم چی می‌مونه.

- با افکت‌های خود اینستاگرام هم عکس می‌گیری؟

آره، یه سریاش خیلی خوب بینی رو کوچیک می‌کنه و قیافه‌ات رو خیلی بهتر می‌کنه.

- از اندامت هم ناراضی هستی؟

نه، اندامم خوبه خدا رو شکر، باشگاهم می‌رم یه وقت چاق نشم و همینی که هستم بمونم.

- چاق شدن بده؟

نه که بخوام توهین کنما به کسی که چاقه، ولی خب واقعاً از ریخت می‌اندازه آدم رو، بعدم خب وقتی چاق باشی، مسخره‌ات می‌کنن، با چاق شدن اعتماد به نفست رو از دست می‌دی انگار، بعدم توی اینستا بلاگرا رو که می‌بینی همه شون خوش هیکل ان، اگر بین شون کسی چاق باشه هم، سعی در لاغری داره».

«- فکر می‌کنی چرا در اینستاگرام از فیلتر زیاد استفاده می‌شه؟

چون اعتماد به نفس شون کمه به نظرم و دوست دارن خوشگل باشن.

- خودت هم از فیلتر استفاده می‌کنی؟

آره، برای این که پوستم صاف تر باشه و جوشام معلوم نشه، کلاً این فیلترها مثلاً آدم رو خیلی خوشگل می‌کنه، من مثلاً بعضی وقتا این جوریم که کاشکی شبیه همین فیلترها بودم».
تبعیت از مدگرایی، اقدام دیگری است که برخی از کاربران مصاحبه شده اینستاگرام از آن یاد کرده اند.

زهرای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌کند، وی پس از آن که دست به کاربری از اینستا زده است، روی اندام و لباس پوشیدن خودش حساس شده است:
«گفتی توی اینستاگرام فیلم‌های مختلف رو دنبال می‌کنی، اینستاگرام روی سلیقه‌ات در فیلم و سریال هم اثری داشته؟

آره، قبلاً فیلم‌های ایرانی و همین تلویزیون رو می‌دیدم و حتی ماهواره هم نداشتیم که فیلم خارجی بینم، اما وقتی اینستا رو نصب کردم با فیلم و سریال‌های مختلف خارجی آشنا شدم و تیکه‌هایی از شون رو می‌دیدم و خوشم می‌اومد و می‌رفتم دانلود می‌کردم و کلاً سلیقه موسیقی و فیلمم تغییر کرد و الان بیش تر آهنگ و فیلم‌های خارجی دنبال می‌کنم.

- چرا؟

تنوع بیش تری دارند، من به فیلم‌های زندگی نامه‌ای علاقه بیش تری دارم و فیلم‌های زندگی نامه‌ای ایرانی بیش تر درباره شهدا و این هاست و اصلاً جذاب نیستند، در حالی که فیلم‌های زندگی نامه‌ای خارجی، متنوعه و زندگی واقعی شخص رو و پستی و بلندی‌های زندگی رو نشون داده و جذابیت گرافیکی و موضوعی داره، فقط توی جنگ و شهید شدن و فداکاری خلاصه نشده و کلاً محتوای به درد بخوری ساخته شده.

- آیا علایق شما نسبت به قبل از اینستاگرام تغییری کرده؟

صد البته، اینستاگرام سلیقه موسیقی من رو عوض کرد، شروع کردم فیلم بینم یا مثلاً به چیزهایی مثل مدل لباس رو من خیلی بهش اهمیتی نمی‌دادم و شاید اصلاً برام مهم نبود که چی بپوشم، همین که لباس بپوشم کافی بود، اما بعد از استفاده از اینستاگرام، بیش تر روی مدل‌ها و لباس پوشیدنم حساس شدم، بیش تر روی هیکلم حساس شدم و انگار آدم ناخودآگاه وارد این جریان می‌شه که بقیه این - جوری اند، پس من باید این جوری باشم».

نسیم ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌کند که اطلاعات وی پس از کاربری از اینستا در مورد مقوله مد و مدگرایی ارتقاء یافته است. به همین ترتیب مریم ۱۹ ساله، اعتراف می‌کند که از صفر تا صد لباس پوشیدنش را از فضای مجازی الهام می‌گیرد:

«- خوب گفتمی که پیج‌های لباس هم زیاد دنبال می‌کنی؟
آره.

- برای خرید؟

شاپ خرید که هست، ولی معمولاً فقط سیوشون می‌کنم، نمی‌خرم.

- چه نوع لباس‌هایی رو برداشت می‌کنی؟

پالتو و پافر الان که فصل سرماست، لباس مجلسی.

- سلیقه‌ات بعد از دنبال کردن پیج‌های لباس، توی پسندیدن لباس فرق کرده؟

آره، بالاخره که تأثیر که دارن، مثلاً قبلاً نمی‌دونستیم پافر چیه، هودی چیه، الان می‌دونیم چی اند، می‌خریم، می‌پوشیم‌شون».

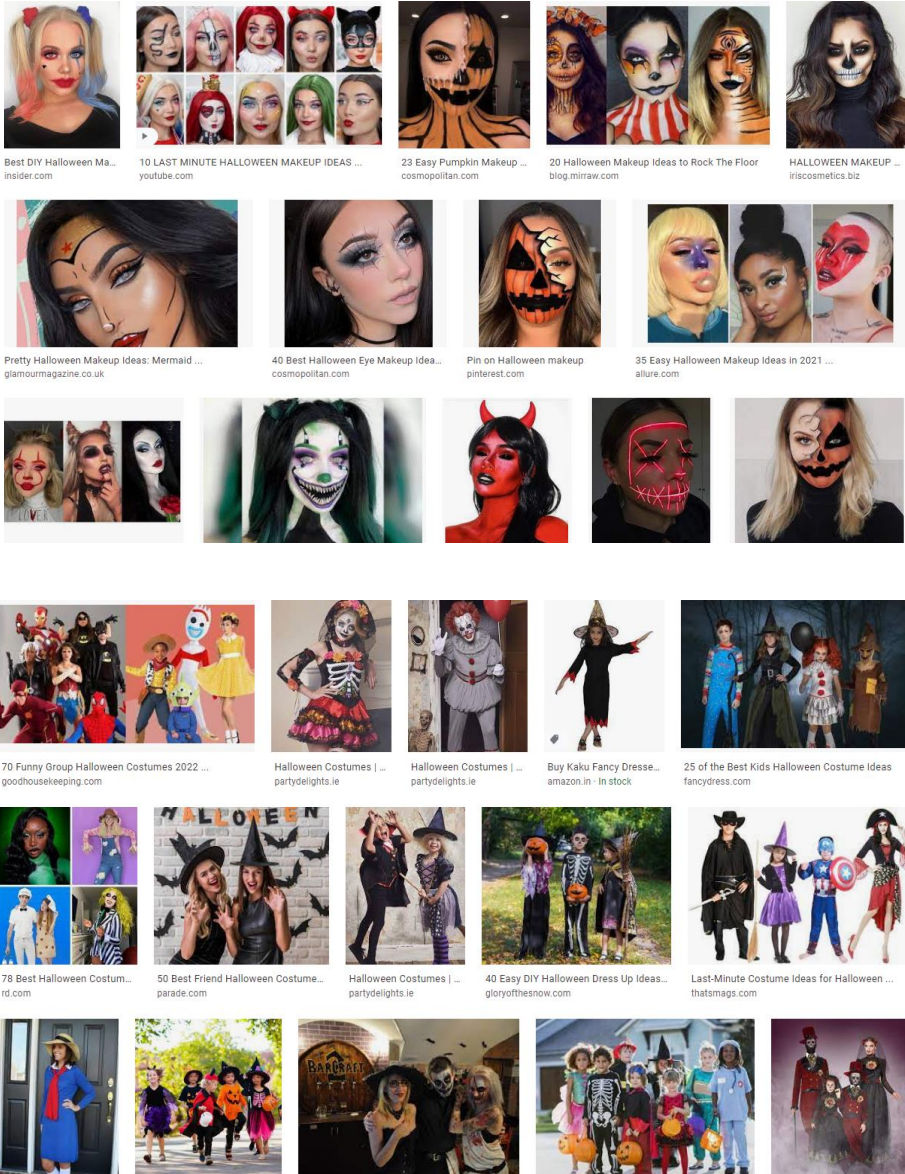
«- خوب این بلاگرهایی که گفتی فالو می‌کنی، مثلاً چه جور می‌هستن؟

بیش‌تر بلاگرهای آرایشی اند، آیدی‌هاشونم اگه بخواید می‌گم یکی شون که صدف بیوتیه، علاوه بر این که آرایش یاد می‌ده، هر لوازم آرایش جدیدی که میاد رو آنباکسینگ می‌کنه، از مسافرت‌هاش هم ولاگ می‌ذاره، یکی دیگه‌شونم رها شهبازی، اون بیش‌تر لوازم بهداشتی معرفی می‌کنه.



- شما شده که از این‌ها الگو بگیری و خودت رو آرایش کنی؟

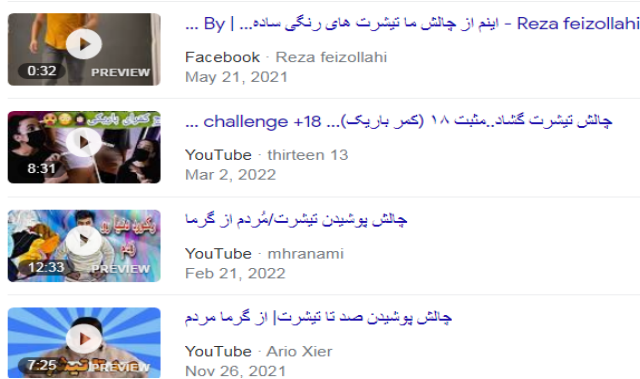
آره دیگه، صدف برای مناسبت‌های مختلفم آرایش می‌ذاره، الان نزدیک هالووینه، کلی گریم ترسناک آموزش می‌ده، با همین لوازم آرایش معمولی می‌شه انجام داد، پارسال هم از روی یکی از ویدیوهای شب یلداش آرایش کردم، برای شب یلدا، بعد اونم مثل من لاغره، برا همین لباسایی که می‌پوشه، اکثراً به منم میان، از لباساشم ایده می‌گیرم».



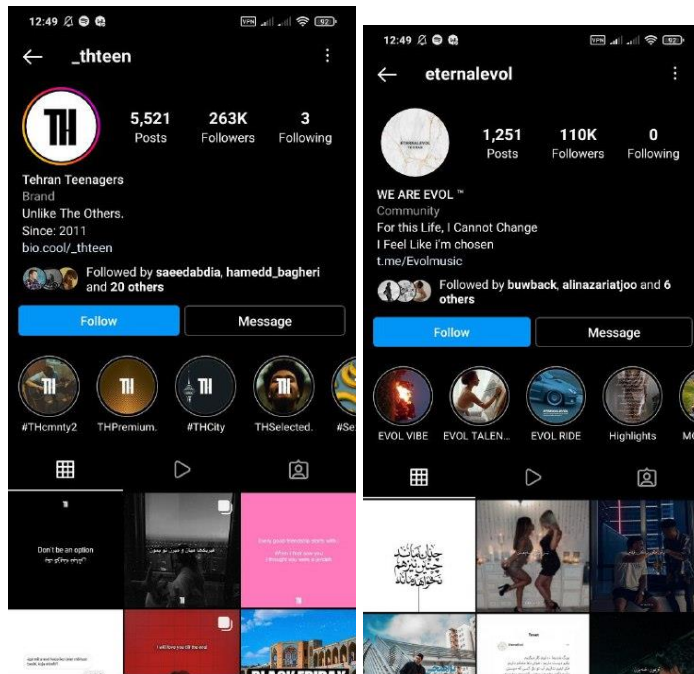
گذشته از تلاش افراد برای جذاب‌تر نشان دادن بیش از پیش خویش، از آنجا که لذت بردن در دستور کار انسان اومانیستی و انسان مورد توجه اینستا است، باید انتظار استقبال اقشار قابل توجهی از کاربران اینستا از این مقوله را داشت.

پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش از تفریحات لاکچری خود و شرکت در چالش‌های هوسناک مطرح شده در اینستا خبر می‌دهد:

«- پس بقیه دوستان چه طوری اون چالش‌ها رو می‌گذارن تو پیج‌شون؟
اونام مهم نیس برایشون یه چالش سخته یا آسونه، اگر انجامش بدن سریع می‌گذارنش. چالشایی مثل تیشرت و باگزی بانی هم خودشون نمی‌گذارن پیج‌شون، بعضی پیجا هستن که می‌دن اونام می‌گذارن.»



- چه پیج‌هایی می‌گذارن؟
بعضی پیجا مثل THTEEN و اترنال ایوولو.



- این‌ها چه پیج‌هایی هست؟

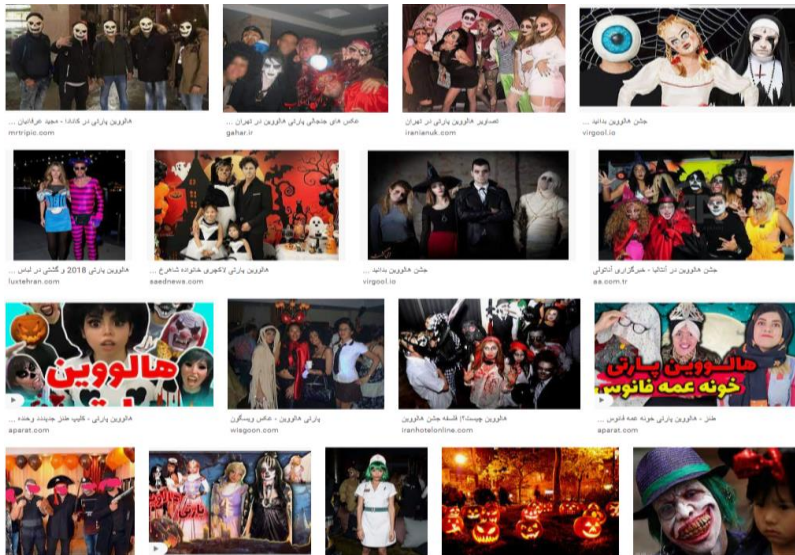
این‌ها پیج‌هایی هستند که نوجونا و جوونا عکسای خودشون، تفریحات‌شون، خوش‌گذرونی‌هاشون رو می‌فرستن و اینا استوری می‌کنن. عکساشون هم همیشه لاکچریه. بعضی وقتا هم چالش می‌گذارن مثل تیشرت و باگز بانی و می‌گن ویدیوی چالشاتون رو بفرستین. هر شهری یه پیج داره برای خودش. مثلاً THTEEN مال تهرانه.

- دلت می‌خواد عکس بفرستی؟

آره، اگر عکس خوبی داشته باشم حتماً.

- مثلاً تفریحات‌شون چیه؟

دختر و پسر پارتنی می‌گیرن و می‌رقصن. هالووین پارتنی می‌گیرن. می‌رن کویر. کلی مشروب و آبجو دارن که ازشون عکس می‌گیرن.



- تو هم دوست داری از این تفریحات انجام بدی؟

آره، خیلی دوست دارم.

- دوست‌هات تفریحات این طوری دارن و عکس می‌فرستن؟

فقط یکی شون آره. خیلی پولدارن. دو هفته پیشم هالووین پارتنی گرفته بود تو خونه خودشون و کلی عکس گذاشته بود.

- هالووین پارتی چیه؟

یه نوع جشنه که همه باید یه سری لباس خاص بپوشن که معمولی نیست و تقلید از یه شخصیت خاصه. مثلاً یکی مثل خون آشام گریم می کنه و لباس می پوشه یکی مثل اسپایدرمن.



تصاویر هالووین پارتی در تهران



- تو هم دوست داری بری هالووین پارتی؟

قبلاً دوست نداشتم، اما الآن عکساش رو دیدم، دوست دارم یه بار برم بینم چه طوریه؟»
یوسف ۲۱ ساله، از فالو کردن صفحات هرزننگار توسط خودش یاد کرده و مه‌لقای ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش از سایت‌های هرزننگاری یاد می‌کند که زنان با دادن شماره کارت و دریافت مبلغ مورد نظرشان، اندام خویش را برای کاربران متقاضی، در اشکال مختلف، به نمایش می‌نهند:

«الآن توی این فضا بحث بی‌پروایی جنسی هست و میم‌هایی که مد شده، الآن که همون ترول‌های سابق هستن دیگه و این‌ها زیاد شده و بچه‌ها حالا گاهی شروع می‌کنن به درست کردن میم‌ها و تولید محتواهای این شکلی می‌کنن، یه سری‌ها هم این‌ها رو دنبال می‌کنن و اون قضیه بی‌پروایی جنسی‌ای

که داشتم می‌گفتم، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم، حالا الان یه ذره کم‌تر، قبلاً بیش‌تر».

«- توی مصاحبه قبلی راجع به این گفتم که یک فردی بازیگر فیلم بزرگ‌سال هست، منظورت از فیلم بزرگ‌سال چه فیلمی هست؟

همین فیلمایی که ۱۸+ هستن دیگه.

- از کجا راجع بهش می‌دونی؟

همین اینستاگرام و... یا مثلاً حتی لایوش رو می‌رن بعضی جاها.

- چه طوری، توی چه برنامه‌ای؟

توی bigo live ایرانیا که هستن، بعضی زنا میان لایو می‌رن، می‌گن اگه واقعاً می‌خوان تصویر بدمن رو ببینید، به این شماره پیام بدید، شماره کارت بدن. و یا نمی‌دونما، ولی من امگال سرچ کردم توی گوگل، بعد vpn روشن باید باشه، یه قسمتی داره زیر صفحه اجازه دسترسی می‌دی، بعد برات همه فیلما رو میاره که لایو هستن، ولی دقیق نمی‌دونم، اما من دیدم خارجی بودن، ولی توی bigo live ایرانی و خارجی هستن».

مجموعه آنچه به اجمال از آن یاد شد، شایسته نام‌گذاری با عنوان استقبال از فرهنگ مبتنی بر جسم است.

گسست ارزشی و فرهنگی

کاربری از فضای مجازی و خاصه شبکه تصویر محور اینستاگرام، برخی از تحولات مهم را رقم می‌زنند. تغییر نسبی منابع اخذ ارزش و به دنبال آن تغییرات رفتاری کاربران، از جمله مهم‌ترین تحولاتی هستند که در جریان کاربری از فضای مجازی، خاصه کاربری میان مدت و طولانی مدت، رخ می‌دهد.

یکی از عوامل مؤثر در تحول‌های ارزشی کاربران، ایجاد تزلزل در اعتقادات دینی کاربران و نفی اعتقادات آنان، و ارایه جایگزین بی‌اعتقادی یا اعتقادات خرافی (نظیر فنگ‌شویی) است.

اثرگذاری ارزشی سلبریتی‌ها، بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، عامل مهم دیگری است که کاربران اینستا در جریان کاربری خویش از این شبکه اجتماعی با آن مواجه بوده و از آن اثرپذیری دارند.

کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های آن سوی آب که غالباً مبلغ اومانیسیم و لذت‌مداری انسان هستند، از دیگر عوامل مؤثر در تحول‌آفرینی ارزشی و به تبع آن رفتاری کاربران اینستا به شمار می‌روند. تبلیغات گسترده در فضای مجازی درباره صور مختلف حیات جنسی آدمی و دفاع از روابطی که در طول تاریخ بشری انحرافی قلمداد می‌شدند، ضمن اثرگذاری در یکی از جدی‌ترین عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی کاربران، موجب پدیدآیی تحول‌های دیگری در زندگی فردی و اجتماعی کاربران فضای مجازی و اینستا است که نفی ازدواج و سطحی شدن روابط عاطفی و عاشقانه دو جنس، در این زمره می‌گنجد.

هم‌زمان با طرح ضرورت پذیرش صور مختلف حیات جنسی آدمی، تبلیغ مصرف مواد دخانی (از سیگار گرفته تا مواد مخدر سنتی و صنعتی) و مواد الکی، در اشکال مستقیم و غیرمستقیم در فضای مجازی مشاهده می‌شود که کاربران با مبادرت ورزیدن به این دست از رفتارها نیز در عمل تغییرات رفتاری و ارزشی قابل توجهی را در خودشان پدید آورده و رقم می‌زنند.

ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی مطرح در اینستاگرام، محدود به مواردی مانند ایجاد تردید در اعتقادات دینی و ارایه جایگزین‌های خرافی به جای آن‌ها، اثرگذاری سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی، اثرگذاری فیلم‌ها، پویانمایی‌ها و سریال‌ها، فشار تبلیغاتی دال بر حمایت از اقلیت جنسی و نفی زندگی خانوادگی و استقبال از روابط کوتاه مدت، جذابیت بخشیدن به سوء مصرف مواد نیست و گسترده آن را باید در موارد دیگری مانند تبلیغ شرط‌بندی و قمار، شرکت در چالش‌های مختلف (که غالباً متبذل بوده، فرد را به ابتذال نزدیک می‌کنند)، کاربری از رقص و موسیقی‌های محرک، انواع مد و مدگرایی و تبلیغات حول مسأله زیبایی و تغییر استانداردهای زیبایی افراد نیز سراغ گرفت.

مجموعه مواردی که عنوان آن‌ها تا اینجا مطرح شد، کاربران اینستا، خاصه کاربران نوجوان و جوان آن را تحت تأثیر خود قرار داده، تحولات ارزشی و فرهنگی قابل توجهی را در آن‌ها پدید می‌آورد که این تغییرات هم به سهم خود فاصله نسل نوجوان و جوان از نسل بزرگ‌سال را بیش‌تر و بیش‌تر کرده، گسست نسلی قابل توجهی را بین آنان و اولیای‌شان پدید می‌آورد.

در ادامه، با استناد به مصاحبه‌های انجام شده، از عوامل پیش‌گفته که هر یک به سهم خود در تحولات ارزشی کاربران که به گسست نسلی و فرهنگی آنان می‌انجامد، یاد خواهد شد.

رؤیای ۱۶ ساله، در مصاحبه خویش از اثر اینستا در رنگ باختن اعتقاداتش به شرح زیر یاد کرده است:

«من به دین به اون معنا اعتقاد ندارم، دینی که من قبول دارم به این مسایل کاری نداره.

- اسم دینت چی هست و از کجا اومده؟

اسم خاصی نداره، از آگاهی و دانش به دست اومده.

- اینستاگرام هم در به دست آوردنش کمک کرده؟

آره خب، اطلاعات مفید خوبی توش داره که چشمت رو به جهان باز می‌کنه.

- مثل چی؟

خیلی زیادن، الآن خیلی یادم نمیاد، اما کلاً توی اینستا خوندم که این زمین و ما از کجا اومدیم و خدا به اون معنی ترسناک وجود نداره، یه انرژی که می‌خواد به ما کمک کنه.

- آگه قبل از این که با اینستاگرام آشنا بشی از شما درخواست می‌شد عکس بدنت رو بگذاری توی فضای مجازی، چی می‌گفتی؟

خب اون زمان شاید به راحتی قبول نمی‌کردم.

- چرا؟

چون خیلی بیش‌تر خجالت می‌کشیدم، اما الآن که می‌بینم همه انجام می‌دن و یه اتفاق عادیه».

زهرای ۲۰ ساله، در مصاحبه ای که دارد خاطرنشان می‌سازد وی نه تنها در جریان کاربری از اینستا اعتقادات خویش را از دست داده است، بلکه به وادی هم‌جنس‌گرایی گام نهاده است و اکنون در نقطه مقابل اعتقادات اولیه خویش عمل می‌کند:

«- آیا اینستاگرام اعتقادات شما رو هم تحت تأثیر قرار داده؟

آره به شدت، اول‌ها که یه مدت من رو کشونده بود سمت خرافات و فال‌گرفتن و این چرت و پرت‌ها، چون یه سلبریتی تبلیغ کرده بود، من رفتم سمتش و تا مدت‌ها گیر همون فال و فال‌گیری بودم. از طرف دیگه من وارد یه سری فندوم‌ها و جریان‌هایی شدم که به شدت نگاه من رو به اون چیزی که هستم، چیزی که خانواده‌ام هست و عقایدی که داشتم، تغییر داد، من کلاً یه آدم خیلی مذهبی بودم، آدم خیلی محجبه بودم، به شدت تحت تأثیر انقلاب و این صحبت‌ها بودم و بعد که وارد اینستاگرام شدم، عقایدم خیلی عوض شد، یه سری چیزایی که دین می‌گه یا مذهب می‌گه، کاملاً به نظرم مسخره اومد، تعصباتی که قبلاً روی یه سری از آدم‌های دینی داشتم، مثل رهبر و این جور چیزها، کاملاً از بین رفته و اگر الآن بررسی دلیلش چیه، واقعاً نمی‌دونم. اما برعکس یه سری چیزای جدید در من شکل گرفت، یه سری کشمکش‌های درونی داشتم و در نهایت این چیزی که الآن هستم، ساخته شد.

- می‌شه درباره‌ی فن‌دوم‌ها و جریاناتی که واردشون شدی بیش‌تر توضیح بدی؟
برای تو آره، ولی مناسب مصاحبه نیست.

- اسم شما توی مصاحبه نیما و کسی نمی‌شناختت، راحت باش.

نه کاری به شناخته شدنش ندارم، موضوع مناسبی نیست، من می‌گم اگه خواستی حذفش کن، درباره‌ی نظر من راجع به هم‌جنس‌گرایی هست، قبل از استفاده از اینستا کلاً آدم هموفوبیک بودم، یعنی هم‌جنس‌گراها را آدم‌های نجسی می‌دونستم، اما همین‌طور که الآن می‌بینی، بنده دوست دختر دارم، یعنی یه عقیده به اون بزرگی و با اون عظمت کاملاً عوض شد، طوری که دقیقاً نقطه مقابلشم و نه فقط به صورت اعتقادی، به صورت عملی و دیگه وارد این جریان شدم....

- چی شد که اعتقادات این‌طور تغییر کرد؟

زمانی که من وارد اینستا شدم، از یه چندتا سلبریتی‌های خارجی خوشم اومد و مطالب درباره‌ی اون‌ها رو دنبال می‌کردم و از قضا این چند نفر، یکی، دو تا شون هم‌جنس‌گرا بودن و همین خیلی خیلی اثر گذاشت روی اعتقاد من و گفتم این‌ها که آدم‌های خوبی هستند، پس چرا من فکر می‌کردم باید آدم‌های عوضی باشن، پس این گرایش‌ها خیلی بد نیست و اول نظرم مساعد شد نسبت به این افراد و دیگه هموفوبیک نبودم، بعد از اون کم‌کم پست‌های مختلف این‌جوری رو دیدم از ال‌جی‌بی‌تی‌ها حمایت می‌کردند و حرف‌های دلنشین داشتند و این شد که گرایش من به کلی تغییر کرد. می‌دونم حس کردم که عشق شکل خاصی نداره، جنسیت خاصی نداره و می‌تونه هر جوری باشه، هر چیزی که با اون راحتی می‌تونه هویت تو باشه و لازم نیست که این هویت رو مخفیش کنی، البته سوء تفاهم پیش نیادها، من هم‌جنس‌گرا نیستم، بایسکشوالم، یعنی به هر دو جنس گرایش دارم و رابطه با هر دو جنس رو تجربه کردم، اما در حال حاضر با یه دختری توی رابطه‌ام، خلاصه داشتم می‌گفتم، اینستا یکی از این طریق که من اگه آدم خوبی باشم، نیاز نیست، نماز بخونم یا هر کاری دین گفته انجام بدم، روی این اعتقادات اثر می‌ذاره، یکی از طریق بد نشون دادن افراد مذهبی، من بیش‌تر از اولیه اثر گرفتم و واقعاً معتقدم به خوب بودن، اما بدترین ضربه رو به اعتقادات مردم، اون بد نشون دادن مذهبی‌ها زد، به خصوص الآن توی دوره‌ی کرونا که افراد مذهبی، خیلی‌ها شون سمت روغن بنفشه و داروی امام کاظم بودن برای درمان کرونا و با واکسیناسیون مخالف بودند یا به کل ماجرای کرونا رو قبول نداشتند، توی فضای مجازی زیاد روی وجهی اون‌ها اثر داشت یا مثلاً خیلی از افراد مذهبی یه جور مردسالاری رو قبول دارند و مخالف با نظر اغلب جامعه است و همین باعث شده مردم وقتی

یه آدم مذهبی می‌بینند، ذهن شون بره سمت یه آدم این‌جوری و جامعه از نظر خیلی‌ها شده دو دسته، افراد غیرمذهبی و مذهبی که انگار همیشه باید با هم بجنگند و این دو دستگی واقعاً دیده می‌شه». اگر چه در زمان‌های پیش، در کنار عالمان، ادیبان، هنرمندان و سیاست‌مداران جامعه، سلبریتی‌ها فضایی برای خود باز کرده و در جامعه به چشم می‌آمدند و به همین سبب اثرگذار هم واقع می‌شدند، اما فضای مجازی با ایجاد عرصه‌ای جدید، امکان طرح بلاگرها و شاخ‌های مجازی را نیز به سهم خود پدید آورده است و این افراد بعضاً دست به ارایه ارزش‌های مختلف زده، همچون شیما کاتوزیان استقبال از روابط آزاد و پرهیز از ازدواج و مانند آن را به مخاطبان خود پیشنهاد می‌کنند. نازین زهرای ۲۴ ساله، شکل‌گیری روابط عاشقانه دو جنس را به میزان زیادی تحت تأثیر سلبریتی‌ها معرفی می‌کند:

«- به نظرت چرا جوانان روابط سطحی رو ترجیح می‌دن؟»

چون برای روابط‌شون مثلاً روابط عاشقانه هیچ‌الگوی درستی ندارند، از طرفی توی فیلم و سریال‌های خارجی یا همین اینستا روابط باز مرد و زن و روابط عاشقانه رو می‌بینند، به هر حال احساس نیاز عاطفی می‌کنند.... نیمی از جوون‌ها و نوجوون‌های ما الآن با جنس مخالف ارتباط دارن و این ارتباط تا جایی که من دیدم بیش‌تر استارتش از اینستاگرامه، درصد کمی از اون‌ها با اطلاع خانواده وارد رابطه شدند و در بیش‌ترشون خانواده اطلاعی نداره».

امیرعلی هم در مصاحبه خویش ضمن تأکید گذران فراغت در اینستا، کاربری از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی در اینستا و اثرپذیری از سلبریتی‌ها، بلاگرها و اینفلوئنسرهای عمدتاً غربی مطرح در اینستاگرام، از مسأله مهم انتقال و شکل‌گیری فرهنگ غیررسمی موجود در اینستا در سطح خود و دوستانش یاد می‌کند. وی با طرح مواردی مانند: دیدن ظرافت‌های بدنی زنان در اینستا، دیدن رقص باله، شرکت در چالش‌های پیشنهادی سلبریتی‌ها، بلاگرها و شاخ‌های مجازی، کپی‌برداری از رفتارهای هنجارشکن قهرمان‌های فیلم‌ها و سریال‌های آن سوی آب، امکان قمار و شرط‌بندی و مهاجرت از کشور، از جلوه‌هایی از فرهنگ غیررسمی پیش‌گفته که در غالب موارد در تضاد و تعارض با فرهنگ رسمی جامعه خودش هست، یاد کرده است.

نسترن ۱۷ ساله هم در مصاحبه خود از دیدن کلیپ‌هایی از شاخ‌های مجازی یاد می‌کند که به زعم او اگر پدر و مادرش آن‌ها را ببینند، احتمال سخته آنان می‌رود:

«می‌لاد هم سبک خاص خودش رو داره و روسری و مانتو و کلاً لباس زنونه برا کلیپ‌هاش تنش می‌کنه و اکیپ خودش رو تشکیل داده و با عرفان و محمد اینا خیلی صمیمیه و حتی چندتا کلیپ هم با هم درست کردن، فقط کلیپ‌های محمدامین خانوادگی طوره.»



- یعنی چی؟

یعنی مثلاً از یک کلیپی خوشت اومده و با خیال راحت به مامان و بابات هم نشون می‌دی، ولی می‌لاد این جوریه نیست و کلیپ‌هاش خب به مسایلی مختلفی اشاره می‌کنه که خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سگته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه.

- منظورت از مسایلی مختلف چی هست؟

حالا اون‌قدرها هم ۱۸+ حرف نمی‌زنه، ولی خب باز هم با استفاده از مسایلی جنسی به صورت ریز و مستقیم و غیرمستقیم کلیپ‌های فان درست می‌کنه...

هر کدوم از بچه‌های اکیپش یک اسم مستعار دارن، مثل سمیه یخچالی و سارا پولی و...».

فیلم‌ها و سریال‌های آن سوی آب، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و ایجاد گسست در بین نسل‌های کاربر اینستا و نسل بزرگ‌سال جامعه دارد.

زینب ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش اعلان می‌دارد، وی در اوقات فراغت خویش به دیدن فیلم‌ها و سریال‌هایی مانند لوسیفر می‌پردازد. مجموعه جذابیت‌های گرافیکی، هنری و نقش آفرینان فیلم در

لوسیفر چنان بالا هست که حتی یکی از کاربران مصاحبه شده، بعد از دیدن این فیلم، از علاقه‌مند شدن خویش به شیطان‌پرستی یاد کرده بود.

سارای ۱۸ ساله نیز پس از دیدن سریال بازی و تاج و تخت (گیم آف ترونز یا گات)، بیان می‌داشت، وقتی در سریال نشان می‌دهد که برادری به خواهر خودش تجاوز می‌کند، این مسأله بیانگر جدیت رابطه جنسی بوده، نباید در این زمینه سخت‌گیر بود.

به همین ترتیب برخی از نوجوانان و جوانان با دیدن سریال ۳۲۶ قسمتی فرنلوز، اظهار می‌داشتند که شخصاً در صدد تهیه فرنلوز ۲ هستند و بالطبع در این میان، وقتی کسی نقش جویی را برعهده می‌گیرد

۱ - منطقی (۱۳۹۰) در نظریه روان‌شناسی معناگرا، پس از بیان استنکاف بسیاری از نظریه‌پردازان تحول‌آدمی و شخصیت درباره گسترش نظریه به تمامی عمر آدمی و محدود کردن نظریه به ۳-۲ سالگی یا حداکثر ۱۴ سالگی افراد، خاطر نشان می‌سازد، تداخل ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی در یکدیگر از سویی و اراده و انتخاب آدمی از سوی دیگر، به پدید آمدن شرایطی انجامیده است که گاه دو همکار و هم‌رزم انتخاب‌هایی با ۱۸۰ درجه تفاوت را دارند. از این رو وی با مبنا قرار دادن نظام ارزشی افراد، در صدد سامان دادن نظریه خویش در فهم فراز و نشیب‌های دوران بزرگ‌سالی افراد برآمده است و بر همین مبنا دست به تبیین تحول‌های آدمی در دوران پس از بلوغ زیستی خودش زده است.

بنابراین اگر مبتنی بر همین دید به تحلیل سریال فرنلوز پرداخته شود، می‌توان از این سریال با عنوان مبلغ ارزش‌های اومانستی، انسان‌مدار و مبتنی بر لذت یاد کرد که در تقابل با ارزش‌های تکلیف‌مدار است که به جای مبنا قرار دادن هوس‌های آدمی، تکلیف‌مداری وی در ارتباط با خود، خانواده، اطرافیان، جامعه، جهانی و حتی زیست محیط بوم خویش و زیست محیطی جهانی را مد نظر دارد.

در ادامه با توجه به نظریه روان‌شناسی معناگرا که نظام ارزشی آدمی را مبنای تحلیل وی قرار داده است، به اجمال از نظام ارزشی مندرج در سریال‌های لوسیفر، بازی تاج و تخت و دوستان (فرنلوز) یاد خواهد شد.

دانشنامه ویکی‌پدیا در توصیف سریال لوسیفر می‌نویسد:

«لوسیفر مجموعه تلویزیونی فانتزی آمریکایی به سبک پلیسی جنایی درام است که توسط تام کاپینوس تهیه شده است فصل اول این سریال در شبکه فاکس از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶ پخش شد. در آوریل ۲۰۱۶، مجموعه برای فصل دوم به تعداد ۱۸ قسمت تمدید شد که از ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۶ تا ۲۹ مه ۲۰۱۷ پخش شد. فصل سوم نیز از اکتبر ۲۰۱۷ تا مه ۲۰۱۸ در ۲۶ قسمت پخش گردید. در ۱۱ مه ۲۰۱۸، فاکس ساخت این مجموعه را پس از سه فصل متوقف کرد. اما یک ماه بعد به دلیل اعتراضات شدید هواداران، نت‌فلیکس کار ساخت فصل چهارم مجموعه به تعداد ۱۰ قسمت را به عهده گرفت که در ۸ مه سال ۲۰۱۹ پخش آن شروع شد. در ۶ ژوئن ۲۰۱۹، نت‌فلیکس مجموعه را برای فصل پنجم متشکل از ۱۶ قسمت در دو بخش ۸ قسمتی تمدید کرد و

تاریخ انتشار بخش اول را سال ۲۰۲۰ و بخش دوم را ۲۸ مه ۲۰۲۱ اعلام کرده است. در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۰ نتفلیکس لوسیفر را برای فصل ششم و آخر تمدید کرد.

داستان این مجموعه درباره لوسیفر مورنینگ استار، فرشته‌ای جذاب و قدرتمند است که به دلیل شورش از بهشت بیرون انداخته شده است. لوسیفر، به عنوان شیطان، خسته از گذراندن میلیون‌ها سال به عنوان ارباب جهنم و مجازات کردن گناه‌کاران، از زندگی‌اش در جهنم بی‌حوصله و ناراضی می‌شود. بنابراین برای مخالفت با پدرش (خدا)، تاج و تخت خود را رها کرده و پادشاهی‌اش را به سمت لس‌آنجلس، جایی که کلپ‌شبان خود، لاکس را اداره می‌کند، رها می‌کند. لوسیفر هنگامی که درگیر پرونده قتل می‌شود، با کارآگاه کلویی دکر ملاقات می‌کند. لوسیفر پس از کمک به اداره پلیس لس‌آنجلس در حل پرونده قتل با استفاده از قدرتش در فهمیدن خواسته‌های درونی افراد، به عنوان مشاور، به کلویی در تحقیقات بعدی کمک می‌کند. در این سریال، آن‌ها هنگام حل پرونده با موجودات ماورایی مواجه شده و رابطه‌ای میانشان شکل می‌گیرد.»

سایت موی مگ نیز در توصیف سریال لوسیفر می‌نویسد:

«لوسیفر (لقب شیطان به معنی ستاره‌ای که از آسمان سقوط کرده و در تورات و انجیل و در سه گانه دانه بارها به آن اشاره شده است) (با بازی خوب تام الیس) فرمانروایی جهنم را رها کرده و به زمین آمده است و در کالبدی انسانی در میان انسان‌ها زندگی می‌کند. وی تشنه شناخت انسان‌های زنده است نه انسان‌هایی که در جهنم آن‌ها را عذاب می‌داده است. او این کار را به منزله تفریح قلمداد می‌کند و تا این جای داستان، بیش‌تر قصدش این است که ماهیت واقعی یا همان روح انسان‌ها را قبل از مرگ بشناسد. در این بین لوسیفر با یک کارآگاه زن پلیس به نام کلویی دکر (با بازی خوب لورن جرمن) آشنا می‌شود و در حل یک سری پرونده به او کمک می‌کند و هر چه بیش‌تر با کلویی همکاری می‌کند، بیش‌تر شیفته اخلاق و انسانیت او می‌شود. کلویی با این که گذشته اخلاقی خوبی نداشته، اما پس از دواج و بچه‌دار شدن زنی جاافتاده و آرام و صبور شده و زندگی جدیدی را آغاز کرده و با این که از همسرش که همکار اوست جدا شده، اما در کنار دخترش زندگی خوب و آرامی را دارد.

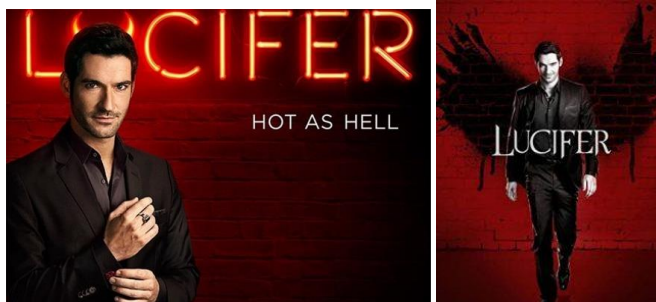
لوسیفر اما ویژگی‌های شیطانی خود مانند بدذات بودن و تحریک به گناه را از دست نداده است و آن را در پشت لایه‌ای از شوخ طبعی پنهان کرده است او عمدتاً یا سهواً بارها گذشته کلویی را به او یادآوری می‌کند تا به نوعی او را عذاب دهد، اما کلویی به او توجه نمی‌کند و به او می‌فهماند، اشتباهی که در گذشته کرده را در همان گذشته رها کرده است. همین ویژگی توبه‌گری انسان و عدم بازگشت به گناه کلویی، باعث می‌شود، لوسیفر تحت تأثیر وی قرار بگیرد و دیگر نه تنها او را آزار ندهد، بلکه به نوعی عاشق همکاری با او شود، اما این موضوع در مورد دیگران صدق نمی‌کند و لوسیفر حین همکاری با کلویی و مواجهه با انسان‌های خطاکار،

آن‌ها را به شکل بدی عذاب می‌دهد. مثلاً قسمتی از ظاهر واقعی شیطانی و ترسناک خود را به آن‌ها نشان می‌دهد و آن‌ها را دیوانه یا وادار به خودکشی می‌کند و یا با هیپنوتیزم آن‌ها باعث می‌شود آن‌ها قصد و نیت واقعی خود را اعتراف کنند.

با این وجود لوسیفر مهم‌ترین عامل شیطانی خود یعنی دعوت به گناه را حفظ کرده است. او به همراه یکی از شکنجه‌گران که در کالبد یک زن قرار گرفته است، یک کلوب شبانه دایر کرده و خدمات جنسی ارائه می‌کند. او چون علاقه به فساد دارد، دست روی بزرگ‌ترین نقطه ضعف بشر یعنی میل جنسی گذاشته است. او در مهمانی‌ها به راحتی دیگران را دعوت به گناه می‌کند و آن‌ها نیز دعوت او را پاسخ می‌دهند، اما باید در نظر داشت، او شیطان است و ذاتش این گونه است. وی در جایی جمله معروف خود را می‌گوید: «من تو را فقط دعوت به گناه کردم، مجبور نکردم، خود تو بیش‌تر از من علاقه به انجام گناه داشتی!».

ویژگی‌های اومانیستی به خوبی به شکل طنز در این سریال گنجانده شده است. فرشته دیگری توسط خداوند به زمین فرستاده شده تا لوسیفر را وادار به بازگشت به جهنم کند، اما خود این فرشته هم چندان از طولانی شدن مأموریتش و ماندن در زمین بدش نمی‌آید و به نوعی او نیز مانند لوسیفر، از زمین و انسان‌های آن خوشش آمده است و چندان به لوسیفر اصرار نمی‌کند.

در واقع در این سریال و یا نمونه‌های مشابه، این باور وجود دارد که زمین و زندگی انسان‌ها نه تنها حقیر و پست نیست، بلکه خوشی‌ها و لذت‌های خوبی نیز دارد، به طوری که هر کس که از دنیای بیرون و ماوراء به آن وارد می‌شود، دوست دارد، حتی برای مدتی کوتاه در آن زندگی کند و این فرشتگان و سایر مخلوقات معنوی هستند که باید حسرت زندگی انسان را بخورند، نه آن که انسان حسرت زندگی آن‌ها را بخورد، زیرا انسان روی پای خودش و به اختیار خودش تا به اینجا رسیده است، اما فرشتگان این قدرت اختیار را ندارند و در روزمرگی زندگی می‌کنند و زمانی که به زمین می‌آیند، بدشان نمی‌آید ولو برای مدتی آزاد باشند و زندگی انسانی داشته باشند!»



از آن جا که سریال لوسیفر شامل صحنه‌هایی از شکنجه و خونریزی، خشونت کلامی، چهره‌ی ترسناک شیطان و ناهنجاری‌هایی چون سکس گروهی، هم‌جنس‌گرایی، مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی و مانند آن‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم هست، مورد اعتراض افراد و نهادهای ارزش‌مدار قرار گرفته است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵/۱/۲۱)، ساخت سریال لوسیفر با اعتراضات کمپین‌ها و سازمان‌های مدنی، مثل «یک میلیون مادر» مواجه شد.

نهاد «یک میلیون مادر»، یک نهاد غیردولتی است که یکی از رسالت‌های خود را اعتراض به ابتذال در سینما و تلویزیون آمریکا می‌داند. این انجمن اینترنتی به هر چیزی که در چارچوب ارزش‌های خانواده (از استفاده بیش از حد از الکل گرفته تا مسایل جنسی و خصوصاً مسایل مربوط به هم‌جنس‌گرایان)، در آمریکا نباشد، اعتراض می‌کند. آن‌ها در یکی از اقدام‌های خود، پیکان حملات را به سوی شبکه فاکس و سریال جدیدش «لوسیفر» گرفتند. اعتراض «یک میلیون مادر» به خاطر شکوهمند و قهرمان‌نشان دادن شیطان در سریال لوسیفر است. آن‌ها معتقدند این سریال باعث هم‌دردی عموم مردم با شیطان می‌شود که با ارزش‌های اخلاقی در تناقض آشکار است.

«یک میلیون مادر» در وب‌سایت خود نوشته است: «پیام این سریال واضح است. لوسیفر فقط یک سوءتفاهم است. او نمی‌خواهد بد باشد، بلکه این خداست که او را مجبور به بازی در این نقش می‌کند».

دانشنامه ویکی‌پدیا در توصیف سریال ۳۲۶ قسمتی فرندز هم می‌نویسد:

«فرندز یا دوستان یک مجموعه کمدی موقعیت آمریکایی، ساخته دیوید کرین و مارتا کافمن است که از ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۴ تا ۶ مه ۲۰۰۴ از شبکه ان‌بی‌سی پخش شد و پس از ده فصل به پایان رسید.

داستان این سریال درباره شش دوست ۲۰ تا ۳۰ ساله است که در منهن، شهر نیویورک زندگی می‌کنند.

آخرین قسمت سریال در ۶ مه ۲۰۰۴ پخش شد و حدود ۵۲٫۵ میلیون بیننده آمریکایی را به پای تلویزیون کشاند که آن را به پنجمین قسمت آخر پر بیننده در تاریخ و اولین در دهه تبدیل کرد.

فرندز نظرات مثبتی از منتقدان دریافت کرد و به یکی از محبوب‌ترین کمدی موقعیت‌های تاریخ، تبدیل شد. در مجموع ۶۲ نامزدی جایزه امی به دست آورد و در سال ۲۰۰۲ جایزه بهترین سریال کمدی را برای

فصل هشتم به دست آورد. این سریال در فهرست «۵۰ سریال برتر تاریخ TV Guide در رده ۲۱ و در فهرست ۵۰ سریال برتر تاریخ مجله امپایر در رده ۷ قرار دارد. در سال ۱۹۹۷، اپیزود «ویدیوی جشن رقص

آخر سال» در رده ۱۰۰ فهرست صد اپیزود برتر تاریخ TV Guide قرار گرفت. در سال ۲۰۱۳، فرندز در فهرست بهترین سریال‌های نوشته شده از طرف انجمن نویسندگان آمریکا در رده ۲۴ و در فهرست ۶۰ سریال

برتر تاریخ TV Guide در رتبه ۲۸ قرار گرفت».

انبارداران با اشاره به نظام ارزشی که سریال فرندز مبتنی بر آن پردازش شده است، می‌نویسد:

«سریال طولانی فرندز، سریال خوش ساخت کمدی، درباره روابط شش دوست به نام‌های راس، چندلر، جو، مانیکا، فیبی و ریچل است که سریع‌تر از آن که پلکی بزنید، طرف قضیه روابط عاطفی و جنسی آن‌ها عوض

می‌شود.

سریال فرندز کم‌دی جنسی تمام عیاری است که تمام هنجارها و تابوهای اخلاقی که تا به حال در ذهن مخاطب ایرانی و خارجی بوده را می‌شکند و از این نظر خطرناک است.

پاراگراف زیر بخشی از داستان سریال فرندز است:

شخصیت راس گلر که یک دانشمند تجربی یا ساینست است، همسرش را به دلیل گرایش جنسی هموسکشوالش از دست می‌دهد. پدر چندلر یک ترنسکشوال است و تغییر جنسیت داده و به یک زن تبدیل شده. جویی تربیانی که شخصیتی عیاش دارد، عادت به رابطه جنسی خارج از قاعده یک بار مصرف با زنان دارد. فیبی بوفی تصمیم می‌گیرد برای برادرش که با یک پیرزن ازدواج کرده، سلول تخم حاصل از لقاح مصنوعی را حمل کرده و برای برادرش یک سه‌قلو به دنیا بیاورد. راس گلر دوست اجتماعی‌اش را تبدیل به دوست جنسی می‌کند و از رابطه آن‌ها فرزندى به دنیا می‌آید و تا انتهای فیلم به عنوان اکس وایف یا همسر قبلی، روی او و روابطش حساس است...».

دانشنامه ویکی‌پدیا نیز در معرفی شخصیت‌های اصلی سریال فرندز به شکل غیرمستقیم از نظام ارزشی حاکم بر وجود این افراد یاد کرده است:

«این سریال شامل شش شخصیت اصلی است:

جنیفر آنیستون در نقش ریچل گرین، علاقه‌مند به مُد بوده و بهترین دوست مانیکا از زمان بچگی است. ریچل بعد از این که در روز عروسی‌اش با بری فاربر تصمیم گرفت ازدواج نکند، زیرا عاشق او نبود، هم‌اتاقی مانیکا شد. ریچل و راس گلر در طول سریال چندین بار با هم رابطه برقرار می‌کنند و سپس در نهایت به هم می‌زنند. ریچل با مردان دیگری هم رابطه برقرار می‌کند، از جمله پائولو، همسایه ایتالیایی‌شان در فصل یک، جاشوآ برگین، مشتری‌اش در فصل چهار، نگ، دستیارش در فصل هفت و جویی تربیانی در فصل دهم. اولین شغل ریچل پیشخدمتی در سنترال پرک است، اما بعد در فصل سوم به عنوان دستیار فروشنده در بلومینگدیلز و در فصل پنجم به عنوان فروشنده در رالف لورن استخدام می‌شود. اما، دختر ریچل و راس در پایان فصل هشتم و در قسمت ریچل بچه‌دار می‌شود، قسمت دوم به دنیا می‌آید. در آخرین قسمت مجموعه، راس و ریچل به علاقه‌مندی‌شان به یکدیگر معترف می‌شوند و ریچل از فرصت کاری پیش آمده برایش در پاریس می‌گذرد تا با راس باشد.

کورتنی کاکس در نقش مانیکا گلر، سرآشپزی که مانند مادر گروه رفتار می‌کند و شخصیتش به کمال طلبی، رئیس‌بازی، رقابت و اختلال وسواس فکری و عملی مشهور است. مانیکا در بچگی چاق بوده و به همین خاطر معمولاً بقیه با او شوخی می‌کنند، خصوصاً برادرش راس. در طول سریال، مانیکا به عنوان سرآشپز در چندین رستوران کار می‌کند. اولین رابطه جدی مانیکا با ریچارد برک بود که ۲۱ سال از خودش بزرگ‌تر است. رابطه‌شان محکم جلو می‌رود تا جایی که ریچارد به مانیکا می‌گوید، نمی‌خواهد از او بچه داشته باشد. چندلر و مانیکا بعد از گذراندن یک شب با یکدیگر در لندن در پایان فصل چهارم، رابطه‌ای را آغاز می‌کنند

که سرانجام در پایان فصل هفتم به ازدواج ختم می‌شود و در آخرین قسمت سریال هم یک جفت دوقلو را به فرزندی می‌پذیرند.

لیسا کودرو در نقش فیبی بوفی، ماساژوری عجیب و غریب است که موسیقی را هم به صورت خودآموز یاد گرفته است. فیبی با مادرش در نیویورک زندگی می‌کرده تا این که مادرش خودکشی می‌کند و فیبی بی‌خانمان می‌شود. او خودش ترانه می‌نویسد و با گیتار اجرا می‌کند. همچنین او یک خواهر دوقلوی شرور به نام اورسلا دارد که مانند فیبی عجیب و غریب است، اما برخلاف او خودخواه و مغرور است. رفتار فیبی معصومانه و کودکانه است. او همچنین از خودکشی مادرش و کودکی سختش برای به دست آوردن هم‌دردی دیگران سوءاستفاده می‌کند. فیبی سه رابطه جدی در سریال دارد: گری (پلیس) در فصل پنج، مایک هنیگان در فصل نه و ده و دیوید در فصل ۱. بعد از این که دیوید برای انجام کار تحقیقاتی به مینسک می‌رود، رابطه‌شان به پایان می‌رسد. البته او در مواقع مختلف به نیویورک برمی‌گردد و دوباره پیش هم برمی‌گردند تا این که در فصل نه هم مایک و هم دیوید از او خواستگاری می‌کنند و فیبی درخواست دیوید را رد می‌کند و در فصل ده با مایک ازدواج می‌کند.

مت له بلانک در نقش جویی تربیانی، هنرپیشه‌ای که عاشق غذاست و به خاطر بازی در نقش دکتر دریک راموری در سریال آبکی روزهای زندگی ما مشهور می‌شود. جویی بسیار ساده‌لوح و البته دختر باز است. با وجود دختربازی‌اش، جویی شخصیتی معصوم و خوش نیت دارد. جویی از تکه کلام «حالت چطور؟» برای اغوای زنان استفاده می‌کند. چندلر بهترین دوست جویی است و در چند فصل ابتدایی هم‌اتاقی هستند. همچنین مدت زمان کوتاهی ریچل هم‌اتاقی او می‌شود و جویی در فصل هشتم عاشق ریچل می‌شود، اما ریچل به می‌گوید که او چنین حسی نسبت به او ندارد. در نهایت در فصل ده مدت کوتاهی با هم دوست می‌شوند، ولی مدتی طول نمی‌کشد که متوجه می‌شوند نمی‌توانند برای هم بیش‌تر از یک دوست باشند.

متیو پری در نقش چندلر بینگ، تحلیل‌گر ارشد آمار در شرکتی چندملیتی و بزرگ است. چندلر در فصل نه از شغلش استعفا می‌دهد و به عنوان کارآموز در یک شرکت تبلیغاتی مشغول به کار می‌شود. چندلر خانواده‌ای عجیب و غریب داشته است. مادر وی نویسنده رمان‌های شهوانی و پدرش هم‌جنس‌گرا و مبدل پوش است. چندلر به خاطر شوخ‌طبعی و طعنه‌هایش و عدم موفقیتش در رابطه‌های عاشقانه، مشهور است. چندلر در فصل هفتم با مانیکا ازدواج می‌کند و در انتهای سریال دو فرزند دوقلو را به سرپرستی می‌گیرند. قبل از مانیکا، چندلر با جنیس رابطه داشت.

دیوید شویمر در نقش دکتر راس گلر، برادر بزرگ‌تر مانیکا و دیرینه‌شناسی که در موزه تاریخ طبیعی کار می‌کند و بعدها به عنوان استاد دیرینه‌شناسی در دانشگاه نیویورک سیتی به تدریس می‌پردازد. راس مردی خوش‌طینت و شوخ‌طبع است، هر چند در روابط اجتماعی ناشی است. راس در طول سریال چندین بار با

ریچل رابطه برقرار می‌کند. او سه ازدواج ناموفق در طول سریال با ریچل، امیلی و کارول دارد. کارول مادر پسرش بن است و بعد از این که متوجه می‌شود هم‌جنس‌گراست، از راس جدا می‌شود. عدم موفقیتش در روابط بیش‌تر به خاطر حسودی و وهم است و طلاق‌هایش هم دست‌مایه طنز بقیه در طول مجموعه است. او و ریچل در آخرین قسمت فصل هشت، صاحب فرزند می‌شوند و در آخرین قسمت مجموعه معترف می‌شوند که هنوز عاشق یکدیگرند».



دانشنامه ویکی‌پدیا در توصیف سریال تاریخی تاج و تخت می‌نویسد: «بازی تاج و تخت مجموعه تلویزیونی آمریکایی در ژانر درام فانتزی است که به‌دست دیوید بنیاف و دی. بی. وایس برای شبکه اچ‌بی‌او ساخته شده‌است. بازی تاج و تخت اقتباسی از مجموعه فانتزی ترانه یخ و آتش نوشته جرج آر. آر. مارتین است که نخستین رمان آن بازی تاج و تخت است. این مجموعه در پادشاهی متحده، کانادا، کرواسی، ایسلند، مالت، مراکش و اسپانیا فیلم‌برداری شد. بازی تاج و تخت در ۱۷ آوریل ۲۰۱۱ از طریق اچ‌بی‌او در ایالات متحده به نمایش درآمد و در ۱۹ مه ۲۰۱۹ متشکل از ۷۳ قسمت در هشت فصل به پایان رسید.

داستان بازی تاج و تخت در قاره‌های تخیلی وستروس و اسوس، در نزدیکی پایان یک تابستان ۱۰ ساله اتفاق می‌افتد و چندین خط داستانی را دنبال می‌کند. اولین داستان به جنگ بین خانواده‌های اشرافی برای به دست آوردن تخت آهنین پادشاهی هفت اقلیم مربوط می‌شود. دومین خط داستانی، نزدیک بودن زمستانی طولانی و یورش موجوداتی افسانه‌ای از شمال را شرح می‌دهد و سومین خط داستانی مجموعه، تلاش فرزندان شاه مخلوع، برای بازپس‌گیری تاج و تخت است. این مجموعه از طریق شخصیت‌هایی که اخلاقیات مبهمی دارند، حول مسائلی چون طبقات اجتماعی، مذهب، وفاداری، فساد، جنگ داخلی و مجازات می‌گردد. سریال بازی تاج و تخت به عنوان یک سریال تاریخی، کوشیده است تا با طرح برخی از واقعیات تلخ، دست به واکاوی شخصیتی انسان‌ها بزند».



سایت موی مگک هم در ارتباط با سریال تاج و تخت می‌نویسد:

«شجاعتی که سریال در نمایش تلخ‌ترین اتفاقات به خرج می‌دهد، ستودنی است به عنوان مثال لرد سینستر برای رسیدن به تاج و تخت به قدری روحش از درون مسموم و نابود شده است که برای پیروزی در نبرد فتح شمال به پیشنهاد جادوگر، دختر کوچکش را زنده زنده در آتش می‌سوزاند و یا جافری با اعدام ناگهانی‌ند استارک باعث از بین رفتن سرزمین و آوارگی دایمی خانواده استارک می‌شود و اوضاع وستروس را بیش از پیش متشنج می‌کند. اتفاقاتی از این قبیل در سریال زیاد رخ می‌دهد. در واقع زبان نیش‌دار و گزنده‌ای که سریال با آن روایت می‌شود به شدت به این نکته تأکید دارد که در اینجا هیچ چیز شوخی نیست و شخصیت‌های مدعی تاج و تخت کاملاً جدی هستند و حاضرند برای رسیدن به مقاصدشان هر عمل وحشتناکی را مرتکب شوند و استثنایی هم در این میان وجود ندارد».

دانشنامه ویکی‌پدیا نیز پس از درج تمجید برخی از منتقدان از سریال بازی تاج و تخت، به بیان نقد منتقدان دیگری در مورد این سریال پرداخته است. ویکی‌پدیا در همین رابطه با اشاره به ارزش‌هایی که به شکل ضمنی در سریال مطرح می‌شوند، می‌نویسد:

«برخلاف محبوبیت این مجموعه در زمینه‌های دیگر در میان منتقدین، بازی تاج و تخت بارها به دلیل استفاده فراوان از برهنگی زنان، خشونت، شکنجه، خشونت جنسی ضد زنان و نحوه نمایش این موارد، مورد انتقاد قرار گرفته است.

میزان استفاده از ارتباط جنسی و برهنگی، به‌ویژه در صحنه‌هایی که وابستگی فراوانی به روند داستان ندارند، نکته منفی اصلی بسیاری از منتقدین فصل اول و دوم است. استیون دیلین، بازیگر سریال که در نقش استنیس براتیون بازی می‌کند، استفاده فراوان مجموعه از برهنگی را با «فیلم‌های پورن دهه هفتاد آلمان» مقایسه می‌کند. چارلی اندرز از منتقدین وبگاه آی‌او‌۹ می‌گوید، در حالی که فصل اول مجموعه مملو از سکس پوزیشن است، فصل دوم بدون ارایه اطلاعات زیادی در مورد داستان، بر روی ارتباط جنسی ناخوشایند، استثمار و ضد انسانی تمرکز دارد. آنا هولمز، منتقد واشینگتن پست اعتقاد دارد که صحنه‌های برهنگی، تنها برای لذت مردان دگرجنس‌گرا ساخته شده است.

که با تصرف هر زنی، دست به ترک وی زده، در صدد تصرف کردن دیگری برمی‌آید، مشخص است که بازیگر فرزندز ۲ باید ارزش‌های بومی خویش را ترک گفته، ارزش‌هایی تقریباً در تغایر با ارزش‌های بومی خویش را در این میان پذیرا گردد.

برخی از کاربران مصاحبه شده اینستاگرام، در بیانات خویش اظهار داشته بودند که تحت تأثیر جریان‌های فرهنگی آن سوی آب، نه تنها دیگر شناعتی برای رفتارهای جنسی نامتعارف قایل نیستند، بلکه خودشان نیز بعضاً در مواجهه با تبلیغات فریبنده و گوناگونی که در این ارتباط هست، علاقه‌مند به روابط اخیر شده و حتی به آن مبادرت ورزیده‌اند.

نازنین زهرای ۲۴ ساله، از اثر اینستا در گرایش اقشاری از جامعه به اقلیت جنسی یاد کرده، زینب ۲۰ ساله، از تمایلات دوست تام بوی خویش دفاع کرده و زهرای ۲۰ ساله، از ورود خویش به روابط هم‌جنس‌گرایانه یاد کرده‌اند:

«- درباره اثر اینستاگرام به نگاه کاربران نسبت به مسأله‌ی هم‌جنس‌گرایی و نهضت ال‌جی‌بی‌تی چه نظری داری؟»

می‌شه گفت این هم یکی از تغییرات ارزشی جامعه هست، اینستا نظر مردم و خود من رو نسبت به این قضیه پذیرا تر کرده. حداقل آگه در پذیرا بودن هم اثری نداشته، در آشنایی مؤثر بوده، حتی آگه به عنوان یک رفتار نادرست در جامعه سنتی دیده می‌شه، حداقل اسم بیماری ازش برداشته شده. اما

فصل سوم مجموعه که در آن شخصیت تئون گریجوی در طول سریال مورد شکنجه واقع می‌شود و در نهایت اخته می‌گردد نیز، به دلیل استفاده و نمایش شکنجه مورد نقد منتقدین واقع شده‌است. مدلین دیویس در وب‌سایت جزبل نوشت: «غیرطبیعی نیست، اگر مجموعه بازی تاج و تخت به پورنِ خشونت‌آمیز بودن متهم شود. در این سریال خشونت بی‌احساس و ابزارگرایانه در کنار سکس‌خشن و ابزارگرایانه به نمایش گذاشته شده‌است». با این حال او اشاره می‌کند که به‌جز لذت‌گرایی و شکنجه تئون گریجوی در فصل سوم، نمایش دیگر خشونت‌ها به هدف روایت داستان صورت گرفته‌است.

در قسمت شکننده زنجیرها در فصل چهارم، جیمی لنیستر به خواهر خود سرسی تجاوز می‌کند...».

با توجه به آن چه از آن یاد شد و با عنایت به نظریه روان‌شناسی معناگرا که ذهن و رفتار آدمی را مبتنی بر نظام ارزشی وی تبیین می‌کند، در یک جمع‌بندی اجمالی، می‌توان بیان داشت، مضامین ضمنی مندرج در سریال‌های لوسیفِر، بازی تاج و تخت و فرندز، پیش از آن که با تکلیف‌مداری آدمی مرتبط بوده و به تبلیغ آن دست بزنند، مبتنی بر دید اومانستی و لذت‌مداری آدمی بوده و مروج همین دید برای مخاطبان خویش است.

در کل نگاه مردم به این جامعه، نگاه زشت قبلی نیست و عادی شده و این اثرات هم‌اش مربوط به اینستا است که امکان بیان این مسایل رو به افراد می‌ده و نظرات مردم رو منتقل می‌کنه».

«- یعنی قبل از این که خودت گوشی بخری با اینستاگرام گوشی مادرت کار می‌کردی؟ آره.

- یعنی اکانت اینستاگرام برای مادرت بود یا مال خودت بود و فقط روی گوشی مادرت قرار داشت؟ من اکانت خودم رو داشتم، مامانم هم اکانت خودش رو داشت، ولی جفت‌شون روی یه گوشی بود، من هر وقت کاری داشتم، توی اکانت خودم لاگ این^۱ می‌شدم، بعد باز خارج می‌شدم. مامانم هم می‌دونست اینستا دارم، یواشکی نبود، ولی خوشم نمی‌اومد روی گوشیش باشه، همه‌اش همه چیز رو ببینه، گر چه چت‌های تلگرام رو هم یاد گرفته بودم، موبوگرام نصب کرده بودم، پنهان می‌کردم.

- چیز خاصی داخل اینستاگرام داشتی که نخواهی اصلاً بفهمند؟

از نظر خودم که نه، ولی خب پدر و مادرا عادی نشده این چیزا براشون، سر بعضی از مسایل یه جوری رفتار می‌کنن که انگار گناه کبیره کردی.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه، مثلاً با دوست دخترش استوری و پست می‌ذارن برای هم، ولی مامانم می‌بینه می‌گه با این دختر نگرد، هم جنس بازه، واقعاً لفظ زشتیه خب، گرایششه دیگه، مگه دست خودشه، این دوستم از اول هم فرق داشت با بقیه دخترا، ما همه مون رو پسرا کراش و رل می‌زدیم، اون توی فاز خط و نشون کشیدن برای دوست پسرای ما بود، اصلاً فاز پسرونه داشت».

«- به نظرت میزان استرس و اضطرابت از زمانی که از اینستاگرام استفاده می‌کنی، نسبت به قبل تغییر داشته؟

نه خیلی زیاد و وحشتناک، اما یه برهه‌هایی از زمان بود که این اتفاق برای من افتاد، استرس این رو داشتم که الان نکنه آگه این عکس رو پست کنم یا برای فلانی بفرستم یا این رو استوری بقیه مسخره کنند، چون اون‌ها بهتر از این رو دارند. بعد مثلاً چون من خانواده‌ام اینستا نداشتند، از یه زمانی به بعد شروع کردم، خیلی آزادانه توی اینستا درباره‌ی عقاید حرف بزنم و گرایشم رو توی اینستا به فالورایی که داشتم و البته خیلی زیاد نبودن گفتم، چون همه‌شون از قبل می‌دونستند، اما استرس و

1- log in

اضطراب رو داشتم که نکنه الآن به شکلی این چیزی که من گفتم، به دست خانواده‌ام برسه و مثلاً متوجه بشن، چون اگه چنین چیزی رو می‌فهمیدند، دیگه خیلی بد می‌شد، مامانم هنوز با نماز نخوندن من کنار نیومده، اگه بفهمه با یه دختر توی رابطه‌ام که واقعاً نمی‌دونم چی می‌شه، خیلی با خانواده تفاوت دارم، البته با مامان و بابام نه با خواهرام، خانواده کلاً در کی ندارند از من، خیلی دوست شون دارم، اما هم رو نمی‌فهمیم».

نوجوانان و جوانان ایرانی کاربر شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، به سادگی در معرض ارزش‌های دیگری که در فضای اینستا و دیگر شبکه‌های اجتماعی وجود داشته و تبلیغ می‌شوند، قرار گرفته، ممکن است تبعیت از آن‌ها را پیشه خویش کنند.

صبای ۲۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، تحت تأثیر ارزش‌های تبلیغ شده در فضای مجازی از سطحی شدن روابط دو جنس و نفی ضمنی ازدواج سخن گفته، نازنین زهرای ۲۴ ساله نیز از تشویق مصرف مواد دخانی و الکلی در فضای مجازی یاد کرده است:

«به نظرت دوستانت و هم‌سن و سال‌هات هم چنین نگاهی پیدا کردن و همچین نگاه و عقیده‌ای داره گسترش پیدا می‌کنه؟

بین کلاً حس می‌کنم توی دانشگاه‌مون چند دسته هستن، یک سری هستن که می‌گن نه بابا، اصلاً ازدواج رو قبول نداریم و برامون مهم نیست، نمی‌خوایم ازدواج کنیم. یک دسته هستن که چون دیدگاه سنتی - مذهبی دارن، ازدواج براشون مهمه، یک دسته این وسطم هستن که نه خیلی مذهبین، نه خیلی غیرمذهبین، بعد اون بین موندن و شک دارن کدوم وری برن، ولی ازدواج رو ترجیح می‌دن، من از این دسته وسطیا بودم، اما الآن که احساس می‌کنم اطلاعات بیش‌تری رو به دست آوردم، بیش‌تر الآن جز اون دست‌هایی شدم که محکم می‌گم که لزومی نیست آدم حتماً ازدواج بکنه، اگر نیاز دید، بکنه.

- خوب به نظرت الآن بین هم‌سن و سال‌هاتون و هم‌نسل‌هاتون این نگاه داره بیش‌تر می‌شه؟
آره، چون این یک نگاهیه که توی بیش‌تر جهان غرب رایجه، ولی ماها کم‌تر بوده برامون، اما الآن که در معرض این محتواها هستیم و با اینستا و فیلم و آهنگ، کم‌کم داریم به اون سمت می‌ریم.

- و به نظرت این خوب هست؟

آره، به نظرم خوبه که آدم بتونه نظرش رو بگه، ما که نمی‌گیم هیچ‌کس ازدواج نکنه که، می‌گیم این تابو نباشه که حتماً همه باید ازدواج کنیم».

«- آیا از اطرافیان کسی از سلبریتی‌های تأثیری پذیرفته؟

از اطرافیان خودم نه، ولی یکی از اقوام دوستم چنین تجربه‌ای داره، از ۱۵ سالگی گرایش رو مشخص کرد و اینا، الان که ۲ سال گذشته برگشته به حالت عادی، من دیده بودمش قبلاً، الانم که می‌بینمش، کاملاً تغییراتش مشخصه. یکی دیگه از نمونه‌های تغییر ارزش و هنجارها هم رواج سیگار کشیدن به عنوان یک حرکت لاکچری و روشن فکرانه هست، این قدر که همه با سیگار عکس دارن و یه چیز قشنگ دونسته می‌شه، افرادی که سیگار نمی‌کشن، توی اینستا محکومند. در دوران دبیرستان ما، اگه کسی سیگار می‌کشید، زیاد حرکت جالبی نبود، کسی هم این کار رو زیاد نمی‌کرد، اما الان همون دوستای اون دوران من توی دوره‌های هاشون یا سیگار یا قلیون دارن همیشه. به خصوص این چند وقت که با سکانس‌های پیکسی بلایندرز و زخم کاری همه رو زخمی کردن. البته از طرف دیگه هم یک‌سری مطالبی درباره ضرر و زیان سیگار و مشروبات الکلی هست، اما فکر نمی‌کنم اثری داشته باشه».



امیرعلی ۱۸ ساله در مصاحبه خودش، بیان می‌دارد که فرهنگ موجود در اینستا و فضای مجازی، حتی در قالب البسه و وسایل مورد نیاز وارد زندگی وی و هم‌سالانش می‌شود:

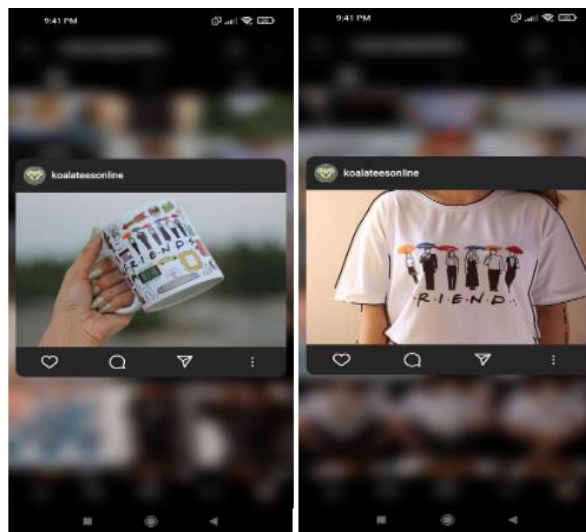
«- راجع به طرح‌های خاص بگو».

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری / ۵۲۰

طرح‌هایی که واقعاً هیچ‌جا پیدا نمی‌شه، چه جوری بگم! مد روز رنگای جذاب و حتی خیلایم با طرح دل‌خواه که من خیلی بهش علاقه دارم، خیلی از سویشرت‌هام و لباسام با طرح دل‌خواه خودمه، مثلاً از یه سریال لوسیفر که همین چند هفته پیش فصل آخرش اومد و سر و صدا کرد، منم تمومش کردم خیلی خوشم اومد، رفتم یه سویشرت مشکی سفارش دادم از اینستا، روشم بزرگ با قرمز گفتم بنویس لوسیفر و کنارشم بال لوسیفر رو بکشه، هم طرحش رو از اینستا پیدا کردم و هم پیجی که بهش سفارش دادم از اینستا بود.



بعد مثلاً پارسال که می‌دونستم دوست دخترم سریال فرندز رو خیلی دوست داره، براش یه تیشرت و یه ماگ با عکس علامت فرندز سفارش دادم، عکسشم بود توی پیج خودشون.



خلاصه که مد روز بودن یعنی همین، یعنی نمی گم عه من از سریال فرندز خوشم میاد، بعد برم بگردم توی فروشگاهها لباسش رو یا ماگش رو پیدا کنم، بلکه توی همون اتاقم سفارش می دم تموم می شه می ره».

یوسف ۲۱ ساله، در مصاحبه خود از فلسفه دم غنیمتی بودن که در اینستا و فضای مجازی شاهد آن بوده، سخن گفته و رضای ۱۸ ساله، از مواردی مانند گردن بند خون، دستبند تهیه شده از موهای یار، پرسینگ زدن و نظایر آن یاد کرده است که هر یک به نوعی بیانگر وقوع گسست ارزشی و فرهنگی در نسل جدید، خاصه کاربران فضای مجازی هستند:

«- به نظرتون بدی های اینستاگرام چی هست؟

خب هم بدی داره هم خوبی، به عنوان چیزهای منفیش می تونم بگم، به نظرم اینستاگرام خیلی القای بی هدفی می کنه به آدم، واقعاً آدم وقتی خیلی توی این فضاست، فکر می کنم به پوچی می رسه و یه خب که چیه بزرگ، توی ذهن آدم شکل می گیره.

- به نظر شما چرا؟

آخه مثلاً این جوریه که این قدر آدم غرقش می شه که حالش یهو ازش بهم می خوره، ولی یه جوریه که انگار آدم نمی تونه بیرون هم ازش بیاد، بعد این یه حال بدی به آدم می ده که استفاده اش کم نمی شه از اینستاگرام، ولی اون حس مفید نبودن در یافت می شه کاملاً، آدم یهو ۳ ساعت از روزش رو می ذاره توی صفحاتی که هیچی برای آدم نداشته، این فکر رو می کنم دلیل اینه که آدم به پوچی می رسه و می فهمه، چه قدر روزش رو به فنا داده، حالش به خاطر اون بد می شه، ولی انگار اینستاگرام داره می گه تویی کاری، تو الآن باید بیای این قسمت این ویدیو رو ببینی، فلان خبر رو از دست ندی، فلان ویدیو که ویرال شده رو ببینی، فلان حاشیه رو دنبال کنی، همه ی این ها می تونه به آدم این رو القا کنه که هدفی نداره و باید بره توی اینستاگرام تا ببینه چه اتفاقی افتاده و آدم باید دنبال چه محتوایی باشه».

«- به نظرت اینستاگرام تأثیر مثبتی توی زندگی داشته؟

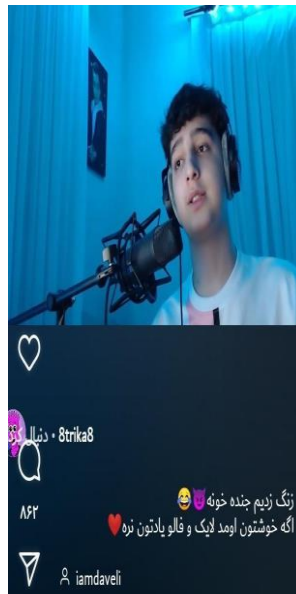
اینستا هیچ تأثیر مثبتی توی زندگی من نداشته، تنها تأثیر که می شه گفت مثبت بوده، بعضی وقتا کلیپ های طنز که دیدم و روحیم باهاش عوض شده.

- می تونی چندتا از این پیج ها فان رو به من معرفی کنی؟

@ariamomed

- مثلاً چه چیزهای خنده داری درست می‌کنن؟

میان به این شماره‌های که می‌گن خاله هستم، دختر دارم، از تمام شهرها برای رابطه زنگ می‌زنن، اذیت می‌کنن، بعد فیلم می‌گیرن یا میان چیزای خنده‌دار دیگه درست می‌کنن بیش‌تر، حالا چندتا کلیپای مزاحم تلفنی درست می‌کنن، خنده داره، یه چیزایی می‌گن طرف رو اُسکل می‌کنن....



- توی اینستاگرام چیزهایی دیدی که خیلی وایرال شده باشه؟
همین که خون بگیرین بندازن توی گردن شون یا جریان غزاله و آرمان.

- یعنی چی توی گردن شون خون بندازن؟
وقتی دو نفر با هم هستن، می رن خون هم می گیرن، می ریزن توی این شیشه کوچیک، بعد می اندازن توی گردن شون. برخی آنالین شاپ ها هم در حال فروش شیشه نگه داری خون هستن که به صورت گردن بند افراد در گردن خود بندازند.



baranazr خون توی این شیشه فاسد همیشه
نمیشه؟! چون فکر کنم باید شیشه مخصوص باشه
6w 1 like Reply

uranus_shop @_baranazr_ خیلی از
کسایی که سفارش دادن شیشه ی خالی
لاچیزی از فاسد شدن خون بهمون نگفتن
6w Reply

krghtchnlgy میشه خون بریزی داخلش
7w 1 like Reply

Hide replies

uranus_shop @kardarmanzel.raha بله باید شیشه خالی سفارش بدین
7w Reply

- به نظرت خوب هست؟

نه، مسخره هست، بهش می‌گن گردن‌بند خون محبوب یا حتی میان موهای دوست دخترشون رو می‌گیرن، دستبند می‌کنن، می‌اندازن توی دستشون، بعد عکس می‌ذارن. دوست دخترم دوست داشت منم این کار رو کنم، ولی خوشم نمیاد.



- به نظرت الان توی اینستاگرام چه کلیپ‌هایی بیش‌تر دیده می‌شه؟

کلیپ‌هایی که +۱۸ باشن، هر کلیپ که دختر باشه توش بیش‌تر دیده می‌شه، حالا همون کار رو پسره کنه، اصلاً کسی بهش توجه نمی‌کنه، یه دختره با پرسینگ که داشت روی زبونش، اون رو می‌آورد بیرون با ریتم آهنگ، کلی دیده شد.



همین کار مسخره رو یه پسر می‌کرد، حالا کلی مسخره‌اش می‌کردن، ولی این چون دختر بود، همه می‌اومدن براش کامنت قلب و این چیزا می‌داشتن، بعد الان توی اینستا هر کلیپ بیینی یا داره می‌گه چالیم چلیم با چلیم چی بود دادین پاچیدیم.. یا می‌گن بالام از زمان خاتمی و... تا یه آهنگ باحالی خونده می‌شه، کل اینستا باهاش فیلم می‌گیرن، اصلاً حالا نمی‌دونن معنی چلیم چی هست».

«نسترن ۱۷ ساله در مصاحبه خود به لحاظ سیاسی نگاه مثبت خود به غرب را به معرض دید نهاده و در ابعاد اجتماعی با ترجیح رسانه‌های خارجی به رسانه‌های داخلی و پیروی از سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی، در عمل تبعیت از الگوهای ویرانگر را در دستور کار خود قرار داده است. به همین ترتیب وی به لحاظ عقیدتی دست به پذیرش خط‌مشی لذت‌طلبی زده است و سرانجام به لحاظ فرهنگی از بروز یک شکاف فرهنگی در کنار شکاف نسلی پدید آمده، حکایت می‌کند. برخی از مشخصه‌هایی که نسترن در معرفی شکاف و گسست فرهنگی از آن‌ها یاد کرده است، عبارتند از: پذیرش خط‌مشی لذت‌طلبی، استقبال از چالش‌های غیراخلاقی، پذیرش فمینیسم افراطی، توهین کردن به خانواده یکدیگر، جایگزین کردن حیوانات خانگی به جای فرزندان، تحول در مقوله محتوای مورد علاقه فرهنگی جوانان، رواج تتو و خالکوبی.

بنابراین می‌توان به اجمال نتیجه گرفت، با فیلتری که اینستا برای دیدن جهان و هستی فراروی فرد در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی ایجاد کرده است، کاربران شکاف‌های مختلفی را در ابعاد پیش‌گفته تجربه کرده و در خود به منصفه ظهور می‌گذارند».

فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان

پژوهش حاضر به بررسی اثرات فرهنگی اینستاگرام بر کاربران نوجوان و جوان آن پرداخته است. در این پژوهش به شکل تصادفی با جمعی از نوجوانان و جوانان در مورد چگونگی کاربری آنان از اینستاگرام مصاحبه عمیق صورت پذیرفت و اثرات این کاربری که در ظاهر، رفتارها و اندیشه‌های آنان به وقوع پیوسته است، مورد ردگیری و بررسی قرار گرفت.

در مورد پژوهش کیفی به صورت مقدماتی باید بیان داشت، رویکردهای پژوهشی را در کل می‌توان به رویکردهای کمی، کیفی و آمیخته (که حاوی ترکیبی از دو رویکرد قبلی است)، تقسیم کرد. در رویکرد کمی با توجه به مشخص بودن متغیرهای پژوهش، داده‌های لازم به شکلی پنهانگر گردآوری شده، در ادامه به دست تحلیل آماری سپرده می‌شوند.

در شرایطی که پدیده و رخداد مورد نظر شناخته شده نبوده و با ابهام توأم باشد، باید با مصاحبه‌های عمیق و ژرفانگر به فهم پدیده مورد نظر دست یافت. در این رویکرد که رویکرد کیفی (با روش داده بنیاد یا زمینه‌یابی) نامیده می‌شود، مشخصاً پژوهشگر سه گام باید بردارد: انجام مصاحبه‌های عمیق، کدگذاری مصاحبه انجام شده و تبدیل کدگذاری‌های اولیه به کدگذاری‌های نهایی و سرانجام چیش کدهای نهایی به دست آمده و ارایه تفسیر لازم بر مبنای اطلاعات حاصل.

در گام نخست پژوهش کیفی، پژوهشگر جهت وقوف به مسأله مورد نظر، باید با مصاحبه‌ای عمیق و ژرفانگر به بررسی ابعاد و وجوه مختلف مسأله بپردازد. در جریان مصاحبه پژوهشگر باید دائماً مترصد عمق دادن به مباحث مطروحه از جانب مصاحبه‌شونده باشد و در برخورد با هر مسأله نو و جدیدی با طرح پرسش‌های جدید، به تدقیق مباحث مطرح شده بپردازد.

در گام بعدی پژوهش، پس از انجام مصاحبه نخست، کدگذاری متن مصاحبه شده صورت خواهد پذیرفت. در ادامه، در مصاحبه دوم، ضمن کنترل کدهای به دست آمده از مصاحبه نخست، کدهای

جدید احصاء می گردند و با ادامه همین روند، زمانی که دیگر کد جدیدی احصاء نشود، اشباع نظری رخ داده، انجام مصاحبه‌ها متوقف خواهند شد!

در ادامه، پس از انجام مصاحبه‌های لازم، کدهای به دست آمده اولیه، تا حد ممکن در یکدیگر ادغام شده، ذیل عناوین کلی تری که از آن‌ها با عنوان کدهای نهایی یا ثانویه یاد می شود، ارایه می گردند.^۲

۱ - کتاب‌های خارجی روش تحقیق کیفی، انجام ۲۰-۱۲ مصاحبه عمیق را برای به دست آوردن نتیجه مناسب در پژوهش، پیشنهاد کرده اند. اما به دلیل روند متفاوت جامعه‌پذیری در ایران، به نظر می‌رسد حجم نمونه-گیری در پژوهش کیفی باید بیش تر از آن چه که پژوهشگران غربی از آن یاد کرده اند، باشد. به این معنا که برخلاف غرب که در آن حرف نهادهای جامعه‌پذیر کننده، تقریباً در وفاق با یکدیگر هست و آن چه را که خانه می گوید، مدرسه هم تکرار کرده و دانش آموز در برخورد با جامعه نیز با همان پیام مواجه می گردد، در ایران روند جامعه‌پذیری در نهادهای جامعه‌پذیر کننده، یک‌سان و همسو نبوده، از روندی مغشوش برخوردار است، به عنوان مثال، در حالی که در کتاب‌های درسی از ایثار، جهاد و شهادت برای دانش‌آموزان حرف زده می‌شود و آنان به سمت و سوی این ارزش‌ها ترغیب شده و سوق داده می‌شوند، همان دانش‌آموز در خانه از سوی اولیایش با رهنمودهایی دال به اهتمام برای بیرون کشیدن گلیم زندگیش از آب تشویق و ترغیب می‌شود و در ادامه، وی در برخورد با واقعیات جامعه‌اش، با ملاحظه برخی از افراد فاسد سیاسی، اقتصادی و افرادی که با رانت‌خواری به مال و مکتنت فراوان دست یافته اند، در عمل می‌آموزد که راه سهل و ساده رسیدن به رفاه و قدرت اقتصادی و اعتبار اجتماعی می‌تواند رانت‌خواری و فزونه‌خواهی باشد.

با توجه به آنچه از آن یاد شد، به نظر می‌رسد که ارقام ۲۰-۱۲ مصاحبه عمیق برای دست‌یابی به ابعاد و وجوه مختلف مسأله مورد نظر به دلیل اغتشاش موجود در روند جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان جامعه، در ایران جواب نداده، لازم است که با افزایش حجم نمونه‌های مورد بررسی جهت دست‌یابی به اطلاعات مورد نیاز اقدام کرد. همان‌گونه که در پژوهش حاضر به جای ۲۰-۱۲ مصاحبه عمیق، تعداد ۳۷ مصاحبه صورت پذیرفته است.

۲ - در جدول زیر نمونه‌ای از کدگذاری‌های اولیه و ادغام کدهای مشابه برای دست‌یابی به کد ثانویه یا نهایی در پژوهش اثرهای فرهنگی اینستاگرام بر کاربرانش، ارایه گردیده است:

کد ثانویه یا نهایی	کد اولیه یا باز	محتوا یا مصداق
	تحقق آموزش فعال	من با سرچ در اینستا، کلی فیلم و آزمایش در مورد مطلب مورد نظرم پیدا می‌کنم که خیلی توی یادگیری من کمک می‌کنند (نرگس، ۲۰ ساله).

<p>بیش‌ترین یادگیری که من در مورد معماری داشته‌ام، از اینستا بوده است (آرشام، ۲۳ ساله).</p>	<p>ارایه مباحث کمک درسی</p>	
<p>من از ابتدا آدم پر حرفی نبودم و حالا دارم روی فن بیان و صدای خودم کار می‌کنم (غزاله، ۲۰ ساله).</p>	<p>ارایه برخی از آموزش‌های غیر درسی</p>	
<p>من توی چندتا از پیج‌هایی که فالو کردم با کتاب‌های مورد علاقه‌های خودم آشنا می‌شم (زهره، ۱۸ ساله).</p>	<p>آشنا شدن با کتاب‌های مورد علاقه</p>	
<p>من اونقدر پیج‌های انگلیسی زبان رو دنبال کردم که الان ۱۰۰٪ مطالب انگلیسی اینستا رو می‌فهمم (اشکان، ۲۱ ساله).</p>	<p>یادگیری زبان</p>	<p>اثرهای آموزشی</p>
<p>من بیشتر تر اطلاعاتی رو که درباره آدم‌های دگرپاش به دست آوردم، از اینستا هست (زینب، ۲۰ ساله)</p>	<p>افزایش اطلاعات عمومی</p>	
<p>من درباره ژیتک در جامعه منبعی پیدا نکردم و اون رو توی اینستا دنبال می‌کنم (مهدی، ۲۱ ساله).</p>	<p>کسب اطلاع در مورد جریان فلسفی مورد علاقه</p>	
<p>من توی برخی از پیج‌ها مطالب تاریخی مورد علاقه‌ام را می‌خوانم (احمد، ۲۱ ساله).</p>	<p>یادگیری‌های تاریخی</p>	
<p>فهم میم اطلاعات گسترده‌ای می‌خواد و من در جریان استفاده از میم‌ها با فرهنگ‌های دیگه بیشتر آشنا شدم (مرجان، ۲۱ ساله).</p>	<p>آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر</p>	
<p>من در اینستا پیج‌های پاستل گچی رو فالو کردم و خیلی ازشون یاد گرفتم (درسا، ۱۷ ساله).</p>	<p>دیدن آموزش‌های هنری مورد علاقه</p>	
<p>دوستم به دوست پسرش شک کرد، یه پیج فیک زد و با اون، هم دختره رو فالو کرد و هم دوست پسرش رو و بعد دید که آره، اونا با هم ارتباط دارند (مرجان، ۲۱ ساله).</p>	<p>فنی شدن کاربران</p>	

در آخرین گام پژوهش، پس از به دست آمدن کدهای ثانویه، با کنار هم قرار دادن این کدها، با ترسیم ابعاد و وجوه مختلف مسأله مورد مطالعه، در عمل دورنمای تبیین موضوع مطالعه به دست داده می‌شود.

عناوین زیر، کدهای نهایی به دست آمده در پژوهش اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام بر کاربرانش است:

- امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک،

من آموزش‌های ادیت رو بیشتر توی اکسپلور می‌بینم (بهر روز، ۱۸ ساله).	یادگیری ادیت و ویرایش عکس و فیلم
من شغل اصلیم برنامه‌نویسیه و دلیل این که تونستم برنامه‌نویسی رو خوب یاد بگیرم اینستا و خرید برنامه آموزش سایت بود (اشکان، ۲۱ ساله)	یادگیری برنامه‌نویسی
من در جریان مدیریت سایت مادرم، خیلی از موارد مرتبط با بازاریابی و فروش رو یاد گرفتم (پگاه، ۱۷ ساله).	یادگیری عملی بازاریابی و فروش
من پیج گرتا رو که رهبر محیط زیست در غرب خونده شده، پیگیری می‌کنم (مهدی، ۲۱ ساله).	یادگیرهای زیست محیطی
من به نظرم اولیا با استفاده از اینستا می‌تونند اطلاعات والدگری لازم رو به دست بیارند و رابطه دوستانه‌تری با فرزندشون برقرار کنند (نازنین زهرا، ۲۴ ساله).	آموزش اولیا جهت کاهش فاصله با فرزندان
من پیج آشپزی در طبیعت رو دارم و ازش استفاده می‌کنم (الناز، ۲۴ ساله).	یادگیری آشپزی
من تو اینستا دیدم که توی پارک ورزش پارکور رو که ممنوع هست آموزش می‌دن، منم دنبالش افتادم که یادش بگیرم (رضا، ۱۸ ساله).	یادگیری ورزش ممنوعه پارکور
من آموزش رقص رو توی اینستا دنبال می‌کنم (نرگس، ۲۰ ساله).	یادگیر رقص

- اطلاع‌رسانی،
- ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی،
- ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی،
- تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری،
- پذیرش دیگر اقوام بشری،
- پذیرش تولید محتوای کاربران،
- اثرپذیری از سلبریتی‌ها،
- اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی (به عنوان منابع ارزشی جدید)،
- پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی،
- اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل،
- استقبال از فرهنگ فمینیستی (جنش برابری زن و مرد)،
- گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان،
- کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی،
- کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب،
- اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی،
- استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی،
- جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران،
- آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده،
- اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران،
- تحول آفرینی‌های نامناسب در زبان،
- جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب،
- سرگرمی و گذران فراغت،
- مواجهه کاربران با فضایی ملامال از هیجان در اینستاگرام،
- رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر،
- کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی،
- انجام چالش‌های نامتعارف،

- دامن زدن به هرزه‌نگاری،
 - استقبال از صور مختلف حیات جنسی،
 - استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید (مدنی)،
 - تحول‌یابی مقوله عشق،
 - کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران،
 - پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران،
 - کاهش حساسیت در برخورد با سوء مصرف مواد،
 - سایه گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی،
 - نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران،
 - مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام،
 - ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته،
 - بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن،
 - جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی،
 - تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز،
 - اتکاء به منابع غیر موثق،
 - سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتک‌ها،
 - محوریت یافتن مقوله اینستاگرام (و فضای مجازی) در مدارس پنهان،
 - ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی،
 - تنزل دید زیست محیطی کاربران،
 - تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان،
 - تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام (و فضای مجازی)،
 - دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم،
 - گسست ارزشی و فرهنگی.
- همان‌گونه که پیش‌تر از آن یاد شد، پس از احصای مقوله‌بندی‌ها یا کدهای اولیه و تبدیل این کدها به کدهای ثانویه یا نهایی، باید با چینش مناسب کدهای نهایی به دست آمده، به دورنمایی از مسأله

مورد مطالعه (که در این پژوهش بررسی اثرهای فرهنگی کاربری نوجوانان و جوانان از شبکه اجتماعی اینستاگرام بود)، دست یافت.

با توجه به این که مدل‌سازی در مقوله فضای مجازی باید در ارتباط با چگونگی تعامل فرد با فناوری باشد (به این معنا که یک فرد ممکن است فردی با خودکنترلی و سواد رسانه لازم، به کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید بپردازد و فرد دیگری بدون خودکنترلی یا خودکنترلی اندک و بدون سواد رسانه لازم، به کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید بپردازد)، بنابراین انتظار طرح دو مدل در ارتباط با کاربری از فناوری‌ها امری دور از انتظاری نیست.

مدل نخست پیشنهادی برای تبیین کاربری فرهنگی افراد خودکنترل و برخوردار از بسترسازی فرهنگی لازم در کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، به قرار زیر است:

- امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک،

- ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی،

- تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری،

- اطلاع‌رسانی‌های مفید،

- ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی،

- پذیرش دیگر اقوام بشری،

- پذیرش تولید محتوای کاربران،

مدل دوم پیشنهادی برای تبیین کاربری فرهنگی افراد با خودکنترلی اندک و افرادی که بدون بسترسازی فرهنگی لازم به کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید (و در اینجا کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام) پرداخته‌اند، در چهار محور کلی: تغذیه ارزشی از اینستا، پدیدآیی تحول در منابع اخذ ارزش، تحقق تغییرات رفتاری و تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار قابل پیشنهاد است. شرح هر یک از موارد پیش گفته به قرار زیر است:

۱ تغذیه ارزشی از اینستا

- به دست آوردن آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مختلف،

- سرگرمی و گذران فراغت،

- کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی،

- کاربری از زیورآلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی

آب،

- اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی،
- اثرپذیری از چالش‌های نامتعارف مطرح شده در اینستا،
- پررنگ شدن مسأله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران،
- اثرپذیری از سلبریتی‌ها،
- اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی به عنوان منابع ارزشی جدید،
- پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی،
- اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل،
- اثرپذیری از افراد خودشیفته حاضر در فضای اینستا،
- مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستا،
- سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتک‌ها،
- تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه‌گرایی و تجربه همه چیز،
- اتکا به منابع غیرموثق،
- تحول آفرینی‌های نامناسب در زبان.

۰۲ پدیدآیی تحول در منابع اخذ ارزش

- جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی غربی،
- جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی،
- استقبال از فرهنگ فمینیستی،
- استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی،
- تحقق آمیختگی فرهنگی در جریان جهانی اندیشیدن،
- ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی.

۰۳ تحقق تغییرات رفتاری

- اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران،
- کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در اینستا،
- کاهش حساسیت در برابر محتوای حاوی سکس و خشونت،
- استقبال از صور مختلف حیات جنسی،
- حمایت از اقلیت جنسی،
- سوق یافتن به سمت بی‌حیایی و بی‌بند و باری جنسی،

- استقبال از ازدواج سفید یا مدنی،
- گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان،
- کم رنگ شدن مسأله خانواده در ذهن کاربران،
- رقابت با دیگران بر سر به دست آوردن هر چه بیش تر هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر،
- ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته،
- تنزل دید زیست محیطی کاربران،
- کاهش حساسیت در برخورد با سوء مصرف مواد،
- نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران،
- تحول آفرینی در روابط بین فردی،
- تحول یابی مقوله عشق.

۴. تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت-

مدار

- تبدیل اینستا (و فضای مجازی) به مرجع اطلاعاتی نوجوانان و جوانان،
- سایه گستر شدن سبک زندگی لاکچری در زندگی کاربران،

۱ - سبک زندگی لاکچری در بُعد روانی با گسترش از خود بیگانگی توأم بوده، در بُعد اجتماعی، جابه‌جایی سبک زندگی تکلیف‌مدار با سبک زندگی لذت‌مدار، پذیرش خط‌مشی‌های لاکچری و در آرزوی تحقق لاکچری بودن را به همراه دارد. به همین ترتیب سبک زندگی لاکچری در بُعد فرهنگی با پذیرش انسان‌گرایی (اومانیزم)، فرهنگ فردگرا و لذت‌مدار، استقبال از تفریحات توأم با بی‌بند و باری و بی‌حیایی، به نمایش نهادن فعالیت‌های مبتذل، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم و لذات آن همراه بوده، در بُعد اقتصادی، مصرف‌گرایی و استقبال از زندگی اشرافی را در دستور کار خود دارد.

سبک زندگی اخیر در بُعد زیباشناختی تبعیت از مدهای غربی، تنو و پذیرش استانداردهای زیبایی غرب را به همراه داشته، در بُعد عقیدتی، تزلزل عقیده به ادیان الهی و رو آوردن به خرافه و خرافه‌گرایی را می‌پذیرد. کم رنگ شدن نقش خانواده در زندگی فرد، بُعد خانوادگی سبک زندگی لاکچری به شمار می‌رود.

رو آوردن به اخلاق نازل، مادی و شهوی و پذیرش دم‌غنیمی بودن و گاهی پوچ دیدن هستی، زوایای اخلاقی و فلسفی سبک زندگی لاکچری را به نمایش می‌گذارند.

در سایر کتاب‌های این مجموعه، مباحث پیش‌گفته به شکل مشروح‌تری مورد بحث قرار خواهند گرفت.

-گسست ارزشی و فرهنگی.

نتایج برآمده از پژوهش کیفی انجام شده، دلالت بر آن دارند که در مدل پیشنهادی دوم پژوهش که ناظر بر کاربری افراد با خودکنترلی اندک و غالباً بدون برخورداری از سواد رسانه هست (و البته غالب کاربران نوجوان و جوان ایرانی و افراد مصاحبه شده در جریان پژوهش در این دسته می‌گنجند)، این است که کاربران نوجوان و جوان ایرانی در جریان کاربری مستمر از شبکه اجتماعی اینستاگرام، نخست با ارزش‌های متفاوتی در فضای اجتماعی و فرهنگی اینستا مواجه می‌گردند و دانسته و نادانسته تحت تأثیر ارزش‌های تبلیغ شده در آن قرار گرفته و به نوعی تحت تأثیر تغذیه ارزشی از اینستا قرار می‌گیرند.

در ادامه، کاربران نوجوان و جوان در مواجهه با اینستاگرام، در منابع اخذ اطلاعات و ارزش‌های خویش تجدید نظر به عمل آورده، قسمت‌هایی از منابع مورد استفاده و کاربری خویش را منابع موجود و معرفی شده در اینستاگرام قرار می‌دهند.

مجموعه تغذیه ارزشی کاربران از اینستا و تغییراتی که در منابع اخذ ارزش آنان پدید آمده است، کاربران نوجوان و جوان را به سمت برخی از تغییرهای رفتاری سوق می‌دهند و مواردی مانند: تغییر در ذایقه غذایی، تغییر در نوع نگاه به روابط دو جنس، پررنگ شدن عشق مادی با کم‌رنگ شدن عشق معنوی، تغییر در نگرش به تشکیل خانواده، کاهش حساسیت نسبت به سوء مصرف مواد و مانند آن، در کاربران عیان و پدیدار می‌گردد.

ماحصل تغییرات رفتاری اخیر کاربران نوجوان و جوان را می‌توان به صورت تغییر پدید آمده در سبک زندگی آنان ملاحظه کرد. به این معنا که کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام، با فاصله گرفتن تدریجی از سبک زندگی تکلیف‌مدار بومی خویش، به سمت و سوی سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار سوق می‌یابند و به جای دید جمع‌گرای پیشین خویش و دید تلاش برای ارتقاء و تعالی جامعه‌شان، از دیدی فردگرا برخوردار می‌شوند که تنها و تنها لذات

و هواهای نفسانی آنان است که حرف نخست را در سبک زندگی جدید آنان زده و کاربران را بدان سمت و سو دلالت و راهنمایی می‌کند!

۱ - لازم به یادآوری است، اگر چه بسیاری از کاربران نوجوان و جوان مصاحبه شده در پژوهش، از اثرپذیری‌های فرهنگی خویش در جریان کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام یاد کرده بودند، اما برخی از افراد مصاحبه شده، بر سناریوهای متفاوتی مانند کوشش برای مهاجرت از کشور یا در دستور قراردادان پرخاشگری نسبت به کلان نظام تأکید داشتند.

صبای ۲۲ ساله، در مصاحبه خودش خاطر نشان می‌سازد، وی در تلاش برای انتخاب فضای جایگزین به جای جامعه خودش، مهاجرت از کشور را در دستور کار خویش قرار داده است:

«- تا حالا شده به خاطر حسرت و غمی که می‌گی زندگی توی ایران داره، میل به مهاجرت هم پیدا کنی؟ من اصلاً مدت‌هاست که میل مهاجرت دارم، من یکی از آرزو اینه که بتونم از ایران برم. - این نگاهی که به وضع حاکم بر کشور داری، آیا از قبل این که اینستاگرام بریزی هم بود یا از بعد این که اینستاگرام ریختی تقویت شد و به وجود اومد؟

خب قبل اینستا که من بچه‌تر بودم، فکر نمی‌کردم اوضاع این قدر بد بشه توی کشور ما! همه‌اش فکر می‌کردم اینایی که می‌خوان از کشور برن، مثلاً دارن یه ذره سخت می‌گیرن، ولی همین طور که بزرگ‌تر شدم، دیدم که نه، واقعاً این‌جا افتضاحه و همه حق دارن اگر فکر رفتن توی سرشون باشه! مثلاً وقتی یک کنسرت نمی‌تونه بره، مثلاً من اگه بخوام برم بی‌تی‌اس، کنسرتش، اونا هیچ وقت نمیان توی ایران کنسرت بذارن تا صد سال دیگه! منم اگر بخوام برم یک کشور دیگه، کلی هزینه‌اش می‌شه، چون کشور ما اقتصادش داغونه! یعنی بین بدیهی‌ترین چیزها که آدم می‌تونن داشته باشن، ما نمی‌تونیم داشته باشیم و این کاملاً باعث شده که من دلم بخواد مهاجرت کنم.

- به نظرت این میل به مهاجرت در هم‌سن و سال‌ها و دوستان هم بیشتر شده؟
آره، حتی توی سن بالاترها هم یک جور شده که می‌گن، دل‌شون می‌خواد برن» (صبای ۲۲ ساله).
به همین ترتیب افراد دیگری پیش گرفتن پرخاش نسبت به کلان نظام و تلاش در جهت مقابله با آن را در دستور کار خود قرار داده بودند.

«- پست‌ها و استوری‌های دوست دربارہ چی هستند؟
ع، داستان مفصلی داره. آراین از سال‌ها پیش شاهین نجفی رو دوست داشت. شاهین نجفی همیشه مخالف دین و نظام بود و همیشه نقد می‌کرد نظام و سیاست ایران رو. اما رفتارهای نابهنجاری داشت و آراین هم به اون سمت کشیده شد.

- یعنی ازش تقلید می‌کرد؟

آره.

- چه طوری، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

در ابعاد مختلفی ازش تقلید می‌کرد. از ظاهر و عقاید مذهبی و خداناباوری تا عقاید سیاسی.

- از نظر ظاهری چه طوری تقلید می‌کرد؟

آرین همیشه پیگیر شاهین نجفی بود و دنبالش می‌کرد تو جاهای مختلف، مخصوصاً اینستاگرام. یه روز شاهین نجفی طبق معمول که تغییر چهره داد بود با چهره و تیپ جدیدش یه عکس پست کرد. دقیقاً دو روز دیگه دیدیم آرین عین شاهین نجفی تیپ زده و اوامد مدرسه. هم عینکش هم لباسش هم مدل موهاش عین شاهین نجفی بود. خیلی شبیهش شده بود.

- از نظر عقیده چه طوری تقلید می‌کنه؟

شاهین نجفی هر روز پست و استوری می‌ذاره و اذعان می‌کنه خداناباوره. آرین هم پستاش یا استوریاش رو ببین، می‌بینی که دائماً درگیر این قضیه هست و بر خداناباوریش تأکید داره و بعضاً به خدا و مقدسات توهین می‌کنه. اون بارها توی استوریاش به مقدسات گفته این‌ها دروغ‌اند و همین‌طور گفته همه ادیان دروغ هستند.

- واکنش بقیه دوستان خودت در این زمینه چه طور بوده؟

خیلی وقتاً سعی کردن بهش هشدار بدن حتی سعی کردن بگن حرفاش خطرناکه و ممکنه به خطر بندازتش، اما آرین به اونا هم توهین کرد و بهشون فحاشی کرد، همون‌طور که توی استوریاش چندین بار به افراد متدین توهین کرده بود.

- آرین خودش رو جزو گروه و عقیده خاصی می‌دونه؟

مطمئن نیستم، اما یادمه قبلاً تو استوریاش گفته بود، من آتئیستم مثل شاهین نجفی. اما الان می‌بینم که نمادهای شیطان پرستی رو هم می‌ذاره تو پیجش و دقیق نمی‌دونم.

- شاهین نجفی آتئیسته؟

آره، فک کنم چندین بار تو همین اینستاگرام و یوتیوب گفته.

- آرین چرا نمادهای شیطان پرستی رو توی پیجش می‌گذاره؟

آرین کلاً دوست داره عقایدش رو نسبت به چیزای مختلف بیان کنه و اون‌ها رو گسترش بده. قبلاً هم درباره و آتئیست بودن می‌گفت و می‌نوشت، الان هم که ظاهراً شیطان پرستی در دستور کارش قرار گرفته.

- عقاید سیاسی آرین چه طور هست؟

عقاید سیاسیش همون چیزیه که شاهین نجفی می‌گه. طرفدار پهلوی هم هست.

- شاهین نجفی در مورد سیاست چی می‌گه؟

مخالف جمهوری اسلامی، همه‌اش فحش می‌ده به ایران و جمهوری اسلامی. به نظر من شاهین نجفی متفکر نیست، فقط یه آدم لات و بی‌فرهنگه. همیشه هم تو رفتاراش نشون داده.

- مگه شاهین نجفی چه کار کرده؟

بارها رفتارهای تند و رادیکال و زننده با منتقدانش داشته. به همه توهین می‌کنه و انتقاد کردن بلد نیست. سواد کافی نداره. جنبه انتقاد نداره. خودش رو شرور و شرّ و شورشگر معرفی می‌کنه. حرف واضح و انتقاد واضحی نداره. به مقدسات توهین می‌کنه. به جای نقد سازنده دائماً تشویق به شورش و خرابکاری می‌کنه.

- آراین چه مطالبی در این مورد می‌گذاره؟

عجیب‌ترین پستی که دیدم ازش این بود که یه ویدیو جلوی سازمان ملل ضبط کرده بود و خودش بود و داشت درباره حکومت ایران حرف می‌زد و با اون مخالفت می‌کرد. خیلی هم از این ویدیوش استقبال شد و دیده شد.

- نقد می‌کنه یا فقط توهین می‌کنه؟

برخلاف شاهین نجفی آراین فقط توهین نمی‌کنه و بعضی وقتا رفتارای مسوولان و دولت رو نقد می‌کنه.

- گفتم آراین طرفدار پهلوی هم هست. اون این مسأله رو چه طوری ابراز می‌کنه؟

عکس‌های محمدرضا شاه پهلوی رو استوری می‌کنه، بعضی وقتا هم عکس‌های تخت جمشید رو استوری می‌کنه و روشون متن‌هایی درباره طرفداری از حکومت پهلوی و عرق ملی می‌نویسه. می‌نویسه که عاشق ایران و دوست داره به ایران برگرده و این جور حرف‌ها» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله).

برخی از مآخذ:

- آبرکرامبی، نیکولاس؛ برایان، ترنر و هیل، استفن (۱۹۸۴). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه پویان، ۱۳۶۷. تهران: چاپخش.
- الکایند، دیوید (۴). رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیاژه. ترجمه حسین نائلی، ۱۳۷۴. مشهد: آستان قدس رضوی.
- برکشلی، مهدی (۱۳۷۵). اندیشه‌های علمی فارابی درباره موسیقی تهران: پژوهشگاه موسیقی شناسی ایران. بلوی مقدم، سعید؛ اسفیدانی، محمدرحیم؛ آقازاده، هاشم؛ زندی‌پور، طیبه (۱۳۹۷). شناسایی و بررسی انواع روابط مصرف‌کنندگان با اجتماعات برند در اینستاگرام. مدیریت بازرگانی. پاییز ۱۳۹۷. دوره ۱۰، شماره ۳. بیجوانلو، عبدالله؛ یاسینی، سیده راضیه؛ جلالی‌پور، مهنا (۱۴۰۰). باز نمود پوشش زنان ایرانی سیاستمدار در شبکه اجتماعی اینستاگرام. رسانه. دوره ۳۲. شماره ۴۵.
- پیاژه، ژان (بدون ذکر تاریخ). تربیت به کج‌راه می‌سپرد. ترجمه محمود منصور و پریخ دادستان (۱۳۷۱). چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- تاجیک، فرناز؛ جلیل‌پور، جلیل (۱۳۹۸). اثربخشی تدریس با استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام در تدریس مبحث مشکلات عضلانی-استخوانی. پژوهش در زیست‌شناسی. بهار ۱۳۹۸. دوره ۱. شماره ۱.
- حسن‌پور فاطمه؛ سخاوت، یونس؛ علیخانی، پریسا (۱۳۹۷). اثرات گرایش هنرمندان به اینستاگرام به مثابه یک گالری هنری. جامعه، فرهنگ و رسانه. سال هفتم. تابستان ۱۳۹۷، شماره ۲۷.
- رضایی مهدیه؛ شبیری، سیدمحمد (۱۳۹۴). رابطه استفاده از نرم‌افزارهای وایبر، لاین و اینستاگرام با سواد زیست‌محیطی دانشجویان. فناوری آموزش (فناوری و آموزش). تابستان ۱۳۹۴. دوره ۹. شماره ۴.
- رضایی، مهدیه؛ شبیری، محمد؛ سرمدی، محمدرضا؛ لاریجانی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر کاربرد شبکه اجتماعی اینستاگرام در ارتقای سواد محیط‌زیستی دانشجویان. علوم محیطی. پاییز ۱۳۹۵. دوره ۱۴. شماره ۳.
- سیگل، دانیل جی. و برایسون، تینا (۲۰۱۸). مغز‌پذیرا: پرورش شجاعت، کنجکاوی و تاب‌آوری در فرزندان. ترجمه مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۸. تهران: آسیم.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. فصلنامه مطالعات ملی، ویژه جهانی شدن (۱). سال سوم. زمستان.

- قاسم‌زاده، سارا؛ منطقی، مرتضی و محمدی، مریم (۱۳۹۹). بررسی انگیزه‌های سوءاستفاده از کودکان توسط مادران بلاگر و سلامت روانی فرزندان آنان در فضای مجازی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان-شناختی. تابستان ۱۳۹۹. دوره ۱۴. شماره ۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۴). تفسیر المیزان. ج ۴. ترجمه محمدتقی مصباح. ۱۳۴۵. قم: دارالعلم.
- مدیر، نظام‌الدین و ملکیان، نازنین (۱۴۰۱). بررسی رابطه شبکه اجتماعی اینستاگرام با سبک مصرف مواد غذایی. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال شانزدهم، شماره اول، بهار، ۱۴۰۱.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۰). جهانی شدن، ابعاد و پیامدها. فصلنامه مطالعات ملی، ویژه جهانی شدن (۱). سال سوم. زمستان. منصور، محمود و دادستان، پریرخ (۱۳۷۴). دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی. تهران: بعثت.
- منصور، محمود (۱۳۷۸). روان‌شناسی ژنتیک. تهران: سمت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۶). راهنمای والدین در استفاده‌ی فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید: تلفن همراه. تهران: عابد.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰ الف). تأملی دوباره در تربیت دینی دانشجویان. (گزارش تحقیق). معاونت فرهنگی وزارت آموزش عالی.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰ ب). کتاب کار جوان: عشق. تهران: جامعه‌شناسان. ۱۳۹۰.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۰ ج). آموزش غیررسمی. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی چگونگی کاربری دانش‌آموزان دبستانی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه. ۱۳۹۵. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۸). نقش الگوهای جنگ در تعدیل فرومایگی اخلاقی برخی از دانشجویان. فروردین ماه ۱۳۹۸. (نشر محدود- جهت ارایه به همایش اخلاق در دانشگاه خوارزمی-).
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۹ الف). بررسی اثرات اجتماعی کاربری کودکان پیش از دبستان از تبلت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۴۰۰ الف). چند مصاحبه با کودکان پیش دبستانی درباره نقش الگوهای عروسکی- کارتون‌ی در تحولات روانی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی آنان ج ۱. تهران: بعثت.
- منطقی، مرتضی (۱۴۰۰ ب). بررسی تحول‌های روانی، فرهنگی، تربیتی نسل دهه ۹۰، جلد ۱. تهران: بعثت.
- مویر، آن و مویر، بیل (۱۹۹۹). چرا مردان اتونمی‌کشند. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. ۱۳۸۴. تهران: البرز.
- نعامی، عبدالله؛ مشبکی، اصغر؛ آتیه‌کار، غلامرضا (۱۳۹۵). عوامل مؤثر در خرید لذت‌باور از طریق اینستاگرام. تحقیقات بازاریابی نوین. تابستان ۱۳۹۵. دوره ۶، شماره ۲.
- هاجری، عبدالرسول (۱۳۸۲). فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش‌رو. قم: بوستان کتاب.
- هاید، ژانت شیلی (۱۹۹۶). روان‌شناسی زنان. ترجمه اکرم ختمه. ۱۳۸۴. تهران: آگه.
- هیوز، دانیل و بیلین، جاناناتان (۲۰۱۲). فرزندی‌پروری مغز- بنیان. ترجمه دکتر مهرناز شهرآرای. ۱۳۹۶. تهران: آسیم.

- Åberg, Erica; Koivula, Aki; Kukkonen, Iida (March 2020). "A feminine burden of perfection? Appearance-related pressures on social networking sites". *Telematics and Informatics*. 46: 101319.
- Acar, Selcuk; Neumayer, Michelle; Burnett, Cynthia (2021). *Social Media Use and Creativity: Exploring the Influences on Ideational Behavior and Creative Activity*. *Journal of Creative Behavior*, v55 n1 p39-52 Mar 2021
- Adejoh, Samuel Ojima; Adisa, Waziri Babatunde; Onome, Osigbe; Anyimukwu, Chizoba; Olorunlana, Adetayo (2020). *The Influence of Social Media on Illicit Drug Sale and Use among Undergraduates in Lagos, Nigeria*. *Journal of Alcohol and Drug Education*, v64 n2 p20-40 Aug 2020
- Ahmadi, Zahra (2021). *Effects of Using Instagram on Iranian Intermediate Autonomous/Dependent EFL Learners' Learning of Pictorial Metaphors*. *Journal of Practical Studies in Education*, v2 n5 p11-25 2021
- Allahverdi, Fatima Zehra (2022). *Relationship between Perceived Social Media Addiction and Social Media Applications Frequency Usage among University Students*. *Psychology in the Schools*, v59 n6 p1075-1087 Jun 2022
- Alsuwaida, Nouf (2022). *Designing and Evaluating the Impact of Using a Blended Art Course and Web 2.0 Tools in Saudi Arabia*. *Journal of Information Technology Education: Research*, v21 p25-52 2022
- Appel, Helmut; Gerlach, Alexander; Crusius, Jan (June 2016). *The interplay between facebook use, social comparison, envy, and depression*. *Current opinion in psychology*. 9: 44–49.
- Ardeni, Viola; Dallavalle, Sara; Serafin, Karolina (2021). *Building Student Communities in Spite of the COVID-19 Pandemic*. *Journal of Teaching and Learning with Technology*, v10 p88-102 Apr 2021
- Arifin, Zainul; Febriani, Suci Ramadhanti; Anasruddin (2021). *Using Bloom's Taxonomy in Arabic Learning Media to Elevate Students' Writing in COVID-19 Situation*. *Online Submission, Al-Ta'rib: Jurnal Ilmiah Program Studi Pendidikan Bahasa Arab IAIN Palangka Raya* v9 n1 p1-12 Jun 2021
- Ávila, JuliAnna (2021). *#MultimediaResponse: Instagram as a Reading Activity in a University English Class*. *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, v64 n5 p531-541 Mar-Apr 2021
- Bakhshi, Saeideh; Shamma, David A.; Gilbert, Eric (2014). *"Faces engage us"*. *Proceedings of the SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems*. pp. 965–974.
- Balta, Sabah; Emirtekin, Emrah; Kircaburun, Kagan; Griffiths, Mark D. (2020). *"Neuroticism, Trait Fear of Missing Out, and Phubbing: The Mediating Role of State Fear of Missing Out and Problematic Instagram Use"*. *International Journal of Mental Health and Addiction*. 18 (3): 628–639.

- Banks, Grace (April 10, 2017). "Pics Or It Didn't Happen: reclaiming Instagram's censored art". The Guardian. Retrieved May 31, 2017.
- Bare, Christian (May 2020). "The Undisclosed Dangers of Parental Sharing on Social Media: A Content Analysis of Sharenting Images on Instagram". Electronic Theses and Dissertations.
- Barry, Christopher T.; Rutter, Sharir; Anderson, Alexander C.; Schoessler, Mackenzie L.; Sidoti, Chloel. (2019). Let me take another selfie: Further Instagram post. *Psychology of popular media culture*. 8: 22–33.
- BBC News (2017). "Instagram blocks some drugs advert tags after BBC probe". BBC. November 7, 2013. Retrieved May 31, 2017.
- BBC News (2017). "Instagram 'worst for young mental health'". BBC. May 18, 2017. Retrieved May 19, 2017.
- Berr Jonathan (2018). Despite 'No Nudity Rule,' Instagram Is Chock Full of Pornography. Sep 28, 2018,02:38pm EDT. Internet.
- Berryman, Chloe; Ferguson, Christopher J.; Negy, Charles (2017-11-01). "Social Media Use and Mental Health among Young Adults". *Psychiatric Quarterly*. 89 (2): 307–314
- Best, Linda M.; Shelley, Daniel J. (2018). Academic Dishonesty: Does Social Media Allow for Increased and More Sophisticated Levels of Student Cheating? *International Journal of Information and Communication Technology Education*, v14 n3 Article 1 p1-14 2018
- Bonnevie, Erika; Lloyd, Tiffany D.; Rosenberg, Sarah D.; Williams, Kara; Goldbarg, Jaclyn; Smyser, Joe (2021). "Layla's Got You": Developing a Tailored Contraception Chatbot for Black and Hispanic Young Women. *Health Education Journal*, v80 n4 p413-424 Jun 2021
- Borrelli, Christopher (2021). "Chicago artists use boarded-up storefronts to make a creative statement and make a difference". *ChicagoTribune.com*. Retrieved December 28, 2021.
- Boyle, Sarah C.; Labrie, Joseph, w.; Froidevaux, Nicolu M.; Witkovic, Yong D. (June 1, 2016). Different digital pathsto the keg? How expousuer to peers' Alcohol- relatedsocial media content influences drinking among male and femail first- year collge student. *Addictive behaviors*. 57: 21–29.
- Brailovskaia, Julia; Margraf, Jurgen, (January 25, 2018). What does media use reveal about personality and mental health? An Exploratory investigation among German students. *Plos one*. 13 (1): e0191810.
- Brazill-Murray, Colleen Marie (2018). Adolescent Perceptions of Addiction: A Mixed-Methods Exploration of Instagram Hashtags and Adolescent Interviews. ProQuest LLC, Ed.D. Dissertation, Pepperdine University
- Breunig, Steven (2021). Language Workers and the Challenge of Digitalisation: Gaining Insight through the Social Media Skill Sharing of Professional Communication Practitioners within the US Military. *AILA Review*, v34 n1 p122-144 Sep 2021

- Brunner, Melissa; Palmer, Stuart; Togher, Leanne; Hemsley, Bronwyn (2019). 'I Kind of Figured It Out': The Views and Experiences of People with Traumatic Brain Injury (TBI) in Using Social Media--Self-Determination for Participation and Inclusion Online. *International Journal of Language & Communication Disorders*, v54 n2 p221-233 Mar-Apr 2019
- Budenz, Alexandra; Klassen, Ann; Purtle, Jonathan; Yom-Tov, Elad; Yudell, Michael; Massey, Philip (2022). "If I Was to Post Something, It Would Be Too Vulnerable:" University Students and Mental Health Disclosures on Instagram. *Journal of American College Health*, v70 n2 p615-624 2022
- Buhr, Sarah (September 1, 2017). "Hackers claim to have personal info of millions of Instagram accounts, including celebs". *TechCrunch*. Oath Inc. Retrieved December 13, 2017.
- Burgunder, Lee B. (2016). The Selfie-Made Man: A Case Study in Law, Ethics, and Instagram. *Journal of Legal Studies Education*, v33 n2 p181-233 Sum 2016
- Burnell, Kaitlyn; George, Madeleine J.; Vollet, Justin W.; Ehrenreich, Samuel E.; Underwood, Marion K. (2019). "Passive social networking site use and well-being: The mediating roles of social comparison and the fear of missing out". *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*. 13 (3).
- Büttner, Christiane M.; Rudert, Selma C. (2021). "Why didn't you tag me?!: Social exclusion from Instagram posts hurts, especially those with a high need to belong". *Computers in Human Behavior*. 127: 107062.
- Camacho-Miñano, Maria José; MacIsaac, Sarah; Rich, Emma (2019). Postfeminist Biopedagogies of Instagram: Young Women Learning about Bodies, Health and Fitness. *Sport, Education and Society*, v24 n6 p651-664 2019
- Catron, Emerald (2018). 20 Ways Your Cell Phone Harms Your Health. bestlifeonline.com March 8, 2018
- Ceballos, Natalie A.; Howard, Krista; Dailey, Stephanie; Sharma, Shobhit; Grimes, Tom (November 2018). "Collegiate Binge Drinking and Social Media Use Among Hispanics and Non-Hispanics". *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*. 79 (6): 868–875.
- Chakim, Sulkhan (2022). The Youth and the Internet: The Construction of Doctrine, Islam in Practice, and Political Identity in Indonesia. *Journal of Social Studies Education Research*, v13 n1 p217-236 2022
- Chalak, Azizeh (2021). Pragmatics of Self-Praise and Self-Presentation by Iranian EFL Learners on Instagram. *TESL-EJ*, v25 n1 May 2021
- Chaney, Beth H.; Martin, Ryan J.; Hart, Hunter; Cobb, Jordan (2022). Instagram Posts Related to Alcohol Use on College Football Game Days

- after Implementation of an Alcohol Sales Policy. *American Journal of Health Education*, v53 n1 p56-62 2022
- Cohen, Rachel; Newton- John, Toby; Slater, Amy (21017). The relationship between Facebook and Instagram appearance- focused activity and body image concerns in young woman. *Body image*. 23: 183–187.
- Coskun, Hatice (2021). Media as a Learning-Teaching Tool in the Context of Media Literacy from Turkish Language Teacher Candidates' Perspective. *International Journal of Education and Literacy Studies*, v9 n4 p93-102 2021
- Couture Bue, Amelia C. (July 2020). "The looking glass selfie: Instagram use frequency predicts visual attention to high-anxiety body regions in young women". *Computers in Human Behavior*. 108: 106329.
- Davis, Summer; Yi, Joanne (2022). Double Tap, Double Trouble: Instagram, Teachers, and Profit. *E-Learning and Digital Media*, v19 n3 p320-339 May 2022
- Demuyakor, John (2021). COVID-19 Pandemic and Higher Education: Leveraging on Digital Technologies and Mobile Applications for Online Learning in Ghana. *Shanlax International Journal of Education*, v9 n3 p26-38 Jun 2021
- Diao, Mingming; Hedberg, John G. (2020). Mobile and Emerging Learning Technologies: Are We Ready? *Educational Media International*, v57 n3 p233-252 2020
- Dincer, A. (2020). Understanding the Characteristics of English Language Learners' Out-of-Class Language Learning through Digital Practices. *IAFOR Journal of Education*, v8 n2 p47-65 2020
- Drake Baer (2014). The Psychology Behind Why Instagram Is So Addictive. Nov 18, 2014, 22:53 IST
- Er, Sühendan; Yilmaztürk, Nergis Hazal; Özgül, Tuba; Çok, Figen (2022). Parents' Shares on Instagram in the Early Days of the COVID-19 Pandemic. *Turkish Journal of Education*, v11 n1 p1-15 2022
- Erarslan, A. (2019). Instagram as an Education Platform for EFL Learners. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v18 n3 p54-69 Jul 2019
- Erickson, Kirsten S.; Eason, Angel L.; Thomas, Kathleen S.; Jenkins, Vanessa C.; Simmons, Shana D. (2021). COVID-19 Response: An Interdisciplinary Online Community Building Event to Promote Holistic Student Success. *Learning Communities Research and Practice*, v9 n1 Article 9 2021
- Fabri, T. (24 November 2019). Why is Instagram deleting the accounts of hundreds of porn stars? *BBC Trending*
- Faelens, Lien; Hoorelbeke, Kristof; Cambier, Ruben; van Put, Jill; Van de Putte, Eowyn; De Raedt, Rudi; Koster, Ernst H. W. (August 1, 2021). "The relationship between Instagram use and indicators of mental health: A systematic review". *Computers in Human Behavior Reports*. 4: 100121.

- Fardouly, Jasmine; Magson, Natasha R.; Rapee, Ronald M.; Johnco, Carly J.; Oar, Ella L. (July 2020). "The use of social media by Australian preadolescents and its links with mental health". *Journal of Clinical Psychology*. 76 (7): 1304–1326.
- Fardouly, Jasmine; Magson, Natasha R; Johnco, Carly J; Oar, Ella L; Rapee, Ronald M (2018-06-05). "Parental Control of the Time Preadolescents Spend on Social Media: Links with Preadolescents' Social Media Appearance Comparisons and Mental Health". *Journal of Youth and Adolescence*. 47 (7): 1456–1468
- Fardouly, Jasmine; Willburger, Brydie K; Vartanian, Lenny R (April 2018). "Instagram use and young women's body image concerns and self-objectification: Testing mediational pathways". *New Media & Society*. 20 (4): 1380–1395.
- Feijoo, Beatriz; Bugueño, Simón; Sádaba, Charo; García-González, Aurora (2021). Parents' and Children's Perception on Social Media Advertising. *Comunicar: Media Education Research Journal*, v29 n67 p93-103 2021
- Feltman, Chandra E.; Szymanski, Dawn M. (March 2018). "Instagram Use and Self-Objectification: The Roles of Internalization, Comparison, Appearance Commentary, and Feminism". *Sex Roles*. 78 (5–6): 311–324.
- Fidan, Mustafa; Debbag, Murat; Fidan, Basak (2021). Adolescents Like Instagram! From Secret Dangers to an Educational Model by Its Use Motives and Features: An Analysis of Their Mind Maps. *Journal of Educational Technology Systems*, v49 n4 p501-531 Jun 2021
- Filoteo, Montana; Singerhouse, Emily; Crespo-Carrión, Teodoro; Martín, Lauren (2021). Virtual Engagement of Youth in the Time of COVID-19 and Social Uprisings: Youth Voice, Sex Trading, and the Future of Engaged Research. *Journal of Higher Education Outreach and Engagement*, v25 n3 p15-33 2021
- Fioravanti, Giulia; Probst, Alfonso; Casale, Silva (February 1, 2020). Taking a short break from Instagram: The effects on subjective well-being. *Cyberpsychology, Behavior and social networking*. 23 (2): 107–112.
- Fluegel, Sabrina; King, Kendall (2022). #Workfromhome: How Multi-Level Marketers Enact and Subvert Federal Language Policy for Profit. *Language Policy*, v21 n1 p121-154 Mar 2022
- Foroughi, Behzad; Griffiths, Mark D.; Iranmanesh, Mohammad; Salamzadeh, Yashar (2021). "Associations Between Instagram Addiction, Academic Performance, Social Anxiety, Depression, and Life Satisfaction Among University Students". *International Journal of Mental Health and Addiction*. 20 (4): 2221–2242.
- Frison, Eline; Eggermont, Steven (October 2017). "Browsing, Posting, and Liking on Instagram: The Reciprocal Relationships Between Different Types

- of Instagram Use and Adolescents' Depressed Mood". *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*. 20 (10): 603–609
Frison, Eline; Eggermont, Steven (October 2017).
Fuller, Gillian (December 7, 2016). "Free the Nipple: You Need to See This Badass Instagram Account". *Allure*. Retrieved May 31, 2017.
Georgia Wells, Jeff Horwitz, Deepa Seetharaman(2021). Facebook documents show how toxic Instagram is for teens. *Wall Street Journal*. Published Tue, Sep 14 2021
Gezgin, Deniz Mertkan; Mihci, Can (2020). Smartphone Addiction in Undergraduate Athletes: Reasons and Effects of Using Instagram Intensively. *International Journal of Technology in Education and Science*, v4 n3 p188-202 Sum 2020
Gilmour, John; Machin, Tanya; Brownlow, Charlotte; Jeffries, Carla (July 2020). "Facebook-based social support and health: A systematic review". *Psychology of Popular Media*. 9 (3): 328–346.
Grosseck, Gabriela; Bran, Ramona (2016). Script towards Research 2.0: The Influence of Digital and Online Tools in Academic Research. *World Journal on Educational Technology: Current Issues*, v8 n2 p132-138 2016
Hamm, Michele P; Newton, Amanda S; Chisholm, Annabritt; Shulhan, Jocelyn; Milne, Andrea; Sundar, Purnima; Ennis, Heather; Scott, Shannon D; Hartling, Lisa (2015). "Prevalence and Effect of Cyberbullying and Children and Young People". *JAMA Pediatrics*. 169 (8): 770–7.
Harper, Rebecca G. (2021). *Write Now & Write On, Grades 6-12: 37 Strategies for Authentic Daily Writing in Every Content Area*. Corwin Literacy. Corwin
Henderson, Alesha; Miller, Carrie A.; Sutton, Arnethea L.; Guidry, Jeanine P. D. (2021). #TripleNegativeBreastCancer on Instagram. *Health Education & Behavior*, v48 n5 p567-574 Oct 2021
Hinde, Natasha (January 23, 2015). "Did Instagram Ban This Account Because of a Photo Showing Women's Pubic Hair?". *HuffPost*. AOL. Retrieved May 31, 2017.
Housiaux, Andrew (2020). Existentialism and Instagram. *Phi Delta Kappan*, v101 n4 p48-51 Dec 2019-Jan 2020
Instagram. From Wikipedia, the free encyclopedia
Ittefaq, Muhammad; Abwao, Mauryne; Ahmad Kamboh, Shafiq (2021). COVID-19 Vaccine Selfie: Why Does It Matter? *American Journal of Health Education*, v52 n6 p360-363 2021
Jarvis Tom (September 16, 2021). Harmful effects of Instagram shocking but not a surprise. *The drum network*
Jean-Francois, Sara (2021). From #BLM to the Emergence of @Blackat. *New England Journal of Higher Education*, Jul 2021

- Johnson, Andrea C.; Mays, Darren (2021). Testing the Effects of Hookah Tobacco Social Media Risk Communication Messages among Young Adults. *Health Education & Behavior*, v48 n5 p627-636 Oct 2021
- Kang, Cecilia (September 30, 2021). "Facebook Grilled by Senators over Its Effect on Children". *The New York Times*. Archived from the original on December 28, 2021.
- Kaya Yurieff (December 18, 2019). "Instagram influencers can no longer promote vaping and guns". *CNN*. Retrieved December 19, 2019.
- Kevin, L. & Skye, B. (2015). How smartphone light affects your brain and body. *Business insider*.
- Khodarahimi, Siamak; Fathi, Rayhan (April 3, 2017). "The Role of Online Social Networking on Emotional Functioning in a Sample of Iranian Adolescents and Young Adults". *Journal of Technology in Human Services*. 35 (2): 120–134.
- Lawson, Cara; Doerfert, David L.; Filson, Caryn (2021). State FFA Association Use of Instagram to Promote Membership Diversity. *Journal of Agricultural Education*, v62 n2 p97-118 2021
- Lee, Jihyeon; Azzarito, Laura (2021). Creating Thirdspace Physical Culture "for," "with," and "about" Recent Immigrant Girls: Instagram as a Space of Marginalization and Resistance. *Journal of Teaching in Physical Education*, v40 n4 p518-528 Oct 2021
- Lee, Minsum (January 2021). "Social media photo activity, internalization, appearance comparison, and body satisfaction: The moderating role of photo-editing behavior". *Computers in Human Behavior*. 114: 106579.
- Levesque, Roger, J. R. (2007). *Adolescents, media and the law*. London: Oxford press.
- Mackenzie, Erin; Berger, Nathan; Holmes, Kathryn; Walker, Michelle (2021). Online Educational Research with Middle Adolescent Populations: Ethical Considerations and Recommendations. *Research Ethics*, v17 n2 p217-227 Apr 2021
- Mackson, Samantha B; Brochu, Paula M; Schneider, Barry A (October 2019). "Instagram: Friend or foe? The application's association with psychological well-being". *New Media & Society*. 21 (10): 2160–2182.
- MacMillan Amanda (2017). Why Instagram Is the Worst Social Media for Mental Health. May 25, 2017 11:54 AM EDT
- Martzos, Theodoros G.; Dinopoulou, Pelagia; Okalidou, Areti (2021). Use of Social Networking Sites among Greek Deaf People: Communication Accessibility or Preferences? *Sign Language Studies*, v21 n2 p181-207 Win 2021
- Matthews, Miranda (2021). Expanding from the Small Screen -- Arts Practice for Affective Digital Presence. *International Journal of Art & Design Education*, v40 n3 p492-507 Aug 2021

- McCrory, Alanna; Best, Paul; Maddock, Alan (2022). 'It's Just One Big Vicious Circle': Young People's Experiences of Highly Visual Social Media and Their Mental Health. *Health Education Research*, v37 n3 p167-184 Jun 2022
- Melotti, sara (2018). Does instagram cause depression? On fakeness, ego and the distortion of reality. *Internet*. January 24, 2018
- Messner, Marcus; Medina-Messner, Vivian; Guidry, Jeanine (2016). Global Health and Social Media: Using Instagram and Twitter in an Open Online Class for Global Service-Learning Projects. *Communication Teacher*, v30 n4 p185-189 2016
- Milmo, Dan (September 27, 2021). "Facebook pauses work on Instagram Kids after teen mental health concerns". *The Guardian*. Retrieved September 28, 2021.
- Mitchell, Alanah; Benyon, Rob (2018). Teaching Tip: Adding Intercultural Communication to an IS Curriculum. *Journal of Information Systems Education*, v29 n1 p1-9 Win 2018
- Molly Callahan (2021). Why does Instagram have a negative effect on teenagers' mental health? September 21, 2021
- Mun, Il Bong; Kim, Hun (2021). Influence of fake self- presentation on mental health and deleting behavior on Instagram: The mediating role of perceived popularity. *Frontiers in psychology*. 12: 660484.
- Nagel, Tyler W. S.; Remillard, Chaseten; Aucoin, Robert; Takenishi, Akari (2018). Findings on Student Use of Social Media at the Collegiate, Undergraduate, and Graduate Levels: Implications for Post-Secondary Educators. *Journal of University Teaching and Learning Practice*, v15 n1 Article 8 2018
- Nancy Jo Sales (2013). *Friends Without Benefits*. September 26, 2013
- National survey on drug use and health (2015). (NSDUH-2015-DS0001). Treatment episode data set: Discharges (TEDS-D) | SAMHDA
- Nguyen, Terry (August 12, 2020). "PowerPoint activism is taking over your friends' Instagram accounts". *Vox*. Retrieved December 28, 2021.
- Newman, J. (2004). *Videogames*. London: Routledge.
- Odom, Summer F.; Dunn, Allison L.; Owen, Julie E. (2019). Using Social Media in the Classroom to Engage Learners in Developing as Leaders: The Personal Leadership Experiment. *Journal of Leadership Education*, v18 n3 p176-184 Jul 2019
- Ofori, Sylvia H.; Choongo, Janet; Kekop, Mario; Shah, Gulzar H.; Rochani, Haresh; Telfair, Joseph (2021). Social Media Usage and Transitioning into Online Classes during COVID-19 -- A Survey of Undergraduate Students in Georgia, United States. *International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology*, v17 n4 p67-80 2021

- Ohannessian, Christine McCauley; Vannucci, Anna (2021). Social Media Use and Externalizing Behaviors during Early Adolescence. *Youth & Society*, v53 n6 p871-893 Sep 2021
- O'Keeffe, G. S; Clarke-Pearson, K (2011). "The Impact of Social Media on Children, Adolescents, and Families". *Pediatrics*. 127 (4): 800-4
- Oliveira, David Manuel Duarte; Pedro, Luís; Santos, Carlos (2021). The Use of Mobile Applications in Higher Education Classes: A Comparative Pilot Study of the Students' Perceptions and Real Usage. *Smart Learning Environments*, v8 Article 14 2021
- Özcan, Kemal; Yeter, Selin Cansu (2022). The Relationship between Young Adults' Interpersonal Competences and Purposes for Using Social Media. *International Journal of Curriculum and Instruction*, v14 n1 p597-624 2022
- Özcan, Metin; Kirkgöz, Yasemin (2021). Turkish EFL Teachers' Perspectives on Web 2.0 Applications: Benefits and Potential Challenges. *Shanlax International Journal of Education*, v9 spec iss 2 p132-138 Sep 2021
- Ozturk, Nurhan; Bozkurt Altan, Esra; Yenilmez Turkoglu, Ayse (2021). Discussing Socio-Scientific Issues on Twitter: The Quality of Pre-Service Science Teachers' Arguments. *Journal of Education in Science, Environment and Health*, v7 n1 p72-85 2021
- Paige, Samantha R.; Stellefson, Michael; Chaney, Beth H.; Chaney, Don J.; Alber, Julia M.; Chappell, Chelsea; Barry, Adam E. (2017). Examining the Relationship between Online Social Capital and Ehealth Literacy: Implications for Instagram Use for Chronic Disease Prevention among College Students. *American Journal of Health Education*, v48 n4 p264-277 2017
- Papaioannou, Tao (2021). Media, Obesity Discourse, and Participatory Politics: Exploring Digital Engagement among University Students. *Journal of Media Literacy Education*, v13 n3 p19-34 2021
- Patel, Nilay (December 18, 2012). "No, Instagram can't sell your photos: what the new terms of service really mean". *The Verge*. Retrieved April 24, 2017.
- Perifanou, Maria; Tzafilkou, Katerina; Economides, Anastasios A. (2021). The Role of Instagram, Facebook, and YouTube Frequency of Use in University Students' Digital Skills Components. *Education Sciences*, v11 Article 766 2021
- Perloff, Richard M (2014). "Social Media Effects on Young Women's Body Image Concerns: Theoretical Perspectives and an Agenda for Research". *Sex Roles*. 71 (11-12): 363-77
- Pouwels, J. Loes; Valkenburg, Patti M.; Beyens, Ine; van Driel, Irene I.; Keijsers, Loes (2021). Social Media Use and Friendship Closeness in Adolescents' Daily Lives: An Experience Sampling Study. *Developmental Psychology*, v57 n2 p309-323 Feb 2021

- Provenzo, E. F. (1991). *Video Kids, Making Sense of Nintendo*. London: Harvard University Press.
- Ramazanoglu, Mehmet; Toytok, Esef Hakan (2021). An Investigation of Pre-Service Teachers' Motives for Using Instagram. *International Journal of Curriculum and Instruction*, v13 n1 p437-449 2021
- Sahin, Münir (2021). Opinions of University Students on Effects of Distance Learning in Turkey during the COVID-19 Pandemic. *African Educational Research Journal*, v9 n2 p526-543 May 2021
- Sakr, Mona (2020). 'It Just Opened My Eyes a Bit More': Student Engagement with Instagram to Develop Understanding of Complex Concepts. *Teaching in Higher Education*, v25 n7 p858-871 2020
- Salehudin, Mohammad; Nasir, Muhammad; Hamzah, Syeh Hawib; Toba, Rostanti; Hayati, Noor; Safiah, Intan (2021). The Users' Experiences in Processing Visual Media for Creative and Online Learning Using Instagram. *European Journal of Educational Research*, v10 n4 p1669-1682 2021
- Sánchez Loza, Dinorah (2021). Dear "Good" Schools: White Supremacy and Political Education in Predominantly White and Affluent Suburban Schools. *Theory into Practice*, v60 n4 p380-391 2021
- Sanya, Brenda N.; Odero, Phantus W. (2017). Feminist Articulations, Social Literacies, and Ubiquitous Mobile Technology Use in Kenya. *Policy Futures in Education*, v15 n3 p309-326 Apr 2017
- Sanz-Blas, Silvia, Buzova, Daniel A.; Miquel- Romero, Maria Jose (September 9, 2019). From Instagram overuse to Instagram and emotional fatigue: The mediation of addiction. *Spanish Journal of marketing- ESIC*. 23 (2): 143–161.
- Sari, Fatimah Mulya; Wahyudin, Achmad Yudi (2019). Undergraduate Students' Perceptions Toward Blended Learning through Instagram in English for Business Class. *International Journal of Language Education*, v3 n1 p64-73 2019
- Schroeder, Stephanie; Curcio, Rachele (2022). Critiquing, Curating, and Adapting: Cultivating 21st-Century Critical Curriculum Literacy with Teacher Candidates. *Journal of Teacher Education*, v73 n2 p129-144 Mar-Apr 2022
- Serpagli, Lauren Paola; Mensah, Felicia Moore (2021). Keeping up with the Digital Natives: Using Social Media in an All-Girls Science Classroom. *School Science and Mathematics*, v121 n5 p288-298 May 2021
- Shapiro, Lauren A. Spies; Margolin, Gayla (March 2014). "Growing Up Wired: Social Networking Sites and Adolescent Psychosocial Development". *Clinical Child and Family Psychology Review*. 17 (1): 1–18.
- Silvert, Colby J.; Warner, Laura A.; Loizzo, Jamie; Shellhouse, Jarred (2021). Social Media Split Testing and Message Framing: Emerging Capacities to Encourage Residential Water Conservation. *Applied Environmental Education and Communication*, v20 n4 p334-346 2021

- Tayo, Subair S.; Adebola, Solomon Temitope; Yahya, Deborah Oreoluwa (2019). Social Media: Usage and Influence on Undergraduate Studies in Nigerian Universities. *International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology*, v15 n3 p53-62 2019
- The Guardian (2021). Facebook has kept internal research secret for two years that suggests its Instagram app. Tue 14 Sep 2021 19.40 BST
- Thomas Fabbri (2019). Why is Instagram deleting the accounts of hundreds of porn stars? *BBC Trending*. 24 November 2019
- Tutgun-Ünal, Aylin (2020). Social Media Addiction of New Media and Journalism Students. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v19 n2 p1-12 Apr 2020
- Tutgun Ünal, Aylin; Tarhan, Nevzat; Muradi, Patrizia; Kurt, Ayse Sena (2021). The Adaptation of the Instagram Addiction Scale (TIAS) into Turkish: Validity and Reliability Studies. *Turkish Online Journal of Educational Technology - TOJET*, v20 n4 p76-89 Oct 2021
- Ubaedillah; Pratiwi, Damar Isti; Huda, S. Thoriqul; Kurniawan, Dwi Agung (2021). An Exploratory Study of English Teachers: The Use of Social Media for Teaching English on Distance Learning. *Indonesian Journal of English Language Teaching and Applied Linguistics*, v5 n2 p361-372 2021
- Valdivia, Andrea (2021). Digital Production on Instagram: Vernacular Literacies and Challenges to Schools. *Theory into Practice*, v60 n2 p172-182 2021
- Vedder-Weiss, D.; Fortus, D. (2011). Adolescents' Declining Motivation to Learn Science: Inevitable or Not? *Journal of Research in Science Teaching*, v48 n2 p199-216 Feb 2011.
- Vivek, Hans. (2019) The Effect of Social Media on Teenagers.
- Walton, A. G. (2017, June 30). 6 Ways Social Media Affects Our Mental Health. Retrieved September 23, 2017, from Forbes website: <https://www.forbes.com/sites/alicegwalton/2017/06/30/a-run-down-of-social-medias-effects-on-our-mental-health/#75da74542e5a>
- Weinstein, Emily (2018). "The social media see-saw: Positive and negative influences on adolescents' affective well being". *New Media & Society*. 20 (10): 3597–3623
- Wells, Georgia; Horwitz, Jeff; Seetharaman, Deepa (September 14, 2021). "Facebook Knows Instagram Is Toxic for Teen Girls, Company Documents Show". *The Wall Street Journal*.
- Wilksch, Simon M.; O'Shea, Anne; Ho, Pheobe; Byrne, Sue; Wade, Tracey D. (January 2020). "The relationship between social media use and disordered eating in young adolescents". *International Journal of Eating Disorders*. 53 (1): 96–106.
- Yang, Chia-chen; Lee, Yen (2020). Interactants and Activities on Facebook, Instagram, and Twitter: Associations between Social Media Use and Social

Adjustment to College. Applied Developmental Science, v24 n1 p62-78
2020

Ye, Sofie; Hartmann, Rafael W.; Söderström, Marcus; Amin, Mohammad
A.; Skillinghaug, Bobo; Schembri, Luke S.; Odell, Luke R. (2020). Turning
Information Dissipation into Dissemination: Instagram as a Communication
Enhancing Tool during the COVID-19 Pandemic and Beyond. Journal of
Chemical Education, v97 n9 p3217-3222 Sep 2020

Yesilyurt, Ferahim; Solpuk Turhan, Nihan (2020). Prediction of the Time
Spent on Instagram by Social Media Addiction and Life Satisfaction.

Cypriot Journal of Educational Sciences, v15 n2 p208-219 2020

Zagorski, Nick (2017). "Using Many Social Media Platforms Linked with
Depression, Anxiety Risk". Psychiatric News. 52 (2): 1